

انتشارات دانشگاه تهران

۱۸۱

فهرست

کتابخانهٔ اهدائی آقای سید محمد مشکوة

به

کتابخانهٔ دانشگاه تهران

جلد سوم

بخش دوم

کتابهای تاریخ فلسفه، پزشکی، ریاضی وهنرهای شگفت‌انگیز وافزارهای علمی

نگارش

محمد تقی دانش پژوه

۱۳۳۲

چاپخانهٔ دانشگاه

فهرست گفتارهای این دفتر

این دفتر بخش دوم جلد سوم است از فهرست کتابهای کتابخانه ایکه فرزانه ارجمند و استاد دانشمند دانشگاه تهران جناب آقای سید محمد مشکوة بیرجندی بدانشگاه تهران اهدا کردند و از این راه کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران را بنیاد گذاردند. بیگمان از اینکار پسندیده و بسیار نیکوی ایشان همهٔ ایرانیان و هر کس که جویای دانش و هنر است خرسند و سپاسگزار میباشد. این کتابخانه در سالیان دراز گرد آوری شده است و همهٔ کتابهای آن دارای برتری و مزیتی است که گواه برداناتی و آگاهی گرد آورندهٔ دانشمند آن تواند بود و میتوان مزایای کتابهارا چنین شمرد :

۱ ـ نسخه‌های شاهانه با آرایشهای دلپسند ۲ ـ متنهای نادر فلسفی و کلامی ۳ ـ متنهائی که در روزگار مؤلف نوشته شده است ٤ ـ نسخه‌هائیکه دارای خط دانشمندان یا بلاغ و اجازهٔ آنهاست ٥ ـ متنهای اخبار که دانشمندان تصحیح نمودند ٦ ـ متنهای چاپ نشده ۷ ـ متنهای فقهی بخط مؤلفان ۸ ـ ترجمهٔ پارسی متنهای فلسفی و ادبی و فقهی و اخبار .

این بخش از فهرست مربوط بکتابهای تاریخ فلسفه و پزشکی و ریاضی و هنرهای شگفت انگیز و افزارهای علمی است و از چگونگی ۳٤٤ کتاب در ۳٦۰ نسخه در آن سخن رفته است .

دیباچه

یادآوری

شماره‌اینکه در آغاز سطر و برابر نام کتاب میان دو کمانه دیده میشود شمارهٔ کتابی است که در این فهرست آمده و پس از شناساندن کتاب شماره نسخه‌ها می‌آید که در میان سطر نوشته شده و نسخه‌هایی از آن شناسانده میشود در همین جا در گوشه راست شماره‌ای درشت‌تر و سیاه‌تر هست که نمایندهٔ شمارهٔ ثبت نسخه در این کتابخانه میباشد و با این شماره باید کتاب خواسته شود. این شماره دفتری را میرساند که کتاب و نسخه مورد بحث شاید همه آنرا گرفته باشد یا اینکه یکی از رساله های مندرج در آن دفتر و جنگ و مجموعه بشمار آید که در هنگام شناساندن نسخه شمارهٔ رساله و شماره برگ آن در همین دفتر نیز گفته شد.

در دیباچهٔ بخش نخستین سخنی چند دربارهٔ فهرست نگاری آورده‌ام اینك نیز این چند سطر نوشته میشود :

در مجلة المجمع العلمی العربی دمشق ش ۳ سال ۲۳ تاریخ ۲۴ شعبان ۱۳۶۷ گفتاری دربارهٔ کاغذ آمده و ترجمهٔ پارسی آن در ش ۹ و ۱۰ سال ٤ مجلهٔ یادگار ص ۹۵–۱۲۸ تاریخ خرداد و تیر ۱۳۲۷ خورشیدی (ژوئیه و ژوئن ۱۹٤۸) دیده میشود .

از فهرستها که نوشته شده این دفترها را هم میتوان یاد نمود :

فهرست بزرگی که جابر حیان درباره نگارشهای فلسفی و کیمیائی خود نوشته و فهرست کوچکی که او نوشته‌های کیمیائی خود را در آن برشمرد (ص ۱۰۱۳ همین بخش) و فهرست سومی هم برای نگارشهای خود دارد (ص ۱۰۲۶)

همچنین فهرست رازی پزشك برای نگارشهای جالینوس (ص ۲۸۵ سرگذشت رازی از دکتر نجم آبادی) و فهرست دانشمند بیرونی برای نوشته‌های رازی و خود او که بچاپ رسیده و فهرست ابن رضوان برای نگارشهای جالینوس (تفسیر اربع مقالات ش ٤۷٤ در ص ۸۶۲ این بخش) .

از فهرستهای چاپ شدهٔ فارسی فهرست کتابخانهٔ دولتی تبریز است که جلد یکم آن کتابهای فارسی و تازی چاپی را میشناساند (۱۳۲۷ خ در ۱۶۱ ص رحلی) جلد دیگر فهرست خطی آنجا است و کتابها در آن در ۱۵ بخش گذارده شده و از آقای محمد نخجوانی میباشد (چاپخانه شفق تبریز ۱۳۲۹ خ در ۳۱۹ ص خشتی) .

از فهرستها که خوانده‌ام و در نگاشتن این دفتر از آنها بهره برده‌ام گذشته از تاریخ ادبیات بروکلمن و فهرست ریوو بلوشه و قاهره و موصل و فهرست کتابهای پارسی و تازی که در این یکی دو سال در کشور شوروی بچاپ رسیده باید این چند دفتر را برشمرم یکی «ابن سینا» از دکتر قاسم غنی است (چاپ دبیرخانهٔ فرهنگستان ایران در ۱۳۱۶) دیگری هم «ابن سینا — بحث و تحقیق» از محمد کاظم الطریحی (چاپخانهٔ الزهراء نجف $\frac{۱۳۶۹}{۱۹٤۹}$) که دربارهٔ کتابهای ابن سینا بررسی نمودند. آقای خراسانی در دیباچهٔ خود بر «دانشنامه» نیز نگارشهای ابن سینا را برشمرد و نسخه‌ها که دید نشان داد .

این فهرستها هم در هنگام نگارش در پیش چشم بود: کتاب المخطوطات العربیة لکتبة النصرانیة از اب لویس شیخو یسوعی چاپ بیروت در ۱۹۲٤ که سرگذشت نگارندگان

مسیحی و نوشته‌های تازی خطی و چاپی آنهارا میشناساند و بسیار سودمند است(۱) وجولة فی‌دورالکتب‌الامیرکیة از کورکیس عوادچاپخانهٔ الرابطة بغداد در ۱۹۵۱

---

۱ ــ برای‌نمونه این نکته یادمیشود : دانشمندسیداحمدبن‌زین‌العابدین‌عاملی(م میان ۱۶۴۴/۱۰۵۴ و ۱۶۵۰/۱۰۶۰) کتابی درخرده گیری از ترسایان بپارسی دارد بنام«مصقل‌صفا در تجلیهٔ وتصفیهٔ آینهٔ‌حق‌نما(ش ۷۱۵ مجلس) یا«مصقل‌فی‌تجلیهٔ آینهٔ‌حق‌نمافی‌ردمذهب‌النصاری» چنانکه درحاشیهٔ خودبرشرح تجرید بنام «خظیرةالانس من‌ارکان ریاض‌القدس» ازاین‌ودو کتاب پارسی‌دیگردرخود دررد برترسایان‌ویهودان‌یادنمود(ص۲٤۹همین‌فهرست‌ما)عاملی آنرادر ۱۶۲۲/۱۰۳۲ برای شاه‌صفی صفوی نوشته است. ازفهرست یسوعی ص۱۵٦و۱۷٤ برمیآیدکه کشیش جیروم کساویه یسوعی (م۱٦۱۷) فرستادهٔ بدربار مغول وترجمان پارسی انجیلها کتابی‌بنام «المرآةالمرئیة للحق» گویا بفارسی دراثبات آئین‌مسیحی دارد واحمدشریف بن زین‌العابدین فارسی اصفهانی دربرابر او«صاقل‌المرآة» نوشته است. غوادنیولی یا کوادانولس(Guadagnoli) آب‌فیلوس راهب فرنسیسی (م ۱٦٥٦ دررم) درخرده گیری ازاواین دفتر «اجابةالقسیس‌الحقیر کوادانولوس الی احمد الشریف‌بن زین‌العابدین الفارسی‌الاصبهانی» پرداخت ودررم بسال۱٦۳۷ بچاپ‌رساند ودر ۱٦٤۹ هم آنرا بنام «براهین مختلفة فیماهواشریعةالله‌بالحق» ازنوچاپ کرد . ازسنجش همهٔ اینها برمیآیدکه باید «مصقل» همان «صاقل‌المرآة» بوده ودر رد«المرآة» جیرم نوشته شده‌باشدواحمد عاملی‌همان‌است که‌فارسی وسپاهانی خوانده‌شده و کوادانولوس ازاوخرده گرفت وپاسخ خودرا درروزگاراوچاپ کرد بااینهمه بایدخود «مصقل» راخواندویا«المرآة»و«اجابة» سنجید وبهترراهنمائی شد .

درص۶۲۹اینفهرست ازگفتگوی امام رضا(ع) باجاثلیق ورأس‌الجالوت و رهبران صابئی وهیربد ونسطاس رومی ومتکلمان بابودمامون نزدیك به ۲۰۱/۸۱٦ یادگردید. ازاین فهرست یسوعی‌ص۲۳ برمیآیدکه ابوقره تاودوروس اسقف ملکی حران (۷٤۰ــ۸۲۰م) هم دربود مأمون‌بارهبران وپیران مسلمان‌دربارهٔ اثبات‌آئین مسیحی گفتگوها نموده است ونسخه آنها درپاریس وواتیکان‌هست. پیداستکه این گفتگو های بزرگان آئین اسلام و ترسائی‌ازهم‌بیگانگی ندارند وارزش تاریخی‌آنهارا نبایدفراموش نمود. درص٤۳آنجا دارد که انسطاسیوس سینائی قدیس رهبرطورسینا (م نزدیك ۷۰۰م) نامه‌ها و گفتارهای دینی‌دارد ونسخه‌های‌آنها هست پس بایدواژهٔ «نسطاس» کوتاه شدهٔ«انسطاسیوس» باشد

که کتابخانه‌های امریکا و پاره‌ای از نسخه‌های پارسی و تازی آنجارا میشناساند . همچنین فهرست دانشگاه قدیس یوسف بیروت بفرانسه و عربی در ۱۹۵۱ که برای شناختن چاپیها سودمند میباشد .

در نگارش گفتار نهم از فهرست سیگل (Alfred Siggel) بزبان آلمانی در بارهٔ کیمیای خاوری چاپ ۱۹۵۰ برلین نیز سود برده ام و نام آن چنین است « katalog der Arabischen Alchemistischen handschriften Deutschla- nds ... Bibliothek zu Gotha »

و بسیار سودمند میباشد وسیگل در بارهٔ هر کتابی گذشته از آوردن نمونه هائی از آن و نشان دادن چندین نسخهٔ آن بررسی کرده ودانشمندان و کیمیاگران وفلزها وسنگها که در آن نام برده شده یاد نمود واین خود بهترین راهی است برای شناخت درست کتاب و میتوان گفت که فهرست سیگل ازاین رهگذری مانند میباشد .

در بارهٔ بررسی از کتابها وروشی که دراثبات درستی یانادرستی استناد کتاب بیک دانشمند پیش گرفته شد نیزاین دفتررا برای نمونه نام میبرم و آن : « سماء المقال فی تحقیق علم الرجال » ازحاج میرزا ابوالهدی کلباسی اصفهانی م ۱۳۵٦ چاپ چاپخانهٔ حکمت قم در $\frac{۱۳۳۲}{۱۳۷۲}$ میباشد و در آن از فهرستها وسرگذشتنامه‌های ابن الغضائری و کشی وطوسی و نجاشی وحلی و ابن داود گفتگو شده و باندازه‌ایکه میباید بررسی گردید .

نگارنده و گردآورندهٔ فهرست : محمد تقی دانش پژوه

تهران — آغاز شهریور ۱۳۳۲ خورشیدی

خواهشمند است پیش از خواندن این فهرست، غلط زیررا درست نمائید
که شمارهٔ نسخه در کتابخانه است .

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۸۹۷	۳	۹٤۷	٤۹۷

گفتار ششم

تاریخ فلسفه

قاضی اکرم وزیر جمال‌الدین ابوالحسن علی بن یوسف قفطی مصری (٥٦٨-
٦٤٦) در بیت‌المقدس و حلب بسر میبرده و کتابخانهٔ گرانبهائی داشت که بهای آن به
پنجاه هزار دینار میرسید. او دفتری در تاریخ فرزانگان یونانی و خاوری بنام «اخبار
العلماء باخبار الحکماء» یا «کتاب تاریخ الحکماء» نگاشته است. ایندفتر را محمد بن
علی بن محمد خطیبی زوزنی در رجب سال ٦٤٧ گزین و کوتاه‌ساخت و همین است که در
برخی نسخه‌ها بنام «المنتخبات الملتقطات من کتاب تاریخ الحکماء» یا «مختصر کتاب
تاریخ الحکماء و الفلاسفة» یادشده و سر گذشت ٤١٤ تن فیلسوف و دانشمند در آن
آمده است. این گزیده بسیار سودمند نادرستی‌هائی هم دارد که در برابر آگاهیهائی
که بما میدهد بسیار ناچیز میباشد (گاهنامهٔ سال ١٣١٠ خ ص ٩٣- تهرانی در اینجا
می گوید که من آنرا بسال ١٣٤١ بپارسی در آوردم).

یولیوس لیپرت I. Lippert در لایپتسیك بسال ١٩٠٤ آنرا بچاپ رساند و در
مصر نخستین بار بسال ١٣٢٦ نیز چاپ شد. در بمبئی بسال ١٣٠٤ کتابی بنام تاریخ قدیم
یونان و تاریخ حکماء فلاسفه یونان بچاپ رسید که نیمهٔ نخستین آن ترجمه است از
انگلیسی و در نیمهٔ دوم از تاریخ حکماء قفطی بهره بردند و گزیده آنرا بپارسی کردند.

این گزیده زوزنی را کسی بدستور میرزا محمد ابراهیم مستوفی به پیشنهاد
برخی از بزرگان در روزگار بهادرخان شاه‌سلیمان صفوی حسینی (١٠٧٧-١١٠٥)
بپارسی در آورد و در شب یکشنبه ٤ ج ١ سال ١٠٩٩ پاکنویس آنرا بپایان رساند. در
دیباچهٔ همین پارسی دارد که متن نزدیك بسال ٦٤٧ بنگارش در آمد و از قفطی است
و میگوید که من یگانه نسخه دردست داشتم که بسیار نادرست بود از این روی من
در برخی جاها آنچه از روی قرینه برمیآمد نوشتم و شعرهارا نیز انداختم.

آغاز: قیمتی‌تر گوهر سخنی که غواص قوت نطق و بیان از تك عمان تعمق و

امعان درصدف کف جستجووبرساحل لب گفتگو آرد نثاردو آمد حمدوثنای یگانهٔ ایزد قدیم ... مصنف بعد بعدازحمد وثنا میگوید علمارا اختلاف است در آنکه کی است اول کسیکه درحکمت نظری... سخن کرد .

انجام : ودرآخر آن باین عبارت نوشته کتب علی بن رضوان بن علی بن جعفر

٥ لنفسه . والحمدلله وقع بتیسیرالله .. الفراغ عن اخراج تلك الترجمة من السواد الی البیاض علی یدمترجمها لیلة الاحد الرابع من شهرجمادی الاولی سنة تسع وتسعین بعد الف فالحمدلله حمدا کثیرا والصلوة علی محمدوآله تسلیما شایعا مستطیرا تم (بلغ مقابلة بعون الله تعالی ــ بخط واقف) .

[۹۲۱]

١ این نسخه بخط نسخ باعنوانهای شنگرف میباشد ودو برگ نخستین آن دارای

٤٢٤ جدول زرین وشنگرف ولاجورد است. نسخه ایست مقابله شده بادو نسخه بوسیلهٔ واقف محترم و نسخه بدلها درهامش آمده است دو نسخه ازاین پارسی درمجلس (ش٥٣٥و٥٣٦) ویکی درطوس (ج٣ش١٠ تاریخ ص٧٦) هست ویکی دردفتر ش١٥٥٩ سپهسالار که پس از آن سر گذشت شرف الدین اسماعیل گرگانی بتازی در آن

١٥ نوشته شده .

(١٩١ص) ــ کاغذ سپاهانی ــ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی
اندازه : ١٥×٥ر٢٣ و٥ر٩×١٦ س١٩

[٧٦٧-٧٦٨] ترجمهٔ نزهة الارواح وروضة الافراح (فارسی)

نزههٔ شهرزوری را دو ترجمهٔ پارسی هست .

٢٠ ١ ــ ازمقصود علی تبریزی بسال ١٠١١ درهند که متن را درست بپارسی برگرداند مگر دربرخی جاها که افزود یاکاست .

نسخه‌ای ازاین در دیوان هند (ص١٤١ ج٢) ودرلندن بنشانهٔ Or.4658.I و در دانشگاه پنجاب هست (قزوینی درسر گذشت ابوسلیمان ص٣ ــ دیباچهٔ تتمه ص ی)

[۹۲۲]

٢٥ ٤٢٧ این نسخه بخط نستعلیق باعنوانهای شنگرف میباشد ازآغازافتاده دارد ودربرگ ١ وصالی شده وسطر روی وپشت آن بریده شده کاغذ دیگری روی آن چسبانده‌اند .چنین

است آغاز آن : «... بودندورای ایندو حکیم اینستکه‌مبداء موجوداتی که مخلوق گشته است متشابه الاجزاء است» . درسرگذشت فوثاغورس برابر یادوسطر آخر گ ٥ الف نسخهٔ ش ٨٥٦ که بدین گونه است : «ثم کان بعده‌الفیثاغورس فلازمانیوس و کان یریان ان مبدءالموجودات التی خلقها الباری هوالمتشابه‌الاجزاء» . ٥

انجام بدینگونه‌است: وراضی نساخت اورا چیزی همچو رضا . تمام شد بتوفیق الله جل‌جلاله وعم‌نواله . درود بی‌پایان برمحمدمصطفی وآله‌المرتضی باد (پایان سرگذشت سهروردی) .

(۲۱۹۰۳) — کاغذ سمرقندی — جلد تیماج سبز ضربی با ترنج وحاشیه گل و گوشه بزرگ زرد

اندازه : ۱۲٫۵ × ۲۰٫۵ و ۷ × ۱۵ س ۱۷ ١٠

۲ — ترجمه‌ایست کوتاه و گزیده و گلچینی است بپارسی ازنزههٔ شهرزوری وبسیاری ازسخنان اودرآن نیامده است .

دردیباچه سخنان پیامبر وپیشوایان درستایش ازحکمت آمده و دارد که فیلسوفان شاگرد پیامبران عبرانی بودند پس ازروشن ساختن پایه وریشهٔ دانشها سخن ابومعشر درآن آمده که شاهان ایران دانشهارا درپوست خدنك که آنراتوز ١٠ میگویندنویسانیده وآندفترها رادرسپاهان گذاردند. صاحب بن‌عمید درزیرباروی شهرسپاهان صندوقهائی پرازدفتریافته وآنهارابیغداد فرستاد(۱) دراین‌جا یادی از آمدن دانشهای یونانی بکشور های اسلامی شده و پند های هرمس در آن دیده می شود .

آغاز: بسمله. سپاس‌وستایش‌حکیمی راکه‌اول بی‌اول‌است. قاصر ازدریافت ٢٠ جلال اوعقلهای عاقلان ... امابعد چنانچه طالب بصیرت را دانستن تواریخ حکمای پیشین وعلمای متالهین از ضروریات است ؛ معرفت کلمات وسنن ایشان نیز از واجبات است .

انجام : حقتعالی همگانرا ازاین‌دوصفت بهره‌مندی دهاد .

---

۱ — بنگرید به : ابن‌ندیم ص ٦ — ٣٣٤ وشهرزوری گ ١٠ب — ١١ب که از او گرفت . ٢٥

[۹۲۳]

۲۸۳ این نسخه شماره۱ دفتر وبخط نسخ تاریخ ۱۲۸۶ میباشد. عنوانها شنگرف و نام دانشمندان دربرخی جاها نوشته نشده سفید گذارده‌اند. گ۱ب-۷۶ الف.

[۹۲۴]

۵ این نسخه شماره۱۵ دفتراست وبخط نستعلیق چلیپا بانشانه‌های شنگرف . گ
۱۰۳۸ ۱۰۷ب - ۱۱۳ الف وبدینجا پایان میابد : هشتم ازپسران ساده روی و زنان خـودآرا دوری گزینند . والسلام (برابر با گ۱۹ب ش ۲۸۳ پایان سرگذشت سقراط) .

[۷۶۹] جواهر الاخبار (فارسی)

۱۰ علی‌اکبربن عبدالعلی کرمانی در۱۲۴۸ دراین نامه‌که « جواهرالاخبار » نامیده است نخست سرگذشت پیامبران سپس فیلسوفان یونان‌را آورده اودر آغازسرگذشت فرزانگان از تاریخ حکمای امام شمس‌الدین محمد شهرزوری مولف تاریخ حکما (۲۲۱ب)و گاهی ازحمدالله مستوفی(۲۲۳الف)وروضة‌الصفا یادمیکند .

آغاز: آورده‌اند که‌بعد از بیرون آمدن ابراهیم .

۱۵ انجام : بوذرجمهر اعلم حکماء زمـان خود بود ... اصل‌حکمت سه چیزاست تواضع ... وسخاوت ... وخدمت بی‌طلب . والحمدلله‌والمنة که ... جواهراخبار ... درسلك نظام‌وانتظام یافت وخامهٔ بسندیده ارقام بقدرامکان درتصحیح این‌روایات صحت آیات اهتمام نموده . حرره‌علی اکبربن عبدالعلی کرمانی فی‌سنه۱۲۴۸ .

[۹۲۵]

۲۰ ۸۸۹ این نسخه شماره٤ دفتر وبخط نستعلیق بانشانه های شنگرف میباشد نامها و عبارتهای تازی بشنج‌درشت وزیرخط سرخ و نویسندهٔ نسخه همان نگارندهٔ‌نامه است . گ۱۸٤ الف - ۲۲۶ ب .

[۷۷۰] داستان خوارزم رفتن رازی (فارسی)

حسن واعظ سروری در این جا داستان بخوارزم رفتن امام رازی و رسیدن او
۲۵ بنزد خوارزمشاه و گفتگوی اوبا شیخ‌نجم‌الدین کبری درباره دلیلهای اثبات‌خدارا گزارش میدهد .

داستان : رازی بخوارزم که رفت خوارزمشاه علاءالدین اورا گرامی بداشت وخانه‌ای بدوداد ودانشمندان‌نزدش‌میآمده ازدانشش بهره می‌بردند .اودرهمه‌هنر ها ازمعقول ومنقول وریاضیات‌وفلسفه سخن‌میگفت. توده‌مردم‌هم خواستند که‌امام بآنها بپردازد یاپرسشهای آنان پاسخ گوید یاانجمنی سازند ورازی در آن مردم‌را پند واندرزدهد. اوپاسخ پرسشها را بعهده فقیهان گذارد وبذیرفت که برای آنها سخن گوید. روزنخست که‌درباریان وگرانمایگان در آن انجمن بودند گفت‌بایستی خدابرا بدلیل‌شناخت وبیشتر نادانان‌پیروی کورکورانه بس کردند ومن‌هزاردلیل دارم ودرآن‌جا نزدیک‌صددلیل ببیانی شیوا آورد وبرخی‌ازشاگردان قطب‌الاقطاب نجم‌الدین ابوالجناب‌الکبری‌در آنجا بودندواین سخنان‌را بشیخ‌رساندند. وی‌فرمود کاشکی مانیز بودیم واز آن گفتارها بهره می‌بردیم. داستان‌را رازی بشنید خودنزد شیخ‌آمد . شیخ بدو گفت مارا چندان سرقیل‌وقال وپروای‌بحث وجدال نیست‌اگر یکی از آن هزار را که برترباشد وروشنتر بیاوری مایهٔ سپاسگزاری مامیباشد. رازی یکی را گفت شیخ از آن خرده گیری نمود وگفتگوی آندو بجائی نرسید. رازی چون‌دید براوچیره نگشت نژندشدشیخ بدو گفت اکنونکه دلیل‌را ازدست داده‌ای مداول نیزازدستت برفت ودلیلی را باید جست که هیچگاه ازمیان نرود . رازی‌را خشم بگرفت پرسید توخدارا ازچه‌راه شناخته‌ای :شیخ گفت بآنچه راکه باندرون‌دلم‌دررسیدو بآنچه‌بچشم‌خرددیده‌ام رازی گفت‌این‌ها راهنمای‌من‌نخواهند بود. شیخ گفت‌چه‌شد که زبان خودندانی‌ازمن‌پرسیدی ازچه‌راه شناختهٔ ونگفته‌ای بچه راه مرامی‌شناسانی . رازی‌بسیار آزرده گشت وپرسید مراچگونه آشنای خدا می گردانی پاسخ دادبدینکه هرچه‌توانی بکوشی‌وخودرا ازهستی بپیرائی ودیدار نیز ازخود برگیری. باری رازی‌پیرو شیخ گشت وازاومیآموخت وپرورش‌میگرفت وشیخ همان نگران اوبودو گاهی رازی‌بیاد دانسته‌های پیشین‌خویش میافتاد وشیخ اورا آگاه میساخت که ره‌چنین نیست ومیگفت :

هرگز نتوان‌یافت هدایت بهدایه کان‌نکته که‌اصل‌است‌بگفتار نشدحل

کی کشف میسر شود از گفتن کشاف   در بحث مقامـات مقامات محصل .

چون رازی را یارای این نبود ببهانه‌ای از نزد شیخ بیرون آمد وروی بهرات نهاد.

آغاز: هومن تصانیف حسن واعظ سروری ـ نقلست که چون امام ائمهٔ اسلامی ممهدقواعد شرایع واحکام...امام فخرالدین الرازی...دیارخوارزم...رابقدوم شریف مشرف ساخت .

انجام : اکثرمقالات متقدمه درین کلمات مدرج است. والعاقل یکفیه‌الاشارة .

[۹۲۶]

۱۰۳۵ این نسخه ش۲۵دفتراست وبخط نستعلیق‌چلیپادرجدول‌شنگرف‌ولاجورد میباشد ص۲۲۲ـ۲۲۳درص۲۲۴گفته‌های شیخ اقـرائی‌ودیگران‌است‌درباره‌نشانه‌های آبستنی وسترونی.درص۲۳۲چندبیتی است ازابن‌سینا .

[۷۷۱]   سر گذشت ابقراطس   (فارسی)

ابقراطس یاهیپوکراتس پزشك نامور یونان کسی استکه پزشکی را از خاندان دینی رهانده دردسترس همگان گذاشت و آنرا ازفلسفه هم‌جداساخت .

سرانوس اورا از خاندان اسکولاپیوس دانسته وپدرشرا هراکائیدس نامید . او درشهر کوس (قوس یاقو Cos) بسال ۴۶۰ پیش ازمسیح زاده و۹۵سال بزیست ودر لاریسا در گذشت .

ارتخشتره یااردشیر هخامنشی (۴۶۵ـ۴۲۵) ارمغانهائی نزدش فرستاده و از او درخواست که بدربار اورود. وی نپذیرفت و گفت که من‌دوست دارم هم‌میهنانم ازدانش من بهره برند نه دیگران. افلاطون در پروتاگراس (311a) از او یاد نمود (۱)

۱ـ برای سر گذشت ابقراطس بنگریدبه: ابن‌ندیم‌ص۴۰۰ وقاضی صاعدص۴۲ وقفطی ص۶۴ وخزرجی ج۱ص۲۴وشهرزوری گ۸۳الف وتاریخ حکمای فلاسفه ص۴۱ چاپ ۱۳۰۴بمبئی وتاریخ پزشکی بفرانسه از R.Dumesnil ص۲۷وهمچنین‌ترجمه‌های قفطی‌وشهرزوری‌ومحبوب‌القلوب‌اشکوری‌ص۴۵ـ نام‌پدران‌اودرهندبیرونی‌ص۱۹۰ یادشد. نام این پادشاه‌ایرانی درقفطی اردشیرنیای دارای پسردارا ودرابن ندیم وخزرجی

بقیه حاشیه در صفحه بعد

این گفتار پاره‌ایست ازسرگذشت ابقراطس وسخنان او وبیشتر آن‌درخزرجی(ج ۱ ص۲۸) وشهرزوری (گ۸۵الف) ومحبوب‌القلوب ص۴۸ـ۵۰ بتازی دیده میشود و آغاز آن ترجمهٔ گفتار مبشربن فاتك است درمختارالحکم ومحاسن الکلم که در این‌دفترها آورده‌شد.

آغاز: که بقراط مردی چهار دانکه سفیدرنك خوب صورت صاحب چشم شهلا واستخوان غلیظ. ۵

انجام: هرکه خواهدازاو باشد بایدنخواهدچیزیرا که میسرنشود واگرچنین نکند بندهٔ آن چیزخواهد بود وآنحکیم را (کلمات) حکمت‌آمیز بسیار است که این رساله گنجایش ندارد.

[۹۲۷] ۱۰

۲۸۳ این نسخه شماره۸ دفترو بخط نسخ۱۲۸۸ میباشدگ۹۶ب ـ ۹۹الف.

[۷۷۲] **سرگذشت قطب نیریزی** (فارسی)

رضا قلیخان هدایت دراین نامه سرگذشت قطب نیریزی را آورده است.

آغاز: بسمله. فخر العارفین‌وقدوة‌المکاشفین زین‌المتالهین قطب‌الدین محمد الحسینی ... نسبش به‌بیست وسه واسطه بحضرت ... زین‌العابدین ... میرسد. ۱۵

انجام: بعضی‌ازین‌مثنویات‌رادرتذکره‌ریاض‌العارفین‌مرقوم‌داشته‌ام.والسلام.

[۹۲۸]

۳۶٤ این نسخه شماره۱ دفتراست وبخط شکستهٔ خوش با عنوانهای شنگرف از دارندهٔ نسخه احمدبن محمد بسال۱۲۸۳ درتبریز که دردنبال آن ازریاض‌العارفین میستاید ونام وتخلص نگارندهٔ آنرا یاد میکند که هردو راپاك کردند. بازمی نویسد که این‌را درروزگارنگارنده (هدایت) نوشته‌ام. مهرهمین احمدبن‌محمد در کنار گ۱۳الف دیده میشود. گ۱ب ـ ۱۳الف. ۲۰

بقیه حاشیه ازصفحه قبل

یکجا (ج۱ص۲۷) بهمن پسراردشیر ودرجای دیگر(ص ۳۳) ارطخشت بزرگ و در شهرزوری هم‌بهمن پسراردشیرپادشده است اوباز میگوید که وی درروزگار بهمن واسفندیار پسرگشتاسب میزیست. بیرونی در فهرست ص۲۳ ازتفسیرجالینوس برعهود ابقراطس آورده که‌اردشیرپسربهمن‌یا ارطخشست‌درازدست‌باختریان‌اورا‌ازفرما نروای فوخواسته بود. ۲۵

[٧٧٣] **سفارشنامه داماد** (فارسی)

فرزانـه فیلسوف داماد استرابادی در این سفارشنامه پسر روحـانی خود امیر سید احمد و نورا محمداصفهانی کمالی وشیخ محمد سعید راوصی خویش کرد . او بشیخ محمد سعید بیشتر ارج مینهد . فیلسوف بآنان سپرد که پنجاه تومان تبریزی
٥ ازخواستهٔ اورا برای گذاردن حج و نماز وروزه دهند وسه‌یك آنرا از کتاب و جز آن درراه خدا ببخشند وسی‌تومان بزهره کنیز آزادکردهٔ (معتقه) او وسی تومان بحاجی نوروز وبیست تومان بملاطالب دهند . ازخانهٔ او که درشیخ یوسف بنادر سپاهان هست آن بخش که کتابخانه است از آن زهره است و آن بخش که حاجی نوروزمی‌نشیند ازبالا وپائین از آن خودآن حاجی نوروزمیباشد و آنچه می‌ماند از
١٠ آن فرزندش ام‌البقا است . زهره درستکار است وهرچه بگوید بپذیرند . او این سفارشنامه را در روز دوشنبه درحائر حسینی (کربلا) در ٢٠ شعبان ١٠٤٠ نگاشته است .

آغاز: ویشهد عبدالله ... محمدیدعی باقر الداماد انلااله‌الاالله ... غرض ازتنمیق این صحیفه ... آنستکه وصی‌شرعی خودگردانیدم .
١٥ **انجام** : بروحرفی نباشد . . . وحررفی‌حایر الحسینی ... یوم‌الاثنین بیستم شهر شعبان‌المعظم سنة اربعین بعدالف .

[٩٢٩]

١٠٧٩ این نسخه ش٣٥ دفتراست وبخط نستعلیق در٢٢سطر درص ٢٧٩ در کنار آن اعترافی است از نواب معتمدالزمانی دربارهٔ شاه صفی کـه چون بریدگی دارد درست خوانـده نمیشود ـ درص٢٦٣خط سلطان محمود در٢٥ رمضان ١٠٣٤
٢٠ که بدستور مولانـا محمد صالح نوشته و درص ٢٦٩ نوشتهٔ محمد مؤمن‌بن هدایت‌الله تبریزی است بدستور همو و درص٢٧٣ بازبنام همان صالح یادگار خطی نوشته شده.

[٧٧٤ـ٧٧٦] **گفتار ابقراطس** (فارسی)

ازابقراطس پزشك یونانی گذشته ازکتابهاسه‌بندکوتاه‌بجای مانده که‌اینك‌پارسی آنها دراینجا شناسانده میشود .
٢٥ ١ـسوگندنامه‌یا «عهد»Orkos«که‌جالینوس آنراگزارش‌نمود وهمین راحنین

ترجمه کرد و ازخودهم بر آن افزود حبیش وعیسی بن یحیی آنرا بتازی در آوردند و یک گفتار میباشد (ابن ندیم ص ۴۰۱ و قفطی ص ۹۷) متن تازی آنرا در خزرجی (ج ۱ ص ۲۵) در ۱۸ سطر و در محبوب القلوب ص ۴۷ می بینیم و از سنجش آن با متن یونانی و ترجمه فرانسوی و انگلیسی آن (۱) برمیآید که در ترجمه تازی جانب اسلام را نگاهداشتند ۵
و بجای خدایان و پروردگاران یونانی که ابقراطس بدانها سوگند خورده نام «الله» و «اولیاءالله» گذاردند. نام اسقلبیوس (اسکولاپیوس) که میگویند نیای او بوده است هم در این ترجمه تازی دیده میشود. دانشجویان دانشکده منت پلیه Montpellier هنگام گذراندن پایان نامه این سوگند را برزبان میرانند. اینک پارسی سوگندنامه :

آغاز: سوگند میخورم بخدائیکه حیات و ممات از اوست و عطا کنندهٔ صحت .

انجام: و هر که از آن در گذرد احوالش برضد آن خواهد بود و هرگز بمطلوب ۱۰
نخواهد رسید (۹۴ب - ۹۵الف) .

۲ - ناموس الطب (Nomos) یا آئین پزشکی .

ابن ندیم (ص ۴۰۰) میگوید که ابقراطس نخستین کسی استکه بیگانگانرا بمانند فرزند خویش گرفته بدانها پزشکی آموخت چون میترسید که این هنر ازمیان برود و او در سوگندنامه‌ای که نوشت ودستوریکه بپزشکان داد «عهد» آشکار داشت که چرا ۱۵
چنین کرد . خزرجی (ج ۱ ص ۲۵ و ۳۲) مینویسد که او پزشکی را در دفترها نوشت و بشاگردان بیاموخت وچون دید که این هنر از خاندان اسکولاپیوس بیرون رفته و هرجائی شد سوگند و پیمانی «عهد» گذارده که دانشجو باید آنرا فراگیرد و بکار بندد و همواره پاکیزه خوی و نکوکار باشد. آنگاه ناموس و آئینی نهاده ودر آن کسی راکه شایستهٔ آموختن پزشکی است شناساند. سپس پندوسفارشنامه‌ای ازخود ۲۰
بیادگار گذارد ودر آن هرچه راکه پزشك در اندیشه وخوی ورفتار خویش بدان نیازمند است آشکار بداشت. نیز میگوید ابقراطس «کتاب الوصایا» دارد و «کتاب العهد»

۱- بنگرید به: R. Dumesnil از Histoire illustrée de la médecine چاپ پاریس کتابفروشی Plon ۱۹۵۰ ص ۲۹ - ج ۱ دورهٔ کتابهای ابقراطس چاپ Loeb ص ۲۹۸ یونانی و انگلیسی ۲۵

که «کتاب‌الایمان» میخوانندو آنرا برای‌شاگردان و آموزندگان‌نگاشته‌تا آنچه را
که از آنها خواسته تن‌نزنند ودربرابر نکوهشی که مردم ازاو کرده و گفته‌اند چرا
این هنررا ازخاندان پزشکان بیرون بردی ودسترس همگان گذارده‌ای بهـانه‌ای
باشدکه هرناشایسته‌ای پزشك نخواهد بود. ابقراطس «کتاب ناموس‌الطب» داردو
۵ «الوصیة‌المعروفة بترتیب‌الطب» ودرآن آشکاربداشت که پزشك بایستی‌درریخت
وساخت ورفتار وخوی وجز آن چگونه باشد.

باری ترجمه تازی این‌ناموس و آئین درخزرجی (ج۱ ص۲٦) ومحبوب القلوب
ص۴۸ هم آمده ودرآن ازهنر پزشکی و آموختن وسود آن یادگردید:

اینك ترجمهٔ پارسی ناموس‌الطب یاآئین پزشکی.

۱۰ **آغاز:** ترجمهٔ ناموس الطب بقراط بدرستیکه اشرف طینت اینقدر هست کـه
نقص‌فهم کسانیکه آن‌صنعت‌را برخود بسته‌اند سبب‌عیب آن درنظرمردم شده‌است
(گویا نسخه نادرست است).

انجام: وجزع دلیل برضعف است وتهوردلیل بربی‌خبر بودن از صناعت مأت
مایوس‌القلب؛ (۹۵الف وب).

۱۵ ۳ـ سفارشنامه یا«الوصیة» و«ترتیب‌الطب» که متن‌تازی آن درخزرجی(ج۱ص
۲٦) ومحبوب‌القلوب ص۴۸ آمده ودرآن میگویدکه پزشکی آموزبایدآزاده و
نیك‌منش وجوان ومیان بالا وخوش‌اندام وتیزهوش وخوشگفتار و درست اندیش
وپارسا و بردبارباشدوشیفتهٔ زروسیم‌نباشد ورازدیگران بپوشد وبا بیماران‌مهربانی
کندوخودرا‌همواره آراسته‌وپاکیزه‌بدارد. اینك‌پارسی آن‌دراینجاشناسانده‌میشود.

۲۰ **آغاز:** ترجمهٔ وصیت‌نامچهٔ بقراط که‌معروف‌است‌به‌ترتیب‌الطب. بدانکه‌سزاوار
چنانست که طبیب از جنس احرار و آزادگان باشد.

انجام: بدرستیکه این قسم روش بهتر است نزد من از غیر آن. تمت کلامه
(۹۵ب ـ ۹٦ب).

[۹۳۰-۹۳۲]

۲۸۳ این نسخه هـا شماره های ۵و۶و۷ ایندفتر است و بخط نسخ تاریخ ۱۲۸۸ میباشد.

[۷۷۷] نامهٔ امام فخر رازی بسرخسی (عربی)

دانشمند فخرالدین رازی بصدرالدین علی بن ناصر سرخسی نیشابوری این نامه
را نگاشته و او هم بدو پاسخ داد . ۵

آغاز: هو و کتب ایضا رضی الله عنه الی السید الکبیر صدر الدین علی بن ناصر الحسینی
السرخسی المقیم بنیسابور رحمه الله. بسمله. عونك یالطیف. رایت فی السفر الخامس
من التوریة ان الله ... قال لموسی ... یاموسی احب ربك بکل قلبك وانا اخبر سیدی و
سندی و مولای الصدر الاجل.. صدر الملة والدین شمس الاسلام والمسلمین ملك السادات...
قدوة المحققین فی العالم... بانی احبه من صمیم قلبی .. ولکن فی الطبع اللطیف ملالة ۱۰
ونختم الکلام . الحمد لله الذی لانهایة له ... والحمد لله علی نعمة الاسلام والصلوة علی
محمد خیر الانام وعلی آله فی اللیالی والایام (وکان قد کتب علی ظهر الکتاب هذا الفصل)
ولقد کنت اردت ان اکتب هـذا الکتاب بخطی وان ابالغ فی تصحیحه وتنقیحه حتی
لاتتضاعف الزحمة بسبب اختلال الکلام .. فلعلی اقدر علی ان ارسل شیئاً من المجلدات
لیضاف الی ماسبق من الابرامات والله ولی لکل الخیرات. ماجاب السید صدر الدین علی ۱۵
بن ناصر الحسینی وقال لازالت عین الله تعالی علی عالی صدر مولانا ولی النعم فخر الملة
والدین حجة الاسلام والمسلمین علامة العصر.

انجام : وهو المسئول به فی تخویل تلك النعمة فی اقرب الاوقات علی احسن
الحالات والهیئات انه علی مایشاء قدیر وبالاجابة جدیر .

نامه ایست بسیار شیوا و نخست سرخسی را بسیار فیلسوفانه میستاید و گوید ۲۰
دو بار بهندر فتم و جنگ و ستیز دو دسته دشمن را بدیدم و خدای مرا از آن آسیبها رهاند
واکنون در هرات هستم و مردم را بپاکی و یگانگی خدای میخوانم و آنان هم پذیرفتند و
همین خود مایهٔ سپاسگزاری است و در این گردشها از کتابها که نوشتم شرح عیون الحکمة
شیخ رئیس اعلی الله درجته است که نسخه ای از آن برای شما فرستادم و آورندهٔ
نامه ام (شیخ امام رکن الدین سید العلماء) است که مردی نیکرفتار وستوده روش و ۲۵

بی‌آزار و پرهیز کار است همین‌بس که اکنون نزدشمامیآید و ازدیدارشماخوشبخت میگردد . سخن بسیاراست ولی چکنم که مایهٔ خستگی شماخواهد بود ودر پشت نامه نوشته بود: که میخواستم خودم این کتاب را بنویسم و پاکیزه ـ ازم وبفرستم تا بآسانی بتوانید بخوانید ولی ناتوانی نگذاشت و یکی ازدوستانم (یحیی بن شافعی مزدقانی)

۵ این نسخه‌را برای خود پاکیزه نوشته بود ازاو گرفتم وفرستادم. من تفسیری بزرگ نوشتم که بهزار و پانصد جزء میرسد یا بیشتر ومباحثی دقیق در آن آوردم اگـر توانستم جلدهائی از آن برای شما خواهم فرستاد .

صدرالدین علی بن ناصر حسینی در پاسخ که آنهم بسیار شیوا است ازامام بسیار میستاید و بشرح عیون محکمه او آفرین میگوید ورسیدن نامه او را سپاس میگذارد

۱۰ و آرزو میکند که خود بنزد او آید واز خوان دانشش بهره برد وخوش است کـه دربرابر ازنوشته هایش بهره میبرد .

[۹۲۳]

این نسخه ش۱۳ دفتر است وبخط شکسته تعلیق‌چلیپا ص۱۵۶ـ۱۵۸ـ پیش‌ازاین

۱۰۳۵ نامه پاره‌ای ازتأسیس‌التقدیس آمده دراینکه چرا همه دینداران هنگام نیاز و

۱۵ نماز دست بآسمان میبرند واینکه همین برخی را وامیدارد که خدا را در بالا بندارند و پاسخی که رازی دراین‌باره گفته است ـ تأسیس‌التقدیس در کلام است ورازی آنرا برای ملك سیف‌الدین نوشته وبدو ارمغان داد (کشف‌الظنون) .

[۷۷۸] **نامهٔ داماد بمیرزا رضی** (فارسی)

فیلسوف داماد استرابادی این نامه دوستانه را بمیرزا رضی صدارت پناه نوشته

۲۰ است .

آغاز: کتابتی که میرمحمد باقر داماد سلمه‌الله تعالی بمیرزا رضی صدارت پناه نوشته بود بسمله. بعدرحفهٔ امکان‌زهی شبیه عدیم ـ بروزمجلس دانش زهی‌عزیز نظیر . ادوار مدارات جاه‌وجلال ... رامسیر بردرجات‌نطاقات بارگاه ... آن مقتدای جواهر قدسیه ... مقصود بوده .

۲۵ **انجام** . ازاقالیم نفاذ توتوقف راخروج ـ درگلستان بقای توتناهی رازکام . . .

و ناساك مناساك دعا میرمحمد باقر دامادحسینی .

[۹۳٤]

۳۰۳ این نسخه ش٤دفتر است وبخط نستعلیق روزگار فیلسوف گ۹۱ب در ۲۳ سطر چلیپا .

[۷۷۹] نامهٔ دوانی (عربی) ۵

دانشمندمحمدبن اسعد دوانی این نامه‌را بیکی از پیشوایان (شجاع‌الدین‌علیا) نوشته و یادآور شده که امام ابویزید دوانی درگذشت ودرباره فرزندخویش وخود دوانی سفارش کرد. آنگاه‌درخواست که برای‌ادای‌پاره‌ای ازحقوق آن‌شهید راه‌دین ازفرزندش نوازش کنندواورا بهمان‌پایگاه‌رسانندچه‌شایسته‌است‌حکومت‌فقیه‌ومدرس ومعیدرا پس‌ازمرگشان بفرزندانشان‌دادآنچنانکه‌غنیمتهارا بفرزندان‌سپاهیان‌میدهند. ۱۰

آغاز: خدام برجیس‌احتشام فتح کرده معروض دارند بالامانی والاقبال فی اول هذاالمکتوب: امام‌الملة والشریعة‌والطریقة‌والحقیقة والحکمة والایالة‌والدین شجاع‌الدین علیا. سلام وای‌سلام . سلام‌من‌الله‌السلام علی‌حضرة من‌التی .

انجام : یخلد علی‌العالمین سیماالعالمین ظلال افضالکم الی یوم‌الدین آمین آمین آمین اخلص‌المخلصین حقامحمدبن‌اسعد .

[۹۳۵]

۱۰۱۵ این نسخه در گ۱٤۷ الف ایندفتر و بخط نستعلیق ستون۱میباشد .

[۷۸۰] نامهٔ شمس حسینی (فارسی)

شمس حسینی این‌نامهٔ پارسی را ببزرگی نوشته وسفارش میکند که بنجم‌الدین محمد که ازدانشمندان وشناختگان وی‌است نوازش کند. ۱۵

آغاز: رب کما نورت‌العالم بنوره وجوده‌السامی وشرفت‌بنی آدم بنعمة ذاته المقدس‌العالم‌فابدظلال هدایاته وافاضاته علی‌العالمین ... محب‌صافی‌الوداد.. بعداز عرض شرایف تحیات .

انجام: ازآفات‌زمان وعاهات اوان‌معصوم ومحروس ... (بریده شده) بالنبی وآله‌الامجاد . الداعی شمس‌الحسینی . ۲۰

[۹۳٦]

۱۰۱۵ این نسخه شماره۷ دفتر و بخط نستعلیق در ۱۸ سطر ستون دوم گ ۱٤۷ الف میباشد و کنار برگ بریده شده و برخی از واژه‌ها خوانده نمیشود.

[۷۸۱] نامهٔ مراغی بطوسی (عربی)

۵ عزالدین حسن مراغی گویا از مراغه این نامهٔ دوستانه را بخواجهٔ طوسی نوشته وبسیار از وی بستود و پاسخ خواست.

آغاز: نسخهٔ کتاب کتبه عزالدین الحسن المراغی الملقب بسفص الی خدمة مولانا محمدبن الحسن الطوسی: البحران ولم یره فقد سمعنا خبره. ولیس لله بمستنکر؛ ان یجمع العالم فی واحد، ومن عجب انی اسائل عنهم واسائل عن اخبارهم وهم معی.

۱۰ **انجام**: رؤساء ذاکرة دروسا دافقة طوسا. بلغه الله الی درجات اولیائه المقربین ونشر نشر فوائدانفاسه بین العالمین.

[۹۳۷]

۱۰۷۹ این نسخه ش۲۳ دفتر و بخط نستعلیق میباشد ص۱۲۹ـ۱۳۰.

[۷۸۲] نزهة الارواح وروضة الافراح (عربی)

۱۵ ابوسلیمان محمدبن طاهربن بهرام سگستانی یاسکزی (نزدیك ۳۱۰ ـ نزدیك ۳۹۱) فرزانه فیلسوف منطقی ایران «صوان الحکمه» خویش را درسر گذشت فیلسوفان یونانی نگاشته کـه گزیده و گاچینی از آن دراستانبول و گزیده کوتاهی از آن در لیدن هست. شهرستانی در ملل و نحل تاریخ و سخنان فیلسوفان را ازین صوان الحکمه آورده است (ص۶۲۲ همین فهرست). ظهیرالدین ابوالحسن علی بیهقی م۵۶۵ «تتمه

۲۰ صوان الحکمه» را دردنبال آن نوشته سرگذشت فرزانگان ایرانی واسلامی و گفتار آنانرا در آن گزارش داد و نگارش آن میان ۵۵۳و۵۶۵ بوده است. این کتاب را چنانکه نسخه‌های لیدن واستانبول نشان میدهد گزین نموده وذیلهائی بر آن نوشتند (بنگرید بشرح حال ابوسلیمان ازقزوینی چاپ فرانسه در ۱۳۵۲).

شمس الـدین محمد بن محمود شهرزوری فیلسوف اشراقی زنـدهٔ در ۶۸۰ و

۶۸۷(۱) «نزهة‌الارواح وروضة‌الافراح» را دردو بخش نوشته درنخستین آن اندکی ازسرگذشت فیلسوفان وگفتارهائی از آنان آورده ودرپایان آن میگوید: «فهذا آخر ماظفرنا به‌من تواریخ‌الحکماء المتقدمین (گ۱ب - ۱۲۶ب) و پیداستکه از همان صوان‌الحکمه گرفته است.

در (گ۳ب نسخهٔ‌ما) دارد که پیامبرص ازعمرعاص گاهیکه ازاسکندریه برگشته بود پرسید در آنجا چه‌دیده‌ای؟ پاسخ‌داد دسته‌ای‌را دیدم که طیلسان‌میپوشند و گرد هم میآیند وازارسطونامی که کفر میگفته است یادمیکنند. نفرین خدای براو باد! دراینجا پیامبرفرمود: «ان ارسطالیس کان نبیا. الحدیث لیس بصحیح. فجهله‌قومه. هکذاسمعنا. والله‌اعلم‌بالصواب» پیداستکه‌شهرزوری این حدیث‌را نمی‌پذیرفت (بنگرید به‌ص۲۰۸ همین‌فهرست). در گ۸ب‌دارد: شاهان ایران شهرهای‌یونان ورم بگشودند و کتابهابدست آوردندو پادشاه‌رم کتابهای‌برای شاپورفرستادوموسیقی‌پارسیان‌ازاینجااست

دربخش دوم پیداستکه ازتتمه صوان‌الحکمه بیهقی گرفته و گاهی عبارت‌هر دویکی میباشداودرسر گذشت محمد حارثان سرخسی (گ۱۵۰ب) میگوید: «قال الظهیر قدجری‌بینی وبینه کلام...» (ص۱۵۹ بیهقی) همچنین‌درسرگذشت شهرستانی وابن سهلان ساوی (گ۱۴۴ب) ازظهیر بیهقی یادمیکند (ص۱۲۷و۱۳۷ تتمه) او درسر گذشت فارابی ازکتاب اخلاق‌الحکماء میآورد (۱۳۱ب - ص۱۷ بیهقی).

شهرزوری دربخش دوم ازنزدیك به۸۰ دانشمند یاد نمود، او درسرگذشت ثابت‌بن‌قره ازبیهقی ش۴ وابن ندیم ص۳۸۰ ودربارهٔ رازی ازبیهقی‌ش۵ وقاضی‌صاعد ص۸۳ چاپ‌مصروابن ندیم‌ص۴۱۵ ودرباره عامری‌ازصوان‌الحکمه(ص۳۴۷ جاویدان

۱- بنگرید به: ص۲۱۲ و۴۵۵ همین فهرست - زاخائو دردیباچه آلمانی‌خویش برالاثارالباقیه بیرونی‌ص۵۱ سر گذشت اوراازتتمه ونزهه‌میآوردومیگوید که‌شهرزوری آنرا میان۵۸۶ و۶۱۱ نگاشته است. گویا درست نباشد چه‌اوشجرة الهیه را در ۶۸۰ نوشته‌وتا۶۸۷ هم‌زنده‌بود. ودوراست بگوئیم که‌اوهفتادسال‌پس‌ازنوشتن نزهه‌بنگارش شجره الهیه پرداخته است واگر چنین میبود بایستی اونزدیك بصدسال زیسته باشد. شادروان قزوینی درسر گذشت سگزی ص۳ نیزهمین‌را اززاخائو آورده وچیزی‌برآن نیافزود.

خرد مشکویه) ودربارهٔ ابوجعفر بانوبه از صوان‌الحکمه (تتمهٔ بیهقی حاشیهٔ۲ ص ۷٤) و دربارهٔ قومسی از مقابسات ص۱٤٤ و ۱٤۳ و در باره غلام زحل و ابو تمام و ابواسحق صابی از همانجا ص ۲۳۲ و ۱۹۲ و ۱۵۱ بهره برد . در بارهٔ ابوعثمان نیشابوری دمشقی و ابن شبل که قصیده : «بربك ایها الفلك المدار ـ لقصد ذاالمسیر ام‌اضطرار ..) اورا می‌آورد و میگوید که برخی آنرا سروده ابن‌سینا دانسته‌اند وهمچنین درباره ابن‌محارب وصاحب بن‌العمید وابوالنفیس نیز بایستی از همین‌جاها گرفته باشد .

درباره دانشمندان دیگر ازتتمه بیهقی بدینگونه (ش۱تا٦ و۱۳و۱٤ و۱٦ و۱۷ تا۲٤ و۳۷ تا٤۰ و٤۳و٤٦ تا۵۷ و٦۲تا٦۹ و۷۳ و۷٤ و۸۵ و۸٦ و ۲۳ و۵۸ و ۵۹ و۹۱و۹۳و۹٤و۱۰۰و۱۰۲تا۱۰٤و۱۰۸و۱۱۰و۱۱۰و۲۸و۲۹و٦٦و۳۲و۳٦ و۱۱۱و۳٤) بهره برد ودرست همان سخنان بیهقی رآورد مگردربرخی جاها که از آن کاست یاچیزی افزود . اوسرگذشت ابن‌سینا را بمانند بیهقی (ش۲۷) آورده مگر اینکه فهرست نگارشهای شیخ‌را یاد ننمود(۱) سپس سرگذشت شیخ اشراق‌را باشعرهاو

---

۱ ـ «سرگذشت» یا «السیرة» شیخ رئیس که نیمی از آن گفتهٔ خود اوو نیم‌دیگر بخامهٔ شاگردش جوزجانی (م همدان٤۳۸) میباشد ازروی نسخهٔ‌تاریخ ۵۸۸ش٤۷۵۵ کتابخانهٔ دانشگاه استانبول (ش۸۸۹ یلدیز خصوصی) بوسیله انجمن دوستداران کتاب درچاپخانهٔ بانك‌ملی ایران در۱۳۳۱ باترجمهٔ فارسی آقای سعید نفیسی بچاپ رسید. نسخهٔ دیگری ازآن بشماره ۱٤٤۷ دراسلامبول هست که یحیی بن احمد کاشی درروز ۱۵ج۲ سال۷۵٤ نوشتن‌آنرا بپایان رساند ودکتر احمد فواد اهوانی‌درجزوهٔ سوم «ذکری ابن‌سینا» ازروی آن درمصر بسال۱۹۵۲ چاپ نمود وآقای سعیدنفیسی ازروی همین چاپ‌هم آنرا بپارسی درآورد که درتهران در۱۳۳۱ بچاپ رسید این دونسخه باهم اندکی جدائی دارند .

قفطی گزیده‌ای از«سرگذشت» وخزرجی همه‌آنرا بادیگرگونگی‌هائی آوردند. فهرست برخی از نگارشهای شیخ (نزدیك به‌پنجاه) درمیان سرگذشت هست که در قفطی وخزرجی هم دیده میشود . فهرست همهٔ نوشته‌های اوباز درپایان آن آمده که خزرجی این‌را هم‌آورد مگراینکه شمارهٔ آنها درنسخهٔ ۵۸۸ نود وپنج ودرنسخهٔ۷۵٤

بقیه حاشیه درصفحه بعد

فهرست نگارشهایش یاد نمود (بنگرید به‌شذرات‌الذهب ج٤ص ٢٩٠ وابن‌خلکان ش٧٨٤ (چاپ ١٩٤٩)وخزرجی ج٢ص١٦٧ ومعجم‌الادباء یاقوت ج٧ص٢٢-٢٦٩.٧٢) وکتاب را بپایان رساند.

باید گفت که این گونه گزیده وگلچینی شهرزوری نکته های دلپسندی دارد وبسیار سودمند میباشد. اودرسر گذشت رازی ازصاعد اندلسی‌یادنمود ودرجاهای ٥

بقیه حاشیه ازصفحه قبل

نود ودو ودرخزرجی ١٠٢ میباشد. پیداستکه این فهرست دوم از جوزجانی نیست و دیگران افزودند بیهقی هم ازاین سرگذشت آگاه بوده وآنرا آورد گرچه نامی از آن‌نبرد[؟]. اوشماره نگارشهای‌شیخ‌رانزدیك به٤٣رساند ودر نسخه‌های دیگر تتمه به ١٠ ١١٩ میرسد بیهقی نکته‌هائی آورد که درسرگذشت دیده نمیشود مانند اخوان صفا خواندن شیخ وتهمت سوزاندن کتابخانه امیر نوح وجزآنها. او داستانهائی هم ازشیخ آورد ودرپایان گفت «عهد کتبه ابوعلی لنفسه» که این شاید مدرك دیگری برای‌او بود. ابن‌خلکان نیزمانند شهرزوری ازبیهقی گرفته است.

درنسخهٔ تازهٔش١٢١٦ (ص١٦-٢٢) بیهقی سالارونسخهٔ‌تاریخ١٠٢١ ش٦/٤٦٩٤ ١٥ کتابخانهٔ ملی‌ملك که هردومانند خزرجی میباشند افزوده‌های‌درپایان دارد مانداینکه شیخ دردم مرگ چنین سروده:

اقام رجالا فی معارفهم ملکی	واقعد قوما فی غوایتهم‌هلکی
نعوذ بک اللهم من کل فتنة	تطوق من حلت به‌عیشة ضنکا
رجعنا الیك الان‌فاقبل‌رجوعنا	وقلب‌تنوباطال‌اعراضهاعنکا ٢٠
فان‌انت لم‌تبره شکایاعقولنا	وتکشف‌غماهااذاقلمن‌تشکی
فقدآثرت‌نفسی‌رضاك‌وقطعت	علیك‌جفونی‌من‌جواهرهاسلکا

درجامع‌الاسرار آملی‌چهاربیت نخستین آمده ومیگوید که جوزجانی نوشته که شیخ‌آنها را دردم مرگ برخواند.

(میانه قاعده سوم دروحی‌والهام وکشف‌ازاصل٣ درلواحق وتوابع گ٢٣٥ب ٢٥ ب ش٣٤١ اینکتابخانه).

درنامهٔ دانشوران ج١ص٧٧ دارد که شیخ دردم مرگ این بند راهمیخواند:

نموت ولیس لنا حاصل	سوی علمنا انه‌ما علم

بقیه حاشیه درصفحه بعد

دیگر بجز از بیهقی وابوحیان (دربارهٔ ابوجعفر بانویه گ۱۵۷) از کسی یاد نکرد و رویهمرفته ایندانشمند آنچنان سخن میراند که خواننده ازخود اومی پندارد و وناگزیر بایستی بکتابهای یادشده نگریست ودید که اواز کجاگرفته است.

او درشمارش فیلسوفان بروش بیهقی نرفته ودرپایان سرگذشت شیخ‌اشراقی را ۵ آورد (گ۱۲۶ب ـ ۱۷۵ب) سرگذشت ۱۱۱ دانشمند در آن‌یادگردید. اشکوری در محبوب‌القلوب وخوانساری درروضات وچلبی در کشف‌الظنون از شهرزوری بهره بردند.

نزهه راآقای ضیاءالدین دری بپارسی درآورد که درتهران بسال۱۳۱۶خ بچاپ رسید این ترجمه بامتن وترجمه این کتابخانه دربسیاری ازجاها جدائی دارد.

۱۰ نسخه‌ای ازشهرزوری بنام «مدینةالحکماء» درمجلس (ش۵۵۸) هست وازفهرست آنجا برمیآید که گویا اینیکی‌راازروی همان نزهه‌نوشتند وچیزهائی از آن کاسته

بقیه حاشیه ازصفحه قبل

بیهقی وشهرزوری مینویسند که شیخ دردم بازپسین بخدا بازگشت و بدو نیاز برد وازبازماندهٔ خواسته خویش بتهی دستان بخشید وبردگان آزاد نمود ودو هرسه روز ۱۵ همهٔ قرآن را کـه ازبر کرده بودمیخوانده . آنگاه درگذشت. دراینـدو ازآن شعرها نیامده است .

نیزدراین دونسخه داد که اورا در زیرباروی شهرهمدان رو بقبله بخاك سپردند و پس ازهشت‌ماه بدنش‌را بسپاهان بردند و درقبه علائی بیروت شهر دردروازه کوی گنبد درخاك نهادند. فهرست پایان سرگذشت دراین دونسخه دیده نمیشود و درمیان ۲۰ آن‌از ۶٤ نگارش‌شیخ یادگردید.

نسخهٔ دیگری از سرگذشت تاریخ ۱۱۰۷ درمجلس (ش۳۱۷ تنکابنی) دیده‌ام که درست ازروی‌بیهقی وشهرزوری نوشته‌شده وزایجه‌ای که‌بیهقی وشهرزوری آورده‌اند درآن‌آمده ودارد که افلاطون وارسطو ودیگران همه پارسا بوده‌اند مگراینکه‌شیخ بروش دیگر رفت(مانند بیهقی وشهرزوری) یك‌فهرست‌درمیانه است که ۱٤۲ نگارش ۲۵ در آن شمرده شده و همان شعرها آمده و نوشته است که شیخ در دم مرك آنها را خواند .

وبرآن افزودند وازشهرزوری دانستند. نسخه‌هائی از نزهه دربرلین ولندن ولکهنو هست (قزوینی ص۳ـ دیباچهٔ تتمه ص م ون) .

آغاز: بسمله. الحمدلله القدیم الازلی الدائم السرمدی المتعالی بجلال احدیته عن احداق النواظر ... امابعد فان تواریخ الحکماء الاقدمین والفلاسفة المتالهین من ۵ الیونان و المصریین ممایجب علی المستبصر تحصیله و علی الحکیم تعلمه و تعلیمه و کذلك کلماتهم الحکمیة و نوادرهم الوعظیة وسیرتهم الجمیلة المرضیة .

انجام : ماشکر الرب بافضل من الصبر ولاارضاه کالرضا . تم بتوفیق الله جل جلاله . والصلوة علی محمد المصطفی وعلی آله وصحبه وسلم تسلیما .

[۹۳۸]

۸۵۶ ۱۰ این نسخه بنسخ باعنوانهای شنگرف وبرخی جاها سفید میباشد .دراین نسخه از نام «نزهة...» یادنشده وشهرزوری هم ازخودنامی نبرده است .

(۱۷۵گ) ـ ۱۳ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ ساده مقوائی

اندازه : ص۱۴٫۵×ر۱۸ و۸×م۱۳٫۵س۱۵

گفتار هفتم

پزشکی

رازی پزشك نامور ایران (ری۱ شعبان ۲۵۱ - ری۱۵ شعبان۳۱۱) دراین نامهٔ
کوتاه داروهائیرا که بجای داروهای دیگرمیتوان بکاربرد شناساند. دردیباچه‌می
گوید که این مسئله درپزشکی بس‌مهم است وخواستم در آن جداگانه سخن رانم
۵ چنانکه در دیگر مبحثهای پزشکی چنین کرده‌ام. دفترهائیکه در این باره
ساخته‌اند خواندم وتاکنون بنامه‌ای برنخوردم که بروش فنی وقانونی نوشته‌باشند
یا نزدیك بآن. وبجز گزیده‌های حنین اسحاق ازگفتار جالینوس دربارهٔ ابدال و
جامع ارماسیس و دو جامع قدیم وجدید بولس ندیده‌ام مگراینکه حنین بهتر از
همه نوشته وهانا نگارش من‌سودمندتر باشد چنانکه بیننده بدان‌گواه است.رازی
۱۰ ازجالینوس وابن ماسویه میآورد داروها بترتیب ابجدی یادشده ازالف (اکتملت)
تاغین(غافت) - بیرونی درفهرست نگارشهای رازی ش۳۰ از آن‌یاد نموده.

آغاز: بسمله‌وبه نستعین . کتاب‌الابدال . قال محمدبن زکریا : القول فی‌الابدال
بحسب ماأری ، جزء من‌اجزاءالطب‌العظام، یستحق ان‌یخص ویفرد بکتاب والغرض
المقصود بهاالیه غرض نافع‌للطبیب . اذلیس کل دواء یوجد بسهولة فی کل‌مکان .
۱۵ انجام : غافت: بدله فی‌النفع من‌الحمی‌الحارة . نصف‌وزنه اسارون. درآستانهٔ
طوس «مختصر ابدال شابوربسر سهل» بپارسی هست (ش۱۶ص۲۴۵ج۳) .

[۹۳۹]

این نسخه ش۴دفتری‌است دارای۶نامهٔ پزشکی وبخط نسخ باعنوانهای شنگرف
۴۶۰ تاریخ پایان جمادی یکم۹۸۹ گ۱۳۰ب - ۱۳۳ب. درپایان‌دارد : «تم کتاب
۲۰ الابدال فی‌اواخرشهر جمیدی‌الاول سنة‌تسع وثمانین وتسعمائة» خطومهرداردنهٔ
نسخه اسدالله‌بن آقا محمدتقی طبیب‌خوانساری در گ۱۳۰ب دیده میشود مهر دیگری
هم در گ۱۳۳ب هست.

(همهٔ دفتر ۱۷۸ گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج پیچ مقوائی ضربی
اندازه : ۵ر۱۵ × ۵ر۲۵ و ۵ر۹ × ۵ر۱۵ س ۲۱

[۷۸٤] **اختیارات بدیعی** (فارسی)

حاج زین‌العطار علی‌بن الحسین انصاری این‌دفتر را برای شاهزاده‌خانم بدیع الجمال بسال ۷۷۰ دردومقاله بپرداخت (دیباچهٔ این‌دفتر ـ کشف‌الظنون ـ فهرست طوس ج۳ ص۲٤۱ ـ ذریعه ج۱ ص۳٦۸) درنخستین آن (گ۱ب ـ ۲۱۱ب) دارو های ساده‌را روی حرفهای تهجی بچندزبان آورده وشناسانده ودردومی (۲۱۱ب- ۲۳۳الف) داروهای آمیخته‌را در ۱۵ باب یاد کرد.

آغاز: بسمله. امداد حمد بی‌عد ، واعداد سپاس بی‌قیاس ؛ مبدعی راکه آثار ابداع او برهر ورقی ازاوراق ، وشجری ازاشجار ، سمت وضوح یافته ... چون بندهٔ کمترین علی‌بن الحسین انصاری المشتهر بحاجی زین‌العطار ... عصمت‌الدنیا والدین بدیع‌الجمال خلدالله ایام سلطنتها ... وتاریخ این کتاب سنهٔ سبعین وسبعمائه بود ... واین کتاب‌را «اختیارات بدیعی» نام‌نهاد ـ پنمه تباتست که بشیرازی مغل‌دار خوانند ودرجراحتها مستعمل کنند وزخمهای تازه والله اعلم بالصواب والیه‌المرجع والمآب. جلد دویم کتاب اختیارات بدیعی ازمرکبات . بسمله‌الحمدلله رب‌العالمین ... اما بعد بدانکه این‌مقالهٔ دوم‌است از کتاب اختیارات بدیعی که ذکرخواهیم کرد درمرکبات مستعمل ... باب‌الاول فی‌المفرحات .

انجام : مرهمی که جهت سوختن بغایت نیکو است . وهراعضا که سوخته باشد نافع بود : صنعت‌آن بستانند اسفیداج اسربی ... وبمبالغه بسایند و دیگر بار بشویند واستعمال کنند .

[۹٤۰]

این نسخه بخط تعلیق باعنوانهای شنگرف وهر دومقاله را دارد وفهرستی که در نسخهٔ ش۳ طوس هست درآن نیست.
٤٤۲

در پایان دومین مقاله دارد : «تم‌الکتاب والله اعلم بالصواب والیه‌المرجع والمآب سنة ستة وستین وتسعمائة» پس نوشتن نسخه در ۹٦٦ بانجام رسید .

(۳۴۴پ) — کاغذ سمرقندی — جلد تیماج مشکی ضربی مقوائی
اندازه : ۱۶×۵ر۲۴ و ۱۱×۱۷ س ۲۳

[٧٨٥] **الادویة القلبیة** (عربی)

شیخ رئیس دراین نامه که در آغاز رسیدن بهمدان نگاشته است (ص ۵۱ بیهقی و سرگذشت) درمان بیماریهای روانی را آورده ودردیباچهٔ آن ازساختمان دل و نیرو های روان وحواس یادنمود سپس درچند فصل اززندگی وخوشی واندوه وترس و خشم و کینه وداروهای سرخوش کننده گفتگو کرد آنگاه داروهای قلبی را اشناساند ودراینجاداروهائیکه ازکان وگیاه وجانور بدست میآید وخوش کننده ودل راسودمند است برمیشمرد سپس داروهای آمیخته را میآورد .

این دفتربنام «Medicamenta Cordialis» بلاتینی درآمده است (ابن سینا ازدکترغنی ص ۲۹) طریحی درص ۹۷ میگوید که ایندفتربنام «احکام الادویة القلبیة» نیز خوانده میشود و آغاز آن درمجله عرفان بسال ۱۳٤۵ بچاپ رسیده وپروفسور کونکتای هم آنرا درجزء انتشارات وزارت فرهنك ترك چاپ کرد . قنواتی در ش ۱۱۱ از چاپ آستانه که از روی نسخهٔ ش ۳٦٢٥ فاتح تاریخ ٦٧٨ شده است یاد نمود .

آغاز: وردعلی امرالسیدالاجل ان اجمع لخزانته مقالة تشتمل علی احکام الادویة القلبیة اتحری فیها الاختصار (قنواتی) - رسالة فی الادویة القلبیة من تألیف الشیخ الرئیس ابی علی الحسین بن عبدالله بن سیناه ره قال ان الله سبحانه وتعالی خلق التجویف الایسر من تجویفی القلب خزانة للروح ومعدنـا لتولده وخلق الروح مطیة للقوی النفسانیة (دونسخهٔ ما) .

انجام : فهذا مااختصرناه من الکلام فی الادویة القلبیة علی اقصی القوة علی تتمیمها (قنواتی) علی اقصی مایمکن من الاختصار وقدحان لنا ان نختم (وقدجاز ان یتم) هذه المقالة حامدین (من لواهب) واهب العقل (القوة) علی تتمیمها (بمنه و کرمه) و (هو) حسبناالله و نعم الوکیل (المعین) وصلی الله علـی محمد النبی و آله و

صحبه الطیبین الطاهرین .

[۹۴۱]

۸۶۱ این نسخه ش۱۲ دفتر و بخط نسخ با نشانه های شنگرف میباشد و در دوشنبه یکم محرم۱۲۸۴ نوشته شد. گ۹۴ب ـ ۱۱۰الف. در پایان دارد: « قدتمت هذه النسخة المبارکة المیمونة فی یوم الاثنین غرة شهر محرم الحرام سنة ۱۲۸۴ » ۵

[۹۴۲]

۱۰۷۴ این نسخه ش۱۲ دفتر است و بخط نستعلیق تاریخ پایان رمضان گویا ۱۰۶۱ گ۱۴۶الف ـ ۱۸۱ب در پایان دارد: « تمت المقالة المذکورة بحمدالله وحسن توفیقه فی اواخر شهر رمضان المبارك تم تم تم » .

[۷۸۶] اسرار الاطباء (فارسی) ۱۰

نظام الدین احمد گیلانی برای سلطان عبدالله قطب شاه فرمانروای گلکنده (۱۰۲۰ ـ ۱۰۸۳) این نامه را در ۴ فصل نوشته است .

۱ ـ داروهائیکه شایسته است فرمانروایان باخود داشته باشند .

۲ ـ داروهائیکه اثر شگفت انگیز دارند .

۳ ـ داروهائیکه اگر با خود دارند اثر دارد . ۱۵

۴ ـ دستور های بهداشتی .

گیلانی در آن از اندروماخوس فرزانه یادمیکند و نام هندی برخی از داروهارا می آورد و آزمایشهائیکه خود کرده است یاد میکند.

او این دارو ها را برمیشمرد : افیون ـ جند بیدستر ـ جنوار ـ مومیائی ـ پادزهر ـ دهنه فرنك ـ دواءالمسك (فصل ۱) ـ رازیانه ـ حبة السوداء ـ شیطرج ـ ۲۰ عودالحیه ـ بادرنگبویه ـ کاسنی (ف۲) ـ زمرد ـ دندان واستخوان وسرگین جانوران ـ بعکس سوار شدن برخر ـ کشتن بوم ومانند اینها (ف۳) گیلانی خواص داروها را آورده وبیشتر باثرهای جادوانه آن مینگرد که پایهٔ علمی ندارد .

آغاز: هو هو وماهو الاهو . حمد لامحدود ومدح لامعدود مرمالك الملك عالم ... راکه ... عالم و آدم رامصور کرده . ۲۵

انجام: وتغیر درمزاج راه نمییابد. تمام شدرسالهٔ اسرار الاطبا تألیف اقل خلق الله نظام احمد گیلانی دربلده حیدر آباد خیربنیاد صانها الله عن الآفات.

[۹۴۳]

این نسخه ش۳۱ دفتر است و بخط نستعلیق چلیپا ونام داروها بشنگرف ازمیر محمد مقیم فرزند میرشاهمیر رضوی در روز شنبه ۱۳ رمضان ۱۰۵۲ ص ۱۸۵ - ۱۹۵. ۵ ۱۰۷۹

[۷۸۷] اصلاح الادویة المسهلة ونفی مضارها (عربی)

ازحبیش اعسم فرزند حسن دمشقی وخواهر زاده حنین اسحاق و شاگردش در پزشکی که ترجمان خوبی هم بود ودرترجمه ازحنین پیروی مینمود و بپایه او نمی رسید. (خزرجی ج۱ ص۲۰۲). ۱۰

او این دفتررا دربارهٔ اصلاح واندازهٔ داروهای مسهل که بی این دوزیان میرسانند نوشت.

او پس از دیباچه خواص مسهلها راآورده آنگاه ازماهیت وخاصیت واندازهٔ خوراك ایندداروها گفتگو نمود: سقمونیا - صبر - شحم حنظل - حنظل - تربد - شیرم - مازریون - دند - قثاءالحمار - لبن یتوع - هلیلج - غاریقون - جنطیانا - بسفایج (بس پایک) - سورنجان - بوزیدان - افتیمون - افستین - حب النیل - شحم الرمان - سناء - لبلاب - شاهترج - عاقلی - عنب الثعلب - کرفس - بقلة الحمقاء کربزه - حرف - سلق - حندقوقا - نانخواه. ۱۵

آغاز: بسمله وبه نستعین. هذا کتاب حبیش بن الحسن فی اصلاح الادویة المسهلة ونفی مضارها وضروب استعمالها. اما المنفعة التی ینالها ابدان الناس ونفوسهم من شرب الادویة المسهلة ... فقد شرحتها القدماء من المتطببین، ۲۰

انجام: واما ذکر سائر الادویة فانت تعرف قواها و منافعها من کتب القدماء ان احببت ان شاءالله وحده. وصلی الله علی محمد و آله اجمعین الطیبین الطاهرین.

[٩٤٤]

٤٦٠ این نسخه ش۳ دفتراست وبخط نسخ باعنوانهای شنگرف گویا از همان نویسنده ش۱ درتاریخ ۹۸۹گ ۱۱٤ب- ۱۳۰الف. درپایین گ ۱۳۰الف ازتاریخ ۱۲۷٦ و۱۲۷۷ و۱۳۳۰یاد میشود بخط دیگر .

[۷۸۸] **اظهار حكمة الله في خلق الانسان (كتاب في...)** (عربی) ٥

از ابوسهل عیسی‌بن یحیی مسیحی گرگانی پزشك نیك گفتار خوشنویس شاگرد یحیی‌بن عدی واستادابن‌سینا در پزشکی که پس از آشنائی بدین هنر دفتر هائی بنام استاد بپرداخت. مسیحی در گرگان زاده ودربغداد پرورش یافت ودانش آموخت واز پزشکان وفرزانگان نامور بشماراست . اودر خراسان میزیسته ودر ۱۰ دربارمأمون محمدخوارزمشاه فرمانروای گرگانج (اورگنج) که در۳۸۵ ابوعبدالله خوارزمشاه فرمانروای کاث رابکشت و کشورش را بگرفت ودر۳۸۷ بمرد ونیزدر دربار پسرش ابوالعباس‌مأمون خوارزمشاه کشته‌در۳۲ سالگی‌بسال٤۰۷ بسرمیبرد. او باابوعلی و بیرونی دوست بوده و۱۲ دفتر در ریاضی وفلسفه و ادب بنام بیرونی بساخت .

۱٥ اودرچهل سالگی درگذشت ومیگویند که با ابن‌سینا ازترس محمود ترك غزنوی گریخته‌ودربیابان جان‌سپرد اگراین‌داستان که درچهارمقاله یادشده درست باشدباید اودر نزدیك٤۰۷مرده باشد گویا مرگ وی‌درسال٤۰۸ که محمودخوارزم را بگشود ودانشمندانی‌مانند بیرونی وديگران راباخود بغزنین بردرخ‌داده است. این دانشمند ترسا هیچگاه بکلیسا نمیرفت ودر خانهٔ خودخدایرا میستود .

۲۰ این دانشمند برخلاف همهٔ دانشمندان پیش ازخود میگوید کودك درشکم مادرازخون‌حیض نمیخورد چه‌آن پلیدوزشت میباشد وهمان‌خون تن‌مادرخوراك اوست (نامهٔ دانشوران از گفتهٔ‌لاهیجی درمحبوب‌القلوب) طبری درفردوس‌الحکمه ص۳۲ وشیخ درطبیعی شفا ص۵۱۲ بپیروی ارسطو خون طمث‌را خوراك کودك دانستند .

ازنگارشهای او الطب الکلی دربرلین ورامپور واصول علم النبض در لیدن هست اوچند گفتار فلسفی بنام اصناف العلوم الحکمیه وارکان العلوم ومبادی الموجودات الطبیعیه دارد و نیز تلخیص کتاب ارسطو فی السماء والعالم وتلخیص الاسماء والاعلام لارسطوطالیس (او کدونی ۱۱۳) وکتاب الملة المسیحیه (مسجدقیروان فاس) گفتاری ازاو دراقسام دین را یسوعیان بچاپ رساندند.

۵

او برای ابی العباس مأمون بن مأمون «کتاب فی الوباء» نوشته است و کتاب فی العلم الطبیعی ومقالة فی الجدری واختصار کتاب المجسطی دارد و کتاب تعبیر الرؤیا که برای خزانهٔ خوارزمشاه مأمون محمد نوشت نیز المائة فی الطب دارد و بگفته بیهقی کتابی درنفس نوشته سپس آنرا ترجمهٔ کرد(۱) این دفتر «اظهار حکمة الله فی خلق الانسان» راخزرجی بخط خوش مسیحی بااعراب وضبط دیده ومیگوید که ازبهترین نگارشهای اوست وآنچه جالینوس و دیگران درباره سود اندامهای تن گفته‌اند اوباعبارتهای روشن وشیوائی آورد وازخودهم آگاهیهای پرارزشی بر آن افزود. خزرجی اندکی ازآغاز دفتررا هم آورده است. مسیحی در دیباچه می گوید: دراینجا مامیخواهیم حکمتی راکه خدا درآفریدن مردمی بکاربرده‌است آشکارسازیم و نکته‌هائی میآوریم که گذشتگان نگفته‌اندچه آنهابکوتاهی برداختند و آنچه‌را تودهٔ مردم درمی‌یابند نوشتند وازهیچیك ازسودهای نیروهای تن وکارو کردار آنها بدرستی آگاهی ندادند. این گفتهٔ مارا کسانی خواهندپذیرفت که‌سخنان مارا بانوشته‌های آنها بسنجند وانصاف دهند. ماآنچه راکه پیشنیان آورده‌اند سر وسامانی داده‌ایم وآنچه که ازاین دانش نبودکاستیم وچیزهائی هم برآن‌افزودیم. ما نمی‌خواهیم ازآنان نکوهش‌کنیم چه آنها تاتوانستند کوشیدند وپایهٔ این دانش

۱۰

۱۵

۲۰

۱ـ بنگرید به: فهرست بیرونی ص۴۵ ـ قفطی ص۲۶۶ـ خزرجی ج۱ص ۳۲۷ ـ بیهقی ص ۸۸ ـ چهار مقاله عروضی ص ۷۰ و ۷۶ و ۲۳۵ و ۳ ـ ۲۴۱ ـ مختصر الدول ص۳۳۰ ـ نامهٔ دانشوران ج۱ص۳۴ ـ المخطوطات العربیه لکتبة النصرانیه از اب لویس شیخو یسوعی چاپ بیروت در ۱۹۲۴ ص ۲۱ کـه میگوید مسیحی در ۳۹۰ درگذشت! ـ برو کلمن ج۱ص ۲۳۸ که میگوید مسیحی در ۴۰۱ درگذشت نیز پیوست ج ۲ ص ۴ ـ ۲۷۳.

۲۵

را نهادند مانا کار فرزانگان پیش ازخود را استوار بداشتند . ماهم برپایهٔ کار آنها توانستیم کاری کنیم . اگر آنها نمی‌بودند ماچیزی درنمی‌یافتیم .

مسیحی درچندین فصل سودها و کارهای هرعضوواندامی‌را روی‌اصل غائیت finalité گزارش داده وبرخلاف دیگران چیزهـای پیشین و مبادی واسباب را نخستین بار گفته آنگاه معلول و نتیجه‌رامیآورد. این نگارش اواز بهترین کتابهااست ۵
که دربارهٔ کالبد شناسی ووظایف ومنافع اعضا نوشته‌اند وبسیاردقیق وشیوا است .

نسخه‌ای ازاین درگوتا ونورعثمانی هست (یسوعی وبروکلمن) .

آغاز: بسمله . قال ابوسهل عیسی‌بن یحیی المسیحی: قصدنافی‌هذاالکتاب، هوان نظهرحکمةالله تعالی ذکره فی‌خلق‌الانسان ونبه علی‌فوائد لطیفه شریفة ، لم ۱۰
یسبقنا الی‌معرفتها احدممن تقدمنا وذلك‌ان‌كل من‌تکلم قبلنا فی‌هذاالمعنی‌فکلامه یسیر وضعیف بالقیاس الی‌ما اورناه .

[۹٤۵]

این نسخه بخط نسخ کهن وروشن باعنوانهای شنگرف وبسیار پاکیزه و
٤٤۷ خوانا است و بدینجا میانجامد بـ« فصل وجعل للرحم بطنین من‌الیمین الی
۱۵ الیسار وجعل‌البطن‌الایمن اسخن مزاجا . . . لیکون موافقا فی‌تکوین‌الانثی وجعل للرحم زائدتین عن‌» و کم دارد گویا یك صفحه .

(۱۸۳ص)ـــ کاغذ فرنگی- جلد تیماج زرد متوالی ضربی
اندازه : ۵ر۱۰×۵ر۱۴ و۷×۵ر۱۱ س۱۷

[۷۸۹] افلوقن (کتاب جالینوس الی...) (عربی)

۲۰ فرزانهٔ پزشك جالینوس یاگالئوس Galenos (پرگامس درآسیای‌کوچك ۱۳۱ ـ همانجا یارم نزدیك ۲۱۰) فرزند نیکون Nicon سناتور پرگامس بوده ودرهمین‌شهر وازمیرSmyrneو کرنتسCoritheواسکندریه پزشکی فراگرفت ودر پرگامس ورم بدین هنرمی پرداخت . اوهمیشه بشهر های فینیقی وفلسطین و مصر وبیثونیاوتراکیا وماکدونیاو کریتس و کوپرس(قبرس) ولمنوس وایتالیا وآسیا
۲۵ با پای پیاده میرفته دانش میاندوخت وبچند زبـان آشنا بود وریاضی ومعماری و

فلسفه نیز میدانست . چون خوشخوی و نیك رفتار بود گالنوس (نـرم) نامیدندش (خزرجی گوید که جالینوس فاضلرا میرساند) پزشکی او دراروپا تاسده۱۷ و در آسیا تاسده۱۹ خریدار داشت. کالبد شناسی ودرمان شناسی را برپایه چهار مزاج وخلط نهاده بودو کالبد شکافی و تشریح‌او که روی‌جانوران میشده بی‌ارزش‌نیست.

۵ نزدیك بصد دفتر درپزشکی‌وفلسفه واخلاق ومنطق بیادگار گذاشت که‌بسیاری از آنها بتازی در آمده‌است اسکندرانیان مانند‌استفانوس وانکیلاوس و گاسیوس و ماریئوس شانزده دفتر ازاو برگزیدند که دانشجویان پی‌هم بخوانند وهمهٔ اینها را حنین‌وحبیش بتازی در آوردند (ابن‌ندیم) متن‌یونانی دفترهایش درونتکیا(فندقیه) در۵جلد بسال۱۵۲۵ بچاپ رسید ومتن‌همه نوشته‌های اوهم در۵جلد بسال۱۵۳۸

۱۰ چاپ گشت . در۳۳-۱۸۲۱ هم همهٔ نگارشهای اوبا فهرست موضوعی در۲۰ جلد بنام « کلاودیو گالنو آپاتتا Claudii Galeni Opera Omnia » بوسیلهٔ D.Carolus Gottlob Kuhn بچاپ رسید .

کتاب جالینوس الی‌اغلوقن فی‌التأتی لشفاءالامراض یا «گالنو تن پرس گلاو کنا ثراپوتیکن بیبلیا = نامهٔ جالینوس بگلاوکن در باره هنر درمان = Galien á

۱۵ Glaucon de l'art de curer» یکی‌از گزیده‌های شانزده گانهٔ اسکندرانیها است . بنوشتهٔ خزرجی اغلوقن (گلاوکن) یا کبود و ازرق نام فیلسوفی است که نگارشهای پزشکی جالینوس‌را بدید و پسندید وازاو درخواست که دفتری برای وی بپردازد. پزشك این‌نامه را برایش نوشت ودر گفتار نخستین آن ازتبها(گ۱ب ـ ۷۰الف) ودر دومین از آماسها (گ۷۰ الف ـ ۱۰۱الف) گفتگو نمود . ایندفتر

۲۰ را حنین اسحاق بتازی در آورد(۱) بگفتهٔ ابن‌ندیم گلاوکن استاد جالینوس بود.

---

۱ ـ بنگرید به: ابن‌ندیم ص ٤-٤٠٣ ـ خزرجی وقفطی و شهرزوری و لاهیجی دربارهٔ جالینوس ـ دردفتر ش۵۲۱ مجلس (ج۲ص۷-۳۰۵) فرق‌الطب والصناعة ـ الصغیرة ـ النبض للمتعلمین ـ وهمین اغلوقن ـ فی‌الاسطقسات علی‌رای ابقراط ـ فی المزاج‌هست. مانا اغلوقن اینجا بانسخهٔ مااندکی جدائی داشته‌باشد. نیزبـه : لاروس

۲۵ سده ۱۹ وسده ۲۰ ـ فهرست چاپیهای کتابخانه ملی پاریس درد جالینوس» .

آغاز: رسالة اغلوقن من مقالات جالينوس . بسمله . المقالة الاولى من كتاب جالينوس الاغلوقن ترجمة حنين بن اسحق . اسم الطبيعة يجرى فى كلام بقراط على اربعة اوجه . احدها مزاج البدن و الثانى هيئة البدن و الثالث القوه المدبرة للبدن و الرابع حركة النفس .

۵

انجام: واما قروالماء فالغرض فى مداواته شيئان : احدهما التحليل والآخر استفراغ ذلك الماء بعلاج الحديد . الدواء المحرق والدواء المعفن اقل قوة والطف .

[۹٤٦]

٤۵۹ این نسخه دارای هر دو مقاله و ش ۱ دفتر است و بخط نستعلیق در جدول سرخ با عنوانها و نشانه‌هـای شنگرف از عبدالحسین در ۱۲۵۰ برای میرزا محمد مهدی پزشك شیرازی که مهرش در آغاز نامه‌ها هست . در پایان دارد : «فی دوشنبه ۲ جمادی الاخر ۱۲۵۰» گ ۱ب ۱۰۱ الف .

۱۰

(همهٔ دفتر ۳۱۷۰)ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج سرخ ضربی

اندازه : در ۱۵×هر ۲۰ و ۹×۱۶ س ۱۵

[۷۹۰] باه (رساله در...) (فارسی)

۱۵

این رساله کوتاه پارسی درباه نوشته شده و پیدا نیست که از کیست .

آغاز: بسمله . قال الحكيم : اعلم ان الازدياد فى قوة المجامعة و الباه يتم فى ثلثة، الحرارة والرطوبة وهيجان النفخ .

انجام: و در روزی دواوقیه میخورند که بسیار نافع است باذن الله .

[۹٤۷]

۲۰

۱۰۳۳ این نسخه ش ۲ دفتر و بخط نستعلیق ریز میباشد . گ ۳ الف و ب .

[۷۹۱] بحر الجواهر (فارسی و عربی)

محمد بن یوسف طبیب هروی بدرخواست دوستان و بدستور ظهیر الدوله امیر بیك محمد وزیر اینکتاب را نوشته و در رجب ۹۳۸ آنرا بپایان رساند .

هروی چنانکه خود میگوید از روی کتابهای معروف پزشکی و لغت داروها و خوردنی‌ها و واژه‌های پزشکی و نام پزشکان بزرگ را بترتیب تهجی آورده لفظها

۲۵

را بپارسی ترجمه کرد (ش۱۷ و۱۸ ص٦ - ۲٤٥ ج۳طوس - ذریعه‌ص ۳۳ ج ۳)
در سرگذشت پزشکان گـویا از بیهقی یا شهرزوری بهره برد . اینکتاب را میرزا
محمدرضی بن‌محمدحسین سمنانی حکیم باشی نظام در کارخانهٔ میرزاعلی اکبر بسال
۱۲۸۸ بچاپ رساند .

آغاز: حمدالعلام اعطی ذوی‌الافهام تحقیق دقائق‌اللغات العربیة و شکر الوهاب
۵ ابدی علی اولی‌الالباب تدقیق حقائق النکات‌الادبیه . . . فیقول ... محمدبن یوسف
الطبیب‌الهروی .

انجام: ودرهیچ زمین دیگرمثل ایشان پیدا نشده است .

درفهرست مجلس ازجواهر اللغه همین هروی یادمیکندکه فرهنك پزشکی‌است
وبنام ملك دینارغز بسال۹۲٤نگاشته شد ازنشانه‌های آن که میآورد برمیآید کـه
۱۰ همین بحرالجواهر باید باشد(ش۹۹٤ج۲ص۲۹۳) .

[۹٤۸]

۴۷۵ این نسخه بخط نستعلیق خوش درجدول زرین ولاجوردی باعنوانهای شنگرف
ودارای سرلوح که پاره‌شده میباشد نویسندهٔ آن محمدعلی بن عبدالعزیز بغدادی
بروجی است بسال۱۰۵۳ - نسخه‌ایست شاهانه که درگ۲الف تاریخ ۱۰۵۹ و
۱۵ دومهرشاهی دیده میشود. درگ۱ب مهرو خط محمد جعفرحسینی دارندهٔ نسخه هست.
کتاب ازگ۲ب تا۲۳٤ب .

(۲۳٦گ) - کاغذ سمرقندی - جلد ابماج سبزمتوالی
اندازه : ۱۱×ص۲۱ و۷×۱۵ س۱۹

[۷۹۲] **بیخ چینی (رساله درسودهای ...)** (فارسی)

۲۰ گفتاریست درسودهای بیخ چینی از علاء نورالله طبیب گویا حکیم علاء تبریزی
روزگار شاه تهماسب صفوی که در دیباچهٔ آن میگوید : نزدیك به بیست سال در
هند زیستم وبا دانشمندان آنجا درباره بیخ چینی گفتگوها کردم تا اینکه پزشکی
ارسطو نام ازفرنك آمده ومیگفت که من از دودمان اینفیلسوف هستم . او دربارهٔ
این دارو سخنانی برایم گفت که دراینجا آورده‌ام .

۲۵ درآستانهٔ طوس رساله‌ایست درباره همین دارو از حکیم عمادالدین محمود

پزشك شاه تهماسب یکم صفوی که بدستور پزشکی فرنگی که بهند آمده بود و درهمانجا بسال ۹۵٤ بنگارش درآورد و باید جز این گفتار ما باشد (ج۳ش۶۱ص۲۶۰ نیز ش۳٤ص۲۵۱ همانجا) .

[۹٤۹]

۵ این نسخه ش۶ دفتر و بخط نستعلیق و یز است در ۲۱ سطر گ۱۷۸ب و چنین

٤۶۰ است: «بسمله. اما بعد. محرر این رساله و مفرز این مقاله خادم الحکما نوراله (مشهو بعلاء) میگوید قریب بیست سال در هند روزگار گذرانیدم ـ لکن حکما ازخواص آن (بیخ چینی) هشت خاصیت بیرون نوشته‌اند. اول آتشك کهنه... دوم استسقاء واقسام آن سیم مالیخولیا و انواع آن چهارم برص پنجم بهق ششم جذام هفتم فالج هشتم

۱۰ لقوه » بپایان نمیرسد و کم دارد در نسخهٔ ش۵۲ص۲۵۷ج۳ فهرست طوس پایان آن چنین است : «بعیش وعشرت مشغول خواهد شدبمنه وجوده».

[۷۹۳] پاسخ طوسی دربارهٔ سخن حنین وابن‌سینا (عربی)

پرسیده‌اند که چرا شیخ رئیس درقانون درباره بول سخنی گفت که باگفتار حنین در کتاب المسائل نمیسازد گویا خواجهٔ طوسی است که درپاسخ آن چنین گفت :

۱۵ آغاز: قال حنین فی المسائل «ان النضج یفعل فی صبغ البول اولاثم فی قوامه » وقال الشیخ الرئیس فی الفصل الثالث من التعلیم الثالث فی قوام البول «... یعلم ان صبغه لیس عن نضج»... کیف یری الرای العالی فی دفع هذا الاشکال... ولرأیه مزیدالسمو. الجواب اقول کل واحد من الصبغ والقوام قدیکونان طبیعین .

انجام : ولیس بین الکلامین تناقض فهذا ماعندی فیه . واللّٰه اعلم .

۲۰ طوسی دراینجا مانند گفتار دیگرخود (ش۱۰۷۹/۱۲) درباره علتها ومعلولها بروش ریاضی گفتگو نمود. پیش ازاین درهمین دفتر (۱۰۷۹) پاسخی است ازطوسی دربارهٔ گفتار شیخ (۱۰۷۹/۷) و همهٔ اینها میرساند که پاسخ دهنده باید همو باشد بویژه آنکه شماره‌های ۱ تا ٤ همین دفتر هم سخنان خواجه میباشد. گویا اینها همان گفتگوهای دبیران وطوسی است که شیرازی از آنها بهره برده ودر دیباچه شرح

۲۵ کلیات یادنمود .

[۹۵۰]

۱۰۷۹ این نسخه ش۸ دفتر وبخط نستعلیق میباشد ص۲۰ـ۲۱

[۷۹٤] تب (رساله در ...) (فارسی)

دراین نامه ازتب ونشانهها وداروودرمان آن گفتگو میشود .

۵ **آغاز:** بسمله وحمد وصلوة، امابعد طریق تدبیر آنستکه چون از اول تب بهم رسد خالی ازآن نیست که سرفه دارد یانه .

انجام: که منذربسرسام است . حقنه اولی است خصوصاً وقتیکه سرسام شود. تم بعون الله وحسن توفیقه .

[۹۵۱]

۱۰ ۱۰٤٦ این نسخه ش۳۷ دفتر وبخط نستعلیق رجبعلی بن جوادعلی نزدیك ۱۰۷۱ میباشد گ۱۷۲ب ـ ۱۷٤ب .

[۷۹۵-۷۹٦] التحفة السعدیة (عربی)

شیخ رئیس نخستین دفتر قانون خویش را در گرگان نگاشته و هنگامیکه در همدان بارهٔ درم بوزیری شمس الدوله میپرداخت همان را شبها در خانهٔ خویش

۱۵ بمعصومی میآموخت . ایندفتر بزرك پزشکی پارهای ازآن درری نیزنوشته شده و درهمدان بپایان رسید وشیخ میخواست خود برآن گزارشی بنویسد وآزمایشهای خویش را برآن بیافزاید (سرگذشت ـ بیهقی) ایندفتر گرانبهاکه همهٔ آنچه درآن روزگار ازپزشکی میدانستند درآن گرد آمده و از رهگذر علمی برطب الملکی مجوسی اهوازی برتری داردبپنج بخش است :

۲۰ ۱ ـ کلیات پزشکی که مبحثهای طبیعی وانسانی مربوط باین هنر درآن آمده است واز جغرافیای انسانی هم که درکتاب الامکنة والاهویه ابقراطس گفتگو شده درآن دیده میشود. این بخش بسیاردشوار و بسیاری برآن گزارش نوشتند .

۲ ـ داروهای ساده که شیخ درآن نام پارسی بسیاری ازآنها رایاد نمود .

۳ ـ بیماریها ازسرتا پا .

۴ ـ بیماریهائیکه باندامها بستگی ندارد.

۵ ـ داروهای آمیخته(۱)

یکی از گزارشهای کلیات‌قانون «التحفة‌السعدیة» قطب‌الدین شیرازی(شیراز صفر ۶۳۴ـ تبریز رمضان ۷۱۰) است که در ۶۸۲ آنرا آغاز کرد ودر ۷۱۰ بپایان رساند. نسخهٔ آن در گوتا و لندن واکسفورد واسکوریال و پاریس و آستانه‌وهند(۲)

---

۱ ـ قنواتی نسخه‌های قانون را نشان داده و کهن ترین آنها نسخهٔ ش ۳۶۳۸ ایاصوفیاتاریخ۵۲۸میباشد . ترجمهٔ لاتینی قانون ازژرارد کرمونا (درسده۱۲) درسه جلد نزدیك بسی بار از۱۴۷۳ تا۱۶۰۸ درونتکیا (فندقیه=ونیز) بچاپ رسید وبخش های این لاتینی جداگانه هم‌تا ۱۶۴۶ بچاپ میرسید ازهمین چابهااست چاپ همه‌ترجمهٔ قانون درمیلانو بسال۱۴۷۳ وپادوا بسال۱۴۷۶ وونتکیا بسال ۱۴۸۲ بخش پنجم آن در۱۸۴۵ بآلمانی چاپ شد . درسده ۱۵ گزارشی کلاف برقانون نوشتند وهرچه می دانستند درآن گرد آوردند. درچاپ ۱۵۰۸ ونتکیا ازاین لاتینی ترجمهٔ نگارشهای فلسفی فارابی‌وشیخ نیزهست. ترجمه عبری قانون ازیوسف لرکی Lorki دررم‌بسال ۱۲۷۹ درسه جزء ودر یکجلد در نابل بسال ۱۴۹۲ چاپ شد . از ۱۸۴۴ تا ۱۹۳۰ پارههائی‌ازقانون بفرانسه وآلمانی وانگلیسی درآمده یادرباره آنها کاوش شده‌است (قنواتی۲۱۲) متن قانون دررم بسال۱۵۹۳ بانجات بچاپ رسید. کلیات‌آن درتهران بسال۱۲۸۴ وهمهٔ‌آن درهمین‌شهربا تصحیح میرزاسید رضی‌سمنانی تهرانی‌حکیمباشی نظام وگروهی ازدانشمندان بسال۶ـ۱۲۹۵ چاپ‌شد نیزهمهٔ‌آن درلکهنوء در۳جلدبا شرح کلیات میرزا محمد مهدی، در ۱۹۰۵/۱۳۲۴ ودر۱۳۰۷هم باهمین شرح وحمیات آن در ۱۲۹۶ و کلیات آن‌در۱۳۲۸ نیزدرهمین شهرچاپ گشت. بهترین چاپ‌آن ازروی‌نسخهٔ نزدیك به ۷۰۰ بولاق در۳جلد بسال ۱۲۹۴ میباشد. درقاهره هم‌بسال ۱۲۹۰ چاپ شده‌بود گزارش پارسی آن ازاحمدالدین‌لاهوری بنام کشف‌الراموزدرلاهور در۱۹۰۵ چاپ گشت .

نیز بنگریدبه: فهرست کتابهای چاپی کتابخانه ملی‌پاریس درابن‌سینا ودو کتاب دکترغنی وطریحی درباره ابن‌سینا وقنواتی ش۱۴۰ وبرو کلمن و معجم‌المطبوعات .

۲ ـ قنواتی این‌نسخه‌ها را شرح کامل قانون میداند ؛ ومیگوید که شرح کتاب کلیات دربودلیان ودیوان هند ومصروهند وتهران هست .

ومجلس تهران ش۴۹۳ هست . نسخهٔ کامل آن در پنج جلد و نزدیك صدوپنجاه هزار بیت درسپهسالار هست . شیرازی در ۶۸۲ کلیات قانون را تامبحث ارکان گزارش نموده دردسترس دانشمندان گذارد و آنان بسندیدند و درخواستند که بازمانده را نیز گزارش کنند . اودر ۶۹۴ همان را پاکیزه و کامل ساخت و بجویندگان آن داد . شیرازی

۵ این گزارش را درروزگار غازان محمود (۶۹۴ـ شوال ۷۰۳) ووزیری سعدالدین محمد ساوجی یاآوجی(۶۹۹ـ کشتهٔ در ۷۱۱) آغازودرشب یکم رجب ۷۱۰ نزدیك بدوماه ونیم پیش ازمرك خویش (۱۴ یا۱۷ یا۲۴ رمضان ۷۱۰) بپایان رساند.

این گزارش بسیاردراز ازمبحث تشریح و آغاز فصل ۷ کم دارد کـه زین‌العرب مصری آنرا کامل ساخت (قنواتی ـ دیباچه درةالتاج ـ کشف الظنون) شیرازی در

۱۰ دیباچهٔ شرح کلیات یا تحفهٔ سعدیه میگوید: من ازدودمان پزشکانم واین هنر را درجوانی آموختم و کتابهای کوچك پزشکی را بیاد سپردم واز پـدرم ضیاء الدین مسعودبن مصلح‌الدین کازرونی که پزشکی ناموربود کارهای دستی مانند « فصدو سل وتشمیر وتقلیب ولقط‌الظفره وسبل» ومانند اینهارا بجز«قدح» که مارا نمیشاید فراگرفتم همینکه بدین هنر درست آشنا شدم وپدرم در گذشت وچهارده سال‌داشتم

۱۵ مرا پزشك و کحال بیمارستان مظفری شیراز کردند(۶۴۸) وده سال (تا۶۵۸)مانند پزشکان دیگر در آنجا بدینکارمیپرداختم ونمی‌توانستم‌بکتابی بنگرم پس‌خواستم بهمین بس‌نکنم ونزد عم خود کمال‌الدین ابوالخیربن مصلح کازرونی کلیات قانون خواندم آنگاه نزدحکیم شمس‌الدین محمدبن احمدکیشی سپس نزد شرف‌الدین زکی بوشکانی‌که همگان درآموختن آن بنام بودنـد. مگراینکه این کتاب بس

۲۰ دشوار است که کسی رایارای گشودن همه آن نیست . ازگزارشها که دیده‌ام ازآن رازی همان خرده‌گیری است نه گزارش وقطب‌الدین‌مصری وافضل‌الدین خونجی و رفیع‌الدین جیلی ونجم‌الدین نخجوانی هـم درگزارشهای خویش چیزی بر گفتار رازی نیافزودند مگر اندکی .

ناگزیر بآستان خواجه طوسی روی نهادم . او پاره‌ای از دشواریها را برای من

روشن نمود مگر اینکه باید پزشك بود واین کتاب را فرا گرفت نه فیلسوف تنها. سپس
بخراسان و عراق ایران و عرب (بغداد و پیرامون آن) وشهرهای روم رفته با دانشمندان
آنجا گفتگوها کردم تا آنجا که بسیاری ازقانون برایم روشن گشت بااینهمه کوشش
وگردش نادانسته‌ام بیشتر بود. تااینکه در ٦٨١ نزد ملك منصور قلاون الفی صالحی
پادشاه مصر کـه خدایش بیامرزاد رفتم وبسه گزارش قرشی وسامری ومسیحی بر ۵
قانون و پاسخهای سامری بپرسشهای نجم‌الدین بن‌المفتاح و نیز تنقیح القانون ابن
جمیع یهودی که در آن ازشیخ وازحواشی عراقیه امین‌الدولة بن تلمیذ خرده گرفت
ونگارش فاضل عبداللطیف بن یوسف بن‌محمد بغدادی که ازتنقیح ابن‌جمیع خرده
گرفت برخوردم . ازنگریستن اینها وجزاینها جائی ازقانون برایم دشوار نماند و
خواستم گزارشی بر آن بنویسم و آنرا روشن سازم وازخرده گیریهای گزارندگان ۱۰
پاسخ گویم. خوانندگان میپندارند که کاررا دیگران کرده‌اند وچیزی برای من نمانده
استچه من پراکنده‌های قانون رافراهم آوردم ودشواریهای آنرا بگشودم وبخرده
گیریها پاسخ گفتم وپیش ازمن چنین نکرده‌اند. من در ٦٨٢ این گزارش را آغاز کردم
وبدست همگنان رسید وپسندیدند ودرخواستند بپایانش رسانم ومن نپذیرفتم چه
زندگیم دشوار وهماره درگردشم ونوشته‌ها ویادداشتها بامن نیست . ودانشمندان ۱۵
میگویند که بیکاری آدینه وسه‌شنبه مایهٔ سستی هوش است وناگزیر شنبه وچهارشنبه
فتوا نمیدهند من کـه بیست‌سال بکار علمی نپرداختم چگونه بدان پردازم . آنهم
دانشمند را اکنون روزگار خوشی نیست ناگزیر گزارش را دنبال نکردم تا اینکه
فرمانروائی غازانی آغاز گشت و صاحب شمس‌الدین محمد پسر صاحب تاج‌الدین
علی ساوی بکار گمارده‌شد وبازاردانش روائی گرفت بدرخواست دانشمندان ناگزیر ۲۰
شدم که بنگارش آن گزارش بپردازم مگر اینکه کوتاه تر چه خوانندگان چنین
می‌خواهند واگر بخواهم گسترده ودراز بنویسم میترسم از آن بدزدند وبنام خود کنند
چنانکه درباره «شرح اصول» من چنین کرده‌اند . باز دریغ داشتم که این همه مو-
شکافیها نهفته ماند ناچار راهی دیگر برفتم و گزارشی آمیختهٔ با سخنان شیخ در

قانون نوشتم و گزیدهٔ هشت گزارش رازی ومصری وخونجی وجیلی و نخجوانی و قرشی وسامری وابن القف مسیحی وتنقیح القانون ورد آن وپاسخهای ابن المفتاح و پاسخها وپرسشهای خواجه طوسی دربارهٔ قانون وحواشی او بر آن ونامه های او در پاسخ پرسشهای نجم الدین کاتبی قزوینی ازاو درباره قانون را دراین گزارش گرد
۵ آوردم وآنچه درحواشی نسخههای فرزانگان بدیدم یا ازدانشمندان شهرها شنیدم در آن یادکردم. بهمین هم بس نکردم و گزیدهٔ دفترهائیکه بهرفصل و بابی مربوط بود درهمانجا آوردم مانند: رسالهٔ جالینوس وابن تلمیذدرفصد ورسالههای حجامت وکی وقی وشعر وشراب وبول وبراز وهمچنین بگزنیهائیکه ابن تلمیذازحاوی رازی کردهاست وبستان الاطباء ابن مطران وفصول طبی که ازمجلس شیخ فراهم آوردند وثمار المسائل الطبیه ابی الفتوح عبدالله بن الطیب و پاسخ پرسشها که ابوالحسن بن
۱۰ بطلان دردعوة الاطباء آورد وقراضة الطبیعات ونوادر المسائل وجزاینها نگریستم و گزیدهٔ آنها را دراین گزارش آوردم .دراین نگارش من بجز آن نامهها که یادکردم همه کتابهای تشریح هم گزین شده است مانند منافع الاعضا و علاج التشریح و عمل التشریح وتشریح العظام وتشریح العضل وخمس مقالات فی التشریح و تشریح المیت ونامهٔ به ترابولس درباره مفصل میان نخستین مهرهٔ گردن وسر ومنافع الاعضاء صغیر
۱۵ همه ازجالینوس و گزارش ابن ابی صادق برمنافع الاعضاء الکبیر جالینوس وخلق الانسان ابی سهل مسیحی وتفسیر التشریح ابی الفرج عبدالله بن الطیب و کتابهای دیگر که درجای خوداز آنهایادمیشودنیز دراین گزارش هست. من این رابنام وزیر «تحفه سعدیه» نامیدم .

[۹۵۲]

این نسخه گزارش شیرازی است برفن ۱ کتاب ۱ کلیات قانون وچنین است :

۲۰ **۴۵۳** **آغاز:** بسمله ... ان اولی مافتتح بهخطاب واحری مما ابتدا به کتاب : حمدالله المنعم بحیوة النفوس وصحة الاجسام ... اما بعدفان احوج خلق الله الیه محمود بن مسعود الشیرازی ... یقول لما کان اعذب مشارب النعم واخصب مراتع الحکم ... العلم الذی من تحلی بهفاز بالمقصد الاقصی وتسنم بالمروة العلیا .

انجام : (فربما کان الاکثف هو الاوفق والاخص) کما فی جاذبة الطحال وربما کان
۲۵ الالطف هو الاوفق والاخص کما فی جاذبة المرارة. فهذا آخر الفن الاول من الکتاب الاول

من کلیات القانون ولنشرع الان فی شرح الفن الثانی منه مستعینا بالله وحده مصلیا علی من لا نبی بعده (برابربا میانه گ۵۳ب ش۴۵۴) خط نسخ وعنوانها بشنگرف در جدول شنگرف وبرخی جاها تعلیق و نسخه بدلها در کنار برگها میباشد. برگ۹۵الف سفید است. در گ۱الف تاریخهای ۸۰۰و۸۹۶ ازدارندگان نسخه دیده میشود. اطفعلی بن محمد کاظم تبریزی در ۱۳۱۰ وحکیم صدیق گیلانی دارندهٔ نسخه بوده‌اند. در گ۱۹۴ الف تاریخ مهر۱۱۴۸ با مهری هست. درصفحهٔ عنوان (گ۱الف) تاریخ ۷۵۹ زیر عنوان نوشته شده.

(۱۱۴گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج متوالی ضربی
اندازه: در۱۸٫۵×۲۸ و در۱۱٫۵×۲۱ س۳۱

[۹۵۳]

این نسخه گزارش شیرازی است ازمبحث قوا (فصل۱ تعلیم۶ دراجناس قوا) تا احکام آبهای برف و یخ (مبحث۹ فصل۱۶ دراحوال میاه) وچنین است:

۴۵۴

آغاز: بما لم یکن له قبل ذلك فیستحیل ان یکون مبدأ هو نفس المتصف به من کل جهة والا کان الفاعل قابلا من جهة واحدة وهو محال (برابربا سطر۳ پائین گ۱۶۵ ب ش۴۵۳).

انجام: واذا اثرت التسخین فیه تسخینها بشدوك ما افاده برد الثلج المرضی و یلزم منه ان تعود حرارة الماء المسخن الی ما کانت علیه (درگزارش سخن شیخ: واما اذا کان الجمد من میاه ردیة ... فالاولی ان تبرد به الماء محجوبا عن مخالطته).

خط نسخ کهنه ومتن بشنگرف میباشد وگ ۲۴۷ الف ازنیمهٔ بالا سفید است.
(۲۵۷گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ متوالی ساده با حاشیه ترسوده
اندازه: در۱۶×۲۴ و در۱۲×۱۷ س۲۷

[۷۹۷] تدارك الخطاء الواقع فی التدبیر الطبی (مقالة فی...) (عربی)

شیخ رئیس این رساله‌را برای وزیرابوالحسین احمدبن محمد سهیلی در۷ گفتار (خطاها ـ هوا ـ گرمابه ـ خوراك ـ نوشیدنیها ـ حرکت ـ استفراغ) نگاشته چنانکه رسالهٔ قیام الارض فی وسط السماء را نیزبنام همو نوشته است. او دراینجا ازرسالهٔ تدبیر المسافرین خود میکند (گ۱۸۶ الف ـ ۱۸۹الف) نام این رساله درسرگذشت همان است که یاد شد و بنام «دفع المضار الکلیة عن الابدان الانسانیة بتدارك انواع خطاء التدبیر» درکنار «منافع الاغذیة ودفع مضارها» نگارش

رازی دربولاق بسال ۱۳۰۵ بچاپ رسید (ابن سینا از دکتر غنی ص ۲-۳۱ - معجم المطبوعات درابن‌سینا) .

آغاز: بسمله . تدارک‌الخطاء فی‌التدبیر تصنیف‌الشیخ الرئیس . قال و بعد فان الشیخ الرئیس‌الجلیل اباالحسین‌احمدبن محمدالسهلی ایده‌الله وهو ممن عرف‌بعلو الهمة ... امرنی ... ان اعمل کتابا فی‌دفع‌المضار الکلیة للابدان الانسانیة . ۵

انجام : واما منع‌الاسهال ... فهو موجود فی‌الکتب . ولیکن هذا کافیا فی‌غرضنا (تمت‌الرسالة فی‌تدبیر الخطاء الواقع فی‌تدبیر حفظ‌الصحة للشیخ‌الرئیس ابی‌علی‌سینا فی شهرشوال ختم بالخیر والاقبال) .

[۹۵٤]

۱۰ **۱۰۷٤** این نسخه ش۱۳ دفتراست وبخط نستعلیق ریز گ۱۸۲الف - ۲۱۳ب .

[۷۹۸] **تذکرة‌الکحالین** (عربی)

علی‌بن عیسی کحال ترسا که شاگرد ابوالفرج عبدالله‌بن‌الطیب ترسا بوده و در چهارصد واندی در گذشت (خزرجی ج۱ ص۲٤۰ و۲٤۷) اینکتابرا بدرخواست دوستی دربارهٔ بیماریهای چشم و درمان آنها نوشته و میگوید چون اسکندرانیها ۱۵ همان بیماریهای چشم‌را یادکردند و درمانهای آنها را ننوشتند من از نگارشهای جالینوس وحنین ودیگران ایندفتر بپرداختم . اومیگویدکه حنین از جالینوس واو از دیسقوریدس‌وابن سرافیون وفولس گرفته‌اند .

تذکرة در۳ مقاله است :

۱ - تشریح چشم وسود اجزاء آن وغذاء آنها در۲۱ باب .

۲۰ ۲ - بیماریهای دیدنی وبیرونی چشم وسببها ونشانه‌های آنها در۷۳ باب .

۳ - بیماریهای نهانی ودرونی چشم در۲۷ باب وفهرست هرمقاله پیش از آن آمده است. دو نسخه ازاین درطوس هست (ش۳۱و۳۲ص۲۵۰ج۳) .

آغاز: بسمله‌وحمد وصلوة. رسالة تتضمن‌الکلام فی‌رسالة علی‌بن عیسی‌الکحال جوابا عماساله بعض‌اخوانه فی‌معرفة امراض‌العین وعلاجاتها وادویتها . ورد کتابک

ایها الاخ الفاضل حفظك الله برأفته وارشدك الصواب برحمته تسئل عن جوامع کتب
جالینوس فی امراض العین وعلاج کل مرض منها لان الاسکندرانیین ذکروا عدد امراض
العین ولم یذکروا علاجاتها ... واسمیه تذکرة الکحالین .

انجام : وهذه جملة الادویة التی تستعمل فی علاج علل العین وقد بلغت ماسالت
مع بذل المجهود . . فان مرت بذلك باحد بعدان ینعم النظر فیه والله الموفق للصواب ۵
والمهدی الی الرشاد بمنه ورأفته والحمدلله وحده . فی نسخة: قد بلغت لك ماسألت
بذل المجهود والیه یطیل لقاك وانا اسألك اعزك الله ان تتامله جیدا فاننی استعجلت
فی تألیفه وجمعه لاسرع قضاء حاجتك . فان کان فیه ... اصلحته بعدان تنعم النظر فیه
وان تجعل مکافاتی علی قضاء حاجتك کثرة الدعاء .

[۹۵۵] ۱۰

این نسخه ش۲ دفتر است وبخط تعلیق باعنوانهای لاجورد یاشنگرف بنسخ

٤٤٨ درشت ازدانشمند شمسای گیلانی که درع۲ سال ۹۸۲ برای خود نوشته است.

درپایان دارد : «تم الکتاب بعون الله الاحد الوهاب فی تاریخ شهر ربیع الثانی
سنة ۹۸۲ اقد سودته لنفسی انا العبد الحقیر شمس الدین محمد بن نعمت الله الجیلانی غفر الله
له ولوالدیه واحسن الیهما والیه» گ ۵۹ ب ـ ۱۲۳ ب . ۱۵

(همهٔ دفتر ۱۹۵ گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج زرد تازه

اندازه : ۱۳×۵ر۱۸ و ۸×۱۴ س ۲۱

[۷۹۹] ترجمهٔ برء الساعة (فارسی)

فرزانه پزشك رازی (۱ شعبان ۲۵۱ ـ ۵ شعبان ۳۱۳) برء الساعه را درباره
درمان فوری بیماریها برای ابوالقاسم عبدالله بن ابوعلی محمد بن یحیی بن عبیدالله بن ۲۰
یحیی خاقان وزیر مقتدر عباسی (از ۹ ع ۱ ـ ۳۱۲ تا پنجشنبه ۱۱ رمضان ۳۱۳ دریك
سال وشش ماه) نوشته است. پیداستکه آن در ۳۱۲ و ۳۱۳ بنگارش درآمد .

گیگ Guigues آنرا بفرانسه درآورده وبا متن تازی بنام La guérison
à une heure دربیروت بسال ۱۹۰۳ بچاپ رساند . متن آن درمصر هم بسال ۱۹۳۶
بچاپ رسید. میرزا سیداحمد بن محمدحسین حسینی تنکابنی حکیمباشی فتحعلیشاه ۲۵
ازبستگان محمد مؤمن نگارندهٔ «تحفهٔ حکیم مؤمن» نگارش رازی را درروزگار

همان شاه بپارسی کرد و ۷ باب دیگر بر ۲۳ باب آن بیافزود و پسر او امیرسیدمحمد الطبیب آنرا پاکیزه ساخت و با اسهالیهٔ خود در ۱۲۹۷ بچاپ رساند. این ترجمه در ۱۳۰٤ نیز چاپ شد. ترجمه هندوستانی برءالساعه در لکهنوء بسال ۱۳۰۸ چاپ گشت(۱)

۵ ابن‌طاوس درالامان من‌اخطارالاسفار اینکتاب‌را با • کتاب قسطابن لوقاالیونانی الی ابی‌محمدالحسن‌بن مخلد فیماعمله فی‌تدبیر بدنه فی‌سفره الی‌الحج آورد(ش ۱۰۱۸ گ ۱۰۲ الف - ۱۰٦الف و گ ۱۰۸ الف - ۱۲۵ب - ص۱۳ج۱ فهرست‌این کتابخانه) وبپارسی ایندو درترجمهٔ الامان من‌اخطارالاسفار زواری بنام نشرالامان هم دیده میشود. درذریعه ازترجمه پارسی گمنامی یاد شد.

۱۰ در این پارسی نسخهٔ ما دیباچـه وخاتمه برءالساعه دیـده نمیشود وبسیاری از عبارات انداخته‌شده ودوباب پایان آن‌نیست.

آغاز: بسمله وحمد وصلوة. امابعد این مقاله‌ایست درعلاج که درساعت مؤثر باشد موسوم به‌برءالساعه من‌قدوةالمتاخرین محمد زکریاالرازی. صداع‌هرگاه در مقدم سرباشد وحوالی پیشانی از زیادتی خون است.

۱۵ **انجام**: واگر درپیاده رفتن ماندگی بهم‌رسد علاج آنستکه پایها بهرروغن که باشد چرب‌کنند... واگر زمستان باشد در آب‌گرم‌گذارندکه بغایت نافع بود و بالله‌التوفیق.

[۹۵٦]

٤۳٦ ۲۰ این نسخه ش۹ دفتراست و بخط نستعلیق روشن باعنوانهای شنگرف گ ۱۳۵ ب - ۱۳۹ب. در گ ۱٤۰ الف - ۱٤۲ب بیتهائی است بتر کی بخط نستعلیق‌فتح

۱- بنگرید به: تجارب‌الامم‌مشکویهٔ رازی چاپ‌لیدن ج۵ص۸۲و۲۲۱و۲۲٤- کامل ابن اثیرچاپ ۱۲۹۰ مصرج۸ص۲۲ و۲٤ و۵۱و۵٤ - سرگذشت رازی از نجم‌آبادی ص۲۲۹ - ذریعه ج۳ص٤-۸۳ - مخطوطات موصل ص۳۵ دربارهٔ نسخهٔ المنصوری و همین برءالساعه بتاریخ ۱۲۷۲- نسخهٔ ۲۸۱۸/۲۷۹۱ سپهسالار باحاشیهٔ غیاث منصور برشرح و

۲۵ حاشیهٔ شمسیه - معجم‌المطبوعات ص۹۱۳.

الدوله کاتب‌القرآن درروز شنبه۱۲ ذیقعده سال ۱۳٤٥ .
(همه دفتر۱٤٤گ)— کاغذ فرنگی— جلد تیماج زردتیاره
اندازه: ر۱۳×۲۰ و۹٫۵×۱۲٫۵ س۱۲

[۸۰۰] ترجمهٔ ذهبیه یا طب‌الرضا (فارسی)

دراین نامه رسالهٔ ذهبیه یاطب‌الرضا پارسی شده وآن جزترجمهٔش۹٦۳/۲ میباشد . دیباچه وصفت شراب مویزوانگبین وصفت ادویه وترتیب خواب وفصد و حجامت وتدبیر حمام ومسافر دراین هست . ۵

آغاز: هوبسمله الحمدلله اولاوآخرا ... این رساله‌ایست مشتمل برمعرفت بدن وحفظ صحت وشناختن علت وتدبیرعلاج ... وسبب تألیف این رساله آنستکه روزی امام ... الرضا نشسته بود ... پس امام ... این‌رساله جمع فرمود وبنوشت... ۱۰ والرسالة هذه: بدان ای مامون که حق . . . هیچ دردی نیافرید که در مقابل آن درمانی نهاد .

انجام: وقصد چراگاه کند وشب غافل میخسبد وخبری ازخود ندارد .

[۹٥۷]

۱۰۳۵ این نسخه ش۵۰ دفتر است وبخط شکسته نستعلیق خوش در جدول زرین و ۱۵ لاجورد باعنوانهای شنگرف ص۵۰٦ ـ ۵۰۹ دردنبال آن گفتاری است به پارسی شیوا دربارهٔ معجون مثرودیطوس وتریاق اربعه .

[۸۰۱] ترجمهٔذهبیه یا طب‌الرضا (فارسی)

دراین نامه ذهبیه یا طب‌الرضا بپارسی‌شده و ترجمان‌همانکسی‌است که‌طب الائمه‌را هم بپارسی درآورد (نسخهٔ ش۹٦۳/۱) ومیگوید که من‌پس ازترجمهٔطب ۲۰ الائمهٔ بدستورشاهزاده فتعلیخان بدین‌کار پرداختم. دردو فصل است و درنخستین متن راآورده دردومی آنرا بپارسی کرد وبوزش خواست از اینکه بسبك فارسی نوشته واز روش متن بیرون رفته‌است درذریعه ج٤ص۱۰۳ ازترجمهٔ مجلسی دوم م۱۱۱۰ وسید شمس‌الدین محمدبن محمد بدیع رضوی مشهدی زندهٔ در ۱۱۳۵و ازدانشمندی دیگر که گزارشی آمیخته نوشت یادنمود و نیزاز مولی فیض‌الله‌عصاره ۲۵

شوشتری پزشك ستاره‌شناس که پس از ۱۰۷۸ بدستور فتحعلیخان پسر واخشتوخان فرمانروای شوشتر نگاشته‌است. در نسخه‌ماهم ازفتحعلیخان یاد گردید پس ترجمان باید همان شوشتری باشد.

آغاز: حمد بیقیاس وسپاس ستوده اساس حضرت‌مقدس حکیمی‌را سزاوار است.

۵ **انجام**: بدانکه عسل‌را نشانها است که بآن منافع وضار (کم‌دارد).

[۹۵۸]

۹۶۳ این نسخه ش۲دفتر است وبنسخ نزدیك۱۱۲۲ (ش۱) گ۱۶۳ ب۱۸۶ب.

(۱۸۶گ)—کاغذ فرنگی—جلد تیماج مشکی ساده
اندازه: ۱۴×۱۹ و۹×۱۵ س۱۸

۱۰ [۸۰۲] **ترجمه طب‌الائمه** (فارسی)

دراین رساله دستورهای پزشکی وبهداشتی پیشوایان شیعی آمده وترجمهٔ طب الائمه ش۹۲۹/۱ نیست وچیزی دیگراست. گویا این همان ترجمه‌ای باشد که در ذریعه‌ج۴ص۱۱۴ یادشده وترجمان آن مولی فیض‌الله عصاره شوشتری پزشك‌ستاره شناس است که بدستور فرمانروای شوشترفتحعلیخان پسرواخشتوخان بسال۱۰۸۸

۱۵ آنرا بپارسی درآورد وچنانکه می‌بینیم در دیباچه ترجمه ذهبیه (ش۹۶۳/۲) از فتحعلیخان وترجمه طب‌الائمه یاد گردید وخط دو نسخه و سبك عبارت آندو هم یکی میباشد.

آغاز: بسمله وبه‌ثقتی. شیرکاران شربتخانه سخن آرائی که از بادام اشارات و پسته عبارات نقل معانی شیرین ومضامین رنگین بالطیف تراسلوبی وبخته‌اند.

۲۰ **انجام**: بوجه ثالث اقرب است بمرام وانسب است بمقام ... واذابلغ‌المرام هذا المقام فلنختم‌الکلام حامدین‌لله ... وعلی‌عترته ... العظام.

[۹۵۹]

۹۶۳ این نسخه ش۱دفتر است وبخط نسخ تاریخ نیمهٔ شوال ۱۱۲۲ در پایان دارد: تمت‌الکتاب طب‌الائمه فی‌التاریخ منصف شهر شوال ... سنة ۱۱۲۲ گ۳ ب-

۲۵ ۱۶۲ ب. گ ۵ الف سفید و کم دارد و دیباچه بپایان نمیرسد و از بباب یکم

آغاز میشود .
(۱۸۶ گ) – کاغذ فرنگی – جلد تیماج مشکی ساده مقوائی تازه
اندازه : ۱۴×۱۹ و ۹×۱۵ – س ۱۸

[۸۰۳] تریاق فاروق (رساله در...) (فارسی)

در این رساله از آزمایش تریاق فاروق و حجر التیس و حجر الحیه و دهن بلسان گفتگو گردید (گویا در ش ۵۰۷ مجلس نیز همین باشد و در ش ۸۰ ص ۲۷۷ ج ۳ طوس از تریاق فاروق حکیم یحیی نحوی یادشد) .

آغاز: بسمله. در امتحان جودت و ردائت تریاق فاروقی و غیر آن. بباید دانست که امتحان جودت و ردائت تریاق فاروق چنان کنند که انسانرا مسهل قوی دهند چون شحم حنظل و محموده .

انجام: پس اگر شیر ببندد غیر مغشوش بود و اگر نبندد مغشوش والله اعلم. م.

[۹۶۰]

۴۳۶ این نسخه ش ۸ دفتر است و بخط نستعلیق گ ۱۳۳ الف و ب در دنبال ۱۰ سطر چلیپا است بنستعلیق که درباره دهنج یا دهنه فرنگی که سنگو است سبز و آبدار سخن بمیان آمد .

[۸۰۴] تشریح الابدان (عربی)

جالینوس یا کلاودیوس گالنوس در کالبد شکافی و تشریح چند دفتر دارد یکی در ه گفتار که حنین آنرا ترجمه کرد و از آن شانزده کتابی است که اسکندرانیان برگزیدند دیگر تشریح کبیر در ۱۵ گفتار و اختلاف التشریح در دو گفتار و تشریح الحیوان المیت یک گفتار و تشریح الحیوان الحی دو گفتار و فی علم بقراط بالتشریح در پنج گفتار و فی علم ارسطو بالتشریح در ۳ گفتار که همهٔ اینها را حبیش بتازی در آورد و از آن شانزده کتاب نیستند (ابن ندیم ص ۴۰۳–۴۰۴) .

این نسخهٔ ما در ه گفتار است و همان نخستین دفتر بستکه یاد شد و برای شاگردان است. در گفتار یکم از استخوانها گفتگو شده و ترجمهٔ ابی زید حنین بن اسحق ترجمان است و در دومی ماهیچه‌ها یاد شده و در آن از کالبد شکافانی مانند

ثالیس واوقس والیانوس نام میبرد و میگوید هر که بخواهد در شناختن ماهیچه‌ها ورزیده گردد باید بوزینه‌ای در آب خفه کند و بدستوریکه در علاج‌التشریح نوشته شده پوست برکند. درسومی ازعصبها یادشده وترجمه ابی‌عثمان دمشقی است. در چهارم از «عروق غیرضوارب» گفتگو شده ودراینجا هم از آزمایشی که درتن بوزینه
۵ کرده یادمیکند وبهمان علاج‌التشریح بازگشت میدهد ورگها رابدرخت وشاخه های آن مانند میسازد در آغاز مقالهٔ ٤ بهانطاس (گ٥٤ب) دوست میگوید وبنام ودرخواست اواین گفتار را نوشته است. درپنجم از «عروق ضوارب» سخن رفته است.

آغاز: بسمله. استعین بك یاکریم. المقالة الاولی فی التشریح وهی تشریح العظام
۱۰ ترجمة ابی‌زید حنین‌بن اسحق الترجمان قال جالینوس: انه قدینبغی للطبیب ان‌یعرف هیئة کل واحد من‌العظام فی‌نفسه وحالة فی‌ترکیبه مع‌غیره عندالتماسه احکام علاج مایعرض فیها من‌الخلع والکسر.

انجام: فلیس‌یجاورها عرق‌الی ان‌یبتدی ینقسم. تمت مقالة جالینوس فی‌تشریح العروق‌الضوارب و تم بتمامها کتابه فی‌التشریح المتعلمین. والحمدلله رب‌العالمین
۱۵ وصلی‌الله علی‌محمد و آله اجمعین.

[۹۶۱]

٤٤٨ این نسخه ش۱ دفتر است وبخط نستعلیق شمانی گیلانی درپاره‌ای جاها بی نقطه وبا عنوانهای نسخ درشت بلاجورد وحاشیه‌هائی درآغاز میباشد. تاریخ آن باید نزدیك ۹۸۲ باشد. گ۱ب - ٥۸ب. درگ۲ که بشماره نیامده نوشته
۲۰ شده که نسخه در۱۱۰٥و۱۱۱۰و۱۱۲۷و۱۲٥۰و۱۲٦٦ داخل عرض‌شد با چندگونه مهر وهمچنین امضای شیخ بهائی دیده میشود درگ‌الف نیزدارد که نسخه در ۱۱٥٤ و۱۱۹٦ و۱۲۷۰ عرض شده بامهرهای گوناگون. نمونه‌ای ازاین عرضها: رسالهٔ تذکرة‌الکحالین قطع کوچك کاغذ سمرقندی جلد مقوی روکاغذ ابری بخط‌شمس‌الدین محمد بتاریخ٥شهررجب ۱۱۰٥ تخاقوی‌ئیل داخل عرض شد (رویهٔ برگ دوم پیش از
۲٥ کتاب) - تشریح الابدان جالینوس قطع ربعی وسط جلد مقوی کاغذ ابری بتاریخ شهرمحرم‌الحرام سنهٔ ۱۱٥٤ تخاقوی‌ئیل داخل عرض شد (گ۱ الف).

[۸۰۵] **تشریح الابدان** (فارسی)

منصور بن محمد بن احمد برای ضیاءالسلطنه پیرمحمد بهادر این نامه را در
کالبدشکافی نگاشته است و دارای مقدمه در گونه گون اندامها و شناساندن آنها و
پنج مقاله (استخوانها ـ پی ها ـ ماهیچه‌ها ـ وریدها ـ شریانها) و یک خاتمه در
اعضاء مرکب و چگونگی زایمان میباشد. هشت شکل و پیکره (برنگ سیاه و شنگرف ۵
وزرین در نسخهٔ ما) برای نشاندادن درزهای سروچانهٔ بالائی واستخوانها و پی‌ها و
ماهیچه‌ها و وریدها و شریانها و بچه درشکم مادر و زن آبستن در آن هست و آبستن
را بازانوهای خمیده نمایش داد و این گونه نمایش در نگارشهای دانشمندان خاوری آمده
گویا میخواستند زن را درهنگام زایمان نشان دهند یا از بوزینه ایکه کالبدش را میشکافتند
چنین پیکره را میساختند. اینان می پنداشتند که پاهای بچه در شکم مادر بسوی پائین و سر ۱۰
بسوی بالا است و بدینگونه آنرا نمایش میدادند و میگفتند که بچه در هنگام زادن برمی
گردد و از سر بیرون میآید. (پیکرهٔ برابر با ص ۳٤٦ تاریخ پزشکی الگود)

آغاز: بسمله. شکر و سپاس پادشاهی را سزد و حمد و ثنای بیقیاس خالقی را
رسد که درخلقت انسان دقائق حکمتش بی پایان.

انجام: و حق دراین سخن ارادت فاعل مختار است واظهار قدرت شامله که ۱۵
مندرج است در تحت حکمت بالغه وهو یخرج الحی من المیت ... و بحکم مسایرید
بمشیته. (تمام شد بیان خاتمه کتاب بعون الملك الوهاب فی شهر ربیع الاول سنهٔ هزار
ودویست وشصت ویك هجری الحمدلله اولا وآخرا وظاهرا وباطنا).

[۹٦۲]

این نسخه ش ۱ دفتر است و بخط نستعلیق خوش دارای سرلوحی بشنگرف ۲۰
۷۵۰ ولاجورد در آغاز (گ ۱ب) و درجدول باهمانور اك و با عنوانهای شنگرف.
نویسنده میرزا نصرالله پسر میرزا محمد شفیع خوشنویس است که در ۱۲٦۱
گویا برای عبدالغفورخان دردیه اشنویه نوشته است. گ ۱ب ـ ۲٦ب. دو برگ دفتر
سفید است.

(همهٔ دفتر ۳٥٦ب) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج ضربی

اندازه: ۱۹×۵ر۳۰ و ۵ر۱۲×۵ر۲۲ س ۲۲

[۸۰۶] **التشريح (مختصر فی علم ...)** (عربی)

بزشك فقیه نجم‌الدین شمس‌الاسلام محمود بن امـام همام صائن‌الدین الیاس‌بن شیرباریك‌بن‌محمد شیرازی (سده ۷ و ۸)(۱) این مختصر تشریح‌را نوشته است. در کشف‌الظنون دردنبال واژه «تشریح» دارد که مختصر ازخود ابن همام نیست و از ابن‌جماعه است که وی آنرانزد اوخوانده است دردیباچه دارد که من‌بسه بهانه‌این دفتررا بپرداختم یکی اینکه شناختن تن‌براز آفرینش راهنمائی میکند دوم اینکه دانستن‌ساختمان وسود هراندامی دردرمان بیماربهاکمك است‌سوم اینکه‌بهداشت را یاراست. کتاب‌درچهار گفتاراست: استخوانها در۲۳باب ـ رگها۱۹باب.ماهیچه‌ها ۲۸ باب ـ ساختمان اندامها (کالبدشناسی توصیفی) در۲۵باب.

آغاز: بسمله.الحمدلله الحمیدالمحمودالکریم‌الودود الوافر النعماءالباهرالآلاء. اما بعدفقد قال قدوة مشاهیرالحکماء... (قال المولی المعظم ...) نجم‌الملة (والحق) والدین (شمس‌الاسلام والمسلمین) محمودبن (السعیدالمرحوم‌الامام الهمام صائن الملة والدین) الیاس (بن‌الشیرباریك‌بن محمد) الشیرازی غفرله ورحمه (نورالله قبرهما): هذا مختصر فی‌علم‌التشریح وباعثی ومزعجی لتصنیفه ثلثة امور.

انجام: والحق عندی‌ان‌المنی هوالرطوبة‌الغریزیة‌التی (تقوم) الحرارةالغریزیة بها قائمة بهـا ولذلك یحدث (بسبب استفراغها من‌الضعف والانکسار مالایحدث) باستفراغ‌الدم مثله خمسین مرة اواکثر والقولفیه ذوشجون.

[۹۶۳]

۴۴۸ این نسخه ش۵ دفتراست وبخط نستعلیق باعنوانهای تسخ درشت وشنگرف از شمس‌الدین محمدبن نعمة‌الله جیلانی (شـای گیلانی فیلسوف) نزدیك۹۸۲ که برای خودنوشته است دومهر درپایان هست که خوانده نمیشود وباید از شما باشد درمیان‌آندو دارد: «... صاحبه کاتبه». گ۱۵۰ب ـ ۱۹۵الف

۱ ـ بنگرید به: گفتار آقای ایرج افشاردر ش ۳ و ۴ سال ۸ مجلهٔ‌مهردر بارهٔ‌این دانشمند.

پایان تشریح محمود الیاس شیرازی بخط فیلسوف شمسای گیلانی
نزدیك ۹۸۲ک ۱۹۵الف ش۵ر۴۴۸

[۹٦٤]

۴۹۰ این نسخه ش۱ دفتر است و بخط نسخ معرب با عنوانهای شنگرف ودر پایان دارد: «تمت الرسالة التشریحیة للطبیب الفاضل محمود الیاس الشیرازی رحمه الله» گ۳ ب - ٦۰ب . در برگ چسبیده بجلد تاریخ ۱۲۰۸ دیده میشود ودر گ۶۰ب مهر یکی از دارندگان نسخه هست : «یا ایها یوسف الصدیق» .

۵

در گ۶۳ب در پایان رسالهٔ دوم این دفتر دارد : « رسالهٔ مختصر محمود در تشریح قطع وسط . کاغذ سمرقندی . جلد مقوی، که بتاریخ ۲۹ شهر جمادی الثانی سنهٔ ۱۱۰۵ داخل عرض شد» در گ۳ الف بخط شکسته دارد : «حررفی شیراز شهر شوال ۹۹۸» واینکه نسخه در ۹۰٦ ازآن عبدالله بن محمدشاه بن علی بندر آبادی بود . همچنین در

۱۰ دو جا خط شیخ بهائی دیده میشود یکی : «العبد بهاءالدین محمدالعاملی » دیگری عبارتی که همین اندازهٔ آن خوانده شده: «مختصر محمود الیاس فی التشریح هدیة من الفقیر بهاءالدین محمدالعاملی الی سیدنا و مخدومنامدت ایام ... » نیز دارد « تشریح محمود الیاس» .

(همه دفتر ۳۶۴م) — کاغذ سمرقندی جلد تیماج مشکی متوالی

۱۵ اندازه : ۱۴×۲۲ و ۹٫۵×۱۵ س۱۹

[۸۰۷] **فصول اقسام الحمیات** (عربی)

دراین گفتار ازتبهای گوناگون سخن بمیان آمده است .

آغاز: القول فی الحمیات . للحمیات وسایرالامراض اربعة اوقات . وقت الابتداء وهوحین ینال الافعال الضرر ولم یبتدأ الطبیعة فی مقاومته .

۲۰ **انجام :** ودخول نوائب الحمیات علی ضربین ... ولایخلوالخلطان المرکبان من ان یکونا متساویین اواحدهما اغلب . والله اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب .

[۹٦۵]

۴۹۰ این نسخه ش۲ دفتر وبخط نسخ معرب روشن بانشانه‌ها و عنوانهای شنگرف میباشد . گ۶۱ب - ۶۳ب .

۲۵ [۸۰۸] **التلویح فی اسرار التنقیح** (عربی)

دانشمندی ازقانون شیخ رئیس گزین نموده کتابی بنام مکنون نوشته است . فخرالدین محمدبن محمدبن ابی‌نصر خجندی همین مکنون را کوتاه ساخته و نکته‌ها

که شیخ نیاورده بود بر آن افزود و بدان نام تنقیح مغلق المکنون داد. بارۀدیگر نیز آنرا کوتاه‌تر کرده وسخنانی دلپسند وشگفت‌انگیز بیافزود والتلویح الی اسرار التنقیح نامید. دراین دفتر کوچك‌مسئله‌هائی است که در بیشتر کتابهای کلان نیست همین است که لطف‌الله طبیب مصری شیفتۀ آن بوده و گزارشی بر آن بنام التصریح فی شرح‌التلویح نوشته است (کشف‌الظنون) حاشیۀ این تصریح گویا ازموفق‌الدین ۵ عبداللطیف‌بن یوسف بغدادی‌بخط شاگردش هبةالله‌بن جمیع اسرائیلی متطبب برای ابومنصوربن ابوالفتوح اسرائیلی بسال ٦١٦ که تاریخ نگارش حاشیه هم هست در آستانه طوس هست (ش۳ص٤۳ص۲٥۳ ج۳) نسخه‌هائی از تلویح خجندی درپاریس و واتیکان وجزائر وآستانه (فاتح) وبوهار ورامپور وآصف وبنکیپور وبنگال‌هست (قنواتی ص۲۱۱)خجندی‌دردیباچۀ آن (نسخۀما) میگوید‌پس ازاینکه حاشیه‌هائی ۱۰ برقانون نوشتم بنگارش این‌مختصر برداختم و گزیدۀ آن‌حاشیه‌ها باآنچه خودبدان برخوردم دراینجا آوردم و«التلویح فی‌اسرار التنقیح» نامیدم (گ۱الف) پس ازاین دیباچه دیگری درگ۱ب هست که پس ازستایش ودرود میگوید این مختصر رابه درخواست برخی گرد آوردم ودرو فن گذاردم . (تعریف پزشکی وموضوعهای آن واحوال‌امورطبیعی- بیماریهاوسببها وعرضها ـ بهداشت ـ روشهای گوناگون‌درمان ۱۵ بیماریهای کلی- تبها وبحرانها وپیش‌بینی یاتقدمةالمعرفة) همین فهرست‌را چلبی‌هم یادنمود و آنچه اودربارۀ مکنون وتنقیح وتلویح گفته است دردیباچه‌تلویح (نسخه ما) نیامده است .

آغاز: قال‌الامام‌الفاضل اکمل‌المتأخرین ورئیس‌الحکما والمتکلمین فخر‌الملة والدین محمدبن محمدبن ابی‌نصرالخجندی ... اما بعدحمدالله واهب‌العقل... ۲۰ فانی لمافرغت‌من‌تعلیق لطایف کتاب‌القانون وتنمیق‌صحایف سرالمکنون ... انتهضت ثانیا فجمعت مختصرا یحتوی علی‌جمیع مایجب ان‌یحفظ من‌فصوص ذالك‌التعلیق... مع‌زوایدمتمة وفوائدمهمة یخلوعنها اکثرالمختصرات بل‌لم توجد ایضافی‌المطولات وسمیته‌التلویح‌فی‌اسرار التنقیح لتضمنه‌معانی‌ذالك‌الکتاب مع‌خلوه‌عن‌الاطناب‌وجعلته

الخ (گ۱ الف مانا این دیباچه دوم است . آنگاه در گ۱ب دارد :)

بسمله و به نقتی امابعد حمدالله . . . فهذا مختصر جمعته بالتماس بعض وجملته خمسة فنون یشمل کل فن منها علی فصول ـ تم الفن الاول من کتاب التلویح (پایان فن یکم گ۳۵الف) .

٥ **انجام** : ومما یدل علی الموت من غیر بحران عجز القوة عن مقاومة المرض . هذا آخر ما قصدنا ذکره فی هذا المختصر وحقق معاینه فهو حقیق بان یصیب فی الاعمال وجدیر بان یرزق التایید من الله المتعال . والله اعلم واحکم .

[٩٦٦]

٤٣٨ ١٠ این نسخه ش۱ دفتر است وبخط تعلیق با عنوانها درمتن وهامش و نشانه های شنگرف ازمحمد امین شریف در بامداد روز آدینه ۱۰ شوال ۱۰۸۳ ومحمدحسینی طبیب مازندرانی دوع۱ سال ۱۱۸۸ دارندهٔ نسخه بود ومهراو هم هست گ ۱ الف ـ ۷۸ب .

(همهٔ دفتر ۳۳۳۷) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج ساده ـ اندازه : ۱۴×۱۹ و ۷×۱۲م ـ س۱۹

١٥ [٨٠٩] **جامع الفوائد** (فارسی)

یوسف بن محمد بن یوسف طبیب مشهور بیوسفی زندهٔ در ۹۱۳ و ۹۴۲ دویست وهشتاد و نه رباعی سروده ودر هر یک نشانه ودارو ودرمان یکی از بیماریها را یاد نمود سپس آنها را گزارش داده است . در دیباچه از «رساله علاج الاعراض» خود نام برد وخود او این نامه را جامع الفواید نامید. این کتاب در ایران بسال ۱۳۱۸ بچاپ رسید (ذریعه ج ٥ ٢٠ ص۶۸ ـ کشف الظنون ج۱ ص۳۸۱) .

آغاز: هو المستعان. هذا کتاب جامع الفواید یوسف طبیب علیه ماعلیه. وبه نستعین بسمله. حمدنا محدود حکیمی را که بقانون حکمت و کامل البضاعت رحمت رافع انواع امراض ودافع اصناف اعراض است... چنین گوید ... یوسف بن محمد بن یوسف الطبیب .

٢٥ **انجام** : چون نسخه تااینجا قلمی شده بود لهذا اکتفا کرده . تمت الکتاب بعون

الملك الوهاب .

[٩٦٧]

٤٣٦ این نسخه ش۱ دفتراست و بخط شکسته نستعلیق ازمیرزا کاظم پسر میرزا باقر تبریزی در۱۶ ذی قعده ۱۲۳۷ وحواشی هم دارد گ۱ب - ۷۰ب س۱۲.

[۸۱۰] جودیه (فارسی) ۵

این نامه درچند باب است ودردرمان پاره‌ای از بیماریها که گویند ابن‌سینا برای محمود غزنوی (۳۸۸ - ۴۲۱) نوشته است. درسرگذشت و بیهقی وخزرجی چنین نگارشی ازشیخ یادنشد. انجمن‌هزارهٔ ابن‌سینا آنرا ازروی همین‌نسخه بچاپ‌رساند

آغاز: بسمه وحمد وصلوة . امابعد بدان ای عزیز که این رساله ایست بر سبیل ایجاز واختصار بغایت فوائد مسمی بجودیه که افضل الحکماء ابوعلی‌سیناجهت سلطان محمود انشا نموده است و در مطالعه این نسخه انواع فوائد حاصل آید انشاءالله تعالی . بدانکه جمیع علتها ازخوردن بسیار و گفتن بسیار وخفتن بسیار و مجامعت بسیار پدید آید . ۱۰

انجام : بدانکه هر که بعرق پیکان تیرآب دهد بهر که زند در حال بمیرد بلاشك بدین قدراختصار افتاد . والله اعلم بحقایق‌الامور . ۱۵

[۹۶۸]

۱۰۴۶ این نسخه ش۳۶دفتراست وبخط نستعلیق رجبعلی بن‌جواد علی نزدیك۱۰۷۱ گ۱۷۲ب - ۱۷۴ب .

[۸۱۱] چوب چینی (دستور خوردن ...) (فارسی)

حکیم محمد باقر دراین‌گفتار دستور میدهد که چگونه بایدچوب چینی‌را خورد . ۲۰

آغاز: بسمله. دستورالعمل خوردن چوب چینی‌معمول ازحکیم محمدباقر رحمه‌الله . طریق آشامیدن بیخ چینی چنین است .

انجام : درین وقت نوعی میباید کرد که خلط صالح بهم‌رسد تادانند .

[٩٦٩]

١٠٣٣ این نسخه ش ٣ دفتر است و بخط نستعلیق مسیح المهتدی گ ٤ ب - ٦ ب .

[٨١٢] حاشیه شرح اسباب و علامات (عربی)

رکن الدین برشرح برهان الدین نفیس طبیب بن عوض بن حکیم کرمانی بسال ٨٢٧
٥ بر الاسباب و العلامات سمرقندی نجیب الدین محمد کشتهٔ درهرات بسال ٦١٨ این
حاشیه را نوشت و بعلاء الدین احمد ارمغان داد ودردیباچه میگوید که من پس از
فراگرفتن هنر پزشکی از بزرگان فرزانگان بشهری افتادم که پزشکان آنجاسخت
ناآگاه بودند ناگزیر من بدرمان بیماران برداختم و بدرخواست گروهی شرح
اسباب وعلامات نفیس الدین طبیب کرمانی درس میگفتم ودرآن بجاهائی برخوردم
١٠ که برمن روشن نگشت این بود که این شکوك را دراینجاگرد آوردم . از دیباچه
پیداستکه رکن الدین شیعی است .

آغاز: بسمله . تیمنا بذکره الاعلی . الحمدلله الحکیم الذی خلق لکل داء جنسا
من الدواء .. فیقول ... رکن الدین

انجام : لان المقرر فیمابینهم ان فم المعدة عصبانی والهوة فیه وقعره لحمانی
١٥ والهضم فیه .

[٩٧٠]

٤٤٨ این نسخه ش ٤ دفتر است وبخط تعلیق فیلسوف شمسای گیلانی نزدیك ٩٨٢ گ
١٣٦ ب - ١٤٧ ب .

[٨١٣] حافظ الارواح (عربی)

٢٠ ازحکیم سید اشرفعلی بن حکیم عنایت علی رضوی یمانی حیدرآبادی راحة الدولة
درباره حرارت غریزی و چهل وشش چیزیکه مایه کاهش آن است دریك مقاله
(گ ٦ الف - ٢٧ الف) ودربارهٔ پنجاه وپنج چیز که مایه تهی دستی است آنچنانکه
دراخبار آمده درمقاله دوم (٢٧ الف - ٢٨ ب) که دردیباچه آن درباره حرارت غریزی
کاوش نموده ومیگوید پس از آموختن پزشکی بیست وپنج سال بدرمان بیماران

پرداختم ودریافتم که پایه وبنیاد مردمی حرارت غریزی است ورطوبت غریزی هم اورا پایدارمیدارد. این بود که ازنگارشهای حکمت وطب آنچیزهائی که برحرارت غریزی میافزاید یا از آن میکاهد گرفته دراینجاگرد کردم . اواین کتابرا برای میرزا اسماعیل خان امین الملك نوشت ودر ۱۳۱۱ باونیاز داد .

٥ آغاز: بسمله . الحمدلله المنفرد بالقدم والـدوام المتنزه عن مشابهة الاعراض والاجسام .

انجام وترك السلام لاهل البیت وترك ابتداء الامور عن بسم الله الرحمن الرحیم.

[۹۷۱]

۸۳۲ این نسخه بنسخ درجدول با عنوانهای شنگرف ودر پایـان خود کتاب مهر «السید الحکیم» دارد واو نیز بدینگونه: «Hakim 1311 Siraz I893» ۱۰ ودر گ۲۹ الف چهارسطر بخط هندی وپنج سطر بنستعلیق باردو نوشته شده وازآنها پیداستکه نسخه را بسر کارامین در ۷ع۲ سال ۱۳۱۱ بنام برگ سبز نیاز کرده است. وروشن است که نسخهٔ اصل میباشد .

(۳۰گ) ــ کاغذ سبز ــ جلد مقوای گلکاری شده

۱۵ اندازه : ۱۳×۲۱ و۷٫۵×۱۴ــ س۱۱

[۸۱٤] حدود الامراض (عربی)

ابی مسلم محمدبن ابی محمد پزشك کاشانی گویا از پزشکان روزگار صفوی دراین نامه همهٔ بیماریها ازسرتا پارا شناسانده وتنها تعریف هریك را آورد وفرهنك پزشکی کوچك خوبی است .

۲۰ آغاز: هو . الله ولاسواه . بسمله . وبه ثقتی . الحمدلله الکریم الجلیل الذی یشفی بکمال حکمته ولطفه، السقیم والعلیل . فهذا ماجمعه ... محمدبن ابی محمد ابی مسلم الطبیب ... فی حدود الامراض من الراس الی القدم.

انجام: البار شنام حمرة منکرة سمجة یشبه حمرة من یبتدی به الجذام ویظهر علی الوجه والاطراف .

۲٥ درذریعه (ج٦ ص۳۰۰) نام پدر ابی مسلم ابی المجد نوشته شده و درفهرست

طوس ابی المجیر آمده وازحل حدودالامراض میرزاخان طبیب جلالی هم نام برده شد (ج۳ش۴۵ و٤٦ و٤١ ص٤ـ ٢٥٣) .

[۹۷۲]

۵ ۱۰۹۳ این نسخه ش۲ دفتر است وبخط نسخ و عنوانهای بیماریها بشنگرف که محمد سعید حسنی قمی در۱۱۳۹ آنرا نوشته است گ۳۶ب - ۵۳الف .
(همهٔ دفتر۵۴) — کاغذ سمرقندی جلد تیماج سرخ ساده
اندازه : ۱۴×۱۹ وص۷×ص۱۴ س۱۶

[۸۱۵] حفظ الصحة و العلاج (کلام فی ...) (عربی)

ابوعیسی جبرئیل بن عبیدالله بن بختیشوع پزشك و آشنای بزبـان فارسی که در
۱۰ بغداد وسپس کرمان وفارس نزدفنا خسرو بسال۳۵۷ ودرری نزد صاحب عباد ودر دیلم نزد خسروشاه بن مبادر پادشاه آنجا میزیست و پس ازمرك فناخسرو ببغداد آمد و کناش بزرگ خودرا بروش پرسش و پاسخ بنام کافی و برای صاحب عباد در۵ جلد بپایان رساند. وی نگارشهای دیگری درباره کیش مسیح و یهود دارد و کتابی نوشت که در آن میان سخنان پیامبران و فیلسوفان ساز گاری داد و کناش کوچکی هم دارد
۱۵ و گفتاری دربارهٔ دماغ برای خسروشاه دیلمی نوشته است. و گفتارهای دیگر. اودر روز آدینه هشت رجب ۳۹٦ در ۸۵سالگی در گذشت ودر مصلی بیرون میافارقین بخاك سپرده شد (خزرجی ج۱ص۱٤٤) .

این گفتار در بهداشت ودرمان پاره‌ای ازبیماریها است که ازاو دانسته شد.

آغاز: هومن کلام جبرئیل بن بختیشوع طبیب . اعلم ان مثل الانسان کمثل الارض
۲۰ المیتاء .

انجام : والعین من المعدة واللحية فی الخصية . الکبد بیت الدم . والمرارة بیت الصفراء . والکلیة بیت الشهوة . والطحال بیت السوداء . والقلب بیت الفکر . والبلغم فی الجسد کله .

[۹۷۳]

۲۵ ۱۰٤٦ این نسخه ش۳۹ دفتر است وبخط نستعلیق وسربندها زیرخط سرخ. گ۲۰۸الف وب درپایان دارد: تم والحمدلله وحده کلام ابن بختیشوع وهو لفظ سریانی معناه

عبد عیسی وحروفه الباء بنقطة الواحدة التحتانية والخاء المنقوطة والتاء بنقطتين فوقانيين والياء بنقطتين تحتانيتين والشين المنقوط والواو والعين المهملة بالترتيب» .

[۸۱٦] حقائق اسرار الطب (عربی)

مسعود بن محمد سجزی پزشك برای وزیر صدرالدوله ابی المفاخر قاسم بن عراق بن جعفر اینکتاب را درروشن ساختن لفظها وعبارتهای پزشکی نگاشته است ۵
وخود آنرا چنین نامید ودرسه فن میباشد : (ماهیت چیزهائیکه بکلیات پزشکی میپیوندد ـ چگونگی عملها وهنرهای پزشکی ـ کمیت امور پزشکی یا آمارمباحث آن) (ش ٤٤ ص ۲٥٤ ج ۳ فهرست طوس) .

آغاز: هو. هذا الكتاب حدود السجزی . بسمله و به نستعین . الحمدلله علی ایادیه المتواترة... امابعدفان العبدمسعودبن محمدالسجزی الطبیب... یقول لما اتصلت ۱۰
بخدمة مولانا الصاحب ... صدرالدوله .

انجام: القدم سبع عضلات. للاصابع اثنان وعشرون عضلة. والله اعلم بالصواب.

[۹۷٤]

٤٦۰ این نسخه ش ۲ دفتر است وبخط نسخ با عنوانهای شنگرف تاریخ ج ۱ سال ۹۸۹ ازمحمد شفیع بن ملك محمد نویسندهٔ ش ۱ ـ گ ۸۱ ب ـ ۱۱٤ الف . ۱٥
حواشی هم دارد .

[۸۱۷] الخواص (رسالة فی ...) (عربی)

دراین رساله که ازرازی پزشك دانسته شد ازدرمان تب ربع باپوشیدن پوشاك زن زاپایپش ازشستن آن وباآویختن استخوان مرده ودندانی که ازمارزنده میافتد وریش بز کوهی وازبازداشتن زن ازآبستنی باآویختن نخستین دندانیکه ازکودك ۲۰
میافتد در صفحه نقره وبادمب خرگوش و مغز ونیش مار وازدرمان نقرس بسا پای سنگپشت ووزغ ومانند اینها گفتگو میشود. درفهرست نگارشهای رازی ازابن ندیم وبیرونی وخزرجی از« کتاب الخواص» یادشده مگراینکه نسخهٔ مانمیدانیم همانست یانه؟ آنهم ازرازی دوراست که دراینگونه درمانهای جادوگرانه چیزی نوشته باشد.

آغاز: هذه رسالة فی الخواص للامام المحقق محمدبن زکریاالرازی لحمی ۲٥

الربع البلس ثوب النفساء قبل غسلها، تعليق عظم الانسان الميت، تعليق اسنان الحيات اذا خلعت عنها وهي حية، تعليق شئ من لحية التيس على العنق.

انجام: تعليق دبل الارنب في جلد شاة قدافترسها

[۹۷۵]

۱۰۳۳ ه این نسخه ش ٤ دفتراست و بخط نستعلیق ریز در گ ۷ب و گویا کم دارد.

[۸۱۸-۸۱۹] **داروهای آمیخته (گفتار درباره ...)** (فارسی)

دو گفتار درباره داروها آمیخته در نسخهٔ شمارهٔ ٤٤٤ اینکتابخانه هست که اینك شناسانده میشود.

۱ - ازفضل‌الله حسینی که در ۱۱۱۵ برای عبدالنبی هاشمی نگاشته است.

۱۰ **آغاز:** بسمله. افتتاح کلام بنام حکیمی است که در خلق انسان دقائق حکمت نامتناهیه ابداع نموده ... پوشیده نماند که چون علم طب علمی است شریف ... بنابر این چند کلمه از متعلقات آن که پاره‌ای از تراکیب وغیرها از کتب معتبره مستنبطه نقل شده.

انجام: و ککی که ترك افیون کند از برای او خوب است. کتبت و انتخبت تذکرة ۱۵ للسید ... عبدالنبی هاشمی ... وانا ... فضل‌الله الحسینی فی سنة مائة وخمس عشر بعد الف.

[۹۷۶]

٤٤٤ این نسخه ش ۲ دفتراست و بخط شکسته نستعلیق درجدول زرین ازهمان فضل‌الله حسینی درهمان تاریخ گ ۱۵۵ب - ۱٦۰ب.

۲۰ (همهٔ دفتر ۱٦۴) - کاغذ سمرقندی - جلد تیماج مشکی ضربی متوالی دولا وحاشیه‌دار
اندازهٔ: ۱۴×۳۵ و ۸×۱۸ ۱۷س

۲ - گفتاری است دربارهٔ چنین داروها که از قانون و گزارش سدیدی وجزاینها گرفته شده ودر آن (گ ۱٦٤ب) از تریاق درع الصحه که سید داماد بهندوستان فرستاده است یاد میشود.

۲۵ **آغاز:** بسمله. تریاقی که شیخ درقانون ذکر کرده ومنسوب بخود ساخته دل را

قوت دهد .

انجام : عصارهٔ لحیةالتیس ده‌مثقال اشق باقوت (کم دارد).

[٩٧٧]

این نسخه ش ٤ دفتر است و بخط شکسته نستعلیق ریزچلیپا ودر جدول با عنوانها و نشانه های شنگرف . در کنار آن هم دستور قرصها و شیافهـا و جبهائی دیده میشود . گ ١٦٣ب - ١٦٤ب - ٨×١٨س٢٥ .

٤٤٤ ٥

[٨٢٠] درمان بواسیر (گفتار دربارهٔ ...) (فارسی)

دراین گفتار ازدرمان بواسیر یاد میگردد وگویا از نظام‌الدین احمد گیلانی نگارندهٔ «اسرارالاطباء» ش٣١ر٧٩ ١٠ باشد چه‌سبك هردو یکی‌است واین‌یکی‌پس از آن درنسخهٔ ما آمده‌است پاره‌ای ازدرمانهائیکه دراینجا آمده‌پایهٔ علمی‌ندارد. ١٠

آغاز: فصل درعلاج بواسیر . صاحب این مرض را لازم است که چیزی که خون فاسد از آن‌حاصل میشود نخورد .

انجام : وپیالهٔ شاخ‌کرگ آب خوردن وزه‌گیر آن دردست کردن وزه‌گیر وانگشتر کهربا داشتن وپیالهٔ آن‌آب خوردن وبرپوست شیرنشستن هرکدام دفع بواسیر مینماید . والله‌اعلم . ١٥

[٩٧٨]

این نسخه ش٣٢ دفتراست وبخط نستعلیق ش٣١ ص١٩٦-١٩٧ پس ازاین کلمات قصار است روی حروف تهجی وبنسخ ص٢٠٦ - ٢٢٧ و حدیث ص ٢٢٨ - ٢٣٩ بخط نستعلیق .

١٠٧٩

[٨٢١] درمان بیماریها (فارسی) ٢٠

نگارنده‌وفراهم کنندهٔ این نامه میگوید که‌این دستورها را ارسطو بکسری داده وبدو بسپرد که آنها را درخانهٔ خویش نگاهدارد وبکسی ندهد. نامه در ١٨ باب است (سرسام ـ بیماریهای چشم ، گوش ، بینی ، دهان‌وزبان ـ زکام ونزله ـ بیماری دل ، معده ـ اسهال صفراوی ـ قولنج ـ بیماریهای نشیمنگاه ، جگر،سپرز ـ یرقان ـ استسقا ـ بیماریهای گرده ومثانه ـ بیماریهای زنان ـ دردهای بندها وداء ٢٥

الفیل) ودو مقالـه (تب و آبله وحصبه ـ آماسها وریشها) درپایان درفصلهائی از شهوت وباه سخن گفت. پس ازشناساندن هربیماری نشانه‌ها ودرمان وداروی آنها یاد گردید . سخنانی ازابقراطس (٤٦ الف و٥٤الف وب) ومحمد زکریا (٤٩الف) وجالینوس (٥٤الف) وهارون (٥٤ب) در آن دیده میشود .

۵ آغاز: پس ازستایش و درود ـ امابعد بدانکه این رساله‌ایست که پادشاه کسری استادگرفته ازحکیم ارسطو درباره آدابی که بزرگان‌را بدان احتیاج باشدهرکه این رساله داشته‌باشد وبدان عمل‌نماید هرگزاورا بهیچ طبیب احتیاج نباشد وباید هرکه عاقل‌وبالغ ودانا‌باشد این‌رساله‌را یادگیرد وکتاب آنرا بدست ناکسان‌ندهد که قیمت وقدر آن ندانند .

۱۰ انجام : واگر زبان زاغ خشك کند وبسایدوبآب باران بازخورده وبهرکس که بدهد دوست‌وی گردد .

[۹۷۹]

۴۵۰ این نسخه ش۲ دفتر بخط نستعلیق خوش ش۱آن است ودر جدول زرین و لاجورد باعنوانهای شنگرف گ۲۷ب ـ ۵٤ب ومیرزا نصرالله پسرمیرزا محمد ۱۵ شفیع خوشنویس برای عبدالغفورخان دردیه اشنویه درماه ربیع دوم‌سال۱۲۶۱ نوشتن‌آنرا بپایان رساند .

[۸۲۲] درمانهای جادو گرانه (سخنانی در ..) (فارسی)

سخنانی است دربارهٔ پاره‌ای از درمانهای جادو گرانه .

آغاز: هرکه زعفران را بساید درچشم کشد سفیدی کهنه‌را ببرد .

۲۰ انجام : هرکه پیه‌مرغ سیاه باپیاز بیامیزد وبرآتش نهدتـا آب برآرد بعد از آن (کم دارد) .

[۹۸۰]

۸۹۸ این نسخه شمارهٔ۲ دفتراست بخط نستعلیق گ ۸۵ب ـ ۸۷ب حواشی هم دارد درهمینگونه‌درمانها وش۱ مجمع‌الغرائب‌است درتاریخ و جغرافیا بخط نستعلیق ۲۵ باعنوانها ونشانه‌های شنگرف گ۱الف ـ ۸۵الف .

٧٥٣ خ‌ل

(همهٔ دفتر ٣٨٧گ) —کاغذ سمرقندی—جلد روغنی/ فرسوده مقوائی
اندازه : ١٣ × ٢٠ و ٧ × ١٣ س ١٩

[٨٢٣] دستور العلاج (فارسی)

سلطانعلی گونابادی خراسانی این دفتر را در دو گفتار (بیماریهای اندامها بیماریهای عمومی) نگاشته است نخستین در ٢٥ باب هریك چند فصل وهر یکی از آنها هم چندنوع میباشد ودومین آن درهشت باب است . ٥

او دردیباچه میگوید که اکنون سال ٩٣٣ است ومن چهل‌سال درسمرقندو خراسان‌وورارود درهنرپزشکی کاوش نمودم‌وباکوجکونجی خان نشست‌وخاست داشتم وبدرمان بیماریهای‌مردم میپرداختم تااینکه‌محمود شاه دراخسی بیمار گشت ومن اورا بهساختم وبدستوراواینددفتر بپرداختم و«دستورالعلاج» نامیدم (ش ١٠٥ مجلس) . ١٠

آغاز: بسمله. سپاس‌وستایش‌حضرت‌علیمی‌راکه‌نسخهٔ‌بی‌سقم‌الذی‌انزل‌الداء انزل‌الدواء از کلیات‌حکمت بالغهٔ‌اوموجزیست.. وبعد سبب‌تألیف‌این کتاب آنستکه چون تمامی آدمیان باحکام طبیه‌وقواعد علاجیه محتاج‌بودن روشن ومعلوم‌است.
انجام : و نمك‌وسرکه بر گزیدگی‌اوطلاسازند کفایت‌بود.والله‌اعلم‌بالصواب والیه‌المرجع والمآب . تاریخ تمامی تصنیف: سلطان علی آن طبیب فاضل ـ ترتیب نمود این کتاب را ـ دستور علاج نام کرده ـ اتمام بنام خان عادل ـ گفتم بخرد که چیست تاریخ ـ گفتا طلب ازطبیب فاضل (٩٣٤) . ١٥

[٩٨١]

٤٣٩ این نسخه بخط نستعلیق است ودرجدول با عنوانهای شنگرف از عبدالله بن عوض محمد بلخی در ١٢٤١ برای استاد مولی حاجی محمد کاتب . حاشیه هائی هم دارد . ٢٠

(٣٢٩ گ)—کاغذ سمرقندی—جلد مقوای رنگ‌آمیزی شده و لەچرمی مشترونگ
اندازه : ١٤×٢٥ و ٨×١٧ س ٢١

[٨٢٤] دستور طبی (عربی)

این نامه ازشیخ رئیس است ودر آن میگوید که پزشك نخست باید بیماری را ازروی قیاس بشناسد و از آزمایش هم کمك بگیرد سپس داروی آنرا بقیاس و ٢٥

و آزمایش دریابد . آنگاه شیخ درمان تب غب را یاده‌یکند . نسخه‌هائی از آن در آستانه وهند هست (قنواتی ش۱۲۸) .

آغاز: بسمله دستورطبی من کلام‌الشیخ‌الرئیس‌ابی‌علی سینا اما بعدفاول‌مایجب علی‌الطبیب ان‌یبداء به‌هو معرفةالعلة بجنسها و نوعهاومقدارها فی‌نوعها وهذالاسبیل الی معرفته بالتجربة بل‌بالقیاس .

انجام : فهذا ماعندی من‌التدبیر یقابل بالکتب‌المصنفة فی‌هذاالباب وان تطابق الشهادات به‌علیه استعمل وان خالفته نزل الی التدبیرالاصوب . واللّٰه‌المیسر . وکل میسر لماخلق‌له . تم‌الدستور . حامدا مصلیا والحمدلله رب‌العالمین .

[۹۸۲]

۱۰۷٤ این نسخه ش ۱۰ دفتر است و بخط نستعلیق گویا سال ۱۰٦۱ گ ۱۳۸ ب - ۱٤۱ الف .

[۸۲٥] **دلائل البول** (فارسی)

یوسف‌بن محمدبن یوسف طبیب معروف بیوسفی زنده در ۹۱۳ در این نامه از دلیلهای بول بربیماری گفتگو نمود و آنرا بپیشنهاد برخی ازبزرگان در۹٤۲نوشته است .

آغاز: بسمله . بعد ازسپاس حکیم مطلق ... مخفی نماندکه چون رسالهٔ دلائل النبض باختتام انجامید ... لاجرم این محقر که بدلائل البول موسوم است در حیز عبارت وقید کتابت آمد .

انجام : خاتمه: احکام بول‌رازره فکریوسفی- بهرتوجمع کرد وجمیع‌برادران -تاریخ سال تاکه شود روشنت بگیر - قاروره وچهارصدوسی فزابرآن(۹٤۲) .

[۹۸۳]

٤۳٦ این نسخه ش٥ دفتراست وبخط نستعلیق باعنوانهای شنگرف میباشد. گ۹۱ب - ۱۰۲ ب .

[۸۲٦] **دلائل النبض** (فارسی)

این نامه درباره نبض و دلالتهای آن بربیماری است که همان یوسفی در ۹٤۲

نگاشته است و دوجدول در نبضهای گوناگون در آن هست .

آغاز: الحمدلله‌النافع الحکیم‌العلام... و بعد پوشیده نماند که این سطری چند است از صناعت طب در ادلهٔ نبض بر حال بدن که جهت طالبان این‌فن مرقوم شده و بدلائل‌النبض موسوم گشته... مثنوی: دارد امیدیوسفی که‌مدام ـ فیض گیرند ازاین چه خاص وچه عام... نبض حرکت اینیه‌است از اوعیهٔ روح‌مرکب‌ازانبساط‌وانقباض ۵

انجام : خاتمه . زدرقم خامه‌ام دلائل نبض ـ نظاری کن تأملی فرمای ـ تا شود نبض‌سال تاریخش ـ ده زصد کم کن وبراوافزای ـ تمت(۹۴۲) .

[۹۸٤]

٤۳٦ این نسخه ش٤ دفترو بخط نستعلیق باعنوانهای شنگرف میباشد. گ۷۹ ب ۹۱ ب. ۱۰

[۸۲۷] **ذخیرهٔ خوارزمشاهی** (فارسی)

تاج‌العتره خالصة الملوك نجم‌الاسلام شفاءالارواح فخرالسادات سید امام مرتضی امیر شریف زین‌الدین یا شرف‌الدین ابوالفتح یا ابوالفضائل ابو ابراهیم اسمعیل بن حسن (بنوشتهٔ یاقوت و ابوالفرج حسین) بن محمد بن محمود بن احمد موسوی حسینی علوی سپاهانی گرگانی (٤۳٤ ـ ۵۳۱) پزشک ۱۵ ارجمند ودانشمند ازشناختگان دربارسلطان علاءالدین محمد خوارزمشاه(٤۹۰ ـ ۵۲۱) بوده و ازبزرگان روزگار خویش بشمارمیآمد. وی بخوارزم‌رفته چندی در آنجا بزیست واتسزخوارزمشاه (۵۲۲ـ۵۵۱) اورا درآنجا نگاهداشت. بیهقی‌او راگاهیکه پیرشده بود در ۵۳۱ درسرخس بدید. اواز خوارزم بمروآمده ودرآنجا بسال۵۳۱ درگذشت. گرگانی ازابوالقاسم قشیری (عبدالکریم‌بن هوازن نیشابوری ۲۰ عارف‌م ٤٦۵)حدیث شنیده‌و«کتاب‌الاربعین» راازوی‌روایت نمود وبابوسعدسمعانی (عبدالکریم‌مروزی نگارندهٔ‌الانساب م۵٦۲) اجازه روایت‌داده است. مردی خوش رفتار ونیکخوی بوده‌ودربار محمد خوارزمشاه ماهیانه بدوهزار دینار میداد ودر درمان بیماریهاکارهای شگفت‌انگیز میکرد. اورا روی نگارشهائی که داشت‌زنده کنندهٔ هنرپزشکی ودیگر دانشها خوانده‌اند. گویا درسده‌های میانین اروپائیان‌او ۲۵

را نمی‌شناخته ونام‌لاتینی برایش نساختند. گرگانی شاگرد ابن ابی صادق عبدالرحمن بن علی بن احمد بن ابی صادق نیشابوری پزشک فرزانه و شاگرد ابن سینا بوده است(۱). این دانشمند نیشابوری فصول ابقراطس را گزارش نمود و در ۴٦۰ روی نسخه‌ای کـه براو خوانده‌اند بخط خود گواهی داد واز گزارش منافع الاعضاء جالینوس در ۴۵۹ پیاسود (خزرجی ج۲ ص۲۲) ومیان ۴۵۹ و۴۷۰ (۱۰٦٦ و۱۰۷۷) درگذشت پس گرگانی شاگرد اوباید درنیمهٔ نخستین سدهٔ ٥ (نیمهٔ سده ۱۱ مسیحی) زاده باشد چه اودر ۵۰۴ هفتادساله بوده است (آغازدو ذخیره پارسی وتازی) اونخستین کسی است که بزبان پارسی هنر پزشکی را نوشته است وچهار کتاب پارسی در پزشکی دارد. نخستین آنها ذخیره است که پزشکان ایران آنرا مانند حاوی رازی وقانون ابن‌سینا میدانستند و آن مانند اینها بسیار گسترده ومبسوط میباشد و گذشته از اندیشه ورای پزشکان پیشین آزمایشهای خود اوهم در آن هست.

ذخیره در اروپا شناخته نبود ولی آنرا بعبری در آورده بودند ونسخهٔ ناقصی از این ترجمه در کتابخانهٔ ملی پاریس بشماره ۱۱٦۹ هست وتنها کتابی است کـه از پارسی بعبری در آمده است. باردو نیز در آمده و آن نزد حکیمان پیشین هند متداول بود. نه‌بخش آن را ابوالفضل دفتری در ۱۵۷۴ بترکی در آورد(۲).

۱ - برای سرگذشت گرگانی بنگرید به : معجم‌البلدان یاقوت ج۲ ص۵۴ - تاریخ طبرستان ابن‌اسفندیار ج ۱ ص۱۳۷ - خزرجی ج۲ ص۳۱ - تاریخ گزیده ص ۸۰۲ - تتمهٔ بیهقی ش۱۱۱ وص۲۱٦و۲۱۷ ودره ش۱۰۷ ونزهة شهرزوری ش۸۵٦ گ۱۵۴ الف وترجمهٔ آن ش۴۲۷ گ۱۹۱ الف - چهارمقاله عروضی ص۷۰ و۷۱ و۲۳۳ و۲۳٦ و۲۳۸ - فهرست ریو ص۴٦٦ و۴۷۵ - فهرست ایوانف ص۷۱۴ و۷۱۵ - فهرست معارف ج۱ ص۱٦۲ - فهرست طوس ج۳ ص۲۴۱ و۲۵۸ - تاریخ پزشکی براون ص۹۸-۱۰۰ - برو کلمن ج۱ ص۴۸۷ - فهرست مجلس ج۲ ص۲۹۵ - ذریعه ج۲ ص۲۵۱.

۲- بنگرید به : A Medical history ofpersia and the casterne Caliphate از Cyrll Elgood چاپ کمبریج در ۱۹۵۱ ص ۲۱۴ - ۲۱۸.

درفهرست طوس ص ۲۵۸ ج ۳ نوشته است کـه ذخیره بچاپ رسید و براون (ص۹۸) میگوید که ایندفتر اگر برتر ازقانون نباشد همانند آنست است و بچاپ نرسیده و گویا ترجمهٔ اردوی آن درهند چاپ سنگی شده باشد.

نگارش پارسی دیگر گرگانی خفی علائی یا الخفیة العلائیه است کـه در دو بخش است و بدستور سپهسالار نصرة الدین یا بهاء الدین محمد علاء الدوله قزل ارسلان ولی العهد ابوالمظفر اتسز بن محمد خوارزمشاه حسام امیر المومنین در خـوارزم از ذخیره گزین نمود تا بتوان بردست گرفت و با خود داشت (نسخهٔ پزشکی $\frac{۱-۲}{۸۷-۸۹}$ در دیباچهٔ آن دارد: این مختصر بردو جلد نهاده شده برقطع مطول تا پیوسته درموزه توان داشت و بدین سبب این مختصر را «خفی علائی» نام کرده شد» (قزوینی ص۲۳۸).

نسخه‌ای ازاین دربنگال (ایوانف ص۷۱۵) و کتابخانهٔ ریاست کپورتهله و موزهٔ بریتانیا (ریوص۴۷۵) ومدرسهٔ سپهسالار تهران ش۷۹۵ نوشتهٔ احمد بن محمد بن احمد رضی و ش۷۹۲ بخط محمد الحافظ القانونی هست.

سوم الاغراض الطبیه والمباحث العلائیه چنانکه خودنامیده وپس ازخفی علائی آنرا نوشت. آنهم گزیده ایست از ذخیره وبپارسی در دوجلد وسه بخش و چندین گفتار درهمه مسئله‌های پزشکی. گرگانی آنـرا برای شاهزاده اتسز خوارزمشاه بدستور وزیر همین سلطان امام اجل مجدالدین ابومحمد صاحب بن محمد بخاری نگاشته است. در آن میگوید پس ازاینکه برای نصرة الـدین بن خوارزمشاه کتابی کوچك نوشته بودم مجدالدین بخاری ازمن گزارش آنرا خواست ومن این اغراض را نوشته‌ام.

دو نسخه ازاین درطوس (ش۱ و ۲) ویك نسخه درکتابخانه ملی تهران (ج۱ ص۱۶۲) ویك نسخه دردانشکدهٔ پزشکی تهران بتاریخ۵۷۶ش $\frac{\text{الف}-۱}{۱۷}$ و دو نسخه درسپهسالارش۷۹۳ تاریخ ۱۰۷۹ وش۷۹۵ تاریخ ۲۱ محرم ۶۵۱ بخط احمد بن محمد بن احمد رضی ونسخه‌ای دردیوان هندلندن (قزوینی ص۲۳۳ حاشیهٔ چهارمقاله) هست.

اغراض دو بخش است یکی درپزشکی عملی وعلمی در۱۵ گفتار دیگری در

بهداشت وداروهای ساده وقرابادین در۲٦ گفتار .

از آنچه گفته شد برمیآید که گرگانی نخست ذخیرهٔ پارسی‌را نوشته سپس آنرا کوتاه ساخته‌وخفی نگاشته آنگاه این‌یکی را گزارش نموده و گسترده ترش‌ساخته اغراض را نوشت .

۵ چهارم یادگار است در یك جلد و پنج بخش که برای خوارزمشاه در خوارزم نوشت ونسخهٔ آن دربنگال (ایوانف ص۷۱۵) و در کتابخانه تیپوسلطان هست .

عروضی (۲۰سال پس از مرگ گرگانی) در چهارمقاله، تحفهٔ رازی‌و کفایهٔ ابن مندویهٔ سپاهانی‌و تدارك انواع‌الخطاء فی‌التدبیرالطبی ابن‌سینا وخفی علائی‌ویادگار گرگانی‌را ازنگارشهای کوچك وذخیره ثابت ومنصوری رازی واغراض گرگانی را

۱۰ وسط وسته عشرجالینوس وحاوی رازی وصدباب بوسهل مسیحی و کامل الصناعه مجوسی وقانون‌بوعلی وذخیره خوارزمشاهی‌را ازنگارشهای گسترده وبسیط بشمار میآورد .

چلبی دربارهٔ ذخیرهٔ خوارزمشاهی گوید که آن بپارسی است ودر۱۲ مجلد که گرگانی م ۵۳۱ آنرا برای علاءالدین تکش خوارزمشاه نوشت واغراض را از آن

۱۵ گزین نمود وپزشکی را با آن زنده کرد . آنرا ابوالفضل محمدبن ادریس دفتری م ۹۸۲ بترکی‌درآورد (کشف‌الظنون ج۱ص۵۳۸)درباره خفی علائی میگوید که آن بپارسی است و گرگانی م۵۳۰ آنرا برای علاءالدین الب‌ارسلان محمد نوشت (ص۴۷۰) درباره الاغراض‌الطبیه والمباحث‌العلائیه میگوید که آن دردوجلدو۲۰ مقاله هریك در چند باب است و گرگانی م ۵۳۵ چون برای‌نصرةالدین اتسزبن

۲۰ خوارزمشاه مختصری در پزشکی نوشته بود بخاری از وی درخواست کـه آنرا گسترده‌سازد اواین اغراض‌رااز ذخیره‌گزین‌نمود(ص۱۲٦) بازمیگوید که گرگانی م ۳۵۰ یادگارراپارسی نوشت وبازیادمیکند ازیادگارابن‌شریف درپزشکی‌بترکی (ج۲ص٦۵۸) .

بروکلمن (ج۱ص۴۸۷ و پیوست ج۱ص۸۹۰ـ ۸۸۹) از نگارشهـای او ذخیره

خوارزمشاهی و التذکرة الاشرفیة فی الصناعة الطبیة یا مختصر علائی برای علاءالدین البارسلان وفی القیاس وفی التحلیل والرسالة المنبهة و زبدة فی الطب والاجوبة ـ الطبیة والمباحث العلائیه یادمیکند. نیز ازالاغراض الطبیه والمباحث العلائیه برای وزیر علاءالدین تکش مجدالدین بخاری وذخیره خوارزمشاهیه ـ بگفتهٔ بیهقی اودر خوارزم طب ملوکی نیز نوشته و کتابهای دیگر درحکمت و کتابی دیگر دررد بر ۵
فلاسفه و کتاب تدبیر یوم ولیله بنام قاضی ابی‌سعیدشارعی و کتاب وصیتنامه. و نگارش هایش همه جارفته وخجستگی داشت. اورساله کوچکی هم درتحقیر لذتهای اینجهانی دارد که بیهقی آنرا درتتمه آورد.

ابن اسفندیار ازنگارشهای گرگانی بجزذخیره ویادگار واغراض وخفی علائی ترجمهٔ قانون ابوعلی سینا رابشمار میآورد(ص۱۳۷). ۱۰

باری گرگانی ذخیرهٔ خوارزمشاهی رابرای قطب الدین ابوالفتح ارسلان تکین محمد خوارزمشاه فرزند یمین الدین معین امیرالمؤمنین نوشتگین در خوارزم بسال ۵۰۴ نوشته است. درآغاز میگوید من آن روزگار که پزشکی میآموختم و بدفتر ها مینگریستم آرزوی دفتری میکردم که همه پزشکی را دارا باشد اکنون بدان آرزو رسیدم وچنین دفتری مینگارم. ۱۵

در پایان بخش نهم (گ۳۸۶ الف) سه فصل میآورد ودر آنها میگوید که شاه بمن دستورداد که داروخانه بهاءالدوله رانیمار بدارم و مردم خوارزم چون این بدیدند بیشترروی بمن داشتندو مرا آسایشی نبود که بدفترها بنگرم وسخنها بگزینم و گزارش دهم و گرد آورم. میگویند کیاکوشیار ستاره شناس ازنزدیکان شمس المعالی در گرگان بوده است امروز فرزندانش درقمند وستاره شناسی را زنده میدارند و من نوشته ۲۰
های اورا در دست آنها درشهر قم بدیدم بسیار خوش وشگفت انگیز بود پرسیدم گفتند او هنگامی که سرخوش وخرم بود چیز مینوشت آنهم با چندخامه و اگرهم خسته میشد یاسخنی بایستی گفت دفترمینهاد ونمی نوشت. بدو گفتند روزگاری بسیار باید تا تو دفتری بپایان بری گفت آری روزگار بسیار باید مگر اینکه هر که پس از من

دفتررا ببیند نگوید که دبیرنبشت و گوید که درست وپاکیزه نوشت. من‌هم مانند او کار کردم این بود که دبیربپایان‌رسید. من‌داروهای‌ساده وقرابادین‌در ایندفتر نیاوردم. سپس روشن میکند که چرا پزشکان بیمارمیشوند . درهمینجا دارد « فرمان عالی لازال عالیاء » .

۵ گرگانی دردیباچه میگوید که اینکتاب گرچه پارسی است مگر اینکه بسیاری ازواژه‌های تازی که مردم بدانها آشنا هستند وبسبکی و آسانی برزبان‌میآورندد در آن یاد کردم. بازمیگوید گرچه دفترهای بزرگ دردهنر پزشکی نوشتند مگر اینکه هیچیك از آنها ازدیگری بی‌نیازنمیکند . دراینددفتر همه چیزهای پزشکی فراهم آمده واز دیگردفترها بی‌نیاز میسازد وماننددآن هم‌کسی ننوشت . ایندفتردر نـه

۱۰ بخش یاکتاب است وهر بخشی چند گفتاروجز وباب. آنگاه قرابادین(قرافاذین) است دردو گفتار درداروهای ساده و آمیخته ورویهم ۱۲جلد میشود وفهرست هر بخش و گفتار پیش از آن یاد گردید .

گرگانی کوشید که گذشته ازواژه‌های پارسی که بسیار آورد واژه های تازی را نیزریخت پارسی دهد وآنهارا جمع پارسی بندد مانند : «لفظها ـ علامتها» دراین

۱۵ دفترهم پزشکی ایرانی بخوبی وباسادگی و شیوائی نموده شده و هم کمکی است شایسته وارزنده برای زبان‌پارسی ومیرساند که درهنرپزشکی وادب فارسی چندان نیازی بزبان تازی نیست .گروهی چون دیدند که با اینگونه نگارشها مردم ایران بیاد زبان خویش میافتند ودیگر چندان ارجی بتازی نمی‌نهند از گرگانی نکوهش کردند که چرا بپارسی نوشته‌ای . این بود که اوهمین ذخیره‌را بتازی درآورد(۱)

۲۰ ۱ ـ نوشتن کتاب بدوزبان یا ترجمهٔ یکی ازدیگری درسدهٔ پنجم وششم رواج‌داشت چنانکه ابن‌سینا کتاب معاد نوشته سپس آنرا بپارسی درآورد (بیهقی ۱۸۸) وحکیم ظهیر الحق ابی المحامد محمدبن مسعودبن محمد بن‌الزکی ادیب عزیزی‌غزنوی‌زندهٔدر غزنی‌ودر۵٤۲ « کفایة فی الهیئة» بتازی‌نوشته‌سپس آنرا بپارسی کرد بنام«جهان‌دانش» (کشف‌الظنون ج۲ص٤-۳۲۳) همین پارسی است که بنام «جهان دانش» یا « کفایة

بقیه حاشیه درصفحه بعد

او در آغاز ذخیره تازی که ده کتاب است میگوید درذخیرهٔ (پارسی) ادویه مفرده نیست و نه باب میباشد وچنین مینویسد: «بعد بلوغی السبعین من عمری جمعت بخوارزم کتاب الذخیرة الخوارزمشاهیة فی الطب باللغة العجمیة وبعدفراغی منه وجدت کل من نظر فی الکتاب یتاسف علیه ویعاتبنی (یعاقبنی) فیه ویقول لیتک جمعت هذا الکتاب باللغة العربیة لیکون استمتاع الناس بها اکثر واطنب فی هذاالباب . فلما طال ذلك و کثر هذاالمقال وعلمت ایضا ان کثیرا من الاغراض العلمیة لایفی اللغة العجمیة بایفاء حقها کما ینبغی الابالتکلف واطالة الکلام مع التقصیر فیه فان من الکلم ماله فی اللغة العربیة ذوق حسن ورونق لطیف یتیقظ له ذهن المستمع والمتعلم واذا نقل ذلك الی العجمیة ذهب رونقه ولم یکمل معناه ویبعد عن الطباع ... واخذت فی هذاالنقل و عزمت علی ان افنی بقیة عمری فیه وفیما ینتفع الناس من غیر ذلك واریدان الحق به وازید فیه من الفوائد مالم یساعدنی اللغة العجمیة فی ایفاء حقها وایضا حها فان وفی بذلك بقیة عمری فهو المراد(۱) .

از آنچه گفته شد برمیآید که ذخیره در ۵۰۴ از دیك بهفتاد سالگی گرگانی آغاز و دیری او بدان میپرداخت و تاپیش از مرگ محمد خوارزمشاه (۵۲۱) نه بخش آن بپایان رسید آنگاه بنوشتن ذخیرهٔ تازی پرداخت سپس قرابادین ذخیره پارسی را نوشت .

فهرست مباحث ذخیره چنین است: کتاب نخستین اندر شناختن حد طب و منفعت آن وشناختن گوهر تن مردم وچه چیزی وچگونگی وشناختن مایها وخلطها و مزاجها

۱ ـ نسخهٔ تاریخ ۵۴۵ ش $\frac{ب - ۳}{۱۱۰}$ دانشکدهٔ پزشکی تهران که تا کتاب دوم است ـ دیباچهٔ آقای همائی بر تفهیم بیرونی می کرد) .

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

التعلیم درصناعت تنجیم» یا «کفایة التعلیم فی صناعة التنجیم» یا «... فی احکام النجوم» در کتابخانه‌ها بوده وهست و آنرا در ۵۴۰ و ۵۴۲ نوشته (بیهقی ص۲۰۷-۲۰۹ و ش۹۲ - گاهنامه ۱۳۱۰ ص۸۹ و ۱۳۱۱ ص۱۵۷) همچنین بیرونی التفهیم را در ۴۲۰ پارسی نوشته و همان را هم بتازی نگاشته است. نیز غزالی احیاء را در کیمیا بپارسی کرد و همین راهم دوباره بتازی نوشت. بابا افضل کاشانی هم مدارج کمال را نخست بتازی نوشت سپس آنرا بپارسی کرد .

واحوال عادتها وتشریح اندامها و یاد کردن قوتهاء اندامها درشش گفتار - کتاب دوم اندرشناختن حالهاء تن مردم درنه گفتار - کتاب سوم اندرنگاه داشتن تندرستی و تدبیر هـوا ومسکن در ۱٤ گفتار دردو بخش هریك هفت گفتار - کتاب چهارم اندر استخراج مرض یعنی اندرشناختن بیماریها درچهار گفتار - کتاب پنجم اندریاد کردن تب در پنج گفتار - کتاب ششم اندرعلاج بیماریها در بیست ویك گفتار - کتاب هفتم اندر علاج آماسها وریشها درهفت گفتار - کتاب هشتم اندر تدبیرپاکیزگی و آراستگی درسه گفتار - کتاب نهم اندرانواع زهرها و پادزهرها در پنج گفتار.

پس ازاینها کتاب قرابادین(۱) است دردو گفتار (داروهای سادهٔ هریکی ازبیماری ها در۲۸باب وداروهای آمیخته ومعجونها در ۳۱باب)(۲) اونمی خواست قرابادین را بنویسد وپس ازاین آنرا افزود گرگانی در ذخیره ازابوعلی سینا یادمیکند.

آغاز: بسمله وماتوفیقی الابالله الحمدلله رب العالمین ... وعلی آله الطاهرین اما بعد چون تقدیر ایزد چنین بود کـه جمع کنندهٔ اینکتاب ، بنده دعاگوی خداوند خوارزمشاه... قطب الدین - امین الامر ارسلان تکین یمین الملوك والسلاطین ابوالفتح محمدبن یمین الدین معین امیرالمومنین . قصد خوارزم کرد وبخدمت این خداوند نیکبخت شداندر سال پانصدوچهار ... واندرسایهٔ عدل ودولت اوبیاسود ... واجب دانست حق نعمت شناختن ... وثمرهٔ علمیکه مدتی ازعمرخویش اندر آن گذرانیده

---

۱ - قرابادین با اقرباذین از سریانی گرفته شده که آنهم از گرافیدیون یونانی گرفته شده است واین واژه تصغیر گرافی (نوشته) میباشد وبرابر است با «نسخه» یا «ترکیب الادویه» که ازآن دستورآمیختن وساختن داروهارا میخواهند (فرهنك دوزی)

۲- ذخیرهٔ خوارزمشاهی نسخهٔ ش۷۹٦ نوشتهٔ قطب کرمانی بیکروز پس خضرشاه روز آدینه ۲۵ شعبان ۸۷۰ درسپهسالار در۹ بخش وقرابادین دردو گفتار است. درپشت این نسخه درمهریکه بشنگرف ولاجورد وسیاه وزرین وبسیار زیبا است دارد : « من کتب العبد امیرشرف عثمان بن امیر غیاث الدین سید احمدبن امیر جلال الدین شیرانشاه اصلح الله شانهم » . دو نسخهٔ دیگر ۷۹٤ وش۷۹۱ نیز در آنجا هست

نسخه هائی ازذخیرهٔ پارسی درموزه بریتانیا (ریوص٤٦٦) و کتابخانه ریاست کپور تهله و کالج پیشاور وبنگال (ایوانف ۷۱٤) ومجلس تهران ش۵۰۳ وطوس ش۵۳ تا ۵۵ (ج۳ص۲۵۸) و دانشکدهٔ پزشکی تهران هست .

است اندرولایت این‌خداوند نشر کردن بربن نیت این کتاب بنام این‌خداوند جمع
کرد و کتاب‌را «ذخیرهٔ خوارزمشاهی» نام کرد ... وبپارسی ساخت تا .. منفعت‌این
کتاب بهر کسی رسد وخاص وعام رابهره باشد (گرگانی آنگاه میگوید که چرادر
خوارزم که هوائی خوش دارد بیماریهای گوناگون پدید میشود سپس میگوید :)
چون بنده‌دعاگوی‌جمع کننده‌اینکتاب «اسمعیل‌بن‌الحسین‌بن‌محمدبن‌احمدالحسینی ۵
الجرجانی» حال‌اینولایت بدید وحاجتمند اهل‌ولایت بعلم طب بشناخت این کتاب
برسبیل خدمت این‌خداوند بساخت .

انجام : غاریقون‌بدل آن‌مثل آن تربداست ومثل آن‌صبر. تمام‌شد قرافادین
ذخیره خوارزمشاهی وبتمام شدن آن تمام شدهمهٔ کتاب ذخیره .

[۹۸۵] ۱۰

این نسخه بخط نسخ‌درجدول لاجوردوشنگرف باعنوانهای درشت‌تر وسیاه
تر وپاره‌ای ازجاها بشنگرف دارای سرلوحی در گ۱الف میباشد . ۴٦۱
نویسندهٔ آن ابن‌دلیر مهلبی‌است‌درتاریخ ۱ ذی‌قعده ۵۷۲ که در گ۲٦۷ الف
نامش‌نوشته‌شده ودر۲٦۸الف باز نام‌اوهست: « الاصل لکاتبه‌ابن‌دلیرالمهلبی» درگ
۳۰۲الف دارد که ابن‌دلیر مهلبی‌درنیمهٔ ماه‌یکم‌سال۵۷۷ آنرانوشت. درگ۳۴٦الف ۱۵
دارد که۲۳رمضان‌نوشته‌شده‌ودرگ۳۸٦ب‌دارد : «بخط‌عبدالضعیف‌الفقیرالی‌الغنی‌برهان»
برگ بایان نونویس است ودوسطر درآن نوشته‌شده .

(۱۰۳۴۳۹) —کاغذ سمرقندی زردنازك—جلد تیماج سرخ ضربی
اندازه : ص۱۵×۲۳ و۱۱×۱۹ س۲۳

[۸۲۸] ذهبیه (رسالة ..) یا طب‌الرضا (عربی) ۲۰

دراین نامه که آنرا ازامام‌هشتم(ع)دانسته‌اند ازبهداشت‌گفتگو شده است.
اینك آنچه درباره راوی آن‌گفته‌اند و آنچه ازمتن برمیآید در اینجا یاد میگردد :
شیخ طوسی (۳۸۵ـ۴٦۰) درفهرست (چاپ ۱۳۵٦ نجف ص۱۴٦)میگوید
که رسالهٔ ذهبیه ازابوعبدالله محمدبن حسن‌بن جمهور قمی (یا عمی عربی) بصری
میباشد وهمه روایتهای اورا بجز آنچه‌غلوآمیز است‌باآمیختگی دارد گروهی‌برای ۲۵

ماروایت کردند بدینگونه : ازابی جعفر محمدبن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی (م۳۸۱) از پدرش ابوالحسن علی(م۳۲۹) ازسعدبن عبدالله(قمی م۲۹۹یا۳۰۰) ازاحمدبن حسین بن سعید ازمحمدبن جمهور و نیز ازهمان ابن بابویه از(ابوجعفر) محمدبن حسن بن (ابی یزید احمدبن) ولید(قمی م ۳۴۳) ازحسن بن متیل ازمحمد بن احمد علوی ازعمرکی بن علی ازهمان محمدبن جمهور ـ ازگفتار ابن الغضائری و شیخ طوسی و کشی و نجاشی و علامهٔ حلی و ابن طاوس و ابن داود برمیآید که ابن جمهور صدوده سال بزیست وازکتابهای او ملاحم کبیر والواحده و صاحب الزمان و رساله مذهبه و نوادرالحج وادب العلم است واوغالی وضعیف درحدیث وفاسد در مذهب بوده است وچیزی ازاو نتوان نوشت وشعری سرود که حرامهای خدارا درآن روا بداشت و آنرا ابن الغضائری بدید. اورا راوی امام هشتم نیز نوشته‌اند.

مامقانی درباره او گوید : «هومن اشده الدهر فلایصلحه العطار» شیخ حرعاملی در پایان امل الامل(ص۵۱٦) ودرهدایهٔ دوم میگوید که فقه وطب رضوی راجامع و راوی دانسته نیست ونتوان بدانها گرائید. بگفته نجاشی وعلامه، حسن پسراو که بمراسیل اعتماد دارد واز ضعفا نقل میکند ازپدر راستگوتر است(۱).

ابن شهر آشوب(م۵۸۸)درمعالم العلما(چاپ تهران سال۱۳۵۳ص۹۲)درسر گذشت ابن جمهور میگوید که رساله مذهبه ازاواست ومنتجب الدین درفهرست میگوید که سید فضل الله بن علی راوندی گزارشی بر آن بنام «ترجمه العلوی للطب الرضوی» نوشته است. سیدعبدالله شبر نیز آنرا گزارش نموده همین ذهبیه در بمبئی بچاپ رسید (حاشیه فهرست طوسی ص۱٤٦).

مجلسی دربحار ج٤ص٥٥٤ـ٥٦٧ چاپ ۱۳۰۵ ایران آنرا بدو روایت آورده سپس گزارش نمود وباسخنان پزشکانی مانند رازی وشیخ درقانون وباگفتارستاره

۱ ـ بنگرید به : منهج المقال یا رجال کبیر میرزا محمدبن علی استرابادی و حاشیهٔ آقا محمد باقر بهبهانی چاپ ۱۳۰٦ ایران ص ۲۸۹ـ۲۹۰ ـ رجال مامقانی چاپ۱۳۵۲ نجف ج۲ص۹٦ش۱۰۵۰۸ وج۱ص۳۰٦ش۲٦۲۵ ـ مستدرك نوری ج۳ ص۳۳۵ـ۳۳٦ .

شناسان‌سنجید. اومیگوید که این رساله دردست دانشمندان بوده مگراینکه‌نسخه های آن که بما رسید یکنواخت نیست .

یک‌روایت مجلسی ازخط محقق نورالدین‌علی‌بن عبدالعالی کرکی م ۹۴۰ است.

روایت دیگراو ازکتاب یکی ازدانشمندان است بدوسند یکی از موسی‌بن علی‌بن جابر سلامی ازسدیدالدین یحیی‌بن محمدبن علیان خازن ازابومحمدحسن بن‌محمدبن جمهور. دوم ازهرون بن موسی تلعکبری ازمحمدبن هشام‌بن سهل از حسن‌بن محمدبن جمهور ازپدرش که امام‌رضا(ع) رامیشناخت وهمیشه بااوبود و هنگامیکه امام ازمدینه بخراسان میآمد تااینکه درطوس در۴۹سالگی درگذشت بااو بوده است. ابن‌جمهور میگوید که امام درنیشابور نزدمأمون بود و گروهی از پزشکان‌مانندیوحنابن‌ماسویه (م۲۴۳)وجبرئیل‌بن‌بختیشوع‌ترسا(م۲۱۳)وصالح‌بن بهله‌هندی‌ودیگران درآنجابودند وازپزشکی‌سخن‌بمیان‌آمد. درنسخه‌ش۱۰۳۳/۸ ما بدینگونه روایت شده : «ازابوالحسن (درنسخه : حسن) بن حسین بن بابویه از ابو عبدالله جعفر بن محمد (در نسخه : جعفر بن عبدالله) دوربستی از راستگویان ودارد که مامون دستور داده بود در هفته یک روز نزد او گردآیند وگفتگوی علمی کنند . دریکی ازاینروزها رشتهٔ سخن بدینجا کشید که تن مردمی چگونه ساخته‌شده وچهار طبیعت ناسازگار سرکش‌را خداوندچگونه در آن گرد آورد و از پزشکی و بهداشت نیز یادگردید وهمچنین ازسود وزیان خوردنیها وبیماریهائیکه از آنها پیدا میشود . همه درشگفت شدند و مأمون بامام هشتم گفت شما در این‌باره چه میگوئید ماکه ناگزیریم برای پروردن تن خویش سود وزیان خوردنیها رابدانیم . امام فرمود من‌چیزهائی راخود آزمودم ودرست بشناختم وگذشتگان نیزمرا بچیزهای آگاه بساختند. من آنها را میتوانم دریکجا گرد بیاورم . مأمون روز دیگرنامه‌ای‌بامام نوشت و آن‌رساله‌را خواست درروایت مجلسی‌دارد که مأمون هماندم‌ببلخ رفته وامام درنیشابور مانده بود وازآنجا بامام نامه نوشته وازاو درخواست که آنچه درباره خوردنیها ونوشیدنیها وخون گرفتن

وسواك و گرمابه ونوره وباه خود آزموده یا ازدیگران شنیده برای او بنویسد و امام
این نامه را چنین نوشت : نامهٔ امیر مؤمنان رسید و دستوریکه دادند دریافتم و
آنچه دراین مسئله‌ها که یاد کردید و خود آزموده‌ام مینویسم. امام میفرماید که خداوند
برای هردردی که مؤمنان رابدان دچار میکند داروئی آفرید وتن مردمی مانند
۵ کشوری است ودلدر آن شاه است وحسها کارکنان او. در آغاز میگوید از گفته‌های
گذشتگان دربارهٔ بهداشت درفصلهای سال ودرماههای رومی دراینجا میآورم سپس
بسخنان امامان میپردازم. امام پس ازدیباچه دستور خوردنیها را میدهد ومینویسد
که چگونه از کشمش می حلالی میتوان درست کرد وپس ازدستور حجامت وفصد
میگوید که ازاین چیزها باید پرهیز کرد: خوردن ماهی باتخم مرغ، شیر بانبیذ، نمك
۱۰ وخوردنیهای نمك‌دار پس ازخون گرفتن ، همیشه خوردن کلیهٔ گوسفند ، برنج در
شب که چشم راکج میکند ومانند اینها. امام ازاینها رادرقولنج وبواسیر و دندان
یادکرد . ازاین پس از گرمابه رفتن وبهداشت و آداب زناشوئی گفتگوشده ودارد
که خوب است پس ازبودن بازن شستشوئی کرد وازمومیائی اندکی خورد وشراب
انگبین نوشید.

۱۵ این نامه بمأمون که رسیدخواند وشادگشت ودستورداد تا آنرا بآب‌زر بنویسند
ازاینروی «رسالهٔ ذهبیه» نامیده شد .

امام درچندجا بمأمون امیرمؤمنان گفته است. دراین رساله دارد خوب است بهر
جا که میروند اندکی ازخاك مرزوبوم خویش باخود بدارند وشب بهرجا که فرود
آیند کمی از آن خاك درآب بریزند وازآن پس ازته‌نشین شدن بنوشند(۱) .

۲۰ مجلسی دراینجا میگوید که رازی دستور میدهد آب منزل پیش را باآب منزل
بعدی بیامیزند و آمیختن خاك باآب را هم پزشکان گفته‌اند. درهمین نامه دارد که

۱ - والواجب ان یتزود المسافر تربة بلده وطینه التی تربی (ربی) علیها و کل ماورد
الی منزل طرح فی الاناء الذی یشرب منه الماء شیئا من الطین الذی تزوده من بلده ویشوب
الماء والطین فی الانیة بالتحریك ویؤخر قبل شربه حتی یصفو اصفاء جیدا (بحار ص ۵۵۹)

بهترین آب آنستکه ازسوی خاور بیاید. دراینجا مجلسی میگوید که این با گفتار پزشکان نمیسازد . این بود آنچه دانشمندان دربـارهٔ راوی وسند روایت ذهبیه و صحت استناد آن بامام(ع) گفته‌اند وپاره‌ای ازنکته‌هاکه ازمتن برمیآید. بااینهمه‌در اینکه این‌رساله ازامام است یا نه بررسی بیشتری میباید .

۵ **آغاز:** بسمله.اعتصمت بالله. امابعدفانه‌وصل‌الی کتاب امیرالمومنین فیماامرنی من‌توقیفه علی‌مایحتاج‌الیه مماجربته وسمعته. . اعلم (یاامیرالمؤمنین) ان‌الله‌عز وجل لم‌یبتل‌الجسد (العبدالمؤمن) ببلاء (بداء) حتی جعل‌له دواء یعالج‌به(۱) .

انجام : لکونه شرف‌القمرومن‌عمل فیماوصفت فی کتابی‌هذا ودبربه جسده امن بـاذن‌الله تعالی من‌کل داء‌وصح جسمه ... فان‌الله تعالی یعطی‌العافیه لمن یشاء ۱۰ ویمنحها ایاه والحمدلله اولا و آخرا وباطنا (بحار) .

[۹۸۶]

۹۲۹ این نسخه ش۲ دفتر واز آغاز است تا « اماصلاح‌المسافر » و کم دارد . خطآن نسخ باعنوانها ونشانه های شنگرف وباسرلوح ودردوجدول زرین ولاجوردی . گ۱۹۳ب - ۲۲۷ب .
(۳۲۱۷ق)— کاغذ سپاهانی — جلد مقوای نگار شده ([illegible])
اندازه ۱۱ × ۱۸ و۷ × ۱۱٫۵ س۱۱

[۹۸۷]

۱۰۱۵ این نسخه ش۳۰ دفتر است وبخط نستعلیق باعنوانهای شنگرف گ۷۶ب - ۸۶ب وچنین است : « بسمله ... هذه‌الرسالة‌الذهبیة فی‌الطب‌التی بعث‌بها ... ۲۰ الرضا ... الی‌المأمون ... فی حفظ صحة‌المزاج وتدبیرالاغذیة والاشربة‌والا دویة . قال‌الامام .:. ان‌الله لم‌یبتل‌العبدالمؤمن ببلاء ... - ومن عمل بماوضعت فی کتابی هذا ودبربه‌جسده‌امن ... من کل داء ... ویمنحها ایاه فالحمدلله رب‌العالمین الطیبین... الطاهرین » .

[۹۸۸]

۲۵ ۱۰۳۳ این نسخه ش۸ دفتراست وبخط نسخ گ۱۷ب - ۲۵ب .

---

۱ - ازروی خط نورالدین علی‌بن عبدالعالی کرکی وبدو سند دیگر ازیکی از بزرگان دربحار ج۱۴ ص۵۵۵ چاپ ۱۳۰۵ ایران .

چنین‌است : «پس از نام خدا وستایش ودرود . قال‌الشیخ الکبیرالحسن بن‌حسین بن‌بابویه حدثنی جعفر بن عبدالله الدوریستی عن‌الثقاة ـ انه‌لایظفربه احد والامور بیدالله تعالی والیه المرجع والمصیر . قال ابومحمد (الحسن القمی ـ بحار) راوی هذه‌الرسالة فلمابلغ هذه‌الرسالة الی‌المأمون فقرأها وفرح بها فرحا شدیدا وامران

٥ یکتب بماء الذهب وان یترجم بالرسالةالذهبیة (المذهبة) (فی‌العلوم‌الطبیعة.خ.ل.) والسلام علی من‌اتبع‌الهدی» .

[٨٢٩]

رگ‌شناسی (فارسی)

شیخ رئیس این‌رساله‌را درنه فصل برای علاءالدوله ابوجعفر کاکویه در سپاهان پس از ٤١٢ نوشته است این نامه دوبار بادیباچه و تصحیح جناب آقای مشکوة در

١٠ تهران بچاپ رسید یکی در١٧-١٣١٦خ دیگری بیادگار جشن هزاره ابن‌سینا در ١٣٣٠خ .

آغاز: بسمله . سپاس مر آفرید گاررا وستایش‌مراورا ودرود بر پیغامبر گزیده... فرمان‌خداوندملک عادل‌سیدمنصورمظفرعضدالدین علاءالدولةوقاهرالامةوتاج‌الملة ابوجعفرحسام امیرالمؤمنین ... بمن آمد که اندرانش رگ کتابی‌بکنم جامع که‌همهٔ

١٥ اصلها اندروی بود بتفصیل پس‌فرمانرا پیش رفتم باندازهٔ طاقت و دانش و اینکتاب را بزبان فارسی چنانکه فرمان بود برتوفیق‌ایزد مقول کردم .

انجام : اکنون این اصلهای کلی است اندرعلم نبض که حکیمان گفته‌اند و اما نبض بیماریها شاید گفتن بتفصیل انشاالله‌تعالی. تمت‌الرسالة بعون‌الله وحسن‌توفیقه.

[٩٨٩]

٢٠ ١٠٧٤ این‌نسخه ش٤ دفتراست وبخط نستعلیق گـ٦٥الف ـ ٧٥ب .

[٨٣٠]

السکنجبین(منافع شراب ...) (عربی)

میان ابوسعید وپزشکی دیگر درباره سرکنگبین گفتگو شده وابوسعید ازشیخ رئیس درخواست که درباره سودهای آن‌چیزی بنویسد. شیخ این نامه را نوشت و درآغاز آن ازنام یونانی آکسومالی (Oxumeli یا Oxymel گرفته‌ازاکسوس

با سرکه وملی یا انکبین) آن یاد نمود . سپس ساختن ومواد وسودهای آنرا یاد کرد و از گفتار جالینوس در «تدبیر الاصحاء» و دیسقوریدوس آورد . این نامه بنام Tactatus de Syrupo Acetoso بلاتینی درآمـده است (دیباچهٔ دکتر نجم آبادی برجودیه ص۳۳) .

۵ آغاز: پس از نام خدا وستایش ودرود . سالت اباسعید اسعدك الله فی جمیع امورك ان ارسم لك جمل منافع الشراب المسمی سکنجبین .

انجام: اداه کثرتـه الی فساد المزاج والاستـقاء فقد ذکرنا ماسالتنا ذکره و الابناء عنه بمافیه کفایة وبلاغ (ولواهب العقل الحمد بلانهایة) ـ ش۱۳۲قنواتی .

[۹۹۰]

۱۰۴۶ این نسخه ش۳٤ دفتر است وبخط نستعلیق رجبعلی بن جوادعلی دردههٔ دوم ج ۲ سال۱۰۷۱ گ ۱۶۹ب ـ ۱۷۱الف . در پایان دارد : « ولله الحمد والمنه والصلوة علی النبی محمد وآله» .

[۹۹۱]

۱۰۷۹ این نسخه ش۲۸ دفتر است وبخط نستعلیق ص۱۷۲ ـ ۱۷٦ درپایان دارد : «والحمدلله کثیرا علی نعمه الکثیرة » .

[۸۳۱] شرح الاسباب والعلامات (عربی)

الاسباب والعلامات از نجیب الدین محمدبن علی بن عمر یزشك سمرقندی کشتهٔ درهرات بسال۶۱۸ میباشد وبرخی آنرا ازابواللیث سمرقندی میدانند. ایلاقی نیز «الاسباب والعلامات » دارد . برهـان الدین نفیس بن عوض بن حکیم طبیب کرمانی روزگار الغ بیك براین کتاب گزارشی آمیخته نوشت که با شرح نفیسی در تهران بسال۱۲۸۲ بچاپ رسید. (ش۹۰۵ مجلس وش۷۵طوس) .

دردیباچه دارد که دربارهٔبیماریها تاکنون کسی گفتگو نکرده مگر ابقراطس درفصول که پارهای از آنها را آورد ومن اینکتاب را برگزیدم که هم کوچك است و هم همهٔ بیماریهارا دارد وآنرا گزارش میکنم . اکنونکه الغ بیك از کرمان مـرا خواسته است این گزارش را بدومیدهم اواین گزارش را درصفر۸۲۷ بپایان رساند

ازدیباچه پیداستکه نفیس‌ازخاندان پزشکان بوده ودرجوانی بدین‌هنرمیپرداخت

آغاز: بسمله . الحمدلله رب‌العالمین والصلوة والسلام الاتمان الاکملان علی‌من یداوی‌الارواح ... فان ... نفیس‌بن عوض‌بن حکیم‌الطبیب یقول .

انجام: (وسائر مایقع فی‌ضمادالفتق)فانها یشدالعضو وینشف‌الرطوبات والله‌اعلم بالصواب والیه‌المرجع والمآب وصلی‌الله علی‌محمد ... تسلیماً کثیرا .

[۹۹۲]

۴۴۰ این نسخه بخط تعلیق است ودرجدول شنگرف ولاجورد وزر و روی متن خط سرخ کشیده‌شده وباعنوانهای شنگرف‌ولاجورد. درمتن‌وهامش‌حاشیه‌هائی‌دارد ودر گ۶۳ الف حاشیه‌ایست‌بخط‌قطب‌الدین محمداشکوری که ازفرج‌بعدالشده تنوخی داستانی میآورد از رازی ومیگوید که مانند همانست که علی(ع) کرد و من آن حدیث‌را درمحبوب‌القلوب خودیاد نمودم درپایان دارد «انا الفقیر قطب‌الدین‌محمد عفی عنه» .

در گ۲۰۱ب حاشیه‌ایست ازمحمد تقی که ازمن‌لایحضره‌الطبیب داستانی آورد. در گ۲۲۲و۲۲۳ اززبدةالطب وقرابادین نجیب‌الدین آورده شد. درباره‌ای جاهاحاشیهٔ (منه) دارد. گ۱ الف به ۳۸۱الف . میرزا سیداحمد پسرمیرزا محمد علی موسوی در ۱۰رمضان ۱۱۱۶ دارندهٔ نسخهٔ بوده ومهر کتابخانه ترقی تهران بتاریخ۱۳۲۴ در آن دیده میشود .

(۳۸۶گ) ــ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج مشکی ضربی متوالی
اندازه : ۱۵ × ۱۷ و۱۳×۲۱ص ۲۱س

[۸۳۲-۸۳۳] شرح فصول (عربی)

ازبقراطس پزشک نامور یونانی (۵۵۵ـ۴۶۰پ‌م) وبنیادگذار مدرسهٔ کوس در روزگار پریکلس دفتری بیادگارمانده که آنرا «آفورسیموی «Aphorismoi» میخوانند واین واژه یونانی از «آفوریزو aphorizo» گرفته شده که شناساندن وبازشناختن ونگاهداشتن‌وجدا ساختن رامیرساند . پس آفوریسموس درست‌برابر است بابخش‌وبند وفصل. ازاینجا استکه این‌دفتر رافصول نامیدند چه آفوریسموس بندهای‌کوتاه وروشن رانیزمیگویند ودراین‌دفتر هم دستورهای پزشکی ساده و

روشنی آمده است.فصول‌را بگفتهٔ جالینوس اودرپیری نگاشته و بازبسین آزمایش‌های خود رادر آن آورد. سورانوس Soranus پزشك افسوسی یونانی آغازسدهٔ ۲ آنرا سه‌بخش وروفوس Rufus افسوسی پزشك کالبد شکاف یونانی سدهٔ ۲و۳ چهاربخش وجالینوس هفت بخش نمودند. ابقراطس را همین فصول شناسانده ودر هر کتابخانه پزشکی وجز آن درهمهٔ جهان نسخه‌ای از آن بوده وهست. فصول‌را که گزیدهٔ پزشکی مدرسه کوس است پزشکان هر نحله‌ای تاسدهٔ ۱۸ گزارش کردند(۱) جالینوس آنرا تفسیر نموده وحنین این گزارش‌را برای محمدبن‌موسی بتازی در آورد وهفت گفتاراست (ابن ندیم ص ۴۰۱) ابقراطس‌را نخستین کسی دانستند که بیمارستانی درباغ ازدیك خانهٔ خویش ساخت بنام «اخسندوکین» یا بیمارستان ومجمع المرضی. اوپزشکی‌را بنگارش درآورده و آشکار بساخت وبسه روش میآموخت: رمز، سخنان کوتاه ودشوار، گسترده وروشن. نوشته‌هائیکه از خود اوست نزدیك بسی دفتر میباشد و دوازده‌تای آنرا دانشجویان پزشکی پی‌هم میخواندند که سوم آن همین فصول میباشد ودرهفت گفتار است. ودرآن گزیده‌ای ازهنر پزشکی شناخته میشود تاپزشك‌را قانون وآئین باشد وآنچه در «تقدمة المعرفه» یا «پیش بینی = بروگنوستیکا» و «هواها وآبها وشهرها» و «بیماریهای سخت» و «اپیدمیا = بیماری های واگیر» و «درد های زنانه» و جز اینها نوشته بود گزیدهٔ آن در فصول هست (خزرجی ۱: ۳۱) بنوشتهٔ لاروس سدهٔ ۱۹ فصول ۸ دفتر است. میگویند که آنرا در خاکجای اویافته‌اند ودرنسخهٔ آستانهٔ طوس دارد: «کتاب بقراط الذی وجدوه فی قبره»

۱ـ نگارشهای ابقراطس نزدیك بشصت دفترمیباشد وهمه آنها نخستین‌بار در ونیکیا بسال ۱۵۲۶ وترجمه لاتینی آنها دررم بسال ۱۵۲۵ بچاپ رسید. لیتره Littré پزشك وزبانشناس فرانسوی آنهارا نوزده بخش کرد ومتن یونانی وترجمه فرانسوی آنهارا دردهجلد با دیباچه و گزاش وحاشیه وفهرست درپاریس در ۶۱ ـ ۱۸۳۹ بچاپ رساند (فهرست چاپهای کتابخانه ملی پاریس درابقراطس) متن یونانی با ترجمهٔ انگلیسی درانتشارات Loeb بسال ۱۹۴۸ بچاپ رسید ـ نیز بنگرید به: لاروس سدهٔ ۱۹ و ۲۰ در «فصول» و «سورانوس» و «روفوس».

و نوشته است که آن ۱۱ فصل است و آنرا قبریه مینامند چه او نمیخواست همه از آن آگاه باشند ودستور داد که آنرا درجعبه‌ای ازعـاج و در گور او بگذارند ودیری گذشت تا آنرا از آنجا یافته‌اند و آن ۲۵ دستور پزشکی‌میباشد. وهمین در هند با حاشیه‌های فارسی بچاپ سنگی رسید. علاءالدین ابی‌الحسن علی‌بن‌النفیس ابی‌الحزم‌قرشی م درمصر در ٦٨٧ آنرا گزارش‌نمود که‌درتهران‌در ۱۳۰۱ بچاپ‌سنگی رسید. (ش‌۸۵ص‌۲۷۹وش‌۱۰و۱۲ص٤ـ۲۹۳ج ۳ فهرست طوس).

رازی پزشك «الفصول فی‌الطب» یا «تلخیص فصول بقراط» یا «المرشد» دارد که در آن‌فصول ابقراطس را گسترده وروشن ساخت تاهنر پزشکی‌را دیباچه ومدخلی باشد و به‌آسانی فراگیرند. نسخهٔ آن درملی‌ملك وایاصوفیا هست وعروضی از آن وخود فصول یاد نمود و آن در۲۹فصل‌است و در۱٤۸۹ لاتینی‌آن دربولونیا بچاپ رسید(۱) پاره‌هائی ازفصول در فردوس‌الحکمه طبری آمده که ناشر آنهارا بامتن یونانی چاپ‌لیتره وعربی فصول وتقدمة‌المعرفه نسخهٔ برلین سنجید.

باری فصولرا بجز گزارش قرشی دو گزارش دیگراست:

۱ ـ از فرزانـه سخن‌سنج ابوالقاسم عبدالرحمن بن‌علی‌بن احمدبن ابی صادق نیشابوری،که به «ابن‌ابی‌صادق وبقراط دوم» نامبردار است. اوشاگرد شیخ رئیس (۳۷۰ـ٤۲۸) واستاد سید اسمعیل گرگانی (٤۳٤ ـ ۵۳۱) نگارندهٔ ذخیره بوده و درپایان زندگی درروستای انبرو دستانه دوازده فرسنگی نیشابور گوشه گزید. و ببوی خوش‌میوه‌های باغ وهوای سازگار آن بس میکرد. محمدبن منصور نسوی عمید خراسان (م٤۹٤) زنده پیش از ٤۵۱ و از نزدیکان سلجوقیان بقولنجی دچار گشت‌ونیشابوری‌رابرای‌درمان خویش خواست اودر گرمای‌تابستان ازانبرودستانه بنیشابوررفت و او را به‌ساخت وخود چنانکه بشاگردان گفته بود از رنج گـرما وتندروی وخستگی وتشنگی درنزدیك بهشتادسالگی در گذشت گویا نزدیك٤٦۵ که عمیدخراسان درنیشابور بکارخراج الب ارسلان (٤۵۵ـ٤٦۵) میپرداخت چه میدانیم که اودر ٤٦۰ زنده بود وازابن‌سینا هم آموخت و گرگـانی نیزشاگرد او

۱ ـ فهرست بیرونی ص١٦ ـ فهرست چاپهای پاریس درر‌ازی ـ نیز سر گذشت رازی ازنجم آبادی. ص١٤٦

بوده است پس باید او نزدیك به ۳۸۵ زاده باشد. شاه ابراهیم غزنوی (۴۵۱ ـ ۴۹۲) ارمغانها فرستاده و اورا بغزنین خواسته بود اوپاسخ داد که شاه‌خواستهٔ خویش بمن میدهد تادانش ازمن گیرد. دانائی فروختنی نیست وهمشهریانم سزاوارترند که از من بهره برند من‌نیکخواه شاهم و نمی‌خواهم درگرو اوباشم.

۵ بیهقی میگوید شاه روزگارش کس فرستاد واورا بنزد خودخواست اوپاسخ داد: آنراکه‌خواهش و آزی نیست شایستگی چاکری شاه ندارد واگرهم‌ناگزیرش سازند مانند بازیکه بفشاربشکارش برند کاری ازاو نیاید. این داستانها مانند است باداستان‌ابقراطس باپادشاه ایران‌ازاینجا استکه نیشابوری‌را ابقراطس‌دوم‌خوانده‌اند

گزارشی که اینفرزانه برمسائل حنین وفصول ابقراطس نوشت پسندپزشکان ۱۰ بود. خزرجی ازشرح فصول اونسخه‌ای بدیدکه درآن بخط خود در ۴۶۰ گواهی داده بودکه آنرا نزدش‌خواندند. اوتقدمةالمعرفه ابقراطس ومنافع‌الاعضاءجالینوس را هم‌گزارش نوشت ودومی‌را در ۴۵۹ بپایان رسانده(۱).

چلبی (ج۲ص۱۹٤) گزارش فصول نیشابوری را «اوفرالشروح» خوانده است. نیشابوری دردیباچهٔ گزارش فصول میگوید که ایندفتر کوتاهترین و برترین ۱۵ گزیده های پزشکی است و بند هائی داردکه جهانیان را دستور میباشد. دانشجو باید آنرا دفتری بداندکه باید بخواند. هر بند آن دستوری است که مانا آورنده‌آن بانیروئی‌آسمانی است. مبادا بگوئیدکه ایندفتررا ساماني نیست‌و پراکندگی دارد چه ابقراطس چیزیرا فراموش ننمود ولغزشی اورا دست نداد. جالینوس ایندفتر راگزارش نوشت وما میخواهیم آنچه‌او گفت بیاوریم وازخودهم ۲۰ بیافزائیم. ابقراطس میخواهد آنچه پایه ومایهٔ پزشکی است در ایندفتر بیاورد و تقدمةالمعرفه واهویه وامکنه وامراض حاده وابیدیمیا (امراض وافده) واوجاع ـ النساء وجزاینهارا دراینجاگزین کند تادانشجویان بیاد بسپرند ودانشمندان دستور کارخویش سازند. نیشابوری درپایان میگویدکه‌مابندهای دشوار ایندفتر رادرست

---

۱ ـ بنگرید به: تتمه بیهقی ش۶۳ ـ خزرجی ج۲ص۳۲-۳۳.

روشن کردیم و آنچه جالینوس در گزارش خویش آورد بگزیدیم وهر که بخواهد آنچه‌را که او گزارش‌نوشت گزارش‌نویسد زیره بکرمان خواهدبرد. نیشابوری‌در ایندفتر که هفت‌گفتاراست و هریك چند بند نخست متن را میآورد سپس گزارش میکند ومتن پس از «قال» و گزارش پس از «التفسیر» یا «قال‌المفسر» میآید.

آغاز: هذا کتاب شرح‌الفصول . بسمله . رب یسر برحمتك. قال‌الشیخ‌الامام‌ابو-القاسم عبدالرحمن‌بن علی‌بن ابی صادق‌النیسابوری رحمه‌الله : امابعد حمدالله‌تعالی بجمیع محامده والثناء علیه، ان‌العنایة‌التی‌تبعث‌الخلق علی‌اقتناء باب من‌ابواب‌العلوم من‌اشرف الفضائل‌الانسانیة .. وقدکان کل من‌المتقدمین والمتأخرین ممن تکلموا فی‌الطب راموا‌ان یدونوا لمن بعدهـم جملاوجوامع من‌اصوله الاان کتاب الفصول لابقراط افضلها کلها لانه من‌اوجز‌الکتب‌المصنفة فی‌هذاالباب واکثرها حصر‌الفصول هی دساتیر‌للعالمین.

انجام: قال ابقراط من کان‌لحمه رطبا فینبغی‌ان‌یجوع فان‌الجوع بجفف‌الابدان قال المفسر ... واما الفصول المدلسة التی قداعید ذکرها باخرة من‌الکتاب فترکنـا ذکرها شفقة من فوت‌الزمان بمالایجدی نفعا والله تعالی هوالمعین.

[۹۹۳]

٤٥٦ این نسخه بخط نسخ درشت کهن باعنوانهای درشت‌تر و گاهی بشنگرف‌میباشد. حاشیه‌هائی دارد بخط دیگر. درگ۱ الف نوشته شده که نسخه در۸۰۸ از آن پزشکی بوده ودزدیدند ودر۱۰ ج۲سال۸۱۱ باو برگرداندند وبخطهمو‌است. در۹۸٤محمد پزشك حلب دارندهٔ نسخه بود . هفت مقالهٔ کتاب چنین است : ۱گ۱الف ۲۹الف ۲گ۲۹ب - ٦۱ب ۳گ ٦۱ب - ۷۸ب ٤گ۷۸ب- ۱۱٤ب٥گ۱۱٥ الف - ۱٥۲ب ٦گ۱٥۳الف - ۱۹۸ب ۷گ۱۹۹ الف - ۲۲۷ الف . درپایان دارد : « تم کتاب شرح فصول ابقراط للشیخ ابی‌القاسم عبدالرحمن بن علی بن ابی‌صادق رضی‌الله عنهم . آمین! والحمدلله رب‌العالمین مماعلقه لنفسه بخطه یوحنابن‌سابابن یوحنا‌المتطب نفعه‌الله به‌آمین ورحم من‌ترحم علیه» پس نسخه‌را یوحنا پسرسابا پسریوحنای پزشک برای خود نوشته است.

(۳۲۲۷ـ) — کاغذسمرقندی — جلد تیماج نهودگل و بوته‌دار مقوائی کهنهٔ تعمیر شده وکنار آن میشن.

اندازه : ۱۸٫٥×۲٥٫٥ و ۱۲×۱۷٫٥ س۱٥ تا ۱۷

۲ ـ از ابن‌اللباد موفق‌الدین ابومحمد عبداللطیف بن یوسف بن محمد بن علی بن ابی‌سعد موصلی بغدادی مصری (۵۵۷ـ۶۲۹) ادیب متکلم محدث پزشك . این دانشمند نگارشهای بسیاری درادب وتاریخ وپزشکی دارد وخیلی از نوشته هـای افلاطون وارسطو وابقراطس وجالینوس وحیوان جاحظ وکتابهای اسرائیلی راگزین یا گزارش نمود و«ما بال» ارسطو را پاکیزه وتهذیب کرد . اوخودرا از دانشمندان روزگارخود برتر میدانست وآنها وگذشتگان‌را خوارمیشمرد ودرباره فرزانگان ایرانی بویژه ابن‌سینا بدمیگفت (خزرجی ج۲ص۱۳ـ۲۰۱) .

موفق‌الدین دردیباچهٔ این گزارش برفصول میگوید : میخواهم تاآن اندازه که بتوانم ودرخور مردم روزگارم باشد درفصول بنگرم وگزارشی بر آن بنویسم. ازمتاخران کسی‌رانیافتم که آنرا گزارش کرده باشدجزحاشیه‌هاوتعلیقهاکه‌برگزارش پیشینیان نوشته‌اند. گزارشی‌راکه جالینوس‌برفصول نوشته‌است حنین اسحاق‌بتازی درآورد ومابدان نگریستیم واز آن پیروی کردیم . گزارش‌دیگرآن ازدانشمندی یونانی است که بشیوائی سخن‌جالینوس وگفتارحنین نمیرسد وبدترجمه شده است. ازگفتهٔ جالینوس‌برمیآیدکه برفصول گزارشها نوشتندواو آنهارا بدیدو بمانرسید(۱) ماگزارش جالینوس راگزین کردیم واز خود بر آن افزودیم وهـم از آن کاستیم و مطلبها رایش وپس گذاردیم وآنچه ازگفته‌های اونپسندیدیم کنار گذاشتیم وبجای آن بهتر آوردیم. اوروی نحو ومنطق یونانی گزارش نمود وما بزبان‌خود نوشتیم. آنگاه رؤس هشتگانه فصول‌را بروش منطقیان میآورد ودر اینجا مینویسد که فرـ فوریوس ازگفته گذشتگان آورده که هنرها ودانشها سه‌گونه است :«نظری وعملی وفاعل» ـ در اینجا چنانکه باختریان سه‌بخش فلسفه ارسطو را در یافتند سخن میراند (گ۳ب) وبندی ازانالوتیکای دوم وبرهان ثوفرسطس میآورد (گ۵الف)

۱ ـ دردیباچهٔ نگارشهای ابقراطس چاپ Loeb بامتن وترجمهٔ انگلیسی ج ۱ ص۳۵ ـ ۳۸ ازکسانیکه دفتر هـای اورا نشر کردند یا حاشیه وگزارش نوشتند نـام Erotian و Bacchius و Herophilus و Heraclides از Tarentum و Celsus نام برده‌شده وباکخیوس وکلسوس واروتیان دربارهٔ فصول کار کردند.

بازمیگوید که فصول گزیده همهٔ دفترهای دیگر ابقراطس است بویژه ابیدمیا .
گرچه دانشمندان برای فراگرفتن و خواندن نوشته های او برنامه‌ای نهادند
ودوازده دفتر اورا برگزیدند مگر اینکه من میگویم نخست باید سوگند نامه یا
پیمان(عهد) را آموخت سپس فصول آنگاه تقدمة‌المعرفة را فراگرفت . نیزمیگوید
۵ چنانکه درپایان گزارش هم یادنمود : درفصول بندهائی هست که دو بار آمده یا در
بندهای پیشین یادشده یااینکه ازابقراطس نیست ودرآن گذارده‌اند ودرنسخه‌های
کهن اینگونه بندها هست یااینکه سست است و درپایان مقاله۷ بیشتر آنها دیده
میشود بااینکه جالینوس چنین بندهارا آورد مانیاوردیم. بگواهی او باید گفت که
فصول ازابقراطس است وباسنجیدن بانوشته‌های دیگراو این امر آشکار میگردد .
۱۰ دراینجا از رسالهٔ «حدالطب» خودیاد میکند که درآن غرضهای پزشکی و تعریفی
که جالینوس ودیگران وخود اوازآن کرده‌اند واجزاء پزشکی وپیدا شدن آن و
سرگذشتی ازابقراطس وجالینوس وجزاینها آمده است. اواین مطلبهارا برای دیباچه
این گزارش فراهم آورد ومیگوید چون دیدم بیش ازاندازهٔ دیباچه شده آنرا نامه‌ای
جداگانه ساختم (۷ ب).

۱۵ **آغاز**: بسمله. ولله الفضل العظیم والقوة المتین . کتاب الفصول لابقراط. شرحه الامام
الفاضل عبداللطیف بن یوسف بن محمد البغدادی . احسن الله توفیقه ؛ قصدنا النظر فی
کتاب الفصول لبقراط واثبات شرحه بحسب ماتادی الینا و وسعته قوتنا .

انجام : وقدذکر جالینوس من ذلك مقدار(أ) صالحا فرایت اناان اضرب عنه صفحا
ولانعرض لشئ منه لقلة جدواه اولان الغرض فی سواه فقطعت هنا الکتاب مستعینا
۲۰ بالله سبحانه ومستمدا منه المعونة والتوفیق انه ذاالجود والافضال المدعو بیاذا الجلال
والاکرام . تم .

[۹۹٤]

٤۵۵ این نسخه بخط نسخ با عنوانهای شنگرف تاریخ ۸ شعبان ۱۰۰۳ میباشد. در برگ
۱۲۳ب دارد که صدرالدین محمد موسوی آنرا بپسرخود محمدعلی در ٤ شعبان

۱۲۵۰ بخشید با دومهر پدر. در پایان دارد که محمد صادق پسر محمد اسمعیل پزشک آنرا خرید. متن پس از رمز «ط» و گزارش پس از رمز «ع» میآید و پس از هر فصل گزارش آن دیده میشود و بند بند آنهارا روشن ساخت. گاهی متن با عنوان «قوله» و گاهی با عنوان «قال بقراط» (گ ۷۵ب و ۸۰الف) آغاز شده و در گ ۷۱ب واژهٔ «عبداللطیف» هست. فهرست آن چنین است: دیباچه ۱ب ۷ب مقاله ۱ گ ۷ب - ۲۹الف م۲ گ ۲۹الف - ۵۰الف م۳ گ ۵۰الف - ٦٤ب م٤ گ ٦٤ب - ۸۳الف م٥ گ ۸۳ الف - ۱۰۱الف م٦ گ ۱۰۱الف - ۱۱۳الف م۷ گ ۱۱۳ الف- ۱۲٤الف.

(۳۱۲۸) — کاغذ دولت آبادی — جلد تیماج سرخ مقوائی ضربی

اندازه: ۱۸٫۵×۲۹٫۵ و ۱۰×۱۹٫۵ س ۲۱

[۸۳٤] شرح قانون آملی (عربی)

فرزانه دانشمند شمس‌الدین محمدبن محمود آملی در روزگار خدابنده اولجایتو (۷۰٦-۷۱٦) میزیسته و در تبریز در مدرسهٔ غازانی درس میگفت آنگاه درزمان شیخ ابواسحق بن محمود شاه اینجو (۷٤٤-۷۵۸) بشیراز آمده و این شاه بسیار بزرگش داشته مدرس مدرسهٔ پدرخویش کرد و دانشمندان بدوروی آوردند.

آملی نگارشهای بسیاری دارد مانند نفائس الفنون فی عرائس العیون بفارسی بنام همان ابواسحق که گزیده‌ای از ۱٦۰ علم روزگار خودرا در آن آورد و آن دو بار در تهران بسالهای ۱۳۰۹ و ۷-۱۳۱٦ بچاپ سنگی رسید. آملی در علم محاوره نفائس (ص ۲۹۷ چاپ دوم) از خود و شیخ جمال‌الدین بن مطهر و قاضی القضاة نظام‌الدین عبدالملك درمسجد جامع نزد اولجایتو یاد میکند. اورا بجز گزارش کلیات قانون که درروز شنبه نیمهٔ محرم ۷۵۳ بپایان رسانده است و گزارش کلیات طب ایلاقی گزارشی است بر مختصر اصول ابن‌حاجب. معین‌الدین جنید شیرازی میگوید که او را دیدم و سخنها ازاو شنیدم واو دوستدارخاندان پیامبر بوده‌است. شوشتری اورا درشمار دانشمندان شیعی آورد. آملی در ۷۵۰ واندی در شیراز درگذشت و در نزدیك «حظیرهٔ مولانا» بخاك سپرده شد. گزارشی که او بر قانون نوشته درموصل و لندن (موزه بریتانیا - دیوان هند) و آستانه (ایاصوفیا) و آصفیه و بنکیپور ورامپور ولکهنو، وعلیگره هست وچند دانشمند آنرا باحاشیهٔ حکیم علی

گیلانی ۱۰۱۸ ه در دوجلد (۱ بسال ۱۲۶۸ ص ۵۳۰ و ۲ بسال ۱۲۶۵ ص ۵۸۵) در مطبعه علویهٔ خان علی‌بخش‌خان لکنو بچاپ رساندند (بهمان اندازهٔ نسخهٔما) گیلانی در پایان میگوید که آملی دراین گزارش ازشیرازی گرفته است (۱).

آملی در دیباچه میگوید: قانون ازبهترین نگارشهای پزشکی‌است و دفتر نخستین ۵ آن بسیار موشکافانه نوشته شده و دانشمندانی مانندرازی وخونجی وقرشی بر آن گزارش نوشتند ونتوانستندآنرا از دشواری درآورند وپرده ازرازهای نهفتهٔ آن بردارند تا اینکه قطب شیرازی گزارشی درست بر آن نوشت وهمه چیزها در آن آوردمگراینکه در کالبدشکافی کوتاه آورد بااینکه‌شایسته بود این‌بخش‌راروشن تر سازد . او میخواست که روزگار یاریش دهد تا آنرا بپایان رساند افسوس که ۱۰ درگذشت . من‌خواستم گزارشی گزیده و کوتاه وبسنده بنویسم مگر اینکه دشمنی روزگار بادانشمندان وارزش ننهادن مردم بدانش وهنرمرا بازبداشت (از اینجا دیباچهٔ نسخه ما افتاده دارد) .

آملی‌بخش تشریح قانون راخوب گزارش نموده‌است. در گزارش ازامام وقرشی ومسیحی یاد میشود .

۱۵ **آغاز:** بسمله. الحمدلله الذی دقت‌حکمته فی‌خلقةالانسان . وعمت نعمته من فرطالاحسان. الشاهد بکمال‌قدرته طبائع‌الارکان .. فان... محمدبن محمودالاملی ...یقول لماتطابقت‌الاراء واتفقت العقلاءعلی‌ان‌اشد العلوم‌حاجة .. علم‌الطب. وکان خیرماصنف فیه ...کتاب‌القانون للشیخ‌الرئیس خاتم‌الحکماء ابی‌علی‌بن‌سینا .

انجام: ولما نجزماقصد، رحمه‌الله، ایراده فی‌الکتاب؛ قال: ولیکن هذاالقدرمن

---

۲۰ ۱ ـ بنگرید به : شدالازار ص۴۵۰ ـ هزارمزار یا ملتمس‌الاحباء خالصا من‌الریاء ص۱۵۴ ـ مجالس‌المؤمنین ـ مخطوطات‌الموصل‌ص۳۲ ـ برو کلمن پیوست‌ج۱ص۸۲۴ ـ قنواتی ص۲۰۷ ـ همانچاپ‌لکنو Lucknow . قنواتی نسخه‌های حاشیهٔ گیلانی‌را نشان میدهد ومیگوید که گزارش آملی درج۶ ـ ۱۲۵۵ وحاشیهٔ گیلانی درهامش آن در۱۲۶۶ درهمان‌لوکنو بچاپ‌رسید. اومرگ آملی‌را در۷۵۳ مینویسد . در فهرست ۲۵ مجلس ش۵۱۰ ازشرح قانون گیلانی یادشد که قنواتی‌آنرا حاشیهٔ برآملی دانست .

کلامنا المختصر فی الاصول الکلیة لصناعة الطب کافیا ولناخذ فی الادویة المفردة . ویرجو الله تعالی شارحه ایضا وهو العبد الضعیف محمد بن محمود الاملی احسن الله عاقبته ان یکون ما کتبه علیه کافیا وبمقاصده وافیا . وان یرزقه ما یتمناه . وان ینتفع به فی دنیاه واخراه . وله الحمد علی حسن توفیقه . والصلوة علی محمد وآله اجمعین . ۵ واتفق فراغ المصنف مدالله ظلاله وحقق آماله منه یوم السبت منتصف المحرم سنة ثلث وخمسین وسبعمائة .

[۹۹۵]

۴۴۱

این نسخه بخط تعلیق ریز وچند صفحه بنسخ وبسیاری از جاها بی نقطه است متن پس ازعنوان «قوله» که بشنگرف است میآید. پس ازدیباچه که بپایان ۱۰ نمیرسد گزارش «الاعضاء الخادمة» ازفصل ۱ تعلیم ۵ فن ۱ کتاب ۱ قانون (ج ۱ ص ۲۱) باندکی از گزارش بندپیش ازآن آغاز میشود. میان برگهای ۱۱۰ و ۱۱۱ و پاره‌ای ازجاهای دیگر گویا افتاده دارد. ازپایان نسخه چنانکه دیده‌ایم برمیآید که آن در روزگار آملی نوشته شده است . در گ ۲الف دارد که محمد باقر بن محمود طبیب دارندهٔ نسخه بوده و آنرا نویسانده است. شرف الدین علی بن محمد حسین بن محمد ۱۵ باقر بن محمود طبیب نیزدارندهٔ نسخه بود ومهر او هم هست (۲الف) همچنین ابوتراب شریف وعلی نقی بن محمد نصیرطبیب (۲الف) . نسخه دریکشنبه ۲ ذی‌قعده ۱۲۱۱ باببو جعفر حمزة بن حسین بن معراب بن حاجی علی بنیکانی حرقویه فروخته شده (۲الف) و مهر او هم هست وخط شکسته وشنگرف ومهر اودرتاریخ ۲۲ رجب ۱۲۱۴ در گ ۲۶۹ب درپایان گزارش هست. ونام او باز در کنار گ ۲۱۹ب بخط شکسته بامرکب سیاه بتاریخ ۲۰ ۸ ذی‌حجة ۱۲۱۶ دیده میشود. در گ ۱الف از گروگذاری تفنگی در ۱۴ ذی‌حجه ۱۲۶۰ یاد گردید. در کنار برگ ۲۳۰ب محمد نامی حاشیه نوشته وبخرده گیری آملی ازقرشی پاسخ داد . در گ ۱ب جدول شش آواز و ۱۲ مقام و ۲۴ شعبه و ۴۸ گوشه و رنك و نیم رنك هنرموسیقی دردائره‌های متداخل بسیاه وشنگرف کشیده شده وهمچنین قلم اسرار سیمیا . گزارش آملی از گ ۲ ب است تا گ ۲۶۹ب ۰ در ۲الف نیز دائره های متداخل ۲۵ رنگا رنگ هست .

[۳۲۷۰ ب]— کاغذ سمرقندی وپاره‌ای سفید وبرخی زرد وبرگ ۱۳۳ کبود — جلد تیماج مشکی ضربی‌مقوائی ، ... آن تغیر شده : تیماج سبز رنگ
اندازه : ۱۷×۳۶ و ۱۰×۱۷٫۵ س ۲۵

[٨٣٥] شرح قانون رازی (عربی)

امام فخرالدین تبرستانی رازی (م ٦٠٦) بر کلیات قانون گزارش نوشته ودردیباچه آن میگوید که چون این بخش دارای نکته‌ها و موشکافیها بوده بسی رنج بردم و کوشیدم تا آنرا گزارش نوشته دشواریهای آنـرا روشن سازم و ازسهل انگاریهای
٥ نگارندهٔ قانون پوزش خواهم ودانشجویان‌را دراین باره بیازمایم و درست هم این کاررا بپایان بردم، مگراینکه خریداری برای دانش نمی‌بینم . من این دفتر را بنام ثقةالدین عبدالرحمن‌بن عبدالکریم سرخسی ساختم، چه بیشترمطلبهارا از گفتگوی ها که بااو کرده‌ام دریافتم وشاید بااینکار ازانجام پاره‌ای ازحقوق او برآمده باشم، دیگراینکه بآگاهی اودرپزشکی یقین دارم، اواستکه ببررسها و پژوهشهای من‌در
١٠ ایندفتر ارج مینهد .

رازی پاره‌های ازمتن‌را پس از «قال» میآورد سپس باعنوان «التفسیر» بگزارش میپردازد وازخواجه رئیس خرده میگیرد وگاهی سخنان رازی بزرگ وجالینوس راگواه میآورد . اواز ابوسهل مسیحی نیزیادمیکند (برگهای آغاز) واز «الادویة القلبیة» شیخ (١٨الف) وبارهاازشفای اوو از کامل‌الصناعه مجوسی(٢٤ب)میآورد.
١٥ نسخه‌های گزارش رازی دربرلین و گوتا وبادلیان و کایتانی ودمشق و اسلامبول وطوس (ش٧٣) هست .

احمدبن ابی‌بکربن محمد نخجوانی م ٦٥١ برآن حواشی‌دارد(پاریس-قنواتی ص٢٠٤ وبرو کلمن) امام موفق‌الدین عبداللطیف‌بن یوسف‌بن محمدموصلی‌بغدادی ازگزارش رازی وتنقیح ابن‌جمیع م٥٩٤ خرده گرفت .

٢٠ آغاز: بسمله. امابعد حمدالله مقدر الامزجة والاجزاء ، ومدبرالقوی والاعضاء ، ومبعد اصناف‌الداء ، ومبدع اصناف‌الدواء ... فان‌الله تعالی لما وفقنی للوصول الـی مدارج‌المناهج‌الحکمیه .. وکان‌من‌جملة‌العلوم‌الشریفةعلم‌الابدان... ولمااوقفت‌علی کمال هذاالعلم ... ولماکان کتاب‌القانون للشیخ‌الرئیس ، احسن کتاب صنف فی‌هذا الباب ، باتفاق اولوالالباب ، ثم‌ان‌الکتاب‌الاول تمیزعن سایرکتبه باللطایف‌الحکمیة

.. صرفت نهاية فكرى... على تفسيرعيونه .

انجام : قـال الشيخ واماميـاه الحمامات ... فيكون مافرغنا عن ذكره. الفصل الخامس عشرفي النبض الخاص بالنسـاء وهو نبض الحبالى (تعليم۳ فن۲ كتاب۱ قانون) هذا تمام ماوجد من هذاالكتاب .

۵

[۹۹۶]

۴۵۱

این نسخه بخط نستعلیق باعنوانهای شنگرف میباشد وعنوان بابها در بالای صفحه‌هاهم بشنگرف نوشته‌شده ودرپایان دارد : «قدوقع الفراغ من تحريره يوم الثانى عشرمن ذى القعدة الحرام. الحمدلله‌رب العالمين» گ۱ب- ۹۹الف- درگ۱الف و۹۸ب و۹۹الف مهری‌است بشنگرف: «بنصر الله القديم لم يزل دخل فى نوبت شيخ العراقين »

۱۰

(۹۹گ)– کاغذ فرنگی –جلد تیماج مشکی ساده بی‌لا

اندازه : ۱۵×۲۱ و۹×۱۵ س۱۹

[۸۳۶-۸۳۷] شرح قانون قرشی (عربی)

ابن نفیس علاءالدین ابوالحسن علی‌بن ابی‌الحزم قرشی دمشقی ازقرش یانخشب شهری درخراسان نزدیك كابل(۱) دانشمندی زیرك بوده وبزرگترین پزشك مصر بشمار میآمد. اوبحدیث وادب و منطق و جدل وفقه واصول فقه آشنائی داشته و نگارشها درآنها دارد. بسیاری ازاو آموختند ومردم اورا پیشوای خـاور و باختر میدانستند .

۱۵

قرشی شافعی بوده‌و گزارشی برتنبیه نوشته است. درپزشکی مانند نداشت وپس ازابن‌سینا کسی چون اوتیامده ودردرمان براو برتری داشت. او نزد مهذب الدین‌بن دخوار(۵۶۴-۶۲۸) درس‌خوانده است.گویندکه دربیشتر نوشته‌ها بهیچ کتابی نمی‌نگریست واز ذهن‌خویش می‌نوشت. رئیس‌الاطباء بدرالدین‌حسین وامین الدوله ابن‌القف وابوالفضل بن کوشك‌السديد وابوالفتح اسکندری ازشاگردان او بوده‌اند . قرشی درپزشکی « شامل » در۸۰جلد نگاشته که اگر روی فهرست آن

۲۰

۱ ـ فرهنگ نفیسی ـ رشحات عین‌الحیات از علی‌بن حسین کاشفی در سرگذشت نقشبندیان ـ فهرست مجلس ج۲ ص۲۹۹ .

۲۵

بپایان میرسید سیصدجلد میشده است. موجزقانون‌هم ازاواست وهمچنین گزارشی برهمهٔ قانون دارد.

اورا خواستهٔ فراوانی‌بود و کتابهای وملکهای‌خود بیمارستان منصوری‌برگذار نمود. قرشی در۱۱یا۲۱ ذی‌قعدهٔ ۶۸۷ نزدیك بسی‌سالگی بنوشتهٔ سبکی و هشتاد ۵ سالگی بنوشتهٔ ابن‌عماد درگذشت(۱).

قنواتی(ص۲۰۵) ازنسخه‌های گزارش قانون اویاد نموده ومیگوید که پاره‌ای از آن بلاتینی درآمده ودر ونیز بسال۱۵۴۷ بچاپ رسید.

[۹۹۷]

این نسخه بنسخ روشن درجدول زرین ولاجوردی باعنوانهای شنگرف میباشد ۱۰ ٤٤۳ درپاره‌ای ازجاها متن درهامش بشکستهٔ ریز نوشته شده ودر گ۲۶ب دوشکل مثلث ومربع هست که دندانها وفلك رانشان میدهد ـ گ۵ب ـ ۱۶۹ب. برگ یکم کتاب بنسخ نونویس میباشد. در گ۱ب و۲ الف پاره‌ای است از گزارش قرشی برقانون درباره بیماری«فسادالشهوه» بنستعلیق تازه. در گ۱ الف‌پاره‌ایست‌بشکسته نستعلیق‌ازگزارش محمدسعیدشریف‌قمی برحدیث راس‌الجالوت. این‌نسخه گزارش‌بخش ۱۵ کالبدشکافی قانون است وقرشی دردیباچهٔ‌آن میگوید: اکنون میخواهم درباره‌گفتار شیخ رئیس درکالبدشکافی آنچه بتوانم کنجکاوی کنم وهرچه اودردفتر یکم‌وسوم در این‌باره گفته است یکجا فراهم آوردم تاآنرا سروسامانی باشد. من خود کالبدی نشکافتم چه‌دیدم که دین آنرا نمی‌پسندد ودلسوزی ومهر نیز مرا ازآن باز میداشت. این است که ازگفته های گذشتگان که خود بدین‌کار پرداختند پیروی نمودم بویژه

۲۰ ۱ـ بنگرید به: مرآت‌الجنان یافعی٤: ۲۰۷ـ محاضرات سیوطی۱ : ۲۳۳ـشذرات الذهب ابن‌عماد حنبلی۵: ٤۰۱ ـ طبقات سبکی ۵: ۱۲۹ ـ بروکلمن پیوست ۱: ۹۰۰ که درآن به‌وافی‌صفدی ومسالك‌الابصار فضل‌الله‌العمری وعقودالزمان والمنهل‌الصافی تغری بردی نیز بازگشت داده شد. ـ فهرست مجلس ش۵۱۱ ـ فهرست طوس۶۹و۷۱ و۷۲ـفهرست‌خدیوی ج۶ص۲۱ـ قرشی فصول‌ابقراطس وتقدمة‌المعرفة اوومسائل‌حنین ۲۵ را گزارش نمود و از حاوی رازی گزین کرد. او در منطق‌بروش پیشینیان میرفت و مختصری درآن دارد و«الهدایة فی‌المنطق» شیخ راگزارش نمود ودر برابرحی‌بن یقظان اوفاضل‌بن ناطق نوشته ودرآن اسلام ورستاخیز جسمانی و تباه شدن اینجهان را ثابت کرد. نیزبنگرید بکشف‌الظنون وفرهنگ دهخدا.

جالینوس که نگارشهایش درکالبد شکافی ازبهترین نوشته‌ها است که بمارسیده وجزدر پاره‌ای ازجاهاکه میدانم اودرست سخن نگفت بااینکه ترجمانها بدترجمه کرده‌اند من بگفته‌های دیگران ارجی ننهادم . درمنافع اعضا وسود اندامها خود جستجو و بررسی کردم و باکی نداشتم چیزی بگویم که پیشینیان جز آن گفته باشند . قرشی دراینجا ازپنج چیز کاوش میکند :

۱ ــ گونه‌گون بودن اندامهای جانوران .

۲ ــ قاعده‌ها وسود علمی وعملی کالبد شکافی برای پزشك.

۳ ــ اینکه باید هریکی از اندامها دردستگاه تن سودمند باشند . او دراینجا سخنان کسانیرا میآورد که میگویند «جهان پراست اززره‌های جنبده‌وجسم ازگردشدن آنها خودبخود پیدا میشود وهر کدام ازجسمها که سزاوار زندگی وپایندگی باشند خواهد ماند وزایش کرد واگرنه تباه‌خواهدشد . درخت واستروم‌ردم ناگزیر نیستند چنین که هستند باشند وآفرینش‌را حکمت وغرضی نیست. شاید دراین فضا جهانهای دیگری باشد بی‌پایان ودرآنها گیاهان‌وجانوراتی بریخت دیگر باشند که‌ما ندیده‌باشیم»

قرشی میگوید که جهانرا خدائی‌است که کار بیهوده نمیکند واوبا بهترین‌روشی جهانرا آفریده وساخته است گرچه شایدآنرا بجز آنچه مادریافته‌ایم سودی بهترباشد کهما بدان نرسیده‌ایم. اگرما میگوئیم که مورا گرد آفریده تا ازآسیبها دورباشد نمیخواهیم بگوئیم که تنهابرای همین است‌وبس. ما میگوئیم که شایسته است برای‌آن گرد آفریده شده باشد. ازینرو مابرای یك‌یك اندامهاچندین سودیاد میکنیم تاشاید یکی ازآنها باهمهٔ آنها همان سودی باشد که خدا درآنها نهفته ساخت وشایدهم‌براز نهانی اودرآفرینش آن اندام نرسیم .

٤ ــ مبادی که درپیدا کردن سود اندامها ورازآفرینش‌آنها ازراه‌کالبدشکافی ناگزیر باید دانست. قرشی میگوید دراین باره تنها دیدن وآزمودن بسنده نیست و استدلال هم باید کرد .

٥ ــ اینکه کالبدشکافی چیست. او میگوید که شناختن استخوانهای مرده آسان تر است ودل وشریان وحجاب وشش‌را باید درزنده شناخت گرچه دشوارمیباشد . رگهای موئین راهم اگردوزنده یابیماریکه تازه مرده باشد بـا کالبد شکافی بنگرند آنهم دشوارخواهد بود. جالینوس میگوید که من‌جانوری‌را درآب خفه‌میکنم تا ازهم نپاشد ونیرا کند اگربا ریسمان خفه کنند آنگاه‌کالبد آنرا میشکافم.قرشی پس ازاین بگزارش بخش تشریح استخوانها ازقانون میپردازد .

آغاز: بسمله وبه نستعین . قال‌الشیخ الامام العلامه علاءالدین علی بن ابی‌الحزم

المتطبب القرشي رحمه الله: بعد حمد الله والصلوة على انبيائه ورسله . فان قصدنا الآن
ايراد ماتيسر لنا من المباحث على كلام الشيخ الرئيس ... في التشريح من جمل كتاب القانون
انجام: ونحقق الكلام في الاراء التي ذكرها وغيرذلك، وذلك اذا اخذنا في شرح
الكتاب الثالث من كتب القانون ... فذلك انما هو بارادة من لا يعتريه سهوو لا يعجزه امر.
٥ وهو الخالق تعالى جده . تم الكتاب بحمدالله وحسن توفيقه .

(١٦٩گ) — كاغذسمرقندى ـ جلد تيماج ... مقوالى
اندازه: ١٣×ص٢١و٧×١٤ س٢٣ ... سبز

[٩٩٨]

این نسخه بشخ کهنه باعنوانهای درشت‌تر بسیاه وشنگرف. ازدوعبارت «امتع
١٠ ٨٢٠ الله بحیوته ـ بطول بقائه » در آغاز وپایان نسخه پیداستکه در روزگار قرشی
نوشته شده است .
چنین است :
آغاز: بسمله وبه نستعين . التعليم الثالث احدعشر فصلا وجملتان. الفصل الاول كلام
كلي في الاعراض والدلائل ... قال الشيخ الرئيس ... الاعراض والعلامات تدل ... الشرح
١٥ قال الشيخ الامام العلامه علاءالدين امتع الله بحيوته : قدعرفت في ماضي من اقاويلنا الفرق
بين العلامة والعرض .

انجام: قال الشيخ الرئيس رحمه الله الفصل التاسع عشر في جملة يعتبر للامور المتضادة
للطبيعة. هيئة النبض تغيرها ... قال الشيخ الامام العلامة علاءالدين امتع الله بطول بقائه :
الامور المضادة للطبيعة كالامراض والاعراض تغيرهيئة النبض باحدثلثة وجوه ...
٢٠ اويابس يسلب الالة اورطب يرضها . والله ولي التوفيق . در پائین صفحه پایان دارد :
«ويتلوه الجملة الثانية من تعليم الثالث في البراز والبول وهي ثلثة عشر فصلا» .

(٥٠گ) — كاغذ سمرقندى ـ جلد مقوا
اندازه : ص١٦×٢٧ و١١×١٩ س٢٩

[٨٣٨] شرح كافوريه (فارسی)

٢٥ ملك الاطباء حاجی آقا بابا میرزا محمد تقی شیرازی رساله‌ای بتازی درباره گرم
بودن کافور دارد که در آن باگفتار همه دانشمندان ایرانی مخالفت نمود و آن بـا
منظومهٔ پزشکی اودر تهران بسال١٢٨٥ بچاپ رسید. عبدالوهاب ساوجی آن را
گزارش نموده واز آن خرده گرفت. شیرازی میگوید که من گفتار پزشکان فرانسوی

وهندی‌را پذیرفتم وساوجی میگوید که کافور سرداست چنانکه پزشکان پیشین گفته وازقران وخبرهم برمیآید (گ۱۲۷ب) .

آغاز: بسمله. احمدك‌اللهم یامن وعدالابرار باسقاء کاس من عین‌الکافور ... وبعد ازآنجاکه انوار علوم علمای متاخرین‌مقتبس ومکتسب ازاشعهٔ اضواء شموس علمای متقدمین است . ۵

انجام: چه علاج فلج بکنفر ... بکافور دلیل برخطاء اطباء جمیع اعصار و ازمان نمیشود . والله اعلم بحقائق‌الامور .

[۹۹۹]

۴۳۵ این نسخه بخط نستعلیق است ومتن وعبارتهای عربی زیرخط سرخ وحاشیه هائی هم دارد. درپایان بخط شکسته بامرکب روشنی میباشد . ۱۰

(۱۴۰گ) ــ کاغذ سپاهانی ــ جلد تیماج سرخ ضربی

اندازه : ۱۱٫۵×۱۸ و ۶×۱۲٫۵ س۱۱

[۸۳۹] شرح موجز قانون (عربی)

امام نفیس‌بن‌عوض‌بن حکیم کرمانی برموجزقرشی‌این گزارش‌را درروزگار الغ بیك نوشته ودرسمرقند دریکم ذی‌حجه ۸۴۱ آنرا بپایان رساند و میگوید که ۱۵ من درکرمان حاشیه هائی برموجز نوشته بودم. این گزارش چهارفن است (قواعد پزشکی ــ داروها وخوردنیها ــ بیماری‌اندامها ــ بیماریهای‌عمومی) ودرلکهنو بسال ۱۳۱۷ و کونپور بسال۱۸۷۹ وتهران‌بسال ۱۲۸۱ (نسخه‌ای ناقص) وبا شرح اسباب بسال ۱۲۸۳ بچاپ رسید. (ش۱۲۵ مجلس ــ ص۲۰۸ قنواتی ــ کشف‌الظنون) .

۲۰ [۱۰۰۰]

۴۴۴ این نسخه ش۱ دفتراست وبخط نستعلیق درجدول و دارای سرلوح زرین ولاجورد وشنگرف‌وروی متن‌خط‌سرخ کشیده شده‌وعنوانها درمتن وهامش بشنگرف میباشد. چنین است: «فی‌اسالیبها فالتمس منی اجلة‌الاحباب...انك انت‌الوهاب (ازدیباچه که‌آغازش نیست) بسمله وبه نستعین. قال‌الشیخ‌الامام العالم‌الحبر الکامل علاء‌الدین‌علی‌بن ابی‌الحزم‌القرشی‌المتطبب صیغه تفعل ههنا للمبالغة مثل‌تقدس ۲۵

وتمجد ـ حقنة للقولنج وخصوصا الريحي يزادفي الحقنةاللينة الاولى بابونج... وورازيانج من كل واحد ثلثة دراهم. تم الفن الثاني بعون الله و حسن توفيقه» نسخه دوفن نخستين را دارد . گ۱۱ الف ـ (۷٫۵ × ۱۸ س ۲٤) .
۱۵۴ الف

[۸٤۰] شفاء الامراض (فارسی)

۵ محمدبن علاءالدین بن هبةالله سبزواری نامبردار بغیاث متطبب دراین نامه که چهارده باب است تنها ازدرمان بیماریهاگفتگو نمود وآنرا دونیمهٔ ربیع یکم ۸۷۱ بپایان رساند نام او وتاریخ در پایان نامه دیده میشود .

آغاز: بسمله . الحمدلله الذی خلق الانسان وجعله اشرف مواليد الاركان . . . باب اول درامراض سرمشتمل بر ۱۵ فصل (پس ازفهرست) باب اول ... فصل اول

۱۰ درصداع وشقیقه . صداع درد سراست . وازخون میباشد .

انجام: واغماض براین اخفاق وانعاش پوشیدن دریغ نفرماید. والسلام علی من اتبع الهدی. والحمدلله رب النور والنار مولی العطایا لابرار وفجار. تم.(۱)

[۱۰۰۱] وصالی ارغوان سیاه

۴۳۷ ۱۵ این نسخه بخط شکسته نستعلیق درجدول زرین با عنوانهای شنگرف ودارای سرلوح زرین ولاجورد میباشد . با جدول کوچک

(۱۳۴ص) ـ کاغذ سپاهانی جلد مقوای سبز ضربی که درکنارههای آن پارچه است
اندازه : ۸٫۵×۱۶ و ۴ × ۱۱٫۵ س ۱۵

[۸٤۱] الشفاء العاجل (عربی)

صدرالدین محمدالطبیب دراین نامه میگوید که دربارهٔ درمان فوری بیماریهااز ۲۰ پیشینیان جزدانشمند محمد زکریای رازی کسی ننوشت. او هم دربرءالساعه آنچه خود آزمودآورد ومن نوشتهٔ اورا دستورخویش ساختم وآنچه اونگفته است از گفتار گذشتگان وآزمودهها خود وشنیدههای ازدانشمندان روزگارم بر آن افزودم واین دفتر بساختم وآنرا دریك دیباچه وپنج باب گذاردم .

---

۱ ـ درمجلس شفاءالاسقام ودواءالالام حاج باشا خضر بن علی بن خطاب(ش۵۱۳)
۲۵ ودرطوس شفاءالاسقام عبدالرزاق کرمانی(ش۸۱) هست که هردوجز این کتاب میباشد.

آغاز: بسمله ... نحمدك ياشافي صدورنا برشحات بحار رحمته ونشكرك يا هادي قلوبنا بلمعات انوار حكمته ... وبعد فقدفاز من علمه ربه طرفا من مكنونات ماكنز من الخواص فيما خلق لمقتضى حكمته .

انجام : يؤخذ يسيرمن المردا سنج بعدان يلت بدهن الجوز ويشرب فانه يقتل الديد ان في البطن . والله اعلم . تـم والحمدلله رب العالمين وصلى الله على محمد و آله الطاهرين . ۵

[۱۰۰۲]

۱۰٤٦ اين نسخه ش۳۳ دفتراست و بخط نستعليق رجبعلى بن جوادعلى بسال ۱۰۷۱ گ۱۵۹ب - ۱۶۹ب .

[۸٤۲] طب الائمه (عربی) ۱۰

دراين رساله دستورهای پزشكی وبهداشتی باروايت معنعن ازپيشوايان شيعی آمده است ودر آن دعاهائی هم برای بيماريها هست. پاره‌ای ازاين گونه روايتها در بحار ديده ميشود .

آغاز: بسمله الحمدلله حق حمده .. فهذا كتاب يشتمل على طب اهل البيت ... حدثنا ابوعتاب والحسين ابنا بسطام .. قال عاد اميرالمؤمنين .. سلمان الفارسی ... قال فلانضجر ... فمامن احدمن شيعتنا يصيبه وجع الابذنب قدسبق منه . ۱۵

انجام : للنمل يدق اكراويا ويلقى في حجر النمل ويعلق في زاوية الدار: بسمله ان كنتم تومنون بالله ... الاتحولتم عن مسكننا

[۱۰۰۳]

۹۲۹ اين نسخه ش۱ دفتراست وبخط نسخ باعنوانها ونشانه های شنگرف دردو جدول زرين ولاجورد باسرلوحی درگ۱ب وملا محمدبن محمدمهدی در صفر ۱۲۶(؟) آنرا خريده است. گ۱ب - ۱۹۲ب . ۲۰

[۸٤۳، ۸٤٤] عروق مفصوده (فارسی - عربی)

دو گفتار درباره رگهائيكه ميزنند وفصد ميكنند دراينجا يادميشود .

١ - پارسی که هفده رگ در آن برشمرده شد .

آغاز: وآنچه ازعروق مفصوده در کتب معتبره بنظر رسیده هفـده است اول قیفال است .

انجام: هفدهم رگ پس گوش است واین بیشتر اطفال را زنند بواسطه دردچشم وبخارش سرایشان . والله اعلم بالصواب . ٥

[١٠٠٤]

٤٤٤ این نسخه ش٣ دفتراست وبخط شکسته نستعلیق درجـدول - گ ١٦١ الف - ١٦٢ الف ٨×١٨س١٥

٢ - بتازی که در آن از رگهای زدنی وحجامت وزالو دادن (علق) گفتگو گردید شیخ رئیس نیزچنین گفتاری دارد (ش١٣٦ قنواتی) . ١٠

آغاز: فصل فی العروق المفصودة بعضها شرائین وبعضها أوردة اماالاورده فستة .

انجام: اماالعلق فجذبهـا للدم اغور من جذب الحجامة . فاستعمال العلق جیدفی الامراض الجلدیة کالسعفة والقوباء . والله اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب .

[١٠٠٥]

٤٤٨ ١٥ این نسخه ش٣ دفتراست وبخط تعلیق باعنوانها ونشانه‌های شنگرف از شمـای گیلانی نزدیك ٩٨٢ گ ١٣٤ الف - ١٣٦ الف .

[٨٤٥] غنی ومنی (عربی)

ابی منصور حسن بن نوح قمری بخاری پزشك بزرگوار ایرانی در آغاز سدهٔ چهارم در بخارا زاده وتا نزدیك پایان دههٔ هشتم همین سده همزنده بود. اوازپزشکان هنرمند ونامور روزگارخویش بوده دردرمان بیماریها دست داشت . شاهان سامانی ٢٠ اورا ارج منهادند وامیرمنصور سامانی (٣٥٠-٣٦٦) ازشناختگان خویش کرده بود. گویند که اورازی رانیز دیده وشیخ رئیس درجوانی اوراکه پیرشده دریافت وبااو نشست وخاست داشت وپزشکی ازاو آموخت .

قمری بجز کتاب علل العلل غنی ومنی درپزشکی نوشته ودرآن ازسخنان بزرگان

بر گرفت و آنچه رازی در نوشته‌های خود بپراکند او آنها را در این کتاب گرد آورد و بیماریها و درمان آنهارا بخوبی برشمرد و شناساند و آن باندازه‌ای ارجمند است که شیخ‌رئیس در نگارشهای خود از آن یادنموده(۱) نسخه‌های آن در گوتاش ۱۹۵۱ـ ۲۰۳۶ و بادلیان ش I، ۶٤۲ و علیگره ش ۲۲۵ر۱۲۲ و ایاصوفیاش ۳۷۹٤ر۳۵۸۰ و نیز ش ۳۷٤۹ بنام مقالات فی الطب قمری هست (برو کلمن ۲:۲۷۵ پیوست ۱: ٤۲۵) همچنین در طوس ش ۱۱٦ بنام مغنی. نیز در برلین ش ۹۷۵ و در لنینگراد و جاهای دیگر. چلبی سه «مغنی» یادنموده یکی از ابومنصور حسن بن نوح عمری؛ ـغنی و منی در سه گفتار است: ۱ بیماریهای سرتاپا ۱۲۰ باب (۳ب ـ ۱٤۵ب) ۲ ـ بیماریهای آشکار ٤۳ باب (۱٤۷ب ـ ۱۷۲الف) ۳ تبها ۲۷ باب (۱۷۳ب ـ ۲۱۰الف) رویهم ۱۹۰ باب است. قمری آزموده‌های خودرا باه«قال ابومنصور» میآورد و یاد میکند از اهرون، ابن‌ماسویه، محمد زکریا، جالینوس، هرمس، محمدبن علی‌الریوندی (الراوندی) (گ ۲۷ الف و ۸ دالف)، ابن سرابیون، شمعون، قسطا، یهودی، بقراط، ساهر،

۱ـ بنگرید به: خزرجی ۱:۳۲۷ـ نامهٔ دانشوران ۱:۳۸۰ـ فرهنگ دهخدا ۲۱:۸٦۷ ـقزوینی دربارهٔ ابوالقاسم زیادبن محمد قمری گرگانی شاعر روزگار قابوس وشمگیر م ٤۰۳ قمری‌را بدوفتحه قیدمیکند (حاشیهٔ چهارمقاله ص ۱۵۵) برو کلمن دربارهٔ ابو منصور قمری بضم‌قاف مینویسد. در گ ۳ الف نسخهٔ ما با مرکب سیاه روی خط اصلی شنگرف بضم قاف و کسرمیم اعراب گذاردند.

شلیمر Schlimmer در Terminologie medico-pharmaçeutique et anthroplogique française - persane چاپ تهران در ۱۸۷٤ ص ۵ـ۱۹۳ (نیز پیوست ش ٦ سال ۱۰ ماهنامه دانشکده پزشکی تهران در اسفند ۱۳۳۱ خ ص ۱۹۸ و ۲۰۰) در دنبال واژهٔ Dothinenterie دربارهٔ حمای مطبقه از «غنی و منی» گواه میآورد و درحاشیه میگوید: ایندفتررا دانشمندان ایرانی بسیارارج می نهند ودر نسخهٔ من نام نگارندهٔ آن نیست. پزشکان ایرانی که من از آن پرسیدم میگفتند که این نباید جز «طب منصوری» رازی باشد ومنصوری هم همان Compendium ده جلدی استکه ازمیان رفته است. ما نا پزشکان روزگار قاجار نه «غنی و منی» میشناختند و نه «طب منصوری». شلیمر هم گویا منصوری را باحاوی یکی پنداشت با اینکه نسخهٔ هر دو درجهان هست.

علی‌بن ربن (رزین درنسخهٔما) واین عبارت فردوس‌الحکمه ص ۱۴۳ : « ان‌الصرع داء (دائم) لایکاد (یکون) یبرء فاکثارالقول (والغلال۔ درنسخه) فی‌علاجه‌فضل» را میآورد (۱۸ب) ، بولس ، ثابت ، ارسطو، نیزعلی‌بن ربن(رزین درنسخه) (۲۷ب و ۲۸ الف و۶۳ الف و۹۸ب و ۱۰۰ب و۱۱۹ الف و۱۲۲ الف و ۱۴۰ب و۱۵۱الف و
۵ ۱۶۴ب و۱۸۳الف و۱۸۷)، انطیلوس ، روفس (۳۲ب)، بن‌طلاوس (۳۴ب)، حنین، بعض کتب هند (۴۷ب) ، اسکندر، طیماوس ، تیاذوق (۷۱ب) ، ارکاغیس ، شرك هندی(Charaka samhita_۱۱۸ب)،بختیشوع وابوجریج راهب(۱۵۳الف) ، هوفقراطیس (۱۸۵ب و۱۸۹ب) .

قمری دردیباچه میگوید: درسالیان جوانی‌همینکه خردمند شدم علمهای طبیعی
۱۰ بویژه پزشکی‌را دوستدار گشتم چه آنهارا مایه آسایش وتندرستی وخوشی هردو جهان بدیدم . این بود که بدفترهای هنرپزشکی مینگریستم و با هرکه دراین هنر بهره‌ای داشت آشنا میشدم تاچه رسد بکسانیکه درآن سرآمد بوده‌اند. تا اینکه راز هنرپزشکی را دریافتم وخود بدان درست آشناگشتم . پس بدرمان بیماران پرداختم . دیدم که ناگزیر بدفترها و کناشهاکه بسیار پراکنده است باید بنگرم و
۱۵ این کاری دشوار بود پس بهتر این‌دانستم که ازآنهابرای خودگزین کنم تااینکه‌مردم را هم گنج و اندوخته‌ای باشد . در یادکردن در مانها بکوتاهی پرداختم و همان گفته‌های دانشمندان پیشین‌وپسین‌را دراین گزیده آوردم وازهمه هم‌نام نمیبرم جز درآنجا هاکه نکته‌یا داستانی‌پیش آیدکه ازآورندهٔ آن یاد میکنم وآزموده های خویشتن را برآن میافزایم . من ایندفتررا کوتاه و کوچك ساختم‌تا بتوانم‌بـا خود
۲۰ داشته باشم واز داشتن چندین دفتر بی‌نیازگردم . آنرا درسه گفتارگذاردم وبابهای آنرابا حرفهای‌جمل‌نشان میدهم تاخواهندگان بآسانی‌بیابند (این نشانه‌ها درآغاز نسخهٔ مادیده میشود نه‌همه جای آن) .

قمری درپایان میگوید : تااینجا آنچه‌را دردیباچه نوید داده بودم بانجام‌رساندم وآنچه هم ماند بیشتراست ازآنچه آورده‌ام. آنچه دربارهٔ درمان بیماریهانوشته‌ام

بسنده ورسا است چه‌پایه‌آنرا چیده‌ام. دراینندفتر از داوهای آمیخته از معجون و حب وقرص وجز آن که‌درزدرمان بیماریها یادکردم دستورساختن آنهارا نیز داده‌ام جز تریاق کبیر وشلیثیاکه درهمه‌جا هست و کمترهم بدانها نیازمند میشوند.

آغاز: بسمله، حمد، صلوة. قال ابومنصورالحسن بن نوح‌القمری : انی لم‌ازل فی‌صبای ومنذ عقلت احب‌العلوم الطبیعیه وتنازعنی نفسی‌الیها وخصوصا علم‌الطب .. (پس ازدیباچه فهرست مقاله‌ها وبابها میآید آنگاه :)

بسمله وبه نستعین. المقاله الاولی فی‌الامراض‌من‌الراس الی‌القدم . الصداع والشقیقة . الصداع الحار یحدث امامن‌الدم وسببه امتلاء عروق‌الراس منه وتمدیده ایاها.

انجام : وفی آخرالامر ان‌حصل‌منه‌التحلیل والاستفراغ ، غیرالادویة وبدلها علی‌الداء المزمن، فان فیها ماهوانفع. قال ابومنصورالقمری وفیت الی هذا المکان من‌الکتاب ، بماکنت ضمنته فی‌صدره وجعلته علی نفسی فیما اظن ... اذکان یوجد ذالك فی کل مکان، وکانت الحاجة الیها معذلك‌اقل. وفیما اتیت به‌من تلك‌النسخ غنیة عن‌الرجوع عن‌القراباد ینات . ولله‌الحمدالذی الهمنی‌هذاالعلم ، وهدانی‌الیه ، ووفقنی له‌الشکردائما ، والحمد واصبا (پس ازاین سطر در نسخهٔ مادرمیان صفحه بریده شده و از سطر بعدی اندکی مانده که خوانده نمیشود و باید نام‌کتاب و قمری باشد) .

[۱۰۰۶]

۴۵۷ این نسخه بنسخ باعنوانهای‌شنگرف ولاجوردمیباشد. در کنار برخی‌از برگها هم عنوان بلاجورد یا شنگرف دردائره یابیضی مانند دیده میشود.

در گ۱۴۷ الف دردوجا تاریخ۹۷۵هست. همچنین در گ۳الف میان‌دیباچه وفهرست ومیان خود کتاب که عنوان کتاب بزرو نام‌قمری‌بشنگرف: «کتاب الغنی‌والمنی فی علم‌الطب (۹۷۵) تألیف‌الحکیم‌الماهر رایس الاکابر ذی‌الفضل المتواتر والمجد الثاتر محصل‌المرادبالسعی والاجتهاد عدیم النظرافی‌العصر والبلادابی‌المنصورالحسن بن نوح‌القمری شکرالله‌سعیه واجزل اجره‌بحق محمد وآله آمین» آمده باز همان‌تاریخ ۹۷۵ هست .

درپایان مقالهٔیکم یك برگ سفید وانه کی از انجام باب۱۲۰ (تدبیرالثدی) نیست .
پایانٔ مقالهٔ دوم انجام باب۴۳ (عرق‌مدنی) نیز بریده شده کاغذسفید بآن‌چسبانده‌اند.خود
کتاب از گ۱ب است تا ۲۱۰الف وش ۲۷ بدو برگ داده شده . دارندگان نسخه :
علی‌بن صالح مکی - محمدبن‌الحسن‌بن‌امیرالمؤمنین‌القسم‌بن محمدبن علی که درج ۲
۵ سال ۱۰۵٦ ازفقیه جمال‌الدین علی‌بن صالح‌مکی بدورسیده - محمد در ۱۲٦٤ - گمنام
دیگر که‌منهاج غزالی‌وصحیفه زین‌العابدین راداده واین نسخه‌را گرفت - گمنام دیگر
در۱۰۵۳ که خط اورا پاك کردند - یوسف‌بن یوسف‌محلی(گ۳الف) -سیدهاشم بن
محمدبن عبدالمطلب‌بن حسن (گ ۳ الف و ۱٤۷ الف) نسخه در۲۵ر۷ر۱۳۱۸ از
شوشتر بدویست ریال خریده (۱الف) شده - در گ ۲۱۰ب - ۲۱۱ معجون الفلاسفه
۱۰ شناسانده شد .

(۲۱۱گ)-کاغذ سمرقندی- جلدتیماج ضربی کهنه فرسوده
اندازهٔ : ۲۰×۳۰ و ۱۴×۴۰ س۱۵

[۸٤٦] الفرق بین الامراض المشکله (عربی)

دراین نامه میان بیماریهای‌همانند جدائی گذارده شده وهریك‌یك آنها شناخته
۱۵ میشود ,از نجیب‌الدین سمرقندی ابوحامد محمدبن علی‌بن عمر کشتهٔ در هرات
بسال٦۱۸ میباشد ونسخه‌ای از آن درفاضلیه طوس‌هست (ش٦) (۱)

پیش ازسمرقندی ابن‌الجزار ابوجعفر احمدبن ابی‌خالد قیروانی افریقی پزشک
که ازخاندان پزشکی بوده وهشتاد واندسال زیسته وپیش از ٤۰۰ درقیروان بمرد
ونگارشها درپزشکی دارد او«الفرق بین‌العلل‌التی تشتبه اسبابها وتختلف اعراضها»
۲۰ دارد (چلبی - خزرجی ۲: ۹-۳۷) .

سمرقندی دردیباچه میگوید که پیش از من کسی چنین دفتری ننوشت . پس از
دیباچه یك‌مقدمه است درباره خودفرق که چیست وپنج مقاله هریك چند فصل :
(بیماریهای سر، چشم ،گوش ، بینی ، دندان ، دستگاه خون ، سینه وپهلو، شکم و

۱- سمرقندی نگارندهٔ خمسهٔ نجیبیات (اصول ترکیب‌الادویة - اسباب وعلامات -
۲۵ اغذیه واشربه - اطعمة‌المرضی - اصول التراکیب) میباشد (ش۱تا۵فهرست فاضلیه)
الفرق سمرقندی بااصول‌التراکیب واطعمه‌المرضی اودرنسخه فاضلیه دریکجلدمیباشد.
نیز بنگرید به خزرجی ج۲ص۳۱ .

اندامهای درونی وبیرونی ـ تبها ـ آماسها ـ زخمها ـ نبض ـ بول) پس ازیاد کردن
هریکی ازبیماریها آنچه باهم ماننذگی دارند ازهم جدا وشناخته میشود و بروش
پرسش وپاسخ است . فهرست پس ازدیباچه آمده است .

آغاز: (کتاب فرق میان امراض مشکله) بسمله . الحمدلله الذی هدانالهذا
وماکنا لنهتدی لولا ان هدانا الله ... امابعد فانی رایت اطباء الزمان لایعرفون الامراض ۵
الابالصورة وعن الکتب بدلائله واسبابه المذکورة وکانت الاسباب والدلائل قدیشترك
والامراض قدیشتبه...رایت ان اجمع کتابا فیه تبینة من الاسباب والدلائل والامراض،
اجمع فیه بین کل مشترکین ومتشابهین منهمانم افرق علیهما .

انجام: وایضا ممایتبع کل واحد من الذبولین من اعراض الخاصة بهما . والله
اعلم بالحق والتحقیق . تم الکتاب بعون الملك الوهاب . ۱۰

[۱۰۰۷]

این نسخه ش ۲ دفتر است وبخط نستعلیق درجدول سرخ باعنوانها ونشانه‌های
۴۵۹ شنگرف از عبدالحسین که برای میرزا محمدمهدی پزشك شیرازی نزدیک
۱۲۵۰ نوشته است. گ ۱۰۱ ب ـ ۱۵۹ الف .

[۸۴۷] فرهنگ پارسی بهندی (فارسی) ۱۵

یوسفی پزشك (یوسف بن محمدبن یوسف زنده در ۹۱۳ و۹۴۲) دراین
فرهنگ نام فارسی وهندی داروها را یاد نمود .

آغاز: نام هرچیزی بهندی بشنوازمن ای پسر
خاصه نام هر دوائی نفع برداری دیگر
بل تکلم باشد و بل کر بگو یعنی سخن ۲۰
شکر فرماید ترا آنکس که گویدشکر کر

انجام: یوسفی بهرت درین ابیات کرداست آنچه ذکر
گر کنی از بر ترا هر دم رسد نفع دیگر
از ضرر دارد مدامت درپناه خویشتن

آنکه درعالم بتقدیرش بود نفع و ضرر

[١٠٠٨]

٤٣٦ این نسخه ش۳ دفتراست وبخط نستعلیق باعنوانهای شنگرف گ٧٦ الف - ٧٩ الف .

٥ [٨٤٨] فصول ایلاقی (عربی)

سید امام فیلسوف شرف‌الزمان یا شرف الدین ابوعبدالله محمدبن ادیب یوسف ایلاقی شاگرد وپیروابن‌سینا واستاد پزشکی ابن‌سهلان‌ونگارندهٔ لواحق ودوست نامـه و سلطان‌نامه و فی‌اعداد الوفق والحیوان میباشد ودر باخرز میزیست سپس علاءالدین ابوبکربن قماج او را ببلخ برد ودرجنگی که میان گورخان قراختائی و
١٠ سنجر درگرفت بسال ٥٣٦ درقطوان سمرقند کشته شد. اوبا فیلسوف عمرخیامی‌و دیگران رفت و آمد داشت. دررامپور«معالجات ایلاقی ودرپیشاور « طب‌ایلاقی » هست (بیهقی ص١٢٥ - ١٢٧ - ٢٢٢) چلبی (ج٢ص١٩٤) از «فصول ایلاقیه» یاد نمودگویا همهٔ اینهایکی هستند. قنواتی(ص٢١٠) ازفصول‌ایلاقی یاتلخیص‌الکلیات اویاد میکند ومیگوید که نسخه‌های آن دربنکیپور وباریس وپترسبورك و آصف و
١٥ بنام«اسباب‌وعلامات» دربیروت‌وبنام «معالجات ایلاقی» دررامپورهست . اومی‌گوید که ایلاقی در٤٦٠ درگذشت و این با گفتار بیهقی نمیسازد . درمخطوطات‌موصل ص٣٢ ازشرح قانون ایلاقی مصری دریکجلد یادشد .

آغاز: بسمله الحمدلله‌الغنی‌الحمید ... ان‌الطب یتعرف منه احوال بدن الانسان من جهة مایصح ویزول‌عن‌الصحة ... والطب قسمان نظری وعملی .. ان‌الطب‌یلزمه
٢٠ ان یتصور جمیع‌المعانی‌الطبیة مثل الارکان والمزاج و غیرهما ... ونحن نذکر فی کل فصل‌القسم‌الذی یلزمه‌التقلید .

انجام: وکمایؤخرالواجب‌من‌الفصدلضعف‌المعدةاولاسهال مقدم اوغثیان‌فی‌الحال فصول چنانکه چلبی هم‌گفته است‌گزیده ایست از کلیات قانون و محمودبن علی‌بن محمود حمصی تاج‌رازی (نزدیك ٧٣٠) گزارشی برآن بنام امالی عراقی‌در

رمضان ۷۳۵ نوشت (برلین) و همچنین ابوالثناء مظفر بن امیر الحاج مؤید التبریزی گزارشی بنام «البسیط الواقی فی شرح المختصر الایلاقی» نگاشته و گزارشهای شیرازی و قرشی را در آن گزین نمود و نیز فخر الدین محمد بن علی نیشابوری اسفراینی در ۷۵۰ (لایتیسیك و گوتا) و سدید الدین محمد سمنانی (پاریس) (جای نسخه‌ها از قنواتی است ص ۲۱۰)

۵ شوشتری در مجلس ۷ مجالس المؤمنین در سرگذشت شمس الدین محمد آملی (م ۷۵۳ - قنواتی ص ۲۰۵) مینویسد که او گذشته از گزارش کلیات قانون بر «کلیات طب» سید شرف الدین ایلاقی نیز گزارش نوشته و از دیباچهٔ آن گواه بر شیعی بودن آملی آورد. نسخه‌ای از آن در مدرسه فاضلیه طوس ش ۱۰ تاریخ ۸۴۹ هست و چنانکه بروکلمن (پیوست ج ۱ ص ۸۲۴) و قنواتی (ص ۲۱۰) مینویسند نسخه‌ای از آن در سلیم ۱۰ آغا ش ۸۷۱ هست. قنواتی باز از گزارشهای این دانشمندان یاد میکند: نجم الدین محمد لبودی (پاریس بخط خود او) و نداه بن عمران (پاریس بخط خود او و گویا همان منافع الناس نداعاصی بن الحاج نداء نسخهٔ فیض الله و آصف باشد و ترجمهٔ ترکی آن در فیض الله هست) و همچنین «مغنی الطبیب المنتخب من التجاریب محمد بن محمد الطیب (نزدیك ۱۰۰۵) (سباط) را در شمار گزارشهای فصول ایلاقی مانند خلاصة ۱۵ القانون ابی سعید بن ابی السرور اسرائیلی سامری عسقلانی (آصف) و مختصر القانون ابی علی محمد بن یوسف بن شرف الدین (آصف) و مختصر القانون اسحاق خان (سده ۱۲)، شرح کلم الله جهانابادی م ۱۱۶۱ (رامپور) و القانون الصغیر از گمنام (فاتح و ولی الدین عمومی و مصطفی) و مفردات القانون از گمنام (آیا صوفیا) آورده است. چنانکه التشریح المکنون فی تنقیح القانون ابن جمیع م ۵۹۴ (ولی الدین - بودلیان - دمشق) ۲۰ والتلویح خجندی را هم گزارش فصول ایلاقی پنداشت.

[۱۰۰۹]

۴۳۸ این نسخه ش بازپسین این دفتر است و بخط نستعلیق تاریخ ۱۰۶۲ و جای عنوانها سفید میباشد. در پایان دارد. «قدفرغ فی شهر ذی‌قعده سنة اثنان وستین والف م.» درصفحه عنوان دارد: «کتاب فی الطب من مؤلفات الفاضل ۲۵ الکامل السید الحسیب النسیب الاوحد فی زمانه السید محمد الایلاقی تلمیذ الشیخ الرئیس

ابی علی السینا قدس الله سرهما و نورضریحهما». محمد کازا ازدارندگان نسخه بوده است. خط ومهراو در گ۱۵۷ ب هست. گ۱۵۷ب - ۲۲۷ب س۱٦ - میان ش۱ و این یکی چند نامهٔ دیگر است.

[۸٤۹] فوائد الاخبار (فارسی)

یوسفی پزشك (یوسف بن محمد بن یوسف زندهٔ در ۹٤۲) این منظومهٔ پزشکی را سروده و در ۹۱۳ آنرا بپایان رساند و هردو پاسه بیت آن دریك مسئله است و مسئلهها ازیکدیگر درنسخهٔ ما با «له» جدا میباشند.

آغاز: بسمله. بدان چونکه گفتی سپاس ودرود - که فن طب است اینقطعهها - فوائدشدش نام هر حرف ازاوست - زدریای حکمت دربی بها

... غرض ازطب دوچیز آمده است - بشنو ازیوسفی بسمع رضا - حفظ صحت یکی از آندو بود (باشد) - دیگری دفع علت مرضا.

انجام: بدستیاری کلکم شد این رساله تمام - که آفتی نرسد ز انقلاب ایامش - زخواندنش بفوائد رسند چون اخیار - بود فوائد اخیار سال اتمامش - تاکه اخیار از آن شوند مفید - نام این شد فوائدالاخیار.

[۱۰۱۰]

٤۳٦ این نسخه ش٦ دفتر است بخط نستعلیق با عنوانها و نشانههای شنگرف گ۱۰۳ ب - ۱۲۷ب.

[۸۵۰] قانونچه (عربی)

محمود بن محمد بن عمر جغمینی خوارزمی پزشك ریاضی دان (م ۷٤۵) این نامهٔ کوچك پزشکی را که گزیده ایست ازهمه مسئلههای پزشکی نگاشته و در دیباچه میگوید که من آنرا ازنگارشهای پیشینیان گرفتهام. این نامه درده مقاله است و فهرست مطلبهای آن را چلبی یادنمود وقنواتی آنرا یکی از گزیدههای قانون بشمار آورده ونسخههای آنرا نشان داد و ۱۵ گزارش برای آن برشمرد و گفت که آن درلوکنو بسال ۱۲۸٤ بچاپ رسیده وترجمهٔ فارسی سدهٔ نهم آن در کمبریج هست و ترجمهای از آن در کلکته در ۱۷۸۲ بچاپ رسید (ص۲۰۹) شمس بن حسن منجم

نیز قانونچه‌را بپارسی در آورد (فهرست معارف ج۲ش۳۳۸ص۱۶۳) .

درفهرست طوس (ج۳ص ۲۸۱) دارد که قانونچه چندبار بچاپ رسید و نسخهٔ تاریخ ۹۸۷آن درآنجا هست. این کتاب تا چندی پیش از کتابهای درسی پزشکان ایرانی بوده است .

آغاز: بسمله وبه نستعین . الحمدلله‌رب‌العالمین ... فهذا مختصر مشتمل علی زبدة مایجب استحضاره من‌صناعةالطب . ۵

انجام : والعجینی غلیظ مولد للسوداء نسخة للسدد .

[۱۰۱۱]

۱۰۹۳ این نسخه ش۹ دفتراست وبخط نسخ باعنوانهای شنگرف ازمحمد سعیدتقی درنیمهٔ روز دوشنبه ۱۱۳۹ گ۱پ - ۱۳۵الف . میانهٔ گ۲۵ و۲۶ چندبرگی افتاده است ودنباله فصل۱۲ وهمه فصل۱۳مقاله ۶وهمه ۱۷ فصل و نیمی از فصل۱۸ مقالهٔ۷را ندارد . ۱۰

[۸۵۱] قصیده در بهداشت (فارسی)

یوسفی طبیب (یوسف‌بن محمدبن یوسف) زندهٔ در۹۱۳و۹۴۲ این منظومه را دربهداشت برای ظهیرالدین بابرغازی پادشاه مغولی هند (۹۳۲ - ۹۳۷) نوشته وروشن نمود که دربارهٔ خوردنی ونوشیدنی وجنبش و آرامش وخواب وبیداری و احتباس واستفراغ وفصلها وهوا چه‌باید کرد . ۱۵

آغاز: بسمله. بعد ازحمدحکیم دانا ... نموده میآیدکه این قصیده‌ایست در حفظ صحت .. ای که‌داری تندرستی ازدرحکمت‌درا - تابعلتهای گوناگون‌نگردی مبتلا - شیررا بسیار خوردن ایکه عادت کرده‌ای - ترک عادت کن که خواهد شد برص پیدا ترا . ۲۰

انجام : یوسفی را بکرمعنی جلوه گرآمد زفکر - تا مگر سویش گشاید پادشه چشم‌رضا - حامی‌شرع محمد پادشه «بابر» که هست - آفتاب وماه‌را ازروی اونور وضیا - ازخدا امید میدارم که‌گیرد هرزمان - دشمنش‌را آن‌چنان دردی که نپذیرد دوا . ۲۵

[۱۰۱۲]

۴۳۶ این نسخه ش۲ دفتراست و بخط نستعلیق باعنوانهای شنگرف. گ۷۱ب - ۷۵ب

[۸۵۲] قولنج (رسالة فی....) (عربی)

این نامه‌را شیخ رئیس بدرخواست امیر نصرة‌الدوله عزالملك و برای کتابخانهٔ او
۵ درسه مقاله نوشت. چنانکه درسر گذشت آمده شیخ آنرا دردژ فردجان نگاشته
ودر فهرست پایان همین سر گذشت دارد که کامل آن یافت نمیشود.

نسخهٔ آن درهند و آستانه (قنواتی ش۱۴۲) وطوس (ش۵۷) هست.

آغاز: هذه رسالة فی القولنج و معالجاتها للشیخ الرئیس ابوعلی سینا رحمةالله
علیه دائما (صفحه عنوان) (فی القوانج) بسماه. فقد خاطبنی سیدناالامیر الجلیل
۱۰ نصرةالدولة عزالملك .. ان اجمع لخزانته عمره‌الله کتابا یشتمل علی ماینبغی ان یتحقق
من حال القولنج اقسامه واسبابه واعراضه ودلائله ووجوه معالجاته ومنهج السبیل الی
التحرز منه.

انجام: وقدسبق ذکرجمیع ذلك. واذقد استوفینا القول بحسب الغرض فلنختم
المقالة والکتاب حامدین لله تعالی ... ونعم النصیر.

۱۵ [۱۰۱۳]

۸۶۱ این نسخه شمارهٔ ۱۳ دفتراست وبخط نسخ بانشانه هـای شنگرف تاریخ روز
دوشنبه ۱۵ محرم ۱۲۸۴ـ گ۱۱۱الف - ۱۳۱الف و۱۳۲ب - ۱۳۳ب.

فهرست مطلبها دردیباچه هست وعنوانها درآن باعنوانهائیکه درآغاز فصلها
آمده اندك جدائی دارد. نخست فهرست مقاله‌ها آمده سپس فهرست فصلهای هرمقاله
۲۰ ودراین دومی جای‌شماره مقاله‌ها دراصل نسخه سفیده بوده و نویسنده‌ای درآنجاها
شماره‌های (الرابعه - الخامسة - السادسة) نوشته وخواننده می‌پندارد که رساله شش
مقاله است ونسخه کم دارد وچنین نیست. درگ۱۳۱الف - ۱۳۲ب که شماره۱۴دفتر
است گفتاریست ازشیخ رئیس درقانون دربارهٔ درمانت قولنج وازنیمهٔ گ ۱۳۲ ب -
۱۳۳الف دنبالهٔ فصل۳مقالهٔ۳ است که درآن از درمانی که شیخ دربارهٔ قولنج قابوس
۲۵ دربخارا کرده است دوباره یاد میشود. پس از آن (۱۳۳الف وب) پاره‌ای از فصل۴
مقاله۳ است واینهمه‌را نویسنده همین نسخه درنسخه دیگری یافت وافزود وچنین است

«... الله ولی التوفیق · بعدان اتممت هذاالکتاب وجدت فی نسخة زیادة علی النسخة التی اتممتها فکتبتها وهی تمام الفصل الثالث وبعض الرابع علی الوجه الی حیث وجدت . قال بعدقوله «وقدعالجت بعدهذا فقیها بیخارا فانقطعت عنه هذه العلة» (١٢٣ب) ورایت غدة عظیمه کانت فی معاه ... (آنچه که آقای دکتر آذر در کنار گ ١٢٣ب افزود) ـ الباب الرابع فی قانون علاج القولنج الثقلی . ان التکمید من اضر الاشیاء لهذه العلة واما الابزن فهو نافع...بل جعل استحمامه بالماء البارد ـ وکان فی الاصل المنقول منه : هذا ماوجده من هذاالکتاب والحمدلله رب العالمین ...»

دردنبال همان فصل ٣ مقالهٔ ٣ نویسندهٔ نسخه نوشته : «اتممت هذاالکتاب بشاء علی ... من ههنا الی آخره»: «صفة حمولات قویة یخرج الثقل الکثیر ... ملعقتان مع شی من عسل» آقای دکتر آذر درتاریخ ٥ر١٠ر١٣٣٠خ از روی رسالهٔ خطی دانشکدهٔ پزشکی (رساله دکتر رضاخانلو) یك عبارت درحاشیه افزوده که بدوعبارت پیش وپس این گفتار نسخه نویس مربوط میباشد (١٢٣ب) واین افزوده او همانست که نویسنده در گ ١٣٢ب ـ ١٣٣الف افزوده است واو ندید . افزودههای دیگر و نسخه بدلها درمتن وهامش هم از آقای دکتر آذر است . چنانکه در گ ١٠٩الف نوشته است: «تصحیح شد ازروی رساله دانشکده پزشکی. دکتر آذر» ـ این است فهرست رساله :

المقالة ١ فی تشریح الامعاء ومنافعها (٩فصل):

١ ـ فی ذکر التجاویف الکبار التی فی بدن الانسان (١١٢الف) .

٢ ـ فی ذکر جواهر الامعاء ومنافعها (١١٢ب) .

٣ ـ فی ذکر عدد الامعاء والحکمة (المنفعة) فی کثرتها (١١٣ الف) .

٤ ـ فی ذکر معاالاثنی عشری ومنفعته (١١٣ب) .

٥ ـ فی ذکر المعاالصائم ومنفعته (١١٣ ب) .

٦ ـ فی ذکر المعاالدقیق ومنفعته (١١٤ الف) .

٧ ـ فی ذکر المعا الاعور و منفعته (١١٤ الف) .

٨ ـ فی ذکر معاقولن ومنفعته (١١٤ الف وب) .

٩ ـ فی ذکر المعاالمستقیم ومنفعته (١١٤ ب).

المقالة ٢ فی تعریف ماهیة القولنج و اقسامه واسبابها و علامات کل قسم منها (٨ فصل) :

١ ـ فی تحدید القولنج (١١٤ب) .

٢ ـ فی تقسیم القولنج بالاقسام (قسمة القولنج الی اصنافه و اسبابه) الاولی (١١٥ الف) .

٣ ـ فی تقسیم اقسام (تفصیل اصناف) القولنج الکاین بالمشارکة (١١٦الف) .

۴ ـ فی تفصیل اقسام القولنج الذی بذاته (۱۱۶ب) .
۵ ـ (فی تحصیل اسباب کل نوع من القولنج علی سبیل التعدید)فی تعدید جملة اسباب القولنج علی سبیل الاجمال) (۱۱۷ الف) .
۶ ـ فی تحصیل علامات القولنج جملة و تفصیلا(۱۱۷ب) .
۷ ـ فی الفرق بین القولنج و بین امراض تشابهه(۱۱۸ب) . ۵
۸ ـ فی ذکر امراض من شان القولنج ان ینتقل الیها (۱۱۹الف) .
المقالة۳ فی تدبیر اصحاب القولنج وعلاجهم(۱۱فصل) :
۱ ـ فی قانون علاج القولنج الذی هو سبب بارد بلغم اوریح وغیرها(۱۱۹ب) .
۲ ـ فی تدبیر الادویة التی یشربها اصحاب القولنج البارد(۱۲۱ب) .
۳ ـ فی الحقن والشیافات التی یستعملها هؤلاء (۱۲۲الف و۱۳۲ب) . ۱۰
۴ ـ فی قانون علاج القولنج الثقلی (۱۲۳ب و۱۳۳الف) .
۵ ـ فی الحقن والشیافات التی تصلح لهم(۱۲۴الف) .
۶ ـ فی تدارك احوال تعقب استعمال الحقن(۱۲۴ب) .
۷ ـ فی کیفیة استعمال المخدرات فی القولنج (۱۲۵ب) .
۸ ـ فی ذکر ماینفع القولنج بالخاصیة (۱۲۶الف) . ۱۵
۹ ـ فی ذکر علاج القولنج الدودی (۱۲۶ب).
۱۰ ـ فی علاج القولنج الورمی (۱۲۸ب) .
۱۱ ـ فی وجه احتراز المستعد للقولنج عن القولنج(۱۲۹) .

[۸۵۳] الکناش المنصوری (عربی)

۲۰ ابوبکر محمد زکریای رازی (۲۵۱ـ۳۱۳) ایندفتر را که «کتاب الطب المنصوری» و «المنصوری فی الطب» و «کفایة المنصوری» نیز خوانده میشود(۱). برای فرمانروای ری امیر ابوصالح منصور بن اسحق بن اسمعیل بن احمد بن اسد بن سامان که از ۲۹۰

---

۱ ـ کناش و کناشه برابر است باجنگ و آرامی است و پزشکان از آن یادداشت های پزشکی یا گیاهشناسی یادرمان بیماریهای اندامها رامیخواهند (فرهنگ دوزی ـ فهرست مجلس ۲:۸:۳۰) .

منصوری را بلاتینی **Liber ad regem** و **Ad Almansorem libri** و **Liber medicinalis Almansoris** و **Almanzor Almansorem** و همچنین **Traite de Mansouri** خوانده‌اند.

تا۱۹٦ بدستور عموی خوداحمدبن اسمعیل‌بن‌احمدبن اسدبن سامان دومین‌پادشاه سامانی (۲۹۵-۳۰۱)در آن شهر فرمان میراندنوشت. منصور در۲۹۸ بدستورهمو فرمانروای سیستان شده بود. میان رازی‌واو دوستی بوده و کناش منصوری‌رابرای او نوشته است.

ابن نـدیم میگوید: «کتاب المنصوری فی‌الطب الی منصوربن اسمعیل» و منصوری‌رابنیایش‌نسبت داده.بیرونی میگوید: «الکناش‌المنصوری عمله لمنصوربن اسد قرابة والی خراسان» ومنصوری رافرزند نیای سومش خواند. قفطی میگوید: «کتاب‌المنصوری الی‌منصوربن‌خاقان» خزرجی درسه‌جا ازاین کناش یادنموده گاهی منصوررا پسراسمعیل (نیای نخستین او) وگاهی اسمعیل را فرزند خاقان خداوند خراسان‌وورارود دانست وگاهی‌منصوربن اسحق‌بن اسمعیل‌بن احمدگفته واحمد را خداوندآن شهرها خواند.

چلبی میگوید:«رازی کفایة‌المنصوری‌را برای‌ابی‌صالح منصوربن اسحق‌پسر برادر اسمعیل سامانی نوشته است» مااو واژهٔ «احمد» را انداخته است چه‌او پسر برادر احمداست. چنانکه یاقوت چنین گفت نه‌چنانکه ابن‌اثیرپنداشت ومنصور را پسرعموی احمد خواند وچلبی هـم منصوربن اسحق‌را برادرزاده اسمعیل سامانی خواند. زیرا ازدیباچه کناش وسخن خزرجی برمیآیدکه منصور فرزند اسحق‌پسر اسمعیل پسـراحمد پسر اسد سامان است وبرادر زاده احمد دومین پادشاه سامانی میباشد وابن اثیرنام اسمعیل‌را دررشتهٔ نسب‌او انداخت. اگرچه شادروان قزوینی چون دیدکه یاقوت‌نوشته «منصوربن اسحق‌بن احمدبن اسد» ونام اسمعیل‌رانیاورد ونیز نوشته «احمدبن اسمعیل»درباره پادشاه سامانی وبازهم گفته‌که دومی عمومی نخستین است وازسوی دیگردیدکه ابن‌اثیر منصوررا پسرعم احمدخوانده است او سخن‌یاقوت‌را نادرست خواند وبگفتار ابن‌اثیر گروید. آقای نجم‌آبادی هم‌پیروی ازقزوینی بگراور ص۱ نسخه ملك‌که‌خود بچاپ رساند ننگریست وواژهٔ«اسمعیل

را دررشتهٔ نسب منصورمیان «اسحق» و«احمد» نگذارده است(۱).

باری کناش منصوری یکی ازنگارشهای خوب رازی است وبگفتهٔ نظامی عروضی از کتابهای وسط است که دانشجویان درمرحلهٔ میانین آنرا بایدبخوانند. ازمخطوطات موصل برمیآید که چندنسخه در آنجا هست ص۵ و۲۳۷ و ۲۸۹ بنوشتهٔ بروکلمن (ج۱ص۲۳٤ و٤۹۲ وپیوست ج۱ص٤۱۹) نسخه هائی ازمنصوری در پاریس و اسکوریال ومادرید وموزهٔ بریتانیا وبادلیان بعربی وعبری ودردرسدن ولیدن وایا صوفیا واسکندیه وتیمور ورباط وموصل وسلیمیه ورامپوروآصف وعلیگرمهست. ابوجعفر علی بن محمدالحشاء م ٦٤۷ مفیدالعلوم ومبیدالهموم یاتفسیر الالفاظ الطبیة واللغویة الواقعة فی الکتاب المنصوری نوشته است. کلن G.Colin ورنو Renaud متن تازی را بادیباچه‌ای دررباط بسال ۱۹٤۱ بچاپ رساندند ـ نسخه‌هائی ازمنصوری درتهران در کتابخانه ملی ملك وتنکابنی هست (نجم آبادی ص۱۵٦).

فهرست ده گفتار کناش منصوری:

۱ ـ دیباچه پزشکی ۲٦ فصل.

۲ ـ مزاجها وخلطها وفراست ۵۸ ف.

۳ ـ نیروی خوردنیها وداروها ۲۵ ف.

٤ ـ بهداشت ۳۱ ف.

۵ ـ آرایش ودرمان بیماریهای بیرونی وپوست ۷۷ ف.

٦ ـ بهداشت مسافر ۱۷ ف.

۷ ـ شکسته‌بندی وزخمها واماسها ۱۸ ف.

---

۱ ـ بنگرید به: ابن ندیم ص٤۱۷ ـ فهرست بیرونی٦ ـ معجم البلدان ۲ : ۹۰۱ ـ کامل ابن اثیر تاریخ ۲۹۸ و۳۰۲ ـ خزرجی۱: ۳۱۰ س۲۹ و۳۱۳ س۲۰ و ۳۱۷ س ۱۷ و۱۸ ـ گراوور ص۱ المنصوری نسخهٔ ملك درص۱۵۷ سرگذشت رازی ازآقای دکترنجم آبادی ودیباچهٔ نسخه‌ای ازآن درهمانجا ص۱۵٦ ـ حاشیهٔ قزوینی برچهار مقاله ص۲۳۱ ـ کشف الظنون ج۲ص۳۲۵ ـ نسخهٔ ملك چنانکه نجم آبادی آورد. فهرست چاپی پاریس.

۸ – زهرها و گزندگان ٥٤ ف .

۹ – بیماریهای سرتاپا ۹٤ ف .

۱۰ – تبها و درمان آن ۳۳ ف .

در پایان گفتاری دربارهٔ امور طبیعی بر آن افزود .

اینرا دفتر را گذشتگان ارج مینهادند و بارها بلاتینی درآمده و ترجمه‌ای که ۵
ژرارد کرمونی (۱۱۱٤–۱۱۸٦) بلاتینی کرده ترجمه خوب آن است. لاتینی آن در
۱٤۹۷ و ۱۵۱۱ و (گفتار ۱۰) در ۱۵٤٤ با ترجمهٔ نگارشهای دیگر رازی بچاپ رسید،
وازچاپ آن در میلان میان سالهای ۱٤۸۷ و ۱۵۱۰ نیزیاد کردند . ترجمه لاتینی
مدیولانی Mediolani بسال ۱٤۸۱، در لیون در ۱۵۱۰ و بازل در ۱۵٤٤ بچاپ رسید .
نیز در ونیز در ۱٤۹۷ـ گفتار ۷ و ۹ آنرا باختریان بسیار ارج مینهاده در دانشگاههای ۱۰
ایتالیا دبری میآموختند و بر آن گزارشها نوشتند . متن تازی و ترجمه لاتینی گفتار
نهم آن درهال در ۱۷۷٦ بچاپ رسید، ترجمه لاتینی گفتاردهم ازمد بولانی دربرلین
بسال ۱۵۰۰ چاپ شد، دکونینک De Koning متن و ترجمه فرانسوی گفتار ۱ آن
وبخش یکم طب الملکی مجوسی ارجانی و ترجمهٔ فرانسوی دفتریکم وسوم قانون
را در لیدن در ۱۹۰۳ بنام سه دفتر کالبد شکافی بچاپ رساند. ترجمهٔ لاتینی گفتارنهم ۱۵
در ۱٤۷۲ ودر ونیز بسال ۱٤۸۳ و ۱٤۹۰ و ۱٤۹۲ و ۱٤۹۷ ودرپادوا در ۱٤۷۰ ودر
لوگدونوم (Lyon = Lugdunum) بسال ۱٤۹۰ و ۱۵۰۱ ودرونیز بسال ۱۵۰۷
و ۱۵۱۷ و ۱۵۱۸ ودرسال ۱۵۳۳ ودر پاریس بسال ۱۵۳٤ ودر Basileae بسال
۱۵٤۰ و گزارش یوحنا، آرکولانی برهمین نهمین گفتار درونیز در ۱۵٤۲ و گزیدهٔ
آن درلوگدونوم بسال ۱۵۵۱ و گزارش همان یوحنا در ونیز در ۱۵۵۷ و ۱۵٦۰ ودر ۲۰
برلین در ۱۹۰۰ بآلمانی بچاپ رسید . ترجمهٔ ایتالیائی گفتار ۳ بی تاریخ چاپ شد
همچنین ترجمهٔ لاتینی آن در ۱۵۳۱ .

[۱۰۱٤]

٤۵۲ این نسخه بخط نسخ کهنه معرب است باعنوانهای شنگرف. خیلی جاها حاشیه

دارد بخط سیاهتر بسخ یا تعلیق. برگ ٥ بریده‌شده و کاغذی چسبانده‌اند و بخط تازه‌تری کامل گردند .

فهرست در آغاز نسخه است در ٥ص ازمیانهٔ فهرست مقالهٔ ٣ فصل ٧ «والبزورالمالوفة التی تتخذ منها الخبز» تا پایان فصل ٣٢ مقالهٔ ١٠ «فی تدبیرالناقه» ـ کتاب در نسخهٔ ماچنین

٥ است :

آغاز: « بسمله . ابتداءالمقالةالاولی من الکتاب جمل و جوامع احتیج الی تقدمتها فی صدر هذه المقالة . ان الخالق عزوجل جعل العظام عمادالبدن ودعائمه (گ ٣ب) .

انجام : (ازفصل ٢٢ فی تعرف النضج) والذی الغالب علیه البیاض اذا انتقل من الرقة الی الغلظ و من عسرالخروج الی سهولته . فی البحران (عنوان فصل ٢٣ مقالهٔ ١٠) گ

١٠ ٢٠٤ ب .

کراسه‌های نسخه ده برگ است و تا ٢١ (گ ١٩٦ الف) درگوشه صفحه ها شماره دارد و شماره برگهاهم بـا مرکب سیاه میباشد و کراسهٔ دوم در گ ٥ است و ٦ برگ پیش از آن هست و باید ٤ برگ از نسخه افتاده باشد . در دو روی برگ میان ١٥٣ و ١٥٤ دوشکل هندسی است بشنگرف که نخستین جایگاههای پنج حس را در مغز نشان

١٥ میدهد و دومی چشم بیننده وماه و آفتاب را .

(٢٠٤گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد مقوا و گرداگرد آن تیماج سرخ .

اندازه : ١٧×٢٥ و ١١×١٩ ـ ٢٠س

[٨٥٤] **ماکول ومشروب** (فارسی)

رساله‌ایست بنظم در دو بخش درباره خوردنیها از یوسف بن محمد بن یوسف

٢٠ طبیب مشهور بیوسفی زنده در ٩١٣ و ٩٤٢ .

آغاز: زبـانرا چودر اول این کلام ـ زحمد وتحیت رساندی بکام ـ بدان ای خردمند روشن ضمیر ـ که گوید چنین یوسفی وحقیر ـ که این نسخه بهر نو کردم رقم ـ زتدبیر ماکول ومشروب هم ـ در آن دم که این نسخه منظوم شد ـ بماکول و مشروب موسوم شد ـ چو ازچهره این ماه برقع گشود ـ مراسال تـاریخ او خوش

٢٥ نمود ـ فرود آمد این خوان جوشد خواسته ـ بصد نعمتش بخت آراسته .

انجام : برآورد ازلطف خود حاجتم ـ عطاکرد بی‌حد وعدنعمتم ـ زغمهای او بادسامان من ـ فدای رهاودل جان من . تمت .

[۱۰۱۵]

۴۳۶ این نسخه ش۷ دفتر و بخط نستعلیق باعنوانها و نشانه‌های شنگرف میباشد.
گ۱۲۸الف - ۱۳۲ب س۱۲ .

[۸۵۶.۸۵۵] مالایسع الطبیب جهله (عربی)

استادبن الکبیر یوسف بن اسمعیل بن الیاس خوئی شافعی از جامع لمفردات الادویة ۵
والاغذیة ابن بیطار مالقی گیاه شناس (م ٦٤٦) گزین نموده واز خود هم افزوده این
دفتر بپرداخت ودر آدینهٔ ج۲ سال ۷۱۱ آنرا بانجام رساند (دیباچه - چلبی) و آن
دو بخش است: داروها وخوردنیهای ساده - داروها وخوردنیهای آمیخته. پیش از
هر بخش یك مقدمه است. او نام پارسی داروهارا نیزمیآورد ودردیباچه مینالدکه
دانشمند ناگزیر است یـا فرمانروایان و وزیران باشد ودربارهٔ پزشکان میگوید: ۱۰
الطبیب ببغداد عبارة عن قمیص وتفیار ونصرانی من دربه دینار. درفهرست بهار هند
(ج۲ ش۳٦۲) یاد میشود ازمجمع یاجامع المنافع البدنیه در۲۰ باب ویك خاتمه ودر
داروهای ساده نگارش شیخ داودبن عمر انطاکی ضریر م ۱۰۰۵ که آن گزیده‌ایست
ازمالایسع الطبیب جهله نگارش اسمعیل بغدادی م ۷۱۰ وگویا ازاین مالایسع همین
کتاب ما رامیخواهد وبجای یوسف نام پدررا آورده ودرتاریخ مرگ اوهم درست ۱۵
سخن نگفت. انطاکی همان نگارندهٔ «تذکرة اولی الالباب والجامع العجب العجاب»
و«النزهة المبهجة فی تشحیذ الاذهان وتعدیل الامزجه» است که در ۱۳۱۷ درمصر بچاپ
رسید. جامع ابن بیطار هم درمصر بسال ۱۲۹۱ چاپ شد. پس جامع مالقی راخوئی بنام
مالایسع واین را هم انطاکی بنام مجمع گزین نمودند. چلبی میگوید که مالایسع خوئی
را یکی از نویسندگان دیوان مرادخان سوم (۹۸۲-۱۰۰۳) بنام حسن بن عبدالرحمن ۲۰
بترکی در آورد (۲: ص۳٦۹).

[۱۰۱٦]

۴۴۵ این نسخه جلدیکم است و بخط نسخ درجدول شنگرف با عنوانها و نشانه‌های
شنگرف میباشد وچنین است:
آغاز: بسمله و به نستعین. الحمدلله الذی لاتکتنه حقیقة معرفته العلوم والافهام ۲۵

... و بعد فانه لما كان الانسان بل الحيوان جملة من المركبات المتصرية

انجام: زيزفون اسم بدمشق للغبيرا الذكر وهوالذى لايحمل وسيذكر الغبيرا فى حرف الغين انشاءالله تعالى . تم الجزء الاول من مالا يسع الطبيب جهله بمن الله و كرمه فله الحمد كثيرا .

۵ احمد بن عبدالهادى واسمعيل بن صالح بن عبدالله دارندهٔ نسخه بودند .

(۳۱۸۴م) — کاغذ سپاهانی — جلد تیماج مشکی ضربی زرانداود متوالی دارای برگردان

اندازه : ۱۸×م۲۴ و۱۱×۱۶٫۵ س ۲۰

[۱۰۱۷]

این نسخه جلد دوم است و بهمانگونه خط با تاریخ بامداد سه شنبه ۲٤محرم ۱۱۸٤

۱۰ **٤٤٦** وهمان دوتن دارندهٔ نسخه بودند: چنین است :

آغاز: بسمله و به نستعين . حرف السين . ساذج معرب عن الفارسى وهواسم لورق يظهر فى جهات الهند .

انجام : يتمه اسم بالمغربية لتبة ورقه يشبه ورق الهند با ... طريه و يابسه ذرافاقهمه تم الكتاب بمن الملك الوهاب ... و آلاؤه بالغة .

۱۵ در پايان بخط ديگر دارد : «وليكن هذاما اردنا ايراده من كتاب الاغذية والادوية المفردة ... والمسؤل من الناظر فى كتابى (بپايان نميرسد) از اينجا برميآيد كه اين دوجلد بخش يكم كتاب است و بايد بخشى دومى هم باشد .

(۳۱۶۸م) — كاغذ سپاهانى — جلد مائت پشن

اندازه : ۱۸×م۲۴ و۱۱×۱۶٫۵ س ۲۰

۲۰ [۸۵۷] **المائة فى الطب (كتاب ..)** (عربى)

ابوسهل عيسى بن يحيى مسيحى گرگانى پزشك منطقى واستاد ابن سينا در پزشكى (ص۷۱۹ اين فهرست) دراين دفتر كه عروضى درچهارمقاله(ص۷۰) آنرا بنام صدباب مانندحاوى و كامل وقانون وذخيره از نگارشهاى گسترده وبسيط بشمار آورده است ميخواهد همهٔ مسئله هاى پزشكى را درصد كتاب بياورد. آنرا « كتاب المائة فى —

۲۵ الصناعة الطبية — يا — فى الطب » و«المائة مقاله» و«ديوان الطب» و«الكتب المائة فى الصناعة الطبية » خـوانده اند و نخستين نگارش مسيحى ميباشد ونخستين كتاب آن مدخل پزشكى است . رئيس ابوالحسن على بن عباس مجوسى درآغاز كامل خويش كه براى فناخسرو ديلمى ودر۳۸٤ نوشته است ميگويد كه مسيحى در«مائه»خويش

مانند هرون ازامور طبیعی وغیرطبیعی اندکی آورد وترتیب آن پسندیده نیست و
گویا نمیدانست کتاب بنویسد. اودستورهای ساختن و آمیختن داروهارا درباب نهم
آورده سپس اندکی ازامورطبیعی آنگاه علتها وبیماریهای سررا یادنمود. اوبسیاری
از آنچه که باید پیشتر بیاورد پاسپس یادکند در جای خویش یادننمود. (کامل
ج۱ص۶- چلبی ج۲ص۳۷۰) مسیحی داروهای ساده رادر کتاب ۳۱ بترتیب ابجدی ۵
یادنمود و کتاب خویش را ترتیب فنی نداد گویامیخواست هرچه از پزشکی میدانستند
درصد کتاب آن یادداشت کند. گذشته ازهمهٔ اینها دفتری است بسیارشیوا وروشن
وسودمند وبرازج وترتیب را هم خود اوداده است .

امین الدولة بر آن حاشیه نوشت (نامهٔ دانشوران ج۱ص۳۴-۳۶) وحاشیهٔ آن
ازنعمان بن رضاالاسرائیلی درپاریس هست (بروکلمن) درطوس ش۱۰۹ نسخه کامل ۱۰
کهنه‌ای بافهرست ازمائه هست ودیوان الطب هم نامیده شده ونسخهٔ حلب دردوجلد
بزرك است وبتاریخ ۶۸۶ (المخطوطات العربیه لکتبة النصرانیه یسوعی ص۲۱) نسخهٔ
کتابخانه خدیوی مصری از کتاب ۷۰ است تاپایان وبتاریخ ۹۹۰ میباشد (فهرست آنجا
ج۶ص۳۳) .

بروکلمن (ج۱ص۴۲۴ وپیوست ج۲ص۳-۴۲۳) از نسخه های پاریس و ۱۵
پترسبورك وبرلین واوپسالا وبادلیان و موزهٔ بریتانیا و نورعثمانی و مسجد قیروان
فاس یاد نمود .

[۱۰۱۸]

۴۴۹ این نسخه بخط نستعلیق باعنوانهای شنگرف میباشد وفهرست بابهای ۵۴ تا
۱۰۰ دربرك ۸۷ پایان هست . ۲۰
بابهای ۳۰ تا۳۶ که کم دارد و۳۸ تا۴۶ که کم دارد و۵۴ تا۵۶ که اینهم کم
دارد دراین نسخه هست وچنین است :

آغاز: بسمله . قال ابوسهل عیسی بن یحیی المسیحی : هذا هوالکتاب الثلثون من
کتبنا فی صناعة الطب . وقصدنا ان نتکلم فی معرفة الادویة. والله تعالی هوالمعین . فنقول
الفرق بین الدواء والغذاء هوان الغذاء یزید فی جوهر البدن. والدواء یغیر کیفیة البدن معما ۲۵
یزید فی جوهره فهوغذاء دوائی .

انجام : الکتاب السادس والخمسون. قال ابوسهل عیسی بن یحیی المسیحی : هذاهو کتاب حفظ الصحة من کتبنا فی صناعة الطب. قصدنا فیه ان نتکلم فی حفظ الصحه ... ولیس یمکن حفظها الا بعد معرفة الاسباب التی یفسدها ... والبدن یقبل الفساد من سبب داخل و من سبب خارج... والذی من خارج فالهواء المحیط به الواصل الی خارجه (۱ب-۸۶ب)

۵ گ۸۷ فهرست است .

(۸۳۸۷) — کاغذ سپاهانی — جلد مقوا با عطف و گوشه تیماج قرمز

اندازه : ۱۶ × ۲۶ وص ۱۰ × ۱۸٫۵ س ۱۸

[۸۵۸] مفرح یاقوتی (رسالة...) (فارسی)

مولانا عمادالدین محمود شیرازی(۱) دراین نامه از «مفرح یاقوتی» کاوش نموده

۱۰ ازروی گفته‌های شیخ رئیس درقانون وادویهٔ قلبیه وابن تلمیذ و شرف‌الدین حسن بزشك شیرازی ودیگران دستورساختن آنرا آورد واز خبر «اتق الیهود والهنود واو کان سبعین بطناً» یاد نمود .

دردنبال آن ازمفرح بارد وسکنجبین ریوند وتریاک سیر وشربت برای گوارش آمده (بفارسی) ودرپایان از السیاسة فی تدبیر الریاسة آورده شده(۲) ونوشته‌است

۱۵ که اسکندر ارسطورا بیونان خواست و او برای پیری ودوری راه بدانجا نرفت و آنرا برای اسکندر نوشت ودر آن یادکرد که چون هر چه میدانستم بتو گفته‌ام نخواسته‌ام داروی «عصمت» راکه « کنزالحکماء المکنون » است هم از تو بوشیده بدارم. مگراینکه نمیدانم کی آنرا نخستین‌بار ساخته‌است. گویند که بآدم وحی شد ودستهٔ گویند که اسقلابیوس وناسیورس وهرمس میانین وبریق مالی ودادبطیوس و

۲۰ ابلق دروبورس وقاطس که بدانشهای نهانی آگاه بوده‌اند دستور ساختن ایندارو‌ها را دادند وهشت گونه دانستند. گروهی گویند اخنوخ یاهرمس بزرك ازروی وحی آنرا ساخت !! آنگاه انگبین همین‌دارو باهشت داروی‌دیگررا میشناساند(بتازی) سپس تا پایان بفارسی است و دنبالهٔ گفتار ارسطو است که باسکندر میگوید این

---

۱ ــ شیرازی از بزشکان روزگار شاه‌عباس یکم(۹۸۵-۱۰۳۸) بوده و «افیونیه»

۲۵ دارد (ش۷و۸ص۲۴۳ ج۳طوس) .

۲ ــ در آستانهٔ طوس «ذخیرهٔ اسکندریه» هست (ش۵۶ص۲۵۹ ج۳) .

دارو گنجی است که بدست آورم. آنگاه دستور خوراك وسودهای آن آمده است.

آغاز: رسالة مفرح یاقوتی تصنیف جالینوس الزمانی وبقراط الدورانی مولانا عمادالدین محمود شیرازی. الحمدلله المحمود فی کل فعاله .. بدانکه از کمال کمی مردمی فاضل ... درین جزو زمان که مادر آنیم چنان شده که آدمی را بوزن میشناسند. طبیبی چند پیدا شده اند که زنجبیل را از کافور و مزاج مبرور را ازمحرور تمیز نمیکنند. ۵

انجام: وخاصیتی که بآن ممتاز است آنستکه تولید عقل میکند ومغز ودماغ را میافزاید. هذا ذلك... وطالب المنافع البدنیة کلها الدیه. والله سبحانه وتعالی الموفق تمت الرسالة فی طریق ترکیب المفرحات الیاقوتیة فی شهر جمادی الثانی ۹۰۲.

[۱۰۱۹]

۱۰ این نسخه ش ۵۱ دفتر است وبخط نستعلیق شکسته نزدیك ۱۱۰۱ ص ۵۱۰ –

۱۰۳۵ ۵۱۸ - در ص ۵۱۹-۵۲۶ دستور داروهای ساده وآمیخته است: «کحل – الجواهر» میرزا ابوالقاسم شیرازی ونوشدارویی لؤلوئی میرزا محمد که برای سید سراج الامام در کرمان ساخته است وداروهای نگارندهٔ منهاج ونویسندهٔ اختیارات وطبری وقسطین در کتاب الفلاحه ودستور نوشیدن عصبه ازمیرزا قاضی ونیز داروهای دیگران که نام آنها برده نشده. آنگاه جملهائی است درافسون وتعوید ومطلبهائی از ۱۵ حروف وریاضی وستاره‌شناسی واز مسالك وممالك ابوعبید بکری (۵۲۳).

[۸۵۹] من لایحضره الطبیب (عربی)

محمد زکریای رازی پزشك (۲۵۱-۳۱۱) دراین نامه بیماریها وعلت آنها را شناسانده ودرمان آنهارا باداروهائیکه دردسترس هست یادنموده. در دیباچه میگوید: ۲۰ مردی بزرگوار ونیکوکار که آسایش مردم را میخواهد ازمن درخواست تادربارهٔ درمان بیماریها باداروها وخوردنیها که دربیشتر جاها یافت میشود وناگزیر در خانه وبازار وروستاو کوشك (دساکر) وبیابان از آنها باخود دارند نامه‌ای کوچك بنویسم ودرآن ازداروهاکه ناگزیر بایددر درمان بیماریها بکار برد ودرهر جاها خودداشت نام ببرم واز دیگر چیزها که درنگارشهای پزشکان آمده یادنکنم.

۲۵ پس بدین گفتار پرداختم بامید اینکه هم آن مرد وهم مرا در برابر اینگونه

نیکخواهی و نیك‌اندیشی پاداشی باشد من پیروی از استادان پزشکی از بیماریهای
بالای تن آغاز و بپائین آن بپایان رساندم. رازی از صداع آغاز نموده تا بیماریهای
پا رسید سپس بیماریهای آشکار تن و تبها و برسام و فراموشی و عرق مدنی را یاد
کرد و بپایان رساند.

۵ فهرست آن چنین است: صداع - اسهال - سکته - فالج - صرع - سدر - دوار -
مالیخولیا - سرسام - سبات - بیماریهای چشم، گوش، بینی، دندان، گلو - زکام -
سعال - سل - بیماریهای پستان، معده، دل، جگر، سپرز - استسقا - بیماری امعاء
بواسیر - شقاق - قولنج - بیماریهای کلیه و مثانه - حرقةالبول - بیماریهای دیگر آن
- بیماریهای رحم، پا - دردمفاصل - گزشها - بیماریهای پوست - قروح وزخمها - تبها -
۱۰ فراموشی - عرق مدنی. آقای نجم آبادی فهرست آنرا در ۳۶ باب بروش دیگر یاد
نمود. (ص۵-۱۷۳).

این نامه درفهرست بیرونی وابن‌ندیم وخزرجی ((من‌لایحضره الطبیب)) نامیده
شده ونام دیگر آن ((طب‌الفقراء)) است. پیش ازرازی عیسی‌بن ماسه نخستین بار
((من‌لایحضره‌الطبیب)) نوشته است. ابن‌بابویه قمی ۳۸۱م‌دردیباچهٔ ((من‌لایحضره
۱۵ الفقیه)) ازاین نامه رازی یادنموده وبپیروی آن اینکتاب بپرداخت. فیض کاشانی
نیزمن‌لایحضره‌التقویم نوشته است (بروکلمن پیوست ج۲ص۵۸۵)-نسخه هائی از
اینکتاب‌رازی‌دررامپورو‌بانکیپورو‌لوکنو(۱۸۸٦)وهونیخ‌بنام‌طب‌الفقراء والمساکین
(بروکلمن پیوست ج۱ص ۴۲۰) ولاهه ومنچستر وبرق پور وملی‌ملك(نجم آبادی
ص ۱۷۲) هست.

۲۰ آغاز: بسمله وبه نستعین. قال محمدبن‌زکریا ان‌رجلاجلیلا خیرا فاضلا.. احب
ان نعمل مقالة وجیزة فی‌علاج الامراض بالاغذیة والادویة المشهورة الموجودة ...
فعملت هذه‌المقاله.

انجام: فی‌العرق‌المدنی ینفع منه ان‌یشرب کما یبداء ... ویسقی‌العلیل‌الصبرمن
اول یوم‌نصف درهم والثانی والثالث درهم. انشاءالله تعالی.

[۱۰۲۰]

این نسخه ش۵ دفتر است و بنسخ باعنوانهای شنگرف درهامش و نویسندهٔ
۴٦۰ آن قاسمعلی بن حاجی حسین قصاب استرابادی در تاریخ یکشنبه ج۲ سال ۹۸۹
برای امیرسید زین الدین بن امیر جمال الدین نجفی میباشد در گ ۱۳۴ب-۱۷۸الف

[۸٦۰] موجز قانون (عربی) ۵

ابن نفیس علاءالدین ابوالحسن علی بن ابی الحزم قرشی (شهرکی در وراررود)
م ٦۷۷ قانون شیخ رئیس را گزین کرده و «موجز» نوشت و دانشمندانی چند بر آن
گزارش نوشتند که نسخهٔ پاره‌ای از آنها هست :

۱ ـ ابواسحق ابراهیم بن محمد سویدی م ٦۹۰ (چلبی) .

۲ ـ سدیدالدین کازرونی سدیدی در ۷۴۵ بنام مغنی. او شاگرد برهان الدین ۱۰
عبری حسینی بوده است (ش۵۲٦ مجلس و ص۱۰۵ ـ ۱۰۷ طوس و ص۲۰۷ قنواتی).

۳ ـ جمال (شمس) الدین محمد بن محمد اقسرائی م ۷۷۹ بنام حل الموجز
(ش۵۲٦ مجلس و ۳۷ طوس و ص۲۰٦ و ۲۰۸ قنواتی و ص۳۲ مخطوطات الموصل).

۴ ـ ابو عبدالله فضل برای امیرزاده محمد سلطان بسال ۸۱۳ در سمرقند
(ش۷۴ طوس) . ۱۵

۵ ـ برهان الدین نفیس کرمانی در ۸۴۱ (ش۱/۴۴۴ اینکتابخانه و قنواتی ص
۲۰۸ و ش۵۱۲ مجلس) .

٦ ـ احمد بن ابراهیم حلبی م ۹۷۱ .

۷ ـ ابی المبارك محمد نزدیك ۹۲۵ (قنواتی ص۲۰۸) .

۸ ـ محمود بن محمد (احمد) امشاطی حنفی (۸۱۰) بنام منجز بدستور ۲۰
قاضی القضاة حنفی (قنواتی ص۲۰۸ ـ کشف الظنون) .

موجز را مصلح الدین بن شعبان سروری م ۸٦۹ و احمد بن کمال پزشك دار۔
الشفای ادرنه برای سلیمان پاشا وزیر سلیمان در روزگار متلاستن رئیس الاطباء
بترکی در آوردند (چلبی) و بعبری نیز در آمده است (قنواتی ص۲۰۷) .

چلبی در کشف الظنون از گزارش شیخ شهاب بن محمد ایجی بلبلی برای شاه ۲۵

محمود مظفری یاد نمود وقنواتی دوازده گزارش برشمرد که نسخه‌ای از آنهاست (ص۲۰۸) موجز درلکهنو در۱۲۹٤ و۱۳۰۲و۱۳۲٤ ودر دهلی باحواشی محمد عبدالرزاق در۱۹۰۵ ودر کلکته در۱۲٤٤ بچاپ رسید (ش۱۲۰ خطی و۲٤ چاپی طوس وص۲۰۷ قنواتی) .

۵

[۱۰۲۱]

٤٦۰

این نسخه ش۱ دفتر است وبخط نسخ با عنوانهای شنگرف باحاشیه‌هائی در باره‌ای‌جاها ـ محمدشفیع پسرملك محمددرچهارشنبه ج۱سال ۹۸۹ برای آقا عزیز طبیب نوشته است وچنین است :

آغاز: آملج یابس فی‌الثانیة قلیل‌البرد یطفی‌حرارةالدم ویقوی‌القلب ویذکیه.

۱۰

انجام : وکان تدبیرهم واحدا فاستعملوا دواء جالینوس وغیره من‌العلاج‌المذکور.

نسخه داروهای ساده را دارد سپس جملهٔ دوم درداروهای آمیخته میآید وفن سوم در بیماری اندامها ونشانه‌ها ودرمان آن وفن٤ دربیماریهای عمومی درشش باب وپایان میرسد وفن۱ ونیمی ازفن دوم درآن نیست . گ۱ب ـ ۸۰ب .

[۸٦۱] **المیاه (مبحث...)** (عربی)

۱۵

ازعنوان نسخهٔ ما برمیآید که این گفتار باره‌ایست ازکتاب محمد زکریای‌رازی ودرخواص آبهای گوناگون میباشد ودر آن ازسخنان ابقراطس ودیسقوریدوس و جالینوس وروفس وبولس و اسکندر وحنین وابن ماسویه وطبری آورده شد . در فهرست بیرونی ازکتاب جداگانه وباین نام‌دیده نشده است .

آغاز: بسمله . وبه نستعین . هذامبحث المیاه من کتاب محمدزکریاالرازی ـ

۲۰

الماء العذب قال‌دیسقوریدوس اجوده‌السریع النفوذ من‌البطن‌القلیل‌النفخ‌الذی‌لایفسد

انجام : ایراث‌الحمی لانه یحدرالدم کماقال جالینوس . والحمدلله اولا وآخرا .

[۱۰۲۲]

۱۰۸۰

این نسخه ش۱۴ دفتر وبخط نسخ روشن با عنوانهای شنگرف میباشد . گ ۲۲٤ب ـ ۲٤۲الف.

[۸٦۲] نضج الاخلاط (رسالة فی تحقیق...) (عربی)

یکی از دانشمندان دراین نامه دربارهٔ «نضج اخلاط و بکاربردن منضجات» کاوش نموده واز دیگران خرده میگیرد. بگواهی شمارههای پیش وپس ازاین نامه درنسخهٔ ما، گویا ازخواجه طوسی باشد.

۵ **آغاز:** بسمله. غفرانك ارجو. لقدجری بینك... وبین بعض الاطباء الذین غفلوا عن العلم الطبیعی فی امر استعمال المنضجات مجاراة.

انجام: ویصلح الفاسدمنه ویرشد الی الصواب. واللّٰه ولی الهام الصواب والمهدی الی السداد.

[۱۰۲۳]

۱۰ ۱۰۷۹ این نسخه ش٦ دفتر است وبخط نستعلیق. ص۱٦-۱۸

[۸٦۳] هفت علت باز ماندن از آبستنی (فارسی)

دراین گفتار ازهفت علت که زن‌را از آبستنی بازمیدارد یادگردید.

آغاز: فائده. هفت علت استکه زنانرا اززائیدن فرزند بازمیدارد.

انجام: و باقی چیزها بعقل میتوان دانست. واللّٰه اعلم.

۱۵ [۱۰۲٤]

۱۰٤٦ این نسخه ش۴۰ دفتراست وبخط نستعلیق جلیبا باشانه‌های شنگرف گ۲۰۸ ب - ۲۰۹ الف.

[۸٦٤] الهندباء (مقالة فی ...) (عربی)

ازشیخ رئیس پرسیدند که چرا پیامبر دستور داده که کاسنی را نشسته بکار

۲۰ برند ودانشمندان همچنین گفته‌اند او کاغذ برداشت وبی درنك این نامه‌را نوشت و در آغاز آن گفت که پیامبر فرمود کاسنی رانشسته بکاربرید که باران بهشت بر آن باریده است. سپس این گفته‌را روشن ساخت ودرپایان نوشت که بااین سخنانم درستی گفته‌های پزشکان و گفتار پیامبر که بیشتر آن مثل ورمزاست آشکار گردید. شیخ دراینجا هم آنچنانکه دراثبات النبوه و معراجنامه دربارهٔ سخنان پیامبر گفته است

دربارهٔ این خبر نبوی اندیشید و پیداست که او روش تأویل باطنی گرفته است.

شیخ میگوید گروهی از دانشمندان میگویند که شیرهٔ کاسنی نشسته و نپخته را باید بکار برد و دسته‌ای میگویند که باید آنرا شست و پخت و شیره آنرا پاکیزه ساخت و خورد. او با آوردن اصلی از علم طبیعی سخن خود را استوار میدارد و گفتار

۵ پیامبر را درست نشان میدهد و از دیسقوریدوس یاد میکند. در فهرست پایان سرگذشت از «مقالة فی الهند باء» یاد گردید و در نسخه‌ها رسالة فی الهندباء یا رسالة (فی استعمال) ماء الهندباء خوانده شده. نسخه‌ای از این در طوس ش۵۸ هست و قنواتی در ش۱۵۰ چندین نسخهٔ آنرا شناسانده و میگوید که سهیل انور در آستانه بچاپش رساند باز در ش۲۷۲ از همان ش۵۸ طوس بنام «فی خواص کشانی» نامبرد گویا از برو کلمن

۱۰ پیروی نموده و آندو واژهٔ کاسنی را بدخوانده‌اند.

آغاز: سئل الشیخ الرئیس ابوعلی بن سینا رحمه‌الله (علی) ان یملی کلاما فی علة الامر (فی امره) باستعمال الهندباء غیر مغسول فاخذ الدرج و کتب ارتجالا روی عن النبی (رسول‌الله) ص انه امر بتناول الهندباء غیر مغسول وقال انه لیقطر علیه من طل الجنة.

انجام: فقد بان صواب ماقاله ... من الاطباء المذکورین و بان معنی الکلام النبوی

۱۵ الخارج کثیر منه مخرج الامثال المضروبة والرموز الواقعة و بالله (تعالی) التوفیق و حسبنا الله ونعم المعین (وله الحمد علی کل شیئی وهو حسبی و نعم الوکیل والحمدلله واهب القوة بلانهایة کاستحقاقه والصلوة علی سیدنا محمد و آله الطاهرین حمدا کثیرا تمت الرسالة فی وصف الهندباء ـ تمت رسالة الهندباء)

[۱۰۲۵]

۸٦۱ ۲۰ این نسخه ش۱۵ دفتر است و بخط نسخ با نشانه‌های شنگرف تاریخ سه‌شنبه ۱٦ محرم ۱۲۸٤ گ ۱۳٤ ب ـ ۱۳٦ب. نسخه بدلها در هامش نوشته شده است.

[۱۰۲٦]

۱۰٤٦ این نسخه ش۳۵ دفتر است و بخط نستعلیق رجبعلی بن جوادعلی دردههٔ یکم رجب ۱۰۷۱ گ ۱۷۱ الف ـ ۱۷۲ ب.

[۱۰۲۷]

۱۰۷٤ این نسخه ش۱۱ دفتراست وبخط نستعلیق نزدیك۱۰٦۱ گ ۱٤۱ب - ۱٤٥ب.

[۱۰۲۸]

۱۰۷۹ این نسخه ش۲۷ دفتراست وبخط نستعلیق بی‌نقطه ص۱٦۷-۱۷۲ .

گفتار هشتم

ریاضی

شیخ داودبن عمرانطاکی م ۱۰۰۵ نگارندهٔ «تذکرة اولی الالباب والجامع للعجب العجاب» و «تزیین الاسواق» و «النزهة المبهجة فی تشحیذ الأذهان و تعدیل الامزجه» در این گفتار میگوید که احکام نجوم از علمهای بخش سوم است که گذشت و پزشکی سخت بدان نیازمند میباشد بویژه در بحرانها چنانکه ابقراطس گفته است.

او در آغاز تذکره علم را بچند گونه بخش نمود. وخود سرانجام چنین گفت که علم یا ذهنی است یا زبانی یا بدنی یا دینی و پزشکی درشمار سومی میباشد. او در آغاز نزهه نیز ازعلمهای گوناگون یادنمود. این گفتار او پیداستکه بخشی است از یکی از کتابهای او.

آغاز: بسمله. احکام اسم متی اطلق فی العقلیات ارید به الاحوال المعینة المستنتجة من مقدمات معلومة هی الکواکب من جهة حرکاتها ومکانها وزمانها.

انجام: وانتحس من غیره فعسر لاتلف. هـذا مایحتاج الیه هنا من هذه الصناعة. وسیاتی احکام الفصول والبحارین فی مواضعها. والله اعلم.

[۱۰۲۹]

۹٦۰ این نسخه ش ۲ دفتر است وبخط نسخ بانشانها وعنوانهای شنگرف ازمحمدحسن بن محمدتقی محلاتی درتهران بسال ۱۲۸۳ گ ۲۹ب - ٦۹ب.
(همه دفتر ۹۷گ) — کاغذ فرنگی — جلد تیماج سرخ ساده با حاشیهٔ سبز
اندازه: ۹×۱۴٫۵ و ۵×۱۰ س ۱۱

[۸٦٦] احکام الاعوام (فارسی)

علاء منجم علی شاه بن شمس الدین محمدبن قاسم در غانی خوارزمی بخاری از نگارشهای ابومعشر بلخی وعبدالجلیل سجزی وابوالمحامد غزنوی وبرهان الکفایه ومجمل کوشیار ستاره شناس گیلی بهره برده دربارهٔ اعمال تسییرات و احکام طالع تحویل بروج ابتدفتر بسال ٦۹۰ در دومقاله بپرداخت. نسخه‌ای ازین در طوس

(ش ۸۱) هست و بنام «رساله در تسییرات نجومی» خوانده شد و نیز در برلین ش ۶۴۳
همین علاء «اشجار واثمار» دارد در ستاره شماری که پس از زیج شاهی یا
«حل زیج جدید ایلخانی» برای وزیر محمد بن احمد تبریزی و پس از «زیج عمده» خود
بدستور شمس الدین خواجه محمد بن سیف الدین احمد شاه پسر بدرالدین مبارکشاه
نوشته است (ش ۳ طوس ـ ش ۱۵۳ مجلس ـ گاهنامه ۱۳۱۰ ص ۸۹) . ۵

آغاز: الحمدلله العلیم الحکیم... امابعد مؤلف اینکتاب ... علی شاه خوارزمی
ابن محمد بن القاسم المعروف بعلاء المنجم البخاری رحمه الله میگوید که بنده از شهر
همدان در اواسط رمضان سنهٔ ۶۸۸ بامید زیارت کعبه و مزارات ائمه بمدینة السلام
رسید ... ناگاه درروز شنبه پنجم ربیع الاخر سنهٔ ۶۸۹ دراول صبح بادقهری برخاست.

انجام : فصل هشتم در انتقال تسییرات... وسهل تر بود و جدول در نسخه نبود. ۱۰

[۱۰۳۰]

۹۴۸ این نسخه بخط شکسته نستعلیق با نشانه‌ها و عنوانها در متن و هامش بشنگرف
میباشد. در پایان دارد : «تمت ... یوم العرفه عید نوروز سال ۱۲۹۱ ابت
ایل ... تحریر شد» مهر : «محمدحسین» برگ یکم از بالا بریده شده. کتاب
گ ۱ ب ـ ۱۶۹ ب . دیگر برگها جدول است . ۱۵

(۱۷۶ گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج کبود ساده مقوائی

اندازه : ۱۱×۱۸ و ۶×۱۳ س ۱۹

[۸۶۷] احکام تحویلات کواکب در بروج (فارسی)

این گفتار در احکام تحویلهای ستارگان است در برجها .

آغاز: تحویل زحل دلیل است که پادشاهی بسوی پادشاهی دیگر. ۲۰

انجام : ومرگ کسانیکه بدان برج منسوب باشند که ذنب دور باشد . والله
اعلم بالصواب . والیه المرجع والمآب . تمت الکتاب بعون الله تعالی .

[۱۰۳۱]

۹۵۰ این نسخه ش ۷ دفتر است و بخط شکسته نستعلیق محمد حسین دربا باری گ
۱۵۵ الف ـ ۱۶۰ الف . ۲۵

(همه، دفتر ۳۲۰۳ گ) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج زرد ــ لل... ساده
اندازه : ۱۴×۲۰ و ۷×۱۴ ــ س ۱۷

[۸٦۸] احکام دوازده سال ترکی (فارسی)

در این نامه از دور دوازده‌سال که بنام دوازده جانور در آسیای مرکزی متداول
۵ بوده است وحکم هرسالی گفتگو شده(۱).

---

۱ ــ نام این جانوران چنانکه مروزی در طبایع‌الحیوان ص ۹ گفته بچینی و ترکی و تبتی و ختنی یکنواخت نیست ونام آنها بنوشتهٔ مروزی ومینورسکی در گزارش براین کتاب (ص۱ــ۸۰) چنین است :

	ترکی (بگفتهٔ ابن‌مهنا)	ترکی (بگفتهٔ کاشغری)	مغولی	فارسی	تازی	ترکی روزگار بگفتهٔ مروزی شاه‌عباس
۱۰	سیچقان ییلی	سیچقان	تولقونا	موش	فار	سیچقان
	سیغر =	اود	هوکر	گاو	ثور	اود
	پارس (قاپلان-ارسلان) =	بارس	بارس	یوز	نمر	بارس
	توبشیغان =	توبشقان	تولوی	خرگوش	ارنب	توشقان
۱۵	بالیغ =	ناك	لوی	اژدرها	بنات‌الماء	لوئی
	ییلان =	ییلان	مغا	مار	حیه	ایلان
	آت =	یونت	مرین	اسب	فرس	یونت
	قوین =	قوی	قونین	گوسفند	شاة	قوی
	بیچین =	بیچین	بیچین	بوزینه	قرد	بیچی
۲۰	تاقوق =	تقاغو	دقیقو	مرغ	دجاجه	تخاقو
	ایت =	ایت	نقای	سگ	کلب	ایت
	دنغوز =	تنکوز	قاقا	خوك	خنزیر	تنکوز

نام این جانوران در اینکتاب ما چنین آمده :

	فارسی	ترکی	تازی	خطائی
۲۵	موش	سیچقان	فاره	ژه
	گاو	اود	بقر	چیو
	بلنك	بارس	فهد	یم
	خرگوش	توشقان	ارنب	ماوو

بقیه حاشیه درصفحه بعد

پیدا استکه نگارنده این نامه از تاریخ ستاره شناسی وسر گذشت دانشمندان بسیار ناآگاه بوده است .

آغاز: بسمله . حکماء هند وسند وترك وفارس وروم وعرب ونیاوس مجوس وهرمس ادریس وافلاطون مجوس وجالینوس مجوس وبقراط مجوس وسقراط مجوس وجاماس مجوس و کشیار مجوس سالها بسیار تجربه کرده‌اند ودوری نهاده‌اند بر دوازده حیوان ... واین دوازده سال را نسبت بترکان کرده‌اند ... و گویند که این دور دانیال پیغمبر ع وضع کرده وبسالهای پارسیان راست آورد .

انجام: وسفرش بسیار باشد وهرجا که رود برنج اوفتد و دلاور وعیاز و مردانه باشد . وهو اعلم .

[۱۰۳۲]

۴۸۲ این نسخه ش ۴ دفتر است وبخط نستعلیق گ ۱۵۷ب – ۱۶۰ب .

(همهٔ دفتر ۱۶۰گ) – کاغذ سمرقندی – جلد تیماج مشکی ساده

اندازه : ۹٫۵×۱۷ و ۵×۱۱٫۵ س ۱۸

[۸۶۹] **احکام القرانات** (عربی)

دراین گفتار ازاحکام قرانات گفتگو میشود .

بقیه حاشیه از صفحه قبل

نهنگ	لوی	ثعبان	چن
مار	یلان	حیه	صئر
اسب	یوند	فرس	وو
گوسفند	قوی	غنم	وی
بوزینه	بیچین	قرد	سن
سگ	ایت	کلب	سو
خوك	تنگوز	خنزیر	خایی

درجدول نسخهٔ ش ۴۹۳ گ ۲۲۷ الف شرح تذکرهٔ طوسی نام خطائی اینها مانند اینجا است ونام ایغوری آنها چنین است: کسلو – اوط – پارس – طاوشقان – لو – یلان – یونت قوی – بیچن – داقوق – ایت – طنغوز .

آغاز: احکام‌القرانات . قران زحل للمشتری یحدث‌العدل فی‌الناس .

انجام : ومتی کان رب وسط‌السماء فی‌وتدعلی نظرسعدمن ... دلعلی(کم‌دارد).

[۱۰۳۳]

۹۵۰ این نسخه ش۹ دفتر است و بخط شکسته نستعلیق دریاباری گ۱۶۱ب ـ ۱۶۸ب.

۵ [۸۷۰] اختیارات مظفری (فارسی)

قطب‌الدین‌محمودبن مسعودشیرازی (۶۳۴ـ۷۱۰) آنچه راکه در «نهایةالادراك فی درایةالافلاك» برای بهاءالدین محمدجوینی(۶۴۸ـ۶۷۸) ازعلم هیئت آورده‌بود (دیباچهٔ درةالتاج) دراین‌دفتر گزین نموده و آنرا برای مظفرالدین یولوق ارسلان ۷۰۴ فرزند حسام‌الدوله البیزك فرزند حسام‌الدین چوپان بك ازفرمانروایان

۱۰ قسطمونی چوپانی (زامباور) نگاشته است. این‌دفتر چهارمقاله است (مقدمات در ۳باب ـ هیئت جرمهای علوی در۱۲باب ـ هیئت زمین در۱۳باب . شناخت بعدها وجرمهای ستارگان در۳ باب)

آغاز: بسمله . (عونك یامعین) سپاس وستایش بی‌قیاس و مدح وحمد بی‌حد و عد لایق حضرت عزت‌صانعی باشد که حقهٔ این شقهٔ مینارا بدرر غرر کواکب ثواقب

۱۵ وجواهر زواهر سیارات وثوابت مرصع گردانید .

انجام : و مستدعی حصول مرام بود ارزانی دارد انه‌اللطیف المجیب ـ نسخهٔ ش۲فاضلیه ـ مساحت جرم او که مساوی ضرب دوثلث قطر او بود که۵۰۹۰ ند است درمساحت اعظم دائرهٔ ـ نسخه‌ها .

[۱۰۳۴]

۲۰ ۴۶۹ این نسخه بخط نستعلیق ریز در باره‌ای جاها بی‌نقطه میباشد وعنوانها وشکلها ورقمها بشنگرف است . گ۲ب ـ ۱۱۸ب . دربرگ جسبیدهٔ بجلد و گ۱الف قاعده‌های ریاضی نوشته شده که برخی از نویسندهٔ نسخه وباره‌ای گویا بخط شیخ بهائی باشد . ودوصه جای گ۱ الف خط وامضای شیخ بهاءالدین محمد عاملی دیده میشود . در گ۲ الف و۱۱۸ب مهری زیبا هست با عبارت : «هذا مماوقفه‌العبد

۲۵ بهاءالدین محمدعلی‌الطلبة‌الامامیة بتولیة ابن‌اخیه سمی‌ابیه حسین‌بن عبدالصمد ثم‌الاتقی

من بنیه وبنیهم ولو کان ابعد» پس این نسخه دردست شیخ بهائی بوده است .

(۳۱۱۸ش)—کاغذ سپاهانی — جلد تیماج کهنه مشکی متوالی کاره‌سرخ
الدازه : ۵ر۱۷×۲۴ و۱۱×۵ر۲۴ س ۴۰

[۸۷۱] اختیارات نجوم یالوایح القمر (فارسی)

دانشمند مفسر محدث ادیب واعظ مولانا کمال‌الدین حسین‌بن علی کاشفی بیهقی سبزواری (نیمهٔ یکم سدهٔ ۹ درسبزوار— هرات ۹۱۰) ایندفتررا دراختیارات ازروی احکام نجوم برهانی وهندسی دریك مقدمه (تعریف وموضوع ومبادی و فوائد اختیار) ودومقاله (شرایط اختیار و آنچه که باید از آن برهیز نمود و آنچه مایهٔ کمال اختیاراست در ۳ فصل — ۱۵۳ اختیار جزئی با جدولها) . و یك خاتمه (اختیارهای پراکنده‌در ۲۰فصل) بسالـ۸۷۸بپرداخت .

در دیباچه میگوید که من شش رساله نجومی بنام مواهب‌الزحل و میامن المشتری وقواطع المریخ و لوامع الشمس و مباهج‌الزهره ومناهج‌العطارد نوشته‌ام اکنون‌این‌رسالهراهم‌بدستورمجدالدین‌محمد(یاشمس‌الدین‌محمدمروایددرروزکار حسین‌بایقرا)مینویسم‌ولوایح‌القمرمینامم—همه‌اینهارارویهم‌سبعهٔ کاشفیه‌میگویند(۱).

---

۱ — بنگرید به: ذریعه ج۱ س۳۶۹—ش۲۰۳ و۲۰۴ مجلس‌وش۱۴۸و۱۴۹طوس— دیباچهٔ نائینی برچاپ تفسیرحسینی درتهران در۱۳۱۷خ — الکنی قمی ج۳س۸۵ — س ۶۵۸ همین فهرست .

این دانشمند چندین نگارش دارد : جواهر التفسیر لتحفة‌الامیر که بدستور نظام الدین امیرعلی شیرنوائی نوشته‌وجلد یکم آن در۸۹۰بپایان رسیده ودوم در۸۹۲آغاز شده تاآیهٔ ۸۴ نساء که بانجام نرسید . — مختصرهمین جواهر — جامع‌الستین یا تفسیر سورهٔ یوسف— مواهب علیه‌یا تفسیرحسینی که برای همان‌نوائی نوشته‌درهرات از۸۹۷ تا۸۹۹— نخستین مقتل فارسی بنام روضة‌الشهدا بدستورشاهزاده سیدمیرزا مرشدالدین عبدالله در۹۰۸ — انوارسهیلی بنام امیرشیخ احمدسهیلی وزیرسلطان‌حسین بایقرا(۸۷۳ —۹۱۱)— اخلاق‌محسنی یاجواهرالاسرار در۹۰۰— شرح‌مثنوی— لباب‌معنوی فی‌انتخاب مثنوی — لب‌لباب مثنوی — مخزن‌الانشاء — اسرارقاسمی — المرصدالاسنی فی‌استخراج الاسماءالحسنی — رساله علویه — تحفه‌علیه — رساله در علم اعداد — بدایع‌الافکار فی صنایع‌الاشعار — رساله اوراد وادعیه .

کاشفی جدولهای اختیارات بگفتهٔ ستاره شماران یونانی و فرزانگان پـارس و بگفتهٔ علیع وامام صادقع دربارهٔ روزهای پارسی و دانشمندان ترك و فرزانگان هندی وجوکیان وهمچنین جدول ماموبی وابی معشررا درپایان آورده است.

آغاز: بسمله وبه نستعین. الحمدللهالذی بیدحکمته ازمةالاختیار. وبقبضة قدرته اعنةالاقتدار... بعداز ادای ثنای قادرمختار. که دست اختیار ازتقلد اعمال کارخانهٔ ابداع ومشیت ... او کوتاه است ... گوید.. حسین بن علی البیهقی المشتهر بالکاشفی.

انجام: اثر اختیار درحق وی‌انم واشمل بـود. والله جامع الشمل و متمم النوال والیه تصیر الامور.

[۱۰۳۵]

۸۲۵ این نسخه بخط نسخ با عنوانهای شنگرف وجدولها سیاه وشنگرف میباشد.

(۱۳۱گ) — کاغذ فرنگی — جلد تیماج مشکی ساده
اندازه: ۱۴٫۵×۲۱ و۹×۱۵ س۱۸

[۸۷۲]

اربع مقالات

(عربی)

بطلمیوس قلوذی یا کلاودیوس پتولمایوس ClaudiosPtolémaios (۸۵ـ ۱٦۵)ستاره‌شناس وجغرافیادان‌سدهٔ دوم‌وسوم‌مسیحی گویادر پتولمائیس‌مصر بالازاده ودر کانوپ نزدیك اسکندریه که در آنجا دیری زیسته بود در گذشت. اززندگی‌او چندان آگاهی دردست‌نیست. اودرنوشته‌های‌خود ازستاره‌شناسی‌وبخشی ازریاضی وسالشماری‌ومناظرومرایا و ساعت آفتابی وجغرافیاوجزاینها گفتگو نمودومجسطی وجغرافیای اوچندبار بچاپ رسید بهترین چاپ مجسطی چاپ ۱٦ـ۱۸۱۳ است و جغرافیا هم در۱۸۸۳ چاپ گشت. کتاب اربع مقالات یاتترابیباون (چهار دفتر) (Quadripartitum) که ازنوشته‌های احکام نجومی اوست متن‌یونانی آن‌در ۱۵۳۵ و۱۵۵۳ ولاتینی آن درونیز بسال۱٤۸٤ و ۱٤۹۳ ودرپاریس بـسال ۱۵۱۹ ودرلوگدونوم بسال ۱۵۵۵ ونیزچندین باردیگر و گزیدهٔ آن درپاریس در۱۵٤۹و فرانـسوی‌آن در۱٦٤۰ و۱٦۵۷ وانگلیـسی‌آن در ۱۹۱۷ بچاپ رسیده‌است. دورهٔ کتابهای اودر۱۵٤۱ و۱۵۵۱ و۱۸۹۸ ـ ۱۹۰۷ چاپ گشت (لاروس سدهٔ۱۹و۲۰ـ

فهرست چاپهای پاریس) .

ابن‌ندیم (ص۳۷٤) میگوید که بطلیموس در روزگار آدریانوس Hadrianus (۱۱۷-۱۳۸) وانطونینوس Antoninus (۱۳۸-۱٦۱) میزیسته ودرهمانروزگار ستارگان رصدنمود وبرای یکی ازایندو مجسطی نوشت. اوست که افزارهای ستاره شناسی بساخت و گویند شاگرد ابرخس (هیپارخوس ۱۲۵-۱۸۰) بوده است . ۵

او «کتاب‌الاربعه» رابرای شاگردخود سورس (Syros) نوشته وابراهیم‌بن الصلت آنرا ترجمه کرد وحنین اسحاق اصلاح نمود . اوطوقیوس (Eutocius زنده در ٥٦٠) گفتاریکم‌را گزارش نوشت وثابت همین گفتار راگزین نمود. عمربن فرخان طبری وابراهیم صلت ونیریزی وبتانی آنرا روشن ساختند .

۱۰ قفطی (ص٦۹) مینویسدکه بطلیموس چنانکه درنوع ۸مقاله۳ نوشته ازسال ۱۹ پادشاهی ادریانوس (۱۳٦م) وازمرك اوگوستوس رومی (۱٤م) در۲۹٤ تاریخ مرگ اسکندر مقدونی یادمیکند و میگوید که این رصدمن در سال ۱٦۱ مرگ اوگوستوس است واو بود که پادشاهان اسکندرانی را ازمیان برد پس بطلیموس قاودی نگارندهٔ مجسطی جزبطلیموسهای اسکندریه وپس ازآنها است .

۱۵ باری نام این‌دفتر یونانی چنین است: «تترابیبلوس سونتاکسیس ماتماتیکی پروس سورن‌آدلفن» که بلاتینی چنین میشود : «Ptolemaie Quadripartitum siv de apotesmatibus et judiciis astrorum libri quatuor ad Syrum» وبتازی چنین: «کتاب‌الاربع مقالات لبطلیموس‌فی‌القضاء بالنجوم علی‌الحوادث کتبه الی‌سورس تلمیذه» .

۲۰ [۱۰۳٦]

۸۳۰ این نسخه بخط تعلیق‌است وپاره‌ای‌ازجاها بی‌نقطه‌میباشد عنوانها ونشانه‌ها بشنگرف است .

فهرست کتاب ازآغاز تاباب۱۹مقاله۱ دربرگ۱ب‌هست و کم دارد. همچنین باب یکم ودوسطر باب دوم مقالهٔ یکم ازمتن کتاب راندارد . نزدیك به٤ سطرباب ٦ ۲۵ وبابهای ۷تا۹ مقالهٔ ٤ درآن نیست. گفتار ثابت‌بن‌قره درمیان عبارتهای متن‌دیده

میشود. این متن نسخه‌ها با متن گزارش ابن‌رضوان ش۴۷۴ یکنواخت نیست. گ۶۴ب تا۶۵ب از باب۱۱ و۱۲مقالهٔ۳ و گ۶۷ الف وب سفید است. چنین است:

آغاز: بسمله . وبه‌نستعین ... کتاب‌الاربع مقالات فی‌الاحکام لبطلیوس‌القلوذی ، ترجمة حنین‌بن اسحاق،اصلاح ثابت‌بن‌قرة‌الحرانی . جمل‌مافی‌هذه‌المقالة من‌هذاالکتاب فی‌القضاء من‌النجوم علی‌الحوادث . الباب الاول فی‌صدر الکتاب ... یط فی‌المثلثات و اربابها من‌الکواکب (پایان گ۱ب) والهواءالذین تحویهما وتغیرهما حرکات الاثیرو تحویان وتغیران‌بتغیرهما سائرالاشیاء مثل‌الارض‌والماء ومافیها من‌النبات والحیوان فامربین عندجمیع‌الناس (س۱و۲ گ۲الف و آغازباب۲ مقاله۱ برابرباس۲۱و۲۲ گ ۵الف ش۴۷۴ ازگزارش ابن رضوان) .

انجام: الباب‌السادس فی‌الاصدقاء والاعداء . اماحالات‌المحبة والبغض‌الذی‌یسمی ماکان منها اعظم واطول مدة، صداقة وعداوة ، ویسمی ماکان منها اقل واقصر مدة ، المواصلة والهجران... واماالزیادة‌والنقصان‌فی‌قوةالمواصلة‌والهجران، فینبغی‌ان‌یعلم‌من حال‌المواضع التی‌توجد اذا قیست‌الاربعةالمواضع الاولی‌الرئیسة وذلك انها اذاکانت (ازباب۶ مقالهٔ۴ برابر باس۱۷ و۱۸ گ۱۵۶ب و س۱۷_۲۰ گ ۱۵۸ب ش ۴۷۴ ابن رضوان) .

(۸۷گ) --- کاغذ سمرقندی ــ جلدتیماج [illegible] ضربی کهنهٔ متوالی، حاشیه‌[illegible] و درون [illegible]
اندازه: ص۱۱×۲۲ و۸×ص۱۶س۱۵

[۸۷۳] ارتفاع آفتاب وستارگان (رسالهٔ ..) (فارسی)

در این نامه که در بیست باب است ازچگونگی پیدا کردن ارتفاع آفتاب و ستارگان گفتگو گردید و۲۲باب است .

آغاز: بسمله وبه نستعین . چون خواهی ارتفاع آفتاب از کره بدانی بحسب دائرهٔ نصف‌النهار راست‌کند بر کسی چنانکه برتربیع کره راست باشد .

انجام: بروسط‌السماء آمده باشدگوئیم باین‌درجه درممرمیگذرد . والله اعلم بالصواب .

[۱۰۳۷]

۹۵۷ این نسخه ش۴ دفتراست وبخط نستعلیق شکستهٔ سیدمحمدباقر بن محمد حسین ـ الحسینی منجم درروز سه‌شنبه ۶ع۲سال ۱۲۵۸ گ ۶۸الف ـ ۷۰الف .

(همه دفتر۱۰۳گ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج [illegible]
اندازه: ص۱۹٫۵×۱۷ و۶×۱۴س۱۴

[۸۷٤] ارشاد در علم اصطرلاب (فارسی)

ناصرالدین احمدبن حیدربن محمد شیرازی دراین نامه که پنجاه باب نیز گویند درباب ۱۲ (گ۱٤۷الف) ازاسطرلاب ساختهٔ استاد بهاءالدین عمربن دولت شاه بن محمد کرمانی (سلمه‌الله) در۶۹۷ یادمیکند ودرباب ٤۹ میگوید: «وماهر بیست درجدول ثبت کرده‌ایم ... دراول سنهٔ (۶۹۷)هجری موافق سنه ۶۷۳ یزدجردی (ذریعه ج۱ص۵۰۸ــریوص٤۵۵)درنسخهٔ ما درهمینجا (گ۱۸۷الف)دارد» ...سبع وستین و ثمانمائه الیزدجردیة[برابر با ۸۹۱]» و باید درست نباشد چه شیرازی درروزگار استاد کرمانی میزیسته واز زندگی علمی اودر۶۹۷ یاد میکند. درنسخهٔ طوس هم گویا چنین نوشته بود ودرفهرست آنجا آمده که کرمانی در۸۶۷ (یزدگردی) این نامه بپرداخت (ش ۸) نسخهٔ مجلس نوشتهٔ ۷۷۳ ونسخه سپهسالار هم بتاریخ ۷۷۲ است پس باید کرمانی پیش از آن این نامه رانوشته باشد (ذریعه) ازگفتار کرمانی درباب ۳۳ که وقت نمازرا میشناساند آئین اوبدست میآید واو برای ابوحنیفه و شافعی ارج میگذارد. نگارندهٔ ریاض همین کتاب را در آمل دیده است. فهرست پنجاه باب پس‌از دیباچه آمده است.

آغاز: بسمله و به‌نستعین. شکروسپاس بیحدوعدآفریدگاری جل‌جلاله که مبدع زمین وزمان‌است ومحرك‌افلاك وستارگان است... چنین گوید مولانای‌معظم جاسوس‌افلاك ناصرالدین‌احمدبن حیدربن محمد الشیرازی ادام‌الله ایامه که جمع کردیم مختصری در علم اصطرلاب و نامش «ارشاد» نهادم.

انجام: اعمال صحیح‌است والا ازسر گیرند تاعمل درست حاصل کنند واین قدر کفایت است. والله‌اعلم بالصواب (دائرهای‌فلکی بشنگرف در گ۱۹۳الف).

[۱۰۳۸]

۱۰۱٤ این نسخه بخط نستعلیق نزدیك ۱۸۸۹است وعنوانها ورقمها وجدولهاوشکلها بشنگرف میباشد. گ۱۳٤الف ــ ۱۹۳الف.

(همه دفتر۱۹۹گ) ــ کاغذ سپاهانی ــ جلد تیماج زرد ساده

اندازه: ۱۲٫۵×۱۸ و۷٫۵×۱۱ س۱۱

[۸۷۵] **استخراج هلال رمضان** (فارسی)

دراین نامه بروش برهانی آغاز ماه رمضان محاسبه گردید .

آغاز: تقویم آفتاب عندالغروب بود «دکدموج» تقویم قمر عندالغروب بود «ه ح لب یه» .

۵ **انجام** : پس درجه غروب قمر باشد «ه کدو» تمت تم‌تم .

[۱۰۳۹]

۹۵۰ این نسخه شماره۸ دفتراست وبخط نستعلیق میباشد گ۱۶۱الف .

[۸۷۶] **استخراجات درخواستن عمروهیلاج** (فارسی)

ابوجعفر محمدبن ایوب طبری حاسب از دانشمندان ریاضی طبرستان است و

۱۰ نخستین‌بار دفتری پارسی دراسطرلاب‌نوشته بروش پرسش وپاسخ ودرشش‌فصل که در۳۵٤ آنرا بپرداخت وهمچنین در۳٤۵ «زیج مفرد» نوشته است (گاهنامه۱۳۱۱ ص۱۳۰ و۱۳۱۲ص۵۰ـ نمونه سخن فارسی ۵ـ ۲۳) این‌نامهٔاو نیز پارسی‌است درسی دروفهرست آن پس ازدیباچه آمده است .

آغاز: بسمله. حمد صلوة . گویدمحمدبن ایوب‌الحاسب‌الطبری که ازدشخواری

۱۵ شناختن حالهاء اجل مردم وبقاء ایشان اندرجهان وبدان‌حکم کردن تاآن حدشده است که هرکسی‌را در وی‌طعنی دیگر شده است بر درستی قاعدهٔ اصل این علم .

انجام : واین شرطها بجای آرند واین گفته اندرمعنی کفایت است متصرفان‌این علم‌را واین کتاب تمام شد .

[۱۰٤۰]

۲۰ ٤۸۰ این نسخه ش۲ دفتر وبخط نستعلیق است‌با عنوانها وجدول و رقم شنگرف از باقیجان محمد فولادکاتب بخاری نزدیك ۱۰۵۵ گ ۵۳ب ـ ۸۸ب .

(همهٔ دفتر۱۱۵گ) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج‌سرخ ضربی

اندازه : ۱۶×۱۸٫۵ و۸×۱۳ س۱۵

[٨٧٧] **اسطرلاب (رسالة...)** (فارسی)

دانشمند ستاره‌شناس ابی الحسین عبدالرحمن بن عمر صوفی رازی (٢٩١-٣٧٦) نگارندهٔ «صور الکواکب» در این نامهٔ پارسی از اسطرلاب گفتگو نموده و آن در ٤٦ فصل است.

آغاز: بسمله. سپاس ایزد تعالی را که آفرینندهٔ بندگان است و دارندهٔ زمین و آسمان است ... چنین گوید عبدالرحمن بن عمر المعروف بابی الحسین الصوفی رحمة الله علیه چون دیدم که همه کس را بدین علم رغبت است و شناختن سطرلاب را هر کسی خواستارند.

انجام: سی و هفت درجه از دست راست برود آنجا که شرقی عضاده بود و قبله بود. والله اعلم.

[١٠٤١]

٤٨٠ این نسخه ش ٣ دفتر است و بخط نستعلیق با عنوانهای شنگرف باقیجان محمد فولاد کاتب بخاری نزدیك ١٠٥٥ گ ٩١ ب - ١١٢ ب.

[٨٧٨] **الاسطرلاب (رسالة فی)** (عربی)

در این نامه که ١٥ فصل است نام نشانه هائیکه در اسطرلاب شمالی دارای صفحه‌ها نگارشده یاد میگردد و آن در یك مقدمه و ١٥ فصل و یك خاتمه است.

آغاز: بسمله. الحمدلله حمدا یلیق بجلاله ... فهذه رسالة مختصرة اذکر فیها اسماء الرسوم المرسومة علی الالة المسماة بالاسطرلاب الشمالی ذات صفایح و بعض اعمالها.

انجام: مع زیادة نصف التعدیل فی الشمال واسقاطه فی الجنوب. والله اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب.

[١٠٤٢]

٨٨٥ این نسخه ش ٥ دفتر است و بخط نسخ نزدیك ١٠٩١ گ ٦٠ ب - ٧١ ب.

[۸۷۹] **الاسطرلاب (رسالة فی...)** (عربی)

دراین نامهٔ تازی روشن شده است که چگونه اسطرلاب‌را بکار برند و ۲۱ فصل میباشد.

آغاز: بسمله ... الحمدلله رب العالمین. هذه رسالة فی کیفیة العمل بالاسطرلاب وفیه احدی وعشرون فصلا. الفصل الاول فی الاسامی والاصطلاحات. الاسطرلاب آلة الیونانیین و اسمها اسطرلابون ای مرآة النجوم ولهذا ترجمه حمزة الاصفهانی بآینهٔ ستاره یاب وقیل معناه میزان الشمس فان الاسطر بلسان الروم هو المیزان و اللاب الشمس وقیل غیر ذلك.

انجام: فان الذکی برشده ماذکرناه الی استخراج اعمال کثیرة بالاسطرلاب و البلید لاینتفع به باضعاف ذلك والحمدلله رب العالمین. والصلوة علی سید المرسلین.

[۱۰۴۳]

۹۰۲ این نسخه ش۶ دفترست وبخط نسخ و نستعلیق باعنوانها وشکلهای شنگرف از نوح بن هابیل بحرانی درازی گ۲۱۸ب ـ ۲۲۵ ـ این دفتر در ص۷ و۸ و۴۵ اینفهرست شناسانده شده و پیداست که نویسندهٔ آن درسده ۱۲ میزیست و در گ۱۴۷ب دارد که شیخ سلیمان آنهارا درسه جلد نوشت ودر۱۶ رجب ۱۱۲۱ روزشنبه درگذشت وچهارمی را نرسید بنویسد. او درنیمهٔ رمضان ۱۰۷۵ زاده و ۴۵ سال وده ماه ویکروز بزیست.

[۸۸۰] **اسطرلاب مسطح** (فارسی)

ابوالخیر محمدتقی بن محمد فارسی شاگرد غیاث منصور دشتکی دراین نامه از اسطرلاب گفتگو نمود ودر آغاز میگوید که گروهی آنرا فارسی دانسته واز «ستاره‌یاب» گرفته‌اند وبزبان پهلوی جام جهان‌نما میگویند (ش۶۰ طوس ـ گاهنامه ۱۳۲۱ ص۸۹).

آغاز: بسمله خوبترین صورتی که ازحجره خیال ببارگاه مقال جلوه گر آمد ... وبعد فقیر ابوالخیر محمدتقی الفارسی دربن صحیفه صفحه اسطرلاب مسطح وسایر ادواتش‌را بیانی لایق ونکات ورموز آنرا کشفی وحلی موافق نماید و طالبان‌را از ابواب واساطیر قدیم که دراین باب ترقیم نموده‌اند مستغنی میسازد ورساله‌را بر آغاز

وچند سطر وانجام مرتب میدارد .

انجام : چه دراکثر اسطرلابها این کواکب نقش کنند. والحمدلواهب العقل ومفیض العلم .

[۱۰۴۴]

این نسخه بخط نستعلیق با نشانه‌ها وعنوانهای شنگرف میباشد. درپایان دارد: ۵

۹۵۴ قد وقع الفراغ من تسوید هذه الرسالة الشریفة المبارکة فی یوم الاربعا شهر جمادی الثانی احد وسبعین بعد الف علی ید العبد الضعیف الحنیف المحتاج الی رحمة الله المنیف حسن بیک بن حاجی لطف الله یزدی ۲۱۸۳ ؟

([illegible]) – کاغذ فرنگی – جلد تیماج [illegible] [illegible]

اندازه : [illegible] سطر ۱۰

[۸۸۱] اشجار و اثمار ۱۰×۲۰ و ۵×۱۷ (فارسی)

علاء منجم مستاره‌شناس درغانی بخاری نگارندهٔ «احکام الاعوام» زنده در ۶۹۰ از نزدیکان دستور شمس الدین سیف الاسلام محمد بن صدر سعید سیف الدین احمدشاه بن مبارک شاه بوده ودرسرپیری این دفتر را برای دوفرزند او بدرالدین مبارکشاه وسیف الدین احمدشاه دره شجره هریک چندین شعبه وثمره نوشته است. از آن برمیآید که این ۱۵ دو شاگرد او بوده و مقدمات وحساب هندی وزیج جدید وعمده ایلخانیه (گزیدهٔ همین بخاری) را پیهم فراگرفته‌اند (ش۳ و ٤طوس و۱۵۳ مجلس) وبآموختن مجمل اصول احکام کوشیار پرداختند وازاو درخواستند که دفتری گسترده‌تر بسازد واو این را نگاشته است. بخاری ازصفی الدین عبدالمؤمن وموسیقی اویاد میکند (۱٤۱ ب ش ٤۹۸ و۱۵۵ الف ش ٤۹۹) . ۲۰

او درثمره ۱ شعبه ۵ شجره ۵ میگوید چهار ساله بودم که بتبرستانم فرستادند وخوب بپروردند و درسال ده بخطایم بردند ومن بیشتر شیفتهٔ شعر بودم . پدرم آشنای بهنر استیفا بوده ودرروزگار مغول ببازرگانی بپرداخت و بهرسوی میرفت. دراین هنگام آهنگ ترکستان کرده بود. من بدوازده سال رسیدم و پدرم نبود ودربخارا محمود تارابی بکمک رندان چهارده روز پادشاهی کرد واورا سپاهیان مغول بکشتند ۲۵

واین درسال ۶۳۵ بوده‌است. آنها میخواستندمردم شهررا بیرون کنند و گرفتارشان سازند وبکشندکه محمود بلواج زود ازخجند پیکی فرستاد ومردم ازبهتم آنها برستند. مادر مادرم ازخاندان امیراسمعیل سامانی خداوند وراروددوخراسان ویار خلیفه آنروزبوده است وپدراو ازترکان غور. پدرم‌چهاردهمین‌فرزندمضراب‌جهانگیر خوارزمی یارابومسلم خراسانی دربرانداختن مروانیان بوده واین مضراب مردی دلیر وجنگجو بوده ازروستای درغان‌خوارزم بسوی بخاراکه درهمان خاك آسوده است. مادرم چون دیدکه ستاره‌شناسان دربار‌ه‌ام گفته‌اندکه گردشها کنند و بویژه سوی باخترروود وداستان تاراتی هم بدید باخویشان این‌را درمیان نهاد. سرانجام گفته‌اندکه اورا بموزه دوزی دهید. استاد موزه دوز هم ازخویشان پدرم و خود مقری بود وخوش آواز. چون‌دید مرا طبعی وآوازی هست ازموسیقی چیزی‌بمن آموخت. همه‌میدانندکه خوارزمیان کلام‌وموسیقی وورا‌ودیان‌فقه وتفسیروحدیث نیکو شناسند. استادمرا نزدشیخ خودبرده‌و گفت‌که پسرشمس‌الدین محمددرغانی ازپیروان‌پیشین شمااست‌وخود اکنون دراینجا نیست‌ومن اینهنگام هفده‌سال‌داشتم. به‌بیست ودوکه رسیدم بدربارشاهان وبزرگان‌رسیدم ودوستان بسیار یافتم‌ونامور گشتم وتا چهل ویکسال روزبروز خوشتر میشدم ودانشم بیشتر‌میشده است.سپس بافرمانروایان وسپاهیان بارگشتم ودرهراس بوده وآسایشی نداشتم. خواستندمرا نزد شاهی برندکه نشد. دراین هنگام کشتار وخشکسالی وستم بسیار میبود ومن بااینکه هنرمند وبا فرهنك بوده‌ام وخودرا نزد بزرگان میرساندم باز بخواری و نیازمندی دچار میشدم. باری تا۶۰سال دررنج وترس بسربردم آنگاه بنزدوزیران وخواجگان راه یافتم مگراینکه چندان خوشی بهره‌ام نگشت وفرزندانم بمردندو بیماریهای‌سخت روی‌داد ودرزمین عراق‌رنجها بمن‌رسیده ومیرسد وشاید اگرزنده بمانم پس از۶۸سال آسایش وخوشی دست دهد. (گ ۱۵۰ب - ۱۵۲الف ش۴۹۹ درنسخهٔ شماره ۴۹۸ چنین چیزی دیده‌نشد وپیداست که نویسندگان درآن دست برده‌اند) بخاری درسراسر ایندا‌ستان‌اختران وستارگان‌رادرزندگی خویش‌دخالت

میدهد. از آن چنین برمیآید که اودره٦٣ دوازده ودرهنگام نگارش ایندفتر میان ٥٦و٦٨سال داشت‌پس‌او در٦٢٣زاده‌است ومیان٦٧٩ و ٦٩١اشجار واثمار بساخت

آغاز: بسمله. حمدو ثنا آفریدگاری‌را که‌افلاك دوایرو نجوم‌سوایر بیافرید... چنین‌میگوید‌مؤلف این‌مسوده‌علیشاه‌بن محمدبن‌قاسم‌الخوارزمی‌المعروف‌بالبخاری

انجام: اگرچه‌این‌بنده‌خودرا درصدد(صداد) مصنفان‌ندانست نشانه‌ساخت وازحق سبحانه (خدای) تعالی توفیق خواست بساختن او. والله ولی التوفیق وهو حسبنا ونعم‌الوکیل (نعم‌المولی ونعم‌النصیر والحمدلله اولا وآخرا والحمدلله رب ـ العالمین).

[۱۰٤٥]

٤٩٨ این نسخه بخط نستعلیق است در جدول شنگرف و با عنوانهای شنگرف. ک۱ب ـ ١٤٥.

(۳۱۴۸ـ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج قهوه‌ای ضربی متوالی فرسوده
اندازه: ۱۴×۲۴ و۷×۱٦ س۱۵

[۱۰٤٦]

٤٩٩ این نسخه‌ش۱ دفتر است وبخط نستعلیق درجدول‌سیاه وشنگرف باعنوانهای شنگرف واندکی بانسخه بالا جدائی دارد که برخی از آن درمیان دو کمانه نموده شد.و نام مخدوم‌زادگان (بدرالدین وسیف‌الدین) دردیباچه برده نشد. ک۱ب ـ ١٥٨الف. در گ١٦٠و١٦١ب و١٦٢ الف‌عباراتی‌هندی بخط‌فارسی‌هست ودر١٦٢الف‌زایچه‌ای‌بسال ١٢٦١ نوشته‌شد.در١٥٩ب مهرصفی‌الدین محمدخان هست.

(هفه دفتر۱٦٦۳ـ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ ضربی دولا
اندازه: ۱۴×۲۵ و۷×۱۷ س۱۷

[۸۸۲] اعمال ضرب (رساله در...) (عربی)

میرشمس‌الدین محمد گیلانی شاگرد شیخ‌بهائی‌دراین نامه که گزارشی است برخلاصة‌الحساب استاد ازضرب توشیح و محاذات واصفار که میگوید در کتابهای مشهور نیامده است گفتگو نمود.

آغاز: بسمله. هذه نبذة من‌بیان اقسام‌الضرب الذی لم یذکر فی‌الکتب المشهورمن‌التوشیح والمحاذات والاصفار.

انجام: فاجمع الحواصل هكذا . . . وبذلك تم شرح میرشمس محمدالجیلانی علی خلاصة الحساب وهومن تلامیذ المصنف رحمه‌الله .

[١٠٤٧]

این نسخه ش٧دفتر است وبخط نستعلیق محمدباقر بن محمدحسین بن بدیع الزمان
٥ ٩٥٧ حسینی منجم دررمضان ١٢٥٧ - گ١٠١الف - ١٠٣الف . برگهای ٨٥ تا ١٠٣آب دیده است .

[٨٨٣] اعمال موالید (فارسی)

دراین نامه مبحث اعمال موالید در٧ فصل گزین شده و در آن از کوشیار (گ ٢٠٠ب) وهمچنین از آغاز سال٥٤٤ ملکی که میخواهد استخراج نجومی کند(١٩٩
١٠ الف) و٨٩٣یزدگردی (٢٠١الف)و٨٦١ ملکی(٢٠٠الف)یادگردید. نامه گزارش ومتن است .

آغاز: این انتخابی است دراعمال موالید . فصل اول درنمودارات . زعم حکما آنستکه انسانرا هرچه عارض میشود ... منشأ همه زمان ولادت است ... (هرگاه وقت ولادت بتحقیق ندانند اما بتخمین معلوم باشد ـ متن ١٧٢ب) .

١٥ **انجام** : ودر مبدء تاریخ ملکی پانصد وهشتاد سال از سالهای آفتاب گذشته باشد (متن ٢٠٠الف) ... وچون اهل احکام راترتب آثار برتبدل این‌فصول وادوار اعتقاد تمام است آنرا ذکر کردیم والله‌اعلم بالصواب والیه‌المرجع والمآب وصلی‌الله علی محمد ... والحمدلله اولا و آخرا .

[١٠٤٨]

٢٠ این نسخه ش١١ دفتر است وبخط شکسته نستعلیق دریاباری و متن زیـر خط
٩٥٠ شنگرف وسیاه است وجای جدولها سفید گذارده‌شده . گ١٧٢ب- ٢٠١الف. درگ٢٠١ب تا٢٠٣الف٥ بنداست درمعرفت سهم‌الحوادث درخانهای کواکب وظهور واختفای کواکب واستخراج تقویم بدیدار تقویم عتیق و کیفیت دخول بلـد و جدول زوال درجمیع بلاد و درگ ٢٠٣ب پاره‌ایست اززیج عمده ایلخانیه (فصل در
٢٥ ذکر طالع) از علاء بخاری .

[۸۸٤] **انعکاس الشعاعات وانعطافها** (عربی)

خواجهٔ طوسی دراین گفتار از انعکاس و انعطاف شعاع که از او پرسیده‌اند
پاسخ میگوید .
آغاز: بسمله وبه نستعین . قال المولی العلامه استادالبشر نصیرالحق والدین
قدس سره وقدسئل عن هذه المسئله: اقول مباحث انعکاس الشعاعات وانعطافها مبنیة علی ۵
مقدمات وهذه هی مقدمة : الشعاع یمتد متصلا من ذی الشعاع الی قابله من غیر تراکم
ولاتخلل خال عن الشعاع فی موضع من ذاك الامتداد .
انجام : ذاك الموضع علی وضع خاص من ذی الشعاع وذلك مااوردناه . تمت
الرسالة الشریفة .

[۱۰٤۹] ۱۰

۸۲۱ این نسخه ٦ دفتر است و بخط نسخ گ ۱۲ ب - ۱۳ ب .

(همه دفتر ۱۱۲ گ)- کاغذ فرنگی — جلد مقوا
اندازه : ۱۸×۵ر۲۲ و ۱۰×۱٦ س ۱۸

[۸۸۵.۸۸۸] **انگشت شماری** (فارسی وعربی)

۱۵ دربارهٔ شمارش بابندهای انگشت یا حساب العقود (Dactylonomie) این
حرب ارجوزه‌ای دارد. آنرا یکی ازفروع علم حساب بشمار آورده و گفته‌اند که فردوسی
طوسی دراین بیت « کف شاه محمود والاتبار ـ نه اندر نه آمد سه اندر چهار » که در
نکوهش محمود غزنوی سروده است اینگونه شمارش را میخواهد ودر آن بخل او
را میرساند. آقای جمالزاده گفتاری رسا دراین زمینه ساخته که در فردوسی نامهٔ
۲۰ مهر ص ۲۵-۳٤ بچاپ رسید وخود میگوید که از گفتار J.G.Lemoine درمجلهٔ
تحقیقات اسلامی بفرانسه (دفتر یکم سال ۱۹۳۲) بهره بردم. طاش کبری زاده در
مفتاح السعاده (۱:۳۲۹)ازرساله شرف الدین یزدی یادنمود که دراین باره است(نیز
چلبی ۱:٤۳۷)- چهار گفتار درهمین انگشت شماری در اینکتابخانه هست که اینک
شناسانده میشود .

۱ ـ از شرف الدین علی یزدی م یزد ۸۵۸ و نگارندهٔ ظفرنامهٔ تیموری در ۸۲۸، بپارسی که نسخهٔ آن در طوس هم هست (ش ۶۷) او «کنه المراد فی علم الوفق والاعداد» در ارتماطیقی و کتابی در اسطرلاب هم دارد (گاهنامه ۱۳۱۱ ص ۱۴۵ ـ شماره ۲۸ (۴ سال ۳) آذر ۱۳۲۱ مجله آینده ص ۱۶۸ ـ ۱۸۰).

۵ **آغاز**: من افادات مولانا شرف المغفرة والدین علی الیزدی غفرالله له. بسمله بعد ازحمد پروردگاری که اصناف الطاف بیغایت ... نموده میشود که: وزده صورت ازهیئات اوضاع اصابع بربدایع انسانی بازاء عقود اعداد وضع کرده‌اند.

انجام: چنانچه سر ناخن ابهام برابر باشد وطرفش بطرف او متصل.

[۱۰۵۰]

۱۰ این نسخه ش ۳۲ دفترست و بخط نستعلیق شکسته درجدول زرین و لاجورد ص ۲۸۱ـ۲۸۲ ودرپایان دارد: صورة خط حضرت سالك محمد: تمت الرسالة **۱۰۳۵** الشریفة الشریفیة علی اناملِ واخذ من اسباط مؤلفه رحمه الله فی دارالسلطنة اصفهان فی تاریخ ذی حجة الحرام سنة ثمان وعشرین بعدالالف وهوابن مؤید سالك الدین محمد الحموی الطبیب غفرالله له ولوالدیه ولجمیع المؤمنین» پس سالك الدین محمد حموی یزدی
۱۵ پزشك فرزند مؤید و نواده شرف الدین یزدی درسپاهان در ذی حجه بسال ۱۰۲۸ نسخه‌ای را نوشته و گواهی میدهد که از نیای اومیباشد ونسخهٔ مـا ازروی آن میان ۱۰۹۸ و۱۰۹۹ بدست شهاب الدین دیباجی نوشته شده است. دردنبال قاعدهٔ ضرب مرکب درمرکب است باتضعیف بشماره بزرگترین رقم مضروب.

۲ ـ ازاحمد حسنی یمنی بتازی دریك مقدمه (دربارهٔ انگشتهای مخصوص به
۲۰ مرتبه‌های عدد) وچهار فصل (شمارش یکه‌ها، دهه‌ها، سده‌ها، هزارها) ویك خاتمه (شمارش همهٔ اینها باهم).

آغاز: قال احمد الحسنی الیمنی: هذه رسالة فی بیان ضابطة عقودالاعداد وتفاصیل صورها. مقدمة: الصور التی وضعها اهل الحساب بازاء عقود الاعداد من واحـد الی عشرة آلاف تسع صور ماخوذة من هیئات اصابع الیدین.

۲۵ **انجام**: الثالث الجمع بین اربع صور منها کصورة (نسخه کامل نیست).

[١٠٥١]

١٠٧٩ این نسخه ش٣٠ دفتراست وبخط نستعلیق ص١٨٢ - ١٨٣ .

٣ ـ پاسخی است بپارسی بپرسش شاه‌صفی (١٠٣٨ ـ ١٠٥٢) که ازگفتار فردوسی : «نه اندرنه است وسه‌اندرچهار» درنکوهش محمودترك غزنوی‌پرسیده، پاسخ دهنده شاگرد شیخ بهائی است وکافی رانزد اومقابله نمود . اودر اینجا پس از دیباچه‌ای دربارهٔ اینگونه شمارش ازشاه بمانند مرده نام‌میبرد ومیگوید که اواز من آن شعررا پرسید ومن چنین‌پاسخ دادم وباقاعده انگشت‌شماری‌آن را گزارش نمودم . اوازشیخ بهائی‌هم بمانند مرده‌نام میبرد وازحدیث «اسلم ابوطالب بحساب الجمل. وعدبیده ثلثة اوستین» وحلی که شیخ بهائی وپدراو وابن بابویه دربارهٔ‌آن کرده‌اند یادمیکند (بنگرید بهص ٥٢٤ همین فهرست) .

آغاز: بسمله. بعدالحمدوالصلوة. ازافصح‌الشعراء والمتکلمین بندهٔ باخلاص خاندان طیبین و طاهرین حکیم فردوسی ... دربسیاری ازنسخ معتبره .

انجام : بلکه دردو دست زیاده ازعددصد استنباط نکند .

[١٠٥٢]

٩٤٤ این نسخه ش٥ دفتراست وبخط نستعلیق داودبن محمدشریف در١٠٩٣ گ ١٧٣الف - ١٧٧الف .

٤ ـ گفتار دیگری است بپارسی دربارهٔ همین گونه شمارش .

آغاز: دربیان عقد انامل . درنظر ارباب دانش جلوه‌گر میگردد که نوزده صورت ازهیآت واوضاع اصابع .

انجام : برسر تسعین کنند چنك شبانه روز - درگه عشرین زچنك هر دو معاف است . من کتاب فرهنك .

[١٠٥٣]

٩٤٤ این نسخه ش٦ دفتر است وبخط‌نستعلیق داودبن محمد شریف در١٠٩٣ گ ١٧٧الف ــ ٧٨ب.

[۸۸۹] **اوزان شرعی** (فارسی)

شیخ بهائی دراین نامه که در ۱۲ فصل است و برای سلطان محمد پادشاه خدابنده صفوی (د ۹۸۰) نوشته از واحدهای وزن ومساحت شرعی گفتگو نمود وپس از کاوش دربارهٔ کر ازروی وزن ومساحت ووزنهای شرعی دیگر قاعدهائی هندسی وحسابی
5 آورده ودستور اندازه گیری آبگیرهای گوشه‌دار یاگرد وهلالی ونعلی و اهلیلجی وشلجمی یادارای بیشتر ازیك زینه‌یاد نمود(۱) .

آغاز : بسمله الحمدلله رب العالمین ... وبعد برضمائر اولی الابصار هویدا و ظاهر است .

انجام : پس حوض مذکور زاید بر کر باشد بمقدار دوشبر ویك‌ثمن شبری .
10 والسلام علی من اتبع الهدی .

[۱۰۵٤]

این نسخه ش ۳ دفتر است وبخط نستعلیق ریز با عنوانهای شنگرف تاریخ ۲۷
۹۵۷ محرم (ذوی‌ئیل) ۱۲۰۲ گ ۵۸الف - ۱٦۷الف - در گ ٦۷ب قاعده‌ایست برای دانستن زندگی ومرك غالب وحساب ابجدی درباره نام علی ع .

15 [۸۹۰] **برهان الکفایة** (فارسی)

ایندفتر دراحکام نجوم واختربینی است واز شریف علی بن محمدبن یحیی شریف بکری موصلی میباشدودر آن سخنان فرزانگان را گرد آورد. علامه ستاره‌شناس درغانی بخاری دراحکام الاعوام خودازآن نام برده است(ص ۸۱۸ همین فهرست) تهرانی در گاهنامه ۱۳۱۲ درفرهنك ستاره‌شماری که نوشت از آن بهره برد (ص ٤۹) ودر گاهنامهٔ ۱۳۱۰
20 ص ۹۱ ازچلبی (ج ۱ ص ۱۹۵) ازبکری وبرهان الکفایة اویاد نمود. گزیدهٔ آن ش ٤۹٦ دراینکتابخانه‌هست. درذریعه (ج ۱ ص ۲۹۱ وج ۳ ص ۱۰۰) میگوید : شیخ ابی الخیر تقی الدین محمدبن محمدفارسی شاگرد امیرصدرالدین دشتکی م ۹۰۳ احکام

۱ ـ محمد مؤمن بن علی حسینی نیز برای محمدقطب شاه (۹۸۹-۱۰۲۰) رسالهٔ در اوزان ومقادیر نوشته است (ش ٦٦ و ۹۵ طوس) مجلسی نیز اوزان المقادیر دارد که
25 بامسکنة الفواد شهید درتهران بسال ۱۳۱۰ بچاپ رسید .

الاحکام» فارسی خودرا ازروی «برهان الکفایه» باافزوده‌هائی از گفته‌های بطلیموس ودیگران نوشته‌است وعنوانهای آن «لمعة . لمعة» میباشد. برهان الکفایه‌را منتخب وگزیده‌ای هم هست .

آغاز: بسمله و به نستعین . الحمدلله الذی خلق الخلق علی غیر مثال بعزته و ابتدع الاشیاء بقدرته ... و صلی الله علی محمد ... تسلیماً کثیرا . اما بعد : بدانك علم نجوم بردوقسم است یکی را ازوی علم حساب وهندسه وعلم کلی خوانندودوم ازوی علم احکام است ... که طالع زمانی وخداوند او. والله اعلم . وچنین گوید علی بن محمد بن یحیی الشریف البکری الموصلی المنجم رحمه‌الله از بس کـه بدیدم وبخواندم واحکامهای استادان وکتابهای ایشان مطالعه کردم چنان عزم اتفاق افتاد که اینکتاب تصنیف کنم... واین کتاب‌را جمع کردم ازاقاویل حکمای متقدم ومتأخر ... و نام کردم این کتاب گزیده‌را برهان الکفایه .

انجام : بیشتر منجمان اندربیرون آوردن اوقات بعاجل الحال عاجز آید و سخنانشان بیشترخطا افتد. والحمدلله رب العالمین والصلوة والسلام علی رسوله محمد وآله اجمعین .

[۱۰۵۵]

این نسخه بخط نستعلیق درجدول شنگرف وباعنوانهای شنگرف میباشد ، درپایان دارد : «سنه ۹۹۵ تحریر فی التاریخ شهر شعبان المعظم رحمة‌الله» آنگاه مهر« یا رحمة‌الله» هست . نسخه‌ای ازاین در دانشکده حقوق هست

(۱۷۰ص) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج سرخ ساده دولا ومقوائی

اندازه : ۱۵×۲۷ و ۱۰×۱۸ س ۲۳

[۸۹۱] **بهجة الرواح** (فارسی)

این نامه درموسیقی است ودارای یك مقدمه (هرمقامی ازچه گرفته شده) و ده باب (مبدء این علم ــ گفتار گروهی از فرزانگان دربارهٔ آن ــ نسبت آن با هستی مردمی ــ نسبت آن باستارگان هفتگانه ــ بحرها واصول حرکتها برحسب ضربات ــ در بیان این علم در هنر نظم ــ ترکیب پرده عطارد وزهره ــ هرکسرا چه نغمه‌ای

مناسب است ـ هر پرده چند بانك است ـ رفتار موسیقی‌دان با گرانمایگان وفرو-
مایگان) و یك خاتمه (نسبت پردها باستارگان وعنصرهـا وچهار فصل) میباشد.
نگارنده آن در دیباچه «عبدالمؤمن بن صفی‌الدین بن اعزالدین‌بن محی‌الدین بن
نعمة‌بن قابوس‌بن وشمگیر جرجانی» یاد شده که این نامه را برای محمود غزنوی
۵ (۳۸۸ـ٤۲۱) بنام «بهجة‌الرواح» نوشته است. ازخود نامه گذشته ازسبك پیداست
که پس از آن روزگار نگاشته شده چه‌در آن ازعطار نیشابوری گشته در ٦۱۷ یاد
میشود واز منطق‌الطیر اومیآوردواز شیخ‌العارفین نجم‌الدین‌صاحب فصوص‌روحانی
نام‌میبرد (باب۲ گ۵۷ب و۵۸الف) .نگارنده‌ازامام فخرالدین‌طاوس‌هروی‌و کتابش
بنام «تهجی موسیقی» واز فرزند خود ضیاء‌الدین محمد یوسف وسعدالدین محبی
۱۰ ابادی وشمس‌الدین کازرونی ومیرفخرالدین واسحاق موصلی وسیدحسین اخلاطی
یادکرده وهمه را از استادان این هنر دانسـت (باب ۱۰ گ ٦۵ الف ـ ٦۷ الف ـ
٦۸ الف) .

درباب۳ (گ۵۸ب) ازشیخ رییس ودرباب۵ (گ۶۰الف) ازغلام‌سلطان‌ملکشاه
یادکرده ودر خاتمه بیتی بتازی از ازرقی شاعر آورده است (۷۰ب) و در همینجا
۱۵ (گ۷۰ب و ۷۱الف) میگوید که باید این‌هنررا ازبازاریان وپیشه‌وران ونادانهـا و
فقیهان و واعظان و زنان و غلامان درم خریده و احمقان مخنث و قرآن خوانان
بدومکاریان‌وقاضیان دورداشت ودرپایان‌میگوید که ایندانشمندان‌افزارموسیقی‌و
طرب بساختند : افلاطون وارسطو وجالینوس وبوعلی واسحاق موصلی و ابن‌طائی
ومحمد امین طاوس ـ پیداستکه نامه از صفی‌الدین عبدالمؤمن‌بن یوسف‌بن فاخر
۲۰ بلخی ارموی آذربایگانی (۶۱۳ـ۶۹۳) نیست (ص۱۰٦ اینفهرست) .
در ذریعه ازاین یادشده (ج۳ص ۱٦۲) .

آغاز: الحمدلله رب‌العالمین... والصلوة ..علی‌خیرخلقه.. محمدو آله‌الطاهرین...
فهذه رسالة شریفة وجیزة ، الباهرة فی‌علوم‌الادوار ... این رسالهایسـت بزرك .. در
علم موسیقی . قال‌العبد... عبدالمؤمن ... که چون‌پادشاه وقطب‌زمان ... عضدالدولة

القاهرة سراج الملة الباهرة خـاقان المعظم شهنشاه مكرم سلطان .. محمود غزنوى طول‌الله عمره ... راغب این فن شریف پس وضع رسالـهٔ موسیقی واجب ولازم است بنابراین فقیر ... این رساله را از زبان تازی و یونانی بلفظ مسلـسل فارسی نقل کردم و به بهجت الرواح موسوم گردانیدم .

انجام : بوسلیك ، حسینی ، حجاز ، نـوا ، کوچك ، بزرك ، رهاوی . تمت الرسالة بعون الملك الوهاب .

[١٠٥٦]

١٩٩ این نسخه ش۳ دفتراست وبخط نستعلیق محمدعلی نزدیك ۱۲۸۷ و در پایان دارد: «این دائره ازقول حکما دربیان دوازده مقام و بیست وچهار شعبه و هشت گوشه وشش اداره وبیست وچهار بحر اصول» (گ ۷۲الف) ودر گ ۷۲ب شکلی دارد از پنج دائرهٔ متداخل و باخطوط که ازمحیط دائره درونی بدائرهای دیگر وصل شده بشنگرف و لاجورد . گ ٥٥ الف ــ ۷۲الف .

شمارهٔ ۱ اینفتر دوگزارش مهذب‌الدین ابی‌نصر محمدبن یحیی بن کرم نحوی وواسطی است برقصیدهٔ شنفری آمیختهٔ بهم گ۱ب ــ ۱۹الف بنستعلیق وشمایل خاقان بشکسته نستعلیق گ ۲۰الف ــ ۵۱الف .

(همهٔ دفتر ۷۸گ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج زرد متوالی تازه

اندازه : ص ۱۷×۲۲ و در ۷×۱۴س ۱۲

[۸۹۲] **بیست باب در شناختن اصطرلاب** (فارسی)

خواجه طوسی در این «بیست‌باب» که از «صدباب» خویش گزین نموده است از اسطرلاب گفتگو نمود . چندین بار بچاپ رسیده یکی در ایران بسال ۱۳۱٦ .

آغاز : بسمله الحمدلله حمدالشاکرین .. این مختصریست درمعرفت اسطرلاب از تصنیف استاد البشر نصیر الملة والدین الطوسی نورالـه مرقده، مشتمل است بر بیست باب . باب اول درمعرفت القاب والات و خطوط ودوائر اسطرلاب .

انجام : درین کفایت باشد . این است تمامی سخن درمعرفت اسطرلاب

[١٠٥٧]

٨٨٨ این نسخه ش۱ دفتراست وبخط نستعلیق باعنوانها ونشانه های شنگرف از محمدبن حبیب نویسنده ش٤ در ۱۱۰٤ گ ۱ب ــ ۱٦ب .

[٨٩٣] پنجاه باب سلطانی در شناخت اصطرلاب (فارسی)

رکن‌الدین بن شرف‌الدین حسینی آملی ازستاره‌شناسان تبرستان است که در روز پنجشنبه ۲۲ ذی حجهٔ ۸۰۰ (۳ دی ۷٦۷ یزدگردی) زاده شده. و تا سال ۸٦۰ زنده بود. او زیج جامع سعیدی برای ابوسعیدکورگان (۸۵۵ - ۸۷۲) در ۱۵ ربیع دوم ۸٦۰ (۲۱ تیر ۸۲٦ یزدگردی) نوشته و در آن میگوید که من در۸٤۲ درشیراز بودم وزیج مفاتح‌الاعمال بطول آنجا پرداختم وپس از برگشت از هند ورفتن بهرات و نگاشتن پنجاه باب سلطانی ازبابربهادر درخواستم که بسمرقند روم وازنورصد کنم. بدستور او بدانجا شدم واینرو زیج (جامع - منقح)را پس‌از گذشتن۱۸ سال ازنگارش زیج شیراز بپرداختم (گاهنامه۱۳۱۱ ص۹ - ۱۳۷ - ش ۱۸۳ و۸/٦٤۲ مجلس).

آملی این‌نامه راکه دردو مقاله است و «پنجاه باب سلطانی» نامیده واسطرلاب را در آن شناسانده است در هرات برای امیرزاده سلطان ابوالقاسم بابر بهادرخان نگاشته ودر٦ع۲سال ۸٦۰ آنرابپایان رساند.

دردیباچه ازبیست باب خواجهٔ طوسی و استیعاب ابوریحان و کامل فرغانی و نگارشهای مولانا شمس‌الدین (محمدعلی وابکنوی بخارائی) نویسنده زیج‌سلطانی درباره اسطرلاب راباد میکند ونوشته‌های پیشینیان رابسنده نمیداند. میگویدمن چندین اسطرلاب برای فرمانروایان ساختم و کار های تازه‌ای در آنها کرده‌ام که کره آسمان را در آن درج نموده‌ام ونامه‌ها درشناختن آن بپرداختم و زیج مفتاح الاعمال برصد مراغه وبافق شیراز نوشتم ودربیشتر مسئله‌های ریاضی با اعمال زیج من‌با اسطرلاب کار کردم. من‌خواستم کتاب جامعی بنویسم که گرفتاریهای‌روزگار نمیگذاشت وبیست‌سال است که گذشت ورساله‌های کره مرکب وآن زیج من‌بپایان رسید مگراینکه نشد آنرا بنام شاهی کنم. دراین مدت‌هم رنجها بردم و از میهنم دورماندم‌وپس ازبرگشت ازهندبکرمان رسیدم ونزدیك بدوسال بدربندان وقحط وچپاول دچار گشتم وزندگیم ازدست برفت. ازآنجاکه رهیدم وبهرات شدم در٦

ع۲ سال ۸٦۰ این نامه بنوشتم وبه« پنجاه باب سلطانی» نامیدم وبنام آن شاه ساختم. رساله دردو مقاله وچندین باب وفصل است. مقاله۱ درذکر مسائل واعمال آن بر صفایح بلاد در۳۸باب. مقاله۲ درذکر مسائل واعمال گذشته برصفحات آفاقی. اودر باب۱٤ مقاله۱ ازروز آدینه۲۱ رمضان ۸۵۹ (۱۲دی ۸۲٤ یزدگردی) یاد میکند (۳٦ب) ومیرساند که اورا پنجاه و هشت سال گذشته بود .

نسخه‌ای از این درطوس (ش۲۱) ودر مجلس (ش۸ر٦٤۲) هست.

آغاز: حمد وثنای بی‌حد حضرت واجب‌التعظیمی‌را جل جلاله که آسمان دل عارفان‌را بانوار کواکب معانی مزین کرد ... چنین گوید ... رکن‌الدین‌بن شرف الدین‌الحسینی الاملی ... که‌چون دراکثراوقات اشتغال این‌فقیر بعلوم‌حکمی بوده .

[۱۰۵۸]

۸۸۸ این نسخه ش۲ دفترست وبخط نستعلیق باعنوانهای‌شنگرف ازمحمدبن حبیب نویسندهٔ ش٤در۱۱۰٤ـ گ۱۷ب ـ ۱۷٦الف.بجای جدولها سفیدست ودرپایان دارد: «چنانکه ذکررفت هم‌توان شناخت چنانکه دراشتباه نیفتد وجدول این است که درپشت این‌ورقه نوشته شده بدوصفحه (باب۲۱مقاله‌دوم ـ بپایان نمیرسد وکم دارد) ودربسیاری ازجاها هم‌سفید است

[۸۹٤] **تحریراصول اقلیدس** (عربی)

اوکلیدس یااقلیدس مهندس نجار یونانی صوری شامی و آورندهٔ جئومطریا (۳۲۳ـ۲۸۵ پیش ازم) درمدرسهٔ افلاطونی دانش آموخته وبدرخواست بطلیموس دوم فیلادلفوس(۲۸۵ـ۲٤٦) پسرلاغوس باسکندریه آمده ومدرسه‌ای درآنجابنیاد گذاردوبپادشاه نیزهندسه میآموخت.چون این‌علم برفرمانروا دشوار آمدازاستاد پرسیدمگرراهی آسانتر درریاضی نیست‌اقلیدس پاسخ داد:«راه‌شاهانه‌در آن‌نیست» یااینکه «شاهانرا برریاضی‌راهی نیست» .

پیش ازاقلیدس فرزانگان یونانی وفوثاغورسیان درریاضی کارکرده بودند و ثاایتتوس درباره عددهای اصم واودکسوس درتناسب جستجوهـا نمودند . اوروی همین کارهاوبدستور فرمانروادفتری در۱۳ گفتار درهندسه‌پرداخت که آنرا«ستوئی‌خیا»

یا «اسطوشیا» و«استقسات» واصول وارکان خوانده‌اند.

کندی میگوید که دودفتر از آپلونیوس(۱) درودگر در ۱۵ گفتار دربارهٔ ساختن پنج جسم که کره بیشتر از آنها را فرا نخواهد گرفت در کتابخانه شاهان یونانی یافتند. بطلیموس از اقلیدس درخواست که آن را حل کند. او آن را گسترده وروشن بساخت وغرض آپلونیوس را آشکار بداشت ودیباچه‌ای برای شناختن آن پنج‌جسم نوشت وهمهٔ آن در ۱۳ گفتار میباشد. پس اصول ساخته آپلونیوس است واز اقلیدس که آن را پاکیزه وروشن بساخت دانسته شد.

ابسقلاوس (هوبسیکلاوس = Hypsiclès) مهندس اسکندرانی (۱۵۰ سال پس از اقلیدس وپیرو او) دو گفتار ۱٤ و ۱۵ اصول را درهمان شهر یافته وازخود هم چیزهائی افزوده و بشاه روزگار خود نیازداد وروی‌هم اصول ۱۵ گفتار شد. کاریکه اقلیدس کرده اینستکه درهندسه دلیلهای استوار بیاورد وبیرهان خلف تمسك نمود.

ثئون وپروکلس اصول را گزارش نوشتند ودماسکیموس فیلسوف سدهٔ ششم که در آتن درس میگفت ودر ۵۲۹ بایران آمده بود. یك گفتار براصول افزود. ایرن (Heron زندهٔ ۵۰م) براصول گزارش نوشته وشکلها را حل نمود وبلیس رومی (گویا بابوس Pappos) گفتاردهم راگزارش نمود. (گاهنامه ۱۳۱۱ ص ۱۵۹)

اصول را حجاج دو ترجمه بتازی کرد هارونی ومامونی که دومی را دانشمندان میپسندیدند. حنین اسحاق نیز آنرا بتازی درآورده و ثابت همین را اصلاح خوبی نمود. ونسخهٔ آن در ۱۵ گفتار درمجلس هست (ش ۲۰۰). خود ثابت هم آنرا ترجمه کرد وبر گفتار ۱٤ و ۱۵ آن گزارش نوشت. ابوعثمان دمشقی ترجمه‌ای را که اسحاق حنین کرده بود اصلاح نمود.

نسخه‌ای از اصول که حجاج داشته بود ٤٦۸ شکل بود وده شکل درمتن دومقالهٔ نسخهٔ ثابت افزوده داشت. (ش ۱۲ فاضلیه) نظیف پزشك گفتار دهم اصول را درنسخه‌ای دید که ٤۰ شکل داشت بیش از آنچه دردست است. همو وثابت وبوحنای قس شکلی

---

۱ - آپلونیوس Apollonius (۲٦۰-۲۰۰) نگارندهٔ مخروطات و تناسب و مکان مسطح وتماس میباشد.

در گفتار یکم نسخه‌ای دیده بودند که بتازی در نیامده بود.

نیریزی و کرابیسی و جوهری و ماهانی و خازن خراسانی (بر گفتار دهم) و بوزجانی واهوازی و ابن راهویه ارجانی و ابوالقاسم انطاقی و سندبن علی یهودی و ابو یوسف رازی (برای ابن‌عمید) بر اصول گزارش نوشتند. گزارش نیریزی ابوالعباس فضل بن حاتم راژیراردوس بلاتینی در آورده و آن بچاپ رسید. ۵

ابونصر عراق رساله‌ای در حل اشکال گفتار ۱۳ اصول دارد. وابوسهل کوهی تعلیقاتی نوشت. ابن‌هیثم در شرح مصادرات شکها بر اصول کرده و پاسخ داد. خیام شرح ما اشکل من مصادرات اقلیدس دارد که در تهران در ۱۳۱٤خ چاپ شد. قاضی بیمارستان ابی بکر محمدبن عبدالباقی فرضی بغدادی م۵۳۵ د گزارشی سودمند بر مقالهٔ ۱۰ اصول نوشته و شکلهارا بعدد نشان داد. ۱۰

امیر زین‌العابدین بن محمد حسینی در روزگار میرداماد تحریر خواجه طوسی را تلخیص نمود (ش۱۸۲ طوس) حسین بن معین‌الدین میبدی حاشیه‌ای بر این تحریر دارد (٤۸ط).

خواجهٔ طوسی در کتاب البلاغ اصول اقلیدس را گزارش نمود و پس از اینکه مجسطی را تحریر کرد اصول را از روی نسخهٔ ترجمهٔ حجاج و اصلاح ثابت در ۱۵ گفتار (ش۱۵۷ مجلس) یا در ۱۷ گفتار (ش۳۳ طوس) تحریر نمود و نسخه‌ای از این دیده‌اند که تاریخ ۲۲ شعبان ٦٤٦ داشته بود (جواهر کلام ص٦۹). ۱۵

اصول را دانشمندان اروپا از روی ترجمه تازی که از اندلس بآنها رسید بلاتینی در آوردند.

متن یونانی و ترجمه لاتینی همهٔ نگارشهای اقلیدس نخستین بار در اکسفرد بسال ۱۷۰۳ و با ترجمهٔ فرانسه درپاریس در ۱۸-۱۸۱٦ بچاپ رسید. یونانی اصول در ۱۵۱۳ ولاتینی آن ۱٤۸۲ چاپ شد. ترجمهٔ تازی آن در قسطنطنیه بسال ۱۲۱٦ (۱۸۰۱) و تحریر طوسی از آن در لیدن در ۱٦۵۷ (۱۰٦۸ه) و در رم بسال ۱۵۹٤ (۱۰۰۳ه) و در تهران بسال ۱۲۹۸ (۱۸۸۰م) و شش مقاله از این تحریر طوسی و ۲۰

ترجمهٔ فارسی آن در کلکته بسال ۱۸۲٤ (۱۲٤۰هـ) چاپ شد.

ترجمهٔ عبری اصول در امستردام در ۱۷۷۹ (۱۱۹۳هـ) چاپ گشت.

اصول را برخی از یسوعیان درچین بزبان تاتاری در آورده و درسدهٔ ۱۷ بپادشاه آنکشور نیاز دادند(۱) چنین است تحریریکه طوسی کرده است:

آغاز: بسمله الحمدلله الذی منه الابتدا و الیه الانتهاء... فلما فرغت عن تحریر المجسطی رایت ان احرر کتاب اصول الهندسة و الحساب المنسوب الی اقلیدس الصوری بایجاز غیرمخل.

انجام: فهذا ماقصدته ... فمن شاء فیلحقه والله الموفق والمعین وعلیه التکلان.

[۱۰۵۹]

این نسخه دارای ۱۵ مقاله که ۱٤ و ۱۵ در آن از ابسقلاوس دانسته شده و بخط نسخ در جدول زرین وشنگرف ولاجورد با عنوانها وشکلها و برخی رقمها بشنگرف میباشد. درآغاز حاشیه‌هائی است از بیرجندی و دیگران. علی بن زین‌الدین بن محمد بن حسن بن زین‌الدین بن علی بن احمد در ۱۰۸۵ آنرا نوشته است. محمدعلی بن مؤمن شارختی قاینی در ۱۱۹۷ دارندهٔ نسخه بوده وخط ومهراو (رب‌نجنی بمحمد وعلی) هست گ ۱ الف و ۱۸٦ الف و ۱۸۷ الف - تاج‌الدین علی موسوی هم آنرا داشت گ ۱ الف. کتاب ۱ ب - ۱۸٦ الف.

(۱۸۷گ - کاغذ سمرقندی - جلد تیماج دوروی ضربی مقوائی کهنه) القطع: ۱۳ × ۲۱٫۵ و ۷٫۵ × ۱۵٫۵ س ۱۷

[۸۹۵] **تحریر اکرثاوذوسیوس** (عربی)

ثاوذوسیوس (Théodosius) مهندس وریاضی‌دان بزرگوار یونانی طرابلسی زادهٔ دربیثونیا وزندهٔ درسدهٔ یکم مسیحی نگارندهٔ کتاب المساکن **DeHabitationibus** و کتاب الایام واللیالی **DeDiebus et noctibus** میباشد و درمثلثات

---

۱ - بنگرید به: ابن ندیم ص ۳۷۱ - قفطی ص ۸-٤۷ و ۸٤ - لاروس سدهٔ ۲۰ در اقلیدس - فهرست چاپی پاریس - دائرة‌المعارف بستانی در اقلیدس - گاهنامه ۱۳۰۷ ص ۵-۳۳ - تاریخ ریاضی دکتر مصاحب ص ٤٤ و ۵۷ و ۲۵۷ و ٦۷ و ۱۱٦ - نفایس الفنون - آثار الشیعه جواهر کلام ص ٦۹ - فهرست فاضلیه ش ۱ ریاضی چاپی.

کروی دفتری گرانمایه‌از او بیادگار مانده که «اکر» Spherica میخوانند و ارجمند ترین کتابی است که دانشجویان میبایستی میان اصول اقلیدس و مجسطی بطلیموس بخوانند وسه مقاله (۱بد۲کج۳کب) رویهم ۹۰ شکل و در برخی نسخه‌ها ۵۸شکل میباشد.

۵ ایندفتر را قسطابن لوقابعلبکی فیلسوف ریاضی دان ترسای ترجمان ه ۳۰۰ (۹۱۲م) بدستور احمدمستعین(۲٤۸_۲۵۲) پسر معتصم‌عباسی تاشکل۵مقاله۳بتازی در آورد و بازمانده‌را دیگری ترجمه کرد و ثابت‌بن قره‌سابی حرانی (۲۲۱_۲۸۸) آنرا پاکیزه ساخت محیی‌الدین‌یحیی‌بن محمدبن ابی‌الشکر اندلسی‌حکیم مغربی که باخواجه طوسی دررصد مراغه همکاری میکرده وزیجی در ۶۷۵نگاشته‌است

۱۰ آنرا تحریر نمود. (ش۵و۶طوس).ژیرادوس‌از کرمنا(۱۱۱٤_۱۱۸۷) اکر را از تازی بلاتینی درآورد متن‌تازی اکر در تهران بخط عبدالکریم شریف شیرازی (۱۲محرم ۱۳۰٤)در۳ع‌ص‌با مناظر تاص۷۵و انتشار نور بپارسی تاص۱۱۲ومساکن ثاوذوسیوس تا ص۱۲۲ ومعطیات‌اقلیدس ترجمه اسحاق واصلاح‌ثابت تاص۱۶۳بچاپ رسید(۱)

آغاز: بسمله وبه‌ثقتی. الحمدلله‌رب‌العالمین ... کتاب‌الاکر لثاوذوسیوس و

۱۵ هو ثلث مقالات ... المقالةالاولی اثنان وعشرون‌شکلا. الحدود: الکرة شکل‌یحیط به‌سطح واحدفی داخله نقطة ...

انجام: یشبه‌قوس ه ذ وذلك ماارد ناه (تمت‌المقالةالثالثة وبتمامها تم کتاب الاکر لثاوذوسیوس فرغ‌المصنف من‌تحریره فی‌شهور سنه‌خنا ـ چاپ دکن از روی نسخه۷۰۹تبریزدر رسائل طوسی).

---

۲۰ ۱ ـ ثاوذوسیوس دیگری هم بوده که فیلسوف بوده است وجزاین یکی میباشد. بنگرید به: قفطی ص۷۶ ـ ابن‌عبری ص ۷۷ و۲۵۹ ـ گاهنامه ۱۳۰۷ ص۱۰۰ ـ تاریخ ریاضی دکتر مصاحب ص۵۸ و۱۰۷ و۱۰۸و۱۶۸ ـ فهرست مجلس‌ش۱۵۵ و ۲۰۷تا۲۰۹ ـ فهرست طوس ش۶و۷و۱۰۳ ـ فهرست فاضلیه ش۳ ـ لاروس سده۲۰ فهرست چاپی پاریس.

[۱۰۶۰]

۹۴۴ این نسخه ش۱۲ دفتر است و بخط نستعلیق با عنوانها و نشانه های شنگرف از محمد امین بن محمد مؤمن استرابادی درمدرسهٔ شیخ الاسلام در پایتخت سپاهان در نیمهٔ روز پنجشنبه ۵ محرم ۱۰۵۳ - او این نامه را درروزچهارشنبه ۲۰ ذی‌حجهٔ ۱۰۵۲ نزد محقق مدقق محمدتقی استرابادی آغاز خواندن نموده بود. گ ۱۵۱ب-۱۷۵ب

[۸۹۶] **تحریر الطلوع و الغروب** (عربی)

کتاب الطلوع والغروب ازاوطولوقوس Autolycus (نزدیك ۳۳۰) است که ثابت آنرا پاکیزه بساخت و آن دردو گفتار و۳۶ شکل میباشد وخواجه طوسی آن را تحریر نموده است.

آغاز: بسمله. کتاب اوطولوقس فی الطلوع والغروب من اصلاح ثابت. وهومقالتان وستة وثلثون شکلا. المقالة الاولی یه شکلا. صدر: یقال لبعض طلوعات الکواکب وغروباتها وخصوصا الثوابت انها خفیة.

انجام: قوس الخفا اعظم من برحین بقدرقوس ط. وذلك ما اردناه تم الکتاب (آخر المقالة الثانیة وتم بتمامها کتاب اوطولوقس فی الطلوع والغروب بعون الله العظیم اللطیف وحسن توفیقه. فرغ المصنف ... من تحریره فی زب - ذی ح - سنة خنج - چاپ دکن ازروی نسخه ۷۰۹ تبریز).

[۱۰۶۱]

۱۰۶۳ این نسخه ش۴ دفتر وبخط نستعلیق با شکلهای شنگرف و جای عنوانها سفید میباشد. گ ۱۴الف - ۲۶الف.

[۸۹۷] **تحریر الکرة المتحرکة** (عربی)

آوتولوکوس یا اوطولوقوس Autolycus (پیتان آسیای کوچك - نزدیك ۳۳۰ م) هندسه وریاضی‌دان یونانی نامور روزگارخویش بود و نگارشها داشته که میان دانشمندان دست بدست میگشت از آنها است «طلوع وغروب» در ۳ گفتار که ترجمهٔ Dasypodius آن در اشتراسبورك در ۱۵۷۲ بچاپ رسید و همین «کتاب الکرة المتحرکة» که ثابت و کندی آنرا پاکیزه ساختند و یك مقاله و ۱۲ شکل

است . نسخهٔ آن درمجلس ش ۲۰۰ وطوس ش ۴۳ هست. کره متحرك بنام کینومنس سفایراس (De sphaera mobili) باماکن تئودوسیوس در ۱۵۸۷ بلاتینی و باطلوع وغروب ستارگان،متن یونانی باترجمهٔلاتینی‌اینذو،در ۱۶۷۲ وتنهامتن‌یونانی آنها در ۱۸۷۷ وترجمه لاتینی آنهادر ۱۸۸۵ چاپ‌شد ولاتینی کرهٔ متحرك در ۱۵۵۸ چاپ شده‌بود . ترجمه فرانسهٔ آن با طلوع وغروب او ومساکن تئودوسیوس در پاریس بسال ۱۵۷۲ بچاپ رسید(۱) این کتاب واکرمنالاءوس وثاودوسیوس ومناظر اقلیدس وکره واستوانه ارشمیدس وجز آن ازمتوسطات است .

این نسخهٔما تحریر خواجه‌طوسی است که درد کن ازروی نسخهٔ ۷۰۹ تبریز درجزء رسائل‌او بچاپ رسید وطوسی آنرا درروز آدینه ۷ ج ۱ سال ۶۵۱ بانجام رساند (ابن‌ندیم ص ۳۷۵ ـ قفطی ص ۵۳ ـ تاریخ ریاضی مصاحب ص ۴۵ و ۱۰۷ ـ ش ۲۰۸ و ۲۰۹ مجلس) .

آغاز: بسمله. تحریر کتاب الکرة المتحرکة لاوطولوقس علی ما اصلحه ثابت وهو مقالة واحدة واثناعشر شکلا .

الصدر: النقطة التی تتحرك حرکة معتدلة هی التی تسیر فی ازمان متساویة مقادیر متساویة ومتشابهة .

انجام : فاذن کل واحدة من دائرتی ا ج د ب ه د عظیمة . وذالك ما اردناه . تم الکتاب . والحمدلله. (فرغ المصنف ... من تحریره فی جمادی الاولی من سنة خنا ـ چاپی) .

[۱۰۶۲]

۱۰۶۳ این نسخه ش ۳ دفتر است و بخط نستعلیق با شکلهای شنگرف میباشد . گ ۱۰ ب ـ ۱۳ ب .

(همهٔ دفتر ۳۲۶ گ) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد مشکی تازه

اندازه : ۱۳×۱۹ و ر: ۹×۱۴ س ۱۸

---

۱ ـ بنگرید به : لاروس سده ۲۰ ـ فهرست چاپی پاریس .

[۸۹۸] تحریر مجسطی (عربی)

کلاودیوس بتولمایوس یابطلیموس قلودی دفتر بزرگ خودرا که مگیستی سونتاکسیس یامجسطی خوانده‌اند درستاره شناسی نگاشته و آن در برابر نوشته‌ها و سخنان فرزانگان پیشین یونان مانند اصول اقلیدس است در برابر دفترهای ریاضی پیش از او.

۵ ایندفتر در نسخهٔ اسحق و ثابت ۱۳ مقاله و ۱۴۱ فصل و ۱۹۶ شکل است. در آن از رصد سال ۱۳۹م (۴۵۱ اسکندری = ۸۸۵ بخت‌نصری) یادشده است. پروکلوس دیادوخوس (۴۱۲-۴۸۵) یاابرقلس واوتوکیوس یاالطوقیوس عسقلانی (زندهٔ در ۵۶۰) بر آن حاشیه نوشتند.

نخستین‌بار یحیی بن خالد برمکی دستور داده بود که آنرا بتازی در آورند و ۱۰ خوب نتوانستند انجام دهند.

اباحسان وسلم صاحب بیت‌الحکمه از مترجمان آگاه کمک جسته و از ترجمه‌های آنان هرچه خوب بود گزین نموده آنرا بدین زبان در آوردند. حنین اسحاق و حجاج نیز آنرا ترجمه کردند و ثابت بن قره ترجمهٔ حنین‌را خوب اصلاح ننمود ولی ترجمه قدیم‌را خوب اصلاح کرده و بساز آنرا مختصر نمود. ابوسهل مسیحی کتاب ۱۵ مجسطی دارد. فارابی و ابن هیثم و نیریزی بر آن گزارش نوشتند. ابن‌سینا درشفاو ابن‌رشد وابن‌سمح وابن‌الصلت و بیرونی و بتانی و کوشیار وخازن مزنی و سعیدی خازمی یاخارزمی مجسطی راتلخیص وتهذیب کردند. ابراهیم سنان و غیاث‌الدین منصور دشتکی (ش۳۶طوس) برای آن تکمله نوشتند. حکیم محیی‌الدین یحیی بن محمدبن ابی‌الشکر مغربی مهندس راصد و نگارندهٔ المدخل‌المفید (ش۱۱ - ۲۱۰ ۲۰ مجلس) ومهذب اکرثاوذوسیوس (ش۲۰۰ مجلس) مجسطی رابرای ابی‌الفرج غریغوریوس بن‌هارون ملطی جاثلیق اختصار نمود (ش۱۶۰ طوس) احمدبن‌محمدبشری دررد شاث فارابی در گزارش خویش دربارهٔ فصل ۱۷ مقاله ده مجسطی گفتاری دارد (ش۲۶ فاضلیه).

ژیراردوس مجسطی‌را بلاتینی در آورد.

متن یونانی مجسطی نخستین‌بار در ونیز بسال ۱۴۹۶ بچاپ رسید وهمچنین در ۱۵۳۸ ودرجزء دوره نگارشهای بطلیموس دربال بسال ۱۵۵۱ که بهترین چاپهسا است وبا ترجمه فرانسه در ۱۸۱۳-۱۶ چاپ‌شد ولاتینی آن در ۱۵۲۸ چاپ گردید(۱)

خواجه طوسی مجسطی‌را پاکیزه وتحریر نمود ودر دیباچه میگوید که آن برای ستاره شناسان دستور وکارنامه‌ایست بزرك ومن خواستم آنرا چنان پاکیزه سازم که هیچیك ازمسئله‌های ستاره‌شناسی وترتیب وروش آن ورسمها وشکلها و جدولهای نجومی از آن نیافتد وچیزی‌هم بر آن نیافزاید مگر آنچه که برای‌دریافت آن‌میباید یا اینکه متاخران آورده‌اند. گزین وگلچینها که از آن کرده‌اند ندیدم که بدینگونه باشد. مگر اینکه ترسیدم که بدینکار بپردازم تااینکه بدیدار حسام - الدین حسن‌بن محمدسیواسی‌رسیدم واومرا بدین‌کار برانگیخت ومن این نگارشم را «تحریر المجسطی» نام نهادم - خواجه این‌را گاهیکه در دژالموت بازداشته بود بسال ۶۴۴ نگاشت وشمس‌الدین‌سمرقندی بر آن گزارش نوشت. نسخه اصل تحریر وقف‌شیخ‌عبدالحسین تهرانی‌باروپا برده شده (ذریعه ج۳ص۳۹۰) نسخهٔ این تحریر درمجلس ش۱۵۸ وفاضلیه ش۱۰ هست. (کاهنامهٔ ۱۳۱۱ص۱۸۸)

آغاز: بسمله واعتصم بلطفه‌العمیم. احمدالله(الحمدلله) مبدء کل مبدء وغایة کل غایة ... فقد کنت برهة من‌الزمان‌عازما علی ان‌احرر لنفسی.

انجام: یا(فصل۱۱مقاله۱۳) فی‌خاتمة‌الکتاب... من‌غیران‌قصدنابذلك‌تکبرا او افتخارا. فلنختم‌الکتاب واقول واذ وفقنی‌الله تعالی‌ایضا لاتمام ماقصدته وانجازما ماعدته فلاقطع‌الکلام حامدالله علی آلائه ومصلیا علی‌جمیع‌اولیائه خصوصا علی‌خاتم انبیائه والبررة من آله واحبائه. تم‌والحمدلله رب‌العالمین وصلی‌الله علی‌محمدو آله.

۱- بنگرید به: قفطی ص۸۳ - ابن‌ندیم ص۳۷۴ - ابن‌خلدون کتاب۱ باب۶ فصل۱۶ص۴۸۸ - لاروس سدهٔ۱۹ وسدهٔ ۲۰ - فهرست‌چاپی پاریس - گاهنامه۱۳۰۷ ص۱۰۱ - تاریخ ریاضی دکترمصاحب ص۵۹-۶۵-۹۹-۱۰۹-۱۱۰-۱۱۷-۱۲۳-۱۳۳-۱۴۶ - ۱۶۹.

[۱۰۶۳]

۴٦۸ این نسخه بخط تعلیق ریزودر بسیاری ازجاها بی‌نقطه باعنوانها بشنگرف یاسیاه وجدولهای شنگرف میباشد. حاشیه‌هائی دارد بشکسته بنام ش م (شرح مولانا نظام‌الدین حسن‌بن محمدنیشابوری بنام تفسیرالتحریر) که پس از کتاب درگ۱۲۷ الف - ۱۳۸ب هم‌نوشته شده بخط شکسته گاهی چلیپا وجدولها دراین حاشیه برنگ سیاه است. کتاب گ۱ب - ۱۲٦ب. احمدبن محمدسپاهانی وشمس‌دارندهٔ نسخه بودند.

(۱۴۰گ) - کاغذ سمرقندی - جلد تیماج زرد کازه
اندازه: ۱۸×۲۵ و۱۱×۱۷س۳٦

[۸۹۹] تحریرالمفروضات (عربی)

ابوالحسن ثابت‌بن‌قره‌صابی‌حرانی(۲۲۱-۲۸۸) پزشک‌فیلسوف ادیب ریاضی‌دان دانشمند و ترجمان آشنای بزبانهای یونانی و سریانی وتازی (قفطی ص۵ - ۸۰) نگارندهٔ کتاب‌المفروضات است. خواجه طوسی آنرا تحریر نموده که‌درد کن‌درشمار رسائل طوسی بچاپ رسید.

آغاز: تحریر کتاب‌المفروضات لثابت بن‌قرةالحرانی‌الصابی . وهی‌اوشکلا وفی بعض‌النسخ‌له شکلا علی‌الترتیب‌المثبت‌بالارقام‌السود علی‌الحاشیة(ولم‌یکن‌فیه‌شکل دولاشکل‌کج - چاپی) الاشکلی د و لح . نریدان‌نثبت زاویة ۱بج القائمة .

انجام: اعنی ۵ج معلوم فجمیع ادمعلوم (وجمیع ۱ج معلوم - چاپی) وذلک مااردناه . تمت‌المفروضات . (فرغ‌المصنف ... منه فی زدح - خنج - چاپی) .

[۱۰٦۴]

۱۰٦۳ این نسخه ش۱دفتراست وبخط نستعلیق باشکلها ونشانه‌ها وعنوانهای‌شنگرف ورقمها سیاه میباشد گ۱ب- ۱۷الف .

[۹۰۰] تحقیق جیب وظل (رساله در ...) (فارسی)

دانشمند میرزاسیدمحمدعلی‌بن محمداسماعیل بیرجندی قاینی سپاهانی م۱۳۰۵ استادریاضی‌درتهران وسپاهان در ایندفتر ازجیب وظل‌بروش ستاره‌شناسان ایرانی وفرنگیان گفتگو نموده وراه‌کار کردن باجدول های آندو دسته وپیداکردن جیب

وظل ازروی آنجدولها رانشان‌داد. مقدمه درمعنی عرض کم و نسبت‌وضرب‌وقسمت وباب ۱ درتعدیل مابین‌السطرین وباب۲ درمعرفت‌جیب وسهم وباب ۳ درمعرفت‌ظل است . بیرجندی میگوید :

« فرنکیان ظل وجیب راتا ثانیه استخراج ودرجدول ثبت‌نموده‌اند ولیکن این جدول ظل که در این کتاب است تابدقیقه مرقوم شده» . ۵

آغاز: بسمله. الحمدلله‌رب‌العالمین‌والصلوة‌والسلام‌علی‌مرکزدائرةالرساله... اما چنین‌گوید : احقرعبادالله‌الجانی ابن‌محمداسمعیل البیرجندی القاینی محمدعلی الحسینی‌الاصفهانی، که این‌کتاب مشتمل‌است بر تحقیق‌معنی‌جیب وظل‌وطریق عمل بآن بقاعدهٔ اهل‌نجوم‌وطریق عمل از جدول جیب وظل فرنکیان وطریق استخراج جیب و ظل‌ایشان . واین رساله مرتب است بر مقدمه وچند باب. ۱۰

انجام : دفعهٔ دیگر د ج آخره‌ها زاید شود(گ۱۷الف. در گ۱۷ب‌جدول ومحاسبه‌ایست برای پیدا کردن قوسی که ظل آن قوس ضعف شاخص باشد . از گ ۱۸ب تا۷۵الف دو جدول جیب است برقم هندی و۱٦ جدول حبیب فرنگی و۱۸ جدول ظل فرنگی و٤٤ جدول نجومی درباره اوساط ستارگان ازروی، زیجها و۱۳ جدول برای اعمال جبری بارقمهای هندی) . ۱۵

ایندانشمند کتاب‌شفق‌وفلق‌وحاشیهٔ‌برتنقیح‌المناظردارد(گاهنامهٔ۱۳۱۱ص۱۸۸)

[۱۰٦٥]

٤٦۲ این نسخه‌اصل وبخط نستعلیق شکسته‌خوش‌خودقاینی نگارندهٔ‌دفتر باعنوانها و رقمها بشنگرف میباشد وعکس اودرآغاز دفتر بر گ۱ب چسبیده‌است درگ ۱۰ب حاشیه‌ای دارد که بدینگونه « اقل‌السادات محمدعلی قاینی » انجام میبابد . درگ۱٦ الف حاشیه‌ایست بی‌نام ودر گ۱۳ب حاشیهٔ «منه‌ره» دارد . ۲۰ دفتر گ۱ب ـ ۷۵الف . متن وحاشیه‌ها بیک‌خط است .

(۳۷۵ص) ـ کاغذ فرنگی خوب ـ جلد تیماج زرد تازه

اندازه : ۱۹×۲۷ و‌در۱۱×۱۹٫۵ ـ ۱۷س

[۹۰۱] **تربیع‌الدائره** (عربی)

درسه مسئله تضعیف مکعب و تثلیث زاویه و تربیع دائره ریاضی‌دانها ازدیر ۲۵ زمانی میاندیشیدندند انکساغورس (نزدیك ۵۰۰ ـ ٤۲۸) وابقراطس خیوسی(زندهٔ

در نزدیک ۳٦۰) و آنتیفن (نزدیک ٤۳۰) و بروسن مگاری (نزدیک ٤۵۰) دربارهٔ تربیع دائره جستجوئی کردند. دینوستراتوس برادر منخموس (نزدیک ۳۵۰) و نیکومیدس (نزدیک ۱۸۰) هم در این زمینه کار کرده‌اند. در اروپا نیز دربارهٔ آن گفتگوها میشده تا اینکه آکادمی فرانسه از پذیرفتن رساله‌های تربیع دائره سرباز زد. استدلالی

۵ که بروسن دربارهٔ تربیع دائره کرده درانالوتیکای دوم ارغنون (گفتار ۱ فصل ۹ بند ۷۵ ب س ٤۰) و در هنر مغالطه ارغنون (فصل ۱۱ بند ۱۷۱ ب س ۱٦ و بند ۱۷۲ الف س ۲) یادشده وارسطو از آن خرده گیری منطقی نمود نه ریاضی. او در فصل ۲۵ گفتار دوم آنالوتیکای نخستین (بند ٦۹ الف س ۳۲) وهمان فصل مغالطه از گفتار ابقراطس خیوسی یاد کرد. شیخ رئیس درمنطق شفا فصل ۱۷ مقاله ۹ قیاس و فصل ۸

۱۰ مقاله ۲ برهان وفصل ۲ مقاله ۲ مغالطه وابن زرعه وابن رشد در تلخیص منطق ارسطو هم دراین باره گفتگو کردند وشیخ رئیس دربرهان از بروسن ودرمغالطه ازهمو و آنتیفن وابقراطس وبرهان شکل هلالی اوچنانکه ابن هیثم گفته است یادنمود(۱) این رساله ازابن هیثم ابوعلی محمدبن الحسن فرزانه بصری مصری (۳۵٤ – ٤۳۰) است ودر خزرجی ج ۲ ص ۹۸ س ٤ یاد گردید ودرطوس ش ۱٦۸ ومجلس ش ۳ ر ۲۰۵

۱۵ هست.

ابن هیثم میگوید گر چه گروهی پنداشتند که دائره را نتوان بساخت مربعی درآورد مگر اینکه من چون دیدم شکل هلالی برابر با مثلث میگردد پس آنهم با مربع برابرخواهد بود. آنگاه برهان میآورد.

آغاز: رسالة لابن هیثم فی تربیع الدائرة. نقول قد یعتقد کثیر من المتفلسفین ان

۲۰ سطح الدائرة لایمکن ان یکون مساویا لسطح مربع مستقیم الخطوط.

انجام: ولیس هذا ممایوجب کل هذا التحیر للمتقدمین والمتاخرین فیه هذا الشکل... تمت کتاب تربیع الدائرة.

۱– برای سخن ارسطو بنگرید بترجمهٔ عربی ارغنون چاپ بدوی وترجمه فرانسهٔ تریکو و ترجمهٔ انگلیسی آن چاپ Loeb – نیز به: تاریخ ریاضیات دکتر مصاحب

۲۵ ص ۲٦–۲۷–۳۰–۳۱–۳٤–٤۱–۵۳–۱۹۱.

[۱۰۶۶]

۱۰۶۳ این نسخه‌ش۲دفترونخط نستعلیق باشکلهای شنگرف میباشد. گ۱۷الف-۹ب.

[۹۰۲] ترجمهٔ خبر معلی بن خنیس (فارسی)

این خبر درباره نام سی‌روز ماه پارسی است و کار هاکه در آنها رخ داده و
خواص این‌روزها . متن‌تازی آن در آسمان وجهان بحارمجلسی (ج۱۴ص۲۰۶ – ۵
۲۱۰ چاپ ۱۳۰۵) ازیکی از کتابهای معتبر بروایت‌ازفضل‌الله‌بن‌علی‌بن‌عبیدالله‌بن
بن‌علی‌بن‌ابی‌طالب ازابی‌عبدالله جعفربن‌محمد دوریستی ازابی‌محمد جعفربن‌احمد
بن علی مونسی قمی از علی بن بلال از احمدبن محمد بن یوسف از حبیب‌الخیر
ازمحمدبن‌حسین‌صائغ ازپدرش ازمعلی‌بن خنیس آمده‌است.معلی‌عراقی ودرمدینه
میزیست و برده امام صادق ع بوده است. ابن‌الغضائری وکشی ونجاشی وعلامه او ۱۰
راضعیف دانسته‌اند. گرچه‌مامقانی ازروی گفتارشیخ طوسی وبرخی ازروایات کشی
میخواهد اوراثقه‌بداند (رجال مامقانی ج۳ص۲۳۰)

حاجی نوری درسرگذشت سلمان مانند این‌خبر ازخود اوآورده است. در
بحارنیز(ج۱۴ص۱۹۹)مانندآن دیده‌میشود. مانااین‌سخنان ازنوشته‌های‌زردشتیان
گرفته شده واز پیشوایان شیعی نبداشتند . اینگونه تقویم احکام نجومی‌رایهودان ۱۵
وترسایان ورومیان وایرانیان داشته‌اند وبرای هرروزماه عربی نیزچنین چیز هائی
گفته‌اند دانشمندبیرونی‌درالاثارالباقیه در«القول علی‌ما فی‌شهورالفرس من‌الاعیاد»
وپس ازآن ازروزشماری ایرانی وسغدی وخوارزمی بهمین‌گونه گفتگو نمود و
روزشماری یهودان وترسایان ومسلمانان را نیز آورد (ص۲۱۵ وپس ازآن) .

درپایان‌این‌ترجمهٔ پارسی که‌گویا ازفیض کاشانی‌باشد بیتهائی‌است ازخواجه ۲۰
طوسی دربارهٔ هفت روزنحس‌ماه پارسیان آنچنانکه‌امام جعفرصادق ع فرموده‌اند
این ترجمه در«روزشماری درایران باستان» آقای دکترمعین چاپ تهران۱۳۲۵خ
ص۷۳–۸۵ ازروی همین نسخه بچاپ رسید.

آغاز: ستایش وسپاس بیقیاس خداوند زمین وآسمان را ... چنین روایت

کرده معلی بن خنیس که درروزنوروز نزد... جعفرصادق... رفتم، فرمود آیامیدانی امروز چه روز است گفتم ... روزیست که عجمان تعظیم آن روز مینمایند و هدیه بیکدیگر میفرستند.

انجام : وهرکس بنده ازاو بگریزد یاچیزی گم کند بزودی مییابد انشاءالله.

۵ تمام شدشرح حدیث. چون محقق طوسی بعضی ازمضامین این حدیث را نظم نموده بذکر آن اختتام میپذیرد. نظم. بقول جعفر صادق خلاصهٔ سادات ـ زماه فارسیان هفت روز مذموم است... مکن دوازهم باکسی مناظرة ـ که درخصومت این روز صلح معدوم است.

[۱۰٦۷]

۱۰ ۳۱٤ این نسخه ش۱ دفتراست بخط نستعلیق با عنوانهای شنگرف میان۱۰٦٦ و ۱۰۷٦ گ۱ب ـ ۱۵الف.

[۹۰۳] ترجمه و تفسیر ثمرة بطلمیوس (فارسی)

ثمرة (Karpos =میوه وبر) بطلمیوس قلودی یاکلاودیوس پتولمایوس ثمره و مکمل اربع مقالات یاتترابیبلون اوستو آنرا مائة کلمة نیزمیخوانند. چلبی درباره
۱۵ آن میگوید: الثمرة فی احکام النجوم لبطلیموس القلودی الحکیم الفلکی واسمها بالرومیة«انطروطا»ای«مائة کلمه» وتمام الکتب الاربعةالتی الفها لسورس تلمیذه یعنی ثمرة تلك الکتب. فلوگل درترجمهٔ لاتینی کشف الظنون دربرابرواژهٔ انطروطا چنین آورد: «Andromeda» و پس از آن نشانه اختصاری .i.e گذاشته ورسانده که درست آنرا دریونانی یالاتینی نیافته است. برخی انطوریطا نوشته اند و درست آن
۲۰ اقطن ریطایاکاتن رتا(صدااندرز)میباشد (فهرست بلوشه۲:۵۲ـ۵۱)

ثمره را در زبان لاتین « Centum sententiae ad syrm » یا «Centi loq nium inscriptum» وبفرانسه «Centi loque» خوانده‌اند و لاتینی آن در ۱۵۱۹و۱٦۵۱ بچاپ رسید.

ابویوسف اقلیدسی وابومحمد شیبانی وابی سعیدثمالی و ابن طیب جاثلیقی سرخسی برثمره گزارش نوشتند. ابوجعفر علی بن یوسف بن الدایة مصری نویسندهٔ طواون

ه ۳۴۰ نیز بر آن گزارش نوشته که در برلین و واتیکان و آمبروزیانا و پترسبورگ هست. سیدعبدالرزاق عیوقی تکمله‌ای بر آن نوشت (بلوشه)

دانشمندی نیز از گفته‌های امیر ابی‌شجاع رستم مرزبان بهره برده ودر ۴۸۵ دفتری بپرداخت ودر آن گزارشهای اقلیدسی وشیبانی و ثمالی وسرخسی را گرد آورد (۱).

خواجهٔ طوسی ثمره رابدستور وزیر بهاءالدین محمد (صاحب دیوان ۶۵۴-۶۸۳) نوشته و در آغاز گفتار بطلیموس‌را میآورد کـه این کتاب دنبالهٔ چهار کتاب (تترابیبلون) دراحکام نجوم وتقدمة‌المعرفة است که برای شاگرد خودسورن نوشته بود. بازمیگوید اودر این کتاب واربع‌مقالات ازسورس یاد کرده ودراربع مقالات‌هم گفته که مجسطی نوشته‌ام پس نگارندهٔ همه اینها یکی است نه چنانکه دیگران پنداشتند. بازمیگوید که‌بر ثمره دو گزارش نوشتند یکی ازابوالعباس احمدبن‌علی سپاهانی حاسب دیگری ازاحمدبن یوسف مصری مهندس و نویسندهٔ طولون.

طوسی مینویسد که‌ما پس ازنگارش‌ترجمهٔ خویش بدین گزارشها نگریستیم و آنچه میبایـد بر آن افزودیم. این کتاب صدکلمه است وطوسی گفتار بطلیموس را بند ببند آورده و ترجمه و گزارش کرد. ودرمراغه۹ج۱سال ۶۷۰ بانجام‌رساند نسخه‌ای از این پارسی درغرناطه (ص۶۰ آثارالشیعه) ومجلس ش۱۶۹ و طوس ش۲۷ هست.

آغاز: الحمدلله حمدالشاکرین. والصلوة علی خیرخلقه ... بحکم و اشارت مخدوم ومخدوم‌زاده جهان صاحب معظم ... بهاءالدولة والدین .. محمدبن‌المولی المعظم ... شمس‌الحق والدین ... محمد ... کتاب ثمرهٔ بطلیموس را بپارسی ترجمه کرده آمد.

انجام: واگرسیر نکندهم از آن‌اقلیم برخیزد. اینست تمامی «کتاب ثمره» وتفسیر آن‌ودرآخر کتاب باین‌عبارت آورده‌اند: تمت‌الکتاب‌الثمرة‌المسمی بالرومیة

---

۱ - نیز بنگرید به: فهرست چاپیهای پاریس - برو کلمن ج۱ ص۲۳۲ وپیوست ج۱ ص ۲۲۹.

انظر وعطا وعمناه المائة الكلمه والحمدلله رب العالمين .

[١٠٦٨]

٤٨٠ این نسخه ش ١ دفتر است و بخط نستعلیق ومتن بشنگرف از باقیجان محمد ولاد الکاتب البخاری در ١٠٥٥ گ الف ـ ٥٢ ب .

٥ [٩٠٤] تشریح الافلاك (عربی)

دانشمند شیخ بهائی بهاءالدین محمدبن حسین بن عبدالصمد جبعی عاملی (٩٥٣ ـ ١٠٣٠) در این دفتر گزیده‌ای از علم هیئت را گنجانده و آن میان دانشجویان متداول بوده و بر آن گزارشها نوشتند ودر ایران بچاپ رسید (ش ٢٥ طوس) و آن دارای یك مقدمه و پنج فصل و یك خاتمه است .

١٠ آغاز: ربنا ماخلقت هذا باطلا .. فیقول ... بهاءالدین محمد العاملی .. هذه درة یتمیة احتوت من فن الهیئة علی اصوله ولبابه .

انجام : وهی الی خلاف جهة الظل هـذا ماغفلت عنه عوائق الزمان ولم یتنبه له طوارق الحدثان .

[١٠٦٩]

١٥ ٩٥٧ این نسخه ش ٢ دفتر است و بخط نستعلیق باشکلهای شنگرف تاریخ شب‌شنبه ١٨ ع ١ سال ١٢٠٢ میباشد. حاشیه‌هائی دارد بشکسته نستعلیق ریز. گ ٣٢ ب ـ ٤٤ الف. گ ٤٨ الف تا ٥٠ ب دفتر سخنانی است پراکنده درستاره‌شناسی و خبر هائی وشکل شانه گوسفند با نشانه‌هائی برای پیش‌بینی بشنگرف در ٤٨ الف و دستور بکار بردن اسطرلاب برای شناختن ساعتهای روز بفارسی گ ٤٨ ب و هفتادمین باب

٢٠ ازهفتاد باب درمعرفت اسطرلاب شیخ بهائی بفارسی گ ٥١ الف. و تا گ ٥٥ الف ادب ونجوم است و از گ ٥٥ ب تا ٥٨ الف خواص اسماء حسنی است . همه اینها بنستعلیق ریز است .

[٩٠٥] تشریح العالم (عربی)

فیض کاشانی در تشریح العالم که در دو مقاله است (نخستین ٤ باب ودوم ٨ باب) بروش

٢٥ عرفانی رفته وروی طبیعی و هیئت قدیم جهانرا شناسانده ودر آغاز هرباب چنانکه در دیگر نگارشهای خویش نیز کرده است آیتی از قرآن که درخور آن بود آورد

و آنرا درسه روز ماندهٔ ازشعبان ۱۰۹۰ بانجام رساند .

آغاز: بسمله . الحمدلله رب العالمین ... فیقول ... محمدبن مرتضی المدعو بمحسن ... قال الله ... ان فی خلق السموات والارض لآیات للمؤمنین .

انجام : هذا ما یهتدی به الانسان من تشریح الاعضا ومنافعها ... سبحان ربك رب العزة ... رب العالمین هذا آخر ما اردنا ایراده فی کتاب تشریح العالم وقدتم لثلث بقین من شهر شعبان من شهور سنة الف وتسعین من الهجرة النبوية والحمدلله اولا و آخرا

[۱۰۷۰]

۳۴۹ این نسخه بخط نستعلیق خود فیض که در ۱۰۹۰ نوشته است وعنوانهای آن شنگرف میباشد مهر جمال الدین اسحق ومهر دیگر: «المؤمن حی فی الدارین» دارد .

دارندهٔ آن محمدعلی بوده که در ۱۲٦۱ بپسر خود بخشید (دردوجای گ۲ الف کتاب ۱ب ــ ۷۷ب .

(۳۷۹) ــ کاغذ سپاهانی ــ جلد تیماج مشکی ضربی مقوائی

اندازه : ۱۲ر۱۹×۷ر۱۴ س ۱۵

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی محمد وآله اجمعین اما بعد یقول المحتاج الی
في كل مسكن وموطن محمد بن مرتضى المدعو بمحسن عفا الله عنه قال الله سبحانه ان في السموات
والارض لآيات للمؤمنين وفي خلقكم وما يبث من دابة آيات لقوم يوقنون واختلاف الليل
والنهار وما انزل الله من السماء من رزق فاحيى به الارض بعد موتها وتصريف الرياح آيات
لقوم يعقلون حث الله عز وجل عباده الخواص على تحصيل معرفة تلك الآيات فلا بد لكل من يتمكن
من هذه المعرفة ويكون اهلا لها ان يسعى في تحصيلها بقدر فهمه وحوصلته ونحن بعون الله تعالى في
هذا الكتاب المسمى بتشريح العالم نبين العالم الجسماني واجرامه ومواده وكيفية حركات افلاكه وعناصره وترتيب ومقادير ابعاده
وانواع مركباته على ابلغ السياق الاتم وذكرنا ما اشار اليه بما هو الحق في مقالتين ومن الله
التأييد المقالة الاولى فيما يتعلق بالبسائط وفيها اربعة ابواب الباب الاول

آغاز تشریح العالم بخط خود فیض گ ۱ ب ش ۳۴۹

هذا ما ابتدی به الانسان من تشریح الاعضاء ومنافعها وما لا بد منه الیه من التشریح

فتبارک الذی احسن کل شیء خلقه وبدأ خلق الانسان من طین ثم جعل نسله من سلالة

من ماء مهین ثم سواه ونفخ فیه من روحه وجعل لکم السمع والابصار والافئدة

قلیلا ما تشکرون سبحان ربک رب العزة عما یصفون وسلام علی المرسلین والحمد لله

رب العالمین هذا آخر ما اردنا ایراده

فی کتاب تشریح العالم وقد تم تشریف

بعون منه شهر شعبان من شهور

الف وثمانی من الهجرة

النبویة والحمد لله

اولا واخرا

پایان تشریح العالم بخط خود فیض ک ۷۷ ب ش ۳۴۹

[۹۰۶] تفسیر اربع مقالات بطلمیوس (عربی)

ابوالحسن علی بن رضوان بن علی بن جعفر پزشك ستاره‌شناس مصر (۳۷۷-۴۵۳) درروزگار مستنصر فاطمی (۴۲۷-۴۸۷) نخست در سر کویها اختربینی میکرد و روزگار میگذراند سپس پزشکی آموخت ونگارشهائی دارد که بیشتر از دیگران گرفته است وخود چیزی نداشت . اورا دفتری است دربارهٔ خواندن نگارشهای پزشکی جالینوس بروش اسکندرانیها. شاگردانش درستاره‌شناسی وپزشکی ومنطق چیزهائی از گفته‌های او میآوردند که خنده آور بود. خط اوهم چندان بدنبود. او درمصر بآموختن وپروردن شاگردان میپرداخت تادر گذشت . اورا با ابن بطلان گفتگوها بوده است . قفطی (ص۲۸۸) از این گزارش او بر «اربع مقالات» نستود و گفت که اوچیز تازه‌ای نیاورد (نیز ابن عبری ص۳۳۴) باری او در آغاز این گزارش ازروش هشتگانهٔ منطق یادمیکند وبگواهی سبك وگفتهٔ خود نگارنده (بطلمیوس) و سنجیدن عبارتهای «اربع مقالات» با نگارشهای دیگراو وگواهی اسکندرانیها و دانشمندانی مانند ثابت بن قره وکندی وحنین اسحق وابراهیم بن الصلت روشن می سازد که این دفتر از بطلیموس قلوذی نگارندهٔ مجسطی است. اگرچه ابومعشر گفته که از بطلیموس پادشاه اسکندریه است. اگرچنین میبود بایستی جالینوس بگوید و کسی هم نگفت که بطلمیوس محب الادب (پتولموس فیلادلفوس دانش دوست ۳۰۴-۲۴۷ پیش ازمسیح) که دستور ترجمهٔ تورات هفتادرا داده بود چنین دفتری پرداخته باشد آنهم اوبیشتر نوشته‌های یهود را میپسندید چنانکه یحیی نحوی دانشمند بزرگوار اسکندرانی در تاریخ خویش چنین گفت . وانگاه بطلمیوس نگارندهٔ مجسطی پس ازشاهان اسکندرانی ودر روزگار شاهان رومی میزیست پس او جز بطالسه خواهد بود .

ابن رضوان درآغاز فهرست از گفتار ابومعشر درمدخل (درنسخهٔ ش۴۷۰ دیده نشد) چنین میآورد که شاهان یونانی پس ازاسکندر پسر فیلفوس را بطلمیوس می نامیدند وآنها نه‌مرد ویك زن بوده‌اند ودرمصر میزیسته و۲۷۵ سال فرمانروائی کردند

وهمه آنها فیلسوف بوده ونویسندهٔ مجسطی وجز آن یکی ازآنها است . مهانگرد گوید که دروتیوس Dorotheus پادشاه مصر شیفتهٔ ستاره‌شناسی بوده اختربینان همه شهرها را درآنجا گرد کرد وبدربار خویش آورد وآنها ۳۶۰ تن بودند و دفترهای بسیاری درستاره‌شناسی وستاره‌شماری درروزگار او نوشته شد.

۵ اودر مقاله ۱۰ (مقاله٤ بطلمیوس) باب۳ صناعت مولود از «صورة‌الارض = جغرافیا » بطلمیوس واز تاریخ زادن خودبسال ۳٥٦ یزدگردی(۴۷۷ م) یادمیکند (گ ۱٤٦ الف).

ایندفتر در۱۲ مقاله و تفسیر چهار گفتار بطلمیوس است : (قوانین مشترك ـ قوانین پیش‌بینی‌های بزرك مانند پادشاهی وفرمانروائی وجنك وارزانی و گرانی ـ ۱۰ قوانین پیش‌بینی دربارهٔ انسان وزادن کودك ـ قوانین پیش‌بینی درباره زناشوئی و پیشه‌ها) گزارش ابن‌رضوان ۱۲ گفتاراست: ۳ گفتاردر گزارش ٢٤ باب گفتاریکم اربع مقالات و۳ گفتاردر گزارش ۱۳ باب گفتاردوم آن و۳ گفتار در گزارش ۱٤ باب گفتارسوم آن و۳ گفتار در گزارش ۹ باب گفتارچهارم آن. متن پس از «قال بطلمیوس» و گزارش پس از «قال المفسر» میآید(ش ۱۹۱ مجلس، ش۹ فاضلیه تاریخ ۹۱۸، ش ۱۱۹ معارف) .

۱۵ **آغاز:** بسمله. صلوة. قال ابوالحسن علی‌بن رضوان‌بن علی‌بن جعفرالمتطبب قصدنا ان نشرح اقاویل‌الحکیم بطلمیوس فی‌صناعة‌القضاء بالنجوم علی‌الحوادث .

انجام : فهذه اشیاء قدشرحتها لك . فانعم‌النظر فیها وتاملها . والله‌یهدی من (یشاء الی) صراط‌مستقیم. تم‌تفسیرابی‌الحسن علی‌بن‌رضوان‌بن‌جعفرالمتطبب‌لکتاب الاربعة بطلمیوس‌القلوذی‌فی‌القضاء بالنجوم علی‌الحوادث. وهو آخرالکتاب‌والتفسیر ۲۰ باسره والحمدلله وحده وصلواته علی‌سیدنا محمدنبیه و آله وصحبه‌والسلام .

[۱۰۷۱]

٤۷٤ این نسخه بنسخ باعنوانهای شنگرف میباشد. فهرست درآغاز بخط دیگر- نویسندهٔ آن حسین است در۱۲۳٦ .

(۳۱۷۱م) - کاغذ فرنگی - جلد تیماج مشکی ضربی
اندازه : ۲۰×۳۱ و۱۳ × ۲۲ س ۲۵ سطر

[٩٠٧] **تفسیر التحریر** (عربی)

نظام‌الدین حسن‌بن محمدبن حسین قمی نیشابوری که نظام اعرج نیزمیخوانند دانشمندی‌ادیب وعارف‌بوده تفسیری‌بزرگ بنام‌غرائب‌القرآن و رغائب‌الفرقان‌دارد ودردیباچهٔ‌آن میگوید که آنرا ازروی تفسیر بزرگ امام رازی و کشاف‌زمخشری ۵ ودیگر تفسیرها نگاشته‌ام و آن بانفسیرطبری درمصر بسال‌۹-۱۳۲۳ بچاپ رسید. در پایان آن چاپ دارد که درآغاز صفر ۷۳۰ در پایتخت‌هند «دولت آباد» بانجام رسید. خوانساری‌درروضات میگوید که نیشابوری آنرا بمانند مجمع‌البیان‌طبرسی ولب‌التأویل خودرا بمانند تأویلات کاشانی نوشته وغرائب را پس از ۸۵۰ بپایان رساند. بازمیگوید که اوتوضیح‌التذکره‌را دریکم ربیع یکم‌۷۱۱ بانجام رساند. ۱۰ پیداستکه همان تاریخ‌۷۳۰ برای انجام تفسیر درست است. نیشابوری گزارشی بر شافیهٔ صرف‌ابن‌حاجب نوشته که بچاپ‌رسید ومیان دانشجویان‌بشرح نظام‌نامبردار است. او بمانند سجاوندی اوقاف‌القران دارد. همچنین رساله‌ای درحساب بنام «شمسیه» که‌ملاعبدالعلی بیرجندی م‌۹۳٤ بر آن گزارش نوشته وشیخ بهائی‌خلاصة الحساب‌را بمانندآن نگاشته است. اوتذکرهٔ طوسی رابنام توضیح‌التذکره برای ۱۵ نظام‌الدین علی‌بن محمود یزدی گزارش نمود و گزارشی برزیج ایلخانی طوسی‌بنام کشف‌الحقایق و گزارشی برمختصرمجسطی بیرونی نوشته است. مولی محمد تقی مجلسی در گزارش پارسی «من‌لایحضره‌الفقیه» در کتاب صوم میگوید که نیشابوری درنهان شیعی بود ودر آشکار خودرا پیروسنت می‌نمود. قرینه‌هائی برای این در روضات یادگردید(۱).

۲۰ ۱ - بنگریدبه: روضات‌الجنات ص‌۲۲٤ - گاهنامه ۱۳۱۰ ص‌۹-۸۸- کنی‌والقاب قمی‌ج ۳ص ۳۱۲ که نیشابوری‌را ازدانشمندان آغاز سدهٔ نهم پنداشت - دیباچهٔ درة التاج ص‌ق - فهرست ابن‌یوسف‌۱ ۸-۸۷ - معجم‌المطبوعات‌ص‌۱۵۲۷ -ش‌۲۸(همین کتاب بنام تمیز‌التحریر) و۲۷و۳-۱۳۱طوس - ش‌۳۷و٤۲ فاضلیه - ش ۱٦۰ (همین کتاب) و۱٦۸مجلس - ش‌٤۸۸ اینکتابخانه.

باری نظام نیشابوری دردیباچهٔ این گزارش برتحریر مجسطی طوسی که به «قوله. اقول.»است پس‌ازستودن مجسطی‌وطوسی‌وتحریراومیگوید که‌من‌تعلیق‌هائی برتحریرخواجه نوشته بودم و آنهارا بقطب‌شیرازی(م ۷۱۰) نمودم‌او دستورداد که آنها راگردآورم تا پراکنده نگردد و از میان نرود این بود که من آنهارا فراهم آورده وبسعدالدین محمد (دستور اولجاتیوو کشتهٔ در ۱۰شوال۷۱۱) بن‌صاحب تاج‌الاسلام علی‌ساوجی نیاز دادم . ـ او در۷۰٤ آنرا بپایان رساند.

درپایان میگوید که من‌نکته‌ها دراینجاآوردم وموشکافیهاکردم وسالم‌میان بیست وسی میباشد واز مرز وبوم و کسان وخویشان هم دورم . این تفسیر در ۱۳ گفتار است وخود آنرا دردیباچه تفسیرالتحریر نامید. ازآنچه نوشته‌شد برمیآید که نیشابوری نزدیک ٦٨۰ زاده وخواجه طوسی (۵۹۷ـ٦۷۲) راندید و با قطب شیرازی‌آشنا بود وهمانا ازاو آموخت . اوتذکرهٔ طوسی‌راپس ازتفسیر تحریر بسال ۷۱۱ نوشته است .

آغاز: بسمله وبه‌نستعین. السعدعزیزمن صدرکلامه بالحمد لواهب‌السعادة والمن رسیل‌من‌اعلق. وبعد فمن‌المعلوم‌ان کتاب‌المجسطی‌المنسوب الی‌بطلمیوس القلوذی، کتاب شهدله‌العاملون فی‌اختراعه بالقدح‌المعلی .

انجام: وان ینعم علیه لحظة فلحظة سعادة ویسری و یجدده ساعة فساعة کرامة وبشری ویرحم‌الله(من) قال‌آمینا .

[۱۰۷۲]

٤٦٦ این نسخه بخط نستعلیق ریز تاریخ نیمهٔ روز آدینهٔ یکم ذیقعدهٔ ۱۰۷۳ در روستای خشکرود میباشد . عنوان «قوله واقول» درنیمی شنگرف و جای آنها درنیمه‌دیگر سفید است . رقمها درجدولها بشنگرف میباشد

فهرست در پشت کتاب گ ا ب نوشته شده .

محمد مهدی حسینی موسوی دارندهٔ نسخه بوده و مهر اوهم هست

(۲۳۳گ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج مقوائی

اندازه: ۱۵×۲۴ و ۸×۱۷٫۵ ــ س ۲۴

[۹۰۸] تقویم ۱۳۰۹ (فارسی)

جدولهائیکه ساعت وروز وماه وسال و کسوف وخسوف آینده رابشناساند وسعد ونحس را برساند پیشینیان دفترسنه میگفتند چنانکه بیرونی وابن یونس همین واژه را بکاربردند. کوشیار گیلی درمجمل الاصول از «تقاویم» یادنمود باب ۱ مقالهٔ ۱ گ ۲ الف ش ۴۷۹ مجمل اینکتابخانه ـ ص ۲۱۰ گاهشماری) این تقویم استخراج میرزا احمد منجم است باقی شیراز برای یکسال خورشیدی که آغاز آن برابر بود با یکشنبه ۲۰ شعبان ۱۳۰۹ هجری = ۱ فرودین ۸۱۴ جلالی = ۸ آذر رومی ۲۲۰۳ اسکندری = ٦ آبان ۱۲٦۱ یزدگردی = ۲۲ اوتی ئیل ترکی ۵۹۰ غازانی = ۲۱ شعبان ۱۷۹ محمدشاهی.

آغاز: آمد بهار ورفت خزان ورسید عید. سبحانك اللهم لاعلم لنا الاما علمتنا. بسم‌الله تعالی شانه العزیز. بمبارکی ومسرت ومیمنت واقبال در آمدن سال چهل و پنجم ازجلوس میمنت مانوس.

انجام: نشاید الامباحثه ومجادله علمیه را.

[۱۰۷۳]

این نسخه بخط نستعلیق است ودر دوجدول با عنوانهای نسخ درشت سیاه و شنگرف ورقمهای نجومی برخی شنگرف وجدولها لاجورد وزرین وشنگرف وزمینهٔ پاره‌ای از جدولها بزر ومرواريد.

٨٢٤

(۱٦ گ) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد مقوای ابرک سرخ رنگ

اندازه: ۱۵ × ۴۰ و ۱٦ × ۳۲ س ۳٦

[۹۰۹] تلخیص المفتاح (عربی)

دانشمند فرزانه غیاث‌الدین جمشیدبن مسعود بن محمود بن محمد پزشك از ریاضی‌دانهای ارجمند ایران است. اودر کاشان وسپاهان میزیسته وسرانجام بسمرقند رفته برصد پرداخت ودر رصدخانه بیرون همان شهر دربامداد چهارشنبه ۱۹ رمضان ۸۳۲ درگذشت. ایندانشمند در کاشان رصدمیکرده ودر زیج فارسی خویش (ش ۱۰۲ طوس) از رصدخسوف شب ۱۸ شهریور ۷۷٦ یزدگردی (۱۰ـ۹ـ۸۰۹) یادمیکند زیج تسهیلات را در سمرقند بپایان رساند و زیج خاقانی را برای میرزا شاهرخ در

۸۱۶نگاشت. دربارهٔ نسبت قطر ومحیط دائره «محیطیه» رادرمیانه ماه شعبان ۸۲۷ نوشت و بخط اودرطوس (ش۱۶۲) هست نیزدرمجلس بشمارهٔ ۶۴۲/۴ـ سلم السماء (ش۱۱۱طوس) اودر پایان گزارش قاضی‌زادهٔ رومی برملخص چغمینی (دره۸۱) با «استخراج جیب یك درجه» یا «وتروجیب» بچاپ رسید این «وتروجیب» را کاشانی نوشته بود ورومی آنرا پاکیزه ساخته و در آن میگوید که دانشمندان شش معادله جبری مفرد و مقترن پیش حل نکردند و برخی از متاخران بمعادله هـای دیگری برخوردند نزدیك با نهاو مولی شرف الدین محمدبن مسعودمسعودی ۱۹معادله دیگر حل کرد . کاشانی هم بجز آن شش بحل معادله‌های دیگری برخورد ـ کاشانی «ابعاد واجرام» دارد که درفهرست فاضلیه(ش۱) از نسخهٔ تاریخ۸۵۹ آن یادگردید. کمالیه را او برای کمال الدین محمودوزیر در۸۰۹ نوشت و نسخهٔ آن درطوس هست همچنین رساله درساخت اسطرلاب فارسی اودرطوس هست(ش۸۴) . اونامه‌ای بپدرخویش بپارسی پس از۸۲۴ نوشته که درمجله آموزش و پرورش بچاپ رسیدو نامهٔ دیگری هم بپارسی بنام نوادرسمرقند درهمانجا هست که ازاودانسته شدودر آن ازآسیای کاغذ سازی سمرقند یاد میگردد .

کاشانی بدستور الغ بیك درشمال خاوری سمرقند برفراز تپه کوهك (چوپان آتا) رصدخانه بساخت ودر۸۲۳ تا۸۳۰ در آنجا رصد میکرد. اودر حل معـادلهٔ درجهٔ سوم راهی پیش گرفته که راه حسابی ملاعلیمحمد اصفهانی (۱۲۱۵ـ۱۲۹۳) درتکملة العیون بدان مانندست. ایندانشمند مسطره‌ای برای مساحت بساخت ودو افزار رصدیکی بنام «لوح اتصالات» دیگری که پس ازاین ساخته بنام «طبق المناطق» یا «جام جم» که طول وعرض سیاره‌ها وخسوف و کسوف وابعاد ارضی را باآن میافته است ودرنزهة الحدائق آنرا شناسانده و آمیخته بود ازحلقه ومسطره وچند لوح. اونزهه را در۸۲۹ نوشته ودرتهران بچاپ رسید(۱) .

۱ـ بنگرید به : مجله آموزش و پرورش ۱۳۱۹ سال۱۰ ش۳ص۱ـ۱۶ و۵۷ـ ۶۲وش۴ص۱۷ـ۲۴و۵۵ـ۶۰ـ گاهنامه۱۳۰۷ص۱۲۸و۱۳۱۱ص۱۱۲ـ تاریخ ریاضی

بقیه حاشیه درصفحه بعد

مفتاح‌الحساب کاشانی درحساب وهندسه وجبر ودر یکمقدمه وپنج مقاله است و برای الغ بیك گورکان پیش ازرصد سمرقند نگاشته است (ش۱۶۵ طوس ـ بچاپ نیزرسید) سپس آنرا گزین‌نموده وتلخیص المفتاح در۳۰فصل درتاریخ۸۲٤ نوشت.

آغاز: بسمله وبه اتوکل . الحمدلله‌الواحد ... الصمدالذی آلاؤه غیرمحدودة... فان احوج خلق‌الله.. جمشیدبن مسعودبن محمودالطبیب‌الکاشانی الملقب بغیاث.. یقول لمافرغت من‌تحریر کتابی المسمی بمفتاح‌الحساب انتخبت منه‌هذا المختصر... وسمیته تلخیص المفتاح.

انجام: جذراحدالعددین فی‌جذرالاخر. ولنختم‌الکلام حامدین‌لله تعالی . . . . و وقع‌الفراغ من‌تسویده فی‌سنة اربع عشرین وثمانمائة .

[۱۰۷٤]

۸۶۸ این نسخه ش۳دفتر است وبخط نستعلیق باعنوانها ورقمهای شنگرف‌درسپاهان درروز سه‌شنبه۲۸ ج۱سال۱۰۲۱ چندجا حاشیة منه‌دارد ص۱۱٦ـ۱٦۸ .

[۱۰۷٥]

۹۵۷₁₅ این نسخه ش۱ دفتراست وبخط نسخ باعنوانهای شنگرف شب‌سه‌شنبه۲۳ صفر ۱۲۰۲ سال فوی‌ئیل گ۱ب‌ـ۲۸ الف . وچنین است :

«بسمله . المسمی بمفتاح‌الحساب . انتخبت‌منه هذاالمختصر فیمالابد عنه‌للمبتدئین وسمیته تلخیص‌المفتاح‌وجعلته مشتملاعلی ثلثین‌فصلا ـ فی‌جذرالعددالاخر. ولنختم‌الکلام ههنا حامدین‌لله تعالی ومصلین علی‌خاتم نبیه محمد ... مفاتیح‌الهدی» .

[۹۱۰] **توضیح‌الاشکال** (فارسی)

فقیه دانشمند مهدی‌بن ابی‌ذر نراقی کاشانی (م نجف شب۸ شعبان ۱۲۰۹) در

بقیه‌حاشیه ازصفحه قبل

دکترمصاحب ص۱۵۵و۱٦۲ـ آقای دکتر کندی E.S.Kennedy امریکائی دربارهٔ کاشانی وطبق المناطق سه گفتار بانگلیسی‌دارد که‌در Scripta Mathematica ج ۱۷ ش ۱ـ۲ ص ۷ ـ ۹۱ مارس و ژوئن ۱۹۵۱ و در Isis ج ٤۱ بخش ۲ ش ۱۲٤ ص ۳ـ۱۸۰ ژانویه ۱۹۵۰ ودر روزنامهٔ انجمن خاوری امریکائی‌ج۷۱ش۱ص ۱۳ـ۲۱ ژانویه ومارس۱۹۵۱ بچاپ رسید. اوتاریخ زندگی کاشانی راچنین نوشت : ۱۳۹۳ـ۱٤٤۹ (۷۹٦ـ۸۵۳) .

اخلاق معراج السعادة ودر فقه معتمدالشیعة فی احکام الشریعة ولوامع الاحکام فی فقه شریعة الاسلام والتحفة الرضویة فی المسائل الدینیة وانیس التاجرین ورسالهٔ عبادات ورسالهٔ مناسك حج ودراصول فقه التجرید ودراصول دین کتابی بپارسی ودرمسئله های گوناگون مشکلات العلوم ودرتاریخ خاندان پیامبر محرق القلوب نوشته است. اورارساله ایست درعلم حساب (روضات ص ۴۳۷ ـ هدیة الاحباب ص ۱۸۰) ازمشکلات العلوم اوپیداست که درریاضی دستی داشت.

نراقی درترجمهٔ تحریر طوسی ازاصول اقلیدس که بدان «توضیح الاشکال» نام داده میگوید که قطب شیرازی اصول اقلیدس را بپارسی کرد مگر اینکه سخنان خواجه را نیاورد ودشوارها را آسان نساخت وسبك فارسی اوهم پیچیده است اینست که میان دانشمندان روانگشت ومن بدین ترجمه پرداختم. نراقی آزاد ترجمه کرده ودشواریها را برداشت وازخود هم چیزها افزود. نسخه‌ای ازاین درمدرسه سپهسالار هست ونسخه‌ای کهنه ازترجمهٔ شیرازی هم دیده‌ام.

آغاز: بسمله. سپاسی که مهندسان کارخانهٔ ابداع ازتقدیر اوقاصر آیند و ستایشی که محاسبان دفترخانهٔ اختراع ازتفسیر اوحاسر... خامه شکستهٔ تراب اقدام طالبان معرفت مهدی بن ابی ذر نراقی... برصفحه گزارش چنین نگارش مینماید.

انجام: پس بنابر ۱۵ من ۳ اگرقوس ب ل زاید برقوس ه د باشد زاویه (از شکل ۳۳ مقالهٔ ۶ ـ دوبرگ درنسخهٔ ما سفید وبپایان نمیرسد ونراقی خوددردیباچه میگوید که اقلیدس ۱۷ گفتار است).

[۱۰۷۶]

۴۶۷ این نسخه بخط نسخ باعنوانها وشکلهای شنگرف ازنویسنده‌ای نادان وگ ۱ب که آغاز نسخه است بخط نستعلیق تازه‌تری میباشد.

(۳۱۸۸م ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج نخودای ساده

اندازه : ۱۷×۲۴ و ۱۱×۱۷ ـ ۲۳س

[۹۱۱] تیامر (رسالهٔ...) (عربی)

محقق نجم الدین ابی القاسم جعفربن سعید حلی فقیه متکلم ارجمند (۶۰۲ـ

۶۷۶) گاهیکه شرایع خویش‌را درس میگفت خواجه طوسی بدانجا رسید وچون
سخن برسر استحباب تیاسر درقبله بود طوسی گفت تیاسر اگر ازغیر قبله است بقبله
است واجب واگر ازقبله بغیرقبله است حرام میباشد پس مستحب نخواهد بود. حلی
درهمانجا پاسخی داد وسپس درباره آن این رساله دریك مقدمه دردو بحث و پاسخ
۵ گفتارطوسی نوشت ودر پرسش و پاسخ بررسی نمود وطوسی آنرا دیده بسندید
(شهید دوم درشرح ارشاد علامه چاپ سنگی ایران بسال۱۳۰۲ ص۱۰۹ - همین
رساله رانانشر آن میان دوصفحهٔ ۱۹۹و۲۰۰ ازروی المهذب البارع فی شرح المختصر
النافع ازابن فهدحلی م۸۴۱ بچاپ رساند. ابن فهد پاسخ دیگر آنرا که تیاسر ازقبله
بقبله است نیز آورد .

۱۰ **آغاز**: بسمله. جری فی اثناء فوائدالمولی الاعظم افضل علماءالاسلام واکمل فضلاء
الامام نصیرالدنیا والدین محمدبن محمدبن الحسن الطوسی ایده‌الله بهمته العالیة قواعد
الدین ... اشکال علی التیاسر وحکایته ان الامر بالتیاسر لاهل العراق لایتحقق معناه
انجام : یکون ورودالاشکال علیه اتم وبالله العصمة والتوفیق انه ولی الاجابة.

[۱۰۷۷]

۱۵ **۲۹۰.** این نسخه ش۲ دفتر است وبخط نستعلیق خوش تاریخ۱۰۹۸ ازابوصالح حسینی
مشهدی درمدرسهٔ فخریه سپاهان باعنوانهای شنگرف گ ۱۴۸ب - ۱۵۰ ب .

[۹۱۲] جامع شاهی (فارسی)

ابوسعید احمدبن محمدبن عبدالجلیل سجزی ستاره شناس روزگار فناخسرو
دیلمی درشیرازو نگارندهٔ رساله‌ای درتثلیث زاویه میباشد ودفترهای دیگر درریاضی
۲۰ وستاره‌شناسی که بسیاری از آنها رابنام همان فرمانروای دیلمی پرداخته بود - ۴۱
رساله از دانشمندان ریاضی بخط اودرپاریس هست که در۹-۳۵۸ و۱-۳۶۰ در
شیراز نوشت . هشت رساله از خود او در همانجا و شش رسالهٔ دیگر در دیگر
کتابخانه‌های باختر هست. همچنین صدباب داردو رساله اسطرلاب که برای ابی محمد
عبدالله بن علی حاسب نوشته است (طوس۵۹) . یازده رسالهٔ اودر مجلس ش ۱۷۴
۲۵ هست . رساله‌ای ازاو درباره صدور دوخطی که آپلونیوس در مخروطات یادکرده

است درش ۲۰ فهرست فاضلیه نامبرده شد.

از ۱۵ رساله تازی او درستاره شناسی و اختر بینی که در موزهٔ بریتانیا بنام جامع شاهی هست برمیآید که اودر ۳۳۰ و ۳۵۸ یزدگردی (۳۵۱ و ۳۸۰ ه) میزیسته است. اوطول ستارگان ثابت را درزیج شاهی درسال ۳۰۲ یزدگری (۳۲۳) گذارده است. سجزی اسطرلاب زورقی را روی گردش زمین ساخته بودو پیش از کپرنیک بدان برخورد. ابن طاوس درفرج المهموم درفصل دانشمندان شیعی ص ۱۲۷ سجزی را از ستاره شناسان بنام برشمرده و گفت که «سنی المواليد» اوبمن رسيد وپدرش محمد بن عبدالجلیل هم ازدانشمندان ستاره شناسی بوده و «کتاب الزیجات فی استخراج الهیلاج والكدخداه» و «مقالة فی فتح الباب» اوبمن رسیده است. درذریعه مینویسد که برخی ازجامع شاهی اوپاره ای را در کتاب خود آوردند که طلسم وجادو ونیرنك یافصلی ازنجوم بشمارهٔ برجها میباشد (ج ۵ ص ۵۹) (۱).

جامع شاهی اینکتابخانه بپارسی ودارای مقالهٔ ۳ و ٤ و ۵ کتاب میباشد: (طالع کودك واثرستارگان دراو - اختیار کارها - گفتاری ازابومعشر بلخی و کتاب محمد بن عمر البازیار) وجز آن جامع شاهی است که قزوینی نشان میدهد و گویا همین هم ازسجزی باشد.

آغاز: مقالت سیم از کتاب جامع شاهی . بسمله چون بزرگترین حالها که درعالم کون وفسادواقع میشوددرجایهائی دیگرمیباشد که آفتاب بروحرکت میکند ودرهر دوری ازدورها بامرخالق بیچون حوادث بزرگ از آن پیدا میگردد.

انجام: ازطالعهاء مردمان ودلیل کننده بردیگر جانوران ونباتها . والله اعلم بالصواب.

[۱۰۷۸]

٤٨٤ این نسخه بخط نستعلیق روشن باعنوانها ونشانه های شنگرف میباشد و در

---

۱ - نیز بنگرید به : حاشیهٔ قزوینی برچهارمقاله ص ۱۹۹ - ۲۰۳ - گاهنامه ۱۳۰۷ ص ۱۱۷ تاریخ ریاضی دکتر مصاحب ۲۷۳.

پایان دارد: «تمت الکتاب جامع الشاهی بتاریخ اول ذوالقعده ۹۹۶» گ۱ب -۱۴۷ب (۳۹۴۸ب) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج مشکی ساده
اندازه: ص۱۱×۱۹ و ۸×ص۱۶س۱۹

[۹۱۳] جامع القرانات (فارسی)

محیی الدین بن بدرالدین الاناری بنام شاه اسماعیل صفوی (۹۰۷ـ۹۳۰) ایندفتر را دربارهٔ قرانات در یك مقدمه وچندین فصل نگاشته است.

اناری در آغاز فصل ۱ ازجاماسب وخازنی ومحمد نجیب طوسی و حراس؟ یاد میکند ومیگوید که دراحکام جاماسب حساب طوالع وتاریخ نیست ولی حراس؟ از آغاز سال ۴۳۸ نزدیك ۲۲۰ سال وخازنی درروزگار سلجوقیان نزدیك ۳۶۳ سال ومحمد نجیب طوسی از آغاز سال ۶۹۸ تا ۷۹ سال احکام قراناترا استخراج کردند وپیش بینیهای طوسی را درباره قران پنجم مادیده‌ام که همان آمدن فرنگان بهند و پیمودن دریاو گرفتن هرموز وشهرهای دیگر و در آوردن برخی از مسلمانها بآیین خویش را خواسته بود. ازبطلمیوس هم نام میبرد. (گ ۵ب ـ ۶الف) بازیاد میشود ازدو پیش بینی که رخ نداد یکی ازستاره‌شناسان برای رجب ۵۸۲ که انوری از آنها بوده‌است دیگر پیش بینی طوفان آب که برای سال ۹۰۹ کرده‌اند (۷ب) (۱)

---

۱ ـ درایندفتر ازاین سالها یادشده که برای تطبیق سالهای هجری و یزدگردی و جلالی نمونه‌ای خواهد بود:
شب پنجشنبه یکم فروردین و ۲۴ع۲ سال ۹۲۹ = مرداد ۸۹۲ یزدگردی = ۱ فروردین ۴۴۵ جلالی (۹الف).
شب دوشنبه ۲۵ع۱ سال ۹۳۰ = ۲۷ بهمن ۴۴۵ جلالی (۹ب).
روز چهارشنبه ۲۶ شعبان ۹۴۰ = ۹ مرداد ۹۰۳ ی = روز کبیسهٔ ۴۵۶ ملکشاهی
روز پنجشنبه ۱۸ شوال ۹۴۰ = ۲۱ اردی بهشت ۴۵۶ ملکشاهی (۱۳الف).
روزچهارشنبه ۶ رجب ۹۶۹ = ۱۶ مرداد ۹۳۱ ی = ۱ فروردین ۴۸۴ جلالی.
شب دوشنبه ۸ رمضان ۹۸۴ = ۲ خرداد ۴۸۴ ملکشاهی (۱۶ب)
روزچهارشنبه ۱۹ع سال ۹۹۱ = ۲۲ اردی بهشت ۵۰۰ جلالی.
زایچه این سال دراینجا هست (۱۹الف) وهمچنین سال ۱۰۰۰

بقیه حاشیه درصفحه بعد

آغاز: بسمله. خوبترین کلامی که چون آفتاب جهانتاب و ماهتاب عالمیاب از افق طبع متکلمان طلوع کند.

انجام: واستغفار میکنیم و کردیم و آنچه گفتیم ونوشتیم وهوولی المغفرة ولایعلم الغیب الاهو. قدتم فی یوم الاربعاء عاشر شهر شوال ختم بالخیر و الاقبال سنة اثنی والف هجریة فی دار الامان خدران؛ ۵

[۱۰۷۹]

۹۵۱ این نسخه بخط نستعلیق باعنوانهای شنگرف میباشد. کتاب ۱ ب ــ ۱۳۵الف. میان گ ۱۵ و ۱۶ ما افتاده است. ودر گ ۱۳۶ الف عبارتهائی است که باید از همین دفتر باشد ودر آن از شب چهار شنبه ۱۲ شعبان ۱۰۷۳ = ۱۱ شهریور ۱۰۳۸ ی ــ ۱ فروردین ۵۸۵ ملکشاهی وشب شنبه ۳ ع ۱ سال ۱۰۷٤ = ۱۵ آبان ۵۸۵ ملکشاهی یاد ۱۰ میشود. بالای برگهای پایان دفتر موریانه خورده است. درصفحهٔ عنوان نوشته شده که اناری در ۱۰۰۲ زمان شاه عباس طبایع سالرا تا تاریخ ۱۱۱٤ بزایچه در آورد.

بقیه حاشیه ازصفحه قبل

روز شنبه ۸ ج ۲ سال ۱۰۰۰ = ۲۳ مرداد ۹۶۹ ی = ۱ فروردین ۵۱٤ ملکشاهی (۲۱ الف)
دوشنبه ۹ ج ۱ سال ۱۰۱۳ = ۱ شهریور ۹۹۱ ی = ۱ فروردین ۵٤٤ جلالی (۲٤ الف) ۱۵
۱۶ رمضان ۱۰۱۳ = ۶ مرداد ۵٤٤ (۲٤ ب).
شب سه شنبه ۲ ج ۱ سال ۱۰۳۲ = ۱ شهریور ۹۹۲ ی = ۱ فروردین ۵٤۵ ملکشاهی.
روز پنجشنبه ٤ شوال ۱۰۳۲ = ۲۳ مرداد ۵٤۵ جلالی (۲۵ الف).
شب آدینه ۲۰ ذی حجه ۱۰۵۱ = ۶ شهریور ۱۰۱۱ ی = ۱ فروردین ۵٦٤ ملکشاهی.
بامداد دوشنبه ۱٦ ذی حجه ۱۰۵۲ = ۲۱ اسفندار ۵٦۵ ملکشاهی (۲٦ ب). ۲۰
شب شنبه ۱ محرم ۱۰۵۳ = ٦ شهریور ۱۰۱۳ ی = ۱ فروردین ۵٦٦ ملکشاهی (۲۷ الف)
روز شنبه ۱۹ ع ۱ سال ۱۰٦۰ = ۸ شهریور ۱۰۲۱ ی = ۱ فروردین ۵۷۲ = (۲۸ ب).
شب چهار شنبه ۱۲ شعبان ۱۰۷۲ = ۱۱ شهریور ۱۰۳۸ ی = ۱ فروردین ۵۸۵.
شب شنبه ۲ ع ۱ سال ۱۰۷۲ = ۱۵ آبان ۵۸۵ ملکشاهی (۳۰ الف).
روز یکشنبه ۹ ع ۱ سال ۱۰۹٤ = ۱٦ شهریور ۱۰۵۲ ی = ۱ فروردین ٦۰۵ ملکشاهی ۲۵
روز آدینه ۱ رجب ۱۰۹۳ = ۸ تیر ٦۰۵ ملکشاهی (۳۲ الف).
روز چهار شنبه ۲۳ شوال ۱۱۱۳ = ۲۰ شهریور ۱۰۷۱ ی ۱ فروردین ٦۳٦ ملکشاهی (۳۳ ب).
شب سه شنبه ۲۰ ع ۱ سال ۱۰۷٤ = ۱۵ آبان جلالی سال ۵۸۵ ملکشاهی (۱۷ الف).

٨٧٤

(۳۳۸ص)ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سبز ساده ـ مج ـ لا

اندازه: ۱۱ × ۱۹ـ ۸ و ۱۵ × ۱۹س

[٩١٤]　　جبر و مقابله　　(فارسی)

این نامه پارسی در جبر و مقابله و حساب و دو فن است (۱ در جبر و مقابله در یک
مقدمه و ۷ فصل ـ ۲ در ۷ باب: خطائین، عددهای متناسب، عکس، مسئله‌های گوناگون)　　۵
نگارندهٔ آن ملك محمد بن سلطان حسین اصفهانی میباشد و در دیباچه میگوید کـه
رسالهٔ فارسی مولانا علی قوشچی (۸۹۷ه) در علم حساب است و جبر و مقابله و خطائین
و اربعه متناسبه را ندارد و من پیشها در شرح رساله بهشتی بتازی آنها را نوشتم اینك
این رساله را بپارسی مینویسم و آنها را در آن میآورم تا همه بهره برند. او در فصل
٦ فن ۱ میگوید که دلائل اینها در رساله بهشتی مرقوم گردیـد (۹۰الف) دستور هر　　۱۰
یکی از معادله‌ها بشعر آورده شد. نسخه‌ای از این در طوس ش ٦٤ هست. رسالهٔ
ابو العلا محمد بهشتی اسفرائینی در حساب و جبر در یك مقدمه و دو مقاله نیز در آنجا
هست ش ٦٢ـ٦٣ـ٦٥ ـ رسالهٔ حساب قوشچی در سه مقاله هم در آنجا هست ش
۷۲ و ۷۵ تا ۷۷.

آغاز: بسمله (وبه نستعین) الحمدلله الملك العلام . . . بر ارباب دانش و اصحاب　　۱۵
بنیش مخفی نماناد (نیست) که رسالهٔ فارسی حساب علامه مولانا علی قوشچی در
علم حساب اشتهار تمام و رواج مالاکلام دارد.

انجام: و بهمین قدر اکتفا نمود تا موجب اطناب و باعث ملال اولی الالباب
نباشد والله اعلم بالصواب و الیه المرجع المرجع و المآب.

[١٠٨٠]　　۲۰

این نسخه ش ۲ دفتر است و بخط نستعلیق نزدیك ۹۹۹ گ ۲٦ب ـ ۳٤الف. جای
عنوانها سفیداست. بدینجا بپایان میرسد: «و این گاهی است که با جذور باشد»
برابر با س ۱۲ گ ۸۸ب ش ٦ر ۹۵۷: در فصل پنجم درباره مقترن چهارم از فن ۱ و
بیشتر این فصل و فصلهای ششم و هفتم این فن و همه فن دوم را ندارد.

[۱۰۸۱]

۹۵۷ این نسخه ش۲ دفتر است و بخط نستعلیق باعنوانهای شنگرف بسخ درشت که ۸۰ب ـ ۱۰۰ب ودر پایان داود: «در آخر شهر شعبان المعظم سنة یکهزار ودویست وپنجاه وهفت هجری دردار السلطنهٔ اصفهان در کمال استعجال بقلم
بندهٔ خاطی وذرهٔ قاصر ابن محمدحسین ابن بدیع الحسینی المنجم محمدباقر در آمد. التماس ۵
ازناظرین آنستکه بذیل عفو واغماض معایب آنرا مستور داشته بقدر الامکان دراصلاح
آن کوشند واین ذرهٔ احقر را بدعای خیریاد وشاد فرمایند ...»

[۹۱۵] جدول سالهای هجری و اسکندری (عربی)

دراین نامه سالهای هجری واسکندری باهم سنجیده شده تابتوانند در برابر هر
یک سال گردان قمری هجری سالی اسکندری بیابند ودر کشاورزی از آن بهره برند. ۱۰
عبدالله مثنی بن عبدالله بن احمد سرجی قرشی بدرخواست دوستان آنرا و گویا در
یمن نگاشته است. ودستوریافتن ساعت شبانه روز وجایگاه آفتاب وروزهای فصل
های سال ودخول برجهم در آن هست. جدول از ۱۰۹۲ هجری (۱۹۹۳ رومی) است
تا ۱۲۵٦ (۲۱۵۲).

آغاز: بسمله وصلوة. الحمدلله الذی علم الانسان مالم یعلم ... فیقول ...عبدالله ۱۵
المثنی ... واضع هذه النسخة.

انجام: اول المنازل الشرطین ... المقدم بطن الحوت.

(پس ازاینجا بیتهائی درستایش این جدولها از علی عریطیس ذماری وابراهیم
بن عبدالرحمن آمده (۸۷ب) سپس جدولها است. دردو جدول بازپسین بامداد و
نیمهٔ شب وساعتهای دیگردانسته میشود). ۲۰

[۱۰۸۲]

٤۹۵ این نسخه ش۲ دفتر و بخط نسخ درشت درجدول بزر و شنگر با اعراب و نشانه‌ها ورقمها بشنگرف یازرّ است، گ ۸۵ب ـ ۹۲ب.

(همهٔ دفتر ۱۰۸-۳۱گ)ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج زرد تازه
اندازه: ۲۲×۳۱،۵ و ۱۵×۲۳ س ۲۰

ابن فندق بیهقی حجةالدین یاظهیرالدین فریدخراسان ابوالحسن علی‌بن امـام شمس‌الاسلام ابی‌القاسم زیدبن شیخ‌الاسلام جمال‌القضاة والخطباء ابی‌سلیمان امیرك محمدبن حاکم امام مفتی فخرالقضاة ابی‌علی حسین‌بن قاضی امام‌الافاق ابی‌سلیمن امام فندق‌بن امام‌ایوب‌بن‌امام حسن‌بن عبدالرحمن‌قاضی ابوالحسن‌احمدبن‌عبیدالله بن عمربن حسن‌بن عثمان‌بن ایوب‌بن خزیمة‌بن محمدبن عمارة‌بن خزیمة‌بن ثابت ذوالشهادتین صحابی (نزدیك ۴۹۰-۵۶۵) ایندفتررا درده فصل وبگفتهٔ خود اودر مشارب‌التجارب درسه مجلد بپرداخت.

در دیباچه میگوید: دوستانم بمن گفته‌اند اگرچه ستاره‌شناس وکاهن دردین یکسانند واین علم درشفا ونجات بدلیلهائی تباه ودررسالهٔ فارابی دراین‌باره‌سست نموده شد وتوهم درذخائرالحکم وعرایس‌النفایس فی‌اصناف العلوم درتباه ساختن آن سخنها آورده‌ای بازاگر ازاین‌علم آنچه بیشتربشود بدان گرائید دریکدفتری فراهم‌آید برای خواهندهٔ آن بهترخواهد بود. من بآنان گفتم با این سخنان کـه آورده‌اید دیگرچنین درخواستی نکنید چه‌سستی اندیشه‌احکامیان آشکارگشت واز چون منی که‌درنکوهش اختربینی‌واحکام نجوم‌دفترها بپرداختم چنین‌نگارشی ناروا خواهدبود. آنان گفته‌اند که ماناگزیربدربار شاهان‌میرویم وشاید ازماچیزی دربارهٔ این‌هنر بپرسند وما ناچار خواهیم‌شد که بدفترها بنگریم وچنین فرصتی‌مارا دست نخواهد داد. پس‌برای اینکه زبانی رااز‌ما دوربداری چنین دفتری بنگـار. من ازآنان پذیرفتم وبپارسی هم‌نوشتم تادر نزدشاهان بترجمانی نیازمند نشوند و این‌را «جوامع احکام‌النجوم» نامیدم چه‌آنرا ازسخنان پیشنیان وپسینیان فراهـم آوردم‌وهرچه درآنهابود دراینجا گرد کردم وبیشتر ازنگارشهای زرادشت،ماشاءالله ابومعشر، احمد عبدالجلیل، ابن‌الخصیب، غـلام زحل، تئوفیل رومی، حنه‌هندی گرفته‌ام. هرچه ازپیش‌بینیها که در اینجا میبینید بگوئید که شاید بشود نه‌اینکه بی گمان خواهد شد.

این دفتر تنها در اختربینی است و بیهقی دیگر بخشهای ستاره‌شناسی را به خلاصة الزیجات و امثلة الاعمال النجومیه خود باز گشت میدهد.

او در آغاز فصل یکم میگوید که خود دیدم که اسب فرمانروائی کره زائید و ارتفاع آن هنگام را گرفتند و بستاره شماری دادند و گفتند که فرمانروا را پسری شد و میخواهیم با این ارتفاع ولادت طالع اورا بدانیم. بیچاره اختربین کوششها کرد و آنچه میدانست از اعمال و احکام طالع بیازمود. از اینکارش همه میخندیدند و سر زبانها افتاد.

بیهقی در آغاز نگارشهای خودرا چنین فهرست میدهد: وشاح دمیة القصر و لقاح روضة العصر در یك مجلد که در ادب است و از شاعران روزگار خود گزین نمود و ذیل دمیة القصر خواجه علی بن الحسن باخرزی میباشد ـ درر السخاب و حدایق الوسائل الی طریق الرسائل که هردو یکمجلد و در نامه‌هاست ـ کتاب العرض و الرسائل الخفیه یك مجلد دیگر ـ قوام علوم الطب ـ اطعمة المرضی ـ الوقیعة فی منکر الشریعة ـ ذخائر الحکم ـ مناهج الدرجات فی شرح کتاب النجاة شش مجلد ـ تنبیه العلماء علی تمویه المتشبهین بالحکماء ـ کنز الحجج در اصول ـ عرایس النفایس فی اصناف العلوم ـ مجامع الامثال چهار مجلد ـ شرح مقامات حریری ـ ازاهیر الریاض المریعة و شرح الالفاظ المستعملة فی المحاورة و الشریعة ـ امثلة الاعمال النجومیه ـ قرائن آیات القرآن ـ ازهار اشجار الاشعار ـ ربیع المعارف ـ اداب السفر ـ معرفة الکرة وذات الحلق و الاصطرلاب ـ بساتین الانس و بساتین الحدس فی براهین النفس ـ المشتهر فی نقض کتاب المعتبر ـ التحریر فی التذکیر ـ مشارب التجارب فی التواریخ دو مجلد ـ شرح کتاب نهج البلاغة ـ تتمة صوان الحکمه ـ درة الوشاح ـ رسائل ـ مختصرات.

از اینجا بر میآید که جوامع احکام النجوم پس از آغاز کردن معارج نهج البلاغه (۵۵۲) و تتمة صوان الحکمه (میان ۵۵۳ـ۵۶۵) بنگارش در آمده است. یاقوت ۷۴ دفتر از بیهقی یاد میکند.

از نگارشهای بیهقی بجز جوامع گزارش او بر نهج البلاغه در طوس ش ۷۱۶ هست

و آنرا بخواهش جمال‌المحققین ابوالقاسم علی‌بن حسن حونقی نیشابوری نوشته و آنرا پس‌ازمرك او و پایان‌یافتن آن در ۱۳ج۱سال۵۵۲بکتابخانه ملك‌النقباابوالحسن علی‌بن محمدبن یحیی‌بن هبة‌الله‌حسینی بر گذار کرده‌است. یکی‌دیگر لباب‌الانساب است که جلد نخستین آنرا بنام ابوالحسن علی‌بن محمدبن یحیی علوی در پایان

۵ جمادی دوم۵۵۸ آغاز ودررمضان همان‌سال بانجام رساند وسیدنسابهٔ خراسان‌علی بن حسن مطهر اورا در نوشتن آن کمك کرده بود و آن درکتابخانه سپهسالاربنام نهایة‌الانساب هست. دیگر تتمهٔ صوان‌الحکمه است که یکبار دردمشق و یکبار در هند بچاپ رسید.دیگر تاریخ بیهق‌است که در ٤ شوال ٥٦٣ پایان رسید ودرتهران بسال۱۳۱۷خ چاپ گشت (بنگرید بدیباچهٔ تاریخ بیهق- فهرست طوس ج۵ص ۲-

۱۰ ۱۷۱ که سر گذشت بیهقی دراینجا ودرجاگذشته ازمعجم‌الادباء یاقوت ج۵ص۱۸-۲۰۸ بخوبی یاد شد) .

ازاین جوامع یك‌نسخه‌در کتابخانه سپهسالار ش۶٤۰هست‌وپنج‌نسخه در جاهای دیگر که بهترین آنها نسخه تاریخ ۹٤۹ سبزوار میباشد (ذریعه ج۵ ص ۷-۲٤۶) نیز نسخه‌ای دربنگال‌ش۱٤۹۳هست (ص۶۹۹ایوانف) .

۱۵ **آغاز:** بسمله. الحمدلله‌رب‌العالمین والصلوة علی‌من امتطی (اعنی) غوارب‌الرساله‌واعلی مناکب‌الهدایة من‌الضلالة محمد و آله‌الاخیار چنین‌گوید خواجه امام... داعی از انواع علوم عمری صرف‌کرده بودم بمقدار استعداد .

انجام : و آفتاب درین تحویل نه‌آن حکم دارد که تثلیث‌مشتری و آفتاب نه براین شکل وقانون نیك نگاه باید داشتن . والله اعلم بالصواب والیه یرجع‌المآب

۲۰ برحمتك یاارحم‌الراحمین .

[۱۰۸۳]

٤۸۹ این نسخه بخط نستعلیق ونیمهٔ دوم‌آن بنسخ دربرخی جاها بی‌نقطه و پاره‌ای خوانا نیست. ۱الف-۱۳۷ب . دردیباچه دوبارنسب بیهقی‌آمده ونادرست است وازروی معجم‌الادباء وآغاز تاریخ بیهق ص۲ دربالا یادشد - در۱۳۸ الف

۲۵ محاسبه اوجها است اززیج الغ‌بیك وازدو سال۱۱۸۲ و۱۲۵۷ یاد میشود در ۱۳۸ب

جدول حدود مصریان است . محمدعلی و پسرش حسین دارنده نسخه بودند و مهر آنها در گ ۱ الف دیده میشود .

(۱۴۸گ) ــ کاغذ سپاهانی ــ جلد تیماج سرخ ساده مقوائی
اندازه : ۱۷×۲۴٫۵ و ۱۱×۱۷ س ۲۵

[۹۱۷] **جوامع العلم** (فارسی) ۵

محمدبن الرضا الکاظم الطبرسی ایندفتر در صد و پنجاه بند پرداخت و گذشته از شناساندن اصطلاحات از پاره‌ای از مسئله‌های مهم ریاضی مانند شکل قطاع پیشینیان (بند ۱۰۷) و شکل مغنی ابونصر عراق (بند ۱۰۸) و شکل ظلی بوزجانی (بند ۱۱۰) و جز اینها کاوش نمود .

آغاز: هو الله تعالی شانه. بسمله . الحمد لله رب العالمین ... پس چنین گوید ۱۰ محمدبن الرضا الکاظم الطبرسی کـه بنابخواهش بعضی از دوستان یکجهتی بتحریر در آوردیم این رساله را که مسمی بجوامع العلم است و مشتمل است بر بیان و تفسیر الفاظ مصطلحه ارباب تعالیم و علم هیئت که از برای مبتدی کالضرور است.

انجام: و در بعد اقرب کمتر از این مقدار است تفاصیل را از کتب زیجات طالب کنند. تمام شد آنچه خواستیم درین رساله بیان کنیم. الحمد لله اولا و آخرا ... تمام ۱۵ شد یوم پنجشنبه غرهٔ شهر جمادی الاولی ۱۲٦٤ .

[۱۰۸٤]

۸۲۲ این نسخه بخط نستعلیق با عنوانهای شنگرف میباشد. گ ۱ ب ـ ۹۳ الف در گ ۹۳ ب ـ ۹٤ الف از بعد ابعد النیرین یاد شده و در گ ۹٤ ب ـ ۹۵ الف جدول فهرست صد و چهل و نه بند دفتر است و نادرست و خطها و رقمهای این جدول ۲۰ شنگرف و کلمه‌ها سیاه نوشته شده .

(۹۵گ) ــ کاغذ سپاهانی ــ جلد تیماج سرخ ساده
اندازه : ۱۷×۲۱٫۵ و ۹×۱۷ س ۱۲

[۹۱۸] **حاشیهٔ تحریر اصول اقلیدس** (عربی)

۲۵ در این گفتار از شکلها که بر شکل یکم مقالهٔ یکم تحریر اصول اقلیدس کرده‌اند بررسی شده است .

آغاز: الشکل الاول فی المقالة الاولی . قال اقلیدس : نریدان نعمل مثلثامتساوی الاضلاع علی خط مستقیم ... وهذا الشکل یعترض بعدة من الشکوك .

انجام: فهوممکن ان یعمل علی قطر العالم مثلث متساوی الاضلاع (حاشیة اقلیدس)

[۱۰۸۵]

۹۴۹ این نسخه ش ۱ دفتر است و بخط شکسته نستعلیق ریز بی نقطه. گ ۲ب . در برگهای ۳ و ۴ و ۶ سطر از برك ۵ الف باز حاشیه‌ایست برهمان تحریر که گویا از میرسید شریف باشد زیرا بر آنها دو حاشیه است درباره دو شکل و نوشته است که در نسخهٔ سید دربالای آن «باطل» نوشته بود و باید «زاید» بنویسند.

(همهٔ دفتر ۷۰گ)ـ کاغذسپاهانی ـ جلدمقوا له آن میشن — نوشته شده در تاریخ ۹۴۴ در شهر قسطنطنیه

اندازه: ۱۲×۱۸ و جر ۷×م ۱۳ س ۱۹

[۹۱۹] **حاشیة تحریر اصول اقلیدس** (عربی)

میرسیدشریف گرگانی بر ۱۵ مقالهٔ تحریر اصول اقلیدس این حاشیه را نگاشته است. در آن از ابن الهیثم (۲۳ب) یاد گردید و از خط منقول از خط افضل المتاخرین کمال الدین حسن آورده شد (۶۷ب).

۱۵ **آغاز:** المقالة الاولی الشکل الاول . و یمکن ان یرسم بهذا الطریق ذاالاربعة اضلاع قوله ثم یتساویهما ای یتساوی زاویتی ا ب ه ا ج د .

انجام: قوله یتساویه لانه یحصل ... فزوایا المخمس متساویة .

[۱۰۸۶]

۹۴۹ ۲۰ این نسخه ش ۳ دفتر است و بخط نسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف در ۱ ج ۲ سال ۸۸۹ در قسطنطنیه . گ ۱۸ب ـ ۶۹ب و حواشی دارد .

[۹۲۰] **حاشیة خلاصة الحساب** (عربی)

حاشیه‌ایست برباب هشتم خلاصة الحساب شیخ بهائی دربارهٔ جبر و مقابله.

[۱۰۸۷]

۹۵۷ ۲۵ این نسخه ش ۵ دفتر است و بخط نستعلیق گ ۷۲ب ـ ۷۸ب و چنین است:

آغاز: بسمله. ثم لنا توفیق الله و تأییده و اعانته و تسدیده. تعلیقات شریفة و تحقیقات لطیفة علی الباب الثامن فی الجبر و المقابلة من کتاب خلاصة الحساب .

انجام: في المساحة. الاجسام. اما الكرة فاضرب نصف قطرها في ثلث سطحها... واما المخروط الناقص المستدير فاضرب قطر قاعدة العظمى في ارتفاعه ـ ما نا افتادگی دارد وغلط هم نوشته شده.

[۹۲۱] **حاشية شرح ملخص** (عربی)

۵ دانشمند مولی عبدالعلی بیرجندی م۹۳٤ بر گزارش قاضی زاده رومی برملخص هیئت محمودچغمینی خوارزمی م۷٤۵ این حاشیه را نگاشته است. در کشف الظنون ازاین یاد گردید.

آغاز: بسمله. الحمدلله رب المشارق والمغارب مزين السماء بزينة الكواكب الثواقب.. وبعد فهذا تعليقات على المواضع المشكلة ... من شرح الملخص (في الهيئة) ۱۰ المنسوب الى... العلامة (المولى) المشتهر بقاضي زاده الرومي... جمعتها بالتماس بعض الاخوان ... قولـه: «الحمد هو الثناء باللسان على الجميل» الثناء هو الاتيان بمايشعر بالتعظيم.

انجام: والشهر الشمسي الحقيقي قديزيد عليه وقديساويه وقدينقص عنه. والله اعلم بالصواب واليه المرجع والمآب. والحمدلله رب العالمين والصلوة على محمد وآله ۱۵ الطيبين الطاهرين.

[۱۰۸۸]

۸۲۳ این نسخه ش۱ دفتر است وبخط تعلیق با نشانه‌های شنگرف محمودعلی گ۱ الف ـ ۵۸ب. چندحاشیهٔ منه دارد.

(همهٔ دفتر ۳٦۱گ) ـ کاغذفرنگی ـ جلدمقوا ادمیتی

۲۰ اندازه: ص۱۵×۲۳و۱۱×۱۸س۳۵

[۱۰۸۹]

۹٤۷ این نسخه بنستعلیق خوش و عنوان قولـه بشنگرف و روی متن خط سرخ کشیده شده و اسمعیل بن محمدحسین مازندرانی نویسندهٔ آن میباشد. محمداسمعیل بن ابوالمحسن حسینی خاتون آبادی درروز دوشنبه ۱۰ ع۱ سال ۱۲۰۱ نسخه ۲۵ را خریده و «ابن آخوند ملامحمد علی شهیر بمولانا» نیز دارندهٔ آن بود. آغاز این نسخه از «الملخص في الهيئة المنسوب الى ...» میباشد و با اندك جدائی با نسخهٔ پیش.

(۹۵گ) ـ کاغذسمرقندی ـ جلدتیماج زرد حاشیه دار

اندازه: ۱۴×۱۸٫۵و۱۰×۱۵س۱۸

[۹۲۲] حاشیهٔ شرح ملخص (عربی)

مولا احمدبن حیدر برمقدمهٔ گزارش قاضی زاده رومی برملخص چغمینی دربارهٔ اقسام جسمها (س۲ ک۹الف تاس۶ ک۱۰ الف ش۴۷۷) درمسئلهٔ شعیریه این حاشیه را نوشت ودر آن ازنسبت بلندترین کوهها که دوفرسنگ ویکسوم فرسنگ است بقطرزمین (۲۵۴۵ فرسنگ) که برابرست با نسبت یکهفتم پهنای یکجو بیك ارش گفتگو گردید.

آغاز: بسمله وبه نستعین الحمدلله رب الکل بالکل قوله اذ نسبة ارتفاع اعظم الجبال وهوفرسخان وثلث فرسخ کماسیاتی بعیدهذا.

انجام: ثبت المطلوب ایضاعلی التحقیق لایخرجـه الی التقریب کمالا یخفی علی المتامل الصابر. تمت الحاشیة علی المسئلة الشعیریة.

[۱۰۹۰]

۸۲۳ این نسخه ش۲ دفتراست وبخط نستعلیق محمودعلی گ ۵۹ الف ـ ۶۱ الف. درهامش حاشیه‌های منه دارد ودرپاره‌ای جاها بنام همان احمدبن حیدر.

[۹۲۳] حل مشکلات معینیه (فارسی)

خواجهٔ طوسی گاهیکه پادشاهزاده معین الدوله ابوالشمس نزدش معینیه رامیخواند این نامه‌را برای روشن کردن آن نگاشته است معینیه را نیز طوسی برای کتابخانه اوساخته بود. درفهرست مجلس ش۱۸۰ ازحل مالاینحل در توضیح مشکلات رسالهٔ معینیه طوسی یادشده که ماناهمین رسالهٔ ماباشد ونوشته است که با معینیه وزبدة الهیئة همو بچاپ رسید.

آغاز: بسمله وبه نستعین. الحمدلله علی افضاله... چنین گوید مقرراین فصول... نصیرالدین محمدبن الحسن الطوسی چون عنایت ربانی حجاب انتظار از پیش چهره مراد محرر این سواد برداشت.

انجام: مثالش دراینصورت که بر آن صفحه بر کشیده آمد سمت مکه چهل درجه ازجنوب بسوی مغرب خط سمت بر کشیم چنانکه درشکل ظاهراست. والله اعلم.

[۱۰۹۱]

۱۰۱٤ این نسخه ش۲ دفتر است بخط تعلیق که نویسندهٔ آنرا برای پسر خود کمال در ۲۰ صفر ۸۸۹ نوشته است. گ۱۰۷ب-۱۳۳الف . جای جدولها سفید است .

[۹۲٤] حل و عقد (فارسی)

قطب‌الدین عبدالحی بن عزالدین زاهدی کبیری حسینی لاری گزارندهٔ هیئت فارسی قوشچی(۱) و نگارندهٔ حل‌المسائل (ش۱۷۲ مجلس) ایندفتر را بپارسی نوشته وراه استخراج اصول ستاره‌شناسی واختربینی‌را روشن نمود وراز سخنان میرزائی شهید (الغبیك)را در آن بگشود . در پایان آن میگوید که من نزدیك بده‌سال کار کردم واینددفتر بپرداختم (گ۹۳ب) آنگاه ازشاه عباس صفوی (۹۸۵-۱۰۳۸) یاد کرده وازاو بستود. درهمینجابیتی ازسعدی آورده است. لاری آنرا درروز دوشنبه ۲ع۲سال۱۰۱۷ بپایان رساند ودر آن ازچند دانشمند ونگارشهای آنان یادنمود . از آنهااست: مولانای اعظم‌محمدعلی ملقب بشمس منجم درزیج سلطان (گ۷۰ب) واساس بطلمیوس‌واحکام‌الاعوام علی‌شاه محمدشاه خوارزمی (فصل۱عقد۲باب‌سوم مقالهٔ۲-گ۸٤الف) ازآن بخوبی پیدااستکه لاری شیعی دوازده امامی بوده است ودر پایان ازمهدی موعود ع نام میبرد .

لاری برای نمونه ازدوشنبه۱فروردین ۹۸۷ و۱محرم ۱۰۲۷ (۳۵ب) وبازاز ۱۰۲۷(۱۲ب) وازه۱۰۲۸ (٤ب) یادمیکند وازاینها سال نگارش را نمی خواهد چنانکه تهرانی در گاهنامه (۳۱۱ص۱۷۱) بنداشته وگفته که اودرایندفتر از روز

۱- درفهرست طوس درش۱۲۱ ریاضی ازشرح فارسی هیئت‌قوشچی از مصلح الدین محمدلاری (انصاری) م۹۷۹ که بنام‌محمدشاه غازی‌هندی نوشته‌است (نیز درش ۷۸۹ فهرست بلوشه‌ج۲) ودرش۸۳ تاریخ ازمرآت الادوار ومرقات‌الاخبار فارسی مصلح‌الدین محمدلاری انصاری م۹۷۷ که تاسال۹۷٤ است وبنام محمدپاشا وزیر روم پرداخته است‌یاد گردید. تهرانی در گاهنامه۱۳۱۱ص۱۷۱ گزارندهٔ هیئت‌فارسی راقطب الدین عبدالحی‌الحسینی‌الزاهدی‌اللاری نگارندهٔ حل‌وعقد دانست و میگوید که او در ۱۰۲۷ زنده بود .

پنجشنبه ۲۸ ج ۱ سال ۱۰۲۷ یاد کرده پس او در اینسال زنده بود چه ایندفتر در سال ۱۰۱۷ بپایان رسید .

ایندفتر در دو مقاله (۱ ـ استخراج تقویم در ۸ باب ۲ ـ طالع مولود در ۳ باب) و یك خاتمه (نوشتن طالع مولود در یك مقدمه و دو عقد) میباشد . بابها نیز دارای چند فصل ۵ و یا چند عقد است .

آغاز : بسمله و به نستعین . ستایش دور از آلایش صانعی را سزاوار است که اطباق سموات بعضهم فوق بعض برافراشت ... و مسود این اوراق ... قطب الدین ابن عز الدین عبدالحی زاهدی الکبیری الحسینی اللاری ... بعد از دانستن مقدمات علوم دینی اراده علم نجوم نمود ... چند کلمه در ساختن عقد تقویم و حال بعضی از سخنان میرزا شهید ۱۰ الغ بیك بن شاهرخ بن گورگان انار الله برهانه در حیز تحریر آورده و این کتاب را بحل و عقد موسوم ساخت .

انجام : همه اضداد سازگار شوند ـ یکدیگر را معین و یار شوند سازد ـ القصه فر و دولت شاه ـ کارها را بموجب دلخواه ؛ آمین ؛ یارب العالمین ؛ تمام شد تألیف این کتاب در روز دوشنبه ششم شهر ربیع الاخر سال هزار و هفده از هجرت رسول ص امید ۱۵ که خواتیم امور ما و جمهور برو فق رضای رب رحیم غفور باد بحق محمد و آله الامجاد .

[۱۰۹۲]

۴۸۳

این نسخه بخط نستعلیق در جدول زرین و لاجورد و شنگرف میباشد جدولها و رقمها و عنوان شنگرف است . سرلوحی بزر و لاجورد و شنگرف دارد . گ ۱ ب ـ ۹٤ الف . برگهای ۹٤ ب و ۹۵ الف سفید است . در پایان دارد : « تحریرا فی سنة ۲۰ ۱۰۸۰ فی ۱۹ شهر رجب » در گ ۹۵ ب ـ ۹٦ ب اینگفتار « طریق درست کردن جیبها که در جدول است ... حاصل مطالع طالع باشد ا فهم » آورده شده و دو بار در آن « عن زیج الخاقانی » نوشته شده و یکبار « من شرح البیرجندی » بهمانگونه خط .

(۳۹۷) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج [illegible]

اندازه : ۵ر۱۴×۲۵ و ۵ر۸×۱۸ س ۲۴

۲۵ [۹۲۵] خلاصة الحساب (عربی)

خلاصة الحساب شیخ بهائی در حساب و مساحت و جبر است و گزارش و ترجمهها

از آن هست وبارها بچاپ رسید. شیخ آنرا بمانند شمسیةالحساب نظام نیشابوری زنده در ۷۳۰ نوشته است وپیش ازاو قطب‌الدین خسروشاه پیروشاه نعمةالله‌خلاصة الحساب بفارسی دریك مقدمه ودومقاله ویك خاتمه نوشته بود (طوس ش۴۹-۵۰-۵۱-۹۲-۱۳۱- سرگذشت شیخ بهائی ازآقای سعید نفیسی) .

۵

[۱۰۹۳]

۴۶۳ این نسخه بنسخ ودرجدول زرین ولاجورد باعنوانهای شنگرف است از محمد یوسف بن محمود در۱٦ ذی‌حجه۱۰۷۳ و حاشیه‌های منه دارد بخط شکسته .

(۳٦گ) — کاغذ سمرقندی — جلد تیماج سرخ ضربی‌مقوالی

اندازه : ۹ × ۱۷ و ۵ر۴ × ۹ س ۱۵

۱۰ [۹۲٦] **الدلائل فی احکام النجوم** (عربی)

احمد بن محمد بن عبدالجلیل سکزی ازستاره‌شناسان نامورایران درروزگار فناخسرو دیلمی (۳۳۸-۳۷۲) ودرسالهای ۳۵۸ تا ۳٦۱ درشیرازمیزیست واز ۳۵۱ تا ۳۸۰ زنده بود. این کتاب ازاواست ونسخهٔ آن درمجلس هم هست(ش۱۱ر۱۷٤)(۱)

آغاز : بسمله. الحمدللولی الکریم. کتاب الدلائل فی احکام النجوم تألیف احمد

۱۵ بن محمد بن عبدالجلیل السجزی. قال احمد بن محمد بن عبدالجلیل انی لما نظرت فی کتب الاوائل فی صناعة احکام النجوم وفکرت فی عظیم مقدارها... فالفت هذا الکتاب وسمیته بکتاب الدلائل وتحریت فیه ستین احمدهما ان یکون مشتملا علی کثیر من کتبهم والاخر ان یکون سهلا علی من یدرسه .

انجام : واتصاله بالنحوس دلیل الاخذ بعد الحرب و کذلك اذا کان صاحب

۲۰ الطالع والقمر منحوسین یدل علی انه یوخذ . تم الکتاب . والحمدلله اولا وآخرا . والصلوة علی محمد وآله .

[۱۰۹٤]

۴۸۲ این نسخه ش۲ دفتراست وبخط نسخ باعنوانهای شنگرف محیی الدین الاناری نزدیك ۹۱۵ گ۱۱۲ب ۱۵۳الف .

---

۲۵ ۱- بنگرید به: حاشیهٔ چهارمقاله ازقزوینی ص۱۹۹-۲۰۲- فهرست اینکتابخانه دربارهٔ جامع شاهی .

[۹۲۷] رساله دراحکام قرانات (فارسی)

این رساله در۲۱فصل است وازقرانهای ستارگان در آن گفتگو میشود.
آغاز: بسمله. فصل اول دراحکام قرانات کواکب بازحل. قران مشتری بازحل درمثلثه آتشی دلیل کند برخروج کسانی که دردین ومذهب وشریعت سخن گویند
انجام: ونوشتن خاتمها وتمسکها بتزویر.

[۱۰۹۵]

۳۰۲ این نسخه‌ش۹ دفتراست وبخط نستعلیق باعنوانهای شنگرف ازمحمدکاظم بن محمدحسین حسینی محلاتی درجمادی دوم۱۱۱۱ گ۱۳۸الف ـ ۱٤٦الف ودر پایان درچند برگی جای عنوانهای سفیداست. گ۱٤۷ب ـ۱٤۸ الف جدول اختلاح اندامها است ازروی بودن ماه دربرجها بسیاه وشنگرف.

[۹۲۸] رساله در حساب (عربی)

این رساله درسه بخش‌است: صحاح در ۸ باب، کسور در ۱۱ باب، کسورستینی در٦باب. درضرب مرکبات باچند رقمی‌بجزراه معمول ضرب‌طول وتوشیح‌وتوشیح درجدول واصفار نیز آوردم‌شد. قاعدهٔ بدست آوردن جذر و کعب وقاعدهٔ سود و زیان وقاعدهٔ زکوة چندین سال(طریق ضرب وقسمت وطریق لوح بی آندو) نیز در آن یادشد. دربخش سوم ازعددها برپایهٔ شصت کـه درستاره‌شناسی بکارمیرود و جمع وتفریق وضرب وقسمت وجذر و کعب آنها گفتگو گردید.

خواجه طوسی جوامع الحساب علی‌التخت والتراب بتازی دارد در سه باب که نباید این‌یکی باشد (ش۴۳طوس) ورسالهٔ حساب شمارهٔ۹۹ آنجا هم این‌نیست.

آغاز: الحمدلله حق‌حمده .. وبعد فان‌حساب‌الهند ترقدعلی تسعة احرف‌جعلت علامات للعدد من‌الواحد الی‌التسعة.

انجام: تم یعرف جذرالمبلغ علی‌الوجه المذکور الـذی بیناه وحین انتهینا الی ههنا فلنختم الرسالة بهـذاالباب والتوفیق والسعادة. ولله‌الحمد والمنة ومنه‌التوفیق والمعونة. والصلوة علی نبیه محمدوآله اجمعین وحسبناالله ونعم‌المعین.

[۱۰۹۶]

۹۵۲ این نسخه بنسخ باعنوانها ورقمهای شنگرف درجدول زرین و لاجورد و نویسنده آنرا مقابله نمود. گ۱ب - ۱۴۰الف . در نسخهٔ ما نویسنده دردنبال فصل۳باب۸ بخش۱ باب۴بخش۲را نوشته پس سه باب نخستین بخش۲در آن نیست

و آغاز فصل۱ باب۸ ودنبالهٔ فصل۱ وسه فصل۲تا ۴ باب۷بخش۱ هم در آن دیده نمیشود ونویسنده همهٔ اینها را بهم پیوست گویا نسخهٔ افتاده‌ای دردست داشت و ازروی آن نوشت. درگ۱۴۱ب پاره‌ایست از «مقالة فی معرفة بعدالآثارالعلویة والکواکب عن مرکز العالم » وچنین است: «ولنفرض لبیانه ح موضع الناظر ... لخط ه ح فیکون ب ه ح بمابه ب ح» بایك دائره وبخط نستعلیق .

(۳۴۰) - کاغذ سپاهانی - جلد تیماج مشکی کنار سرخ

اندازه : ۱۲×ص۱۸ و۷×ص۱۲-س۱۷

[۶۲۹] رساله درسعادت ونحوست درجات بروج (فارسی)

نگارندهٔ این رسالهٔ احکام نجومی از الغایة والکمال فی احکام النجوم مولانا محمدبن عبدالرحیم بن صالح بن منصور کیائی که درآن درجات برجهارا برخلاف تنکلوشا نهاده است یادمیکند ومیگوید نمیدانم اوازکجا گرفته است ومن درجات تنکلوشارا بکتاب او پیوستم واین کتاب برداختم .

آغاز: بسمله احکام معرفت سعدونحس درجات بروج . این رساله ایست در معرفت سعادت و نحوست درجات بروج وتحقیق این عمل آنستکه بعد از آنکه نموداران کرده باشیم .

انجام : واورا ازآن منفعتی نباشد ... کریم کثیرالمال . والله اعلم بحقایق الامور . تمت بعون الله الملك الوهاب .

[۱۰۹۷]

۹۵۰ این نسخه ش۶ دفتراست وبخط نستعلیق شکسته باعنوانها ونشانه های شنگرف ازمحمدحسین موسوی دوباباری که برای دانشمندی نوشته است گ ۱۴۲ب - ۱۵۴ب .

[۶۳۰] رساله درشعاع (فارسی)

این رساله درشعاع واز خواجه طوسی است وبرابری دوزاویهٔ شعاع وانعکاس

در آن روشن گردید.

آغاز: وبه نستعین. بسمله. من کلام المولی المعظم استاد البشر حجة الحق نصیر الملة والدین وجنة الاسلام والمسلمین محمدبن محمدبن الحسن الطوسی اسکنه الله تعالی علی غرف جنانه: شعاع کیفیتی است که اقتضاء ظهور هرجسمی کثیف کند که

٥ محاذی جسمی نیز باشد بروجهی که میان ایشان جسمی دیگر کثیف حایل نشود.

انجام: وازین موضع بیانها خواص ابصار آسان شود وما برین دو واقتصار کردیم تمت.

[١٠٩٨]

٤٨٧ ١٠ این نسخه بخط شکستهٔ ریز بی نقطه تاریخ ١٨ صفر ١٣٢٤ میباشد ـ گ ١ب ـ ٣الف. حاشیه‌هائی در میان سطرها و کنار صفحه دارد.

(٣گ) ـ کاغذ سیاهانی زرد ـ جلد [illegible] جلد تیماج سرخ تازه

اندازه: ١٣ × ٥ر١٨ و ٧ × ٥ر١١ س ١٩

[٩٣١] رساله درشناختن طول وعرض وساعات (عربی)

احمدبن مصطفی بن خلیل بن عبدالکریم نائلی نگارندهٔ این رساله است و آن

١٥ دارای یک مقدمه (تسمیة الرسوم) ونه باب (اخذ الارتفاع ـ معرفة المیل ـ عرض البلد ـ بعد القطر ـ اصل المطلق ـ نصف الفضلة ـ اصل المعدل ـ وقت الظهر والعصر والعید وطلوع الشمس ـ وقت العشاء والفجر ومقدار حصة الشفق والفجر والامساك) میباشد.

آغاز: بسمله. الحمدلله رب العالمین... وبعد فهذه رسالة علی مقدمة وتسعة ابواب. المقدمة فی تسمیة الرسوم.

٢٠ **انجام:** یبقی وقت الامساك بلا ارتیاب والله اعلم بالصواب... هذا آخر الکلام... قد کان الختام... عن جامعه... احمد النائلی بن مصطفی بن خلیل بن عبدالکریم عفی عنهم الغفور الرحیم. تمت

[١٠٩٩]

٨٨٥ ٢٥ این نسخه ش ٢ دفتر است وبخط نسخ ودر پایان دارد: «قد وقع الفراغ من تحریره فی ١٢٦٨ ذافی یوم پنجشنبه وقت الضحوة سنة ثمان وستین ومأتین والف من هجرت من له العز والشرف» گ ١١ب ـ ١٣ب.

[۹۳۲-۹۳۳] رساله در ضرب و قسمت (فارسی)

دو رسالهٔ پارسی در قواعد ضرب و قسمت در نسخه ش۳۰۲ هست کـه اینک شناسانده میشود:

۱ ـ در دو فصل که چنین است:

آغاز: بسمله الحمدلله ناظم نظام الوجود حمداً غیر معدود. فهذه رسالة الفتها في القواعد الحسابية وهي مشتملة علی عدة فصول.

انجام: مجموع هشتاد باشد. والله اعلم.

۲ ـ در پنج فصل و در ضرب تنها است بدینگونه:

آغاز: بسمله. بدانکه انواع حساب پنج است احاد و عشرات ...

انجام: بر پنج باب اختصار کردیم. والله اعلم بالصواب.

[۱۱۰۰-۱۱۰۱]

۳۰۲ این دو نسخه ش۶ و۷ دفتر است و بخط نستعلیق با عنوانهای شنگرف محمد کاظم محلاتی نزدیک ۱۱۱۱ گ۱۳۱ب ـ ۱۳۳الف و ۱۳۳الف ـ ۱۳۴الف.

[۹۳۴] رساله در کر (عربی)

شیخ بهائی در این رساله پس از بحث در کر از آبگیرهائیکه بشکلهای گوناگون هندسی باشد یاد میکند و دستور یافتن اندازهٔ آبی را که در آنها جای میگیرد میآورد و در پایان آن مسئله هائی دیده میشود که خواجه طوسی در رساله جبر خود برای تمرین آورده و علامه حلی پاره‌ای از آنها را ساخت فقه داده و در نهایة الاحکام یاد کرده است بهائی اینها را بریخت مسئله‌های طهارت در آورده و میگوید که بجز چهار تا همه را در خلاصة الحساب یاد نمودم.

آغاز: بسمله و به نستعین انه خیر معین اقول و بالله التوفیق: ان المساحة المبحوث منها ههنا هي استعلام ما في الماء من امثال مكعب الشبر و ابعاضه.

انجام: و لنقتصر علی هذه المسائل الخمس خوفا من الأطناب و من اتقنها سهل عليه استخراج كثير من مسائل هذا الباب و من الله العصمة و التوفيق.

[۱۱۰۲]

۸۲۱ این نسخه ش۱ دفتر است و بخط نسخ. گ ۱ الف - ۳ الف.

[۹۳۵] رساله در هیئت (فارسی)

ایندفتر دارای یک مقدمه (دردو قسم ازامور هندسی وطبیعی) ودو مقاله (۱ اجرام علوی در۶ باب ۲ هیئت زمین واقلیمها در ۱۱ باب) ویک خاتمه (بعدها وجرمها) میباشد ودر هیئت است وازمولی علاءالدین یا زین الدین علی بن محمد قوشچی (م قسطنطنیه ۸۷۹) است که بارها با خلاصة الحساب شیخ بهائی بچاپ رسید مولی مصلح الدین عبدالحی لاری آنرا گزارش نمود که درچاپ ۱۴۰۳ ایران دیده میشود. مولی پرویز م ۹۸۷ آنرا بترکی کرد. قوشچی رساله فتحیه‌ای در هیئت دارد که درهنگام گشودن سلطان محمدخان عراق ایران را نوشته است(۱).

آغاز: بسمله الحمدلله رب العالمین حمدالشاکرین ... اما بعد این کتاب مشتمل است برمقدمه ودومقاله وخاتمه مقدمه دربیان آنچه پیش ازشروع دراین علم دانستنی است.

انجام: واصغر ثوابت مرصوده بیست وسه برابر زمین است.

[۱۱۰۳]

۹۵۹ این نسخه بخط نستعلیق خوش درجدول زرین ولاجورد باسرلوح زرین وشنگرف ولاجورد و میان سطرهای دو صفحهٔ نخستین زرافشان است وشکلها بزرو لاجوردوشنگرف وعنوانها هم بشنگرف میباشد وحاشیه‌هائی بشکسته نستعلیق دارد و بدینجا پایان میاید: «وقبله درخلاف جهت ظل باشد تمت هذه الرساله والسلام» پایان باب ۱۱ مقاله ۲ و نسخهٔ ما خاتمه را ندارد.

(۷۱ گ) - کاغذ سپاهانی - جلد تیماج جگری ساده

اندازه: ۹×۱۹ و ۴×۱۲ س ۱۲

---

۱ - بنگرید به: کنی والقاب قمی ج۳ ص۷۵ - گاهنامه ۱۳۰۷ ص۱۲۸ - تاریخ ریاضی دکتر مصاحب ص ۱۵۳ - فهرست طوس ش۱۷ و۱۳۶ - چلبی در رسالة فی الهیئة - بلوشه ج۲ ش۷۸۹.

[۹۳۶] زیج (فارسی)

دراین زیج اززیج ایلخانی طوسی تاریخ۶۵۷ وزیج الغبیك تاریخ ۸۴۱ وزیج محمد شاهی تاریخ۱۱۳۱ یاد میشود (آغاز نسخه‌ها و گ۲۲ب ودیگرجاها) ونیز ازسال ۱۱۴۶ هجری (گ۴الف) جدولهای جیب وظل وبعد فرنگی هم در آن هست.

آغاز: بسمله درمعرفت روش ستارگان ومواضع ایشان در طول وعرض. ۵
درمعرفت تعدیل الایام. تعریف شبانه روز دراول کتاب گذشته دراین مبحث محتاجیم بشبانه روزی که مبدء آن نصف النهار باشد.

انجام: همه‌جا نائب ظل.... بکاهند که اجزای مرفوعه ارقام هندسی است.

[۱۱۰۴]

۱۰ این نسخه بخط شکسته نستعلیق ریز درجدول شنگرف و برخی رقمها نیز
۴۹۴ بشنگرف است. کتاب از گ۱ب تا۲۳ب واز گ۲۶ب تا ۳۰۹ب جدولهااست.
پاره‌ای ازبرگها وجای برخی ازجدولها سفیدمیباشد. نسخه ازآغاز نیست و
میان آنست.
(۳۱۰گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد(ز)رد تازه
۱۵ اندازه: ص۲۱×۳۱ وص۱۲×ص۳۰س۳۰

[۹۳۷] زیج گورگانی (فارسی)

الغبیك فرزند شاهرخ پسر تیمور گورکان (۷۹۶ـ۸۵۰ـ۸۵۳) در سمرقند بنیاد زیجی نهاده نخست ازقاضی‌زادهٔ رومی (م پس از۸۴۴) وغیاث‌الدین جمشید کاشی م۸۳۲ کمك جسته وپس ازمرك آندو از علاءالدین ملاعلی‌بن محمد قوشچی
۲۰ م۸۷۹ بهره‌برده ورصدخانه سمرقندرا در۸۲۳ ساخته ورصدرادر۸۴۱ بانجام‌رساند. معین‌الدین کاشانی خواهرزاده جمشید کاشی وجلال‌الدین اسطرلابی نیزدراین‌زیج کارکرده‌اند. آن‌رازیج سلطانی گورگانی وزیج جدید سلطانی یاگورگانی‌مینامند. این زیج چهار گفتاراست: (تواریخ دریك مقدمه و۵باب ـ اوقات‌وطالع در۲۲باب ـ روش ستارگان در۱۳باب ـ دیگرعملهای نجومی در۲باب) ودنبالـهٔ زیج ایلخانی
۲۵ طوسی میباشد.

این زیج‌را قوشچی گزارشی نوشت وهمان برهان‌هندسی برای آن آورد وروشن نمود(ش۱٤۱فاضلیه)ونامش سلم‌السماء میباشد ومولی‌میرم چلبی محمودبن‌محمدبن قاضی‌زاده مذی‌قعدة۹۳۱ آنرا بفارسی بنام دستورالعمل فی‌تصحیح‌الجدول دررجب ۹۰٤گزارش نموده برای سلطان بایزید دوم(۸۸٦ـ۹۱۸) فرستاد. میرم‌فرزند زاده

۵ قوشچی نیزبوده ودر آناطولی قاضی عسکربوده‌است. گزارندهٔ دیگر آن بیرجندی میباشد(ش۴۷۳ اینکتابخانه)شیخ شمس‌الدین محمدبن ابی‌الفتح صوفی‌مصری آن را دوبار ودومی‌بنام بهجةالفکر فی‌حل‌الشمس والقمر گزین وکوتاه ساخت وطول سمرقندرا بطول مصربرگرداند وعبدالرحمن صالحی موقت جامع اموی برای آن گزیده‌ای بتازی بنام‌التسهیل وتذکرةالفهیم فی‌عمل‌التقویم نوشت که چلبی‌میگوید

۱۰ «هومحلول‌زیج‌الغ‌بیك»(۱) مظهربن‌محمدقاری‌بن بهاءالدین‌علی‌درشیرازبدین‌زیج نگریسته ودر۸ـ۹٦۱ «شرح زیج امیرکبیر الغبیك» نوشت (ش۱٤۸٦ ایوانف).

نسخه‌ای ازترجمه‌عربی این‌زیج دربادلیان‌هست. بخشی ازاین زیج‌درلندن‌بسال ۱٦۵۰ وپاره‌ای دراکسفرد بسال۱٦٦۵ بچاپ رسید. سدیلوSédillot آنـرا در پاریس بسال۱۸٤۷ بچاپ رساند وترجمهٔ فرانسوی اوهم درهمانجا در۱۸۵۳چاپ

۱۵ شد واوبراین هردوچاپ حاشیه دارد.

آغاز: تبارك‌الذی جعل فی‌السماء بروجا... مالك‌الملکی که مصباح صباح‌وجعلنا سراجا وهاجا افروختهٔ حکمت اواست.

۱ـ بنگرید به: چلبی ج ۲ ص۱٤۱۳ـ فهرست بهارهندج۱ش۲۲۷ـ فهرست‌ایوانف ش۱٤۸۵ـ فهرست‌ربوج۲ص۷ـ٤۵٦ـ گاهنامه۱۳۰۷ ص۱۳۱و۱۳۱۰ص۷۸و۱۳۱۱ ص۱۵۰و۲۰٦ـش۱۸۲مجلس ـ ش۱۰۷طوس ـ گاهشماری ص۱٦۹ ـ فهرست‌بلوشه ج۲ش۷۸۵و۷۹۱ اودرص ٦٤میتویـد که زیج‌الغ‌بیك‌را شیخ محمدبن ابی‌الفتح‌صوفی مصری‌گزین نمود وشیخ‌خضربن قادر بورولوسی این گزیده‌را بنام بهجةالفکر فی‌حل الشمس‌والقمر بنگارش دیگری درآورد. ولی چلبی میگوید کـه یحیی‌بن علی رفاعی بخواهش همان‌صوفی مصری‌این‌زیج‌را بتازی کرد ونامش تذکرةالفهیم فی‌عمل‌التقویم میباشد.

انجام: وبهر هفتاد سال شمس یکدرجه بدانند. والله اعلم (گ۲۹ب ش۴۷۱ پس ازاین تا۱۹۶الف جدولهای نجومی است).

[۱۱۰۵]

این نسخه بخط نستعلیق باعنوانها و پاره‌ای رقمها بشنگرف دارای سرلوح و
۴۷۱ درجدول زرین ولاجورد وشنگرف میباشد. کتاب در آیش وپس شده‌است ۵
گ۲ب ـ ۱۹۶الف. پاره‌ای جاها از گزارش بیرجندی و دیگران درهامش
هست. در گ۲ الف تاریخهای ۲۵ مرداد ۹۶۶ یزدگردی و۱۱۲۸ یزدگردی (۱۱۷۲هـ)
و۱۲۲۸ و۱۳۲۱ و۱۲۳۵ و۱۲۳۹ ودر گ۱۹۶الف تاریخ ۱۱۹۵ یاد شده و پیداستکه
نسخه پیش از ۹۶۶ یزدگردی نوشته شده‌است.

(۱۹۷گ)ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج مشکی ضربی مقوائی ۱۰
اندازه: ۱۹×۳۰ و ۱۳×۲۰س۱۳

[۱۱۰۶]

این نسخه شماره ۲ دفتراست وبخط نستعلیق باعنوانهای شنگرف در جدول
۴۹۹ وبرخی جاها بشنگرف میباشد. وچنین است: «فصل اول (باب۱) من مقالهٔ چهارم
زیج الغ بیك میرزائی. فصل اول در نمودارات. هرگاه که وقت ولادت را ۱۵
بحقیقت ندانند (از نمودارهای هرمس وبطلمیوس وزردشت یادمیشود) ـ واین عمل بعد
ازمعرفت تسییرات مقرر تواند بود والله اعلم بالصواب. (برابر با گ۱۳ب ش۴۷۱ ـ
فصل۱ باب۱۰ مقاله۴ آنگاه در گ۱۶۰الف دارد:) باب نوزدهم درمعرفت سمت قبله و
انحراف او، نسبت بلدبامکه از پنج قسم خالی نتواندبود. دوراانحراف شرقی باشد (گ۲۱ب
ش۴۷۱ـ باب۱۹ مقالهٔ۲ پس ازاین در گ۱۶۰ب دارد:) باب۱۵ (مقالهٔ۴) درمعرفت نصف ۲۰
النهار. آنرا طرق بسیاراست. اما آسان آنست که زمین را هموار کنند ـ آفتاب بیکی
ازانقلابین نزدیك باشد وطریقی دیگر آنستکه» (باب۱۵ مقالهٔ۲ گ۱۹ب ش۴۷۱) گ
۱۵۸ب ـ ۱۶۰ب.

[۹۳۸] الزیج المختصر فی تقویم الشمس والقمر (عربی)

عزالدین محمدبن علی بن محمد دیلمی برای یکی ازدوستان خود در یمن ۲۵
اینمختصر را در ده باب بپرداخت و آنرا «الزیج المختصر فی تقویم الشمس والقمر والخمسة
الکواکب والجوزهر» نامید. در گ۱ الف نسخهٔ ما «زادالمسافر» نیز نامیده شده.

آغاز: بسمله قال السید العالم ... عزالدین ... محمد بن الامام علی بن محمد
الدیلمی رحمه‌الله: الحمدلله الولی الحمید المحصی المبدی المسبل... الذی زین السماء

الدنیا بمصابیح .

انجام : وهذاالفصل مضاف الی تحویل السنین مثل ان اضع ... (دوسه کلمه خوانده نشده و باندازهٔ هشت سطر سفید است گ۱٦ الف آنگاه در گ۱٦ب دارد :) بسمله هذاالجدول لمعرفة ساعات النهار الزمانیة لکل بلد یدخل الیه وتعرف غایة ارتفاع الیوم فی اقلیم الیمن من الجدول منقول من کتاب المثنی رحمه الله (از گ۱۷ الف تا ٦٤ب جدولهای نجومی است. در گ۸۲ب بدینگونه پایان مییابد:) فانماهی مواضعهاالسنة الف ومائة وخمسین للاسکندر ذوالقرنین واللّٰه اعلم وصلی اللّٰه علی سیدنا محمد.. وسلم (در گ۸۲ب - ۸٤ب سخنانی است از کتاب احکام سهل بن بشر بن حبیب).

در گ۱٦ الف و۷۷ب از ابن الخیاط سخنی آورده شد ودر گ۲ب از سال ۹۲٦و در۲الف و۳ب از ۹۲۷ یاد گردید. ازخود کتاب پیداست که دریمن نگاشته شده واز آنچه درسالهای ۲۷۰و۳۰۲و۳۷۲ و ٤۲۱ در آنجا رخداده است یادشدنیز اززایجه وتحویل سال درشب سه شنبه یکم شعبان ٤۳٤ برابربا۱۱ افرو دینماه ٤۱۲ یزدگردی درشهر صنعا وزبید وتحویل سال درروز پنجشنبه ۱۳ شعبان ٤۳٦ برابر با ۱۰افرودین ماه ٤۱٤ یزدگردی (۷۷ب و۷۸الف) وازسالهای ۳٦۱ و۳۹۱و٤۰۱و ٤۲۱ و٤۳۸و ٤۱۲و٤۳۹ (گ۷۹) و۱۰۹۲ هجری (۸٦الف) چنین است فهرست ده باب: مدخل سالهای تازی - اوساط ستارگان درشهر صنعاکه این زیج برای آنجا نوشته شده و جز آن- تقویم آفتاب و ماه و ستارگان- تقویم پنج ستاره - عروض پنج ستاره وماه ومیل آفتاب - اجتماع واستقبال ودیدن هلال - طبایع بروج درشب وروز ودیگر بیتهای دوازده گانه - کسوف- خسوف- جایگاه ستارگان و۲۸ منزل وارتفاع ساعتها و اوقات.

جدولهای تاریخ رومی وتازی ویزدگردی واستخراج قبطی از سریانی وبعکس هم در آن هست. نیز جدولهای نجومی برصد ابن یونس وابن اسحق مغربی وبطلمیوس (درجایگاه ستارگان بسال ٦۷۰ = ٦٤۰ یزدگری) .

[۱۱۰۷]

۴۹۵ این نسخه‌ش۱ دفتر است و بسیار پاکیزه و بخط نسخ درشت بااعراب و نقطه‌ها و نشانه‌ها و عنوانها ورقمهای زرین یاشنگرف در جدول زرین و شنگرف گ۱ب - ۸۲ب.

۵ درگ۱ الف نسب نگارنده عزالدین دیلمی بهشت پشت بامیرالمؤمنین امام ناصر الدین الله ابی الفتح دیلمی رسانده شده. درگ۷۲دارد که کتاب در روز دوشنبه ۱ ذی‌قعدهٔ ۱۱۳۵ نقل شد.

[۹۳۹] زیج ملخص میرزائی (فارسی)

عبدالقادر بن حسن رویانی لاهیجی دانشمند ریاضی سدهٔ نهم وشاگرد قوشچی (م۸۷۹) گویا همان نظام‌الدین عبدالقادر م ۹۲۵ ومدرس مدرسهٔ سلطانی در زمان ۱۰ سلطانحسین میرزا ازروی زیج رکن‌الدین آملی و زیج الغبیك برای سلطان میرزا علی فرمانروای گیلان بطول لاهیجان این زیج را از۸۱۳ تا۸۵۸ یزدگردی نگاشته است و آن در۴مقاله است: (معرفت تواریخ، روش ستارگان - استخراج موالید و اعمال نجومی - معرفت طالع مولود) واز دیباچهٔ آن پیداستکه نگارش آن تا پس ۱۵ ازمرگ قوشچی کشیده است.

رویانی در آن اززیجهای شمس‌الدین وابکنوی وجمشید کاشی ومولانا حسین شاه سمنانی ومولانا ناصر شیرازی ومولانا علیشاه خوارزمی (ازروی زیج طوسی) و رکن‌الدین آملی (ازروی زیج الغبیك) یادمیکند ومیگوید که زیج آملی درست نیست ومن ازقوشچی آموختم واو دشواری زیجها رابرایم روشن نمود واز روی ۲۰ دوزیج آملی والغ بیك این‌دفتر بپرداختم. نام آن زیج ملخص میرزائی است (گاهنامه ۱۳۱۱ص۱۴۰ - ش۱۸۵مجلس - ش۷۹۰ باوشه ج۲) رویانی درفصل۴ باب۱ مقالهٔ ۱ (تاریخ خطائیان - گ۲ب) میگوید که فرزانگان خطا سالها وروزهـا را شصت شصت‌میشمارند وهردوری برای آنان بجای هفته باشد. ماهها وسالهارا سه دور پندارند نخستین شانگون دوم خانگون سوم خانون که دور کوچك خطائیان است. آغاز ۲۵ دورشانگون دراین هنگام که مابنگارش‌ایندفتر میپردازیم نیمهٔ روز سه‌شنبه چهارم

خرداد باستانی سال ۸۱۳ (ضیج) یزدگردی میباشد. در آن ازبطلمیوس وابوریحان یاد میشود.

درفصل ۴ باب ۲ مقالهٔ ۱ (گ ۱۲ الف) جدولی است که تاریخهای رومی ویزدگردی و تازی را از ۱۷۷۹ رومی برابر با ۸۳۴ یزدگردی و ۸۷۰ تازی تا ۲۶۲ برابر با ۱۶۷۹ و ۱۷۴۰ در آن برشمرد. درفصل ۵ باب ۲ مقاله ۱ (گ ۱۳ و ۱۴) سه جدول است که سالهای جلالی ملکی بایزدگردی وتازی ورومی از ۴۱۱ ملکی و ۸۵۸ یزدگردی و ۸۹۴ تازی و ۱۸۰۰ رومی تا ۵۰۰ ملکی و ۹۴۷ یزدگردی و ۹۸۶ تازی و ۱۸۸۵ رومی سنجش شده است.

رویانی درفصل روزهای مشهور همین باب از ۱۸ ذیحجه که روز غدیرخم است و ۲۲ همانماه که علی ۴ انگشتری بپرسندهای بخشید یاد میکند ومینماید که شیعی است (گ ۱۴ ب) باز از روش پارسیان در نوروز و ۱۳ تیر و ۱۵ مهر و ۶ آبان وسوار شدن کوسه یادمیکند (گ ۱۶ ب) واززیج سلطانی (۷ ب) وازسال ۸۵۶ (۸۹۲ تازی = ۱۷۹۸ رومی) و ۸۵۷ و ۸۵۸ یزدگردی و ۸۹۴ تازی و ۱۸۰۰ رومی (۱۱ ب و ۱۲ الف و ۱ ب و ۹ ب و ۱۰ ب). درفصل ۷ باب ۱ مقالهٔ ۳ (۲۹ الف) درعرض وطول شهرها ازطول «بلدهٔ طیبهٔ لاهیجان» یادمیکند و پیش از جدولهای گذشته (گ ۱۳ و ۱۴) می گوید که اینها بطول لاهیجان است.

ازهمه اینها برمیآید که رویانی از ۸۱۳ (۸۴۹) تا ۸۵۸ یزدگردی (۸۹۴ تازی) بنگارش این زیج میپرداختهاست. درفهرست فاضلیه از «معرفت تقویم» فارسی عبدالقاهر رویانی یاد شد (ش ۴۸).

آغاز: سپاس وستایش مرصانعی راکه ایوان بیستون برافراشتهٔ حکمت اوست (۱۸۵ مجلس).

انجام: تاسال هشتم باز نوبت بصاحب ساعت ولادت رسد نهر اسند (فصل ۱۴ مقالهٔ ۴ گ ۳۸ ب نسخهٔ ما).

[۱۱۰۸]

۹٤۷ این نسخه بخط نستعلیق است با عنوانها و نشانه‌ها و پاره‌ای از رقمها در جدولها بشنگرف تاریخ چهارشنبه ۲۸ ع ۲ سال ۱۰۳۷ در گ ۲۱ ب و ۲۲ الف و جاهای دیگر حاشیهٔ منه دارد و در گ ۲٤ الف حاشیه‌ایست از بیرجندی و در گ ۲۷ الف حاشیه‌ایست بدینگونه: «لمولانا محمد باقر». ۵

چنین است آغاز نسخه: «نزدیك ایشان شب مقدم بروز باشد و بنزدیك اهل روم و فرس و جماعتی که ماههای ایشان مبنی بر حساب است مبده شبانه روز از زمان طلوع آفتاب است» (دیباچه) در پایان دارد «تمت مؤامرة الزیج الجدید عبدالقادر رویانی طاب ثراه في یوم الاربعاء ثامن عشرین شهرربیع الثانی سنة ۱۰۳۷ من هجرة خیر البریة» گ ۱ الف ـ ۳۸ ب و گ ۳۹ الف ـ ۷۹ الف جدولهای نجومی است. ۱۰

چنین است فهرست ایندفتر: مقاله ۱ معرفت تواریخ در دو باب ۱ تاریخ خطائیان در ۷ فصل که فصل ۲ میان گ ۱ و ۲ در نسخه نیست. باب ۲ تاریخهای دیگر در ۶ فصل (تاریخ رومی و تازی و پارسی ـ گردانیدن سالهای این تاریخها ـ ملکی ـ روزهای مشهور) مقاله ۲ روش ستارگان در ۱۶ فصل (تقویم آفتاب، هفت ستاره ـ عرض ماه و خمسهٔ متحیره ـ نطاقات کواکب بسط تقاویم ـ نصف النهار ـ اتصال کواکب ـ اجتماع و استقبال ـ ۱۵ دیدن ماه ـ طالع سال جهان ـ استخراج تسویة البیوت ـ خسوف ماه ـ کسوف آفتاب ـ مقدار سیر برخی از ستارگان ثابت ـ طول و عرض برخی شهرها ـ ادوار و الوف و انتهاآت جهان).

مقالهٔ ۳ استخراج موالید و اعمال نجومی در دو باب (حبیب و ظل و سهم در هشت فصل ـ ارتفاع و انحطاط کواکب در نه فصل). ۲۰

مقالهٔ ٤ طالع مولود در ۱٤ فصل (فصل ٤ درمیان برگهای ۳۲ و ۳۳ نیست).

(۷۹ ب) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج زرد تازه

اندازه: ۱۸×۲۹ و ۹×۱۹ س ۲۱

[۹٤۰] سر الاسرار فی حقیقة التسییر و کیفیة الاستمرار (عربی)

ابوالقاسم علی بن احمد بلخی ایندفتر را در احکام نجوم بپرداخت (ش ۱۸۷ مجلس) و بیشتر آزمایشهای خود را در اختربینی آورد. ۲۵

در باب ۱۶ نکته‌هائی دربارهٔ طالع دارد بعنوان «فی ذکر نکت و فقر وشواذ فی التسییرات و احکامها» در اینجا طالع بسیاری از شاهان و بزرگان را بی اینکه از آنها

نامبردمیآورد و پیش‌بینی‌ها که‌دربارهٔ سرنوشت آنهاشده باسرگذشت آنان‌میسنجد مانند طالع آنکه فراس‌شاه آذربایجان اورا گرفته بازش داشت تـا بمرد(۳۰ب) و زایجهٔ وزیری بزرگوار که درپسازاده وشاه اورا درزندان کرد واو خودرا در آنجا بکشت(۳٦ب) درپایان این‌باب (٤٠ب) ازوازهٔ «جوبراست» یادمیکند وازسال ۲۱ و۲۲زاده شدن شاه روزگارخود .

درباب۱۷ « فی‌الامثلة التی‌وقعت علیهاالتجارب من تأثیرالتسییرات فی‌المو الید و ماصح منها بالمشاهدة فی‌زماننامعالم نغادرموجباتها وقت‌التأثیر شیئاً قلیلا ولاکثیرا» ازخود بنام «علی‌بن احمد بلخی» یادمیکند (گ ٤٠ ب) .

بلخی بسخنان بطلیموس مینگرد واز احمدبن یوسف (طواونی مهندس مصری) گزارندهٔ ثمرهٔ بطلمیوس (١٤الف) وازهمان ثمره وپایان اربع مقالات(۳٤الف) یاد میکند ودرباب۱٦ بازمیگوید: «قال علی‌بن احمد هذا مثال‌ظریف» وخودرا مفسر سخنان زردشت میخواند (۳۵الف وب) ویاد میکندازبغداد وجوبراست (۱۹الف) وهرمس وزردشت که میگوید(۳٦الف) مـا بسخنانش برخوردیم انگار گمشده‌ای یافتیم ودر بسیاری ازجاها سخنان اورا میآورد. باز یادمیکند ازمذکرات‌ابومعشر وپاره‌ای ازباب۱۱ مقالهٔ۳ «الکتب‌الاربعة» درباره تسییرات بطلمیوس را ازروی دو ترجمهٔ خالدبن برمك وحبیب‌بن بهریز مطران میآورد (۳۷ـ۳۹) .

درباب۱٦ (٤٠الفوب)مینویسد: «الملك‌السعید عضدالدوله نضرالله وجهه» واز ۲۱و۲۲ سالگی‌پادشاه روزگارخود (گویا همان‌فنا خسرو) یادمیکند ومیگوید که درزمان اودانشمندی بنام ابی‌الحسین (عبدالرحمن‌بن عمر) الصوفی (الرازی۲۹۱ـ ۳۷٦) میزیسته ودرستاره‌شناسی سرآمد بوده است. درآغاز باب۱۷(٤٠ب) پس‌از عنوان یادشده دارد: «قال علی‌بن احمدالبلخی ان‌الذی صح لنامن‌هذه‌الابواب مدة تاملنا لها وتجربتنا ایاها فی‌المو الید هی کثیرة لشدة شغفنا (بها) و بتاملها والکشف عن‌غوامضها ولعنایتنا باثبات‌القلیل والکثیر والصغیروالکبیر مماکان یحدث فی‌مولد مولد منها فان رمنا ذکرجمیعها طال ومل‌الاانا نوردمنها غرائب مستحسنة و بدایع

مستغربة ... و یقتصر علی ماصح من ذالك فی المواليد المشهورة التی هی كالأعلام وهی اثناعشر مولداً» پیدا است که بلخی دربارهٔ زایچه‌ها و پیش‌بینی سرنوشتها کاوش مینمود و با سرگذشت و زندگی دارندهٔ زایچه میسنجید. او از اینجا تا پایان دفتر ۱۲ زایچه از مردمان نامور و گرانمایه میآورد که با زندگی آنها درست درآمده بود.

۱ ـ شاهیکه در زمان بلخی و در بغداد بوده و پدرش در ۱۹ سالگی پسر درگذشت و او بشاهی رسید. این فرمانروا در روز آدینه مار اسفندماه تیر سال ۳۶۲ (شسب) فارسی زاده و در روز بادماه دی‌سال ۳۹۸ فارسی (شصح) درگذشت.

۲ ـ شاهیکه درزمان او در شیراز زاده و در کرمان شاهی میکرد و ۲۸ سال و ۸ ماه و ۱۶ روز زیسته و در بامداد چهارشنبه روز آبان‌ماه دی‌سال ۳۹۵ (شصه) بمرد

۳ ـ شاهی درزمان او در شیراز که ۲۵ سال و دوماه خورشیدی زیسته بود.

٤ ـ نیز چنین شاهی در شیراز و درزمان او که سه فرزند بیش نداشت و یکبار شیراز و دیگربار شاپور خواست بگشود و در ۲۰ سالگی بغداد بگرفت.

۵ ـ شاهنشاه خراسان که درغزنین روز سه‌شنبه بهرام روز ماه خرداد سال شله (۳۳۵) فارسی زاده است(۱) بلخی از کشور گشائی و بت‌شکنی و مردمکشی و درندگی و چپاولهای او و از ۶۲ و ۶٤ و ۷۹ سالگی او که کارها رخ‌داده‌است یادمیکند. بازمیگوید در شب چهارشنبه که بامدادش روز بهرام‌ماه خرداد سال ۳۹۹ فارسی بوده است ستاره‌ای درآسمان پاشیده و گسترده شده تا بخاور و خراسان رسید و آوازهای هراساننده‌ای شنیده شد و چنین میرساند که شاهنشاه خراسان خواهد مرد. در نزد شاهیکه خدای نگاهش بدارد این سخن بمیان آمد و ما دلیلهای کلی و جزئی گواه آوردیم و بگفتهٔ بطلمیوس در ثمره از توانی نجوم دلیل گرفتیم. مارا آگاه ساختند

(۱) ـ محمود ترك در ۳٦۰ زاده و در ۳۹۰ بشاهی رسید و در ٤۲۱ بمرد (لب‌التواریخ) سال ۳٦۰ هجری نزدیك است به ۳٤۹ یزدگردی اگر آغاز آنرا ۱۱ هجری بگیریم پس نسخهٔ ما که شله (۳۳۵) دارد درست است نه نسخهٔ مجلس چنانکه درفهرست آنجا آمده و نوشته استکه: «شله ۵۳۵ فارسیه» بااینکه این سخن را فهرست‌نگار دربارهٔ محمود دانست.

که آن شاه بمرد وخدا میداند . ازاینجا بود که ما رساله نوشتیم و چنانکه فرزانه گفته استدرستی تأثیر آثار علوی‌جوی‌را در آن نشان‌داده‌ایم. دراینجا ازستارگان سحابی(٤٤الف)یادشد.

٦ ـ بزرگی که وزیرشده ومیخواست بشاهی رسد. بلخی از٤٥سالگی او یاد میکند ومیگوید که اورا بگرفتند ودردژی گرسنه وبرهنه درسرما بازش داشتند و ۵
پس ازچهارسال که ٤٩سالوچهارماه اززندگی اومیگذشت‌هرچه سخت‌تربکشتند

۷ ـ کودکی کـه درواسط در شب چهارشنبه روز اردی بهشت سال‌شله فارسی (۳۳۵) زاده ونخست‌نادان وناتوان بوده‌سپس وزیر گشت و بپایگاه بالاتر هم‌رسید تااینکه دژشابور خواست رابگشود وچپاولها کرد وشهرهای دیگرنیز بگرفت وبه
۵۲سالگی‌رسیدودر گورستانی باریسمان‌اورا خفه کردند وباشمشیر پاره‌پاره‌نمودند ۱۰
واین درشب سه‌شنبه بامداد روز آسمان‌ماه شهریورسال شعه(۳۷۵) پارسی بوده است .

۸ـ کسی دررا مهر که ازنزدیکان شاهی گشت‌ودر۲۵ سالگی سختیها بدیدودر دوشنبه روز شهریورماه اردی‌بهشت سال شعط(۳۷۹) فارسی کور گشت وسرانجام
بستم کشته شد . ۱۵

۹ ـ کسی ازخاندانهای میانین‌نه‌گرانمایه که درراس کرمان درشب شنبه٤ع۲ سال۳۳۸هجری برابربا شب روزاسفندمذماه مهرسال۳۳۹خراجی و۳۱۸یزدگردی زاده وبپایگاه ارجمند رسید ودرروز رشن‌ماه فروردین سال٧٦ (عو) چنانکه مـا گفته‌بودیم در٧٦سالگی درزندان کشته شد .

۲۰ ۱۰ ـ کودکی دربغداد ازخاندان وزارت که در۳۸سالگی ازوزیری افتاد و باز در ٤۳ سالگی بپایگاهی رسید ودر ٤٤ سالگی از آن افتاد و در٥٤ سالگی بمرد چنانکه یکی ازاختربینان دربارهٔ او چنین پیش‌بینی کرده بودند .

۱۱ ـ وزیری درشیراز که یکسال وزیر گشت ودر٤۲سالگی کشته شد .

۱۲ ـ خوشبختی ازخاندان بزرگان ونویسندگان که درروز شنبه روز آبان ماه

شهریور سال شیه (۳۱۵) فارسی در شیراز زاده شد. بلخی در اینجاکه پایان دفتر است ازخود چنین نام‌میبرد: «قال علی‌بن احمدالبلخی: المشتری فی‌هذاالمولدفی الحاد یعشر ...» مانا اومیخواهد دربرابر دانشمندانی مانند فارابی که ستاره‌شماری واختربینی رانادرست دانستندباگواه‌آوردن‌این‌زایجه‌ها پیش‌بینیهای ستاره‌شناسان وحسابهای آنها راباواقع برابر سازد و آنها را درست واستوار نشان دهد. ۵

آغاز: الهم انك عالم‌الاسرار لحقایقها والمطلع علی‌الخفیات بغوامضها.

انجام: ودل علی‌ان عاقبته وخاتمة امره اجمل‌خاتمة بمشیةالله وعزته. اللهم بفوزك‌الذی‌سنلع علینامنك‌وسلطانك‌الذی قهر کافةالخلق... الاصیرت خاتمتناومباغنا الی خیر وجعلت مستانفنا اجمل من‌ماضی احوالنا انك‌علی کل‌شیئی قدیر وبالاجابة جدیر. ۱۰

[۱۱۰۹]

۹٤٦ این نسخه بخط نستعلیق باعنوانها ورقمها وشکلهای شنگرف میباشدوپایان باب٤تا باب۱۷ که انجام‌دفتراست درآن‌هست وآغاز چنین است: «المقوم بثلثمائة وستین قسما ویجوزعلی‌کل قسم‌منها دائرة من‌دوائرالعظام ...الباب الخامس فی‌عمل‌التسیر بمطامع‌النظیر بالابعاد من‌الاوتاد. ۱۵

(۳۴۸گ) — کاغذ فرنگی — جلد تیماج مشکی‌تازه
اندازه: ۱۴×۲۱ و ۱۰×۱۷ — ۳۴س

[۹٤۱] سی فصل (فارسی)

این‌رساله درسی‌فصل وتقویم‌درآن شناسانده‌شده وازآن پیداستکه در۷۲۹ هجری برابربا ٦۹۸ یزدگردی و ۱٦٤۰ اسکندری و۲۵۱ جلالی بنگارش درآمد (فصلهای ٦تا۹) وجز سی‌فصل‌طوسی میباشد وجدولها رانداردو کوتاهتر ازآنست مانا نگارنده‌آن دربرخی ازفصلها بنگارش خواجه نگریسته بود. ۲۰

آغاز: رساله درباب‌تقویم دانستن. بسمله وحمدوصلوة. امابعد این‌مقدمات چنداست که درمعرفت تقویم وغیره بکار آیدمشتمل برفصولی‌چند. فصل‌اول درباب حساب جمل: ایکی ب دو ج سه د چهار. ۲۵

انجام: وعطارد وقمر هردو قوی‌حال‌باشد ومسعودباشند والله‌اعلم‌بالصواب.

[۱۱۱۰]

۳۰۲ این نسخه‌ش۸ دفتراست و بخط نستعلیق باعنوانهای شنگرف محمد کاظم محلاتی درج۲سال۱۱۱۱ گ۱۳٤ الف ـ ۱۳۸الف .

۵ [۹٤۲]

شبهة المیزان

(عربی)

دانشمند محمد سراب‌بن عبدالفتاح تنکابنی زندهٔ در۱۰۹۸ و۱۱۰۹ این رساله را دراین‌باره نوشت که چرا همینکه باراز کفهٔ ترازو بردارند آنکه پائین‌است بالا میآید و آنکه بالااست بپائین میرود وازاین پرسش پاسخ میگوید .

آغاز: بسمله . اذا عدل طرفامیزان‌ورفع برفع العلاقه وقف‌طرفاه متساوی‌النسبة

۱۰ الی الافق .

انجام : فی‌امالة ذالک‌الطرف الی‌اسفل انقص من‌لانقص . فتدبر .

[۱۱۱۱]

۸۸۸ این نسخه ش۵ دفتراست وبخط نستعلیق محمدبن حبیب‌در۱۰۸۸ ودر پایان‌دارد «قدحقق هذه‌الکلمات‌الشریفة‌اللطیفة فی‌اوائل‌شهر ذی‌الحجة من‌شهور سنة۱۰۸۸

۱۵ المحقق‌الکامل المدقق‌العارف‌الفاضل مولانا محمد ادام‌الله‌فضله» حاشیة‌منه‌دارد گ۹۳ب ـ ۱۹٦الف .

[۹٤۳]

شرح اشکال‌التأسیس

(عربی)

سیدشمس‌الدین‌محمدبن‌اشرف‌سمرقندی م۶۰۰ بسال۵۹۵ بدرخواست‌یاران۳۵ شکل‌اصول‌اقلیدس که‌پایه واساس استدلال‌درحساب ومساحت‌وجبراست در«اشکال

۲۰ التأسیس» آورد و آنهارا حل‌نمود. این‌شکلها بجز پنج شکل‌آخر که از مقالهٔ دوم وشکل ۲۸ که ازمقالهٔ ششم‌است همه ازمقاله یکم اصول میباشد . (شرح و حاشیهٔ نسخه‌ما) پیش ازاین شکلها مقدمه‌ای آورده شد ودر آن ازمبادی واصول موضوع گفتگو گردید .

محمودبن محمدبن قوام قاضی والشتانی هروی هیوی شیعی زندهٔ پیش از۸٦۲

۲۵ بنام‌فوائد جمالی برای جمال‌الدین‌سلطانحسین آنراترجمه نمود (بلوشه۲ش۷۷۲/۲) شمس‌الدین محمدمیرک بخاری فرزند مبارکشاه هروی(۱) و مسعودبن معتز با

---

۱ ـ اینداتشمند برحکمة‌العین دبیران قزوینی م٦۷۵ گزارشی نوشت که شریف

بقیه حاشیه در صفحه بعد

معتمر مشهدی معروف بعماد نظامی درسمرقند بسال ۸۲۳ بر آن گزارش نوشتند(ش ۱۲۷ و ۱۲۸ طوس) پس ازقاضی‌زاده هم گزارشی بر آن نوشتند که نسخهٔ آن در طوس هست(ش ۱۲۹) قاضی‌زاده موسی بن محمدبن محمود رومی این گزارش آمیخته را درسمرقند بسال ۸۱۵ بماده تاریخ «خیره» برای الغ بیك بر آن نگاشته است(چلبی ـ آموزش و پرورش ش ۳ سال ۱۰ تاریخ ۱۳۱۹ ص ۵۸ و ۶۰ ـ ش ۱۲۶ طوس ـ گاهنامه ۱۳۰۷ ص ۱۲۷ و ۱۳۰ ص ۷۹) او میگوید که پیش از این گزارشی بر آن نوشتند و گسترده‌اش ساختند مگر اینکه من بروش اقلیدس آنرا مدلل میسازم. او از اصلاح اصول اقلیدس ابهری در گزارش بر «اصول موضوع» مقدمه (گ ۵۷ ب) یاد نمود. این دانشمند رومی بگواهی شاگردش مولی فتح‌الله شروانی در گزارش بر تذکره طوسی (ش ۴۹۳ این کتابخانه گ ۱۲ الف) تامیانهٔ ربیع دوم سال ۸۴۴ زنده بود پس آنچه تهرانی در گاهنامه ۱۳۱۱ ص ۱۵۸ از گفتار الغ بیك در دیباچهٔ زیج گورگانی دریافته و گفته که او میان ۸۳۰ و ۸۴۱ درگذشته است باید درست نباشد.

آغاز: بسمله وبه نستعين. الحمدلله الذي خلق كل شيئ بقدر وقدر له مايليق به من اشكال وصور... وبعد فان الهندسة مع متانة مسائلها ووثاقة دلائلها ... علم يحتاج اليه الكملة المتفكرون.

انجام: من ثانية كتاب الاصول لاقليدس. وليكن هذا آخر الكلام. والحمدلله على الاتمام.

[۱۱۱۲]

۹۴۳ این نسخه ش ۶ دفتر است و بخط نستعلیق اسمعیل بن علی بن عثمان در مدرسهٔ فیضیهٔ ارز روم در ۱۱۲۲ باعنوانها و نشانه‌ها و شکلهای شنگرف و زری متن خط کشیده شده. گ ۵۲ ب ـ ۱۷۹ الف. حاشیه هائی در نسخه هست از چلبی ومحمد (گویا محمد بن محمد قاضی‌زاده یا فصیح‌الدین محمد نظامی م ۹۱۹ که درمحرم ۸۷۹ برای امیرعلی شیر آنها را نوشته است) و از محی‌الدین گویا تاج سعیدی ابی الفتح

بقیه حاشیه از صفحه قبل

گرگانی م ۸۱۶ آنرا حاشیه کرد ودرقازان دوبار بسالهای ۱۸۹۳ (۱۳۱۱) و ۱۳۱۹ بچاپ رسید (ریحانة الادب ج ۳ ص ۱۳۱ ـ معجم المطبوعات ص ۱۶۳۲).

محمد بن سعید حسینی شاگرد قاضی زاده و میرزاجان و دیگران (چلبی ج ۲: ۱۰۵ چاپ ترکیه) حاشیهٔ منه‌هم دارد .

[۹٤٤] شرح اصول اقلیدس (عربی)

اهوازی در این نامه گفتار دهم اصول اقلیدس (عدد های اصم) را در هشت فصل گزارش میدهد. میگوید چون دیدم گزارشها براین گفتار نوشته و خوب روشنش نساخته و درست بدان پی نبردند وسخنان آنان نیز دشوار و پراکنده بود من این گزارشرا نوشتم واز گذشتگان نیز خرده نمیگیرم من نمیگویم که گذشتگان چیزی برای آیندگان نگذاشتند بلکه میگویم بساچیزهائیکه آنان برای دیگران بجای گذاشتند. در آن از ابوجعفر خازن یادمیشود (فصل ٥ گ ١٤ ب) واز روش هندی (فصل ۷ گ ١٦ الف). این دانشمند گویا همان ابوالحسن اهوازی باشد که در گاهنامه ۱۳۱۰ ص ۸–٦٦ یادگردید و پس از خوارزمی و پیش از بیرونی میزیسته است .

آغاز: شرح المقالة العاشرة من كتاب اقليدس تصنيف الاهوازي . هذا كتاب يذكر فيه جمل مايحتاج اليه من المقالة العاشرة من كتاب اقليدس والذى دعانا الى ذلك .

انجام: وستة منها جذور فاعرف ذلك .

[۱۱۱۳]

۹٤۹ این نسخه ش ۲ دفتراست و بخط نسخ با نشانه‌ها و عنوانهای شنگرف نزدیك ۸۹۹ در قسطنطنیه گ ٥ الف – ۱۸ الف . درآغاز وپایان این رساله نسخه نویس آن را ازاهوازی دانست .

[۹٤٥] شرح بیست باب طوسی (فارسی)

خواجهٔ طوسی ٦۷۲ م درشناختن اسطرلاب دفتری بنام صدباب برای حاجی امیر محمد نوشته سپس آنرا کوتاه ساخته دربیست باب گذارد و آن چندبار در تهران و تبریز بچاپ سنگی رسید یکی ازآنها چاپ ۱۳۱٦ میباشد و گزارشها و حاشیه‌ها بر آن نوشتند (ش ۱٤ و ۱٥ و ۱۹ طوس و ۸ فاضلیه) .

امیر نظام الدین بن حبیب الله در ۸۷۳ بر آن گزارشی بپارسی نوشته است وحسین بن خواجه شرف الدین الهی آنرا حاشیه کرد .

نظام‌الدین عبدالعلی بن محمدبن حسین بیرجندی م ۹۳٤ شاگرد معین‌الدین کاشی و شیخ‌الاسلام سیف‌الدین تفتازانی براین بیست‌باب پارسی گزارشی برای خواجه ناصرالدین وزیر و بدرخواست دانشمندان درجمادی دوم۸۸۹ نگاشته‌است واز خودهم چیزهائی بر آن افزود (ش۱۱٥طوس)(۱) درفهرست مجلس(ش۱۸۹) دارد که بیرجندی آنرا در۸۹۳ نوشته است . ٥

بیرجندی دردیباچه‌ازگزارشها وحاشیه‌های‌دانشمندان براین کتاب یادمیکند ومیگوید که آنها در آوردن برهان ریاضی آنچه میبایست نگفته‌اند. خود اوهمه‌جا دلیل ریاضی آورد . دردیباچه وپایان نام بیرجندی برده شده است .

آغاز: بسمله وبه نستعین. فاتحهٔ خطاب درهرباب وخاتمهٔ مقال درهرحال سپاس وستایش حکیمی‌را سزد که‌درجات‌ارتفاع آفتاب‌عزت‌و کبریاش‌بملاقهٔ‌اسطرلاب عقول ومقیاس حواس روشن نگردد. ۱۰

انجام: بغایت رسید ... شرح بیست درمعرفت قواعد اسطرلاب بسعی ... عبدالعلی بن محمدالبیرجندی درجمادی‌الاخر۸۸۹ که زبانرا ازتاریخ آن سترباز‌می گوید. والحمدلله اولا وآخراوالصلوة ... ابدامتتالیا .

۱٥

[۱۱۱٤]

۸۲۹ این نسخه بنسخ ومتن زیرخط سرخ باعنوانها ونشانه‌ها وبرخی رقمها و شکلها بشنگرف است ودر تاریخ ۱۰۸٦ نوشته شده ودرپایانست دارد«فی تاریخ النبویه سنهٔ ۱۰۸٦» ــ مهر «سیدمحمد شوقی» .

(۱۱۰ص)ــ کاغذ فرنگی ــ جلد پارچهٔ مشکی آهردار ۲۰

الدازه : ۱٤×۲۰ و۸×۱٥س۱۹

[۹٤٦] شرح بیست باب بیرجندی (فارسی)

نظام‌الدین‌عبدالعلی‌بن‌محمدبن‌حسین‌بیرجندی م۹۳٤نگارندهٔ «ابعادو اجرام» بسال۹۳۰ وگزارش زیج الغ‌بیك بسال۸۷۹ وگزارش بیست باب طوسی بسال۸۸۹

۱ــ بنگریدبه: آثارالشیعهٔ جواهر کلام ص۶۰ ــ چلپی۱: ۲۰۸ ــ فهرست‌معارف ج۲ ش۳۳۲و۳۳۳ ــ ریحانة‌الادب۱: ٤۲۳ ــ ذریعه۳: ۱۸۷ ــ فهرست بلوشه‌ج۲ش۲ر۷۸۳ ۲٥

و گزارش تحریر مجسطی میباشد اواین «بیست باب»را دربارهٔ شناختن تقویم تام و اختیارات در ۸۸۳ نگاشته است (ش۱۸ و ۲۰ طوس) ملامظفر بن محمد قاسم بن مظفر کنابادی ستاره‌شناس نگارندهٔ «تنبیهات المنجمین» در احکام نجوم بسال ۱۰۳۱ بنام شاه عباس بکم (ش۱۶۶ مجلس) بر آن این گزارش آمیخته‌را بنام همانشاه بسال ۱۰۰۵ نگاشته است (ش۱۱۶ و ۱۱۷ طوس) واین متن و گزارش بارها درایران بچاپ رسید، از آنها است چاپهای سنگی تهران بسالهای ۱۲۷۱ و ۱۲۷۶ (ش۱۱ طوس و ۳ فاضلیه جاپی) (۱).

آغاز: حمد وثنای بی‌ریب ورب قدیر برا سزا است که کلك صنعت او اوراق افلاك را ... بارقام ثوابت ودراری سیاره مرقوم ومصور ساخت.

انجام: درمعرفت اختیارات اینجا کافی است وزیاده ازاین بتطویل مقضی است. والله خیر الواقفین واحکم الحاکمین قدتممت وکملت شرح هذه الابواب ... فی السنة التی تخرج تاریخها جملة مناسبة وهی «استکمل الکتاب» والحمدلله الذی هورب الارباب والصلوة علی خیرخلقه محمد... خیر احباب.

[۱۱۱۵]

۹۶۱ این نسخه بخط نستعلیق دارای یك سرلوح بزرولاجورد وشنگرف ودر جدول ومتن زیرخط سرخ وعنوانها ورقمها وجدولها شنگرف است. محمدصالح آنرا در ۲۵ صفر ۱۰۹۸ نوشته است. حاشیهٔ منه دارد. محمدباقر بن محمدتقی مینویسد که نسخه‌را امین‌خزاین‌السلطان در شعبان ۱۱۰۳ برهمهٔ شیعیان وقف کرد (روی برگ پیش از کتاب) ومهراو (محمد باقر العلوم) هست.

(۱۶۱گ) — کاغذ سمرقندی — جلد تیماج سرخ زرکوب وبرگردان‌دار
الدازه : ۱۲×۱۹ر۷×۱۳ر۱۷س

[۹۴۷-۹۵۰] شرح تذکره (عربی)

خواجهٔ طوسی پس از تحریر مجسطی تذکرهٔ خویش را بمانند گزارش آن در مراغه بسال ۶۵۷ نگاشته است و آن درچهارباب میباشد ودرایران بچاپ رسید. قطب‌شیرازی (۶۳۴-۷۱۰) بر آن گزارش نوشته‌است همچنین سیدشریف گرگانی

۱- نیز بنگرید به : گاهنامه ۱۳۰۷ ص۱۲۹ و ۱۳۰.

(۷۴۰ـ۸۱۶) گزارشی آمیخته درشیراز بسال ۸۱۱ بر آن نگاشت (ش۱۱۸طوس).
دراینکتابخانه چهار گزارش دیگر بر تذکره هست :

۱ـ از نظام‌الدین حسن بن محمد بن حسین قمی نیشابوری مفسر ادیب ریاضی دان بنام توضیح‌التذکره و به «قال باقوله اقول» و با برهان که برای نظام‌الدین علی بن محمود رئیس یزدی نگاشته و در ۱ع۱ سال ۷۱۱ بانجام رساند (ش۳۸و۱۱۹و۱۲۰طوس و ۱۶۸ مجلس و۳۷ و۳۸ فاضلیه) .

آغاز: بسمله الحمدلله الذی جعلنا من المتفکرین فی خلق الارض والسموات و شرفنا بالنظر فی هیئة الاجرام المبدعات ... و بعد فان ... الحسن بن محمد النیسابوری یعرف بنظام ... یقول. ان کتاب التذکرة فی هذاالفن المنسوب الی ... نصیرالملة والحق والدین محمدبن محمدالطوسی ... وان کان صغیرالحجم فهو والله کثیرالغنا .

انجام: تبصرة للمتفکرین فی ملکوت السموات والارضین ... فان الاعمال بالنیات ومنهما تجلب البرکات وتنال الدرجات . والحمدلمبدع الکل والصلوة علی الهادی الی اقوم السبل والسلام علی من اتبع الهدی .

[۷۱۱۶]

۴۸۸ این نسخهٔ کهن بخط نسخ ودو برگ پایان بنستعلیق و پاره‌ای از عنوانها و نشانه‌ها و شکلها بشنگرف میباشد. گ۲ب ـ ۱۰۷ب . حاشیه هائی دارد بنستعلیق .

حسین بن علی بن الیاس حسینی وخواجه زاده مصطفی بن یوسف ومحمد بن علی دارندهٔ نسخه بوده‌اند (گ۱الف) .

(۳۰۹ص) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج مشکی ضربی مقوائی فرسوده تیماج [illegible]
اندازه : ۱۶×۲۳ و ۱۸×۱۷ص ۳۷س

۲ ـ از مولی فتح‌الله بن مولی ابی زید فرضی فقیه شابرانی شروانی که بر گزارش استاد خود قاضی‌زادهٔ رومی بر ملخص چغمینی حاشیه نوشته‌است (چلبی۲ : ۵۱۷) او در دیباچهٔ این گزارش آمیخته ازدو گزارش شریف گرگانی و نظام نیشابوری

---

۱ ـ بنگرید به : چلبی۱: ۳۷۶ ـ ذریعه ج۴ ص۱ـ۵۰ و ۴۰۹ و ۴۹۲ و ج۶ ص۴۷ ـ ریحانةالادب۱: ۴۲۳ ـ آثارالشیعه ص۶۳

یاد میکند. در گ۱۹۶الف و ب میگوید که مادر بامدا دروزسه‌شنبه ۲۰ج۱سال۸۵۷ دیده‌ایم که‌قسطنطنیه‌را بگشودند وجنك‌پس‌ازنمازبامداد آغازشده‌بود. در گ ۱۱ الف مینویسد که من گزارش گرگانی‌را درطوس «مشهد امام‌علی‌رضا رض» نزدسید ابی‌طالب خوانده آنگاه شرح نظام‌را نـزد قاضی‌زادهٔ رومی درسمرقند در مدرسهٔ فرمانروای آنجاالغ‌بیك میخوانده‌ام . الغ‌بیك درهرهفته‌یکی‌دوروز بمدرسه‌میآمد.
۵ یکروزکه ما بگزارش این گفتار طوسی «والخطوط المستقیمة الکائنة فی‌سطح»در فصل۱ مقدمه رسیده بودیم اورسید وپرسید که چرا گفته «الکائنة فی‌سطح»؟ یکی ازمدرسان پاسخی داد واز اقلیدس گواه آورد. من که۱۲ مقالهٔ اقلیدس‌را درهنگام تعطیل‌خوانده بودم‌دریافتم که اونادرست گفت‌وچیزی نگفتم‌تااینکه الغ‌بیك‌چنانکه خویش بود دوبار وسه‌بار پرسید وگویا میخواست بیازماید چـه اوبرای آزمودن
۱۰ دانشجویان آنانرا بسه دسته بخش کرده بود گرانمایه ومیانین وپست. والغ‌بیك‌باز پرسید . من‌سخنانم را بگفتم ونادرستی گفتار آن استادآشکار گشت . چون روز بازپسین آنهفته بود اورا برکنار کرد ومرا بجای‌او نشاند .

شروانی بازمیگوید که نزدیك پنجسال کشید تاگزارش نظام نیشابوری‌را بپایان برم وپس ازآنهم دانش‌آموختن من بانجام رسید وپـدرم‌را شاه شروان بسمرقند
۱۵ فرستاده‌بود واومیخواست مرابا خودببرد. الغ‌بیك‌اینرا پذیرفت واستاد هم‌اجازه‌ای برای من نوشت ـ این اجازه در گ ۱۲الف دیده میشود ودر آن نـام شروانی و پدرش‌چنانکه یاد گردید برده‌شده ودارد که شروانی ازباختر بخاور وبسمرقندآمد ونزد ماداش‌فراگرفت وبپایگاه ارجمندرسید واینْدفترها رانزدما خوانده وشنیده است: شرح تذکره وشرح مختصردردو علم‌اصول وجدل وشرح مواقف ـ نام‌استاد
۲۰ درآن چنین‌آمده است: «موسی‌بن محمدبن محمود معروف بقاضی‌زاده رومی»در تاریخ میانهٔ ربیع دوم سال۸۴۴ـ پس‌اینْدفتر پس‌از۸۵۷بنگارش درآمده‌است.

شروانی درفصل تواریخ دربـارهٔ سالهای خطائی واویغوری سخن بسیار گفته و جدولها آورده است .

درآن ازشرح نظام برالمخص فی‌الهیئة (۱۹۴ ب) واز قانون مسعودی ودیگر

کتابها یاد میشود و نکته‌های سودمندی درباره سالشماری وستاره شناسی ایرانی و چینی و ترکی فراوان در آن هست .

آغاز: بسمله وبه نستعین. الحمدلله‌الذی هیأهیئةالعالم بحکمته وشیأزمرتنا علی‌التفکرفیها بشیئیته . خلق‌اللیل والنهار والشمس والقمر کل فی‌فلك یسبحون ... وبعد... ان‌الهیئة لعلم‌حاملەفی‌اوج‌العلووالاعزاز...وکان فیهاکتاب‌التذکرة فی‌احسن تقویم ... وقد شرحه‌العلمان ... اعنی السید والنظام .

انجام: «واما اول وقت‌العشاء فبغروب‌الشفق وهوالحمرةالتی‌تلی‌الشمس‌عند الشافعی والبیاض عند ابی‌حنیفه . واما‌اول وقت‌صلوةالصبح فبطلوع الصبح‌الصادق و هوالبیاض‌المنبسط‌العریض» درباره گفتارطوسی : «فی‌الافاق التی تزید عروضها علی المیل‌الکلی...من‌غیراختلاف» درپایان فصل۱۱«درجات ممرالکواکب بنصف‌النهار» ازباب ۳ «هیئت زمین ولوازم آن» ـ باب چهارم درنسخهٔ مانیست .

[۱۱۱۷]

۴۹۳ این نسخه بخط نسخ ومتن زیرخط سرخ میباشد وجدولها سیاه و شنگرف است گ۱ب ـ ۲۳۱الف .

(۲۳۲گ) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلدتیماج سرخ‌مقوائی

اندازه : ص۲۱×۵ر۳۴ و۱۳×۵ر۲۴ـ س۲۵

۳ ـ از نظام‌الدین ملاعبدالعلی‌بن محمدبن حسین بیرجندی (م ۹۳٤) کـه گزارشی‌است آمیختهٔ‌بامتن وبابرهان‌هندسی‌وحسابی ویا خرده گیری ازگزارندگان دیگر ودرماه ربیع یکم سال۷۱۳ آنرا بپایان رساند (ش۱۱۳طوس و۱۹۰مجلس).

آغاز: بسمله. والاعتصام بکرمه‌العمیم. الحمدلله‌الذی خلق‌السموات‌والارض وجعل‌الظلمات‌والنور. وبسط‌علی‌بساط‌الساهرةبمیامن‌قدرته‌الباهرةالظل‌والحرور... وبعد فیقول ... عبدالعلی‌بن محمدبن‌الحسین .

انجام: ویتجنبوا عن‌طریق‌التعنت‌والعناد. والله‌تعالی ملهم‌السداد. ومنه‌المبدء والیه‌المعاد ... قداتفق جفاف‌القلم‌من‌تألیفه ... فی‌شهرربیع‌الاول من‌السنة‌الثالثةعشر المنیفة علی‌التسعمائة من‌الهجرة وانا‌المتوسل‌الی‌الله ... عبدالعلی‌بن محمدبن حسین

اصلح‌الله عماشأنه ... آمین یارب‌العالمین .

[۱۱۱۸]

۴۸۶ این نسخه بخط نستعلیق میباشد وجدولهای آن درپاره‌ای جاها بشنگرف است وروی متن خط سرخ کشیده شده از لطف‌الله دهلوم درشهر فتجبور بسال ۹۹۰ که محمد معصوم حسینی تبریزی قزوینی سپاهانی آنرا بانسخهٔ برابرشدهٔ با نسخهٔ بیرجندی وازآن ملامظفرعلی گنابادی سنجیده ودرسه شنبه ۱۴ج۲ سال ۱۰۶۸ مقابله‌را بپایان‌رسانده (گ ۴۲۷) ونام ومهراو درگ ۱ب بازدیده‌میشود ومینویسد که نسخه‌رادرمحرم ۱۰۶۸ خریده‌است . گ ۱ب — ۴۲۷ب . حاشیه‌هائی درهامش دیده‌میشود.

(۳۴۴۸) — کاغذ سمرقندی—جلد تیماج سرخ ضربی‌متوالی — با حاشیه ترنج [illegible]

اندازه : ۱۴ × ۳۱ و ۷ × ۲۴ س ۱۷

۴ — ازشیخ شمس‌الدین محمدبن احمدخفری (م روز یکشنبه ۲۸ صفر ۹۴۲ در کاشان) بنام التکملة فی‌شرح التذکرة که گزارشی است آمیخته و سخنان شریف گرگانی‌رادرآن آورده ودرروز دوشنبه ۴ محرم ۹۳۲ آنرا بانجام رسانده میرابوطالب نوادهٔ میرفندرسکی برآن‌حاشیه دارد (گاهنامهٔ ۱۳۱۱ص۱۶۳ — ش ۵—۱۶۴ مجلس)

آغاز: بسمله وبه نستعین . تعالیت یاذاالعرش الاعلی وما اعظم شانك ... فیقول ... محمدبن احمدالخفری لماکان اجلی‌العلوم بیانا .. هوعلم‌الهیئة .

انجام: ولنختم‌الکلام ههنا ... وقد وقع الفراغ عن‌الشرح تذکرة‌للاحباب... یوم الاثنین رابع شهرمحرم الحرام سنة ۹۳۲ الهجریة . فالحمدلله علی افضاله . والصلوة والسلام علی محمد وآله .

[۱۱۱۹]

۸۱۷ این نسخه بخط نستعلیق وروی متن خط سرخ کشیده وابوالفتح میرمیران‌فرزند ابی‌القاسم حسینی استرابادی درسپاهان درشنبه ۲۷ رجب ۱۰۴۳ نوشتن آنرا بپایان رسانده. عنوانها بشنگرف وشکلها ودائره‌ها بسیاه و شنگرف میباشد . درهامش از شرح اشارات و گزارشهای بیرجندی و مولانا نظام (نیشابوری) دیده می‌شود . گ ۱ب — ۲۲۴الف . عبدالرحیم‌مازندرانی در ۱۲۴۴ دارندهٔ نسخه بوده‌است.

(۳۴۴۴) — کاغذ سمرقندی—جلد تیماج سرخ ضربی دورویهٔ متوالی

اندازه : ۱۴ × ۲۵ و ۷ × ۱۹ س ۲۱

[۹۵۲-۹۵۱] **شرح خلاصة الحساب** (عربی)

برخلاصة‌الحساب شیخ بهائی چندین گزارش نوشته‌اند(۱) که دو تای آن در اینجا شناسانده میشود:

۱ ـ از محمد اشرف بن حبیب‌الله حسنی حسینی طباطبائی شیرازی شاگرد شیخ بهائی که‌در۱۰۳۸ آنرا بپرداخت‌وساده‌است‌وبی استدلال. اومیگوید‌که پیشها استاد علامه مولانا حاجی‌حسین یزدی‌سلمه‌الله پاره‌ای ازخلاصه راکه اصول حساب باشدگزارش نمود. دانشجویان ازمن خواستند‌که بازمانده را من گزارش بنویسم. همینکه بپایان رساندم بازازمن خواسته‌شد‌که اصول آنرا نیز گزارش نمایم چنانکه فروع‌راگزارش‌نوشتم وآندورا‌باهم بپیوندم. من‌این‌را نوشتم وبه‌نواب عالیحضرت سیدحبیب‌الله نیازدادم این‌گزارش دریك مقدمه وده‌باب‌ویك‌خاتمه است درهفت

۱ـ خلاصة‌الحساب شیخ بهاءالدین محمدبن عزالدین حسین‌عاملی جبعی لویزانی (۹۵۳ـ۱۰۳۱) بیش‌از نه باردرایران ودرتاریخ۱۸۱۲و۱۸۲۹م در کلکته ودر۱۲۸۵ درچاپخانهٔ گلستان کشمیر ودر۱۲۶۸و۱۲۷۱ دراستانبول بچاپ‌رسید و ژ . ه . ف. نسلمان G.H.F.Nesselmann در برلین بسال۱۸۴۳ باترجمه‌آلمانی‌آنرا چاپ کرده است .

شیخ دردیباچهٔ برخی از نسخه ها آنرابنام شاه‌عباس (۹۹۶ـ۱۰۳۸) ودرپاره‌ای بنام سلطان حسن بهادرخان ودربرخی بنام حمزه بهادرخان که هردو برادرشاه عباس بوده‌اند کرده ودربرخی نسخه‌ها بنام کسی نیست .

این کتاب راکه‌مسائل حساب وهندسه وتناسب وخطائین وتحلیل وتماکس‌وجبر ومقابله رابااختصار دارد درمدرسه‌های قدیم میخواندند ودانشمندانی چند بشرح آن پرداختند وازآنها هستند :

۱ ـ محمد اشرف بن حبیب‌الله شیرازی شاگرد شیخ‌بهائی که در ۱۰۳۸ آنرا شرح کرد .

۲ ـ امیرشمس‌الدین علی خلخالی شاگرد بهائی .

۳ ـ میرشمس‌الدین محمد گیلانی شاگرد بهائی .

۴ ـ جوادبن سعدبن جواد کاظمینی شاگرد بهائی وشارح زبدةالاصول همو و

بقیه حاشیه درصفحه بعد

مسئله دشوار که تاآن روزگار حل‌نشده بود .

آغاز: بسمله . بعد حمدالاحدالصمد ... یقـول . محمد اشرف بن حبیب‌الله ... الشیرازی لماکانت‌الرسالةالموسومة بخلاصةالحساب .

انجام: هذا آخرما اوردناه‌من‌شرح خلاصةالحساب بعون‌الملك‌الوهاب.

[۱۱۲۰]

۹۵٦ این نسخه بخط نسخ ومتن زیـرخط سرخ واز روی نسخهٔ نوشتهٔ از روی اصل نگارنده درروز سه‌شنبه صفره۱۱۲ نوشته‌شد. گ۱ب ـ ۱۲۱الف، گ۱۲۱ب ـ ۱۲۳الف مسئله‌ها وقاعده‌هائی است درحساب که‌پاره‌ای‌ازآنها‌ازهمان شیرازی میباشد . عبدالله‌بن حسین در ۱۲۷٤ دارنـدهٔ نسخه بود . برگ یکم اندکی موریانه خورده است .

(۱۲۳گ)—کاغذ فرنگی—جلد تیماج مشکی سادهٔ مقوائی

اندازه : ۱۴×۲۰٫۵ و۷×۷×۱۴٫۵ س۱۷

۲ ـ گزارشی است آمیختهٔ بـامتن ودر آن از خلخالی (۲۰۷ب و۲۰۸ الف) و

بقیه حاشیه ازصفحه قبل

شرح اورا آقامحمدعلی اصفهانی بخط محمدرضا بن‌میرزا ابوالحسن اردستانی درتهران درچاپخانه الله‌قلیخان بسال۱۲۷۳ بچاپ سنگی رسانده .

۵ ـ شیخ‌فخرالدین بن‌محمدعلی‌طریحی نجفی م۱۰۸۵ که‌آنرا بنام ایضاح‌الحساب شرح کرده ودر۹ رجب سال۱۰۸۳ درسپاهان بپایان رسانده است .

٦ ـ مولوی عصمةالله‌بن اعظم‌بن‌عبدالرسول نهارنفوری که‌در۱۰۸٤ آنرا‌بنام‌انوار خلاصةالحساب شرح کرده ودر کلکته سال۱۸۲۹م بچاپ رسیده .

۷ ـ معتمدالدوله فرهاد میرزا پسرعباس‌میرزا پسرفتحعلیشاه قاجـار که در ۱۲۵٦ آنرا بنام کنزالحساب بفارسی شرح کرد واین شرح دوبار درتهران بچاپ‌رسیده وچاپ دوم‌آن بتاریخ ۱۲۸۷ میباشد .

۸ ـ میرزا قوام‌الدین محمدبن محمدمهدی قزوینی (م نزدیك ۱۱۵۰) شاگرد شیخ جعفرحویزی کمره‌ای سپاهانی درسال۱۱۲۸ در٦٦۱ بیت خلاصه‌را بنظم‌تازی‌درآورد. دیده‌شود: ذریعه‌ج۷ص۵ـ۲۲٤وج۳ص۳۵ ـ فهرست‌آستانه طوس‌ج۳ص۳۳۸ـفهرست کتابخانه عمومی معارف چاپ۱۳۱۱ ص۹۳ـ۹٤ـ احوال واشعار فارسی‌شیخ‌بهائی‌از آقای سعید نفیسی چاپ‌تهران‌ ۱۳۱٦ص۹۹ـ۱۰۱ و۱٦۳ـ۱٦٤ که دراین دوبیش‌از بیست شرح وحاشیه برخلاصه یاد گردید .

شارح جواد (۲٤۷ب و۲٤۹الف) یادمیشود وگزارنده شیعی است ودرضرب چند رقمی درچند رقمی۱۲ قاعده بنام۱۲ پیشوا میخواهد بیاورد واین چند راه ضرب (توشیح ومحاذات وتنقیل یاعمل ومنقح واصفار وموِرب) درنسخهٔ ماهست.

آغاز: بسمله ـ الاصل : نحمدك یامن لایحیط بجمیع نعمه عدد ... الاحاطة هی الاشتمال والاستیعاب فالمحاط لابدان یکون متناهی . ۵

[۱۱۲۱]

۱٤۳ این نسخه شمارهٔ ٤ دفتراست وهمه شرح را ندارد واز۱۲ قاعده ضرب مرکب درمرکب تاششمین آن را که ضرب باصفار باشد میآورد وبدین عبارت « ثم رسمنا الاثنین فی جنب السبعة فصار علی هذه الصورة ۲۷۳٤٦۸۵ وهو المطلوب. الطریق» پایان مییابد. ۱۰

نسخه نسخ باعنوانهای شنگرف وروی متن خط کشیده شده است وحاشیه(منه) دارد. گ۱۹۸ب ـ ۲۵۲الف.

درفهرستی که دربرگ آغاز دفتراست نوشته اند که نه کتاب در این دفتر هست واز چهار شماره اینکه اکنون هست نامی درآن برده نشده وهیچیك ازآن نه نامم در این نسخه نیست بجز یکی . ۱۵

درگ۱٦۸الف و۲۵۲الف درسه جا مهر میرزاآقا پسر آخوند ملاسلمان سماکی دیده میشود وخط اودرگ۱٦۸الف که بتاریخ روزدوشنبه۱۷ع۲ سال۱۳۱۱(؟) در ساوجبلاغ تهران نوشته است دیده میشود .

(۲۵۲برگ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ مقوائی
اندازه : ۱٦×۱۳٫۲۲×ص۱۹٫۵ س ۲٦ ۲۰

[۹۵۳] شرح الربع المجیب (عربی)

ربع مجیب افزاریست درستاره شناسی که درجه ها ودقیقه های جیب قوسها در آن نگارشده ودرسدهٔ٤ه دانشمندان ایرانی آنرا ساخته و دریافتن ارتفاع وسعهٔ مشرق وسمت وقوس فلکی بکار میبردند (گاهنامه۱۱ ۱۳۱۱ص۱۱۱) .

۲۵ ابی العباس احمدبن محمد قسطلانی نگارندهٔ مواهب م۹۲۳ رساله ای درآن دارد وهمچنین عطاءالله عجمی که محیی الدین محمدبن قاسم شهیر با خوبن م نزدیك ۹۰۰ برآن گزارش نوشته است. شعبان بن حسن قسطمونی رساله ای درعمل بربع

مجیب» نوشته دریك مقدمه وچندباب و نیز دربارهٔ ربع مقنطرات ودربارهٔ رخامات هردو بتر کی. همچنین شیخ غرس‌الدین ابراهیم‌بن شهاب‌الدین‌بن شیخ‌احمد نقیب دریك مقدمه و ۲۰ باب دربارهٔ ربع مجیب رساله‌ای نوشت .

قاضی زادهٔ رومی موسی‌بن‌محمود نیزرساله‌ای‌دراین‌باره دارد که درطوس‌هست ۵ (ش ۱۰۰) واز محمودبن محمدبن قاضی‌زاده رومی پنداشتند .

مولی‌میرم چلبی محمودبن‌محمدبن قاضی‌زادهٔ رومی م۹۳۲ دورساله‌بپارسی‌بنام سلطان بایزید نوشت‌یکی در۲۰باب درربع‌مقنطرات دیگری درربع مجیب(چلبی در«رسالة فی‌الربع المجیب» ـ گاهنامهٔ ۱۳۱۰ص۷۸ ـ دونسخه ازربع مقنطرات‌وربع مجیب درفهرست بلوشه‌ج۲ش۷۸۳ شناسانده شده همچنین‌ربع مقنطرات میرم‌چلبی ۱۰ درش۷۹۲ آنجا) .

این رساله ماگزارشی است آمیخته برسالهٔ ماردینیه(۱)در«الربع المجیب» در یك مقدمه وبیست باب .

آغاز: بسمله وبه نستعین. احمدك یامن اطلع عباده علی اوقات العبادة ... وبعد فلماكان الربع المجیب انفع الالات التی یتوصل بها الی معرفة سمت القبله والاوقات ۱۵ وكانت من رسائله المقبولة الرسالة الماردینیة اذفیها اسهل طرق كل عمل یتعلق بالامور الدینیة لكن یقع فی مواضع منها خلل كثیر اردت اصلاحها فسلكت مسلك التغییر و زدت مایتعلق بالمحسنات بعدا تمام الامور اللازمة وجعلت الترتیب علی مقدمة وعشرین باباوخاتمة. المقدمة (فی تعریفات رسومه) ای امور ترسم علی الربع المجیب .

انجام : (... علی تقاطع الخیط معها) ای مع تلك القوس الثانیة (فیلزم المری علی ۲۰ قدر جیب التمام) .

۱ـ دودانشمند ریاضی ماردینی یاد کرده‌اند یکی شمس‌الدین اسمعیل‌بن ابراهیم م۶۳۷ ونگارندهٔ کتابی درحساب . دیگربدرالدین محمد (نزدیك ۸۲۶ـ۹۰۰) که در هندسهٔ وجیوب قوسها وقطع ومقنطرات ارتفاع نگارش دارد وتحفة الالباب فی علم الحساب نوشت (گاهنامه ۱۳۱۰ ص۹۰و۶۹ دکترمصاحب ص ۱۵۹) .

[۱۱۲۲]

۹٤۳ این نسخه ش۵ دفتر است و بخط نستعلیق باعنوانهای شنگرف وروی متن خط سرخ کشیده شده ازاسماعیل بن علی بن عثمان درمدرسهٔ بیضیهٔ ارز روم دررمضان ۱۱۱۷ـحاشیه دارد. گ۴۰ ب ـ ۵۰ الف.

[۹۵٤] شرح زیج جدید سلطانی (فارسی) ۵

نظام‌الدین ملاعبدالعلی بن محمدبن‌حسین بیرجندی حنفی ریاضی‌دان م۹۳٤ برزیج الغ‌بیك این گزارش‌را نوشته ودر۹۲۹ (۸۹۲ یزدگردی =۱۸۳٤رومی=٤٤۵ ملکشاهی=۱۵۲۳مسیحی) بپایان‌رساند (ریحانةالادب ج۱ص۱۸۹ـ گاهنامه ۱۳۰۷ص۱۲۹ـ فهرست ریو۲:۵٤۷ـ ایوانف ش۱٤۸۷ـ فاضلیه ش ۳۹ و ٤۰ ـ ش ۱۸۸ مجلس). ۱۰

آغاز: اجناس حمد وسپاس معرا ازتوهم تناهی وانواع شکر بیقیاس مبرا از تخیل تباهی.

انجام وچون اهل‌احکام راترتب‌آثار برتبدل این‌فصول وادوار اعتقاد تمام است آنرا ذکر کردیم والله تعالی اعلم (گزارش باب‌دوم مقالهٔ٤ دربارهٔ دلائل طالع عالم‌که پایان متن است ودرآغاز نسخهٔ ش٤۷۱ گ۱ب ـ ۱۱ الف دیده میشود). ۱۵

[۱۱۲۳]

٤۷۳ این نسخه بخط نستعلیق باعنوانها و شکلهای شنگرف ومتن زیر خط سرخ میباشد وپاره‌ای ازعنوانها درکنار برگهااست وحاج‌علی هندی‌عظیم‌آبادی دریکشنبه۹ محرم۱۲۱۳ برابر با٦ تیرجلالی ۷۲۰ ملکشاهی و۱۳ حزیران ۲۱۰۹اسکندری ودهم ماه ترکی غازانی درسپاهان‌آنرا نوشته است. گ۱الف ـ ۱۹٦ب. پس‌از پایان یکجدول جیب ویکجدول تناسب وابدال وتفضیل وقلب وعکس وترکیب وترکیب عکس وترکیب قلب هست. حاشیه‌هائی ازعلی هندی ومیرزا محمد نصیر ودیگران درنسخه هست. ۲۰

(۹۹۹س) ـ کاغذ فرنگی ـ جلدتیماج مشکی‌زرکوب مقوائی

اندازه: ۲۱×۳۱ و۱۳×۲۲ـ۲۵

خواجه طوسی م۶۷۲ درشناختن تقویم دفتری بنام «سی‌فصل» بپارسی و تازی (ش ۷۸۳/۵ بلوشه ج۲) هردو نوشته‌وپارسی آن در۶۵۸ (فصل۲۲) بنگارش درآمده وبارها درایران بچاپ رسید یکی از آنها چاپ۱۳۰۳ است باخلاصه بهائی و هیئت
فارسی قوشچی .(۱۸۰ و ۱۱۲طوس) میرزا محمد رضی مستوفی فرزند محمدشفیع درروزگار شاه عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷) بسال۱۰۶۹ « ربیع المنجمین فی شرح فصول الثلثین» نوشته بپارسی که گزارشی است بزرگ برسی فصل (ش۱۷۳ مجلس - گاهنامه۱۳۱۱ ص۱۷۰) علاءالدین محمدبن یحیی شیرازی متن پارسی طوسی را باکیزه بساخت و گزارشی بر آن نوشت ودرحلب درجمادی دوم سال ۹۳۶ آنرا
بپایان رساند (آثار امامیه‌جواهر کلام ص۵۹) بدرطبری در۸۲۴سی‌فصل‌را بپارسی گزارش نمود ودر دوشنبه۷ ربیع یکم۸۲۵ آنرا بانجام رساند (ش۱۹۳ مجلس - گاهنامه۱۳۱۱ص۱۴۷- بلوشه۲:۵۲) درفهرست طوس(ش۱۱۲) آمده که‌عبدالواحد بن محمدآمدی نگارندهٔ غررالحکم متن‌سی فصل‌تازی‌طوسی‌راپارسی‌در آورد و متن‌را باگزارش خویش بیامیخت و برای برخی از«مشارقه» آنرا نگاشته است و
این گزارش بارها بچاپ رسید. از آثار امامیه ص۵۹ برمیآید که این گزارش آمدی بتازی است. این‌را هم‌باید دانست که ابوالفتح سیدناصح‌الدین عبدالواحدبن‌محمد بن محفوظ‌بن عبدالواحدآمدی دانشمند شیعی استاد ابن‌شهر آشوب م۵۸۸بوده‌و در۵۱۰ درگذشت (ریحانةالادب ج۱ص۲۹و۴۲۳) پس او پیش از طوسی میزیست (نیزج۲ بلوشه ش۷۷۸).

درفهرست طوس (ش۱۲۲) ازگزارشی یاد میشود که همین نسخه‌ما باید باشد و و گفته شدکه‌مانا ازدانشمنددوانی(۸۲۸-۹۰۸) است وچنین نیست چه درفصل۲۲ دارد که این گزارش درنوروز۱۲۵ چنگیزی برابر باآدینهٔ۱۸ع۱سال ۷۲۷ هجری و۱۳۳۸/۱/۱۳ اسکندری و۱۹مرداد ۶۹۶ یزدگردی و۱فروردین۲۴۹ ملکشاهی بنگارش‌درآمد ودرفصل۲۲ از۶۵۸ هجری که سال نگارش‌طوسی است‌یاد میشود

گرچه در نسخهٔ چاپ ۱۳۰۳ درهمین فصل ۶۵۸ یزدگردی دارد و نباید درست باشد.

باری این گزارش بدرخواست شاگردان نوشته شده وهمهٔ جدولهای سی فصل در آن نیست.

آغاز: بسمله وبه نستعین الله احمده علی نعمائه واشکره علی آلائه .. امابعد چون ازتقدیر باری عزاسمه وواسطهٔ تأثیر اجرام علوی وتربیت ابوین و تعلیم استادان قابلیت مطالعه کتب استادان حاصل شد.

انجام: اگر کسی زیاده ازاین خواهد باید بدیگر کتب این فن رجوع کند. والله اعلم.

[۱۱۲٤]

۳۰۲ این نسخه ش۲ دفتراست وبخط نستعلیق باعنوانها ورقمها شنگرف ازمحمد کاظم محلاتی نزدیک ۱۱۱۱ گ۷۹ب ــ ۱۹۷الف.

[۹۵٦] **شرح ملخص** (عربی)

دانشمند پزشک ریاضی‌دان محمود بن محمد بن عمر چغمینی خوارزمی ۷٤۵م نگارشی دارد بنام «الملخص فی الهیئة البسیطة» دریک مقدمه (جسمها) ودومقاله (جرمهای علوی ــ بسیطهای سفلی)(۱) ونسخهٔ تاریخ ۸۱۷ آن درطوس (ش۱٦٦) هست.

این گزارش آمیخته ازموسی بن محمد بن محمود قاضی‌زادهٔ رومی دانشمند

۱ــ اینها دانشمندان برملخص گزارش نوشتند:

۱ــ سید شریف گرگانی (۷٤۰ــ۸۱٦) (ش۱۲۳ طوس تاریخ ۸٦۲).

۲ــ محمود بن مبارکشاه بخاری برای صاحب دیوان امیرمحمود وزیر (ش۱٦۷ طوس تاریخ ۸۱٦).

۳ــ همام طبیب محمد بن محمد بن ابی‌طالب در ۸۰۸ (ش۱۹٤ مجلس بخط خوداو در ۸۲٤ برای قاضی‌القضاة) وبگفتهٔ چلبی در ۸۱۳.

٤ــ کمال‌الدین ترکمانی درشهر گلستان بسال ۷۵۵ برای خزانهٔ امیرمحمد صاحب دیوان (امیررمضان بگفتهٔ چلبی) که در تهران در ۱۳۱۱ بچاپ رسیده (ش ٤۳ خطی

بقیه حاشیه درصفحه بعد

ریاضی‌دان و همکار الغ بیك در برداختن زیج گورگانی میباشد که برای همو نگاشته (۱) و بگواهی معجم المطبوعات و نسخهٔ ما در ۸۱۴ آنرا بپایان رساند. گرچه در کشف الظنون و در فهرستهای طوس (ش ۱۰ چاپی) و مجلس (ش ۱۹۵) سال ۸۱۵ یاد گردید. این گزارش تاجندی پیش درمدرسه‌ها خوانده میشد و در تهران بچاپ سنگی رسید.

۵ (ش ۱۰ چاپی طوس) همچنین در ایران بسال ۱۲۸۶ و در هند بسال ۱۲۹۲ و با گزارش مولوی محمد عبدالحلیم کلنبوی در لکنا و بسال ۱۲۹۰ بچاپ رسید (معجم المطبوعات) شاگرد رومی فتح‌الله شروانی و مولی سنان باشا یوسف بن مولی خضر بیك بن جلال الدین م ۸۹۱ بدستور سلطان محمد بن مراد (۸۵۵ ـ ۸۸۶) و بیرجندی بر آن حاشیه نوشتند (چلبی).

۱۰ **آغاز** بسمله. رب تمم بالخیر. الحمدلله الذی جعل الشمس ضیاء والقمر نورا، وبسط علی بساط البسیط ظلا و حرورا .. وبعد فلاقسم بمواقع النجوم .. انه فی زماننا هذا قد اندرس مدارس العلوم الحقیقیة ومعالم التعالیم لاسیما الریاضی.

انجام: کما لا یخفی علی من له دربة فی الحساب. تم والحمدلله فاطر السموات والارض... والصلوة علی مرکز دائرة الوجود ... وسلم تسلیما کثیرا ـ قد فرغ الاستاد الحکیم

۱۵ الباهر والفیلسوف الماهر صاحب التقریر مکمل التفکیر والتدبیر من تحریر هذا الشرح فی اربع عشر وثمانمائه (۸۱۴) وقد فرغ عن کتابته الخمیس الثالث من شهر حجة حجة تسع وتسعین وثمانمائة والحمدلله اولا و آخرا.

[۱۱۲۵]

این نسخه بخط تعلیق و متن زیر خط سرخ و جدولها سیاه و شنگرف بتاریخ پنجشنبه

۲۰ ۴۷۷ سوم ذی‌حجهٔ ۸۹۹ میباشد. حاشیه هائی از خود رومی و گزارش ملاعبدالعلی بیرجندی در آن هست. گ ۱ ب ـ ۱۱۴ الف.

بقیه حاشیه ازصفحه قبل

تاریخ ۷۹۱ و ش ۲ چاپی فاضلیه و ش ۱۲۲ معارف) بگفتهٔ چلبی اینها هم بر آن گزارش دارند محمد بن حسین بن رشید مشهدی خوارزمی و عبدالواحد بن محمد و فضل‌الله عبیدی و عبدالماجد

۲۵ و بدرالدین ثابتی و مولی قره سنان بن یوسف.

۱ ـ بنگرید به: گاهنامه سال ۱۳۰۷ ص ۱۲۵ و ۱۲۷ و سال ۱۳۱۱ ص ۱۵۸.

محمد جعفر بن محمدمحسن حسینی ومحمدصادق بن میرزا محمدباقر دارندهٔ نسخه بودندومهر آنها همهست. خط فرهاد میرزا بتاریخ ۱۹ع۲ سال ۱۳۰٤ در آن دیده‌میشود (گ۲ الف).

(۱۳۲۰ق) — کاغذ سمرقندی — جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی

اندازه: ۹×۱۷ و ۵×۱۰ س۱۷

[۹۵۷] شرح هیئت قوشچی (فارسی)

دانشمند قوشچی رساله‌ای درهیئت پارسی دارد (ش۹۵۹مه) که مولی مصلح الدین محمدیا قطب الدین عبدالحی حسینی زاهدی لاری برای محمد شاه غـازی هندی بر آن گزارش نوشته (گاهنامه ۱۳۱۱ ص۱۷۱ که نوشته‌است اودر۱۰۲۷ زنده

۱۰ بود ـ ش۱۲۱ طوس ـ بلوشه۲: ش۷۸۹) ودرچاپ۱۳۰۲ ایران پاره‌ای از آن دیده میشود . این گزارش ازسید هبةالله شاه‌میرحسنی حسینی شیرازی (همان گاهنامه ص ۱۸٦)است. ودر آن ازرسالهٔ«تام‌المقاله درترصیدسمت وجهت قبله»خود که‌درجوانی نوشته است نام‌میبرد (گ ۲٦۳ب) ودرپایان جهت قبلهٔ میهن خویش شیراز را می‌شناساند وازمحقق قیومی قاضی‌زادهٔ رومی یادمیکندوازسخنانش پیداستکه‌سنی

۱۵ است . میگویدکه بهندوستان رفتم ونخست بگجرات رسیدم وبنزد ابوالفتح محمود شاه(۱) شدم وبدرخواست او آغاز سال رادریکم سرطان که آغاز فرمانروائی وتخت نشینی او بود گذاردم تادر دادوستد و کشاورزی ودریانوری برمردم دشوار نباشد .

او باز یادمیکند ازمجمل وازغایةالادراك فرزانه اثیرالدین مفضل بن عمرابهری م٦٦۳ (یکی ازکارکنان رصدمراغه ونگارندهٔ اصلاح هندسهٔ اقلیدس ـ گاهنامـه

۲۰ ۱۳۱۱ص۱٦۰) وخواجه طوسی ومحقق علامه‌وتذکره وتحفه ومحقق نیشابوری و شرح تذکرهٔ او وسیدالمحققین درشرح تذکره ونهایـهٔ محقق علامه و شیخ صالح بغدادی وشیخ ابوعمران دربغداد ومحمدبن ابی‌بکرحکیم درقرسین تولك (۲٦ب و۲۷ب ـ۷الف ـ۸الف ـ۱۸الف ـ٤۹ب ـ ۲٤۸ب ـ۲٦۳الف) نیزمیگویدکه‌من قرانی

۱ـ در گجرات‌سه کس بنام محمودشاه فرمانروائی کردند یکی محمودشاه بایقرا

۲۵ (۸٤۹ـ۱۷رجب۸٦۳ـ۲رمضان ۹۱۷) دومی محمودشاه ناصرخان٦شعبان تا ۲٤شوال ۹۳۲ـسومی محمود بسرلطیف از ۹٤٤تا ۹٦۱ (لین‌پول ـ زامباور) .

بخط علی ع بتاریخ ۵هجری دیدم پس این تاریخ پیش از درگذشت پیامبر میباشد. (گ۲۳۹ب). نیز میگوید «مصنف دررصدجدیدسمرقنددرخدمت... چون الغ بیکی» (۸۰ب).

[۱۱۲۶]

۸۳۳

این نسخه بخط نستعلیق باعنوانها و دائره های شنگرف و متن‌ گریز خط سرخ می باشد. محمدمؤمن بن غلامعلی کرمانی آنرا نوشته است. در پشت کتاب نوشته شده که این گزارش ازشاهبیر است.

دربرگهای۱۲۶الف و۱۲۷ب حاشیه‌هائی است ازمحمدهادی بن محمدعلی منجم.

آغاز: چه اگروی راهیچ طرف وضعی نباشد هرآینه مقدار نیز متناهی باشد ... و (خط) باوجوداختلاف بسیار وانحاء بیشمار (یامستقیم بود یامنحنی) (ازبخش یکم مقدمه درمبادی ریاضی).

انجام: (قبله) ازآن خط در (خلاف جهت ظل باشد) چه آفتاب درایشهنگام برسمت الراس مکه است ... مانند تمیزقصور بیمثال درنهایت صعوبت واشکال است. محقق ان القوة بذلك المقالة بعون الله المنعم المفضال. وقدتم المقالة الثانية من حيث اللفظ والمعنى بالفضل والافضال بتوفيق الملك المتعال.

پس نسخه پاره‌ای ازبخش یکم مقدمه وبخش دوم آنست ودومقاله رادارد وخانمه‌را ندارد ومانا اوگزارش نمود.

(۳۳۹۶م)—کاغذ سپاهانی—جلدتیماج سرخ ضربی مقوائی
اندازه: ۱۱×۱۴ و۹٫۵×۱۴ س۱۹

[۹۵۸] الصفحة فی الاسطرلاب (عربی)

شیخ بهائی این رسالهٔ کوتاهرا «الصفحه» نامید چه آنرا میتوان درصفحه اسطرلاب نگار نمود (ش ۵۵ طوس).

آغاز: بسمله. ارتفعت درجات جبروتك عن احاطة افهامنا القاصرة ... فيقول ... بهاءالدين محمدالعاملي ... هذه رسالة صغيرة الحجم... انطوت من الاعمال الاسطرلابية على زبدة اصولها.

انجام: فظل المقياس وقت بلوغ الشمس اليها على سوب القبلة. وليكن هذا آخر ماوردناه في هذه الاوراق. وصلى الله على سيد الخلائق على الاطلاق محمد وآله الطاهرين

والحمدلله رب العالمین .

[۱۱۲۷]

۸۲۱ این نسخه ش ۵ دفتر است و بخط نسخ . گ ۱۱ب ـ ۱۲ب .

[۹۵۹] طالع نامهٔ فتحعلی شاه (فارسی)

نگارنده پس از ستایش گریها از فتحعلیشاه قاجار (۱۲۱۱ـ۱۲۵۰) که در آدینهٔ ۵
ششم جمادی دوم سال ۱۱۸۶ زاده است زایچهٔ اورا کشیده ودر یازده فصل آنچه
را که میباید درزندگی اورخ دهد پیش بینی نمود .

آغاز: بسمله. تبارك الذی له ملك السموات والارض . . کریمی واهب العطیه
که ازخزانهٔ اعطی کل شیی خلقه هریك از آحاد کائنات وافراد ممکنات

انجام : وظلال جلال برمفارق بندگان پاینده باد بحق محمد و آله الامجاد. ۱۰
و لا یزال

[۱۱۲۸]

۹۴۲ این نسخه بخط نستعلیق درجدول زرین و صفحهٔ نخستین زراندود و عنوانها
شنگرف میباشد. ودو زایچه دارد رنگ آمیزی شده با حاشیه سازی و با گل و
بوتهٔ زرین. در ۱۲۹۲ از آن کسی بوده است .

(۳۴ گ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج زر دوزی ۱۵
اندازه : ۱۴×۲۰ و ۸×۱۵ س ۱۰

[۹۶۰] عیون الحساب (عربی)

خاتم المهندسین ملامحمد باقر فرزند زین العابدین یزدی زندهٔ در ۱۰۴۷ استاد شیخ
بهائی (۹۰۳ـ۱۰۳۰) بوده ومطالع الانوار درهیئت نوشته وبرشرح تذکرهٔ خفری و
برشرح اکرمانالاوس طوسی (برای پسرخود محمدحسین ـ ش ۱۷۱ مجلس) حاشیه ۲۰
نوشته ومخروطات ابلونیوس را تحریر نمودو کره متحرك اوطولوقس را گزارش کرد.
اوفتوحات غیبیه‌ای دارد که در آن برهانهای عملهای هندسی ابوالوفاء بوزجانی را
در آن آورد (ش ۱۴۴ طوس) . گویند که اودرروزگار شاه اسمعیل (دوم ۵ـ۹۸۴)
میزیسته است و گویا عباس دوم (۱۰۵۲ـ۱۰۷۷) وشاید هم شاه سلیمان (۱۰۷۷ـ۱۱۰۵)

رادیده باشد ولی دور است که چنین باشد چه او استاد بهائی بوده‌است و نوادهٔ او در کفایة‌الالباب میان ۱۱۰۵ و ۱۱۳۵ او را بمانند مرده یادمیکند (گاهنامه ۱۳۱۱ ص ۱۶۸ ـ تاریخ ریاضـی دکتر مصاحب ص ۱۵۱ و ۱۶۰ و ۲۷٤) این دفتر کـه عیون‌الحساب نام دارد (ش ۱۹۹ مجلس و ش ۱۲۳ معارف) دارای مقدمه

۵ (تعریف وتقسیم عدد) و۷باب هریك چند مطلب (۱ ـ حساب صحاح ۲ ـ کسور ۳ ـ حساب ستاره شناسان بانشانه ها وجدولهای نجومی برپایهٔ ٦۰ نه ده وتبدیل کسور هندی وستینی وسیاقی بیکدیگر ٤ ـ مساحت ۵ ـ تناسب ٦ ـ خطائین ۷ـ جبر ومقابله) میباشد سپس فصلهائی است درقاعده‌های کلی حسابی آنگاه ۱٤۸ مسئله در آن حل‌میگردد وبا استخراج ضمیر پایان مییابد. درمطلب ۱۰ باب۱ (گ

۱۰ ۲۵الف) دستور استخراج ضلع هرچه‌باشد (ریشهٔ n ام) ودرمطلب۱۰ باب۲ (گ ۵۰ ب) گرفتن ریشهٔ عددهای اصم بروش دقیق‌تری در آن دیده میشود. درمبحث‌ضرب مرکب درمرکب ازحساب عقود گفتگو شده ویزدی در آن ازرساله‌ای فارسی‌بهره برد که همان رسالهٔ شرف‌الدین علی‌یزدی‌باشد (گ۱۲ب عیون و۱۹الف کفایه‌وص ۲۸۱ ش۱۰۳۵/۳۲) درفصل مسئله‌های حسابی‌درمسئله۱۱ درجمع عددهای‌متوالی

۱۵ ازیك ببالا بانسبت دوبرابری (گ۹۳الف) دربـارهٔ تضاعیف بیوت شطرنج مصرعی بتازی (هلواهه طعجزمد زوددحا) میآورد سپس این‌رباعی مولانا شرف‌الدین علی یزدی (تضعیف یکی‌نور بود هشتم‌بار ـ وآسان شود ازسه ضرب وتنصیفی کار ـ در جمع یکی زمال ثالث بردار ـ درباب وشرف‌را بدعائی یاد آر(۱)).

درپایان مطلب٤ باب۷ (گ۸۵ب) یادی ازحل مسئله‌های جبری بجز معادله‌های

۲۰ مفرد ومقترن‌میکند ومیگوید که: من‌معادله‌های‌سه‌جنسی (درجه‌دوم) خواه‌متوالی یا پراکنده‌را حل‌نمودم (مطلب٦ همین باب گ۸۷ب) سپس میگوید که معادله‌های چهارجنسی (درجهٔ سوم) ۲۵ معادله وپنج‌جنسی (درجه٤) نودمعادله خواهد بود.

۱ـ این‌مطلبها بترتیب درکفایة‌الالباب ش٤٦۵ گ ۳۵ب و گ٦٦ب و گ۱۷٤ب دیده‌میشود ـ این‌مصرع تازی‌ازابوالقاسم کرمانی‌میباشدو نخستین آن‌اینست: «تدقلت‌قولا

۲۵ لاح لی‌وافتحا» چنانکه درمیزان‌الحکمه ص۷۵ آورده شده. دربارهٔ شمارش خانه های شطرنج هم درص۷٤-۷۸ اینکتاب گفتگو گردید.

آنگـاه میگوید که نگارندهٔ مفتاح (جمشید کاشی) گفته که شارح بهائیه (۱) نوشته است که امام شرف‌الدین مسعودی بجزشش معادلهٔ معروف۱۹ معادله راحل نمود وشاید آنها معادله‌های دیگر درجهٔ سوم‌باشد ومن(کاشی) ۸۹ معادله همه از معادله‌های پنج جنسی متوالی (درجهٔ چهارم) راحل کرده وهمچنین معادله‌های یك یا دو یاسه جنس را اگرچه ازهم دورباشند حل نموده و آنها را در کتاب جداگانه‌ای خواهم آورد ـ گویااو(کاشی) چنین کتابی ننوشت وتنها حل‌معادلهٔ‌شیء باعدد و کعب آنهم بتقریب ازاو بما رسید (گ۱۶۱الف کفایةالالباب ش٤٦٥) .

یزدی درمطلب٤باب۳ در بدست آوردن ریشهٔ یکم رقمهای نجومی ستینی بجای تربیع تضعیف وبجای تقسیم تفریق میکند مانا لگاریتم بکارمیبرد (گ۶۰ب ـ ۶۲ ب) .

در گزارش آن در کفایةالالباب ش٤٦٥ گ۸٥ب س ۱۱ـ۱٤ عبارتی روشنتر درهمین زمینه آمده که عبدالغفار نجم‌الدوله (۱۲۵٥ـ۱۳۲۷) دررسالهٔ لگاریتم‌خود (چنانکه دکترمصاحب ص۱۶۱ آورده) آنرایاد نمود وازعیون‌الحساب پنداشت .

ازاینجا بود که‌ملاعلیمحمدمهندس اصفهانی(۱۲۱٥ـ۱۲۹۳) نگارندهٔ‌تکملة العیون درسپاهان بسال ۱۲٤۰ پیش ازآمد وشد اروپائیان و پیش از آگاه شدن از کارنپر Néper(۱٥٥۰ـ۱۶۱۸) بخواص لگاریتم برخورد و کتابی‌درباره‌ٔ آن‌نوشت. همین دانشمند سپاهانی‌معادلهٔ درجهٔ‌سوم‌را درتکملةالعیون باجدول وبروش‌حسابی

---

۱ ـ گویا ازآن‌ الفوائدالبهائیه را میخواهد که عمادالدین عبدالله بن محمد بن عبدالرزاق حاسب خدام بغدادی برای وزیرشمس‌الدین بهاءالدوله محمد بن محمدجوینی دریك مقدمه وپنج مقاله وخاتمه بسال٦٧٥ نوشته است (ش١٤٥ طوس) .

کمال‌الدین حسین فارسی (۶۶٥ـ۷۱۸) بنام اساس‌القواعد فی‌شرح اصول‌الفوائد وعبدالعلی بیرجندی م۹۱۱ بقـال‌واقول بسال ۸۹۱ آنرا شرح کردند وشرح بیرجندی بسیار سودمند است .

(چلبی۲:ص۲۰۷ و۱:۸۹ ـ گاهنامه۱۳۱۱ص۱٤۱) .

مانند جدولی که جمشید کاشی برای بدست آوردن ریشه‌ها بکارمیبرد(۱) ودرعیون و کفایه در مطلب ۱۰ باب ۱ هم دیده میشود حل نمود وخود یزدی در همین عیون در مطلب ۱۲ همین باب چنین میگوید : «فی استخراج الضلع الاول للمضاعفات الزایدة والناقصة ویتحل به مسائل جبریة غیرمتناهیة لم ینحل الی الان» گ ۳۵ب ـ یزدی در باب ششم (خطائین) میگوید: «رایت رسالة غیرمشهوره لابی القسم بن علی بن محمد القاسانی» وراه دیگری درحساب خطائین ازاو میآورد (گ۷۹ب) .

دانشمند یزدی درفصل عددهای متحاب از نگارندهٔ مفتاح (کاشی) ونگارندهٔ کنه المراد (شرف الدین علی یزدی) خرده میگیرد (گ۱۰۰الف ـ گ۱۹۱ب کفایه) ودر مطلب ۵ باب ۵ (گ۷٦ب ـ کفایه ۱٤٦ب) دراندازه گیری جسمها ازروی سنگینی آنها وسنجیدن سنگینی آنها ازروی مساحت عبارتی از «کتاب النسب بین الفلزات والجواهر فی الحجم» ابوریحان بیرونی وافزار مخروطی که او ساخته برای سنجش جسمها و جدولی که او برای وزن مخصوص جسمها نوشته است میآورد وهمهٔ اینها در (میزان الحکمه) عبدالرحمن خازنی (۵۱۵) دیده میشود (چاپ دکن در ۱۳۵۹ ص ۵۸) واو هم ازاینکتاب بیرونی گرفته است .

دانشمند یزدی در دیباچه پس ازیاد کردن ارزش حساب میگوید که من «محمد باقربن زین العابدین یزدی» دراین دانش رنج بردم وبنکته‌ها برخوردم و میخواهم آنهارا دراینکتاب که «عیون الحساب» نامیده‌ام گرد آورم ـ درپاره‌ای از جاها شعر های فارسی که خود سروده است آورد وقاعده‌های ریاضی را در آنها گنجاند(۲)

۱ـ بنگرید به : تاریخ حساب ازرنه تاتن R. Taton ترجمهٔ پرویز شهریاری ۱۳۲۹ ص۸۳ـ تاریخ ریاضی دکترمصاحب ص۸٦ و ۷ـ۱۵٦ و ٤ـ۱٦۰ و ۵ـ۲۷٤ اوعیون الحساب را ندیده وگمان نمود که گفتار بالا ازدانشمند یزدی نباشد ـ گفتار آقای نفیسی در ش۱۰ دورهٔ ۳ اسفند ۱۳۲۵ ص ٦۵٤ مجلهٔ سخن.

۲ـ سه نسخه ازعیون الحساب در کتابخانهٔ سپهسالار هست: ش۵۱٤ بنستعلیق خوش وبسیار زیبا با نشانه‌ها وعنوانهای شنگرف ولاجورد تاریخ ۱ شعبان ۱۰۹۳ نوشتهٔ محمد حسین بن محمد صالح مازندرانی که یک صفحه ازآغاز ندارد وباندازهٔ بغلی است. ش۵۱۵

بقیه حاشیه درصفحه بعد

آغاز: الحمدلله على ما اولانا من ضروب نعمه المتضاعفة و منحنا من لطائف قسمه المترادفة ... اما بعد فان علم الحساب كثير المنافع صادق المشارق والمطالع ... وان ... محمد باقر بن زين العابدين اليزدي ... ممن خاض في لجج بحاره ... فاراد ان ينظم تلك الفرائد ... ففعل ذلك ... وسماه بعيون الحساب .

۵ **انجام:** الى ان يوضع السود فتضع البيض في النقطة الباقية وليكن هذا آخر ما اردنا ايراده في الرسالة والصلوة على خاتم الرسالة .

[۱۱۲۹]

۴۶۴ این نسخه مقابله شده و بسیار پاکیزه و بخط نسخ و با عنوانها و رقمهای شنگرف است و زمینهٔ پاره‌ای از عبارتها درهامش زراندود و برخی ازجدولها بشنگرف

۱۰ میباشد و میرمهدی بن میرمحمد باقرحسینی سپاهانی درجمادی دوم سال ۱۰۸۴ در ۲۵ کراس چنانکه خودمیگوید آنرا نوشت .

گ۲ب ـ ۱۹۹ب. حاشیه‌های «منه رحمه الله» و «منه عفی عنه» دارد. در گ۹۱ب حاشیهٔ «منه دام ظله» و «منه ره» هردو دارد. در گ۸۶ب حاشیه‌ای از «محمدحسین سلمه الله تعالی» دارد که در کفایة الالباب درمسئلهٔ یکم ازمقترنات گ۱۶۳ب ش۴۶۵ دیده میشود

۱۵ ودر آنجا درست‌تر مینماید . ازاینجا برمیآید که نگارندهٔ کفایة در ۱۰۸۴ زنده بود .

(۲۰۵ گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج سبز ضربی یک لا

اندازه : ۱۰×۱۸ و ۵×۱۱ س۱۷

[۹۶۱] غایة الادراك فی درایة الافلاك (عربی)

ایندفتر درهیئت و سه بخش است: اصول هندسی دره مطلع (گ۱ب) ـ هیئت

---

۲۰ بقیه حاشیه ازصفحه قبل

بنسخ با عنوان و پاره‌ای رقمها بشنگرف که درپایان کمی ندارد. ش۵۱۶ بنسخ با نشانه های شنگرف تاریخ پنجشنبه ۱۴ع۱ سال ۱۲۷۳ ـ کفایة الالباب آنجا بشمارهٔ ۵۱۷ و بنسخ می باشد .

تکملة العیون نگاشتهٔ علی محمد بن محمدحسین سپاهانی درحل ۲۵ مسئلهٔ جبری (با

۲۵ شش مسئلهٔ مشهور) تادرجهٔ سوم ازروی جدولهای حسابی و بتازی میباشد و بشمارهٔ ۶۲۳ بنستعلیق با نشانه‌ها ورقمهای شنگرف و بسیارزیبا پیش از ۱۲۹۷ درآنجاهست. همچنین رسالهٔ تقسیم کره بسطوح مستوی که او بدستور ناصرالدین شاه بپارسی نوشته و بیشتر آن جدول است بنسخ با برخی رقمها بشنگرف و بشمارهٔ ۶۹۳ (نیز بنگرید بتاریخ ریاضی دکتر مصاحب ص۴-۱۶۰ و ۲۷۳) .

بابرهان در۹ مطلع (گ۳۸الف) - تسطیح کره در۳مطلع (گ۱۶۰الف). از گفتار نگارندهٔ آن در پایان پیدا استکه او «زیج اختیاری» نوشته است(۱).

هبةالله شاهمیر شیرازی در گزارش برهیئت فارسی قوشچی (ش۸۳۳ اینکتابخانه) ازغایةالادراك فرزانه اثیرالدین مفضل بن عمر ابهری رومی م۶۶۳ یاد کرد(۲). این

۵ نسخهٔ ماکه درشام روزشنبه صفر۷۷۹ نوشته شده وبیشتر بخط سیدشریف گرگانی (۷۴۰ - ۸۱۶) است نباید نگارش و ساختهٔ خود گرگانی باشد چه در فهرست نگارشهایش ازچنین دفتری یادنکردند (مجالس المؤمنین - روضات الجنات ص۴۷۵ کنی والقاب قمی ج۲ص۳۲۴ - گاهنامه۱۳۰۹ص۲۰).

آغاز: بسمله علیك الاعتماد.یاکریم الحمدلله خالق الاطوار ومفیض الانوار... فهذا

۱۰ تلخیص من علم الهیئة والبرهان حررته علی سبیل الایضاح والبیان واوردت فیه من الهندسة ما یتوقف علیه براهین الهیئة... وقسمته ثلثة اقسام... وسمیته غایة الادراك فی درایة الافلاك.

انجام: فمابلغ فهوالارتفاع المطلوب وذلك ماارادنا بیانه ولیکن هذا آخر کلامنا فی هذاالکتاب واما الجداول والعمل بها فقد اودعناها فی الزیج الاختیاری فلیطلب

---

۱۵ ۱- باینگونه نامها چنددفتر درهیئت یاد کرده اند:

۱- منتهی الادراك فی تقاسیم الافلاك ازعبدالجباربن عبدالجبار بن محمدخرقی مروی م ۵۵۳.

۲- نهایة الادراك فی درایة الافلاك قطب شیرازی (ش۵۹۶۶ سپهسالار).

۳- منتهی الادراك فی مدرك الافلاك خفری (م۲۸صفر۹۴۲) بسال ۸۶۴ یزدگردی

۲۰ (۹۰۱) (گاهنامه ۱۳۱۱ ص۱۴۹و۱۶۳).

۴- نزهة الملاك فی هیئة الافلاك ازحسین بن حسین خوارزمی کبروی (فهرست لنینگراد چاپ۱۹۵۲ج۱ص۵۲۴).

۲- برای سرگذشت او بنگرید به: کنی والقاب قمی ج۲ص۸ - گاهنامه۱۳۱۱ص۱۶۰ - ابن عبری ص۴۴۵ - اعلام زرکلی ۳:۱۰۶۳ - فرهنگ دهخداص۹۵۷ - ابهری بعکس سالبهٔ

۲۵ جزئیه برخوردوسه ضرب برشکل۴ بیافزود (الجوهر النضید) و هدایة فی الحکمة و ایساغوجی درمنطق وتنزیل الافکار فی تعدیل الاسرار ونکت فی علم الجدل وحاشیهٔ شرح ملخص کاتبی ورسالهٔ اسطرلاب ومختصر فی علم الهیئه دارد وسه رساله درهیئت ونجوم.

منه والحمدلله رب العالمين والسلام على محمدواله اجمعين . نجز الفراغ عصر يوم السبت
من صفر سنة تسع وسبعين وسبعمائة هجرية حسبنا الله ونعم الوكيل .

[۱۱۳۰]

۱۰۸۲

این نسخه بنسخ خوش وروشنی نوشته شده وبرخی جاها بی نقطه است ونشانه‌ها
و برخی رقمها بشکرف میباشد وحاشیه هائی بهمان نسخ وریزتر دارد که ۵
عبارتهای متن را روشن میسازد. پس ازپایان کتاب چنین نوشته شده: «خط
استادالمحققین ومطاع المدققین است خاک آستانه رفیع منزلتش فضل‌الله مال‌امیری در
تاریخ ۳ شهرربیع هنگام خریف مرقوم شد ۹۷۲» واین عبارت بخط تازه‌تری است. در
پایان مطلع ۶ قسم ۲ (گ ۹۰ ب) پااین صفحه چنین نوشته شده : « کتبه مبارکشاه رجب
۸۵۰ » . ۱۰

درگ ۱ الف چنین آمده است هذاخط السیدالسند المخدوم سیدالمحققین و سند
المدققین جدی ومقتدای. وانا اقل عبدعبیده، حرره الفقیر شریف سنه ۹۰۱» ومهری گرد
وبزرگ دارد که خوانده نشد ونیزدیده میشود : «کتاب غایة الادراك اکثر بخط سید
شریف قدس سره» ازهمهٔ اینها چنین برمیآید که این نسخه بیشتر بخط خودسید شریف
میباشد ودر ۷۷۹ ازنوشتن آن بیاسود ودر ۸۵۰ نزدمبارکشاه منطقی بوده است ودر ۱۵
۹۰۱ شریف فرزند زاده میرسیدشریف آنرا داشته بود ودر ۹۷۲ فضل‌الله مال‌امیری آنرا
داشته است. بازدرهمان گ ۱ الف نام کسانی دیده میشود که دارندهٔ نسخه بودند: محمد
تقی منجم جنابذی(گنابادی) بامهر- محمدصادق منجم که آنرا بپسرخود محمداشرف
می بخشد: (قد انتقل هذه النسخة على نهج الشريعة الشريفة منى الى ولدى الاعز محمداشرف
ـ المتوكل على الرزاق المنعم محمد صادق المنجم ـ مهر) باز محمد صادق که می نویسد ۲۰
پدرم محمدتقی این نسخه رابمن بخشید ومهراوهم دیده میشود و پیداست که کتاب در
خاندانی آشنای بنجوم دست بدست گشت وازنیا بپدروازاو بپسر رسیده است. ازدارندگان
نسخه نیزاینها هستند که درهمانجا نام برده شد :

حکیم تاجاه گیلانی- مولی محمدجعفر سبزواری که نسخه را خریده است -
عبدالرحمن مشهور باصیل واعظ گویا همواست که می نویسد نسخه از آن پسرم وجیه الدین ۲۵
نعمة الله است- محمود طباطبائی که مینویسد نسخه بصلح بمن رسیده است مهراوهم هست
باز درهمین جا دیده میشود :

«لواحد من الفضلا فی حق المصنف طاب ثراه: تادورائیر برفلك پای فشرد- میدان
سخن بکس نخواهند سپرد - ازجمله بزرگان نه ازاین مشتی خورد - بود ازهمه گویا

تر و گوی از همه برد» ازاین رباعی پیداست که کتاب از اثیرالدین ابهری باید باشد ـ گ ۱ب ـ ۱۲۱ب .

(۱۳۱ برگ) ـ کاغذ ترمهٔ سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی
اندازه : ۱۵×۲۲ و ۸×۱۵ س ۱۷

۵ [۹٦۲] **قوام الحساب** (فارسی)

این رساله درحساب ومساحت ودارای یك مقدمه وچهار مقاله میباشد مقدمه در ۱۲ فصل ومقالهٔ یکم درضرب وقسمت ونسبت وجذر است که رساله یکم میباشد و دوم درمساحت دریکمقدمه و ۱۵ باب. سوم درعلم اعداد ووفق. چهارم در مسائل متفرقه ایندو درنسخهٔما نیست(۱) .

۱۰ **آغاز**: بسمله. برزای ذوی العقول پوشیده نماند که بعد ازعلم دین شریف شریعت علم حساب راشرفی هرچه تمامتر است .

انجام: بدرازای خانه باشد هروبال ای بی عدیل .

[۱۱۳۱]

این نسخه ش ۵ دفتر است وبخط نستعلیق محمد کاظم محلاتی ۱۱۱۲ گ ۱۰۳

۱۵ **۳۰۲** الف ـ ۱۳۱ب . فصل ۶ نوع دوم درقسمت کسور ۱۱۳ب سفید است و نسخه کامل نیست ودر پایان مبحث جذر گوید: «درهشت حاصل آمده است. تمت الرسالة الاولی» ویك سطر سفید است(۱۱۹ب) آنگاه مختصری است درعلم مساحت که ۱۵ باب است و چنین آغاز میشود: «بدانکه این مختصریست مفید درعلم مساحت مشتمل برمقدمه وچند باب مقدمه درمعنی مساحت» وانجام آن چنین است: «حاصل آن عدد آجر مایحتاج آن بنا باشد»

۲۰ (گ ۱۳۱الف) سپس دارد: « تمام شد رسالهٔ عامر بن عبدالعزیز درعلم حساب ضرب و قسمت. کتبه... محمد کاظم بن محمدحسین الموسوی الحسینی ساکن قصبه محلات...۸ شهر جمادی الثانی ۱۱۱۲» بااینکه درقسم دوم باب دوم درمساحت مربعات (گ ۱۲٤ب) در

۱ـ قوشچی وقاضی زادهٔ رومی ولطف الله حسینی درروزگار شیخ بهائی نیز رسالهٔ حساب دارند (ش ۷۲ـ۹٤ـ۹۷ طوس) همچنین محمودبن محمدبن قوام قاضی والشنانی

۲۵ معروف بمحمود هروی میوی زندهٔ پیش از ۸٦۲ ونگارندهٔ غیاثیه درستاره شناسی وفوائد جمالی برای جمال الدین سلطانحسین که ترجمهٔ اشکال التأسیس شمس الدین سیدحکیم سمرقندی نگارش ۵۹۳ میباشد. رساله حساب او بفارسی ودو گفتار است درصحاح و کسور (بلوشه ج ۲ ش ۲ و ۷۷۲) .

خود رسالهٔ دوم آمده : «فقیرحقیر قطب‌الدین خسروشاه بلغه‌الله ما تمناه» پس از این رساله مساحت دارد: «باب درقسمت اهل‌تنجیم آن نیز مثل تقسیم اهل‌هند است...قاعدهٔ دانستن ساعات چون آفتاب تمام برآید... بدرازای خانه باشد هروبال ای‌بی عدیل» (۱۳۱ الف‌وب) درهمینجا یادی ازشیخ بهائی شده‌است گویا رسالهٔ یکم از عامربن عبدالعزیز و دومی از خسرو شاه باشد، نام « قوام‌الحساب » در دیباچه رسالهٔ یکم دیده میشود .   ۵

[۹٦۳]   کافی   (فارسی)

میرزا عبدالغفار معلم مدرسهٔ دولت در روزگار ناصرالدین شاه (۱۲٦٤ — ۱۳۱٤) درسال۱۲۷۸ وهنگامیکه اعتضادالسلطنه وزیر فرهنگ وهنر های زیبا و بازرگانی وپیشه وهنر بوده است برای مدرسه دولت دارالخلافه طهران این دفتر را نوشت و نام آن چنین است: کافی در ترسیم کانوای (Canevas) نقشه‌ها ازعلم تپگرافی (Topographie) .   ۱۰

آغاز: بسمله. منت خدیرا جلت عظمته که ازغایت رأفت برعبادملهم نمود.

انجام: صورت استخراج این جدول ... انگاریمه۷۵۳٦۸/.

[۱۱۳۲]   ۱۵

۹۳۹ این نسخه بخط شکسته نستعلیق وشکسته در برخی جاها بی نقطه وپاره‌ای از حرفهای لاتینی ورقمها درجدولها بشنگرف میباشد.۷۷برگ و۵ نقشه دارد. (۷۷ص)— کاغذ فرنگی — جلد تیماجی (یاعی؟) معمولی
اندازه: ۱٦×۲۲ و۸×۱٤٫۵ س۱٦

[۹٦٤]   کافیة المشتاق فی معرفة علم الاوفاق   (عربی)   ۲۰

شیخ محمود قطب محلی دراین رساله ازعلم وفق اعداد که از فروع ریاضی است گفتگو نمود .

آغاز: بسمله . رب یسر. الحمدلله الموفق من اختاره من عباده ... و بعد فعلم تنزیل الاوفاق من العلوم العقلیة و لبه الحساب خصوصا العددی والحرفی.

انجام: بقی مائتان واثنان وهو مافی المربع . والله سبحانه وتعالی اعلم .   ۲۵

[۱۱۳۳]

۸۸۵ این نسخه ش۶دفتراست وبخط نسخ وپاره‌ای از رقمها بشنگرف گ ۷۴ب ـ ۸۳ب. در گ۷۴ الف که صفحهٔ عنوان استدارد: «هذه رسالة کافیة المشتاق فی معرفة علم الاوفاق تألیف العلامه سیدنا الشیخ محمود القطب المحلی نفعنا الله تعالی ۵ به والمسلمین . آمین» ش۷و۸ ایندفتر شرح نخبة الفکر ابن حجر عسقلانی گ۸۶ب ـ ۱۰۸ب ومتن نخبة الفکر فی مصطلح اهل الاثر هم ودردرایة الحدیث گ۱۰۹ب ـ ۱۱۳الف هردو نوشتهٔ عبدالطیف بن محمد درمدرسهٔ رضائیه حلب شهباء بسال ۱۱۵۰ میباشد

[۹۶۵] کتاب فی النجوم (عربی)

دراین نامه سخنان زردشت پیامبر ایران باستان که دراختربینی گفته است آمده ۱۰ ودر دیباچهٔ آن مهانکرد پسرمرزبان میگوید که این رازیست ازهنرهای زردشت . از آن هنرها که‌زبان روشنی در گوشهای اودمیده وسینهٔ آشکاراو آن‌را فراگرفت. این راز سنجیدنی نبوده مایهٔ آن پرتو ودانش خدائی است و از آن گرانمایگان می‌باشد . سعید پسرخراسان بخرهٔ ترجمان چنین گفت: سپهبدسنسباد آنگاه که‌خود ایندانش‌راخوب فراگرفته ازمن درخواست تا آنچه‌رامهانکرد ازرازدانش زرادشت ۱۵ ترجمانی کرده بودبرای‌او ترجمانی کنم. این‌راز بزبان مهین‌زردشت بوده ومهانکرد آنرا برای ماهویه پسرماناهید مرزبان‌در آن‌سالی ترجمه نمودکه تازیان بخانهٔداد یورش برده بودندوبردگان دختران شاهان‌را بربودند ویزدگرد ازتختگاه خویش رانده‌گشت واومیخواست بجایگاه‌انوشیروان که جزبزرگان ودینداران‌ایشروزگار بدان راه نبرند برسد. سپهبد سنسباد هنگامیکه عبدالله‌بن مسلم «امین آل‌رسول» و ۲۰ خونخواه آنان فرمانروا بود خواست این‌راز را بزبان تازی درآورند تاآنرابدانند واز میان‌نبرد. ایندو نامه که دردین‌هم باارزش‌میباشند شاهان‌دانشمند ودین‌دوست آنهارا ارج مینهند ودیگرگونه‌شان نمیسازند .

ازدیباچه برمیاید که این نامه نخست بزبان خود زردشت بوده سپس مهانکرد آنرا برای ماهویه پسرماناهید درسال یورش تازیان بخانهٔ داد «دارالعدل»ترجمانی ۲۵ کرد . آنگاه سپهبد سنسباد هنگام فرمانروائی عبدالله‌بن مسلم بسعیدبن خراسان

دستور داد تا آنرا بتازی در آورند.

در دیباچهٔ آن دربارهٔ زردشت «الحکیم المؤید بنور الحکم المخصوص بضیاء المعرفة» گفته شده ودرمتن از دورنیوس شاه مصر که ۳۶۰ ستاره شناس دردربـار خویش داشته است(۱) و بهره‌ایکه زردشت ازنمودارها وحدود اوبرده است یـاد گردید (گ۳الف) همچنین ازسعیدبن خراسان وموجه(۲) نگارندهٔ کتاب القرانات (۱۶الف) ومهانکرد که طالع کودکی‌رامیآورد (جای آن درگ۲۹الف سفیداست) و نامهای فارسی کدخدا وهیلاج هم درآن هست. ۵

آغاز: بسمله و بـه نقتی. کتاب زرادشت فی النجوم وتأثیراتها والحکم علی المواليد وغیره. قال مهانکرد بن مرزبان: هذا سر من فنون زرادشت نفث به‌لسان النورفی مسامع زرادشت بن اسبتمان فوعاه صدره الطاهر... اول الکتاب قال زرادشت: ان من صح طالعه صحت دلادته ومن فات طالعه فاحتاج الی التخمین. ۱۰

انجام: هذه منازل الکواکب فی زمان سعیدبن خراسان وهوالذی وضع المثانی واقتصر مامنه علی ذکر هذین الکوکبین. تمت الکتاب بعونه وتوفیقه والله اعلم بالصواب.

[۶۱۳۴]

۳۴۷ این نسخه‌ش۱ دفتراست وبخط نستعلیق با نشانه‌های شنگرف. گ۱ب-۳۵ب. ۱۵

(۳۴۷س) - کاغذ سمرقندی - جلد تیماج زرد ساده

اندازه: ۱۰×۱۷و۶×۱۰ص-۱۰ س۱۴

[۹۶۶] **گرامیهٔ دوره** (فارسی)

این نامه درهنرموسیقی ودر۳اصل است(دوازده مقام- دربیان شعبه‌وآوازه -اصول‌وفوائدموسیقی) نگارنده‌خودرا دردیباچه «دورهٔ سفره‌چی» نامیده ونامه‌را بنام «عالی مقام تاج‌بخش شاه‌نشان علی‌خان» کرده و بدان نام «گرامیه دوره» داده است (گ۷۳الف) دربخش یکم از فیثاغورس و«حکیم‌صلاصل» (گ۷۴الف) و در بخش دوم ازخواجـه ابراهیم وحسینی نائینی واسحاق موصلی (گ۷۵ الف) ودر بخش سوم از خواجه صفی‌الدین عبدالمؤمن واستاد علی روح‌برور و مولانا حسن ۲۰

۱-این‌را ابن‌رضوان از گفته ابومعشر بلخی نیز آورد. بنگرید به‌ص۸۶۳ همین‌فهرست. ۲۵

عودی وخواجه عبدالقادر و ازضرب الفتح وضرب الملوك یاد کرده ومیگوید که «ضرب الاصل» را نادرالعصری استادسلطان محمدطنبوری ساخته است (گ ۷۶ب) نام آهنگ ها هم در آن آمده است .

آغاز: نغمه اوی است زفیض کریم . ای بلبل جان نغمه سرا ازغم تو ـ چون دائره
۵ دل بی سروپا ازغم تو ... حمد وستایش بی قیاس پادشاهی را که بساط اهل نشاط . . .
حضرت محمدمصطفی وشیرخدا علی وباقی ائمه هدی... امابعدچون سر گشتهٔ هروادی ساکن کوی نامرادی «دوره سفره چی» میخواست که آنچه بقدر وسع خود در فن موسیقی از اقوال حکما فرا گرفته بعمل در آورده بود تحریر کند .

انجام: بی زمزمهٔ عشق نخواهم بودن ـ تاقوت دمزدن مرا خواهد بود.

۱۰ [۱۱۳۵]

۱۹۹ این نسخه ش ٤ دفتر است وبخط ستعلیق محمدعلی که (بجهة مسوده قلمی کرد) در تاریخ ربیع دوم سال ۱۲۸۷ (گ ۷۲ب ـ ۱۷۸الف .

[۹٦۷] کفایة الالباب فی شرح مشکلات عیون الحساب (عربی)

گزارشی است بر عیون الحساب ملامحمد باقریزدی از نوادهٔ او محمدباقر بن محمد
۱۵ حسین بن محمد باقر که میگوید چون در کتاب نیایم برهان هندسی نبوده است من ایندفتررا نوشتم و آنچه بذهنم از برهانها رسیده بر آن افزودم وبدین نام خواندم .
این گزارش به «قال ـ اقول» است وبنام شاه سلطانحسین صفوی (۱۱۰۵ـ۱۱۳۵) نوشته شد. اودربارهٔ نخستین مقالهٔ مقترن (گ ۱٦۳ب) ازبرهان لطیف نیای خود یادمیکند ومیگوید که من آنرا در تعلیقات برخلاصة الحساب آورده ام واز رسالهٔ غیر مشهور
۲۰ ابی القاسم علی بن محمد کاشانی درخطائین (گ ۱۵۱الف) چنانکه درمتن آمده است.
ودر گ ۲۲۲الف نیز از کاشانی یاد کردید. اودر پاره ای از جاها حاشیهٔ نیای خود را میآورد (مانند گ ۱۵۲الف که حاشیهٔ گ ۸۰ الف ش ٤٦٤ «عیون الحساب» را آورده است ودر گ ۱٦۳الف که حاشیهٔ گ ۸٦الف عیون را آورد ودوجاهای دیگر) ـ ایندانشمند تا ۱۰۸٤ زنده بود (چنانکه ازحاشیهٔ عیون الحساب گ ۸٦ب ش ٤٦٤ برمیآید) وپیدا

استکه درریاضی سرآمد بوده است .

آغاز: بسمله وبه ثقتی. الحمدلله الذی جعل الحساب سلما یرتقی به علی مدارج اسرار العلویات ... وبعد فیقول ... محمدباقربن محمدحسین بن محمدباقر الیزدی لما کان لجدی... فی علم الحساب کتاب وجیز... خالیا عن البرهان الهندسی فرایت ان الحقه ماخطر بذهنی . . . من البرهان ... وسمیته بکفایة الالباب فی شرح مشکلات عیون الحساب .

انجام: فالملقی تماما من الکفار وبقی المسلمون. هذا مااوردنا ایراده .

[۱۱۳۶]

۴۶۵ این نسخه بخط نسخ وچند سطر پایان شکسته نستعلیق جلیبا باعنوانها و رقمها وجدولها بشنگرف میباشد. حاشیه‌هائی دارد ازفرج‌الله حسینی بخط شکسته . گ۱ب - ۳۲۹الف .

(۳۴۰ص) — کاغذ سپاهانی — جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی

اندازه : ۱۶×۹و۲۳×۱۶س۱۸

[۹۶۸] کفایة القنوع فی العمل بالربع المقطوع (عربی)

محمدبن محمد ماردینی(۱) دراین رساله راه‌شناختن ساعتها وطول وعرض شهرها وقبله وروش بکاربردن «ربع مقطوع» راروشن نمود وآنرا ازرساله «اظهار السرالمودوع» دریك مقدمه و۱۵ باب گزین ساخت .

آغاز: بسمله . الحمدلله رب العالمین... فهذه رسالة مختصرة فی العمل بالربع المقطوع. اختصرتها من الرسالة المسماة باظهار السرالمودوع ورتبتها علی مقدمة وخمسة عشربابا وسمیتها کفایة القنوع فی العمل بالربع المقطوع .

انجام: وکذا یفضل بمطالع طلوعه وبمطالع مغیبه . والله اعلم .

۱ـ گویا بدرالدین محمد سبط ماردینی(۸۲۶ـ۹۰۰) که درهندسه وستاره‌شناسی هنرمند بوده است. (گاهنامه ۱۳۱۰ ص۶۹ ـ تاریخ ریاضی دکترمصاحب ص۱۵۹) در گاهنامه ۱۳۱۱ص۱۱۰ـ۱۱۲ ازلبنه بطلمیوس یاربع خواجه طوسی وازربع مجیب گفتگو گردید. در گاهنامهٔ ۱۳۱۰ص۹۱ ازابن قلوس اسمعیل بن ابراهیم بن غازی ماردینی۶۳۷م نگارندهٔ کتابی درحساب یادشد (از کشف الظنون) .

[۱۱۳۷]

۸۸۵ این نسخه ش۱ دفتر است و بخط نسخ با نشانه‌های شنگرف وحاشیه‌هائی دارد بنسخ ریزتر گ۱ب – ۱۱الف .

[۹٦۹] **کیفیة صنعة المناسخة بالجدول** (عربی)

۵ شیخ شهاب‌الدین احمدبن الهائم آنچه از استاد خود ابی‌الحسن جلاوی دربارهٔ مناسخات ازروی جدول آموخته بود وبشاگردان خودهم میآموخت چون‌دید در دفتری گرد نیامده او آنها رادر این‌نامه‌نوشت وسهم وارثان‌را ازروی جدول‌روشن نمود .

آغاز: بسمله وبه نستعین فی کل‌حال. قال‌الشیخ الامام‌العلامة شهاب‌الدین احمد

۱۰ بن‌الهائم رحمه‌الله : فصل‌اعلم ان‌المناسخات بالجدول هومن‌الصناعة البدیعة‌العجیبة التی تلقیتها من‌استاذی ابی‌الحسن‌الجلاوی .

انجام: وتسعةاجزاء من‌ثلثة عشرجزء وللام کذالك والله سبحانه اعلم‌وبالله‌التوفیق وهذه صورتها .

[۱۱۳۸]

۱۵ این نسخه ش۳ دفتراست وبخط نسخ درشت بااعراب ونقطه‌ها ونشانه‌هاورقمها

٤۹۵ وجدولها بشنگرف وعنوانها درشت‌تر وحاشیه‌هائی دارد ویوسف‌بن محمدخان درشنبه۷ روز گذشته ازصفر۱۱٤۹ برای فقیه حسام‌بن حسین آنرا نوشته است . گ۹۳ب – ۱۰۵الف. در۱۰۵ب فائده ایست دریکی ازقواعدکلی قسمت‌ارث.

[۹۷۰] **گزیدهٔ برهان‌الکفایة** (فارسی)

۲۰ ایندفترازبرهان‌الکفایهٔ علی‌بن‌محمدبن یحیی‌شریف بکری موصلی گزین‌شده‌است درذریعه‌ازبرهان‌الکفایه وازاحکام‌الاحکام ابی‌الخیرتقی‌الدین‌محمدبن‌محمدفارسی شاگردصدرالدین محمددشتکی یادشده ومیگوید کهفارسی ازبرهان‌الکفایه گرفته وباافزودن چیزهائی‌بر آن ایندفتر بساخت(ج۱ص۲۹۱–ج۳ص۱۰۰- برهان‌الکفایه ش۱۱۷معارف‌ج ۱ص۱۵۵فهرست) .

۲۵ درایندفتر دردیباچه ونیز درآغاز خاتمه (گ۱۷۹ب) ازبکری یـادمیشود و از

بطلمیوس ودرثیوس و کندی ووالیس مصری وهرمس وماشاءالله هم نامبرده شد.در دیباچه عبارت «وچنین گوید علی بن محمدبن الشریف البکری... ونام کردم اینکتاب گزیده را برهان الکفایه... بسیارسخنان راکفایت بلشد انشاءالله تعالی» که پس ازعبارت «بدانکه علم نجوم بردو قسم است ...که طالع زمانی وخداوند اووالله اعلم» درخود برهان الکفایه (ش ۵۰۰) آمده دراین گزیده نیست چنانکه در اینجا پس از حمد و صلوة ساده نه مانند برهان الکفایه عبارت «بدانکه این رساله کتابی است انتخاب کرده شده ...» آمده و پیداستکه دربرهان چنین چیزی نیست .

گزینده برهان الکفایه راچندان دیگرگون نساخت وبااندك تغییری آنرابنام خودکرد وبرای نمونه ایندوعبارت رامیاوریم: «فصل آخرین کتاب درمعرفت کیفیت اوقات و کمیت روزگار . مصنف کتاب گوید بدانك اوقات پدید آید ازحرکات» (گ ۱۶۸ب ش ۵۰۰ ازخود برهان الکفایه) .

«خاتمه درمعرفت کمیت اوقات و کمیت روزگار . مصنف اصل کتاب علی بن محمد یحیی شریف بکری الموصلی گوید بدانکه اوقات پدیدآید ازحرکات» (گ ۱۷۹ب ش ۴۹۶ گزیدهٔ برهان الکفایة) .

آغاز: بسمله. حمد. صلوة. بدانکه این رساله کتابیست انتخاب کرده شده از کتاب برهان الکفایة که حکیم فاضل علی بن محمد شریف بکری تصنیف کرده مشتمل برمقدمه ودوازده باب وخاتمه. مقدمه بدانکه علم نجوم دوقسم است یکی را از آن علم حساب وعلم هندسه وعلم کلی خوانند ودوم آن علم احکام است .

انجام: بیشتر منجمان دربیرون آوردن اوقات بماجل الحال عاجز آینـد و سخنانشان ازاین جهت خطاشود. والله اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب. تمام شده کتاب برهان الکفایة .

[۱۱۳۹]

۴۹۶ این نسخه بخط نسخ با عنوانهای شنگرف میباشد وحاشیه هائی دارد بنستعلیق ریز. در گ ۱۸۱ب تاریخ ۲۴ع۱ سال ۱۲۲۸ دارد .

(۱۸۱گ) ــ کاغذ سپاهانی ــ جلد تیماج قهوه‌ای مقوائی که آن میشن سرخ

اندازه ۱۹×۲۸ وطر ۱۱×ط ۱۷ س ۱۷

[۹۷۱] گفتار در سهام (فارسی)

این گفتار درمبحث سهام ازاحکام نجوم است .

آغاز: گفتار اندر بیرون آوردن سهام . بدانکه اندر موالید و مسائل وضمائر و اختیارات سهم‌ها است .

۵ **انجام:** سهم داروهائیکه شورباشد ازمریخ تابماه . والله‌اعلم. تم .

[۱۱۴۰]

۹۵۰ این نسخه ش۴ دفتراست‌وبخط نستعلیق باعنوانها ونشانه‌های شنگرف گ۱۳۴ ب–۱۳۶الف .

[۹۷۲] لطائف الکرام فی‌احکام‌الاعوام (فارسی)

۱۰ سید منجم محمدبن‌الحسین زندهٔ در ۸۰۳ ایندفتررا درستاره‌شماری واختر بینی بپارسی بپرداخت. نام‌کتاب در کشف‌الظنون وفهرست طوس ش۱۵۱ و گاهنامه۱۳۱۱ ص۱۸۷ لطایف‌الکلام فی‌احکام‌الاعوام آمده و نام‌نگارندهٔ آن در کشف‌الظنون‌محمد بن‌الحسینی‌المدعو بسید منجم ودر آن‌دومحمد حسین‌یاد گردید. در نسخهٔش۴۸۲/۱ ما لطائف‌الکرام فی‌احکام الاجرام از محمدالحسین ودرنسخهٔ ش ۴۸۵ ما لطائف ۱۵ الکرام فی‌احکام‌الاعوام ازمحمدبن‌الحسین یادشد. ازهمهٔ اینها پیدا استکه اوبسید منجم نامیده میشد. دونسخهٔ ما اندکی ازهم جدائی دارند .

دراینددفتر اززایجهٔ تحویل سال بدینگونه یادشد : ساعت‌ششم شب‌چهارشنبه۷ع۱ سال ۸۲۴ برابر با۱۲ آزار رومی ۱۷۳۲ اسکندری و۱۲ تیر۷۹۰ یزدگردی و ۱ فروردینماه جلالی۳۴۲ ملکشاهی وشب آرام آی‌ماه خانی سال۱۲۰ غازانی(گ۹۳ ۲۰ ب ش۴۸۲/۱ – گ۱۰۶ الف ش۴۸۵) دراینجا هشت جدول است(گ۹۳ – ۹۷ش ۴۸۲/۱– برگهای۱۰۶الف –۱۰۷الف ش ۴۸۵ سفید و این جدولها در آن دیده نمیشود) .

سید منجم بازطالع تحویل سال عالم‌بافق لاهیجان رااستخراج کرددرتاریخ۷ع۱ سال۸۲۴ برابربا ۱فروردین‌جلالی۳۴۳ (۹۲الف‌ش۱ر۴۸۲ و۱۰۴الف ش۴۸۵).

همچنین زایجهٔ تحویل سال در ساعت ۸ شب سه شنبه ۲۹ صفر برابر با ۲۸ اسفندارمذماه جلالی سال ۳۴۲ در آن یاد گردید (گ۹۲الف ش۱ر۴۸۲ـ در گ۱۰۴ ب ش۴۸۵ زایجه دیده نمیشود وسفید است) .

پس ایندفتر درسالهای ۸۲۳ و۸۲۴ بنگارش در آمده است .

۵ **آغاز:** (هـذالطایف الکرام فی احکام الاعوام من سیدالمنجم) بسمله . چنین گوید محرر اینکتاب (سواد) اضعف العباد محمد (بن) الحسین المدعو بسید منجم (المنجم) که این مسوده ایست درمعرفت قانـون احکام مسمی بلطائف الکرام فی احکام الاجرام (الاعوام) چه برصاحب این فن واجب ولازم است که مدلولات بروج وکواکب را نیکو معلوم داشته باشد (نسخه بدلها از نسخهٔ ش۴۸۵ است) .

۱۰ **انجام:** و اگر قران سعدین باشد راحت و فراخی نعمت و آسایش خلایق باشد . والعلم عندالله .

[۱۱۴۱]

۴۸۲ این نسخه ش۱ دفتر و بخط نسخ میباشد جدولها وعنوانها ونشانه‌ها بشنگرف است ومحیی الدین الاناری آنـرا در۱۰ج۱ سال۹۱۵ نوشت . درهامش از ۱۵ تنبیهات المنجین ملامظفر (گ۲۰الف) وکفایه (گ ۱۴ـ۱۶ـ۳۰ـ ۴۸ـ ۵۰ـ۹۰) وحاشیه‌ای گـنام برمز ملا۱۲(گ۱۷ب) آمده است . گ۱ب ـ۱۱۲الف .

(۱۶۰س)ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج سرمه‌ای ساده

اندازه: مر۹×۱۷ و۲۵مر۱۱س۱۸

[۱۱۴۲]

۲۰ ۴۸۵ این نسخه بخط نسخ خوش وتازه ودرجدول است عنوانها ونشانه‌هادر آنت بشنگرف میباشد. وبدینجا پایان میابد : «فائده: قمرچون از نحسی منصرف شود ... خصومتها خیزد میانـ عوام ووقوع خیانت وتزویر» برابربا س۲ گ۱۱۲الف ش۱ر۴۸۲ ونیمهٔ آخر این فائده وهمهٔ فائدهٔ اخیررا که باندازهٔ یك صفحه میشود ندارد. گ۱ب ـ۱۲۱ب . جای جدولها سفیداست .

۲۵ (۱۳۴س)ـ کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج سرخ ضربی

اندازه: ۱۶×۲۱ و۷×۱۵س۱۵

[۹۷۳] مثنوی در سعد و نحس (فارسی)

در این مثنوی از سعد و نحس منزلهای ماه در برجها گفتگو شده است.
آغاز: بسمله. هر مهی کاید بتایید خدای لم‌یزل ــ جرم او در خانهٔ مریخ یعنی در حمل.

۵ انجام: هم قباه و هم کلاه و هم کمر ــ آنچه در من باشد فی‌الجمله بخشیدن بمن

[۱۱۴۳]

۳۰۲ این نسخه ش۴ دفتر است و بخط نستعلیق با نشانه‌های شنگرف محمد کاظم محلاتی نزدیك ۱۱۱۱ گ۱۰۲الف ــ ۱۰۳الف.

[۹۷۴] مجمل (عربی)

۱۰ ابوالحسن کیاکوشیار فرزند لبان (لبار = شیر) فرزند شهریار (باشهری ـ باشهیار) فرزند گیلی خسروانی از ستاره‌شناسان و هندسه‌دانان بنام ایران است او دو زیج نوشته یکی بنام جامع یا جوامع علم‌الهیئة دیگر بنام بالغ. زیج جامع را عمر بن ابی‌طالب ستاره‌شناس تبریزی در ۴۸۳ بپارسی در آورد. کوشیار «معرفة‌الاسطرلاب و عمله» نیز دارد. همچنین المدخل که در آن از ۳۷۰ یزدگردی (۳۹۷) یاد میکند و نسخهٔ ۱۵ آن در برلین و اسکوریال هست. این مدخل را محمد بن خسرو میخالیجی بترکی در آورد.

او در مجمل الاصول یا المجمل فی‌احکام النجوم یا مجمل‌الاحکام خود از سال ۳۲۱ یزدگردی برابر با ۳۴۲ (باب ۱۲ مقاله ۲ گ۳۲ب نسخهٔ ما) و از سال ۳۶۱ یزدگردی برابر با ۳۸۳ (باب ۷ مقاله ۱ گ ۵ب نسخهٔ ما) و از دو زیج جامع و بالغ خود (باب ۲۰ ۲۰ مقالهٔ ۳ گ ۵۲ ب نسخهٔ ما) یاد نمود نسخهٔ این مجمل در موزه بریتانیا (add. 7490) و دیوان هند (1919) هست. پس او مجمل را از دیك ۳۸۳ نگاشته است. او در زیج خود از ۳۳۲ یزدگری (۳ـ۳۵۲) یاد میکند پس زندگی علمی او در نیمه دوم سده ۴ باید باشد.

گرگانی پزشك در ذخیرهٔ خوارزمشاهی (گ۳۸۶ الف ش۴۶۱ ــ س۷۵۹ همین

فهرست) ازاو یاد کرده ومیگوید که اواز شناختگان شمس‌المعالی قابوس زیاری (۳٦٦ـ۴۰۳) در گرگان بوده وخطی خوش داشت وفرزندانش درقسم ستاره‌شناس بودند. فخررازی دراختیارات علائیه فی‌الحرکات‌السماویه اورا ریاضی‌دان بی‌بهرهٔ ازمنطق دانست.

کوشیار وابونصر منصوربن علی‌بن‌عراق وابوالوفاء محمدبن محمدبوزجانی وابوسعید احمدبن محمدبن عبدالجلیل سجزی و ابومحمود حامدبن خضرخجندی وابوریحان بیرونی دریکزمان میزیستند وبیرونی با آنها نامه‌نگاری علمی داشته است. درمثلثات کروی، بطلمیوس شکل‌قطاع‌ساخته‌است‌و آن تااندازه‌ای دشواربود وشکلی بنام مغنی‌یا قانون‌الهیئة (رابطهٔ جیبها) دانشمندان ایرانی آورده بودند که آسان‌تر از آن‌بوده‌است. ابن عراق وجوزجانی وخجندی و کوشیار هریك این‌رااز خود دانستند. بیرونی دردیباچهٔ «مقالید علم‌الهیئة فی‌مایحدث فی‌بسیط الکرة» میگویدابن‌عراق‌مردی‌دانشمنداست و کتابخانهٔاورا دیده‌ام‌و آنچه خودبدان‌رسیده است بمن‌نمود دوراست که جسته‌های دیگران‌را آن‌خودبداند. بوزجانی را ندیدم مگراینکه‌او «کتاب‌السموت» ابن‌عراق‌رادیدپس‌چگونه‌این‌شکل‌را ازخوددانست. خجندی‌خود میگوید که‌من‌پیش ازهمه بدین‌شکل‌رسیدم و بوزجانی‌ازمن‌آموخت. گویااینهدو ازدوراه‌بآن رسیدند. کوشیار نزدخجندی آشکاراگفت که من این‌شکل را همان پاکیزه ساختم. اوست‌که آن‌را مغنی وخجندی قانون الهیئة نامید. خواجهٔ طوسی در «کشف‌القناع فی‌اسرار شکل‌المغنی والظلی والقطاع» که نخست بپارسی نوشته سپس بتازی‌در آورد نیزازاینگونه داوری‌بیرونی‌یادنمودومیگوید که‌بیرونی مانا میخواهد شکل مغنی‌را یافتهٔ ابن‌عراق بداند. شکل‌ظلی‌را همه‌میدانند که از بوزجانی‌میباشد. چون کوشیار درزیج ازسال۳۳۲یزدگردی (۳ـ۳۵۲) یاد کرد‌پس چندی پیش از آن وتا سال۳۹۷ بیگمان زنده بود(۱).

۱ـ بنگریدبه: گاهنامهٔ ۱۳۰۷ص۱۱٦و۱۳۱۱ص۱۸۹و۱۹٦ و۱۳۱۲ص۵۰ـ تاریخ علوم ریاضی دکترمصاحب ص۹۰ـحاشیهٔ قزوینی برچهار مقاله ص۳ـ۲۰۲ـ

بقیه حاشیه درصفحه بعد

بروکلمن(۱:۲۲۲ و پیوست۱:۳۹۷) ازنگارشهای اوزیج جامع (براین ـ لیدن ـ اسکندریه ـ قاهره) ومدخل الاصول یا المدخل فی صناعة احکام النجوم (براین ـ اسکوریال ـ واتیکان ـ بریش ـ آمبروزیانا ـ موزهٔ بریتانیا ـ ایاصوفیا ـ اسعد ـ سرای ـ ینی جامع ـ رامپور) واصل صناعة الاحکام الفلکیه (اسکندر) و فی اصول
۵ حساب الهند یا مقالة فی الحساب (ایاصوفیا وجاهای دیگر) وترجمه عبرانی آن از سالم بن یوسف انابی (بادلیان) واسطرلاب و کیفیة عمله واعتباره علی التمام والکمال (پاریس) ورسالة الابعاد والاجرام (پاتنا ـ فاتح) وتجرید اصول ترکیب الجیوب (جار الله) یاد میکند.

درفهرست قاهره (۵:۳۱۷ـ۲۹۸ـ۲٦۸) از «زیج جامع» و «المقالة الاولی فی حساب
۱۰ الابواب من المقالات الاربع لکوشیار بن لبان بن باشهار الجیلی علی زیجه فی علم النجوم» در ۸ فصل در ۸۵ باب و «کتاب فی اصول صناعة الاحکام لابی الحسن کوشیار بن لبان بن باشهری الجیلی رتبه علی اربعة مقالات» و «رسالة کوشیار بن لبان الجیلی الخسروانی فی الاسطرلاب رتبها علی اربعة فصول» و «باب فی جوامع علم الهیئة لکوشیار» یاد گردید. درفهرست لنینگراد چاپ ۱۹۵۲ ج۱ ص٦۰۵ ازشرح مجمل الاصول کوشیار
۱۵ یاد شد.

این دفتر (نسخهٔ ما) چهار گفتار است: «مدخل واصول ـ حکم برامورجهان ـ حکم برموالید وتحویل سال مولد ـ مجملی ازاختیارات» فهرست هر گفتاری در آغاز آن هست.

واژههای پارسی نمودار و کدخداه وسالخداه و دستوریه وهیلاج در آن دیده
۲۰ می شود.

آغاز: بسمله. حمد صلوة. قال الکیا الحکیم الجلیل ابوالحسن کوشیار بن کیان

بقیه حاشیه ازصفحه قبل
گاهشماری ص۲۱۰ و۷ـ۲۲٦ـ مجلهٔ مهر ش۵ سال ۸ ص۳۰۹ ـ مجلهٔ فرهنگ ش۵ سال ۱ ص۲۰۱ـ بیهقی ص۸۳ و۱۹۵.

(ابان خ) بن‌شهریار (باشهری خ) بن‌الجیلی رحمه‌الله : انی جمعت فی‌هذاالکتاب من‌اصول صناعةالاحکام وجملها ، والطریق‌التی اتصرف واستعمالها ماظننت کافیا فی معناه .. اذهی صناعة غیر مبرهنة وللخواطر والظنون مجال. وکلام‌الحشویة فیهابلا نهایة .. وجعلته یشتمل علی‌اربع مقالات .

انجام: ولایُعجل‌الابعدالنظر‌الکثیروالفکرة الطویلة والتامل‌الشافی. ولنختم المقالةالرابعة بهذاالکتاب ، والکتاب بهذه‌المقالة والله عنده علم‌الحقایق والغیوب.

[۱۱۴۴]

۴۷۹ این نسخه بخط نسخ در برگهای نخستین و نستعلیق در برگهای پایان و پاره ای‌جاها بی‌نقطه میباشد. درآغاز آن چند برگی فرسوده‌شده وبرخی‌واژه‌ها درست خوانده نمیشود. نسخه درشامگاه دوشنبه۱۸ شعبان۱۱۱۱ نوشته‌شد. گ۱ الف-۵۸ب. مرتضی‌بن احمدحسینی‌درشتی (بامهر: المتوکل‌علی‌الله عبده‌المرتضی الحسینی) وملاعلی نوری دارندهٔ نسخه بوده‌اند .

عنوان درگ۱ الف بخط تازه‌تری اربع‌مقالات کوشیار نوشته شده .

(۹۰-ش)-کاغذ فرنگی-جلد تیماج مشکی سادهٔ فرسودهٔ حاشیه‌دار

اندازه : ۱۴×۱۹ و۹×۱۳-س۱۶

[۹۷۵] مختصری در قوت وضعف کواکب سیاره (فارسی)

آغاز: بسمله. الحمدلله رب‌العالمین .. این مختصریست دربیان قوی‌وضعیف کواکب سیاره .

انجام : و ما درآخر مثال یاد نمائیم تاادراکش آسان‌تر باشد. والسلام. تم.

[۱۱۴۵]

۹۵۰ این نسخه‌ش۳ دفتر استوبخط نستعلیق با نشانه‌های‌شنگرف میباشد. گ۱۲۲ ب - ۱۲۷ الف. از۱۲۸الف تا۱۳۳الف یازده جدول است درطول وعرض شهرها وغرهٔ ماههای عربی .

[۹۷۶] مختصری در معرفت سالهای موالید (فارسی)

ایندفتر در شناخت تحویل سالهای موالیداست وگزیدهٔ از سخنان ابومعشر

بلخی ستاره‌شناس(۱) .

آغاز: بسمله الحمدلله رب العالمین والعاقبة للمتقین ... اما بعد این مختصریست در معرفت تحویل سالهای موالید واحکام آن منتخب از کلام حکیم فاضل مدقق و کامل محقق ابومعشر جعفربن محمد بلخی ... واین مختصر مشتمل است بر نه مقاله.

۵ انجام: ودلائل وحالات آنها رابا یکدیگر امتزاج دهند وبحسب آن حکم کنند. والحمدلله اولا وآخرا وظاهرا وباطناً تمت الکتاب ...علی ید ... احمدبن علی فتح‌الله فی السادس من شهرربیع الثانی سنة سنة عشر والف من الهجرة النبویه .

[۱۱٤٦]

۱۰ ٤۷۸ این نسخه بنسخ خوش باعنوانها ونشانه‌های شنگرف میباشد . گ۷ ب ـ ۱۳٦ الف. شیخ العراقین دارندهٔ نسخه بوده ومهراو در گ۷الف هست ونیز تاریخ زادن میرزا عبدالرسول سلطان العلما در بامداد روزچهارشنبه ۱۲ محرم ۱۲۰۰ .

(۱۴۱گ)ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ‌ضربی

اندازه : ۱۰×۱۹ و ۵×۱۲٫۵ س ۱۹

[۹۷۷] مختصری در موالید و نمودارها (فارسی)

۱۵ دراین گفتار کوتاه ازعمل موالید ونمودارها گفتگو گردید ودر آن از نمودار

---

۱ ـ نسخه‌ای درمجلس بشماره ۲۱٤ هست ودر ۲۱٦ باب وباید جزاین دفترباشد.
فهرست گفتارهای ایندفتردر نسخهٔ ماچنین است :
مقالهٔ اولی درمعرفت تحویل سالهای موالید در ۸ فصل(۷ب) .
مقالت دوم درمعرفت سالخدای در ۲۳ فصل (۱۳الف) .
۲۰ مقالت سوم درتسییرات درده فصل(۳۸ب) .
مقالت چهارم درمعرفت فردارات سالهای موالید در۷ فصل (٥٤ب) .
مقالت پنجم درگذشتن کواکب در وقت تحویل بمواضع اصیلتر خودو گذشتن بعضی بموضع بعضی در۸ فصل (٦٤الف) .
مقالت ششم درمعرفت حالات کواکب وبروج دروقت تحویل در٦ فصل(۷۳الف) .
۲۵ مقالت هفتم درانتقال کواکب وعقدتین از برجی ببرجی در۹ فصل(۸۷ب) .
مقالت هشتم درمعرفت دلالات بودن کوکب درحظوظ کواکب در ۱٥ فصل(۱۰٤ب) .
مقالت نهم درمعرفت حالات مولود درماهها وروزها وساعتها ومعرفت قواطع و دلائل سال در۹ فصل(۱۱۳الف) .

ماشاءالله مصری ووالیس اسکندرانی یاد میشود (گ۱۳۸ب) .

آغاز: بسمله. الحمدلله رب العالمین ... اما بعد بدانکه این مختصریست مفید دربیان عمل موالید ونمودارات . چون منجم را خبردهند که درفلان وقت در فلان روز اتفاق ولادتی شد .

انجام: با استخراج سهام بطریق مذکور درجدول عمل کنند . تمت الرسالة بعون الله الملك الوهاب . ۵

[۱۱٤۷]

۹۵۰ این نسخه ش۵ دفتراست و بخط نستعلیق میباشد گ۱۳٦ ب ـ ۱٤۰الف .

[۹۷۸] **المدخل الی احکام النجوم** (عربی)

ابی معشر جعفربن محمد بلخی(م ۲۸رمضان۲۷۲) ریاضی دان وستاره شناس نامور ایران ایندفتررا درهشت مقاله بپرداخت. درآغاز هرمقاله فهرست فصلهای هر یکی ازآنها آمده ودردیباچه روشن گردیدکه احکام نجوم واختربینی درست است وپیش ازهمه روئس هفتگانه (غرض ـ منفعت ـ واضع ـ نام کتاب ـ چه هنگام باید آنرا خواند ـ عملی است یاعلمی ـ قسمت) این علم یادگردید و بلخی ازخود و نام کتاب هم یادکرد وفهرست گفتارها را در«قسمت» آورد. اینست فهرست گفتارها : ۱۰ ۱۵

۱ـ درمقدمات در٦ فصل (گ۱ب) .

۲ـ درستارگان وصورتهای آسمانی وبرجها وطبایع آنها در۹ فصل(۲۹الف).

۳ـ دراثر هفت ستاره وآفتاب وماه ودرجزر ومد وجانور وکان وگیاه واثر ماه درآنها در۹فصل (۳۷الف) .

٤ـ درسعد ونحس ستارگان وسخن خودبلخی در۹فصل (۵۵الف) . ۲۰

۵ـ درحظوظ ستارگان دربرجها وسخنان یونانیان وهندوان و پارسیان و بابلیان ومصریان در۲۲ فصل (٦۹الف) .

٦ـ اثر برجها در۳۳فصل (۸۲ب) .

۷ـ حالتهای ستارگان واثرآنها درچیزها در نه فصل (۱۰۳ب) .

۸ـ درسهمها در۹ فصل(۱۲۱ب) ـ اینکتابرا « المدخل‌الکبیر » نیز میگفته‌اند چنانکه درمیانهٔ همین نسخه دیده میشود .

آغاز: بسمله. الحمدلله‌الذی خلق‌السموات بمافیها من‌العجائب وجعل‌الکواکب زینة ومصابیحا ... القول‌الاول من‌کتاب‌المدخل الی‌احکام النجوم . هـذا کتاب الفه

۵ جعفربن محمدالمعروف بـابی معشرالخراسانی‌البلخی فی‌صناعة المدخل الی‌احکم النجوم وهی ثمانی مقالات .

انجام: الحساب فی‌عشرین درجه فکنا نعلم ان‌القمر کان هناك. تم کتاب‌المدخل من تألیف ابی‌معشرالمنجم . (ش۱۵۵طوس) .

[۱۱٤۸]

۱۰ ٤۷۰ این نسخه‌بخط نسخ باعنوانها ونشانه‌ها وجدولهای شنگرف میباشد. گ۲پ ـ ۱٤٦پ .

(۳۱۵۳ف) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ ضربی

اندازه : ۱۵×۵ر۲۵ و ۱۰×۱۹س۲۱

[۹۷۹] مدخل منظوم (فارسی)

۱۵ مثنوی‌است درستاره‌شناسی واختربینی بدین نام که‌دریکم‌جمادی‌دوم سال۱۳۱٦ بپایان رسید .

آغاز: بسمله. مرد دانا سخن ادا نکند ـ تا بنام حق ابتدا نکند ... کردم آغاز مدخل منظوم ـ یاد کردم دروبسی زنجوم .

انجام: وقت تاریخ نظم‌شدظاهر ـ غره بود ازجمادی‌آخر ـ سیصد و شانزده ز

۲۰ هجرت بود ـ که بنظمم همی زفکرت بود .

[۱۱٤۹]

۳۰۲ این نسخه ش۳ دفتر است وبخط نستعلیق بـا عنوانها ورقمهای شنگرف محمد کاظم محلاتی درذی‌حجه ۱۱۱۱ گ۹۷الف ـ ۱۰۲الف درپـایان دارد : «تمت الکتاب‌مدخل‌ومنظوم‌بعون‌الله ... شهرذی‌حجة‌الحرام‌سنة‌احدی‌عشروماثة بعدالف

۲۵ ۱۱۱۱ حرره‌العبد ... ابن‌محمدحسین محمد کاظم‌الحسینی» نیمی‌ازبرگ ۹۸ب‌و۹۹الف سفید و کتاب کم دارد .

[۹۸۰] **المسائل فی احکام النجوم** (عربی)

ازابو یوسف یعقوب بن علی قصرانی(۱) رازی ستاره‌شناس واختربین که درری و بیشتر بافرمانروایـان میزیسته واز ایندفتر پیداستکه درپیش‌بینی و پاسخ بهرگونه پرسشی ازروی قاعده‌های ستاره‌شماری بسیار آگاه وازسرامدان بوده است.

قفطی(ص۱۷٤) میگوید که اورا بنام قصرانی بهترمیشناسند وازاین «مسائل» او بسیار میستاید ومینویسد که نسخه‌ای از آن بخط طهرانی رازی رامن دارم ونکته‌ها وطرفه‌های شگفت انگیز این هنر در آن هست.

چلبی(۲:٤۲۵) پاره‌ای ازدیباچه «مسائل» راآورده و گفته که ابوعلی خیاط شاگرد ماشاءالله مختصری دراین باره دارد در۱۲۵ باب ـ چنانکه خواهیم دید قصرانی ازهر دوبهره برده است.

نسخه‌ای ازاین «مسائل» در کتابخانهٔ سپهسالار (ش۶۵۳) تاریخ ۱۷محرم ۱۲۳٤ بخط نسخ عباسعلی بن میرزا محمد نوری ردونی هست وبپارسی هم در آمده ونسخهٔ این ترجمهٔ لفظی پارسی درسپهسالاربخط نسخ تازهٔ محمد کاظم بن ملاصادق رازی فرشخانه‌ای بتاریخ ۱۷ذی‌حجهٔ (پیش از۱۲۵۳) ش۶۵۲هست وترجمان دانسته نشد که کیست.در کتابخانهٔ ملی تهران نیز نسخه‌ای از آن متن هست(فهرست معارف ج۱ ش ۱۲٤).

قصرانی دردیبـاچه میگوید: ستاره‌شناسی که قیاسی است ومیان علم توحید فطری وپزشکی حسی از هر دوارزنده‌تر است چه نخستین درمنش و نهاد وجبلت مردم هست وبپایگاهی نمیرساند. من حساب رادرخت وشناخت آسمان راریشه‌ها و احکام عام وخاص را میوهٔ ستاره‌شناسی یافتم . وحکمهای عام، قرانها وتحویلهای سال وکسوفها است وخاص آن موالیداست ومسائل که آسانتر و نوبرتر است وشنوندگان

۱ـ قصران درون وبیرون درنزدیك تهران وری است وبرای آن بنگرید به: مجلهٔ یادگارش۱۰سال۵تاریخ خرداد ۱۳۲۸خ ص۵۵ـ۶٤ گفتار آقای ستوده ـ تهرانی درگاهنامه۱۳۱۰ ص۸۵ و۱۳۱۱ص۱۸۳ از قصرانی یاد نمود وسرگذشتی کوتاه از او آورد .

آنرا زود درمییابند. دراین بخش «مسائل» یاپرسش وپاسخ پیش ازمن کسی کتابی جامع ننوشت ومن نخستین بارمسئله‌ها رابترتیب دوازده برج دراینفتر آورده و گفته‌های پراکندهٔ دانشمندان‌را در آن گرد کردم. قصرانی چنانکه می‌بینیم‌میخواهد آنچه از کارهای زندگی که برای مردم نادانسته‌است ومیخواهند بدان آگاه گردند

۵ ازروی ستاره‌شماری واختربینی روشن‌سازد وبپرسنده پاسخ گوید ، پیش‌بینی های خود اوهم در آن هست. گذشته ازسخنان‌دانشمندان‌یونانی گفته‌های‌اختربینان هند دراینفتر بسیار آمده وبویژه درپیداکردن نام دزد ازگفتار هندوان بهره‌برده شد.

قصرانی‌در آغازچندمبحث میآورد: معرفةطایرالمسئله، بقاءالادلة، جهات‌الداخل، المیتز علی‌السائل والمسئول عنه، دلیل‌الحاجة ، شهادات‌الکواکب ، شهادات‌القمر ،

۱۰ شهادات صاحب‌الطالع ، استخراج‌الدلیل فی‌المسئله ، استخراج دلیل الضمیر، قول هرمس، ادراك‌الضمیر، قول بطلمیوس واسطفالس ، قول دوروتیوس(Dorotheus دانشمندصیدائی‌سدهٔیکم) وانطیقوس(Antiochos ستاره‌شناس سده۲یا۳ـ گاهنامه ۱۳۱۰ص۲۰)، تفسیر قضاءالضمیر (ازگفتار بطلمیوس‌وماشاءالله وهرمس)، القضاء علی درجات‌الحمل، تفسیردلالة موضع الدلیل، دلالةالمشتری وزحل والقمر والشمس و

۱۵ عطارد وزهره ومریخ (دلالت همهٔ اینها درهشت طالع) ، حکم‌الهند علی علم‌الخبی عمل‌الهشتیمزخ(؟)، استخراج‌الضمیرمن‌قول‌الهند،قول‌جته، القضاء علی‌الکواکب(۱۲ برج)، سائل‌الضمیرراض اومتعنت اوممتحن، النظر فی‌الخبی ومافی‌الکف والقبضة، جوهرالخبی‌ولونه‌وعدده وحدانته واینه وحرکته وسکونه وشکله وطوله‌وقصره و

۲۰ جنسه‌فی‌الحدودفی‌قول بطلمیوس . فهرست مسئله‌ها بترتیب۱۲ برج چنین است :

البرج‌الاول من‌الطالع وهی ثمانیة ابواب (زندگی‌وعمرـ افزایش‌و کاهش‌سعدـ کشتی‌ـباران‌ـ نامه‌ها در۹ فصل ـ نیازمندیها در۵فصل ـ پرسشها دربارهٔ شهرها و اقلیمها ـ زایچه) گ۵۷الف .

البرج‌الثانی من‌الطالع وفیه سته‌ابواب (یافتن خواسته در٤ فصل ـ شمارهٔ آن‌ـ

وام ـ بازرگانی ـ خرید وفروش ـ گمشده) گ۷۲ الف.

البرج الثالث من الطالع وفیه ثلثة ابواب (دربارهٔ برادر ودوست ـ نیکخواهی وفریبکاری اندرز دهنده ـ راستی ودروغ خبر) ۷۹ب .

البرج الرابع وهی خمسة ابواب (خرید زمین وباغ وروستا وخانه در۶فصل ـ قباله واجاره ـ گیاه وتخم ـ آب وکاریز ـ گنج در۵فصل) ۸۱ب. ۵

البرج الخامس وهی اربعة ابواب (آبستنی وزادن کودك در۷فصل ـ چگونگی کودك ـ پیغام آور وفرستاده در۴ فصل ـ بمهمانی رفتن وبمهمانی خواندن) ۹۰الف.

البرج السادس وهی ثمانیة ابواب (بیماری در۸فصل ـ پرسیدن اینکه کسی بیماراست یاتندرست ـ نشانه‌ها وخالها درتن ـ خرید برده ـ آزاد یافروخته شدن آن در۴فصل ـ چه کسی برای خداوندی برده خوب است ـ رهیدن گرفتار ودستگیر شده ـ جادو در۴ فصل) ۱۰۲ب . ۱۰

البرج السابع من الطالع وهی ستة عشربابا (زناشوئی در۸فصل ـ پرسش از خانواده وشوهر ـ نشست وخاست مرد بازن ـ پرسش دربارهٔ آن ـ گریختن برده وگمشدن خواسته در ۷ فصل ـ دزدیدن و پیدا کردن دزد در ۲۱ فصل (در پایان فصل ۱۸ دارد : تم الجزوالاول من مسائل ابی یوسف یعقوب بن علی القصرانی عفاالله عنه. یتلوه الجزء الثانی من المسائل گ۱۵۹ب) دشمنی در۹فصل ـ جنك در۱۳ فصل ـ دربارهٔ آنکه گمان سرکشی ونافرمانی درباره اومیرود ـ سرکش ونافرمان دربرابر شاه وپرستار ـ نبرد وچپاول ـ رسیدن دشمن بشهریا سرزمین ـ شکاردر ۴فصل ـ شرکت در۵فصل ـ برادری ودوستی ودشمنی دوکس در۴ فصل ـ بودن کسی درخانه وجایگاه خود) گ۱۲۱ الف . ۱۵ ۲۰

البرج الثامن وهی ثلثة ابواب (مرده یازنده بودن کسی ـ انجام یافتن سفارش ووصیت پس ازمرگ ـ رسیدن بارث) ۲۱۶ب .

البرج التاسع من الطالع وهی ستةابواب (سفر در۹فصل ـ غایب در۹فصل ـ برگشتن دور افتاده ـ آموزش ـ دانشمند و کیمیاگر بودن ـ خواب دیدن شاه)

۲۱۷ ب.

البرج العاشر من الطالع وهو ثمانية ابواب (بکاردولتی یاشاهی یا ریاست رسیدن در ۳ فصل - ماندن در کار دولت و پایداری شاهی و آغاز برافراشتن پرچم و پیمان بستن در ۳ فصل - سفر شاه - فرجام کارشاهی که از کارخویش دست کشید - برگشت
۵ او از سفر - شایستگی وسودمندی او در ۳ فصل - دراینکه کسی از نزدیکان شاه شده یانه - گشوده شدن شهر یا دژ) ۲٤۲ الف.

البرج الحاد یعشر من الطالع وهی ثلثة ابواب (خوشبختی و کاریکه امید بدان هست - دوستی دو کس - رسیدن دودوست بیکدیگر) ۲۵۷ ب.

البرج الثانی عشر من الطالع وهی سبعة ابواب (دشمنی که از او میترسند - هراس
۱۰ وخونخواهی - بازداشته وزندانی در ۵ فصل - آبستنی ستور ورنگ بچهٔ آن - خرید ستور - اسب دوانی و گروگذاری - ازکشته خونخواهی واز ستمدیده دادخواهی میشود یانه) ۲۵۸ ب.

یکباب درپایان (۲٦۹ الف) هست دربارهٔ وقت استخراج - درباب ۸ برج ۱۰ (گ ۲۵۷ ب) دراین که شهر ودژرا سپاهیان میگشایند یانه و کار بخونریزی خواهد
۱۵ کشیدیانه شکلی ازجفرمیآورد که درنسخهٔ ما جای آن سفیداست و درنسخهٔ سپهسالار دیده میشود وبآن حساب پاسخ مسئله را میدهد.

قصرانی ازاین دانشمندان یاد میکند: هرمس (۲ الف وچندین جای دیگر) ووالیس ودروثیوس (٦۵ الف و ۲۷۱ الف) وارسا فیلسوف هند (٦۵ ب و ۱۳٤ الف و ۲۳۸ الف) وماشاءالله[1] (۸۷ الف و ۱۵۸ ب و ۲٦۹ ب) ونوفیل (ثوفیل - ۹٤ ب) وابوعلی خیاط
۲۰ (۲٦۹ ب) و کندی (۹۵ ب و ۱۷۱ الف و ۲۳۸ ب) وبطلمیوس (۱۳۵ ب وچندجای دیگر) وقول جنة الهندی فی معرفة تألیف الحروف و عددالاشیاء (۱٦۷ ب) و کتاب الامثال

۱- ماشاءالله بن ساریه و نوبخت ستاره‌شناس بدستور منصور وقتی برای ساختن شهر بغداد (۲۵ ع ۲ سال ۱٤۵) اختیار کرده بودند. اوستاره‌شناس یهودی بوده ودفترها در این هنر بساخت واز دروثیوس وانطیقوس بهره برد (گاهنامه ۱۳۱۰ ص ۱۷ و ۳۰).

بزرگمهر (۴الف) ـ واژه‌های پیشگاه (۹۸ب) وشاه (۱۵۱ب) ودریجان ونهبهر (۱۴۲ الف وچندین جای دیگر) دراین‌دفتر آمده است. در آغـاز دربند «معرفة شهادات الکواکب» دارد: «علی ماوصفت فی کتاب المدخل» گ۳الف. پس او کتاب مدخل نیز نوشته است.

قصرانی درفصل ۱۳ باب ۸ برج ۷ (۲۰۲ب ـ ۲۰۳الف) ازجنگ میان اساتکین وارکاتکین (او کوتکین ـ نسخهٔ سپهسالار) درری که خود آنرا دیده بود وازجنگ وپیروزی وگشودن شهرری که احمدبن‌محمدعلوی پرسیده بود وجنگ «صلحجوق» یاد میکند. ۵

درفصل ۳ باب ۲ برج ۱۰ (۲۵۱ب ـ ۲۵۲ب) از آمدن حسن بن زید (۲۵۰ـ ۲۷۰) بگرگان وماندن وی در آنجا وگریختن از آنجا پس ازسه‌سال ونیزرسیدن حسن بن محمد عقیقی بهمان‌شهرو گرفتار وکشته‌شدن او که خودقصرانی آنرا دیده بود وآمدن حسن بن زید باستراباد وماندنش در آنجاکه اینرا هم‌او دیده‌بوددر آن یاد گردید. ازتاریخ ابن‌اسفندیار (ص۲۴۹) برمیآید که‌رفتن پسرزید بگرگان‌و کشته شدن عقیقی در۲۶۹ رخ داده‌است (نیزجنگ۶ مجلس۸ مجالس المؤمنین) درهمینجا ازرسیدن عبیدالله‌بن‌الحسن بسلیمه (گویا سلمیه) که فرجام خوبی برای او نداشت وقصرانی هم آنـرا دیده بودیاد میشود ونیز ازرسیدن قاسم‌بن‌علی‌بری که دوسالی بیش نتوانست در آنجا بماند. ۱۰ ۱۵

پس باید قصرانی ایندفتررا پس از۲۶۹ پرداخته باشد وخود اوهـم درهمین زمانها میزیسته است.

آغاز: بسمله. الحمدلله‌ذی‌المحامدالزاخرةوالعزةالقاهرةوالحججالزاهرة... وجدت فیما عبرانا عن‌الاولین ... مراتب‌العلم ثلثة اعلاها‌المعرفة وهو علم‌التوحید... واسفلها العلم‌المدرك بالحواس وهوعلم‌الطب واوسطهاالعلم المدرك‌بالقیاس وهوعلم النجوم ووحدت هذه‌المرتبة الوسطی اشرفها. ۲۰

انجام: فیکون کذلك‌الذی یسئل‌عنه‌فرحا وصلاحا باذن‌الله. تم‌الکتاب‌بکمال

ماقصدنا لهو الحمدلله ولی الحمد واهل الفضل وصلی الله علی سیدنا محمد ... وحسبنا الله ونعم الوکیل .

[۱۱۵۰]

این نسخه بخط نسخ باعنوانهای شنگرف تاریخ پایان ذی‌قعده ۱۲۲۷ میباشد
۸۲۶ ۵ ودر انجام آن‌دارد: «تمت المسائل ابی یوسف یعقوب بن علی القصرانی بعون الله الملك المتعال فی سلخ شهر ذی‌قعدة الحرام سنة ۱۲۲۷ مممم» درآن حاشیه‌هائی است ازمدخل کبیرابومعشر بنستعلیق گ۲ب ـ ۳الف وزیج گورگانی وازعبداللطیف بنستعلیق که درپاره‌ای جاها ازقصرانی خرده میگیرد درگ٤ب حاشیه‌ایست ازمحمداکبر بخط نستعلیق که درآن ازاستخراج تسییرات وفردارات درروز سه‌شنبه نهم ربیع دوم سال
۱۰ ۱۳۳۰ (نوروز ۷۳۷ ملکشاهی) یادمیکند وگویا همواستکه عبارتهائی از ابومعشر و زیج گرگانی درهامش آورده است. ومهراو «لااله الاالله الملك الحق المبین عبده محمد اکبر» درگ۱الف دیده میشود. درگ۲۷٤ب ازتاریخ شب آدینه ۱۹ رجب ۱۲۰٤ یادشده گ۱ب ـ ۲۷۳ب .

(۳۷۴ب) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج مرغ ساده

۱ اندازه : ۱۴×ص۲۰ و۹×۱۹س۱۹

[۹۸۱] **معیار الساعات** (فارسی)

فیض کاشانی (۱۰۰۷ـ۱۰۹۱) ایندفتررا دراختیارات ازروی خبرهای شیعی وگفتار دانشمندان دردومقصد (۱ـ اختیار اوقات جهت مهمات در۱٤فصل ۲ـ اختیارساعات در۳فصل) بپرداخت ودر ۱۰۲۶ آنرا بپایان رساند. درفصل۲مقصد۲ شعرهائی درنیك
۲۰ وبد بودن ماه دربرجها ازعلامهٔ طوسی آورده شده (گ۱۰ب ـ ۱۱ب) .

آغاز: بسمله. دم بدم ونفس بنفس هزاران سپاس وستایش مرخدایراکه پروردگار جهانیان است... چنین گوید محسن بن مرتضی ... که این رساله موسوم است بمعیار الساعات .

انجام: این بودآنچه اراده داشتیم که دراینکتاب ایراد کنیم. تاریخ کتاب: «معیار
۲۵ الساعات بانجام آمد» .

[۱۱۵۱]

این نسخه بخط نستعلیق و شکسته با عنوانهای شنگرف میباشد و دو پایان دارد:
۴۸۱ « واتفق الفراغ من تسویده مع تشویش الحال و تفرقة الخیال ضحوة یوم الاحد ثالث شهر ذی حجة الحرام من شهور سنة اثنین و تسعین بعد الالف الهجریة النبویة علیه و آله افضل الصلوات... علی کل حال» آنگاه در برگهای ۱۴ و ۱۵ چهار جدول اختیارات است و در برگ ۱۶ الف نوشته شده : «والحمدلله اولا و آخرا ... المنتخبین الی یوم الدین تمت » .

(۹۹۶ ب) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج زرد تازه
اندازه : ۵ر۱۳×۵ر۲۱ و ۹×۱۳ س ۱۴

[۹۸۲] معیار العقول (فارسی)

این رساله از شیخ رئیس دانسته شده و دره باب است و از جر ثقیل در آن گفتگو میشود و یکبار درهند و بارهٔ دیگر درجشن هزاره ابن سینا بسال ۱۳۳۱خ در تهران با دیباچهٔ آقای همائی بچاپ رسید(۱) .

۱ ـ ارشیدس سیراکوزی (۲۸۷ـ۲۱۲ پیش از م) آورندهٔ علم جر ثقیل و حیل است . او بود که برای نگاهداری شهر سیراکوز ازیورش رومیان ماشینهای جنگی ساخته است. میگویند که اودم و پیچ و چرخ دندانه‌دار و قرقرهٔ جنبنده و چرخ گردان و اهرم یا پارخیز (مخل) راساخت و میگفت که اگر تکیه گاهی میداشتم زمین را ازجایش بیرون میبردم. ارشیدس هنگامیکه بمصرورفت برای خشك کردن زمینهای، باتلاقی آنجا تلمبه‌ای آبی یا لولب بساخت که آب را از پائین ببالا میبرده‌است (لاروس سده۱۹ و ۲۰) اینداشتند دربارهٔ آبیاری روستاهای مصر نیز کارهائی کرد (قفطی ص۴۹) .
هم او برای سنجیدن زروسیم تاج پادشاه سیراکوز (هیرون نزدیك ۳۰۶ـ نزدیك Hiéron۲۱۶) بفشار آب واثر آن درسنگینی جسمها برخورد و ترازوی آبی (میزان الحکمه) بساخت که بیرونی وخیامی وخازنی آنرا کامل ساخته‌اند. ابن ندیم (ص۳۷۲)از «آلة ساعات الماء التی یرمی بالبنادق مقالة» ارشیدس یاد میکند ایرن (نزدیك ۵۰) مصری رومی اسکندرانی که براصول اقلیدس گزارش نوشته و شکلهای آنرا حل نمود «کتاب شیل الاثقال» و «الحیل الروحانیه» دارد (ابن ندیم ص۳۷۱ و ۳۷۶ـ قفطی ص۵۳) ازسه فرزند موسی بن شاکر خوارزمی (محمد و احمد و حسن) محمد (م ع ۱ سال

بقیه حاشیه درصفحه بعد

آغاز: بسمله الحمدلله الذی رفع مقادیر اهل الکمال... بعد ازحمد پروردگار ...
چنین گوید ... ابوعلی ... که این رساله ایست بی نظیر وبدیل دربیان اعماك جرثقیل
مشتمل برابواب وفصول مسمی بمعیارالمقول .

انجام: پس واجب است که چرخهارا باستقامت یکدیگرسازند برین جمله که
۵ نموده آمد. تمت الکتاب بعون الملك الوهاب (پس ازشکل مثلثی درنسخه ما دارد:)
صورت مثلث قائم الزاویه. مخفی مباد که دراصل این رساله جمله اشکال چنان مرقوم
بود بفهم هرکس نمی آمد لهذا دقت نمود یك یك شکل را ازعلم دورنما صحیح نمود
نوشته شدمگردرفصل سوم باب سوم شکلی که ازسه بیرم مرکب است صحتش بذهن
نیامد بنابراین مطابق اصل مرقوم گردید. این رساله ازروی رساله که درهند چاپ
۱۰ نموده بودند مرقوم گردید .

[۱۱۵۲]

۸۹۲ این نسخه شماره۲ دفتراست وبخط نستعلیق شکسته درجدول با عنوانها و
نشانه های شنگرف میباشد وازروی چاپ هند نوشته شده گ ۳۰ ب ـ ۳۷ ب
در۷٫۵×۱۵س ۲۰. شماره۳ ایندفتررساله ایست دربلاغت بنام نخبة البیان دریک

---

۱۵ بقیه حاشیه ازصفحه قبل
۲۵۹)واحمد«کتاب الحیل» نوشتندواحمد ازایرن وبرادرخود محمد دراین هنربرتری
داشت (ابن ندیم ص۹ـ۳۷۸ـقفطی ص۲۰۸ و۲۸۷) وابن ندیم از«کتاب الحیل» احمد
یاد نمود .

چلبی دربارهٔ علم جرالاثقال مینویسد که دراین هنراز افزارهائی گفتگو میشود که
۲۰ باآنها بتوان چیزهای سنگین را با کمترین نیرو کشید وایرن درنگارش خویش روشن
نمود که چگونه باپانصد رطل میتوان صدهزار رطل را ازجایش بیرون برد .

فخررازی درجامع العلوم یاستینی (چاپ بمبئی در۱۳۲۳) ازعلم الاثقال (ص۷ـ۱۵۳)
وعلم آلات الحروب (۶۰ـ۱۵۷) سخن رانده.

شمس الدین محمد آملی درنفائس الفنون درفن۱۱ مقالهٔ۵ فروع ریاضی از بخش۲
۲۵ علوم اوائل ازعلم حیل گفتگو نمود ونقل میاه وجراثقال وآلات حروب را از این هنر
دانست وحیل را چنین شناساند: «معرفت اصولی که بدان براظهار امورغریبه ازحرکات
وآلات قادر باشند» (ص۹ ـ۲۵۸ چاپ۱۳۱۶ تهران) .

مقدمه و پنج فصل و یك خاتمه و بپارسی ازمهدی بن ابی ذر نراقی بخط تعلیق تاریخ ۱۲۲۹ گ ۴۰ب ـ ۶۹ب (ص ۲۰ این فهرست).

[۹۸۳] معینیه (فارسی)

خواجه طوسی ایندفتر را در ۴ مقاله هر یك چند باب، هنگامیکه در دربار شهریار ایران عبدالرحیم بن ابی منصور میزیسته، برای پادشاهزادهٔ ایران معین الدولة والدین ۵
ابوالشمس فرزند عبدالرحیم، در ستاره شناسی واختر بینی نگاشته و بنام او کرده است.
در دیباچهٔ نسخه ش ۲۱۲ مجلس گویا بغلط «رسالة المفید» نوشته شده و فهرست نگار
پنداشت که ایندفتر را دو نام است یکی «المفید» دیگری «المعینیه» در ش ۱۸۰ مجلس
دارد که این دفتر با حل ما لاینحل معینیه و زبدة الهیة همه ازطوسی بچاپ رسید. (نیز
ش ۱۸۰ آنجا) درطوس نسخه ای هست که در ۶۶۵ درروز گار طوسی نوشته شده (ش ۱۰
۹۳) چهار مقالهٔ ایندفتر چنین است: (مقدمات هیئت در دو باب ـ هیئات آسمانها و
جرمهای علوی در ۱۴ باب ـ هیأت زمین در دوازده باب ـ شناختن بعدها و جرمها در
شش باب) (ش ۱۲۵ ج ۱ فهرست معارف).

چلبی (۵۶۶:۱) از ایندفتر یاد نموده و ندانسته از کیست مانند ایوانف در
فهرست بنگال ش ۵۷۵ چنانکه در دیباچهٔ نسخهٔ ش ۱۰۹۴ ماهم نامی ازطوسی برده ۱۵
نشده. ازسنجش ایندفتر باهیئت فارسی قوشچی پیداستکه او ازخواجه گرفته است

آغاز: بسمله. رب اعن! (وبه ثقتی) سپاس و ستایش حضرت عزت ذوالجلال
را که انوار دقایق حکمت او ازهر ذرهٔ از ذرات کائنات تابان است ... چنین گوید مؤلف
کتاب نصیرالدین محمدبن الحسن الطوسی ... که تا محرر این سواد شرف مجاورت
حضرت... ناصر الحق والدین... شهریار ایران عبدالرحیم بن ابی منصور... یافته است... ۲۰
همت او بر نیل دولت خدمت پادشاهزادهٔ ایران... معین الدولة والدین... اکرم واشرف
ایران ابوالشمس بن عبدالرحیم ... موقوف بوده است... واز خاندان مجد و کرم ...
اشارتی بتحریر فصلی چند در شرح اوضاع اجرام وبیان شمهٔ ازعلمیات واحکام بدین
مخلص وهوادار متخصص نفاذ یافت ... پس ازروی استعجال ... بتحریر این مختصر

ابتدا کرده آمده و آنرا الرسالة المعینیه نام نهاده شد .

انجام: وچون آنچه در صدر کتاب وعده داده بودیم ازشرح علم هیأت برسبیل اجمال بتقدیم رسید رسالهرا برین فصل ومقالت ختم کنیم ... وتحریری که افتاد از سر ارتجال بی‌تتبع رویت رفت ایزد سبحانه و تعالی دولت این‌خاندان مجد وشرف مؤید گرداناد و آنچه مقتضی ثبات و نظام ومستدعی حصول مرام بود ارزانی داراد . انه‌اللطیف المجیب والهادی الی‌سبیل‌الرشاد .

[۱۱۵۳]

١٠١٤ این نسخه ش۱ دفتراست وبخط نستعلیق درپاره‌ای جاها بی‌نقطه باعنوانهـا و نشانه‌ها وشکلهای شنگرف. گ۱ب ـ ۱۰٦الف. در۱۰٦ب یك شکل است .

[۱۱۵٤]

١٠٩٤ این نسخه بخط‌نسخ با عنوانهای درشتتر با شنگرف و نشانه‌ها ورقمها وشکلها نیز بشنگرف‌است. دوبرگ نخستین وبرگ پایان بریدگی‌دارد و کاغذ روی آنها چسبانده‌اند و برخی عبارتها خوانده نمیشود. گ۲ب ـ ٤۲الف. دربرگهای٤۲ب و٤۳الف جدول طول وعرض شهرها است بارقمهای نجومی . این‌نسخه اندکی با ش ۱ ر۱۰۱٤ جدائی‌دارد وچنین‌است پایان‌آن: «برسبیل اجمال بتقدیم‌رسید رساله‌رابدین فصل ومقاله ختم کنیم اگرطغیان قلمی‌یا خللی درعبارات یادر مفهوم‌یا سهودر...معذور باید داشت که بر... ارتجال درحال استعجال اتفاق ...» دوسه کلمه بریده شده وکاغذ رویش چسبانده‌اند وخوانده‌نمیشود. شکلها دراین نسخه کاملتر دیده‌میشود. و نام‌خواجه طوسی دردیباچهٔ آن‌برده نشده است .

(۳۴۴ب) ـ کاغذ سپاهانی‌ـ جلد تیماج زرد ضربی
اندازه: ۱٦٫۵×۲۴٫۵ و ۱۰×۱۸س

[٩٨٤] **مقالة فی احکام النجوم** (عربی)

این گفتار دراختربینی واحکام نجوم است وازارسطو پنداشته‌اند .

آغاز: بسمله وبه‌نستعین مقالة فیلسوف ارسطوطالیس فی‌احکام‌النجوم . قال : المشتری والزهرة اذا کانا فی‌المقام‌الثانی اعطیاالخیرالکثیر .

انجام: دل‌علی خلاص‌الاخوان‌من‌البلاء . والله‌اعلم. تمت‌النسخة‌الشریفة‌المنسوبة الی فیلسوف‌الاعظم‌الاکرم والحکیم‌الفاضل‌الکامل ارسطوطالیس . تمت.

[۱۱۵۵]

۳۴۷ این نسخه ۲ دفتر است و بخط نستعلیق با نشانه‌های شنگرف ۳۶ب - ۳۹الف.

[۹۸۵]

مقالة فی احکام النجوم (عربی)

این گفتار که در صد بند و در اختربینی است هم از ارسطو دانسته و گفته‌اند که برای اسکندر نگاشته است.

آغاز: بسمله و به‌التوفیق وضع ارسطو للاسکندر رسم هذه الفصول بالقضایا وهی مائة فصل. ۵

الاول: الفلك مطبوع وافعاله اتفاقية. الانسان مختار و افعاله اختيارية.

[۱۱۵۶]

۳۴۷ این نسخه ش ۳ دفتر است و بخط نستعلیق با نشانه‌های شنگرف و پایان آن آغاز بند نود و یکم است بدینگونه: «۹۱ - الکوکب المحترق الذی تحت الشمس بمنزلة الاسیر فهولا یقدر علی شئی جزم بفعله فی قبضه» درهامش بجای همین ۱۰ بند بدینگونه آمده: «المحترق لتحت الشعاعی کالاسیر فی قبضته... قاهر قد استولی علیه فلا یقدر علی شئ» والراجع کالمریض المشغول بنفسه لیس تقوی علی فعل شیء بسقوط قوته و ضعفه والهابط کالمضرور المنکوب حتی یتخلص من نکبته» جای یك کلمه سوراخ شده و خوانده نمیشود که نقطه گذاری گردید و گویا «تحت» باشد گ ۴۰ب-۴۷ب. ۱۵

[۹۸۶]

«من لا یحضره التقویم» (عربی)

فیض کاشانی در دیباچهٔ این نامه که دومین بار «غنیة الانام فی معرفة الساعات و الایام» نامیده میگوید که میخواهم تقویمی از روی روایتهای معصومان بنویسم که احکام نجوم نیز در آن باشد. این نامه دارای یك مقدمه (در اینکه شب وروز کدام پیشتر است) و دو مقاله (اخبار در نجوم- احکام نجوم) و یك خاتمه (ساعتهای استخاره) ۲۰ میباشد. کاشانی میخواهد مسئله‌های ستاره‌شناسی را مانند پیش بودن شب بر روز نه آنچنانکه ستاره‌شناسان روز را پیش از شب میشمرند وهمچنین سعد و نحس روزها و کارها که در آنها رخداده و کارها که میشود در آنها کرد از روی خبر هـای شیعی ثابت کند ومیگوید روزهائیکه درخبر شیعی نیك یا بد شمرده شد از ماههای پارسی است چنانکه درلوایح القمر کاشفی یاد گردید و بد وخوب در روزهای ماههای تازی ۲۵

هم هست. شعرهای پارسی نیز در آن آمده است. نشانه‌های آئین‌وفرهنگ‌مزدیسنی درسراسر آن پیدا است۱ درپایان مقاله ۳بلوایح‌القمر بازگشت میدهد. درمطلب۱ مقاله۳ شعرهای طوسی که درمعیارالساعات آورده‌شده دیده میشود (گ۲۱).

آغاز: بسمله. الحمدلله‌الذی کوراللیل علی‌النهار وکورالنهار علی‌اللیل ... فیقول

۵ ... محمدبن‌مرتضی‌الملقب بمحسن.

انجام: الاوقات الردیة حتی‌تکون فی‌یسر منه‌وعافیة. الحمدلله حمداکثیراوصلی الله علی‌محمد ... کثیراکثیرا.

[۱۱٥۷]

۹۰۳، ۱۰ این نسخه ش۱ دفتراست وبخط نسخ‌خوش باعنوانهای شنگرف درمتن وهامش باجدولها ودائره‌های شنگرف میباشد وعبدالکریم‌بن ابوالحسن خوراسکانی نزدیك۱۲۱٤ آنرا نوشت. گ۹الف – ۲٤ب. حاشیه‌هائی دارد که گویا ازخود کاشانی است.

نسخه‌ای ازمصباح‌الشریعه ومفتاح‌الحقیقه که درص٤۹٥ اینفهرست شناسانده شده (گ۱٤۲الف – ۱۷۷ الف) وخراجیة علی‌بن عبدالعالی (گ۱۷۷الف – ۱۹٦ب)

۱٥ بهمین‌خط دراین‌دفتر دیده میشود وگفتارهای دیگر.

(۳۱۹۷ف)ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج‌مشکی‌ساده

اندازه: ۹×۱۷٫٥ و۶٫۲×۱۱ ص۴۱

[۹۸۷] منتخب‌زیج جدید گورگانی (فارسی)

دراین‌گفتار ازمقالهٔ سوم شرح زیج جدیدگورگانی میرزا الغ‌بیك‌گزین شده و

۲۰ ۱۹ باب است.

آغاز: بسمله وبه نستعین. این‌مسوده‌ایست‌منتخب ازشرح زیج جدیدگورگانی ازمقالهٔ سوم درمعرفت روش ستارگان ومواضع ایشان در طول وعرض.

انجام: برمطالع افزوده باشیم وبیافزائیم اگر کاسته باشیم آنچه باید برآید مطلوب باشد. تمه‌الکتاب.

---

۲٥ ۱ کاشانی تقویم‌المحسنین واحسن‌التقویم هم‌دارد که باترجمهٔ پارسی میان‌سطرها وبا توضیح‌المقاصد شیخ بهائی درتبریز سال ۱۳۱٥ بچاپ‌رسید.

[۱۱۵۸]

۹۵۰ این نسخه ش۲ دفتر است و بخط شکسته نستعلیق باعنوانهای شنگرف ۵ب ـ ۱۱۴ب . برگهای ۱۱۷و۱۱۸ جدولی است درقوت وضعف سیارات و برگ ۱۱۹ الف وب ازکتابی است درستاره‌شناسی نوشته‌در ۱ ذی‌حجهٔ ۸۷۸ برابر با۲ شهریور۸۴۳ یزدگردی ودرآن یادمیشود ازخشکسالی تبرستان درروزگارحسین بن زیدعلوی که برای نمازباران بیابان رفته‌اند وهنوز نمازرا بپایان نبرده بودندکه آتش درشهرافتاد وپاك بسوخت.چه بدهنگامی‌را برای نمازبرگزیده بودند!! دربرك های۱۲۰ـ۱۲۱ سه‌جدول است درسهام موالید .

[۹۸۸] **مواضع ثوابت** (فارسی)

دراین گفتار مواضع ثوابت شناخته میشود ودرآن ازکار حکیم محی‌الدین مغربی دررصد جدید مراغه یادگردید(۱۷۰ب) .

آغاز: درمعرفت مواضع‌ثوابت. مواضع ثوابت رابحسب اول سال‌صماهجری درجدول وضع کردیم ... واین موافق رصد ایلخانی است .

انجام: یعنی آخراقلیم رابع تااقلیم اول، تمت.

[۱۱۵۹]

۹۵۰ این نسخه ش۱۰ دفتر است وبخط نستعلیق گ۱۷۰ب‌ـ۱۷۱پ . دربرگ۱۷۲ الف گفتاری است ازمیرزا قاضی درتسییر درجهٔ کواکب به‌نستعلیق ریز.

[۹۸۹] **نسبت مؤلفه** (عربی)

این گفتار درنسبت‌مؤلفه‌یاتناسب تألیفی است که درهنر موسیقی‌بکارمیرود. درآن ازشرف‌الافاضل یزدی یادگردید .

آغاز: فی‌النسبة‌المؤلفة. النسبة‌المؤلفة ویقال‌لها‌التناسب‌التألیفی‌ایضا‌لاعتبارها فی‌صناعة‌التألیف اعنی‌الموسیقی .

انجام: باستخراج هذاالمعمی باسم‌ولی: درنسبت مؤلفه‌گر درهفتاد ـ اصفر بجوی وسازمقدم زاعظمش .

[۱۱٦۰]

این نسخه ش۱۳ دفتراست وبخط نستعلیق نزدیك ۱۱۹۸ گ۷۹ب-۸۰ب. پیش
۱۰۸۸ ازاین پاره‌ای‌است ازرسالة‌التوضیحات حسام‌الدین لاهیجی درآگاهی ازمغیبات
گ۷۷ب ۷۸الف. وازمرآت‌الحقائق ومجلی‌الدقائق غیاث‌الدین منصوردشتکی
۵ که درص۳۵۳ شناسانده شده دربارهٔ اینکه وضو وغسل وزکوة روزه وحج چیست‌و
حکمت فلسفی وطبیعی و خلقی آنها گ۷۸ الف وب. پس ازاین ازحاشیهٔ نفحات‌است‌در
انبساط وانقباض زمان بپارسی۸۱الف. همهٔ‌اینها بهمان خط.

[۹۹۰] نمودار هرمس (فارسی)

دراین گفتار نمودار مسقط‌النطفه چنانکه ازهرمس پرورد گاریونانی پنداشته‌اند
۱۰ آمده ودرآن ازاساس الحکمه هرمس‌یادگردید(۱الف).

آغاز: درمعرفت نمودارهرمس که آنرا نمودار مسقط‌النطفه خوانند.

انجام: این است طریق عمل این‌جدول (سه‌جدول دارد).

[۱۱٦۱]

۹۵۰ این‌نسخه ش۱ دفتراست وبخط نستعلیق بارقمها و عنوانهای شنگرف. گ۱
۱۵ الف-۳ب.

تا اینجا گفتار هشتم ازفهرست کتابهای فلسفی وعلمی کتابخانهٔ دانشگاه
تهران‌بپایان رسید و گفتارنهم ازاین پس خواهدآمد.

گردآورنده ونگارندهٔ این فهرست: محمد تقی‌دانش‌پژوه

گفتار نهم

هنرهای شگفت‌انگیز ــ علوم غریبه

افسون ـ جادو ـ جفر ـ حروف ـ دم ـ رمل ـ شانه بینی ـ طلسم ـ کف بینی ـ کیمیا ـ ماسه بندی ـ نیایش ستارگان ـ نیرنگ ـ وهم

صدرشهید مؤیدالدین ابواسمعیل حسین‌بن علی طغرائی نویسندهٔ سپاهانی و سرایندهٔ «لامیة‌العجم» وکشتهٔ در ۵۱۰ نگارنـدهٔ مفاتیح‌الرحمه و اسرارالحکمه و رسالهٔ خاتمه والارشاد الی الاولاد (ش ۵/۷۳۰ مجلس) و جامع‌الاسرار (ش ۱۲۹۸ گوتا ص ۷۹ فهرست سیکل) میباشد. ۵

طغرائی دراین‌نامه کیمیائی میگوید: مبادا آنچه‌ازداروهاوافزارهاودستورها که درنامه‌ها آشکارا نوشته‌اند بکاربرید وگمراه گردید. اینکه میبینیدفرزانگان آنهارا برمز نشان میدهند برای اینستکه بدست ناشایستگان نیافتد، در شناختن آنها باید درست اندیشید وبر رسید وورزیده گشت‌ودانشهای گوناگون فراگرفت. چه این هنررا جز آنکه خدایش برانگیزد استادی نیست. بدانید آنچه ازسنگها ۱۰ دراین نامه یادشده رمزیست حکمت خـدائی ودوستان او را ـ طغرائی پس ازاین مبحث کیمیارا با اصول دینی وعرفانی میسنجد ورازهای دانشمندان پیشین وپسین‌را در آن میآورد. در آن ازالصفوة جابریاد گردید.

آغاز: بسمله. الحمدلله وحده. وصلی‌الله علی‌محمد وآله. قال‌الصدرالشهید السعید مؤیدالدین ابواسمعیل ابن علی‌الطغرائی الاصبهانی عفی‌الله تعـالی عنه وبعد ۱۵ اسعدکم الله‌تعالی یابنی‌بطاعته وحبب الیکم‌العمل لمرضاته.

انجام: وانا اکرر علیکم‌الوصیة بالکتمان والاحسان والله‌تعالی ولی‌الامتنان فان اذعتموه واضعتموه فالله تعالی بینی وبینکم وهوخلیفتی علیکم جعلناالله وایاکم من‌الفائزین‌برحمته‌الشاکرین‌لنعمته انه‌جوادکریم‌وصلی‌الله علی‌محمد وآله‌اجمعین.

۲۰

[۱۱۶۲]

این نسخه ش ۱۰ دفتر است وبخطش ۱ آن. گ ۴۴الف ـ ۴۵ب. درپایان‌دارد «تامل‌المسودة فانهالایخلو عن‌السقم والترك والتصحیف».

[۹۹۲] **الاساس** (عربی)

این نگارش از هرمس تریسمگیستوس پروردگار یونانی پنداشته شد ودر آغاز دارد که آنرادرمیانهٔ دفترهای ستاره‌شماری واختربینی «هشتاد وپنج باب» میناممدو خود هرمس که درنعمت ودانش بردیگر دانشمندان سه‌باربزرگتر است آنرا «کتاب ۵ کبیر» نامیده‌است ووالیس درنگارشهای خودمیگوید که من‌این دانش‌را از «اساس» گرفته‌ام و آن پایهٔ ستاره‌شماری است وماشاءالله گوید که من از «دفتر هشتاد و پنج» بهره بردم و آن‌کلید اختربینی است. این نگارش دودفتر است نخستین «مفتاح‌علم النجوم» در ٤٥باب. دوم ازباب ٤٦ است تا ۵۰ وازه‍۸۰ باب‌وبرای افتتاح قضاءمیباشد

آغاز: الکتاب‌الاول مفتاح علم‌النجوم . رسالة هرمس‌المسمی بالاساس. بسمله . ۱۰ الحمدلله وصلی‌الله علی‌خیرخلقه ... تسلیما . بعد هذا کتاب‌الاساس وهوالذی یسمی فی کتب‌النجوم «الخمسة والثمانون‌بابا» وهو کتاب هرمس‌المفضل بالنعمة والعلم‌عن جمیع العلماء بمثل‌ثلاثة اضعاف علیهم وکان یسمی هرمس هذا الکتاب کتاب‌الکبیر ان‌یقول‌فی کتبه انی‌اخرجت فی‌القضا جمیع مااحتاج الیه‌من الکتاب‌الکبیر .

انجام: فانظر فیه وفی‌سهمه کما نظرت فی‌باب‌الرجاء والله اعلم‌بحقیقة‌الاشیاء. هذا ۱۵ کتاب اخرجه الهرمس من‌الخمسة والثمانین بابا والحمدلله اولا و آخرا .

[۱۱٦۳]

۹٦۰ این نسخه ش۱ دفتراست وبخط نسخ باعنوانهای شنگرف اسمعیل بن حاجی‌مقیم سراخه‌ای سمنانی‌در ۱۲۸۱ گ۱ الف ـ ۲۸ب .

[۹۹۳] **اسرارالغیوب** (فارسی)

۲۰ علی مردان فرزند محمد حسن درانی کرمانی سرکردهٔ لشکر در دزك و چالق مکران رفته ودردزك ملاهرون‌الدین آخوندصاحب‌را بدید وششماه در آنجابماند واز اوهنر «ماسه‌بندی» آموخت وبمیهن‌خویش برگشت واین نامه‌را برای‌فتحعلیشاه ومحمد ابراهیمخان قاجار فرمانروای کرمان نگاشته‌است. واین‌هنر بدینگونه‌است که دختری ازپشم شتربریسد ورشته‌ها راگره‌زنند وباشکلهائیکه از بستن رشته‌ها ۲۵ پیدا میشود جادوگری کنند بروشی که دراین نامه آمده است .

آغاز: بسمله. حمد بیحد و کران وثنای بیعد وپایان واجب الوجود را سزا است که جمیع اسرار «کنت کنزا مخفیا» در آئینهٔ قدرتش پیدا است.

انجام: بادو نفر ملاقات حاصل .. خـانه وولایت .. چه خواهد کرد. تمت الرسالة بعون الله.

۵

[۱۱۶٤]

۸۶۶ این نسخه ش۸ دفتر است و بخط شکسته نستعلیق وشکلهای ماسه بندی بشنگرف وزعفرانی رنك ۱۵۷ب = ۲۵۷ب. برگ پایان در پائین گوشهٔ راست کمی بریده شده واندکی از متن خوانده نمیشود.

(۳۲۷۰س) — کاغذ فرنگی — جلد تیماج زرد تازهٔ ساده

۱۰

اندازه: ۱۱×۱۷ و ۸×۱۴ س ۳۰ ر ۳۱

[۹۹٤] اصابة المبتدی وغایة المنتهی (عربی)

پاره‌ایست از «اصابة المبتدی وغایة المنتهی» که «امام فاضل ابی القسم بن عبد الصمد بن عبدالجلیل رومی» دررمل نگاشته است. در ۱٤ فصل است.

آغاز: هذه نبذة فی کتاب «اصابة المبتدی وغایة المنتهی» فی علم الرمل جمع

۱۵ الامام الفاضل ابی القسم ابن عبدالصمد بن عبدالجلیل الرومی رحمه الله وهی خمسة. الفصل الاول فی احکام البربر. فاقول ان البیوت الاثنی عشر والاشکال الستة عشر هی بمنزلة الدلیل والمدلول علیها هی الاشیاء التی تنسب الیها من الکائنات.

انجام: والتزویج والشراوما اشبه ذلك. والله. تمت الرسالة بحمدالله وتوفیقه. وحسبنا الله ونعم الوکیل. نعم المولی ونعم النصیر.

۲۰

[۱۱۶۵]

۸۲۱ این نسخه شمارهٔ ۱۱ دفتر است و بخط نسخ نزدیك ۱۳۱۷ گـ ۵۱ب ۶۰ب.

[۹۹۵] افسون (فارسی)

دراین دفتر افسونها وتعویذها نوشته شده است.

[۱۱۶۶]

۲۵

۸۱٤ این نسخه بخط نسخ درجدول برنك شنگرف وسیاه با عنوانهـا وبرخی از نشانه‌ها ورقمها بشنگرف ولاجورد میباشد وجدولهائی درآن هست. وچنین

است آغاز و انجام آن: «الحب. باری اگرخواهی که کسی را ازعشق خوددیوانه کنی... باب بیستم در بیان دانستن تعویذهای آبی (گ۹۹الف)- باب شصت ویکم دربیان زکی نامه امرت کهری ...زکی یکپاس بین نیم پاس...زکی نیم پاس احراق نیم پاس بین نیم پاس - گ ۲۳۰ب» برگهای ۱ تا۹۷ در نسخه نیست. حاشیه هائی دارد.

۵ (۱۳۳۴ف) - کاغذ سمرقندی- جلد تیماج زرد تازه
اندازه: ۱۶×۵ر۲۵و۱۰×۵ر۱۷س۱۷

[۹۹۶] **البحریه** (فارسی)

این نامهٔ کیمیائی ازنگارندهٔ «مرآت العجائب» است ودنبالهٔ آن ومانند هر دو از تازی بپارسی گردانده شد. میگوید که درخواب این دستور کیمیائی بمن گفته شدو ۱۰ چون دربارهٔ آئینه بود من آن را مرآت العجائب نامیدم.

آغاز: هذا رسالة البحریة. بدانید ای برادرمن: که راهنمائی کند الله شما را ومرا، بدرستی که خوابیدم من شبی ازشبها درحالتی که متعجب بودم درسرطبیعت.

انجام: بسبب نابودی نقاش صورتها کشیده نشد. تمت.

[۱۱۶۷]

۱۵ ۱۰۸۷ این نسخه ش۹ دفتراست وبخط ش۲ آن. گ۱۶ب - ۱۸ب.

[۹۹۷] **برهان جلد کی** (فارسی)

این بند پاره ایست ازبرهان جلدکی که بپارسی درآورده اند.

آغاز: نقل ازکتاب جلدکی ازآخر فصل چهارم ازمقالهٔ دویم ازجلدچهارم از اواخر کتاب برهان درصناعت الهیه درحجر وتدبیراو. بسمله. حمد. صلوة. قال ره: ۲۰ مثلی میزنم ازبرای تو برسئوال مقدری ومیگوئیم هرگاه که رسید مارا بدرستیکه آب الهی روح است پس او سبب است ازبرای حیاة.

انجام: پس میباشد دراواخر حرارت هیجده وازبرودت سی وشش. تمام شد فصل مذکور ازکتاب برهان.

[۱۱۶۸]

۲۵ ۱۰۸۷ این نسخه ش۳۰ دفتراست وبخط ش۲ آن. گ ۹۷ب-۱۰۸ب.

این نامه دنبالهٔ «صنعة الطبیعة» بلیناس است و در گ ١٨ب س٢ دارد «اینست سخن بلینوس . منم بلینوس خردمند خداوند شگفتیها و بزرگ میدارم آنکه مرا ساخت» از آغاز تا گ٤٦ب س٦ نسخهٔما از کون و فساد سخن میراند وفلزها وجویات رامیشناساند. در گ٤٦ب س٣دارد: «کذلك اقول علی علل المواليد الثلاثة التی تولدت من الطبایع الاربع اعنی الحیوان والنبات والمعدن . تم کتاب العلل المعلولة لبلينوس الحکیم.. نبتدی... بذکر... لبلينوس الحکیم وهو الجزء الثانی وبه یتم کتابه علی التمام والکمال» آنگاه پیدائی جسمها و آسمان و کانها میرسد و نامه پایان میاید.

در دیباچه دارد که کتاب العلل ازقس بالسی است و این نامه گزارش آن میباشد واز بویلس صاحب الاعاجیب. آغاز نامه گفتگوی باخداست و نیایش او وسپس کاوش ازجهان و آفریننده بروش عرفانی و نکوهش از آتش وستاره وطبایع پرستان آنگاه ازپیروان خاقان که درروزگار باخث پیش از ابراهیم پیامبر و پس از نمرود پسر کنعان جبار برف و تگرك میپرستیدند یادمیکند ومیگوید که باخث بآب کردن برف بـا آتش بدانها پاسخ داد و آنان دودسته شدند پرستندگان آتش و آب اودر پاسخ آنها آتش را باآب خاموش ساخت و آب را با آتش ازمیان برد .

باز در آن یادمیکند از گفتار برهمن که آفریننده راروشنی نادیدنی دانست ومیگوید که اوبمارومیان گفته که شمانامهائی چند میستائید ونمی‌شناسید که از آنها چه‌خواسته شد. نیز میگوید که هندوان «بده» را نپذیرفتند وبدستور برهمن خود را سوزاندندودریوزگی کردندو برهنه وسر گردان در بیابان و کوهسار گشتند ازاینروی کاری بدتر کرده‌اند . به برهمن و یارانش گفته‌ایم که روشنی نادیـده را چگونه می‌پرستید و آن‌هم باید جرم‌باشد ودارای شش گوشه درجهت‌ها پس شش چیز‌را می‌پرستید. اگرجرم نباشد رنگ خواهدداشت پس‌جرم خواهدبود .

ازاین پس از روانها سخن میراند وازصابئیان نـام میبرد و گفته‌های پیروان دینها رادربارهٔ خدا ونیکی وبدی میآورد وازهرمس وبیقوراسوس وزردشت آتش

پرست گمراه گمراه کننده یادمیکند. ایندو نامهٔ بلینوس راشاخنوس قس ترجمانی کرد.

آغاز: تفسیر کتاب العلل. بسمله. وباسم رب العالمین تعالی، وهذا صدر ماابتدانا به نحن من تفسیر کتاب العلل الذی ابتدأ به القس الذی کان منزله ببالس وماواه. وهذا

۵ کتاب بوبلس بعینه. قال بوبلس: اناالحکیم صاحب الاعاجیب اقوم بین یدی ربی فاذکر آلائه.

انجام: وبالهوی المزدوج فصار فی العلو. فهذه علة النبات کله فی الجملة. وبلغت غایتها فی سوسها. وتم الکتاب والحمدلله رب العالمین ــ دربرگ ۱۸الف نسخهٔمادارد کهایندفتر دربارهٔ آفریننده است وآنرا قس ازکتاب جامع الاشیاء بلینوس ترجمه

۱۰ کرده وآورده است وآن تاعبارت «وسبحانه من قولهم ماعظموه فلاتتبعواالجاهلین سطر۲۲» پایان میباید آنگاه گفتار قس شاخنوس ترجمان کتاب علل که نزد هرمس نهان بوده میآید ومیگوید که من ایندفتررا برای بهرهمند شدن آیندگان ترجمانی کردم ازاین پس گفتار بلیناس آغاز میگردد.

[۱۱۶۹]

۱۵ **۴۹۱** این نسخه ش۲ دفتر است وبخط ش۱ آن. گ۱۰الف ـ ۵۰الف.

[۹۹۹] **جادونیایش ستارگان** (عربی)

این نامه درجادو وطلسم وافسون نیایش ودرخواست از ستارگان است و بسیار رسا وشیوا بامقدمههای فلسفی وطبیعی وجغرافیائی دریکمقدمه در۳فصل دربرتری دانش وهنرطلسم وروش آموختن آن وچند گفتار (اصول کلی علم طلسم در۶فصل ـ

۲۰ آنچه ازستاره شناسی درطلسم میباید در۱۷ فصل ـ طلسمها در ۴ فصل ـ نیایش ستارگان ودعوت کواکب در۶ باب برخی درچند فصل ـ کارهای جزئی دربارهٔمهر وکین وزبانبندی وبیمار ولاغرساختن وتوانگر شدن و تباه ساختن جادو در ۶ فصل).

واژههای بیگانه و فارسی درآن فراوان دیده میشود. درآن یاد میگردد از

تنکلوشاوسقراط وبقراط وارسطوطالیس‌وگفتگوی برهماطوس پیشوای فرزانگان هند باپنداغوس ترکی دراقلیم بابل چنانکه ارسطو آورده است؛ واز ابومعشر بلخی واسطالینوس‌وسهمیاطیس وسهمیطاس‌وقسطابن لوقا وثابت‌بن قره وابوعلی در کتاب حیوان واز مابال ارسطو وازابوبکربن وحشیه در کتاب‌السحر واز خبر نبوی و از طمطم هندی و کتاب اسطوطاس هرمس ولسلس و کتاب یواقیت‌المواقیت واز ملك عبدالرحمن وصاحب شامل وازمصحف‌القمر ورسالةالحروف ارسطو. نگارنده در فصل۶ مقالهٔ یکم دربرابر صابئیان وفیلسوفان قدم جهان‌را باطل‌میسازد ودرباب ۲ مقالهٔ چهارم‌رسالهای ازابومعشر بلخی راگزین میکند. درمقدمهٔ ۵فصل۱۲ مقاله۲ (گ ۵۵ب ـ ۶۱الف) جدولهای ستارگان است از کتاب طمطم هندی (۱۲ جدول دوازده برج) ومیگویدکه سه‌نسخهٔ دیگر ازاین جدولها هست که احمدبن محمد بن عبدالجلیل درجامع شاهی آورده است‌ویکی از آنها درتنکلوشای کوچك‌هست ویکی‌را ابوذاطیس بابلی دررسالهٔ طلسمات خویش آورد ونزدیك است بجدول طمطم هندی وجدول زردشت که درجامع شاهی احمدبن عبدالجلیل دیده میشود (گ۶۲الف) آنگاه جدول ابوذاطیس‌را میاورد سپس‌جدول قیاسی وجدول قیاس حدود ازاحمدبن عبدالجلیل سجزی (گ۶۶الف).

آغاز: بسمله. الحمدللّٰه‌الذی‌احاط بکل‌شیء علمه ونفذفی کل شیء‌حکمه... امابعدفهذا کتاب یجمع فیه‌ملخص ماوصل الینا من‌علم‌الطلسمات والسحریات‌والعزائم ودعوةالکواکب مع‌التبری عن کل مایخالف‌الدین ویثلم‌الیقین.

انجام: ثم‌شرع فی‌ان یتعلم‌الحکمة امکن ان‌لایصیر فیلسوف زور ولاحکیم نبهرج ولاباطل. وفقنااللّٰه وایاکم ایهاالاخوان‌المخلصون لان یکون هکذا، انشاءاللّٰه تعالی. ولاحول ولاقوة الاباللّٰه‌العلی‌العظیم.

[۱۱۷۰]

۴۷۲ این نسخه بخط نسخ‌روشن باعنوانها ونشانه‌های شنگرف تاریخ روز آدینهٔ یکم ذی‌حجهٔ ۱۰۶۵ میباشد. فهرست ازفصل۱۲ مقالهٔ۲ تاپایان درپشت کتاب گ۱ الف‌هست. گ۱ب‌ـ۱۴۵ب.

(۱۴۵گ) – کاغذ فرنگی–جلد مقوای تحریر
اندازه : ۱۹×ص۲۸ و۱۲×۳۱ س۲۰

[۱۰۰۰] جزایر (فارسی)

نورعلیشاه این منظومهٔ کیمیا را درچند فصل سروده است و عنوانهای آنها بنثر
۵ میباشد (ش۷۳۸ مجلس) .

آغاز: هوالله تعـالی . این رساله مسمی است بجزایر من تألیف قطب الاقطاب مرحوم نورعلیشاه .

بسمله . اول دفتر بنام آنکسی ـ که چه من آشفته دل دارد بسی .
همچو من شوریدهٔ بی خانمان ـ بنده ها دارد دراطراف جهـان .
۱۰ انجام: باردارد دخترك ازنه‌جوان ـ هریکی اندرجوانی کامران .

[۱۱۷۱]

۸۳۱ این نسخه ش۲ دفتراست وبخط شکستهٔ نستعلیق تازه وعنوان بشنجرف میباشد . ص ۹۹–۱۵۸ .
۱۵۸
(همهٔ دفتر ۱۵۸گ) –کاغذ فرنگی نخودی –جلد تیماج قهوه‌ای مقوائی
۱۵ اندازه : ۱۴×۴۱ وص۱۰×۱۸ س۸

[۱۰۰۱] جهان الرمل (فارسی)

نامه‌ایست در رمل درمقدمه وشش جهت وخاتمه از اوحدالدین عبدالله حسینی البلیانی نامبردار بشاه ملامنجم وعبدالله اولیاکه برای سلطان‌محمدشاه نگاشته‌است. دردیباچه ازخودشاه نام‌میبرد ومیگوید در ۹٦۰ درمیمن‌خود شیراز نزدبرادرم‌شمسا
۲۰ محمد رمل خوانده‌ام. دراینجا یادمیکند ازشیخ‌حاجی حسن طلبی نگارندهٔ شامل طلسمی درجن‌گیری وافسون‌وجادو که قاضی عبدالرحمن جنی‌را تسخیر کرد و از مفتاح‌الکنوز او وریاض‌الطالبین نیای خـود دررمل. باز میگوید در۹۸٤ این‌دفتر بپرداختم وجهان‌الرمل نامیدم .

آغاز: اصل هرعلم ازبدائی ای‌حکیم ـ هست بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم.
۲۵ افتتاح کلام بنام حکیمی است علام که بنا برحکمت شامل وقدرت کامل دربدو

فطرت برقدرتش قرعهٔ قبول بنام آدم ... درانداخته .

انجام: وسعد و نحس از تعلق بکواکب است و اگر صفت اشکال در آن جدول است . فافهم .

[۱۱۷۲]

۵ این نسخه ش۳ دفتر و بخط نستعلیق است . گ۴۱ الف - ۷۲ب . در گ۷۳ب

۸۶۶ گفتاریست در «جهت اول از ازهار الرمل» ودر ۷۵ الف گفتاری در «حروف نورانی» .

[۱۰۰۲] **حدیقة المراد فی نجاح مقاصد المبدع والمعاد** (فارسی)

ملا محمدتقی همدانی دراین نامه که دردو دوحه هریك چند غصن است از

۱۰ درمان بیماریها بادارو و افسون گفتگو نموده دعاها و افسونها و ذکرها که در کارزندگی سودمند می‌پنداشت از تازی وهندی وعبری آورده است . در دیباچه بسیاری از کتابهای دعای شیعی ودفترهای پزشکی معروف و ترجمهٔ کتابهای هندی مانند «ماهر-جوك» وکتابهای سیمیا وکیمیا واعداد را برشمرد و از جواهر القرآن و مستوجبة المحامد غزالی واسرار میرداماد واز تنکلوشا و ازمنقولات جابر ومحمد زکریا وابو

۱۵ علی واسرار قاسمی ومیرمحمد زمان اردبیلی ودفترهای فلاحت وبیطره یاد نمود . وی میگوید که من برروی آزمایشهای دانشمندان درستکار وخودم بنگارش این نامه پرداختم.

آغاز: بسمله. سبحانك اللهم یاحکیم. یامن هو بطبائع الاشیاء ... علیم ... آن مقدریکه حدائق کونانرا بدوحهٔ انجاح تمنیات اشرف مخلوقات ... بیاراست.

۲۰ **انجام:** شکرمیکنی وهزارمرتبه «شکرالله» میگوئی پس سربرداشته دستها را برتربت مقدس گذاشته میگوئی : « یامولای یابن رسول‌الله ... ولجمیع المؤمنین والمؤمنات» پس سه‌مرتبه هرمرتبه (ازطعم ثالث لون ثانی ثمر اول ورق ثانی غصن ثانی دوحهٔ ثانی - گ۸۸ب س۳ - جای دیگر سطرها سفید است) .

[۱۱۷۳]

۲۵ ۸۹۵ این نسخه ش۱ دفتر است و بخط شکسته نستعلیق وعبارتهای تازی بنسخ درشت

وزیر خط سرخ وروی آغاز مطلبها خط کشیده‌شده وعنوانها بشنگرف است. نام کتاب ونگارندهٔ آن (همدانی) در گ۵ الف وب دیده میشود. در نیمهٔ گ۸۹ الف سیاهه‌ایست بخط شکستهٔ تاریخ ۱۲۹۷.

[۱۰۰۳] خواص حروف (فارسی)

۵ دراین گفتار خواص حروف تهجی بترتیب آمده است.

آغاز: بسمله. درخواص حروف. دربیان آنکه هرحرفی چه‌خاصیت دارد.

انجام: آن خواص میآید. ودروقت نوشتن ایندو اسمرا بخواند؛ یاسلام‌یادائم»

[۱۱۷٤]

۱۰۸۷,۱۰ این نسخه ش۳۵ دفتراست وبخط نسخ عبدالصمد در۱٦ رجب ۱۲۸۹ گ ۱۳٦ الف ـ ۱۳۷ب . ۱۳×۱۸س۲٤ .

[۱۰۰٤] ذخیره (عربی)

نام این دفتر که از آن ارسطو پنداشته‌شد «ذخیرة‌الاسکندر فی‌الطلاسم لارسطاطالیس‌الحکیم» میباشد ودربارهٔ آن گفته‌اند: «رتبها علی‌عشرة ابواب فی‌تدبیر الاکسیرات وترکیب‌السموم‌القاتلة والتریاقات المخلصة منها وغیرذلك» (فهرست

۱۵ خدیوی۵:۳۳۸و٦ـ۳۵۵ـ تاریخ علوم‌عقلی آقای‌دکترصفاص۳٦۸) ترجمهٔ پارسی آن درطوس (ش٥٦ پزشکی هست) ودر ده‌اصل (مقدمه‌ها ـ صنعت اکسیر ـ ترکیب سمومات ـ تریاقات ـ حرزهای طلسمی‌ـ ختمهابرای‌هفت سیاره ـ فنون طلسمات‌ـ بخورات ـ خواص جانوران واندام آنها) هست.

درآغاز دارد: معتصم‌بالله همینکه عموریه‌را بگشود شنید که درآنجا دیری‌است

۲۰ کهن ساختهٔ انطیوخوس شاگرد اسکندر ذی‌القرنین پسرفیلقوس یونانی که گروهی را بنگاهبانی آنجا بگماشت وروستاها برای آنان وقف‌کرد وقبالهٔ اینها را درروم بزرگ گذارد واز پادشاهان روم ویونان پیمان‌گرفت که کسی بدانجا راه نیابد. میگفته‌اندکه درآنجا نشانه هائی ازپیامبران گذشته هست. معتصم بدانجا کس فرستاد وگفت ببینید که اگرنشانهٔ پیامبران درآنجا هست مارا بدان کاری نیست

۲۵ واگرخواسته‌ای درآنجا دیدید ما بدان سزاوارتریم مردم آنجا مهلت خواستند تا

بپادشاه روم نامه نویسند. او همینکه آنجا را محاصره کرده بود دوباره نزد آنها کس فرستاد. آنان گفتند ما فرستادگان تورا بدان دیر می بریم اگر بر جان و دین ما دست میازید معتصم بذیرفت و با آنان چنین پیمانی بست و عبدالملك بن یحیی صاحب السریه وعلی بن احمد ستاره شناس و محمد بن خالد مهندس را فرستاد. آنان چیزی در آنجا نیافتند و محمد بن خالد آنجا را مساحت کرد و به معتصم گفتند ما در آنجا چیزی ندیدیم ولی ویران ساختن نشانه‌های پادشاهان و پیامبران خوب نیست معتصم در خواب مأمون را بدید که بدو میگفت باید آنجا را ویران کنی چه گنجینهٔ ذی القرنین در آنجا است ودانش ارسطو و هرمس بزرگ را در آن خواهی یافت. فرمانروا همینکه بیدار شد فرمود که آن مهندس باچهارصد کارگر دیوار دیر را ویران سازند آنها صندوقی مسین یافتند که بآهن چینی پوشیده و صندوقی زرین درمیان آن بود. و روی آن برجسته بخط یونانی نوشته بودند. درمیان آن دفتری دیدند که همه آن را اززرسرخ ساخته وهر برگی کلفتی نیم انگشت داشت ودرازای دفتر یك ارش و پهنای آن سه ارش و بخط زرین و برجسته باندازهٔ نیمی از کلفتی برگها نزدیك یك جو و یك روی برگها سفید و ۳۶۰ برگ در دفتر بوده است ودرهر برگی دوازده سطر یونانی و رومی هر دو نوشته بودند. معتصم ترجمان خواست. دیدند چنین نوشته است « این گنجینهٔ اسکندر پسر فیلقوس ذی القرنین است که بس گرامیش میداشت و چون میخواست که بدست هر کس نیافتد در دم مرگ بفرمود تا در اینجایش گذاردند تماشای دانش دوست آنرا بیابد این راز خداوندی است » سنگی درصندوق مسین دیده شد که یونانی در آن چنین نوشته بودند: « آنطیوخوس پادشاه یونانی وشاگرد اسکندر میگوید: که اودردم بازپسین بمن فرمود تا آنرا نهان سازم که کسی بدان راه نیابد»

کسانیرا بر ترجمانهای یونانی گمارده بودند و آنها بترجمهٔ آنها مینگریستند و آنچه گفته میشد فرامیگرفتند. همینکه ترجمانهای رومی آنچه باین زبان نوشته بود بتازی در آوردند آشکار شد که دو نوشتهٔ یونانی و رومی یکی است.

معتصم بمحمد بن خالد بفرمود که این دیباچه را در آغاز دفتر بنویسد.

در آغاز خود ایندفتر دارد : ارسطو باسکندر گفته که تو شایسته‌ای بدانش هرمس بزرگ که نهفته‌اش میداشت وجز بلیناس بدان راه نیافت برسی. من ازاو آموختم و وتو آنگاه که ازمقدونیا بیرون میآمدی ازمن آنرا شنیده‌ای و بارها درخواستی که بتو بیاموزم اکنون آنرا بتو میدهم .

۵ در پایان دارد: ترجمانها گفته‌اند که اینجا پایان دفتر زرینی است که در گنجینهٔ اسکندرودرصندوق زرین گذارده بودند واسکند ذی‌القرنین پسرفیلقوس یونانی در پایان آن چنین نوشته بود «ای کسیکه باین دفتر رسیده‌ای اگربخت توراپار باشد بپادشاهی روی زمین خواهی رسید» .

چنین است فهرست ده بخش دفتر: « اصول ومقدمات ـ اصول صنعت وتدبیر اکسیرهای ۱۰ سه گانه ـ ترکیب سموم ـ تریاقها ـ حرزهای طلسمی برای درمان دردهای سخت ـ خواتیم هفت ستاره ـ طلسمهای گوناگون ـ بخورها ـ گیاهها ـ اندامهای جانوران » .

دستورهای اکسیر وطلسم که در این دفتر آمده بساخت مردمی وجانوررنگارنك وبا نشانه‌ها نموده شده‌است .

۱۵ آغاز: بسمله. کان الامیر المعتصم بالله بعدان فتح عموریه وقد سمع ان بنی بهادیرا قدیما ینتسب الی انطیوخوس... باسم الواحد الواجب الوجود نبتدی، والی سابق علمه ینتهی. له عالم النور والتأثیر وعالم الاستحالة والتغییر (۵الف) .

انجام: فلابخل عندنا الان ولاغم ولاحسد ولافاقة. والحمدلله رب العالمین والصلوة علی سیدنا محمد وآله اجمعین .

۲۰ [۱۱۷۵]

۴۵۸ این نسخه بخط نستعلیق ودارای شکلهای رنگارنك واز نیمهٔ گ ۶۰ب تا پایان نستعلیق ریزتر است ودر پایان دارد: « تمت الکتاب بعون الملك الوهاب فی تاریخ لیلة الخامس عشرمن شهر صفر المظفرمن شهور ۱۳۰۳ » .

(۳۶۳ب)ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج سرخ ساده

۲۵ الداره : ۱۱×۱۷ و۷×۱۱٫۵ س۱۱

[۱۰۰۵] رسالة آغا ثاذيمون (عربی)

این نامه در کیمیا و بنام «رسالة الحرز» واز آغاثاذیمون **Agathodaimon** دانشمند افسانه‌ای یونان دانسته‌شد ودر آغاز آن دارد که او آنرا در دم مرگ به شاگردان گفته است .

آغاز: بسمله . رسالة آغاثادیمون الاکبرالتی تکلم بهاعند موته لتلامیذه و تعرف برسالة الحرز . ۵

قال آغاثادیمون لتلامیذه اننی لماحضرتنی الوفاة خفق الامان .

انجام: کان الموت اخیرلکم من ان تنظروا فی کتاب فیلسوف فان فیها العمل مخفی. والله المهدی للحکمة بمنه وکرمه . تمت مقالة آغاثادیمون.

[۱۱۷٦] ۱۰

۹٤۱ این نسخه ش۷ دفترست و بخط ش۱ آن گ ۲۲الف ــ ۲٤ب.

[۱۰۰٦] رسالة بیون برهمی (عربی)

نامه‌ایست در کیمیا وازبیون برهمی هندی زایربیت المقدس که بدرخواست گرامی‌ترین شاگردخود دربارهٔ ترکیب نگاشته‌است. (ش۷۳٤/۳مجلس) وعزالدین آیدمربن‌علی‌بن آیدمرجلدکی ۷۵۰ه بر آن گزارش نوشت ودرعنوان نسخهٔ ما دارد ۱۵ «رسالة بیون البرهمی الذی شرحه الفاضل الجلدکی» .

آغاز: بسمله . هذه رسالة بیون البرهمی . لماقدم بیون البرهمی (من الهند) زایرا بیت المقدس (الشریف) سأله اعز التلامیذ علیه عن الترکیب فقال یا بنی انه امر مفصل صعب شدید فی معرفته فقط فاذا علم فهوهین یسیر قلیل التعب یستعان علیه بالصبر وقلة الضجر . ۲۰

انجام: وهذا عهدی فی عنقك يسالك الديان عنه، ان انت اظهرته لاحد من الناس الا بما تکلمت الحکماء به من الصون والستر والاسماء المعروفة التی جعلت علیه والسلام علیك . تمت مقالة بیون البرهمی هذا .

[١١٧٧]

٩٤١ این نسخه ش۹ دفتر است و بخط ش۱ آن. گ۴۳ الف–۴۴ الف.

[١٠٠٧] **رساله در جفر** (فارسی)

در این رساله یکی از راههای جفر گفته شده و در آغاز از تاریخ روز پنجشنبه ۱۷
۵ شعبان ۱۲۱۳ یاد گردید.

آغاز: بسمله بدان ایدك الله لمرضاته آنکه استخراج جواب از حروف سؤال را که مسمی بعلم جفر است طرق بسیار است. و از جملهٔ آن طرق طریقی است که شروع می شود.

انجام: بانضمام مرتبهٔ «ن» شمرديم صحيح شد (گ۹ الف – از۹ب تا ۱۰ب سه
۱۰ جدول است در دائرهٔ ابجدی و قاعدهٔ تکسیر).

[١١٧٨]

٨٢٨ این نسخه بخط نستعلیق است با عنوانها و پاره‌ای رقمها بشنگرف. گ۱ب–۱۰ب.
(۱۳س)–کاغذ فرنگی–جلد [illegible]
اندازه: ۱۴×۱۴ و ۷،۵×۱۲،۵–۴

۱۵ [١٠٠٨] **رساله در جفر** (عربی)

این رسالهٔ جفر در چند فصل است.

آغاز: بسمله. الحمدلله رب العالمین... فهذه قواعد جلیلة من کتاب الجفر و نبذة وافیة و کافیة من علوم الاسرار الموروثة لنا من (ال)ائمة الاطهار.

انجام: من المآت و الالوف علی هذا المنوال و امش به کما رقم (نیم ص و نیم دیگر
۲۰ آن جدول است).

[١١٧٩]

٨٧٦ این نسخه ش۱۴ دفتر است و بخط نستعلیق گ۱۰۷ الف–۱۱۶ الف از ۱۱۶ب تا ۱۱۷ب کیمیا است.

[١٠٠٩] رساله در جفر جامع (عربی)

رساله‌ایست در جفر جامع بروش شیخ بکار بن احمد بخارائی .

آغاز: بسمله.قال الشیخ البکار ابن احمد البخارائی:ایها الاخ الاعز من الکبریت الاحمر اتلو علیك طریقتی عن الجفر الجامع المعظم بها .

انجام: وهذه الطریقة مما لایفهمها الاالمعصوم اومن اخذ من المعصوم ... ولو بالوسائط اومن قدرالله لمحظا وارتاض . ٥

[١١٨٠]

این نسخه ش٨دفتر است و بخط نسخ در٦سطر بایك جدول در گ١٤ب میباشد

٨٢١ پیش ازاین در گ١٣ب – ١٤ب باب ٣منهج٤ الحبل المتین است درمواریث وش٧ دفتر میباشد . ١٠

[١٠١٠] رساله درحروف (عربی)

ایندفتر درعلم حروف است ودردیباچهٔ آن دارد که افلاطون چنداوحی گوهرین یافت ودر آنها نوشته‌ای شگفت بدید ودرجهان گشت تا پیری هزار وچهارصدساله باشاگردانی بسیار برخورد و بیست‌سال نزدش شاگردی کرد وراز نهفتهٔ آن نوشته را ازاو بیاموخت که دراینجا آورده میشود . ١٥

آغاز: بسمله. الحمدلله الرحمن الرحیم الذی خلق الانسان و(هداه) الی بیان البیان وجعله خلیفة علی سائر الحیوانات .

انجام: وعخائیل اه ظائیل .

[١١٨١]

٩٤٥ این نسخه بخط نستعلیق باشکلها ورقمها وعنوانهای شنگرف است . ٢٠

(٣١٩م) – کاغذ فرنگی – جلد تیماج زردتازه
اندازه : ١٥ × ٢١ و١٠×١٤٫٥ س٢٣

[١٠١١] رساله درحروف (عربی)

دراین نامه از علم حروف وخطوط پیامبران وریشهٔ قلمها وخطوط واقسام حروف ونسبت حروف بابرجها وجهتها واندامها ومزاجها ورمل وجفر گفتگو گردید ٢٥

در آن جفر جامع (۲ب) وجفر ابیض واحمر واکبر واصغر وجامعه شناسانده شده (۱۳۳الف وب) وداود که «اما الجفر من حیث اللغة فانه رق الجدی» وازرمل صامت یاد شده است (۱۱۵الف) ـ این نامه چون درسبك نگارش با کنز الاسرار ش ۸۱۶/۲ یکی است وبیك خط دراین دفتر نوشته شده گویا از همان نگارندهٔ کنز الاسرار
۵ عبدالرحمن حنفی بسطامی زندهٔ در ۸۹۰ باشد(۱).

۱ـ نمونه‌ای ازمطلبها :

حروف یونانی ورومی وقبطی که ازچپ براست وجدا ونوشتهٔ تازی که از راست بچپ وپیوسته‌است ـ علم‌اسقاط الحروف که بسیارشریف‌است: اسقاط طبایع کـه چهار چهاراست، اسقاط دراری۷و۷، اسقاط ابجدی۹و۹ که برای غالب‌ومغلوب‌است‌وارسطو
۱۰ آنرا در کتاب سیاست برای اسکندر نوشت واز ارشمیدس آمده است دراینجا جدولی دارد ازخواص عددها چنانکه فیثاغورس گفته وبرای غالب ومغلوب است، اسقاط برجها ۱۲و۱۲ یا جمل صغیر که باختربان جزم گویند، اسقاط منازل ۲۸ و۲۸ ، اسقاط درج ۳۰و۳۰ـ علم‌الوان‌حروف ـ علم‌عدد (اخوان صفا گفته‌اند «جمیع العلوم کالوزیر و علم الحساب کالملك ماخلا علم الدین۲۵ب)عددرا بیشتر مردم چهارمرتبه وفیثاغورسیان
۱۵ ۱٦ مرتبه‌دانستند. اوارثماطیقی نوشته واز نبوت گرفت وبا پیروان سلیمان آشنائی داشت ـ اعداد وفق معجزهٔ ابراهیم است واومربع صدخانه درزیر پایهٔ مکه گذارد و موسی باوفق مسدس تابوت یوسف‌را یافت. مربع صدرا افریدون‌بن کیقباد درگنجینه داشت وروی اطلس زرد۱۲×۸ نوشت وبزر اندود وباگوهرهای دیگر آراست وبا این برضحاك‌پیروزشد. این‌درفش اوبانوشیروان رسید ویونانیها باآن مربع دفع وبا
۲۰ میکردند ـ کنکه هندی سازنده شهرمنف است۱۹الف ـ غدیم‌شاه هندی بسردرشهر نوبه آبگیری ساخت که هیچگاه ویران نمی‌شد ۲۰الف ـ افلاطون دستور نوشتن‌اعداد متباغض‌راداد ـ انواع علم‌اعداد ـ گفتاری ازابوبکربن وحشیه صوفی دربارهٔ گفتگوی درخت غاربا باغبان درخواب(۳٦ب) ـ تضعیف مکعب‌مذبح‌درزمان افلاطون (۳۷ ب ـ قضیهٔ دلس) ـ اقسام علوم فلسفی ودینی وهنرهای هندی(۳۹الف) ـ الفبای مردم دنیا
۲۵ (٦۳الف) ـ کرامتهای امامان و عارفان ودانشمندان باخواندن نامهای خدا وبراههای دیگر(۸۹ب ـ۹۳ب) ـ جفروحروف غافیطوس.

آگاهی پیامبران درسرحروف بوحی است واهل‌بیت مانند حسین‌ع تاصادق‌ع بنقل

بقیه حاشیه درصفحه بعد

در آن یاد میشود از: ابوعمر وحسن بن عثمان قفوی (۳الف) ــ یحیی بن یعمر که نخستین بار در مصحف نقطه گذارد (۵الف) ــ کتب شرقی و غربی عبری و اوستائی و تازی (گ ۷ــ ۱٦) ــ نخستین کتابهای آسمانی (صحائف آدم) (۳۳الف) ــ واقدی (٦۰الف) ــ ذوالنون مصری (٦۰ب) همو و ابی بکر شبلی (۸۸ب) ــ ابوعبدالله بکری نگارندهٔ مسالك وممالك (۱۰۱الف) ــ محمد بن سنان بتانی که گفته « پیامبر در شب دوشنبه ربیع یکم و بیستم نیسان سال فیل در روزگار انوشیروان در ۸۸۲ اسکندری زاده و ٦۱ سال خورشیدی زیسته و در نیمهٔ روز دوشنبه ۲۵ آزار ۹۴۳ ظمج اسکندری در گذشت . زایجه او هم هست » (۱۲۹الف ۱۳۰ب) ــ ابوالعباس عبس که گفت « هنگامیکه لشکریان تتار بشام رسیده و بسال ٦۵۸ حلب را ویران کرده بودند » خفیری

بقیه حاشیه از صفحه قبل

و کشف و عارفانی مانند نوری و شبلی و تستری و مصری از روی کشف و باقلانی و غزالی وطبری ورازی از سماع وقیاس وهرمس وفیثاغورس وافلاطون وارشمیدس ازخواب و فراست و آصف برخیا و بلیناس استاد اسکندر ذی القرنین واقلیدس وسیمورس ودربیوس و آبلوس وسقراطیس وهوماطیوس و بقراطیس وسطریغوس ولادن واسطوفانس وطفطیوس وهردوریس ودرهویاس و برهاطوس از روی خبر پیامبران واولیا بدان آگاه بودند ــ ادریس و ذوانا که دو پیامبر بودند آفتاب را ستایش کردند. هرمس جز ادریس است (با اینکه در جاهای دیگر یکی میداند) ــ دانشمندان قفجق باختلاج و کتف آگاه بوده اند ــ ساسانیان بجیل ودسایس آگاه بوده اند ــ بندقلیس شاگرد لقمان بوده است ــ علی و جعفر صادق ع در علم حروف کتاب نوشتند (۱۱۷الف) ــ کتابهای حروف پیامبران عبری وایرانی و پیشوایان شیعی ــ دو زید بن علی (۱۱٤ب) ــ تنکلوشای بابلی ــ ارسطو در خواص احجار ششصد و اند سنك را شناساند ــ دیسقوریدوس در نوشتن حشایش چهل سال کار کرد و جالینوس در پزشکی هفتاد سال ــ اقراطین واندروماخوس وفیلون ــ پزشکی و نحو وفقه وتصوف را از کتاب نباید گرفت واز استاد باید آموخت وعلم حروف را هم از پیشوایان این هنر باید فرا گرفت (۵۵ب) ــ یوسف پیامبر نخستین بار کاغذ ساخت و اسماعیل پیامبر خط تازی از اوست و با ساختهٔ « مرامر بن مره » انباریست (۵ب) ثابت بن قره ــ محمد مهدی از غار انطاکیه بیرون میآید و زبور را از دریاچهٔ طبریه میآورد ــ جفر و جامعه سفرهای آدم و شیث و ادریس و نوح وابراهیم است (۱۳٤الف) در پایان (۱٤۱ب ــ ۱٤۲ب) دفتر هائی که در نگارش این نامه بکار رفت یاد گردید ــ درباره علی « کرم الله وجهه » گفته شد.

با «هلاون» درمیان آنها بود. او بقدس رفت وخلیل رازیارت کرد ودرهمانجابمرد» نیز اودر ۷۰۰ بشام رفت ودید که یکی ازدوخفیر بالشاره تاتارهارا بر گرداند (۱۰۵) ـ حافظ ذهبی ۱۳٤ب.

ساده یا ائمهٔ حرفیه وسادهٔ صوفیه (٤۲ب و٤۳ ب) ـ زرادشت آذربایجانی که اسرار حروف‌را ازپیروان موسی گرفته وجاماسب ازاو بیاموخت (۱۳۲الف) و او آورندهٔ زنـد است وپس ازموسی ودر روزگار بشتاسف میزیست(۸الف)ـ حکیم ترمذی (۱۳٤الف) ـ شیخ اباالعباس احمدبن علی‌بن یوسف بونی قریشی ومواقف الغایات فی‌اسرارالریاضات‌الکبری وشمس المعارف ولطائف‌العوارف او(۱۰ب)شهاب الدین سهروردی(۱۰الف) پرنده‌ایکه مانند قمری بـوده ودرهند بسلطان محمود داده بودند وهرگاه‌خوردنی زهرآلود میدیدمیگریست(۲۰الف) درآن ازنگارش های جابروشامل سکاکی (۱۰الف) وآگاهان بدین هنر ونگارشها کـه درآن داشته‌اند (۱٤۸ب تا۱٥۲ب) ونگارشهای منطقی وطبیعی ارسطو (٤٤ب و٤٥الف) یاد گردید.

نیز ازسفرالخفایاو کتاب ذات‌الدوایر آصف‌بن‌برخیا و کنزالاسرار وذخائرالابرار هرمس‌الهرامسه ومثلث (پیامبر فرزانهٔ پادشاه) یاادریس ونمرهٔ بطلمیوس وکتاب اسطماطیس وکتاب اسطماخیس ارسطو استاد نخستین وعقل مصوراسکندر یونانی که درآن چهار حرزیاد کرد نخستین برای رام کردن مردم دوم برای دفع باران و سرما وبرف سوم‌سفید وبرای بستن شهوتهای سپاهیان وبازداشتن آنها اززن‌چهارم سیاه وبرای اینکه سلاح دشمن درسپاهی کارگر نباشد ـ کتاب اشنوطاس و کتاب ملاطیس آورندهٔ کیناش روحانی هندی در زمان ادرباروس وسازندهٔ نیرنجات که ۸٤۰سال بزیست ـ کتابهای هاذیطوس، افالیق، طمطم هندی، شراسیم هندی، صصة بن‌داهر هندی‌سازندهٔ شطرنج‌برای شاه‌بهرام و کتاب سرخفی‌تالیس نخستین‌فیلسوف مصر وبیرون آورندهٔ کشتی‌های بزیر آب‌رفته ونگارندهٔ جدول وفق ده‌هزارخانه‌ای ازروی الهام وگذارندهٔ آن درهیکل عطارد و کتاب علم‌الحروف زرادشت که‌خواص

وفق‌را در آن آورد وخافیهٔ سامور بن اشنوه هندی و خافیـهٔ افلاطون والسر الخفی
ارشمیدس‌سازندهٔ افزارهای سوزانندهو آتشهای گوناگون وسر الاسرار و نور الانوار
فیثاغورس که‌از دختری شوی ندیده زاده‌شده و کاهنان‌زادن‌اورا ازپیش گفته‌بودندو
او آهنك‌ونوای آسمانهاوستارگان‌راشنیده وموسیقی‌راازروی آن‌ساخت‌وخافیهٔ‌جعفر
صادق ونگارشهای جابروشمعون وشاذان وسهروردی وشامل سکاکی که همه‌اینها ۵
درعلم حروف است بروش خاوریان ــ باختریان هم‌اهل اسرار داشتند و برخی از
آنها جدولی ازجفرجامع‌ساختند ورمزملوك مصر کردند ــ نگارشهای بونی‌ومحیی
الدین مغربی‌و کنزالحروف ادریس که‌ارسطو از آن گزین کرده وعبدالحق‌بن‌سبعین
گزارش نمود وشمس ــ مطالع‌القلوب امام ابی‌الحسن الحرائی ــ شرح اسماء حسنی
ابوالحسن شاذلی ــ المواهب‌الربانیه ابی‌عبدالله‌بن یعیش‌اموی ــ بهجة‌الافاق‌مرجانی ۱۰
ــ زبرجهٔ ابی‌العباس سبتی ــ کتابهای دیگر باختریان ــ کتاب ابوالحکم‌بن‌ترحان .

آغاز: بسمله و به نستعین الحمدلله‌الذی برأ النسم واودعهاالاسرار والحکم
فقدرمزالامام علی‌بن ابی‌طالب صلوات‌الله فی‌سجل کل مصدرمن هـذه‌المصادر نفثة
روعیة(۱ب) .

انجام: وهوالجفرالصغیر فافهم ذلك. وهوهذا (جدولی دراینجا است) وهذا ۱۵
آخرما اردنا ابراده‌فی‌الاوراق والحمدللملك‌الخلاق‌والصلوة علی‌طاهر العنصروعظیم
الاخلاق . تم‌الکتاب بعون‌العلی‌الوهاب .

[۱۱۸۲]

۸۱٦ این نسخه ش۱ دفتر بخط نسخ‌تازه است وعنوانها ونشانه‌ها ورقمها باره‌ای
بشنگرف وباره‌ای بخط درشتتر وچندین‌جدول دارد. گ۱ب ــ ۱۴۳ب درگ ۲۰
۱٤٤ب مربع بنوح کشیده شده برای مهرودوستی.

(همه دفتر۳۰۷گ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلدروغنی گل و بوته‌دار
اندازه : ۱۸×۲۳ و ۹×۱۴ص۱۴س

[۱۰۱۲] رساله درعلم دم و وهم (عربی)

علم دم ووهم ازعلوم غریبه است واین گفتار تازی در آن است واز دم ووهم ۲۵

وطلسم و کیمیا در آن آمده واز بسیاری از کتابهای اینفن یاد گردید.

آغاز: ومن جملة العلوم الغريبة علم النفس وعلم الوهم وموضوع الاول نفس الانسان وموضوع الثانی قوة الوهم .

انجام: الكاف اشارة الى الكيميا واللام الى الليميا والهاء الى الهيميا والسين الى ۵ السيميا والراء الى الريميا . نقل من مصنفات بعض العلماء .

[۱۱۸۳]

۱۰۸۸ این نسخه ش۱۴ دفتراست وبخط نستعلیق تاریخ۱۱۹۸ گ ۸۱ب ـ ۸۶ب.

[۱۰۱۳] رساله در علم دم و وهم (فارسی)

این رساله در علم دم و وهم وجادو گری است بروش هندوان ودردیباچهٔ آن دارد که ۱۰ شصت وچهار زن جادو گر هندی آن را در هشتاد وچهار بیت بزبان هندی سروده‌اند ونامش «کامرو بیجاسکا» است واز آن زبان بپارسی درآمده است. رساله در ۵ فصل است: «برداختن بکار ـ برسش ـ پیشگوئی ـ شناختن مرگ ـ شناختن دم» (برای علم دم ووهم بنگرید بنفایس الفنون آملی) .

آغاز: بسمله . اینکتابی است درعلم وهم ازساختهٔ هندوان واز هندی بپارسی ۱۵ درآورده‌اند وچنین گویند که شهریست دراقصاء هند که آنرا «کامرو» خوانند ودر آن ساحران ووهمیان باشند وایشانرا بزبان هندی «جوکی» خوانند ودر آن مسکن زنی جادو است که اورا «کامال دیو» خوانند ... (آغاز کتاب) بدان اسعدك الله که دم ازسوراخ بینی راست برآید چنین گویند که این دم از آفتاب میآید .

انجام : کاربرآید و اگر کمتر کار برنیاید . تمت الرسالة. والله اعلم.

۲۰ [۱۱۸٤]

۱۰۳۵ این نسخه ش۸۱ دفتر است و بخط شکسته نستعلیق ریز با عنوانهای شنگرف شهاب الدین دیباجی نزدیك ۱۱۰۰ ص۱۲۱ ـ ۱۲٤ پس ازاین باره‌ایست از کشکول بهائی درباره فرزانگان هند

[۱۰۱۴] رساله در کیمیا (فارسی)

حکیم احمدشاه این نامه رادر کیمیا بنظم ونثر بپرداخت.

آغاز: بسمله هست کلید در گنج حکیم. حمد وسپاس وستایش بیقیاس مرخدای راکه اولش را بدایت وآخرش را نهایت نیست.

انجام: بازبوته راسرد کرده سهم دوم را بیاندازد تااینکه سهم سهم را بیاندازد عمل تمام است. ۵

[۱۱۸۵]

۸۷۶ این نسخه ش ۱۵ دفتر است وبنستعلیق شکسته گ ۱۱۸ الف-۱۴۹ ب. گ ۱۵۰ سفید است. و ۱۵۱ الف-۱۵۴ ب بندهائی است درکیمیا وگویا دنبالهٔ همین نامه باشد وگ ۱۵۵ الف- ۱۵۷ الف «عمل حاجی عبدالله سلمه الله» است در کیمیا واز کتاب براکلسوس وجاهای دیگر و ۱۵۸ الف-۱۵۹ الف بازبندها ایست در کیمیا. ۱۰

[۱۰۱۵] رساله در کیمیا (فارسی)

آغاز: بسمله. درطلب اعمال. اعلم... که جمع دنیاوحرص بر آن مذموم است عقلا و نقلا. ۱۵

انجام: وگویند که اگربا محلول اوعقد فرار نمایند ثابت گرداند اما عمل سرنج دمشقی (کم دارد).

[۱۱۸۶]

۸۹۵ این نسخه ش ۲ دفتر است وبخط شکسته نستعلیق مانند ش ۱ آن گ ۸۹ ب- ۹۱ الف. (همهٔ دفتر ۹۱ گ) کاغذ سپاهانی جلد حاجی تیماج مقوائی ساده ۲۰

[۱۰۱۶] ۱۲۹۰ ج ۲۷ س رسالة السر (عربی)

دراین نامهٔ آمیخته از کیمیا وطبیعی وعرفان وستاره پرستی گزارش پاسخها و دستورهائیستکه اوریوس راس الشماسین پروردگار (روحانیت) آسمان بپرمس داده است و کارهائیکه او بگفتهٔ اوریوس در پرستشگاه (هیکل) کرده است یاد گردیده و درچندجا از اوریوس نامبرده شد. رسالة السر هرمس بودشیر یارسالة الکاهن او درمجلس ۲۵

(ش۲ر۷۳٤) هست. نیز در ش۱ر۷۳٦ آنجا رساله‌ای از او هست که آغازش چنین است:
«قال هرمس انه من دامت خدمته للنور الاعلى جرت الاشياء بمحبته انا صاحب العجائب»
آغاز: بسمله. رب تمم ويسر بكرمك قال هرمس في رسالة السر: بسم الله قبل كل
شيء اقول انه من دامت خدمته للنور الاعلى جرت الاشياء بمحبته واني اخبر كم بابني
۵ الحكمة اني اخذت الشمس الحارة اليابسة فقذفتها في القمر البارد الرطب.
انجام: وصرت راس الحكماء ومعلم الحكمة ومعدن الاسرار الالاهية... والنعيم الباقي،
والسلام على من طهرت سجيته... وعمل الحق في شريعته وقدم الخير لمعاده والحمد لله
على احسانه هو نعم الوكيل. ورزقنا الله مهم ما فيها والعمل بها.

[۱۱۸۷]

۹٤۱ ۱۰ این نسخه ش۱۱ دفتر است و بخط ش۱ آن گ۴۵ب ـ ۴۷الف.

[۱۰۱۷] رسالهٔ شیخ مفید (فارسی)

این نامهٔ پارسی از شیخ مفید بنداشته شده ودر کیمیا است.
آغاز: بسمله. رسالهٔ شیخ مفید رحمه الله. هذا طريقة منسوب الى الشيخ المفيد.
رحمة الله عليه بمكة المعظمه، قال امن الله من يفيدها بغير اهلها ومستحقها. و حاصل
۱۵ این طریقه چهار رکن است.
انجام: اما اولهٔ انبیق طرفش را ... گرفته تا ۲٤ تقطیر شود انشاء الله تعالی. (در گ
۱٦۲ب شکل شیشهٔ دارو ودیك بردیك ودیگدان کشیده شده است).

[۱۱۸۸]

۸۷٦ ۲۰ این نسخه ش۱٦ دفتر است و بخط شکسته نستعلیق گ۱۵۹الف ـ ۱۷۲الف. در گ
۱۷٤ تا ۲۰٤ بندهائی است در کیمیا ودستورهائی در این هنر از آخوند ملا محمد
شفیع وملامحسن وسیدهندی وشیخ علی اکبر و آقامحمد و آقامحمد تقی و آقاسید
حسن وحاجی کاظم وحاجی علی.

[۱۰۱۸] رسالهٔ مشکویهٔ رازی (عربی)

در این نامه از «حجر اعظم» و بدست آوردن ونشانه‌های آن گفتگو شده وتا اندازه
۲۵ ای آشکارا سخن بمیان آمده وچندان با رمز وعرفان آمیخته نیست واز مشکویهٔ

رازی فیلسوف دانسته شد .

آغاز: بسمله.حمد. صلوة فهذه رسالة لابی علی مسکویه کانه من بعض الحکماء وهی من بعض کتابه ـ وقد آن لی ابدأ بذکر الحجر الاعظم الذی منه العمل شرح تدبیره وبلوغ ماوصل الیه منه. فاقول ان الحکماء قداطالوا الکلام علیه .

۵ **انجام:** وقبل ان ناخذ فی وصف التدبیر بالماهیة والتخلیص یقدم امثلة واصولا یحتاج الی معرفتها فنقول (کم دارد و نویسندهٔ نسخه چنین نوشت: ماتم مافی المنتسخ بل وجد کاتبه ایضا الی هذا المقام و کتبه راجیا لوجدان متممه. هذا) .

[۱۱۸۹]

۹٤۱ این نسخه ش۱۲ دفتر است و بخط ش۱ آن. گ۱٤۷الف ـ ۱٤۹الف .

۱۰ [۱۰۱۹] رسالة هرمس (عربی)

این نامه از هرمس پروردگار یونانی دانسته‌شده ودر کیمیا است .

آغاز: بسمله. وهذه رسالة الحکیم هرمس المعروف بذات المنابر . قال حکیم هرمس : اعلموا ان الله عزوجل حین اراد خلق الطبایع خلق النار وامرها ان تلتهب.

انجام: وانا اشیر الیك ان تعلق هذه الرسالة فی عنقك ابدا مابقیت والسلام .

۱۵ [۱۱۹۰]

۹٤۱ این نسخه ش۲ دفتر است و بخط ش۱ آن گ۱۲ب ـ ۱۷الف .

[۱۰۲۰] رسالة هرمس (فارسی)

این نامهٔ پارسی از گفتار هرمس پنداشته شد ودر تدبیر حجر است ودر آن از دوسم یادشد .

۲۰ **آغاز:** الحمدلله رب العالمین... اما بعد گفت هرمس که یافتم من درصحفی که نازل شده بود بر آدم این حجر را که از برای او بود طبایع هفتگانه مثل طبایع بنی آدم.

انجام: پس رد کن بسوی طبخ تا تمام شود چهل و دو روز.

[١١٩١]

١٠٨٧ این نسخه ش٤دفتر است و بهمان خط ش٢آن. گ۸ب-١٠الف .

[١٠٢٤-١٠٢١] رساله های ذوسموس (عربی)

زوسیموس Zosimos در زمان پلوتینوس نوپلاتونی میزیسته و از کاهنان مصر کیمیا آموخت (دکترهاشمی ص٢١و٢٣) نامش را درنسخه‌ها چندگونه نوشته‌اند: ذوسموس، ریسموس، رسیموس، ریشموس، ریشموش، روسوس ، ذوسم، ذیسموس ارشموس (Arsimus ،Rislamus ،Risamus) ابن‌ندیم ص٤٩٦ اورا مانند اوسطانس Osthanes و نگارندهٔ المفاتیح‌فی‌الصنعة که ٧٠ رساله‌است‌خوانده‌است. اورا عبری و گرایندهٔ بآئین موسی نیزخوانده‌اند. ازاوچهار نامهٔ کیمیائی دردفترش ٩٤١ هست.(١)

١- بنام رسالهٔ روسوس

آغاز: بسمله من کلام روسوس قال: فلعل هذاالملتمس ان‌یکون‌اخصروایسر من ان‌یبعد هذاالبعد .

انجام: وجماعة هذه واحدة وثلثین صنفا قدبیناها ووصفناها فافهموا والله الملهم الصواب. (١٧الف-١٨الف) .

٢- بنام«رسالة ذوسم‌الی‌امه فی‌التبییض‌والتملیح» .

آغاز: بسمله رسالة ذوسم‌الی‌امه فی‌التبییض والتملیح سلام‌علیك. امابعد فانی اخبرك وافسرلك تدبیرالمغنیسیا .

انجام: وقال هرمس فی‌بیان‌السحق اذقال‌فی‌تنقیةالرصاص: بیضه‌حتی‌یخرج‌سواده فحینئذ یتم‌العمل عمل‌المغنیسیا وتباش. وحسبك والسلام. (١٨الف-١٩الف) .

١- بنگریدبه: فهرست مجلس ش٣ر٧٣٥- فهرست‌آلمانی نگارشهای کیمیائی در کتابخانهٔ گوتا Gotha از Alfred Siggel چاپ‌برلین در ١٩٥٠ص٢٢ که در ش ٨ر١٢٥٧ رسالهٔ تفریق‌الادیان ریشموس عبری شناسانده شده وگویا همان نسخهٔ مجلس باشد .

۳ـ بنام «نامهٔ پنجاه و نه» دربارهٔ «آب زنده».

آغاز: بسمله. رسالة تسعة وخمسين فی ماءالحی لزوسم من الخاصة. سالتنی عن الماءالحی ایتهاالمرأة.

انجام: واعلمی انی اقمتك علی الطریق المستقیم فاشکری فـان فهمت فقد ظفرت.والسلام (۱۹الف-۲۱الف). ۵

٤ـ درصنعت الهی است.

آغاز: بسمله. رسالة حکیم ارشیموس فی الصنعةالالهیة. قال: اسمعوا یاابناء التعلیم اناارشیموس اقول لکم: من کان عنده زیبق محلول فقداحکم الزمام.

انجام: بعد موته. وهذا ماوصل الینالارسیموس فی الصنعة. والحمدوالتسبیح لله عزوجل. تمت المقالة. (۲۱الف - ۲۲الف). ۱۰

[۱۱۹۰-۱۱۹۲]

۹٤۱ این نسخه‌ها شماره‌های۳-٦ دفتراست وبهمان خطش۱آن.

[۱۰۲۰-۱۰۳۰] رساله‌های رمل (فارسی وعربی)

۱ـ دراین رساله پس ازدیباچه که طالعی درآن استخراج میشود فصلی بی شماره آمده وآن باآغاز فصل پنجم میرسد آنگاه فصل ششم سپس فصلهائی بی‌شماره بنگارش درآمده است. ۱۵

آغاز: بسمله... ردهم ازمیلاد بااسعاد نواب اشرف اقدس ارفع همیون اعلی خلدالله ملکه...هم خردادماه قدیم سنهٔ ۱۰۲۰ یزدجردیه استخراج درجهٔ طالع تحویل شمس الاصل (نیمی ازبرگ نخستین ازدرازا بریده شدباینستکه بجای واژه‌هاخوانده نشده نقطه گذارده شد). ۲۰

انجام: درشانزدهم دلیل است برصحت بیمار ومراد یافتن و رسیدن غائبان وعاقبت والله اعلم (ازنیمهٔ پائین برگ۷۸الف تا۷۹ب جدولها است دردنبال همین نامه)

[۱۱۹٦]

۸۱۸ این نسخه ش۱ دفتراست وبخط نستعلیق وپاره‌ای شکلها و رقمها بشنگرف میباشد. ۱ب-۷۹ب. ۲۵

(همهٔ دفتر ۱۱۰گ) ـ کاغذ سپاهانی حاشیه‌دار ـ جلد تیماج مشکی ضربی کهنه
اندازه : ۱۹×۲۴ و ۱۴×۱۶ س۱۶

۲ ـ این نامه در رمل و دارای دو مقاله است نخستین علمی و در ۱۱ فصل و دومی عملی در ۱۲ فصل. در فصل ۷ مقالهٔ ۲ در خبایا (۹۳ب) از افضل الدین ابوالقاسم بن عبدالملك عبدالجلیل روحی آورده شد . ۵

آغاز: آنچه در نسخه هست: که باشارت سیدالسادات ... حسین علی العاوی ... و روی هیچ خلاف نیست بطریق امام عبدالله محمدبن علی الربانی... و دیگر استادان اینفن .

انجام: در هشتم ۳٦ و ÷ در نهم ٤۵ ÷ در دهم .. (دو کلمه خوانده نشد) والله اعلم بالصواب و تمت الکتاب بعون الملك الوهاب . ۱۰

[۱۱۹۷]

۸۱۸ این نسخه ش۲ دفتر است و بخط نستعلیق و پاره‌ای شکلها ورقمها بشنگرف می باشد ـ ۸۰ب ـ ۱۱۰ب. از بالای برگها اندکی بریده شد و وصالی گردید و سطوری چند خوانده نمیشود. پایان فرسوده و پاره شده و نیمهٔ بیشتر سطرها رفته است.

۱۵ ۳ ـ در رمل است بتازی و قصیده‌ای در رمل بقافیهٔ را والف با رموز و با نشانه‌های رمل میان بیتها در آغاز هست. بسیار شیوا و روشن نگاشته شده و گذشته از قاعده‌ها مثالهائی از هر گونه هست .

آغاز: بسمله قال صلی الله علیه و آله تفألوا . بالخیر ولاتطیروا وهو حسن عجیب یستحسنه العاقل اللبیب وقد اختارات العرب الفال .

۲۰ انجام: و کلما یرجوه فهو یحصل وهو سبحانه وتعالی اعلم .

[۱۱۹۸]

۸۲۱ این نسخه ش۹ دفتر است و بخط نسخ درشت‌تر از شمارهٔ پیش و با کیزه با رقمها ونشانه‌ها وجدولهای شنگرف و با عنوانهای شنگرف درهامش و تاریخ شب چهارشنبه ۱۵ رمضان ۱۳۱۷ گ ۱۵ب ـ ۵۰الف .

۲۵ ٤ ـ نامه‌ایست در رمل بتازی و دارای فائده‌هائی چند، وجدولهائی در آن هست.

آغاز: فائدة جليلة وهو انك اذا ضربت الاشكال الستة عشر و لم تجد هذه الاشكال الثوابت .

انجام: و يدل على الخير الكثير و حسن العاقبة فی جميع الامور. و الله اعلم

[۱۱۹۹]

۸۲۱ این نسخه ش۱۲ دفتر است و بخط نسخ محمد ابراهیم بن مرتضی الیالوروی در شب پنجشنبه ۱٦ ج۲ سال ۱۳۱۸ گ ٦۰ پ ـ ۸۰ پ. ۵

۵ ـ این نامه در رمل و بتازی و چهار فصل است .

آغاز آنچه در نسخه هست : وان كانت نحيسة فبالعكس و كذلك انظر الى الرابع عشر... فصل فی معرفة الدار و سكناها .

انجام: فصل فی الحکم على المسئلة فی الضمير ... تفعل فی حكم الطرابلسی فالجميع محل الاصابة وهذا تسكين الهمدانی . ۱۰

[۱۲۰۰]

۸۲۱ این نسخه ش۱۳ دفتر است و بخط ش۱۲ گ ۸۱ الف ـ ۸۲ الف و در ۸۲ ب ـ ۸٦ ب ۵ جدول است بفارسی .

٦ ـ این نامه در رمل و دارای یک مقاله و چند باب و چند فصل است و آغاز آن مانند ش۲/۸۱۸ است مگر اینکه بیداستکه دو نامه میباشند. در این از زنانی یاد شد. ۱۵

آغاز: هو الله تعالى . بسمله . بدان اسعدك الله تعالى که جملهٔ اشکال رملیه شانزده است .

انجام: ضرب کردیم ⁝ شد و طریق از این است .

[۱۲۰۱] ۲۰

۸۲۱ این نسخه ش۱٤ دفتر است و بخط نستعلیق گ ۹۰ پ ـ ۱۰٤ پ . در گ ۱۰۵ الف ـ ۱۰۸ الف ۲۵ قاعده است در ضمیر بدینگونه: «فصل الاول در باب ضمیر ۱ قاعده ۱ از طالب و مطلوب میگویند و اصلی عظیم دارد ـ فقل له اضمرت كذا كذا. و الله اعلم» آنگاه بندی بپارسی و تازی بدینگونه: «فصل در احکام خبایا . اذا اکملت ضربك المسئلة فانظر الى الثالث عشر و الرابع عشر من المسئلة ـ الطالع الرابع فی الشمال. الله اعلم» گ ۱۰۹ الف ـ ۱۱۱ الف . آنگاه جدول است. اینها بندبسخ و ما نا دنبالهٔ ش۱۳ میباشند . ۲۵

۷ ـ نامه‌ایست دررمل از گمنام.

آغاز: بسمله. اخذ میکنیم طالع را مقدم برتمام کارها ازدوصفحهٔ آخرین.

انجام: ا و ا ح رز وع ب ه س وق ر تمت ... بلاچگونه شود رفع چون‌خلایق را ـ مدام میل‌سوی میسراست وشرب عقار. تمت.

۵

[۱۲۰۲]

۸۶۶ این نسخه ش۲ دفتراست وبخط نستعلیق. گ۴۰الف ـ ۴۱الف.

۸ ـ نامه‌ایست دررمل

آغاز: بسمله. الحمدلله رب‌العالمین ... امابعد بدان‌که بنای علم رمل برچهار نقطه است اول آتش دوم بادسیم آب وچهارم خاك.

۱۰ **انجام:** که درهشتم افتاده ومطلوبش۱اب ÷ بود چون (کم‌دارد).

[۱۲۰۳]

۸۶۶ این نسخه ش۴ دفتر است وبخط نستعلیق گ ۷۶ب ـ ۸۷ب. نیمی از گ ۸۳ب سفید و گ۸۴ـ۸۷ جدول است.

۹ ـ گفتاریست دررمل

۱۵ **آغاز:** دستور العمل رملیکه شخصی چهارپائی از بزرگی طلب‌کرده بود رملی کشیده شد.

انجام: این مطلق باشد. والله اعلم بالصواب.

[۱۲۰۴]

۸۶۶ ۲۰ این نسخه ش۵ دفتراست وبخط نستعلیق تاریخ۵ شعبان ۱۱۱۳ گ۸۸ الف ـ ۸۹ ب.

۱۰ـ نامه‌ایست دررمل ودر چند فصل.

آغاز نسخه‌ها: ۱۳۶ ۱۰ ۵ ۱ ... فصل دربیان روز وهفتهٔ ماه وسال.

انجام آن: وسیمرا با ۹۰ مناسبت هردوخانه (کاغذ بریده شده ونیمهٔ سطر آخر خوانده نمیشود).

[۱۲۰۵]

۸۶۶ این نسخه ش۶ دفتر است و بخط نستعلیق گ۹۰الف ـ ۱۰۸ب. در گ ۱۰۹ الف ـ ۱۱۲الف سه استخراج رمل است بنسخ .

۱۱ ـ نامه‌ایست دررمل .

آغاز: باب دراحکام دریافت نمودن دائرهٔ رمل. بدانکه شخصی آمد رملی زدیم .

انجام : ٤خانهٔ آبی شمالی مونث ... .

[۱۲۰۶]

۹٤۰ این نسخه بخط نستعلیق است .

(۳۴۳) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج قهوه‌ای ساده یک ۵

اندازه : ۱۶×۲۱ و ۱۳×۱۸س۱۹

[۱۰۳۶] **رمزالحکما** (فارسی)

این نامه درکیمیاست ودر آن ازهرمس وبلیناس وطغرائی‌وابن امیل(محمد تمیمی) وجابر وخالد وسراینـدهٔ شذور وذوالنون و جلدکی و مارس ومارقس و افلاطون یادگردید .

آغاز: بسمله. حمد. صلوة. امـا بعد بدانکه این‌رساله رمزالحکما است و بهترین‌رساله‌ها رموزحکما است... ازآنچیزیکه رمز کرده‌اند... دروصف جوهری واحدی که اوماده اول است .

انجام : تکلم کردن مردمان‌را برغیراین قول هرآینه میدانستند اوراطفلان درمکتبها وزنان درخانه‌ها البته .

[۱۲۰۷]

۱۰۸۷ این نسخه ش۲۹ دفتر است وبخط ش۲آت. گ۱۹۳الف ـ ۹۷ب .

[۱۰۳۷] **شانه‌بینی** (عربی)

دراین رساله قاعده‌هائی یاد شده که ازروی نشانه‌های شانهٔ گوسفند دربارهٔ

کار وسرگذشت و آیندهٔ شاهان وفرمانروایان ووزیران وبیماران ودربارهٔ باران و سفر وزناشوئی و کوچیدن ازجائی بجای دیگر بتوان پیش بینی نمود.

آغاز: بسمله. رسالة فی علم الاکتاف جیدة. خذغنما بنیة ماسأل عنه وان کان من مال السائل کان اجود.

۵ انجام: واذاکانت الدائرة علی الجانب الایسر وفی وسطها نقط سود دل علی تلف المال وسلامة النفس. تمت.

[۱۲۰۸]

۱۰۳۸ این نسخه ش۱۲ دفتر است و بخط شکسته نستعلیق ودرپایان دارد: «نقل من نسخة نقلت من خط استادالبشر غیاث العلماء وغوث الحکماء رحمه الله تعالی» گ۱۰۱ب

۱۰ ۱۰۲ ب پیداستکه از روی نسخه‌ای نوشته شده که از روی نسخهٔ خط غیاث منصور دشتکی که چندبار مقابله کرده بود نوشته‌شده و نسخهٔ ایندانشمند کم وکاستی داشت وخود اوهم آنها راشان داد ودرهامش نسخهٔما گ۱۰۱ب صورت خط اوهست.

دردنبال این درگ۱۰۲ب در۱۵س گفتاری است چنین: «قاعدة فی معرفة خطوط الکف. اذاکانت خطوط الکف ملتویة فصاحبها طویل العمر- وان کانت الخطوط مایلة

۱۵ الی جهة الساعد فانه یشعف بالنساء. منقول من خط استادالبشر» این گفتار در کف‌شناسی است وازروی خط دشتکی آورده شده وش۱۳ دفتر است.

[۱۰۳۸] **شانه‌بینی** (فارسی)

این رسالهٔ پارسی نیز درشانه‌بینی است.

آغاز: اما بعد این رساله‌ایست درشرح احکام شانه‌بینی که ازشاگردان ارسطا-

۲۰ طالیس حکیم منقول‌شده وامام فخرالدین رازی در کتاب یواقیت العلوم آورده باین عبارت که نظر کردند بشانهٔ گوسفندان که درو خطوط نموده شود برنگهای مختلفه.

انجام: ودر هرخانه بدین نوع حکم توان کرد. وهواعلم.

رساله‌ای درطوس (ش۷۳ ریاضی) هست بپارسی که جزاین رساله‌ها است.

[۱۲۰۹]

۴۸۲ ۲۵ این نسخه شماره ش ۳ دفتر است وبخط شکسته نستعلیق گ ۱۵۳ ب - ۱۵۷ الف.

[۱۰۳۹] **الشجرة** (فارسی)

این نامهٔ کیمیائی از هرمس پنداشته شد و در آن از نگارندهٔ الشذور فی الحکمة المعدنیه، ابن ارفع راس برهان الدین ابوالحسن علی بن موسی انصاری مغربی اندلسی م ۵۹۳ (ش ۷۲۳ مجلس ـ ص ۴۱ سیگل) و گفتگوی اندراس حکیم باماریه و از جلدکی م ۷۵۰ واجساد سبعهٔ جابر و نیز همان شیخ برهان الدین صاحب دیوان (الشذور) و کتاب میزان یاد گردید. دربرگ ۴۴ نسخهٔ مابیکره‌ای رنگارنگ از درخت هرمس با پرندگان دیده میشود.

آغاز: هذا رسالة الشجرة من قول هرمس الحکیم. بسمله و به نستعین وصلی الله علی محمد و آله. اما بعد. بدانکه صورت شجره که تصویر کرده است اوراهرمس.

انجام: وظاهر او سفید است مایل بزردی و باطن او احمر پاکیزه.

[۱۲۱۰]

۱۰۸۷ این نسخه ش ۱۶ دفتراست وبخط ش ۲ آن. گ ۴۴ ب ـ ۴۹ ب.

[۱۰۴۰] **الشمس (کتاب ...)** (فارسی)

دراین نامهٔ کیمیائی از جلدکی و ابن دباغ و جابر و نوردس واورس واسفیدوس حکیم سخنانی آورده شد.

آغاز: باب قوه‌دهنده آن چیزیکه پیش گذشت وزیادکننده اورا ... واواست رساله که کنایه کرده است او را فیلسوف بسوی شاگردش ... پس کتابت کرد بسوی او که ... بدان بدرستیکه این حجر جوهریست واحد ولیکن منقسم میشود بدوقسم ودوشکل مختلف.

انجام: واکسیر مکتوم و امر پنهان و علم محبوب ... بدرستیکه او عزیز است وحکیم.

[۱۲۱۱]

۱۰۸۷ این نسخه ش ۱۲ دفتراست وبخط ش ۲ آن. گ ۲۴ الف ـ ۲۶ ب.

[۱۰٤۱] **شمس المراد** (فارسی)

شمس الذاکرین محمد باقر بن سلیمان طالقانی از علم عدد و خواص اسماء و طلسم وافسون کاوش نموده و آنچه در کتابخانه‌ها یافت و درست دانست در این دفتر آورد .

۵ **آغاز:** بسمله . حمد بر وفق اعداد نامتناهی مقرون به تسبیح افراد وازواج ازمناه تابناهی ... اما بعد . . . محمد باقر بن سلیمان طالقانی ملقب بشمس الذاکرین عمر خود را صرف در این علم شریف نموده . . . و نام این مجموعه را شمس المراد نام نهادیم .

انجام: وهرچه نیت داشته باشد ازمشروع بهمین نحو عمل نماید . . . و روی

۱۰ مربع مساوی السطور باشد یکی مظهر و یکی مطمر (پس از این دو جدول است ودارد :) و این مربع که درظهر ورق است بنویسد ... لوح درظهر ورق است (یك مربع در پشت گ ۷۵ هست) .

[۱۲۱۴]

۱۰۳۱ این نسخه بخط شکسته نستعلیق با جدولها وشکلها و عنوانهای شنگرف است گ ۲ ب ـ ۷۵ پ .

(۷۸ گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشکی ساده

اندازه : ۱۷/۵×۲۷ و ۱۱×۲۱ س ۱۸

[۱۰٤۲] **الصحف الادریسیة** (عربی)

دفتریست در کیمیا که ازادریس پیامبرعبرانی دانسته شد . در نسخهٔ ما ۵٤ صحیفه

۲۰ است وآغاز آن از صحیفهٔ سوم و پس از هفتمین ، فصلی است در ۲٤ صحیفه آنگاه صحیفه‌های دیگرمیآید .

آغاز: اول اصول الصنعة الوشحانية من النبات حشيشة يسمى بلسان اليونانية (بيذور) الارض اغنى كنوزها وهى تسمى بالعبرانية ذوناف و بلسان العربية غاسلة .

انجام: كمل الكتاب، الوضع الاكبر المشار اليه بالاكثر . . . المجوهر وهو مائة

۲۵ وست صحاف . تم الصحف الادريسية .

[۱۲۱۳] (۱...)

۹۵۵ این نسخه بخط نستعلیق ونسخ است . گ ۲ الف ـ ۲٤ الف . در کنار گ ۲
الف بنستعلیق دیگر دارد که سیدضیاءالدین دکنی نوشت : ما آنچه شیث بن
کرام درصحیفهٔ ۳و٤ آورد آزمودیم و درست دیدیم و آسانتر از چیزهای
۵ دیگر و نویسنده میگوید که این داستان را بخط میرزا موسی خوئی تبریزی دیده‌ام .
در گ ۲٤ ب دستور زرنیخ‌الحکماء است بروایت آقا محمد باقر که میگوید از جابر
میباشد . گ ۲٦ الف ـ ۲۷ الف سخنانی است عرفانی بنستعلیق و ۲۸ الف ـ ٤۱
حدیث است بنسخ .

(۴۱ گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشکی تازه
۱۰ اندازه : ۱۵×۲۲ و ۱۲×۱۸ س ۳٦ تا ۳۰

[۱۰٤۳] صنعت الهی (فارسی)

این نامه درکیمیا وبنام « رسالهٔ صنعت الهی » است .

آغاز: بسمله . امابعد . بدانکه : بدرستیکه صنعت الهی ومعرفت صنعت ...
بیان میکنم ازبرای تو من وترا ازاو آگاه میکنم .

۱۵ **انجام** : و اواست درنزد ایشان که نامیده میشود « قنبار » و نرسید بسوی
ما اکثر ازاین . والسلام . سبحانه ، الهدایة .

[۱۲۱٤]

۱۰۸۷ این نسخه ش ۱۱ دفتر است وبخط ش ۲ آن . گ ۲۲ الف ـ ۲٤ الف .

[۱۰٤٤] صنعت الهیه (فارسی)

۲۰ این نامه که گویا از تازی بپارسی شده است ازشیخ امام‌الدین یوسف اموی
است ودر آغازمیگوید که امویان بدین هنرمیبالیدند بردیگرخاندانهای تازی وجز
تازی . در آن از ابن بسطام وسهل‌بن هرقل و عثمان‌بن سرسرالیمنی و امام عبدالله
الاموی و هرمس و سقراط و افلاطون وسوسان بن بقراط اسرائیلی و ابن مظرف
کنعانی یاد میشود .

۲۵ **آغاز:** رساله در علم صنعت الهیه از قول شیخ امام‌الدین یوسف الاموی
درحجرحکماوتدبیراو . امابعد گفت‌شیخ‌امام‌الدین‌یوسف‌المشهور بالاموی‌بدرستیکه

سرقدیم وعلم عظیم علم صنعت الهیه است .

انجام : پس بتحقیق که کشف شد حجر با مثالهائی که دوراست از او و خدای تعالی هدایت کننده است براه مستقیم . تمت . والسلام .

[۱۲۱۵]

۱۰۸۷ این نسخه ش ۲ دفتراست وبخط نسخ ونستعلیق با عنوانها ونشانه‌های شنگرف ودرجدول شنگرف . حاشیه‌هائی دارد . گ ۲ ب - ۷ ب ۱۰/۵ × ۱٦ .

[۱۰٤۵] صنعة الطبیعة و سرائر الخلیقة (عربی)

بلیناس یا بلینوس یا آپلونیوس APollonius از مردم توانا Tyana (طوانه)بوده ودرهمین دفتر نیزدارد که «کنت یتیما من اهل طوانة» واورسالة التنجیم

۱۰ نیزدارد که حنین‌اسحاق بتازی درآورد و کتاب‌اجرام سبعه (دائرة‌المعارف اسلامی) این‌دانشمند جز کایوس پلینیوس (۲۳-۷۹) طبیعت‌شناس ونویسندهٔ رومی‌ونگارندهٔ تاریخ طبیعی و جز آپلنیوس پرکامسی (۲٦۰-۲۰۰ پیش‌از م) نگارندهٔ مخروطات میباشد .

این نامـه بگواهی پایان آن دیباچه ایستکه آپلونیوس یـا بلیناس و بلینوس

۱۵ بر «صنعة‌الطبیعة و سرائر الخلیقة» خود بروش رمز و عرفان نوشته و از ارناس وایلوس و افلاطون قبطی و آمینس وطیسوس واسلقیاس و پیروان طلوقس و مردم مصروفیوم وحلوان یاد نمود و از «کتاب‌الحیوان و علل اجزائه» و یکی یا چندتا بودن خدا وچهارعلت مادی وصوری وفاعلی وغائی (۳ ب) بدین نامها «علت ولای شیء -سبب ومن‌ای‌شئی- فعل‌و کیف یکون‌الشیء- فاعل‌وبای شیء یکون‌الشیء»

۲۰ آنگاه میگوید که‌من این‌چهار را دردو دفترنگاشتم وعلت وسببرا در «کتاب‌العلل المعلولة» که‌همین نامه باشد گذاردم وفاعل وفعل را در «کتاب‌الخلق‌المخلوقة» .

درآغازمیگوید : انابلینوس‌الحکیم صاحب‌الطلسمات والاعاجیب» و من یتیمی ازطوانه بودم ودرشهرخود پیکره‌ای سنگی‌روی ستونی چوبی بدیدم ورروی ستون نوشته بود «من هرمس مثلث بحکمت هستم واین افزاررا ساخته‌ام ودانش‌خودرا

۲۵ درآن نهان کردم و جز خردمندان بدان نخواهند رسید» برب‌الای پیکره بزبـان

نخستین نوشته بود « آنکه خواهان دریافت راز آفرینش وساخت طبیعت است بزیر پایم بنگرد » مردم چیزی ازاین نوشته نمی یافتند و بدانجا مینگریستند و چیزی نمیدیدند . من بزرگ‌شدم و یافتم که چه از آن خواسته شده و زیر آن ستون را کندم سردابی تاریك در آنجا بدیدم که بادر آمدن آفتاب بادتندی در آن میوزید .

۵ من اندوهگین شدم که درتاریکی نمی‌توانم بدانجا برسم و بادهم نمیگذارد که چراغی در آنجا برفروزم . دراین اندیشه بودم که آن پیکره برمن آشکار گشت و گفت بدانجا برو تا براز آفرینش و ساخت جهان برسی . گفتم نتوانم . گفت چراغ را درگوشه‌ای بگذارو با روشنی آن برو . من خرسند شدم و پرسیدم کیستی ؟ گفت : «اناطباعك التام» بیدار که شدم چنانکه او گفت بدانجا رفتم وپیری دیدم که برتختی

۱۰ زرین نشسته لوحی زبرجد سبز بردست وبر آن نوشته بود «اینست ساخت جهان» درجلوی اودفتری دیدم که در آن نوشته بود « اینست راز آفرینش و دانش علتهای چیزها» من دفتر را گرفتم واز آنجابیرون آمدم وجهان را از آن بشناختم وخردمندی بنام‌شدم وطلسمها وشگفتیها کردم. مزاجها و چهار طبع و آمیزش وناسازگاری آنهارا از آن دریافتم و برای آیندگان نامه‌ها نوشتم چنانکه پیشینیان کرده‌اند ـ آنگاه

۱۵ پس ازیاد کردن مبحثهای این دفتر که علمهای قدیم در آنست میگوید که من در نگاشتن آن برای دوستان وخویشاوندان وفرزندان خود کوشیدم ورنج بردم ـ بآنها سوگند میدهد که آنرا بیگانگان ندهند ـ باز میگوید که چون این نامه دراز بود من آنرا چندپارهٔ پیوستهٔ بهم ساختم . درپایان دارد که که کتاب‌العلل پس ازاین میآید .

این نامه « الجامع للاشیاء فی تکوین خلقة الخالق فی علل المعلولات » و

۲۰ « کتاب‌العلل » و « سرالخلیقه » و « سرالخلیقة وصنعةالطبیعة » و « سرایرالخلیقة المخلوقةالتی تجوزعلیهاالکیفیة والکمیة » و «تکوین‌الخلق وعلل‌الاشیاء» نیز نامیده شده است . سیگل در ص ۱۲ نسخه ش ۸۲/۳ گوتارا شناسانده و نسخه‌های دیگر آنراهم نشان داد وبندهائی ازآن را آورد .

آغاز: بسمله وبه ثقتی . والحمد والتقدیس لربنا . اقول علی کتابی هذا واصف

الحکمة التی ابدیها التسمعوا حکمتی ... انا بلینوس الحکیم صاحب الطلسمات والعجائب .

انجام : ففی هذه لمن ذکرت بیان لمن کان یعقل . و من الناس من ینکر بعضه و یقر بعضه . و علی هذا کلام کثیر ترکناذکرها کراهیة کثرة الکلام . تمت ماصدر به کتابه بلینوس فی صنعة الطبیعة و سرایر الخلیقة ویتلوه بعد کتاب العلل . والحمدلله

۵ رب العالمین . و باسمائه العظام (چهارده نشانهٔ رمز در اینجا دارد) .

[۱۲۱۶]

۴۹۱ این نسخه ش ۱ دفتر است و بخط نسخ با عنوانها و شکلهای شنگرف درحیدرآباد . گ ۱ ب – ۱۰ الف .

(همهٔ دفتر ۲۰۶ گ) – کاغذ فرنگی – جلد تیماج سرخ ضربی

۱۰ اندازه : ۱۴×۲۲ و ۸×۱۶ س ۳۵

[۱۰۴۶] **طلسمات** (عربی)

دراین نامه از اختربینی وطلسم و تمازهای ستارگان گفتگوشده است ودر آغاز آن از « مکعب افلاطون » یاد گردید واز آن همان افسانهٔ تضعیف مکعب خواسته شده که در مشکلات العلوم نراقی و شرح دیوان میبدی دیده میشود و ریشهٔ آن

۱۵ افسانه دلس (Déliaque) میباشد (تاریخ ریاضی دکتر مصاحب ص ۲۷) در آن ارشمیدس آورندهٔ طلسمها نامیده شد مانا از آن کارهای علمی خواسته شده که او در مکانیك وحیل کرده است .

آغاز : طلسمات علم اخترعها ارشمیدس علی ماحرر . وقیل اول ماوضع فیه مکعب افلاطون وهوعام مادته الفلك وانواع المولدات وصورته کمال الهیاکل وغایته محاکات

۲۰ الطبیعة الاصلیة و فاعله الحکیم و یحتاج الی الطب فی احکام الطبایع ... وهل الطب محتاج الیه ؟ فیه نظر !

انجام : وان قربت له قربانامن حیواناته فتح منح الشمس . والله اعلم . ختم بالخیر والکرامة .

[۱۲۱۷]

۹٦۰ این نسخه ش ۳ دفتراست و بخط نسخ با عنوانهای شنگرف محمد حسن بن محمدتقی محلاتی درتهران روزدوشنبه ۲۷ محرم ۱۲۸۳ گ ۱۷۰ الف - ۱۹۷ الف.

[۱۰٤۷] غالب و مغلوب (عربی)

دراین گفتار غالب ومغلوب ازهم بازشناخته میشود . ۵

آغاز: فائدة فی معرفة الغالب والمغلوب وهوباب مليح مجرب من عمل الشیخ ابوالخیرالرمال · وذلك ان تضرب اذا اردت ان تنظر حال الخصمین .

انجام : العراس نارية ... هوائية ... مائية ... ترابية ☱ ÷ ÷ ÷

[۱۲۱۸]

۸۲۱ این نسخه ش ۱۰ دفتراست وبخط نسخ ش ۹ گ ۵۰ ب - ۵۱ الف . ۱۰

[۱۰٤۸] فتوحات غیبیه (فارسی)

چنانکه درعنوان نسخه آمده گزارشی است برقصیدهٔ محمد زکریای رازی ؛ دربارهٔ حجرحکما و در آن ازسرایندهٔ شذور (ابن ارفع راس) یادگردید و خود قصیدهٔ رازی در آن دیده نمیشود . متن تازی « الفتوحات الغيبية فی تدبیرالارواح الحكمية » در ۷ باب درگوتا ش ۱۲۹۵/۱ در ۱۰ برك هست و سیگل در ص ۵۸ ۱۵ فهرست خود آنرا شناسانده وبرخی آنرا از عبدالکریم بن یحیی بن عثمان مراکشی پنداشتند . سیگل ازرازی نام نبرده‌است .

آغاز: رسالهٔ فتوحات غیبیه در شرح قصیدهٔ محمد زکریای رازی در حجر و تدبیر آن (عنوان) بسمله . حمد . اما بعد . بدان بدرستیکه این رسالهٔ شریفه رسالهایست آنچنان رساله که گفتم اورافتوحات غیبیه . باب اول ازاین کتاب دربیان ۲۰ معرفت حجرمکرم است که حقیراست وعظیم است .

انجام : و تصرف کن بآنچیزیکه خواهی و بهرنحو که خواهی با آنچیز که رضای الله تعالی است تا اینکه سعادتمند شوی وراه راست یابی .

[۱۲۱۹]

۱۰۸۷ این نسخه ش ۲٤ دفتر است و بخط ش ۲ آن . گ ٦٤ الف ـ ۸۵ الف .

[۱۰٤۹] **کتاب اسطانس الاکبر** (عربی)

این نامه در کیمیا واز اسطانس (Osthanes) بزرگ دانسته شد و در نیمهٔ دوم
۵ آن ۲۹ باب از حکمت اسطانس آمده ودر آن (گ ۲۸ الف) از زاوش (زئوس)
پروردگار و رب النوع یاد گردید . با افسانه های عبری آمیخته است و از نامه های
پارسی وهندی در آن یاد شد واز فرزانگان پارس .

آغاز: بسمله . کتاب اسطانس الاکبر . قال اعلموا یا ابناء التعلیم و طلاب الحکمة
الالهیة اخلصوا نیاتکم وانظروا باعین قلوبکم .

۱۰ **انجام** : ثم اقبل بعد ذلك علی الرد والتدبیر انشاءالله تعالی . کمل وتم مصحف
الحکیم اسطانس بحمدالله وعونه . والحمدلله وحده . وصلی الله علی سیدنا محمدو آله.

[۱۲۲۰]

۹٤۱ این نسخه ش ۸ دفتر است و بپایان خط ش ۱ و در نیمهٔ روز پنجشنبه ۲٤ رمضان
۱۱۰۲ درجامع سپاهان نوشتن آن بپایان رسید . گ ۲٤ ب ـ ٤۲ ب .

۱۵ [۱۰۵۰] **کنز الاسرار** (عربی)

عبدالرحمن بن محمد بن علی بن احمد حنفی درمذهب وبصیرت وتفرید وبسطامی
درمشرب و سریرت وتجرید ایندفتر را درجفر و جادو و حروف و اعداد نگاشته
ودرروزچهارشنبه ۲۸ ع ۱ سال ۸۹۰ آنرا بپایان رساند (۱۹۵ الف ـ ۲۳۰ الف ـ
۳۰۰ الف) (۱) .

۲۰ جدولهای حروف و مربعهای وفق اعداد در آن بسیاراست . از قلمهای پیامبران

۱ـ چلبی (۲ : ۲۳۲) میگوید که « کنز الاسرار وذخائر الابرار» از هرمس است
وابوعبدالله یعیش بن ابراهیم اموی « کتاب استنطاقات» را ازروی آن نگاشته است .
تنکلوشای بابلی گزارش شگفتی بر آن نوشت وثابت بن قره وحنین اسحاق قباوی آنرا
گزارش کردند و کتابی است ارزنده و پرمایه درعلم اوفاق وحروف ـ پیداستکه آن
۲۵ کتاب ما نیست .

(۱۷٤) وطالع ولادت (۱۸۰) ودریافت دوستی ودشمنی ازروی طالع ونام (۱۸۱ب) نیزیادشده وحرفهای آتشی وبادی و آبی وخاکی در آن شناسانده شد (۱۹۲-۱۹٤) این نامه درسه باب است :

۱- درحروف ودر آغاز آن نامه را «کنز الاسرار وذخائر الابرار فی اجتلاب عرائس الانوار» خوانده است درچهارفصل (۱- اقسام وترتیب حرفها ۱۵۴-۱۵۸ الف ۲- اسرارحرفها۱۶۳ الف ۳- ترتیب حرفهای ابجدی نزدخاوریان وباختریان که اینهم چند فصل است : طبیعت حرفهای مفرد مشرقی ومغربی۱۶۳ ب ودراینجا ازنگارندۀ عقد منظوم یاد شد - طبیعت مزدوج آنها ۱٦٤ الف - حالات و تجلی وقوه واصل حرفها (۱٦٤ ب -۱٦۷ ب - ۱٦۸ الف - ۱٦۹ الف) - حرفهای عربی ۱۷۰ الف - حرکات ۱۷۳ب ٤- در«سرالله فی کل امة کتابها وسر کتابها فی الحروف» که اینهم چند فصل است) .

۲- درخواص واسرارحرفها بترتیب ابجدی ۱۹۵ الف .

۳- بنام «کشف الحقائق النورية فی وصف الدقائق الحرفیه» در گزارش «بحر الوقوف فی الاوفاق والحروف» که اخوان صفا وخلان وفاخواهان آن هستند (۲۲۹ الف - ۲۳۰ الف) اینهم درچهار باب است (۱- حرفها و هستیها ۲۳۲ الف ۲- تکسیرحرفها برای اسماء حسنی ۲٦٤ ب دردوفصل ۳- وفقها ومربعهای حرفها درچند دره دربارۀ قاعدههای حرفها سپس چندین فصل است ۲۷۲ الف تاپایان وباب چهارم عنوان ندارد) .

نگارنده درگ ۲۳۰ باز از «کشف الحقایق . . .» نامبرده و گفته که آنرا برای بزرگی نوشته و از شمس المعارف و لطائف العوارف و چندین دفتر دیگر برگزیدم .

در آن یاد میشود از شیخ اباالعباس احمد بن علی بن یوسف بونی قریشی (نورالله مرقده) ومواقف الغایات فی اسرار الریاضات الکبری وشمس المعارف ولطائف العوارف او (۱۷٦ الف -۲۳۲ الف - ۲۷٦ ب - ۲۸۹ ب - ۲۹۱ ب - ۲۹٦ ب -

٢٩٧ ب) ـ الدرة الناصعة فی کشف علوم الجفر الجامعه. نگارنده ودراینجاباز گشت
میدهد به اخوان صفا وخلان وفا (١٧٤ الف) ـ اکیغیاش روحانی هندی (١٥١
الف) ابوطالب مکی (٢٨٩ ب) ـ امیرالمؤمنین ویعسوب المسلمین اسدالله الغالب
(٢٣٤ ب) و مربع کشیدن او برای پیروزی درجنك (٢٥٦ ب) ـ ابوعلی حسن بن
٥ علی بن احمد تمشتری وشرح او برلمعهٔ نورانیه (فصل١ باب ٢ ازباب ٣ گ ٢٦٧
الف) ـ مقاتل بن سلیمان (٢٨٧ ب) ـ سهل بن عبدالله تستری وابوعبدالله محمدبن
یعقوب کوفی (٢٩٦ الف و ب) ـ شیخ زین الدین کافی (٢٣٣ب ـ ٢٨٨ الف) ـ شیخ
ابوالحسن الحرانی (١٥٨ب ـ ١٦٠ب) ـ ابوعبدالله قریشی (٢٩٨الف) ـ شیخ شهاب الدین
سهروردی (٢٨٩ب) ـ استادابوالقاسم قشیری (٢٩٠الف) ـ ابوعلی دقاق وجوهری
١٠ (٢٩١ الف) ـ شیخ ابوالحسن شاذلی (٢٩٨ الف) ـ سهل بن عبدالله تستری و
ذوالنون بصری وابن عربی (٢٩٢ الف) ـ شیخ عبدالقادر کیلانی ٢٩٤ الف ـ شیخ
نجیب الدین سهروردی ومحیی الدین بن عربی (٢٩٥ الف) ـ ترمذی وحسن بصری
(٢٩٤ ب) ـ شیخ ابومحمد عبدالحق بن سبعین الاشبیلی الاسبانی قدس الله روحه
(١٦٠ ب ـ ١٧٦ب ـ ١٨٦ الف) ـ گفتهٔ اودربارهٔ حرفهائیکه درپیشانی جن نوشته
١٥ شده (١٩٠ ب) ـ غزالی دراحیا (٢٨٧ الف) که دعائی آورد ـ کتانی که درخواب
از پیامبر دعائی آموخت ٢٨٧ ب ـ ابوعبدالله قریشی و ابی محمد مغا در (٢٩٨ ب)
عبدالقادر گیلانی وشیخ عباس موسی (٢٩٤ الف) .

آغاز: بسمله . اعلم ایهاالولی الرحیم ان الباری عزوجل ابدع الموجودات واودع
فیها علی حسب اختلاف طبایعها و تباین انواعها خواص غریبة و منافع عجیبة یعرفها
٢٠ الراسخون فی العلم وهی الانبیاء والاصفیاء والاولیاء ثم العلماء .

انجام : فرحم الله من شرب کوثر هذه المعانی وطرب علی جوهر هذه المثانی فی
جنان وصاله مع جنا (ن) کماله والحمدلله . . . وصلی الله علی سیدنا محمد ... وعلی
آله وصحبه مفاتیح کنوز نواله ومصابیح رموزجلاله قال المؤلف غفر الله له ذنوبه وستر
عیوبه : تمت ، وکان الفراغ من تألیف هذه الفوائد الجمیله فی یوم الاربعاء ٢٨

ربیع الاول سنة ۸۹۰.

[۱۲۲۱]

۸۱۶ این نسخه ش ۲ دفتراست وبخط نسخ باعنوانها و نشانه‌ها وحرفها بشنگرف و جدولها دارد. گ ۱۴۷ ب ـ ۳۰۰ الف. درپایان چند بند است بپارسی بنستعلیق درخواص مثلث سه درسه وخواص آیات ومربع شش در شش گ ۳۰۰ب ـ ۳۰۲ ب. ۵

[۱۰۵۱-۱۰۵۲] **گفتار الحاكم بالله** (فارسی)

دو گفتاردرباره «حجر» از الحاکم بالله دردفتر ش ۱۰۸۷ این کتابخانه هست و پیداستکه ترجمه میباشد.

۱: **آغاز:** نسخه درحجر وتدبیر حجر وثبوت درو حدت حجراست و کلام حکیم الحاکم بالله است. بسمله. و به نستعین و صلی الله علی محمد و آله اجمعین بدان ای فرزندکه حق تعالی خلق را بیافرید بقدرت خویش وتدبیر کرد ایشان را بحکمت خویش. ۱۰

انجام: و بوقت ناشتابکرد و این رنج از وجود او زایل شود وصحت یابد. (۴۹ب ـ ۵۱ب) دراین یکی ازنسخه‌ایکه درسرای خالدبن یزید دردمشق درمحرم ۱۰۱ یافتند یاد گردید (۵۰ ب) و از درمانیکه ابوشمس مغربی با روغن مو کرده است. ۱۵

۲: **آغاز:** نسخهٔ رسالة حاکم بالله درصناعة الهیه است وعمل وتدبیر حجر حکما وعلامت و ارشاد او و از هرباب (عنوان) بسمله. وبه نستعین. حمد. صلوة. امابعد. گفت از برای او کسیکه وصف کن تو از برای ما حجر حکمای که میدانند اهل این صنعت بعینه بغیر رمز وبغیر تعب و بغیرظلم. ۲۰

انجام: شمع برجسد ذایبه پس قلب میکند ایشان را بعون الله تعالی. (۵۹ الف ـ ۶۴ الف).

[۱۲۲۳-۱۲۲۲]

۱۰۸۷ این دو نسخه ش ۱۷ و ۲۳ دفتر است و بخط ش ۲ آن .

[۱۰۵۳] **گفتار مجریطی** (فارسی)

این گفتار از مسلمة بن محمد مجریطی میباشد و پیداستکه از کتاب او بپارسی
۵ درآوردند . درمجلس (ش ۲/۳۷۰) از مقالهٔ ابومسلمهٔ مجریطی درعلم کیمیا یاد
شده است .

آغاز: نسخهٔ مسلمة بن محمد مجریطی - بسمله و به نستعین . حمد از برای
خداوندیکه موصوف است بمحمودترین صفات ... امابعد . عارض شد ازبرای من
ازظریف علوم فکریه وصحائف اسرار صفویه آنچیزیکه واجب بود اجتهاد برروشن شدن
۱۰ حقایق او .

انجام: نرسیده است بآنها بندهٔ او وایمن نشده‌اند ایشان ازغضب او . ولاحول
ولاقوة الا بالله العلی العظیم .

[۱۲۲٤]

۱۰۸۷ این نسخه ش ۲۲ دفتر است و بخط ش ۲ آن . گ ۵۷ الف - ۵۹ الف .

۱۵ [۱۰٦٤-۱۰۵٤] **گفتارها در اکسیر و حجر** (فارسی و عربی)

درنسخهٔ ش ۱۰۸۷ یازده نامه و گفتاردرباره اکسیر وتدبیر حجر هست که اینك
شناسانده میشود .

۱ - از کاشف الاسرار وبتازی که ازساختن اکسیر گفتگو کرده ودرمیانهٔ آن ازخود
نامبرده ومیگوید که من تاساعت ده شب بیدارماندم واین را پرداختم واین مصرع
۲۰ را میآورد : « رنج راحت دان چه شد مطلب بزرك » .

آغاز: بسمله . خذالشجرة الطوریة فی برج الحمل ممن هو ما بین الخمسة عشر
الی الثلثین . والاسود احسن من الاشقر واغسله عن الاوساخ واقرضه ناعما وضعه فی القرع
الی نصفه واربط علیه الانبیق وقطره .

انجام: وان القیت الابیض علی الفضة کان اکسیرا. فافهم فقد شرحت... وللتردد مدخل تام. والله الموفق للصواب. اللهم سهل لمن هو علی شفیق وتمم له بمحمد و آله واجعل التوفیق له خیر رفیق (کتب کاشف الاسرار بیمینه. ف. م.) (ش ۱ گ ۱ الف و ب)

۲ ـ از شیخ عبدالمجید مصری صاحب فتوحات و نگارندهٔ دفتری بتازی در کیمیا بنام سر الله المصون (ش ۷۲۱ مجلس) (عنوان نسخهٔ ما) در آن از هرمس و افلاطون ورطباً بن یومه یاد شده است.

آغاز: بسمله. گفت: بدان درستی که افضل تدابیر این حجر مکرم شریف آن چیزیست که سالم باشد آبش از سوختن.

انجام: واین نصیحتی است از برای تو و از برای برادران مؤمن وجمیع مسلمانان عاشق این صناعت. بعون الله تعالی (ش ۴ گ ۸ الف و ب).

۳ ـ از افلاطون که در آن «حجر حکما» را میشناسانند. پیداست که از تازی بپارسی کرده‌اند.

آغاز: بسمله. این رسالهٔ افلاطون است و تعریف کرده‌اند فهم تند که رغبت دارنده است. و گفته در اول او رحمت خدای بر تو بادای برادر برقدر آنچیزیکه بیان کردم تورا.

انجام: من وصایای خود را. خدای تعالی توفیق دهنده است از برای صواب. (ش ۵ گ ۱۰ الف ـ ۱۱ ب).

۴ ـ این گفتار که در اکسیر فیلسوفان است.

آغاز: بسمله. ایضا درچهار رقعهٔ مبقلهٔ دیگر. فائده در تدبیر تنهائی. بسمله. که وضع کن از آن حجر پنجاه مثقال درقرع وتقطیر کن برطوبت.

انجام: که بهتر از طلای معدنیست و نیکوتر. پس شکر کن خدای تعالی را مکرر. والسلام. (ش ۶ گ ۱۱ ب).

۵ ـ این نامه که هرمس از لقمان واو از استاد خود فرا گرفته است.

آغاز: این رساله را هرمس از لقمان از استاد خود نقل نموده است ودرجایهای

دیگر باسم هرمس نوشته شد: هذا رسالةالحجر وتدبیره من قول‌اللقمان الحکیم علیه‌الرحمه. بسمله. حمد. اما بعد. بگیر ازبر کةالله ازحجر نیکو وبشو اورا بآب ملح.

انجام: تااینکه برساند الله‌تعالی باین‌نعمت رفیعه. تمام است و کامل است بعون الله سبحانه وتعالی. واواست ارحم‌الراحمین (ش۱۰ گ۱۸ب ـ ۲۲الف).

٦ ـ این نامه که دربارهٔ «حجر» ودرده باب‌است. در آن ازفیثاغورس وهرمس و جابر وهرقل ودسیموس یادشد.

آغاز: هذا کتاب «عمامة‌الحکماء» ؛ بسمله. احمدالله تعالی واصلی‌علی‌رسوله... امابعد درایضاح حجرمشاراليه است. بدان‌بدرستیکه فلاسفه اجتماع کرده‌اندبسوی اینکه حجرایشان حقیراست و خوار وخـالی نیست ازاو بری ونه بحری ونه زمین هموار ونه‌کوه.

انجام: وجسد کردن روحها. واین آنچیزیستکه درترکیب اول ازجماعت‌خلف الحکما (ش۱۵گ۴۰ب ـ ٤٤ب).

۷ـ این‌نامه‌که درتدبیر حجراست.

آغاز: نسخه‌رساله‌ایست درتدبیر حجر کریم که نامیده شده بلبن‌العذرا(عنوان) بسمله. حمد. صلوة. اما بعد. فراگیر حجر کریم‌را وبیرون‌کن آب آنرا پس بینداز ازآن آبرا برقشرحجر.

انجام: پس بکن‌مثل‌آنچیزیکه بتحقیق ذکرکردم ازبرای تواول مرتبه(ش۲۵ گ۸۵الف ـ ۸٦الف).

۸ ـ گفتاری دربارهٔ تحلیل حجر.

آغاز: عمل‌آخر. بسمله. اماعمل درتحلیل حجر، فراگیر حجررا پس‌تقطیرکن واعاده‌کن قاطررا.

انجام: پس طرح کن براو اکسیررا پس قبول‌میکند (ش۲٦ گ۸٦الف‌وب).

۹ ـ نیز دربارهٔ حجرکریم.

آغاز: نسخه دیگر که صاحبش معلوم نیست درتدبیر حجر کریم . بسمله .
این رساله‌ایست از آنچیزیکه عمل کردم من بدست خود درعلم صنعت‌الهیه .

انجام: بوده باشدآتش‌آتش زبل پس‌بفهم تااینکه تمام‌شود. انشاءالله(ش۲۷
گ ۸٦ب ـ ۸۸الف) .

۱۰ — این گفتار که دربارهٔ « حجر » است و دستوری، دانسته‌شدکه یوشع ۵
پیامبرعبرانی داده وترجمه است .

آغاز : نسخهٔ یوشع پیامبر ـ ملاحظه کن و ببین که در چه مرتبه جویا بوده
است وچگونه ازبرای طالبان درحجر وتدبیر آن آشکارا بیان نموده‌است. بسمله.
اما بعدازرسالهٔ یوشع... بعد ازمقدمات بتحقیق که‌ظاهرشدالحال بدرستیکه کبریت
او است طبیعت فاعله درمعدن . ۱۰

انجام: وهرجسدی‌ازاجسادهفتگانه‌برطبیعت کواکب‌هفتگانه‌است.والسلام.
(ش۳۳گ۱۲٦ب ۱۲۸ب) .

۱۱ ـ سخنانی است بپارسی وتازی دربارهٔ اعمال‌کلیه قمری و اکسیر ومـاء
حلال وتکلیس طلی وتبییض کبریت .

آغاز : باب‌سیم‌دراعمال‌کلیهٔ قمری‌است مشتمل برده‌فصل وهرفصلی محتوی ۱۵
اعمالی است که ازاکسیر آن یکجزو هزارجزو تاصد جزو طرح بذیرد ـ فصل اول
درعملی است که ازاکابر اهل‌صنعت برحجرحکماکرده‌اند .

انجام: درتطهیر اجسادباید ازروش‌سابق عمل‌نمائی تاجسد پاك ومطهرشود.
(ش۳٤گ۱۲۹الف ـ ۱۳٦الف) .

۲۰ [۱۲۲۵ ـ ۱۲۳۵]

۱۰۸۷ این نسخه‌ها بخط نستعلیق ونسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف ودرجدول
شنگرف میباشد. ش۱ بنسخ دیگر وتازه‌تر ودرجدول نیست .

(همهٔ دفتر۱۴۵گ)ـ کاغذ فرنگی ـ جلدتیماج سرخ‌ضربی

اندازه: ۱٦٫۵×۲۲ و۱۴٫۵×۲۰ـ۲۴س

[۱۰٦٥] **گفتگوی جاماسب و اردشیر** (فارسی)

گفتگوی این فرزانهٔ ایرانی و آن پادشاه ساسانی دربارهٔ تدبیر حجراست و نامه ایستکه جاماسب بدو مینویسد دربارهٔ اکسیر ودر آن ازذیمقراط وارسطو یاد گردید.

۵ **آغاز:** مناظرهٔ حکیم جاماسب بااردشیر بابك درباب حجروتدبیر او ـ و بدان بدرستیکه بیامرزد خدای تمالی این حکیم راکه عجب بخششی کرده است دراین رساله ... اما بعد. ازجاسب حکیم بسوی اردشیربادشاه که تاج حکمت داشته.

انجام: ذکر کردم ازبرای توای ملك عمل‌حکما راتماما و گفتم چیزیراکه خبر نداده بود براو احدی و میترسم ازملعون بودن نزدحکما.

۱۰ [۱۲۳٦]

۱۰۸۷ این نسخه ش۲۸ دفتراست وبخط ش۲آن. گ۱۸۸الف ــ ۱۹۳الف.

[۱۰٦٦] **متفرقات حکما** (فارسی)

دراین گفتارهای پراکنده سخنان محمد زکریای رازی وجابر وملك آرس در کشف‌الاسرار وابن امیل (محمدتمیمی) وسرایندهٔ شذور وشارح کتاب‌الرحمة و

۱۵ نویسندهٔ کتاب خمایر وجاماست وبلیناس وارسطو وراهب وذیمقراط ودیسموس و هرمس وهرقل و طغرائی درتراکیب‌الانوار و کتاب‌الرحمه وحکیم عارف در تفسیر درجات‌عمل و نگارندگان کتاب حقائق‌الاستشهاد ودرةمنصوره‌وشرح شذورو کتاب مفتاح و رسالهٔ شیخ صدرالدین آمده است.

آغاز: نسخهٔ دیگر ازمتفرقات حکما ازتصانیف محمدبن زکریارازی. بسمله.

۲۰ حمد. صلوة. امابعد، ازجملهٔ متفرقات، ترکیب‌اول‌واو آنچنان ترکیب‌است گفت‌در این هرمس: بگیرشمسیهٔ حارهٔ یابسه پس‌بینداز اورا درقمرمائی باردرطب.

انجام: ازکبریت یازده جزو وازجسد یکجزو گفته‌اند والله‌اعلم.

[۱۲۳۷]

۱۰۸۷ این نسخه ش۳۱ دفتراست وبخط ش۲آن. گ۱۰۹الف ــ ۱۲۱الف.

[۱۰٦۷] **مرآت العجائب** (فارسی)

این نامه در «علم صناعت الهیه» است و در نه فصل. در آن از هرمس و فیثاغورس وقوطونس و کتاب «ماءالورقی» وخالد و شعرهای او وعبدالعزیز بن تمام و دیمموس و ارسطو یادشده. نگارنده در آن از «رسالهٔ بحریه» خودنام میبرد.

۵ **آغاز:** رسالهٔ مرآت العجائب درعلم صنعت الهیه ومن الله التوفیق وهوالمعین. الحمدلله رب العالمین ... امابعد. این مرآت العجائب است وشرح اشکالی که تصویر شده درمرآت یعنی آینه‌ها واین نه‌فصل است. فصل اول دوشخص ازاو که دراین مرآتست ایشان ذکروانثی‌اند.

انجام: ودرجهٔاول را حذف کردیم نیز بواسطهٔ اینکه فائده نبود دراو واین رساله که بحریه است درصنعت الهیه ونیست توفیقی مگر باستعانت الله تعالی. ۱۰

[۱۲۳۸]

۱۰۸۷ این نسخه ش۸ دفتراست وبخط ش۲ آت. گ ۱۲ب ـ ۱٦ب.

[۱۰٦۸] **مسائل خالد** (فارسی)

این گفتگو ازخالد (پسر یزید) وهریانس راهب پنداشته شده که بپارسی در آورده اند. ۱۵

آغاز: مسائل خالد ازهریانس راهب پرسیدن. بسمله. حمد. امابعد. گفت فاضل: اینست مسائل خالدبن یزید دروقتیکه سئوال کرد هریانس راهب راپس این است اول مسائلی که سئوال کردخالد ازاو. گفت هرمس: ای‌پسر من بگردان تجربه های خودرا درزمانیکه طلوع میکند آفتاب.

۲۰ **انجام:** واز ثفلی که سفیدکرده‌ای که عمل کردی بشبکهٔ موو بگردان این را در قاروره ـ درنسخه دیدیم که تااینجا نوشته بود انشاءالله باقی بهمرسد که تمام نمائیم.

[۱۲۳۹]

۱۰۸۷ این نسخه ش۳۲ دفتراست وبخط ش۲ آت. گ۱۱۲الف ـ ۱۲٦ب.

[۱۰۶۹] مصباح الاستخراج (فارسی)

محمد منعم فرزند شیخ معین اکبرآبادی این نامهٔ جفررا دریك مقدمه و پنج باب (هریك ٥فصل) ویك خاتمه وبنام اورنك زیب نگاشته است. در آن از فیثاغورس و ارسطو ومحیی‌الدین‌اعرابی وشیخ سعدالدین محمود وشیخ ابوالعباس بونی وشیخ ابوالحسن شاذلی و «مشایخ مغاربه» یادکردید . در دیباچه میگوید که اورنك زیب نزد پدرم جفر آموخت وبمن دستور داده شد که این نامه‌را بنویسم .

آغاز: بسمله و به‌نستعین. الحمدلله رب‌العالمین ... اما بعدچنین گوید احقرالعباد محمد منعم‌بن شیخ معین اکبرآبادی که در زمان حیات میمنت آیات پادشاه غفران پناه .

انجام: وبانسابیکه قبل ازاین ذکر شده آنچه مابینها است جواب گوید.

[۱۲۴۰]

۸۶۶ این نسخه ش۷ دفتراست وبخط نستعلیق محمدباقربن مرتضی طباطبائی یزدی نگارنده ونویسندهٔ شمارهٔ یکم (نفحات الاسرار) درنیمهٔ روزپنجشنبه۱ج۱ سال ۱۲۷۷ میباشد وبسیاری ازجاها راسفید گذارده و ننوشته است . گ ۱۱۳ب ـ ۱۵۱ الف .

[۱۰۷۰] المصباح فی علم المفتاح (عربی)

در کیمیااست وازعزالدین‌علی بن ایدمربن‌علی بن ایدمر جلدکی میباشد. این دانشمند ازجلدك که‌دیهی است درخراسان‌دردو فرسنگی‌شهرطوس بوده ودرقاهره میزیست ودرهمانجادر گذشت. وی‌درسال۷۴۲زنده‌بود. این‌دانشمند کیمیاگر نزدیك‌به‌بیست کتاب نوشته ویکی ازآنها همین‌مصباح است‌که درمصر بسال ۱۳۰۲ بخشی ازآن در۱۶۰ صفحه بچاپ‌سنگی رسید (دیده شود معجم‌المطبوعات در کلمه جلدکی ـ ذریعه ج۳ص۶۸ ـ ۷۰و۸۹ـ فهرست کتابخانه مجلس شورای‌ملی درتهران ج۲ص ۴۵۴ وپس‌از آن ـ کشف‌الظنون‌در کلمه کیمیا ـ فهرست نسخه‌های کیمیائی کتابخانهٔ گوتا از آلفردسیگل بآلمانی در ۱۹۵۲ ص۳۲) .

جلدکی در دیباچهٔ این نسخه که دارای جملهٔ۹ سفر۱ تا جمله ۱٦ قسم۲ سفر ۱ کتاب مصباح است از کتاب «البرهان فی اسرار علم المیزان» خودیاد میکند و گوید که آن در چهار جزء است و دو کتاب «الاجساد السبعة» بلیناس و جابر و نیز «الموازین» جابر در آن شرح داده شد و باز یاد میکند از «نهایة الطلب» و «غایة السرور» و «التقریب فی اسرار الترکیب» خود و از امیر کبیر خالد بن یزید نویسندهٔ کتاب «فردوس» و کتابهای دیگر و از جابر حیان و امام مؤیدالدین طغرائی نویسندهٔ «مصابیح و مفاتیح» و از استاد بزرگ مسلمهٔ مجریطی و استاد بزرگ محمد بن امیل تمیمی نویسندهٔ «مفتاح الحکمة العظمی» و از استاد بزرگ و نویسندهٔ «المکتسب» که نام او را نمی برد و می گویدمن «المکتسب» را در «نهایة الطلب» شرح کرده ام. نیز از علی بن موسی سرایندهٔ «شذور» نام می برد و میگوید من این دیوان را در «غایة السرور» در چهار جزء شرح نموده ام. در آغاز (برگ ٥الف) می نویسد که این کتاب را «المصباح فی علم المفتاح» نامیده ام و در دیباچه میگوید که لفظ «کیمیا» عبری است و از «کیم یه» برابر با «از خدا» گرفته شد. در جملهٔ۹ سفر۱ میگوید: اسکندر نامه ای بارسطو نوشته و از گیاهان پرسیده است وارسطو بدو پاسخ داده و یحیی بن بطریق در روزگار مأمون این پاسخ را ترجمه نمود. جلدکی گفتار ارسطورا در پاسخ اسکندر در اینجا میآورد و بخوبی شرح میدهد مگر اینکه این گفتار برمز است و بسبک سخنان ارسطو نیست.

جلدکی میگوید که «مصباح» در ٤ بخش است و هریکی از آنها دارای ۹۰ کلید «مفتاح» و هر دو بخشی در یك سفر میباشد و در هر بخشی یك مقدمه و مفاتیح و تذکر و خاتمه و جمل و اسرار و نکت و مظاهر و انوار هست.

[۱۲٤۱]

این نسخه همهٔ بخشهای کتابرا ندارد و پاره ای از سفر۱ در آن آورده شد.

۱۰۸۳ آغاز آنچه که هست: هوهذا، کتاب المصباح فی علم المفتاح للشیخ علی بن ایدمر بن علی الجلدکی صنفه لاخیه البشر و من اراد علم الحجر. بسمله الحمدلله الذی خلق الاکوان و افتتحها بحکمته علی احسن وضع و اقوم افتتاح و کون الاجساد و اقامها بالارواح

انجام آنچه که هست: وما الفرق بین نسبة الارتباط و نسبة المزاج الحق بالمیزان

وما الفرق بین اصابع ـ نسخه بخط نستعلیق نوشته شده وعنوانها ونشانه‌ها در آن بشنگرف است. عنوانهای مطالب بخط درشت‌تر وبشنگرف درهامش نیز دیده میشود نسخه‌ایست بسیار پاکیزه وروشن وتازه است.

(۱۳۶ برگ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد مقوا
۵ اندازه ۱۴×ﻫر ۲۲ و۸×۱۶ ـس ۱۴

[۱۰۷۱] مصحف قراطس روحانی (کنز الکنوز) (عربی)

این نامه در کیمیا است واز «قراطس Krates روحانی» دانسته شد ونام دیگر آن «کنز الکنوز» میباشد. وقراطس پس از آموختن ستاره‌شناسی درجهانشناسی وفقه ومنطق بهیکل سارانیدس رفته خواست در گنجینهٔ رازها نامه‌ای روشن بگذارد. در
۱۰ همانجا روانش‌را بآسمان آفتاب‌وماه بردند وهرمس مثلث رابدید وآن نامه‌را نزد اونگریست. این نامه در گنجینهٔ بتخانه‌های مصر بوده سپس بدست قسطنطین بزرگ رسید ودرروزگار تازیان بیکی ازامیران داده شده وترجمه گردید ـ این سرگذشت افسانه آمیز در آغاز نامه دیده میشود.

آغاز: بسمله. هذا «مصحف قراطس الروحانی» وهو کتاب «کنز الکنوز». قال
۱۵ الحکیم، بلغ الله الامیر املهٔ الموتیحی من غایة مهلة البقا. امابعد فقد بلغنی کتاب الامیر یذکر فیه انه بلغه انی لم ازل متطلعا للحکمة ... وهذا اول مصحف قراطس الروحانی وهو کتاب کنز الکنوز. اناقراطس الروحانی. امافرغت من النظر فی کل نوع من علم النجوم و قضایاها.

انجام: فخرج الحکماء ودبروا الصنعة علی مثل ذلك فصح لهم العمل واغناهم عن
۲۰ سائر الناس. تمت الرسالة.

[۱۲٤۲]

این نسخه ش ۱ دفتر است وبخط شکسته نستعلیق دربرخی جاها بی نقطه. درکنار
۹٤۱ صفحه‌ها بخط نسخ نام رساله‌های آن نوشته شده وعنوانها بنسخ درشت است. گ ۱ الف ـ ۱۲ ب. درگ ٤ الف حاشیه‌ای از نویسندهٔ آن یحیی حسینی دارد.

۲۵ (همهٔ دفتر ۴۹ گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سبز سادهٔ تازه
اندازه ﻫر ۱۴×ﻫر ۲۰ و۱۴×۱۷ ـس ۲۳

[۱۰۷۲] منافع حجر (رسالهٔ...) (فارسی)

این نامه گویا ازجلدکی باشد وترجمهٔ گفتار او .

آغاز: این کتاب گمان آنستکه ازجلدکی باشد وبنای آن درخواص ومنافع حجراست. بسمله وبه‌نستعین صلوة . امابعد- این‌رسالهٔ مبارکی‌است درمنافع‌حجر وخواص او. بدان بدرستیکه درحجر قوتی‌است ومنافعی است ومضاری .

انجام: ونرم میکند جمیع اجسام راخواه مفرد باشد وخواه مرکب‌باشد .

[۱۲۴۳]

۱۰۸۷ این نسخه ش۱۸ دفتراست وبخط ش۲ آنست. گ۵۱ب-۵۲ب.

[۱۰۷۳] نسخهٔ جاماسب (فارسی)

ایندستور کیمیائی ازجاماسب فرزانهٔ ایرانی دانسته‌شد. مانا ترجمه‌ایست از تازی. در آن ازهرمس وخالد یادشد .

آغاز: نسخهٔ جاماسب حکیم فائده گفت جاماسب ره که تدبیر کن جسدرا باآب تابگردد جسد سفیدهمچو رخام وبگرددآب برنك گل سرخ .

انجام: ونشنیده است کسی بمثل این‌عملی درسرعت وتعجیل منافع .

[۱۲۴۴]

۱۰۸۷ این نسخه ش۷دفتر است وبخط ش۲ آن. گ۱۱ب - ۱۲ب.

[۱۰۷۴] نفحات‌الاسرار (عربی)

محمدباقر فرزند مرتضی حسنی حسینی طباطبائی یزدی این‌نامهٔ رمل‌را در شام دوشنبه دههٔ سوم‌ماه یازدهم سال‌هفتم دههٔ هشتم سدهٔ سوم هزارهٔ دوم(۱۲۷۷) بپرداخت. دومقدمه یکی برای‌علم دیگری برای‌کتاب وده باب ویك خاتمه در آن هست و ازقواعد الهدایه وارشادالرمل ومصباح‌الرمل ورسالهٔ سرخاب (گ۶الف) بهره برده‌است . دربرگهای ۶و۷ نسخهٔ مانظمی است بپارسی دررمل ودرپایان آن فهرست نگارشهای پنجاه وسه گانه‌ایکه یزدی از آنها گرفته است یادشده و۵۲ آن رساله رمل‌خواجهٔ طوسی است .

آغاز: بسمله . الحمدلله الـذی اودع الودائع فی النقاط المعروفة لاولی الابصار والبصائر... یقول ... ابن المرتضی الحسنی الحسینی الطباطبائی محمد باقر الیزدی بعد ما رکضت برهة من الزمان فی الصحاری والقفار .

انجام: ۵۳رسالة فخر المحققین الخواجه نصیر الدین وایکن هذا آخر ماوردنا فی هذه الرسالة الشریفة ... وقد فرغ من تألیفها وتحریرهـا مؤلفها ... عصر یوم الاثنین من العشر الثالث من الشهر الحاد یعشر من العام السابع من العشر الثامن من المائة الثالثة من الالف الثانی من الهجرة النبویة المصطفویة علی مشرفها الاف سلام وتحیة سنة ۱۲۷۷ .

[۱۲٤٥]

۸٦٦۱٫۰ این نسخه ش۱دفتراست وبخط نستعلیق ریز وپاره‌ای رقمها بشکرف و نویسندهٔ آنست خودیزدی است درهمان تاریخ گ۳ب ــ ۳۹ب . دربرگهای ۱و۲ دوبند است در رمل .

[۱۰۷۵-۱۱۰۰] **نگارشهای جابر** (عربی)

ابوموسی یا ابوعبدالله جابر بن حیان بن عبدالله صوفی شیعی طوسی خراسانی کوفی چنانکه ابی الربیع سلیمان بن موسی بن ابی هشام در دیباچهٔ بر کتاب الرحمة او از پدر خود آورده است در ۲۰۰ هجری در گذشت واو میگوید هنگامیکه جابر در طوس در آنسال بمرد ایندفتررا زیرسرش یافتند ونسخه آن در آصفیه هست. گفته‌اند که او در ۱٦۱ در گذشت مگر اینکه اودرروزگار برمکیان وفرمانروائی رشید از ۱۷۰ تا ۱۸۷ بنام آنها دفترها بپرداخت وبآنها نیازداد مانند یحیی بن خالد برمکی (۱۲۰ــ ۱۹۰) ودوپسرش فضل (۱٤۸ــ۱۹۳) وجعفر (۱۵۰ــ۱۸۷) .

جابرشاگرد امام صادق ع (م۱٤۸) بوده واز روی گفتهٔ اور سائل خمسائة که بچاپ رسیده است نوشت پس دور نیست که در ۲۰۰ مرده باشد .

گویند او پس از برانداخته شدن برمکیان ترسید ودر کوفه تازمان مأمون (۱۹۸ ــ۲۱۸) نهان بود. از رسالة تدابیر اودر آصفیه نسخه‌ای هست واز گفته خـود او و سخن ابن ندیم برمیآید کـه چهار «تدابیر» نوشت چنانکه دواستیفاء دارد وبرخی کتابها راهم تاده شماره نوشته است. از ایضاح اوهم دو نسخه در آصفیه (ش۵۹ و۸۸)

هست ورمز کیمیاگران رادر آن روشن نمود . اصول الکیمیاء اوهم بچاپ رسیده و اسرار الکیمیاء اوهم چنانکه زرکلی میگوید چاپ گردید. (ذریعه ج۲ ص۳٦ و۵۵ و ۲۱۱ و ٤۹۱ وج٤ ص۱۵).

ابن ندیم نگارشهای اورا فهرست داده که درذریعه جسته گریخته آمده است واو درباره جابر میگوید:

شیعیان اورایکی ازبزرگان خود ویارجعفرصادق ع وفیلسوفان اورا ازگروه خود وکیمیاگران اورا رهبرهنر خویش پنداشتند. برخی گویند «سیده» یکه اومی گوید جعفر برمکی است نه امام صادق ع. گروهی هم گفتند که چنین کسی نبوده و ایندفترها راهم ساختند وبنام او کردند. اودرباره منطق وفلسفه و آئین شیعی دفترها بپرداخت ویك فهرست بزرك دارد که همهٔ نگارشهای خود در کیمیا وجز آن‌را در آن برشمرد ودرفهرست کوچك نگارشها کیمیائی خویش‌را یاد کرد. رازی پزشك دربارهٔ او «قال استاذنا ابوموسی جابربن حیان» گوید. جابرمیگوید که من دوهزار دفتر درفلسفه وحیل وصنعت وپزشکی وریاضی وپارسائی واندرز وافسون ونیرنك وکیمیا بپرداختم (ص۴۹۸-۵۰۳) قفطی اورا صوفی آشنای بعلم باطن مانندمحاسبی وتستری هم‌خوانده و از نگارشهایش دراسطرلاب یادکرد (ص۱۱۱) ابن‌خلدون میگوید که او پیشوای کیمیا نگاران بوده ودارای هفتادنامهٔ لغزمانند (ص۵۰٤).

مسلمهٔ مجریطی دررتبة‌الحکیم میگوید که علم‌باطن بمردی رسیده که اورا جعفرصادق خوانند واز خاندان علی است. اواستاد جابربن حیان‌کوفی طوسی یا طرطوسی «۱٦۰۰» بود. جابرحکمت خویش‌را ازجعفر گرفته است. مجریطی شعری دراین‌باره آورد: حکمة‌اورثناها جابر عن‌امام صادق‌الوعدحفی. بوصی طاب‌من تربته فهو کالمسك‌تراب نجفی (دکترهاشمی ص۱٦٦).

در فهرست ابن‌ندیم و کشف‌الظنون دارد که جابردر ۱٦۰ درگذشت. در سرالعالمین که ازغزالی پنداشته‌اند نیزآمده که جابر ازشاگردان گرامی صادق ع بوده ودرزمان برمکیان‌وهرون میزیسته‌است. درنزهت نامهٔ‌علائی دارد که صادق ع

چند کتاب در کیمیا نوشته وجابر بن حیان اردی فیلسوف را بدید و پسندید و او را بپرورد وهر گونه‌دانش بیاموخت وورازخویش در کیمیا را بدوسپرد اوهم آنرابرمز نوشته تاجز بندگان خدابدان راه نیابند و نوشته‌های اورا امام میدید و از آن می کاست یابر آن میافزود تابسه هزاردفتر رسید. (فهرست مجلس ص۴۵۵ـ در اینجا فهرستی ازنگارشهای جابر دیده‌میشود) درمعجم‌المطبوعات‌دارد که ازاسرارالکیمیاء یاکشف‌الاسرار جابرترجمه‌هائی بلاتینی چاپ‌شده وپاره‌ای ازمتن تازی آنرابرتولو درج ۳ «شیمی درسده‌های میانین» درپاریس بسال۱۸۹۳چاپ کرد ویــازده دفتر او (بیان وحجرونور وایضاح واسطقس اس‌یکم و دوم وسوم وتفسیر اسطقس وتجرید ورحمة وملك) در۱۸۹۲ ومکتسب یانهایةالمطلب اوباگزارش جلدکی بپارسی در ۱۳۰۷ دربمبئی بچاپ سنگی‌رسید سموم اودر تیموریه هست وپاره‌هائی از آن‌در ج۵ و۵۹ مقتطف آمده است درتیموریة ۵۵ رسالة اوهست .

بازی جابررا حرانی وافریقائی و یونانی نومسلمان وطوسی وطرطوسی وهندی خوانده‌اند و گفته‌اند که‌نگارشهایش ازپانصد دفتر کمتر نمیباشد.نوشته‌های اربلاتینی دردانتسیك در۱۶۸۲ بچاپ‌رسید ونامه‌ای ازاو در۱۵٤۵ چاپ‌شد که‌منحول‌میباشد. کیمیاگران لاتینی ازاندیشهٔ اوبهره‌ها بردند وازاو پیروی میکردند وپیداستکه از خود اوچندان آگاه نبودند. رجربیکون اورا استاد استادان میخواند از۱٤۹۰ تا ۱۵۲۰لاتینی نگارشهای اوازروی نسخه‌هــای پاریس بچاپ‌رسید وبرخی از آن از روی نسخه‌های واتیکان دررم چاپ شد وچند نسخه‌ای درلیدهست که مشکوك میباشد .

فلزات اودر Norimhergae در۱۵٤۱ بلاتینی چاپ شد وایتالیائی نگارشی ازاودر۱۵۵۰ بچاپ‌رسید. درفهرست چاپی پاریس در« Geber » و«جابربن‌حیان طرسوسی »چاپهای‌لاتینی۱٤۷۵تا۱۶۸۲ وایتالیائی ۱۵٤٤ وفرانسوی۱۶۷۸ وچاپ برتلو شناسانده شد .

(نیزبنگرید بهلاروس سده ۱۹و۲۰) .

درفهرست بروکلمن (۲٤۱:۱) نود ودو دفتر ازجابر یادگردید.

برتلو Berthelot درجلدسوم LaChimie au moyen age باهمکاری هوداس O.Houbas بسال۱۸۹۳ درپاریس چنددفتری ازجابررا چاپ ودراندیشه علمی اوبررسی نمود. روسکا Ruska در۸-۱۹۲٤ وهولمیارد Holmyard در ٥-۱۹۲۳ واسماعیل مظهر درمجلهٔ مقتطف (جزء ٥ص٥٤٤-٥٥۱وجزء٦ص٦۱۷-٦۲٥جلد٦۸ سال $\frac{۱۹۲٦}{۱۳٤٤}$) (نیز ترجمه پارسی بخش یکم همین گفتار مظهر ازمحمود عرفان درمجلهٔ آیندهٔ ج۲ش۱ص۲۸-۳۸دی ۱۳۰٥ $\frac{۱۹۲٦}{۱۳٤٥}$) وپول کراوس درباره‌خود جابر وکاراو بررسی نمودند وبرخی نپذیرفتند که اوشاگرد امام صادق ع بوده باشد. دکتور محمدیحیی الهاشمی دراین‌باره «الامام‌الصادق ملهم‌الکیمیاء» نوشته که درش ٤ «حدیث‌الشهر» در بغداد در $\frac{۱٥۹۰}{۱۳٦۹}$ بچاپ رسید واو میگوید که جابر شاگرد امام بوده است ودرهمان روزگارمیزیست. این‌را هم باید گفت که جابر آنچنانکه از نوشته‌های اوبرمیآید باید پس‌از امام وپس از ترجمه شدن کتابهای فلسفی افلاطون وارسطو وجزاو وپس ازپیداشدن آئین‌باطنی اسمعیلی زیسته‌باشد واندیشهٔ تأویلی اسماعیلیان وروش واصطلاحات آنها درنوشته‌های اودیده میشود. میتوانگفت که او هم‌مانند دیگردانشمندان این آئین‌نیمه‌نهانی بوده‌ونشانه سبک‌نگارش اوهم دردفتر های اخوان‌صفا دیده میشود بویژه اینکه آشنایان‌بعلوم غریبه رمزنویسی کارایشان است. بااینهمه بایدگذشته ازسخنان تاریخ‌نگاران لاتینی وباختری و خاوری بهمهٔ نوشته‌های جابر درست نگریست وپی برد که او که بوده و کی‌میزیسته است (۱).

۱-جابر در«اخراج مافی‌القوة الی‌الفعل» چاپ کراوس از کون وفساد والفظها وموسیقی وستاره وجوشناسی و جغرافیا وپزشکی و کیمیا وطلسم گفتگو نمود وگفته ازبرگشتن آفتاب‌رخنه‌ای درجهان‌پدیدنخواهد شدودرآن‌بکتاب «امیرالمومنین‌العزیز» خود بازگشت میدهد وحکمت نهفته بودن علم‌اهل بیت‌را آشکارمیدارد.

اودر «الحدود» از تحدید گفتگو کرده وپاره‌ای ازواژه‌های فلسفی و کیمیائی را میشناساند واز کتابهای نفس و حرکت وحس ومحسوس وفاعل ومنفعل یادمیکند و

بقیه حاشیه درصفحه بعد

درجنك ش۴۹۱ بیست وشش نامه ازجابر هست :

۱تا۶۱ـ اسطقس که درسه دفتراست وبـا دنبالهٔ سومی وگزارش یکمی وسومی شش دفتر میشود. درنخستین آن ازفلزهای کیمیائی گفتگوشده ودارد که چیزهاهمه باسطقس برمیگردند ودراینجا هم ما میخواهیم «سنك فیلسوفان» راکه ریشهٔ این ۵ هنراست بشناسانیم ازاینروی آنرا اسطقس نامیده‌ایم (۵۳الف س۹ـ۱۵) درآن از

بقیه حاشیه ازصفحه قبل

می گوید که‌من‌در«رد کتاب‌نفس ارسطو» گفتهٔ او «النفس کمال‌اول‌الجسم طبیعی آلی‌ذی حیاة بالقوة» رااشتباه ساختم وخود تعریفی عرفانی میآورد (س۳ـ۱۱۲همانچاپ) .

جابر در«اخراج‌مافی‌القوة الی‌الفعل»و«الحدود» ازدفترهای‌منطق وما بعدالطبیعه ۱۰ والمأئة والثلاثة والاربعین ومناقب امیرالمؤمنین‌العزیز واز اصحاب افلاك، طبایع،اثنی عشرواز کتاب‌التجمیع والطب‌الکبیروالعین والاول‌من‌المنطق وکتب‌الخواص والخمسین رسالة‌واخراج‌مافی‌القوة الی‌الفعل‌و کتب علم‌الموازین که همان‌المائة والاربعةوالاربعین باشد وازالخمسمائة کتاب یادمیکند .

درالاشتمال س۵۴۸ میگوید که این دفتردشوار ورمزاست چه‌آشکار آن برپایهٔ ۱۵ سخنان تناسخیان نهاده‌آمد ودرون‌آن‌آموختن کیمیا است وکسانی ازنگریستن بدان گمراه شدندکـه بآشکارآن بس کردند. پیداستکه مردم ازروش نگارنده‌ای پیروی میکنند که دانشمندی بنام باشد وبرتر ازدیگران. آنها گفتار اورا تأویلهای شگفت ودور میکنند. ماناگفتهٔ پلاتون دربارهٔ تناسخ رمزی است ودانشمندانی ندانسته از او خرده گرفتند وگروهی هم ازاوپذیرفتند. دراینجا گفتارپلاتون دربارهٔ دورهاو کورها ۲۰ ونسخ صعودی ونزولی وتصفیهٔ نفس ازجسمانیات‌را میآورد و سپس میگوید اینسخنان گرچه زشت می‌نماید ولی‌معینهای پسندیده‌ای دارد .

گراوس این پارهٔ ازالاشتمال‌را ازمفاتیح‌الرحمة طغرائی درآورد .

درگفتار یکم‌البحث ازآموزش وپرورش ورفتارشاگرد بـااستاد گفتگو میکند و میگوید که ارسطو فرمود فلسفه خارجه‌را بتودهٔ مردم بیاموزند تـا بدان بپردازند و ۲۵ دیگران‌را نیازارند چه‌آنها رااگر تیرورند وخویشان را پاکیزه سازند از سگان درنده بدتر خواهندبود. درآن‌یادمیکند ازافلاطون واز گفتارعلی‌ابی‌طالب ع: «الناس ثلثة:عالم‌ربانی قال‌الحق من‌ذاته ورآه وعمل‌به، ومتعلم علی‌سبیل‌النجاة وهو‌الذی‌یؤثر

بقیه حاشیه درصفحه بعد

«اصحاب براهین اولین» و«اصحاب نبات» یادشد. دردومین گفته که ازاسطقس سقراط وارسطو وجالینوس چه‌خواسته‌اند. سپس میگوید صنعت راگروهی از وحی الهی دانستند. دراینجا آیه‌هائی گواه آمده وازسخنان‌دانشمندان‌دربارهٔ اکسیر آورده‌شد.

جابر میگوید که بانماز ونیاز وتنهائی وبیابان‌گردی وقربانی ورفتن بهیکلها وروزهٔ همیشگی‌میتوان بدین‌هنر رسیدوپیامبر بدان‌آگاه‌بود وهمچنین علی‌چنانکه ۵

بقیه حاشیه ازصفحه قبل

الادب ویعمل بمالقی منه، وهمج رعاع تابع کل ناعق او ناهق لایطلب العلم ولایؤثره ولایعمل به» .

درگفتار۲و۵ آن ازفوثاغورس وثالیس قدیم وفرفوریوس و اسکندر ونوح و ادریس یادمیکند ودرگفتار۵ ازارسطو نسام میبرد وازکتابهای الصورة والمصور و ۱۰ الحرکة والمتحرک‌والنفس والمنفوس والحس والمحسوس والطبیعة والمطبوع. نیزمی گوید(ص۵۱۰)که مجوس در زمان افلاطون آتش‌را پرستیدند چه او گفته بودکه جهان ازآتش‌وزمین ازآفتاب ومرکزپیدا شده‌است. زردشت دین‌خویش‌را ازاو گرفت یهودان‌دینی ندارند وازتورات بیگانه‌اند. من تاریخ این دینهارا درالاشتمال والصورة ۱۵ درست یاد کردم .

درگفتار۲۶ آن ازحرکت وتقابل شرقی وغربی آن‌یاد کرد و گفت که نخستین‌بار جالینوس این‌شک‌راآورد ودرالمحرک‌الاول والبرهان برارسطو ردنمود. بازازگفتار ۱و۲ السماء والعالم ارسطو نامبرده و گفت که ایندو حرکت یکی است و دلیلهای هندسی آورد .

درالتجمیع ص۳۴۱ ازالاصول والمنطق والاطیان والصفوة والاشکال الطبیعة ۲۰ وکتاب فرفوریوس صوری وکتاب ربسموس فی‌المیزان والسبعین وگزارش خود بر بلاغت وخطابت وشعر وکلام ارسطو که مقالهٔ هشتم منطق است وگروهی آنرا هفت گفتار دانستند ولی هردویکی است وازرد خود برنوامیس افلاطون وازالطب النبوی ومرامیر(میامر)جالینوس‌وازفرفوریوس‌وسقراط وامورس‌شاعرومشائیان‌وفیثاغورسیان واصحاب‌التولیدات وازکوه‌مکران ومار وکژدم وخرگوش وروباه آنجا یاد نمود . ۲۵

درگفتار۳۲ السبعین‌یادمیشود ازالروضة ودرگفتار۳۴ آن ازاریوس ودر۴۳ آن دارد که اریوس پیش ازسقراط بوده است .

درالحاصل ص۵۳۳ ازالنقدوالترجمة‌الاول یادشده‌ونام تازی‌ورومی واسکندرانی

بقیه حاشیه درصفحه بعد

در کتاب الامامه که ۱۷ مقاله است گفته‌ام و درخطبةالبیان او چنین پرسش و پاسخی آمده‌است: «الکیمیاء لهمن کون؟ - ان لها کونا وقد کان وهو کائن وسیکون. ماهو یا امیرالمؤمنین؟ - ان فی الزیبق الرجراج، والاسرب والزاج، والحدید المزعفر، وزبنجار النحاس الاخضر، لکنوز الارض، لایوقف علی غائرهن - لم نفهم - اجعل بعضه ارضا و ۵ بعضه ماءاً. فلج الارض بالماء وقدتم العمل. لم نفهم - لازیادة علی هذا». (نفائس الفنون آملی ص ۱۲۹ کیمیا)

بقیه حاشیه ازصفحه قبل

وفارسی وحمیری زر وسیم وروی وآهن وجیوه وسرب وارزیز دیده میشود. میگوید که حمیری بسیار دشوار است کسی ندیدم آنرا بداند جزمردی ۴۶۳ ساله که بدورسیدم ودانشها ازآموختم وآنها را در نوشته‌هایم آوردم و «قال الشیخ الکبیر» که بگویم او ۱۰ را میخواهم. اگر التصریف مرا بخوانید برتری اورا خواهید دریافت.

درالخمسین ص ۴۸۹ میگوید: باید دربارهٔ پیامبری وپیشوائی مانند دیگرچیزها گفتگو کنم. سخنان فیلسوفان ودینداران دراین‌باره بجائی نرسید. برخی پیامبری و وحی ومعجزه‌را دروغ دانستند.

جابر دراینجا ۵۵ نام میآورد: نبی وامام وحجاب وبسیط وسابق وتالی و اساس و ۱۵ جزاینها و یاد میکند ازعلی وحسن وحسین ومحمد حنفیه وعلی بن الحسین و امام صامت و ناطق.

در گفتار ۳۷ میان اسم و کلمه جدائی نهاده بحث منطقی میکند و میگوید که مردم میگویند درهر دوری شش تن خواهند بود. اگر آشفتگی در کارباشد ناطقی با آنها خواهد بود.

۲۰ دراینجا ازعلی بن الحسین ومحمدبن علی وسیدنا ابوعبدالله که ناطق بوده ومعجزهٔ ممکنی مانند قرآن داشته نه‌محال یاد کرده دوباره ازآن نامهای پنجاه وپنجگانه‌چند تا را شناساند.

در گفتار ۵۸ ازهشت‌پیشوای خاموش دربود دیگری یاد کرد مانندعلی بابودپیامبر ومحمد حنفیه باعلی وحسین باحسن وموسی بااسمعیل ومحمدبن اسمعیل باموسی‌وسیدنا ۲۵ جعفر بااسمعیل وموسی ومحمدبن اسمعیل باجعفر وزید بابودجعفر. اینست‌خلاف شیعه. آنگاه بحث دربارهٔ ناطق‌وصامت‌را بمنطق وستاره شناسی وفلسفه میآمیزد ومیگوید که درچهارجا اختلاف شده:

بقیه حاشیه در صفحه بعد

جابر در آن از «کتاب المنی» که از کتابهای «المائة والاثنی عشر» است واز «المائة والاربعین الفلسفیة الموازینیة» یادمیکند و آشکار میدارد که چرا اسطقس نامیده شده ومیگوید که ماریهٔ قبطی روزی کودکی بردوش گرفته ودو کی بردست وزر با آن میرشته وبکودك میگفت که دانش دراین وازاین است.

اوتا پایان ازاکسیر گفتگو میکند و میگوید این اسطقس اس دوم برای دین داران وسومی که پس ازاین خواهد آمد برای پیروان صناعت است. ۵

بقیه حاشیه ازصفحه قبل

۱ ـ میان محمد حنفیه وحسن.

۲ ـ میان زید وجعفر.

۳ ـ میان موسی واسمعیل. ۱۰

٤ ـ میان موسی ومحمدبن اسمعیل که گروهی بزرگتر ودسته‌ای داناتررا برتر دانستند. امیرمؤمنان میتواند بدو همانند وصیت کند چنانکه جعفر وزید و اسمعیل و موسی هردو بدوچنین بودند و جعفر کاررا پس ازاسمعیل بموسی واگذاشت ونگذاشت بمحمدبن اسمعیل برسد و زید میگفت که از برادرم محمد درگذشتم ولی از پسر او شایسته ترم. ۱۵

گروهی گویند علی حسن را برای ظاهریان ومحمد حنیفه را برای باطنیان برگزید چنانکه جعفردربارهٔ موسی واسمعیل چنین کرد. دسته‌ای میگویند چنین نیست واگرنه بایستی پیشوای ظاهرناتوان بوده باطن نداند پس بایستی صامت ظاهری و باطنی یکی باشد چنانکه غالیان و صوفیان چنین میگویند چه یکی بدوگونه آشکار میگردد ونگاهبان بشمشیریا باستدلال نگاهداری میکند ودو زبان دارد برای شیوایان وناتوانها. ۲۰

درخواص کبیر (گفتارهای ۱و۲و۵و۱۵و۱۷و۲۵) ازخواص جانوران وترکیب جسمها گفتگو میکند ووزنها رابحرفها نشان میدهد ومیگوید که خواص ۷۱ کتاب است وبسیدم سوگند ابن علی استلاهوتی. یادمیکند ازجوهر و کم و کیف وزمان و نصبه وقنیه وفاعل وانفعال وحیوة وموت وتناهی وتمام وقوه وعلم واتصال وانفصال وحرکت و سکون وجنس و نوع و کون وظهور وازسقراط وثالیس وبلیناس وسنبالیقوس واز التنزیل وخواص الخواص والجمیع والامامة والتقدیر والمزاج وازمنانیه. ۲۵

درگفتار ششم خواص میگوید: بسیدم سوگند بیش ازهزار کس را با اکسیر از

بقیه حاشیه در صفحه بعد

درسومین که جدلی وصناعی است میگوید: هر کس در روزگار ما که مانند «سیدی جعفر بن محمد علیه الصلوة والسلام» واستادم «حربی» و «اذن الحمار المنطقی» پیدا شده باشد بحق میتواند برسد. من رنج بردم واین نامه‌ها نوشتم وازرنج دیگران کاستم. باید نخست نگاشته‌های دیگرانرا بخوانید سپس بدینها بنگرید. واینها را ۵ هم بترتیب باید خواند. من این نامه‌را اسطقس اس نامیدم. جابر در اینجا از بلیناس میآورد ودرهمهٔ این نامه از «حجر» گفتگو میکند.

این درد رهاندم. این هنرم در یکروز میان مردم آشکار گشت پس از آن روزی با یحیی بن خالد نزد سیدم رفتم دیدم کنیز زیبا وخردمند و هوشمند وبـا هنر او بیمار است و مسهلی خورده بدترشده وسرانجام بمرد من با اکسیر در نیم‌ساعت اورا زنده کردم یحیی ۱۰ پایم‌را بوسید و ازسود این دارو پرسید. سپس بریاضت پرداخت و علمها آموخت و چیزهای بسیاریرا بشناخت. پسراو جعفر ازش زیرکتر بوده است.

جابر دراینجا ازدو درمان دیگر که با اکسیر کرده است یادمیکند و دربارهٔ دومی میگوید که ازخانه‌ام بخانهٔ «سیدی جعفر» رفته بودم.

در گفتار دهم میگوید که در ۷ رمضان جعفر یحیی مرا خواست خود یحیی وخالد برادر ۱۵ جعفرهم بودند و کنیزها خریدیم آنگاه بخواص جسمها پرداختیم. بازمیگوید که روزی نزد اسحق بن موسی بن یقطین بوده‌ام.

نیزمیگوید که من در زمانی بسرمیبرم که شاهان ومردم باین‌هنر می نگرند مگـر اینکه فریبکار وفریبخوار درمیان آنها بسیارست ومن برای بهره‌مندشدن مردم کتاب الرحمة نوشتم ودرالبغیة اکسیرهای جوی وبری‌راخوب شناساندم و گفتم که‌چه کارهـا ۲۰ باید کرد. سیدم ازاین نیکخواهی‌مرا بستود. من گفتم که ازتوآن راآموختم وبدانـ رسیدم وستایش از آن تواست.

درگفتار ۱٦ میگوید درالحاصل همه‌چیزها هست وسیدم مرا برنوشتن آن نکوهش کرد و گفت اگرمیدانستم ناشایستگان آنرا فرامیگیرند میفرمودم آنرا از میان بر. مگر نمیدانی چه‌چیزرا آشکارساختی ؟! اگر آنرا نیافتی بجویش چه درآن دشواریهای ۲۵ همهٔ نوشته‌ها آسان میگردد وهمهٔ علم‌میزان و فوائد حکمت برای تو روشن میشود و بسیدم‌سوگند که باخواندن‌آن کیمیاگر وباز شناسندهٔ سره ازناسره خواهی‌شد.درآن ازالریاض والضمیر یادگردید.

درگفتار ۲۱ ص ۳۱۵ ازسید یـاد کرد و گفت دانش پیامبر وعلی و فرزندان او تـا

بقیه حاشیه درصفحه بعد

دراین نسخهٔ مالسطقس یکم ودوم وسوم آمده آنگاه دنباله و گزارش سومی سپس تفسیر نخستین اسطقس وتفسیراسطقس سوم دیده میشود . درتفسیر یکم از «المائة والاثنی عشره» یاد کرد و بسید خود سوگند خورد و گفت کـه اسطقس در یونانی پایهٔ ساختمان را گویند . دستور شیمیائی اوچنین است :

آفتاب = صدماه + اکسیر ـ اگر برهریك ازهزار هزارمس ونهصدهزارارزیر وهشتصد هزارسرب و هفتصد هزارشبه یك اکسیر بیافزائیم برابر بـا آفتاب ابریز خواهد شد .

آغاز: کتاب الاسطقس الاول ـ بسمله. قال جابربن حیان: ان الله تعالی بعزته و اختراعه للاشیاء بقدرته ... ابدع خلق الانسان بغریب خلقته .

انجام : فمن اراد التوسع فی ذلك فلیقرأ ما الفناه علی مارتبناه فی الفهرست. تم کتاب الاسطقس المؤلف علی رای الفلاسفة . والحمدلله رب العالمین . (٥٥ب ـ ٥٤ الف) .

(درآغاز رایها واندیشه‌های مردم را بـه گونه بخش کرد: برهانی اضطراری

بقیه حاشیه ازصفحه قبل

سیدم را دربارهٔ آنچه که بودوتا رستاخیزخواهد بود در نوشته‌های من میابید و این نامه های صدوچهل وچهارگانه را بدستور سیدم بپرداختم. چنانکه اومیرس شاعر گفت:«ان الاربعیات ذوات الثلثة الوجوه من امهات العلم» ومعجزه‌ها از ۳و٤ برمیآید چه ۱۲ = ٤×۳ و١٤٤ = ۱۲² پس ۱۲ = ١٤٤ /

دراینجا قسمت وضرب وجبر ومقابله است ومیگوید: « هندسه بیاموز تـا بدین دانشها رسی » .

درگفتار ۲٤ ص ۳۱٦ ازدستورسیدخود واز کتاب: العلم المخزون، الطبیعة الخامسة، السر المکنون، و کتاب ابی قلمون ودرگفتار ۳۲ از العلم المخزون والحدود والتدابیرمن المائة والاثنی عشر واله ایر الصغیروالتدابیرالثالث والاصول ودرگفتار ۳۳ از المجردات که ۱۱۲ باب درآنست والکتب الجمل العشرون و کتابهای ۲۰و۳۰و٤۰ و۱۷و٤٤،٤٠٤ و١٠١،١ والملك والمعرفة والمتحدوالروضة والاحجاروالامامة ودرگفتار ۳۸ ازالمراصد والاحجارالاربعة علی رای بلیناس والاربعة والاربعین والتقریر یاد نمود .

عقلی، جدلی اقناعی، دینی که برتر از همه است در کتاب اسطقس یکم نخستین و در دومی سومین گونهٔ رای و اندیشه و در سومی دومین آنها است. در پایان هریک نیز چنین سخنی دارد)

آغاز: کتاب الاسطقس الثانی. بسمله. قال جابر: اما بعد فقد سبق لنا قبل کتابنا هذا

۵ کتاب فی هذا المعنی علی رای الفلاسفة.

انجام: و اذ قد بینا الی هذه الغایة و بینا بما آتیناه کما رایتم، فلیکن الان آخر هذا الکتاب انشاءالله تعالی و لاحول و لاقوة الابالله العلی العظیم. تم کتاب اسطقس الاس علی رای الدیانة و هو الثانی. والحمدلله وحده. و یتلوه الثالث علی رای اهل الصناعة. بعون الله و منه. (۵٤ الف ــ ۵۸ الف).

۱۰ آغاز: کتاب الاسطقس الاس الثالث علی الرای الصناعی الجدلی و هو الرای العملی (در نسخه: العلمی) التی لجابر بن حیان. بسمله الحمدلله و لااله الاالله. اما بعد. قال الله تبارک و تعالی: جعل العالم الاصغر هو الانسان ممیز الکل شیء و هو اعلی منه و دونه.

انجام: ان یکون الدرس امامک لیلک نهارک. تفعل به بکتبنا. اعطاک الله و وفقک

۱۵ و فتح علیک بحوله. تم کتاب الاسطقس الاس الثالث بحمدالله و عونه. (۵۸ب ـ ٦۱ الف).

آغاز: هذا ذیله و شرحه اعلم انما قطعت هذا الباب من الکتاب، لانی ترکت ذکره فی اول الکتاب، فجعلته تابعالیتم لك به

انجام: تم کتاب الاسطقس الاس الاول و الثانی و الثالث الفلسفی و الدیانی و العملی، بحمدالله و عونه و حسن توفیقه و یتلوه تفسیر اسطقس الاس (٦۱ الف و ب).

۲۰ آغاز: تفسیر کتاب الاسطقس الاس لجابر بن حیان رحمه الله تعالی بسمله. الحمدلله وحده. انی عازم فی هذا الکتاب ان اشرح کتابی الاسطقس و هو ثلثة اجزاء و ذلك انی جمعت فیه جمل معانی کتبی المائة و الاثنی عشر و جعلته اولها و فاتحاتها و مقدمة بین یدیها.

انجام. و انما تعرض ههنا تعریضنا بذلک کما رایت. والسلام. تم کتاب التفسیر

الاسطقس الاس وهو المسمی بالتفسیر الاول (٦١ب - ٦٢الف).

آغاز: من کتاب تفسیر الاسطقس الثالث و کشفه لجابر بن حیان قال: فاول ما ذکرنا فی موضع یقول فیه: حرام ان یتم وحقیق ان لایتم العمل لمن حجر الاجساد و حلل الارواح. وهذا خطاء.

انجام: الی ان یکتحل به العین ویسقی به فافهم ذالك... اما قولنا اذا بلغت هذا لموضع... وانه... (جای نقطه‌ها در نسخه سفید گذارده شده) این نامه نیز درباره «حجر» است. (٦٢الف - ٦٣الف).

۷ - الکمال که در تدبیر حجر است و بکتاب اسطقس باز گشت میدهد.

آغاز آنچه هست: واعلم انك اذا ادبرت بعض الباب وترکت الباقی فسد و لیس ینبغی لمن اراد ان یدبر هذا الباب ان یدبره الا فی الاوقات التی ذکرناها فی کتاب الاسطقس.

انجام: واعلم ان حجرنا لایدخل علیه داخل ولایخرج منه خارج. فافهم ذلك انشاءالله تعالی. تم کتاب الکمال بحمدالله وعونه (٦٣ب).

۸ - الملك که در طلسم است و ریشهٔ آنرا از فرشته میداند از اینرو آنرا «کتاب الملك» نامیده است. میگوید طلسم پایهٔ علم ناموسی و معجزه‌ها است و بنیاد آن تقریب است چه فیلسوفان چون بآسمانها نمی‌رسیدند بطلسم پرداختند. طلسم نیرنك است و با آن آنچه که دربارهٔ آسمانها میخواهند میکنند ومانند خواص جانوران است و بر پایهٔ مماثله ومقابله نهاده‌شده است. جابر دو بحث طلسم و اکسیر را با هم میآمیزد و بسوی فلسفه برمیانگیزد و بسید خود سوگند میخورد. در آن از «مائة و اثنی عشر فی الصنعة» او یاد میشود.

آغاز: کتاب الملك لجابر بن حیان - بسمله. الحمدلله الملك، مالك الدنیا والاخرة، الجواد الکریم. اعلم ایها القاری لشیء من هذه الکتب: اضمنا ان نذکر فی کتابنا هذا علل الطلسمات و کیف هی و ان ذلك هو الملك الاعظم و لذلك سمیناه کتاب الملك.

انجام: وانا اعلمك العلم مکشوفا و لکن یکون مبدو فاجمعه انت والسلام.

تم کتاب الملك (۶۳ب ـ ۶۶الف).

۹ ـ اغراض الملك که در آن ازساختن صورت بطبع چیزیکه میخواهند مانندیا ضدآنرا بیاورند یاد کرد و آنرا ازاینرو میداند که هرجانور و گیاه وسنگرا روان وتن هست ومرده هم چیزی دارد درطبع مانند آن. گزارش اینرا بنگارشهای خود بازمیگرداند واز کتابهای فلسفه یادمیکند.

آغاز: اغراض کتاب الملك ـ ان غرض هذا الکتاب، مسئلة واحدة. وهی ایضامن المتن فاعلمها واخری اتبعها شفقة علیك.

انجام: واذقد اتینا علی ماوعدنا بهفلیکن هذا الفصل آخر الکتاب والله الموفق للصواب. تم کتاب الملك واغراضه. والسلام. والحمدلله وحده. (۶۶الف وب).

۱۰ ـ الطبیعة الخامسة که در آن ازطبیعت ومیزانها سخن بمیان میآورد و گوهر های ساده مانند آسمانها وستارگان را طبیعت پنجم و گوهر های آمیختهٔ از چهار عنصررا طبیعت سوم و گوهر گرما وسرما وخشکی وتری را طبیعت دوم مینامد و اندکی ازهندسهٔ اقلیدس میاورد و بازطبیعت پنجم را بفصل مانندمیسازد واز جالینوس و کتاب النقد بر خودیاد میکند. آنگاه ازاشتقاق وچندبحث لغوی میآورد و پس از بحثی منطقی و کیمیائی بسیدخود سوگند میخورد واز مماثله ومقابله یاد میکند. در گ ۷۰الف دارد: «ان الکلام العربی ضیق جدا».

آغاز: کتاب الطبیعة الخامسة لابی موسی جابربن حیان الصوفی ـ بسمله. رب اعن بهدایتك. الحمدلله وبه نستعین. واومن به واتوکل علیه.. فینبغی ان تعلم اناقدذکرنا فی کتبنا فی هذه الموازین علی جمیع الاراء ولکل واحدمن جمیع الاشیاء.

انجام: واذقد اتینا علی جمیع مافی هذا الباب فلیکن الان آخر هذا الکتاب. تم کتاب الطبیعة الخامسة بحمدالله ومنه. وصلواته علی خیرالناس محمد وآله الطیبین الطاهرین (۶۶ب ـ ۷۴الف).

۱۱ ـ میدان العقل که دفتریست کیمیائی ودر آن میگوید که این را پس ازدیگر دفترهای من که چگونگی خواندن آنها رادر «المنطق الصغیر» نوشته‌ام باید خواند

واز آنها است «الافاضل‌من‌الفوائد والبراهین علی‌صحة‌الموازین» - در آن‌یاد میشود از «النظم، الموازین، الحاصل، الحدود، العین - که‌بایدشب وروزایشهارا نزداستادی دانشمند خواند واگر هندسه ومنطق بدانند بجز آنها نیازی نخواهند داشت-البغیة، المنتهی، نخستین ودومین المیزان ، المنطق‌الصغیرالمختصر، الصفوة، الفائدة، الطب، المنطق، البرهان ، الاستدلال، الادلة، التراکیب» ونیز ازبلیناس میگوید که بسیدم جعفرسوگند که مانند نوشته‌های‌من درجهان نیامد ونخواهد هم آمد. خواص‌جسم ها را بحرفها نشان‌میدهد .

بیرونی درفهرست نگارشهای رازی ص۱۷ ازمیدان‌العقل اویاد نمود وآنرا فلسفی خواند .

میدان‌العقل جابر درمختاررسائل جابربن حیان ازپول کراوس درمصربسال ۱۳۵٤ ص۲۰٦-۲۲۳ بچاپ رسید .

آغاز: کتاب میدان‌العقل - بسمله. ربنااعن برحمتك الحمدلله‌کثیراکماهو اهله ومستحقه - ینبغی ان‌تعلم فی‌کتابنا هذا علی‌العموم والخصوص فی‌امرالموازین خاصة .

انجام: کماقال بلیناس‌فی‌وصفه لکتابه لتصیبوابطول‌دراسته‌علم‌سرایرالخلیقة وصنعةالطبیعة وهو لعمری کذلك. وفقناالله وایاك لمافزت انه‌جوادکریم (تم کتاب میدان‌العقل بحمدالله تعالی وعونه وکان‌تمامه بمدینة حیدرآباد حماها الله تعالی وصاف ذلک ظهره) . (۷٤ الف - ۷۹ الف) .

۱۲- الموازین که‌درکیمیا است‌ودرآن ازپیامبروسقراط وافلاطون وارسطو وفیثاغورس یاد شده و میگوید که ارسطو منطق راکه پراکنده بود فراهم آورد و قاطیغوریاس و فاریر مانیاس وانولوطیقا وافودقطیقی نوشت و ایساغوجی را دیباچهٔ آن کرد تااینکه کتاب برهان‌آورد وفیلسوفان اورا برای اینکارش سجده کردند میگوید مقدمهٔ‌خطابی‌سخن بیهده‌ایست آراسته‌ومن مقدمه‌های‌جدلی وسوفسطائی

وبرهانی رادر کتاب علم منطق بخوبی آورده‌ام. یادمیکند ازواجب وممکن‌وممتنع
واز کتاب الشمس والقمر والسماء والعالم‌العلوی والسفلی و کتاب‌الموالید و کتاب ـ
الحکمة وصاحب‌الوصیةالمعروف‌بلاذن‌الحمار المنطقی (گ۸۳الف) وازدهنج‌فارسی
که سنگی است پاك وخردمندان باستانی پارس آنرا دارو ساخته بودند(همانجا) .
۵ او المیزان‌الصغیر هم‌دارد که در آن ازده مقوله ارسطو (جوهر، کم، کیف، زمان، مکان
اضافه، قنیه، وضع، یفعل، ینفعل) یادنمود وپنج نخستین‌را تهمانند دیگران‌شناسانده
وبخش کرد وجدولهاودائره‌هاکشید. یاد کرداز: البغیة والقمرالاکبر والشمس‌الاکبر
والمنتهی وتفسیرالسرالمکنون‌والطب‌النبوی‌علی‌رای‌اهل‌البیت، فهرست‌سوم کتاب‌های
خود و از فوثاغورس وامورس و ارشیجانس ـ دراینجا دستور خواندن نمازاستخاره
۱۰ بروش شیعی بادعاها دیده میشود .

آغاز: کتاب‌الموازین لابی‌موسی جابربن حیان‌الصوفی‌الجعفری‌رحمه‌الله تعالی.
بسمله. رب‌اعن برحمتک. الحمدلله تعالی کثیرا . کتبنا، ولوذهبنا نصف‌فضل‌الله علینا
واحسانه‌الینا؛ لم‌نبلغ ذلک بوصف.

انجام: وانت ابصروماتحتاج، فیمابینته‌لک وشرحته‌فی‌مصلحتک. وعلیک‌السلام
۱۵ ورحمةالله وبرکاته . وصلی‌الله علی‌محمد وآله‌اجمعین. تم کتاب‌الموازین لابی‌موسی
جابربن حیان‌الصوفی رحمه‌الله تعالی رحمة واسعة. (۷۹الف ـ ۸۵ب) .

۱۷.۱۳ـ الاحجار و خواص : چهارجزء « الاحجار » جابردر کیمیا است وسخن
بلیناس در آن‌آورده شد ومیگوید که درباره‌ای جاها اوجز گفتهٔ مارا دارد ونشاید
آنهارا یاد کنیم. وی‌در آنها بسیدخود سوگند میخورد (۹۰ب و۹۲ب و۱۰۳ الف و
۲۰ ۱۰۴ب و۱۰٦ب و۱۲۰ب و۱۲۱ب) واز بلیناس واندیشه ریاضی اودر کیمیا که‌جانور
وگیاه و سنگ را بروش ریاضی میشود سنجید (۹۰ ب) .

یاد میکند ازمشائیه واصحاب‌الرواق‌وپیروان مسلمان بلیناس‌وسقراط وانبدقلیس
وزاوش‌وفیثاغورس(۱۰۲ب) ونیز از کتب سبعه، حدود، میزان، اصباغ، صفوه، تصریف،
میدان‌العقل، موازین، المنتهی، الشمس‌والقمر، آراء سقراط ، الحاصل، المخاریق،

مائة واثنی‌عشر ، شرح‌الاستقص الاس، الافاضل، شرح‌المنتهی، شرح‌الشمس‌والقمر، النبات، الاحجار، الحیوان، الاثنین والثلثین .

درجزء۲ احجار ازجزء نخستین‌آن (۹۹ب) یادشده ودرجزء چهارم روش آموختن کیمیا دیده‌میشود ودر آن ازمفضلون‌وصابئه یاد گردید. دراحجار جدولی ازوزنها چنانکه سقراط گفته است آمده و دارد که ایندفترها بنام «سیدی‌صلوات الله‌علیه»است وگرنه کسی بدانها نمیرسید.وزن سنگها بحرف‌درآن نشان داده‌شده وجدولی چند درآن هست .

جزء یکم احجار در گزیدهٔ کراوس‌ص۱۲۶–۱۵۷ بچاپ رسید.

آغاز: الجزء الاول من کتاب الاحجار علی‌رای بلیناس الحکیم لجابر علیه الرحمة ـ بسمله. الحمدلله علی‌تواصل نعمه وایادیه علینا ومنه ... وقد کنا نعدك فی غیر کتاب من کتب‌الموازین برای بلیناس خاصة فی‌علم‌الموازین والان‌فنحن بادرون بذکر من‌خالف فیه ووافق.قال‌بلیناس: اقول‌واصف‌الحکمة‌التی‌ابدت‌بها بعدخروجی من‌السرب واخذالکتاب‌واللوح (دراینجا بازمعانی ازصنعةالطبیعة باعبارتهای دیگر دیده میشود) .

انجام: فوحق سیدی ... وکشفت واوضحت‌واستوفیت للسائر مایحتاج‌الیه ان‌فهمت ، ارجوان یرزقك‌الله انه جوادکریم فلیك هذا مقطع‌الجزوالاول والحمدلله کثیرا .

(۸۵ب ـ ۹٤الف) .

درخواص جابرساختن مشك وعنبریاد شده وبروش کیمیائی ریاضی است .

آغاز: من‌خواص‌الجابربن حیان‌الصوفی رحمةالله علیه.. صنعةالمسك:تاخذ من‌الاملج‌المنزوع النوامانشئت ومثله شاهترج هندی یسحق‌کل‌واحد وحده.

انجام: فان مزجته بغیرها ... حسن انشاءالله تعالی . (۹٤الف وب) .

جزء دوم احجار درگزیدهٔ کراوس ص۱۵۸–۱۹۵ چاپ گردید .

آغاز: الجزوالثانی من‌موازین الاحجار علی‌رای بلیناس‌الحکیم ، بسمله .

الحمدلله الذی اصطفی محمدانبیا وانتخب‌له علیا ولیا ... اما بعد فانه قد تقـدم قبل کتابنا هذا عدة کتب فی‌علم‌الموازین .

انجام: ولم ارمزعلیك شیئا فادم‌الدرس تصل‌الی ماتحب انشاءالله تعالی وحده . تم‌الجزء‌الثانی من کتاب‌الاحجار علی رای بلیناس ولله‌الحمدوالمنة . واشکرالله علی ۵ جمیل لطفه فی‌توفیقه لاتمام مابدی به وشرع فیه‌والحمدلله رب‌العالمین .

(۹۴ب ـ ۱۰۵الف) .

جزء سوم احجار هم در کیمیا است .

آغاز: الجزوالثالث من‌موازین‌الاحجار علی‌رای بلیناس ـ بسمله. سبحان‌المبدء المعیدالفعال لمایرید... وقدتقدم لناقبل کتابنا هذا کتابنان فی‌معرفة موازین‌الاحجار ۱۰ ونحن‌ذاکرون فی کتابناهذا صورة اخلاط‌الاحجار والاشجار والحیوان بعضهابیعض علی‌طریق المهنة .

انجام : هل‌هو لازم‌لها اذا لم یود حقوقها فاعلم ذالك انشاءالله تعالی . تم‌الجزء الثالث من کتاب‌الاحجار علی‌رای بلیناس و یتلوه الجزء الرابع من الاحجار علی رای بلیناس..

۱۵ (۱۰۵ الف ـ ۱۱۲ الف) .

ازجزء چهارم درگزیدهٔ گزاوس ص۱۹۶ـ۲۰۵ ازه باب فی‌ترتیب تعلیم‌المتعلم » (گ۱۱۴ الف نسخهٔما) تا « بشکل‌التزیید والتنقیص وهو آخرالکتاب انشاءالله‌تعالی » (گ۱۱۶ب) چاپ شد .

آغاز: الجزءالرابع فی‌موازین‌الاحجار علی‌رای بلیناس ـ بسمله . الحمدلله رب ۲۰ العالمین . . . من کان ذاکرالما ذکرناه فی‌المنازل الاولی والثانیة والثالثة من هـذا الکتاب، علم‌انا وعدنا ان‌نبین فی هذه‌المنزلة موازین‌الارواح ... ویکون ذلك مقطع هذاالکتاب وهوآخرهذه‌الکتب‌الاربعة .

انجام: واذقد اتینا وتناهی بناالکلام الی‌هـذا الموضع، فلم‌یبق فی‌علم‌الموازین المنصوصة علی‌الاحجار بقیة ، الاقد استوفیناها فی‌هذه وفیماقبلها . ولکن الان آخر

هذه‌الاجزاء. والحمدلله رب‌العالمین والصلوة علی‌محمد وآله .. الی‌یوم‌الدین.
(۱۱۲ الف - ۱۲۱ب).

۱۸- السر المکنون که در آن از کتابهای الاصول، الادلة، المزاج، الحاصل، الطبیعة، الفرقد، الاغراض لکتاب‌الاصول، الجبوةخود یادمیکند وازسقراط وبلیناس
درالسر المکنون میگوید ازچهار برادر که‌یادکردم بدوتن اعتماددارم یکی ۵
فارسی‌دیگرتازی وایندودردوجای عراق زاده شدند کوچکتر درجائی گرم وخشك
وبی آب بسر میبرد وبزرگتر درزمینی آبادان وهر دوهشتاد سال خواهند زیست.
جابردراینجا برمزدرباره‌ٔزندگی آیندهٔ آندو پیش‌بینی میکند ومیگوید که کوچك‌تر
آزار خواهد دید و درزمان او شهرها ویران میگردد ومردم آنجاها میشورند و
بدان بر نیکان چیره میشوند. آنگاه بدوبرادرمیسپارد که رازهارا نهفته بدارند. ۱۰
جابر در آن ازبرادر پارسی خود که‌درعراق زاده است‌یاد نمود ودرچندجا
بسیدخود سوگند خوردوازاو وازپدرانش حدیث آورد ودرنسخهٔ ماسه‌جزء ازاین
کتاب هست.

کراوس درگزیدهٔ خویش‌ص۳۲۳ - ۳۴۰ از آغازتا « الاهذه‌الکتب فقطفی
العالم»(ص۲۳ گ۱۲۳الف)راچاپ نمود. ۱۵

آغاز: کتاب‌السر المکنون فی‌الموازین من جابربن حیان الصوفی رحمه‌الله تعالی ورحمة واسعة واقیة. الجزء‌الاول من کتاب‌السرالمکنون قدکنایا اخی قدمنا من کتبنا هذه عدد کتب فی‌فنون کثیرة کل فن‌منها قائم‌بنفسه.

انجام: واضافته کل‌شیء الی‌اشکاله. فاعلم ذالك. واذقد اتینا علی‌بقیةالرسائل
الاولة فلیکن الان‌آخرها. تمت الرسالةالاولة بحمدالله ومنه وحسن توفیقه وعونه ۲۰
وصلوته‌علی خیرخلقه محمدوآله وصحبه.
(۱۲۱ب - ۱۳۶الف).

۱۹ - الراهب. درص۵۲۸ چاپ کراوس دارد که‌دانشم بادانش سیدم آمیخته
است وتنها ازاوست که میآورم ومن واو دردانش بمانند فرزند وپدریم. اومعنیهارا

با لفظهای گوناگون برمن میخواندو بزبورهای گوناگون برای‌من میآرایدبدانگونه که جزدر امرهای نادر چیزی برای دیگران نمیماند چنانکه درششصد باب‌الضمیر ودرالامامة ومانند آنها یاد کردم . چون‌دیدم که این‌راهب همچنین تدبیرداردو وجز ازاو نشنیده بودم نزدیك بود درسیدم بدگمان کردم بدو گفتم که چنین و چنان را بمن نیاموختی. پاسخ دادمگر آنچه بتوسپردم فراموش کرده‌ای؛ گفتم یـاد ندارم . استادگفت به‌التجمیع والتدابیرالمتحدة بنگر. من‌بدانها نگریستم دریافتم که‌چیزی نیست که سیدم نـداند واورا مانندی نیست وازهر چیزی آگاه است. من‌میخواهم این تدبیررا از گفتهٔ راهب‌هم دراینجایادکنم تاکتابم کامل باشدو کسی از آن‌نتواند خرده گیرد. پس از آشنائی بااستادم‌حربی(حمیری)قدس‌الله‌آوازهٔ این‌راهب بگوشم رسید وخواستم اورا به‌بینم چه‌اوجانشین مریانوس بوده است ومریانوس هم کسی است که خالدبن یزید درجستجویش بود وازراه بیت‌المقدس اورا نزدخودخواندو سالانه برای اوزری میفرستاد . حربی که درگذشت شیفتهٔ راهب شدم ودریکی از بیابانهای شام بدورسیدم واین‌گونه تدبیر دربارهٔ حجررا ازاو آموختم اوبسیاردانا ودراین تدبیر بیمانند بود. بسیدم سوگندکه دستور اورا دست‌نخورده دراینجا یاد کردم. اودر همان بیابان بانداشتن افزارچنانکه هرمس مثلث برای پسرخود طاط دردفتر خویش نوشته بود درمغاره‌ایکه جایگاهش بود برای‌من عمل‌نمود. جابردر اینجاکاربراکد راهب دربارهٔ سیم‌ساختن جیوه کرده بود یادکرد .

الراهب در گزیده کراوس ص۵۲۸ ــ ۵۳۱ چاپ شد .

آغاز: کتاب‌الراهب. بسمله. الحمدلله النافذالمشیةالماضی‌القضیته .. اعلم یااخی انی خصصت کتابی‌هذا باسم‌الراهب‌لان‌من‌شانی(ان)انسب کل‌علم‌الی‌صاحبه.

انجام: واذقد بلغنا الی آخر تدبیرهذاالراهب فلنقطع‌الکتاب ولناخـذ فیمایلیه انشاءالله‌تعالی وبالله توفیقناوعصمتناوهوحسبنا ونعم‌الوکیل. تم کتاب‌الراهب‌بحمدالله وعونه و حسن توفیقه .

(۱۳۶الف ــ ۱۳۷ب) .

۲۰ ـ السهل وجابردراین نامهٔ کیمیائی آنچه آسانتر است میآورد وسوگند بسید خودمیخورد واز ذیمقراطیس وهرمس وهرقل ملك یادمیکند.

آغاز: کتاب‌السهل ـ بسمله. الحمدلله‌المحمود بآلائه‌والمشکور علی‌نعمائه... اعلم انه قد تقدم لناضروب من‌التدابیر بعضها فی‌ارکان مفردة ... والذی نذکره فی هذاالکتاب هواسهل‌الارکان تدبیراواقلهاخطأ . ۵

انجام: واذقد اتیناعلی‌ما فی‌هذه‌التدبیر وانتهینا الی‌هذاالمکان، فلیکن آخر هذاالکتاب‌ولناخذ فیمایلیه انشاءالله تعالی. وهوحسبنا ونعم‌الوکیل. تم کتاب السهل بحمدالله وعونه ومنه .

(۱۳۷ب ـ ۱۳۹ب) .

۲۱ ـ السمکة که درآن از کتابهای السبعین، الخواص، الخمسین خود یاد می کند واز هرمس نام میبرد. ۱۰

آغاز: کتاب‌السمکة ـ بسمله. الحمدلله‌خالق‌الارض والسماء ومابینهما من النارو‌الهواء والماء ... اعلم اناقدکنا ذکرنا للکتب السبعین‌مرارة‌الشبوط واخذالحجر منه... هذاالکتاب‌الذی رسمناه بکتاب‌السمکة .

انجام: واذقد اتینا الی هذه‌العنایة ، فلیکن آخر الکتاب ولناخذ فیما یلیه انشاءالله تعالی . وهوحسبنا ونعم‌الوکیل. تم کتاب السمکه . بحمدالله وعونه وحسن توفیقه ومنه. وصلواته علی‌سیدنا محمد خیرخلقه و آله وصحبه. ۱۵

(۱۳۹ ب ـ ۱۴۱الف) .

۲۲ ـ القادر که در آن از «کتب‌العلم» یادشده وجابر بسیدسوگند میخورد.

در آغاز از «کتاب‌الموازین الخانیقونیة» ارسطویاد میشود . درمیـانه دارد : «واذکنا سمینا کتابنا هذا کتاب‌القادر» (س۲۰ـ۲۱ گ۱۴۱ب) . ۲۰

آغاز: کتاب‌القادر ـ بسمله . الحمدلله خالق‌الانسام وباری الاجسام ... اعلم وفقك‌الله . . . انه قـدتقدم لناقبل کتابنا هذا اربعة کتب کلها شاهدة لماناورده فی هذا الکتاب .

انجام: مابقی لک علی جابر بن حیان المسکین حجة. اتراک تقول افی هذا الکلام رمزا او تمویها او الغازا او اشتمالا بغیر البرهان. واذقد اتینا بما قد ضمناه فی هذا الکتاب فلنختمه ولنأتی بما بعده انشاءالله عزوجل. تم کتاب القادر بحمدالله وعونه.

(۱۴۱ الف - ۱۴۲ الف).

۵ ۲۳ - الماجد که در ص ۱۱۵-۱۱۶ میگوید: «سیدی رضی الله عنه» فرمود که این دفترها را بنویسم و آنچه دراینها می‌بینید به «سیدنا علیه السلام» گفته‌ایم. در آن از ماجد وناطق وصامت واصحاب السین واصحاب العین و آثار سین وعین و کتابهای موازین و حروف یاد گردید.

در آن دارد که من بدستور سیدخود و بهمانگونه که او گفت این کتابها را نگاشتم.

۱۰ ازجابر هم نامبرده شده ودوجا کتابرا «ماجدی» مینامد.

در گزیدهٔ کراوس ص ۱۱۵-۱۲۵ بچاپ رسید.

آغاز: کتاب الماجد. بسمله. الحمدلله القدیم العلیم الرؤف الرحیم. اعلم ان سیدی علیه الصلوة والسلام لما امرنی بتألیف هذا الکتب رتبها لی ترتیبا لایجوز لی مخالفته فیها.

۱۵ **انجام**: فلا نسبة له بشیء من ذوات النهایات فاعلم ذلک ... وبالله فاستعن فانه حسبنا ونعم الوکیل. تم کتاب الماجد بحمدالله وحسن توفیقه وعونه وصلی الله علی سیدنا محمد خیر خلقه وآله وصحبه وسلم تسلیما کثیرا.

(۱۴۲ الف - ۱۴۵ الف).

۲۴ - القدیم که در آن از سمع الکیان ارسطو و کتاب الامامة خود یاد کرد و از

۲۰ قدیم وحادث بررسی نمود وهیولی را دارای شوق دانست. میگوید این نگارشهای من ازمعجزه‌های سیدم است وسوگند باو که جز برادران باینداننشها که درآنها گذارده‌ایم نخواهند رسید. برادران دیگرما که این دفترها را برای آنان ننوشتیم و این دانشهارا برای آنان نیاندوختیم گاهیکه این نامه‌ها آشکار گردد بدانها خواهند رسید. جز این دو دسته آنها که دشمن وفرومایه وپست وتاریک دل هستند خداوند

جز نادانی و گمراهی و کندی و کوری نیافزاید. آنگاه ببرادر خویش میسپارد که خدارا سپاسگزارد ودراینکار بررسی وجستجو و آزمایش کند.

این نامه در گزیدهٔ کراوس ص۵۴۲ـ۵۴۷ دیده میشود و از میانهٔ آن (س۱۶ گ۱۴۵ ب ـ س۲۵ گ۱۴۶ب) در آن نیست وهمچنین نزدیك بدو سطر دیباچه (بسمله، حمد، صلوة) در آنجا نیامده است. ۵

آغاز: كتاب القديم لجابر بن حيان رحمه الله تعالى. بسمله. الحمدلله الازلى بلامثال ... اعلم ان الكلام في القديم والمحدث ... من اصعب الامور عندجلة الفلاسفة و قدمائهـا.

انجام: واذقد انتهى بنا القول الى هذا المكان فليكن آخر الكتاب ... وهو حسبنا ونعم الوكيل. تم كتاب القديم بحمدالله.. وصلواته على... محمدو آله اجمعين (۱۴۵ الف ـ ۱۴۷ب) ۱۰

۲۵ ـ البيان که در آن از ترتیب کتابهای خودیاد نمود و بیانهای گوناگون را آورد. این نامه در ۱۱ رساله چاپ ۱۸۹۲ بمبئی دیده میشود (ذریعه ج۳ ص۱۷۵).

آغاز: كتاب البيان ـ بسمله. الحمدلله الذى ببيانه اهتدى المهتدون وبعدله نجا المومنون ... اعلم انه لابدلنا فى ترتيب هذه الكتب كما بينا ان ندرج الى كل واحد منها تدريجا: ۱۵

انجام: ولهذا الشخص الكريم اعدت الدفائن والكنوز القديمة ويظهر فيمـا يلينا فى قران القوس فاعلم ذلك. واذقداتينا على مافى البيان فليكن آخر الكتاب انشاء الله تعالى. تم كتاب البيان بحمدالله وعونه وحسن توفيقه وصلواته على سيدنا محمد وآله و صحبه وسلم تسليما كثيرا دائما. ۲۰

(۱۴۷ب ـ ۱۴۹ب ـ در ۱۴۹ب ـ ۱۵۱ب سخنانی است از جابر ومحمدبن زکریا وبقراط وطغرائی در کیمیا وچنین است: قال جابر ... اعلم ان تكليس الفضة على وجوه كثيرة ـ هذا اسهل التدابير فى الرصاص).

۲۶ ـ التصریف که در کون وفساد و کیمیا است ودر آن از کـون و فساد

ارسطو بندهائی آورده شد(۱۵۱ب و۱۵۲ و۱۵۹الف و۱۶۰-۱٦٤) جابر در آن ازاسکندر وافلاطون‌ودیوجانس وسقراط واز کتاب‌الکون واحوال‌الکواکب وعدد الدرج واسمائها والاثنی والثانین والتصریف و طلسمات والاسطقس الاس والمیزان والمنطق (مفرد ومرکب) والجدل والهندسه والاصول یادمیکند. و بسیار سوگند
می‌خورد ومیگوید که جالینوس در«البرهان» برای«اولی» چنین‌مثال ونمونه آورد: «اگرپس ازتابستان پائیزاست پس‌همان تابستان ناگزیر پس ازبهار بوده است»مگر اینکه درست نیست و شاید چنین نباشد ومن در «کیفیة الاستدلال» این را روشن ساختم(۱۷٦الف) همودر«البرهان» گفته : «باید بدانیم که این آسمان گرامی‌ساخته نشده چه پدران‌ما وهمه گذشتگان آنرایکنواخت ویکسان‌دیده‌اند وستاره‌شناسان
پیش از هزاران سال بدان نگریستند و گشادگی وجنبشهای آنرا یکسان یافتند» دهریان این‌سخن‌را پذیرفتند. آنگاه جابراز این گفتارجالینوس خرده‌میگیرد.

استدلالی ازاو دربارهٔ روشنی وتاریکی که دربرابر یونانیان کرده است دراینجا آمده وجدولها دربارهٔ جسمها دارد وپایان‌نامه منطق است.

درآن (ص۳۹٦چاپی و گ۱۵۲ب نسخهٔما) ازکون وفساد ارسطو : «والرطب
والیابس قد یقال کل واحد منهما علی انحاء کثیرة . و ذلك ان الیابس موضوع قبالة الرطب والمبتل وقبالة الرطب ، الیابس والمنعقد» (باب ۲ فصل۲ ص۳۳۰ الف س۱۲. ۱٤ - ص۲۰۹ ترجمهٔ لطفی سیدبند ٦ - ص۱۰۳ ترجمهٔ تریکو) آمده واز اسکندر وجالینوس یادشده ونیزازبارارمنیاس‌منطق خود دربارهٔ وجود عینی وذهنی ونطقی و کتبی(۱٦۷الف) .

درگزیدهٔ کراوس ص۳۹۲ - ٤۲٤«نخب من کتاب‌التصریف» بچاپ رسیده و از س۱۲ گ۱۵۲الف. س۱ گ ۱٦۵الف‌وس٦-۱۵ گ۱٦٦ب‌وس٤ گ۱٦۷الف. س۱۰ گ۱٦۸ب‌وس۱۵ گ۱۷۱ب - س۱۲ گ۱۷٤ب‌وس۲۱ گ ۱۷۷ الف تاپایان درگ ۲۰٤ب نسخهٔ ما درآن نیامده ونسخهٔما هم بپایان نمیرسد. درپایان ازاقسام‌قضیه‌ها گفتگو شده است .

آغاز مانند: چاپی کتاب التصریف تألیف جابربن حیان رحمه‌الله تعالی.
بسمله. الحمدلله رب‌العالمین ... قدتقدم لنا قبل کتابنا کتب کثیرة فی علم الموازین و
فیها وجوه انفعالاتها.
انجام: ذات السور الکلی واجب ان یکون کل انسان جبار (أ) وجبار او
۵ ممتنعا فهذه وفی المتغیرة المهمل.
(۱۵۱ب ـ ۲۰۴ب).

[۱۲۷۱.۱۲٤٦]

۴۹۱ این نسخه‌ها شماره ۳ تا ۲۸ دفتر است و بخط ش۱ آنست میباشد و در حیدر
آباد نوشته شده.

۱۰ [۱۱۰٤.۱۱۰۱] **نگارشهای جابر** (فارسی و عربی)

در نسخهٔ ش ۱۰۸۷ چهار گفتار از جابر دیده میشود و پیداستکه از تازی بپارسی
گردانده‌اند.

۱ ـ درحل زیبق.

آغاز: رساله ازجابربن حیان رو درحل زیبق حکما وتدبیر او. بسمله. وبه
۱۵ نستعین. بدان بدرستیکه حصول ابن‌عبد امرسهل است ولیکن صعوبت و دشواری
درحل ثقل اواست.
انجام: پس هرگاه حل‌شود ملح بحرمخلوط میشود بـا آب بحر مخلوط
شدن عنصری ومیکند ... عسجدی والسلام (۵۵ب).

۲ ـ ازکتاب‌المنفعة.

۲۰ **آغاز**: گفت جابر در تکلیس اجساد در کتاب منفعت بدان بدرستیکه اول
چیزیکه سزاوار است دانستن اوتکلیس کردن اجساد است.
انجام: تااینکه برسی بمرادخود. بدان بدرستیکه اینکتاب کتاب منفعت
است ازخفائیت والسلام (۵۵ب ـ ۵٦ب) ـ پس ازاین در نسخهٔ مادو بنداست بپارسی یکی
بنام «مبقله بحث درابن آب الهی...» دیگری ازغایة السرورفی شرح دیوان الشذور ابن

ارفع راس ازجلد کی (۵۶ب-۵۷الف).

۳ - گزارش «کتاب السبعین الموازینیة» بتازی و در آن از سید خود یاد میکند و باو سوگند میخورد و میگوید: «اکسیر ۱۰۰ و زر ۲۰ و سیم ۱۰ و مس ۷ و قلعی ۵ و سرب ۴ و آهن ۳ و خارصینی ۱ است» و «نسبت اکسیر بزر ۸۰ و زر بسیم ۱۰ و نسبت جسدهای دیگر بهمدیگر ۷ است».

آغاز: بسمله. هذه رسالة فی شرح کتاب السبعین الموازینیة لجابر ره فی تراکیب الاجساد والاکاسیر. قال الحکیم فنقول و بعد ان مثال الاکسیر مائة من العدد.

انجام: وتطلیه بزاج وطین الجلد واحمر مرتین یخرج احمر. تبیعه کیف شئت. (۱۳۸ب - ۱۳۹الف بخط نستعلیق ۹×۱۴س۱۶).

۴ - گزیده‌ای از «الرحمة الصغیرة» جابر و بتازی.

آغاز: منتخبة من کتاب الرحمة الصغیرة لجابر ره (عنوان) واما هذه الطریقة التی نحن واصفوها فی هذا الکتاب فهی اوضح ماتقدم وهی طریقة النار وحدها بلا داخل یدخل علیها.

انجام: واجعل فی اکسیرك نصیبا تخرجه عنی لوجه الله تعالی للفقراء والمساکین. والله تعالی خلیفتی علیك وهو حسبی ونعم الوکیل (گ ۱۴۰الف - ۱۴۱الف وبهمان خط شماره پیش).

[۱۲۷۲-۱۲۷۵]

۱۰۸۷

این نسخه‌ها ش ۲۰ و ۲۱ و ۳۶ و ۴۸ دفتر است. در ۱۴۱الف - ۱۴۵ب پاره هائی است از کتاب برهان و گفتار طغرائی ومجریطی و کتاب الصفوة جابر و در مکنون حکیم اوزاعی و کتاب خاصیت افلاطون وعلل المعادن رازی و گفتار عبدالرحمن شیرازی وسخنان پراکندهٔ دیگر و نه جدول هست و درهامش هم نوشته شده.

[۱۱۰۵-۱۱۰۸] **نگارشهای کیمیائی رازی** (فارسی و عربی)

از رازی پزشك بزرگوار ایرانی ۴ نامه و گفتار کیمیائی در دفتر ش ۱۰۸۷ این کتابخانه هست که اینك شناشانده میشود.

۱ ـ در «تدبیرحجر» که در آن ازجابر یاد میشود .

آغاز: نسخه ایضا ازقول محمدبن زکریا رازی ره درتدبیرحجر واعمال او. بسمله. حمد. صلوة. امابعد. گفت محمدابن زکریا رازی قول حکیم‌را : که‌مزاوجه کنید اشقر کریم‌را بزوجهٔ بیضالبنةالبشره یعنی بوست اووچهر اوترم باشد .

۵ **انجام** : پس حل کن اورا واگرباقی بماند چیزی ازاوپس مکرر کن عمل‌را تااینکه منحل شود بتمامی انشاءالله (گ۳۸ب ـ ٤۰ب ش۱۰۸۷) .

۲ ـ در «خواص حجر» که در آن هم ازجابریاد کردید .

آغاز: فصل از کلام رازی درخواص حجر ـ بدان ای فرزندمن که توفیق دهد الله مرا بتوفیق خود بدرستیکه هرپادشاهی ازپادشاهان .

۱۰ **انجام** : عمل‌ما نسبت دارد بعمل صابون پس‌بدان این‌راوشاك‌مكن (٥۲ب ٥٥ب آنجا) .

۳ ـ «سرالأسرار» که بتازی است .

آغاز: القول فی‌النحاس. النحاس من‌قسمةالزهرة . طبعه‌الحرارة والیبس‌الا ان یبوسته دون یبوسةالحدید .

۱۵ **انجام** : حتی‌یخرج‌الرصاص ویبقی‌الفضة ذهبا کاملا (۱۳۹الف وب همانجا)

٤ ـ «شواهدالحجر» در آن ازهرمس وارسطو وماریه واسطوبس واسکندر وبطروس ومالیوس وبعنوس وذی‌مقراط واسطالس وسرخس واقلاطون ووزیرخالد ودمیوس وهرقل وجالینوس ومقدیس‌وبلسوس ودوسم‌وملاخس واسطوس‌واقراطیس وآندریای‌حکیم‌وابوالوقروسالم حرانی یادشد .

۲۰ **آغاز:** بسمله. کتاب‌شواهدالحجر ازمصنفات محمدابن‌زکریا رازی فی‌حجره وتدبیره . حمد . صلوة . اماگفت بعده محمدابن زکریا : بتحقیق که پیشتر گذشت ازبرای ماپیش ازاین کتاب هفت کتاب .

انجام: دراو هست کفایت از برای استشهاد بر آن چیزیکه اراده داریم ما پس هر آینه تمام کردیم کتاب خودرا که مسمی‌است بشواهد (۲٦ب ـ ۳۸ب همانجا)

این هشتمین کتاب است و کتابهای دیگر اینها است: اشیا درصناعت الهیه، حجر، تدابیر درحجر، اکسیر، مراتب شرف صنعت، راحت، تدابیریکه آزمایشگر بدان نیازمند است (دیباچه).

[۱۲۷۹-۱۲۷۶]

۵ ۱۰۸۷ این نسخه‌ها ش۱۴ و۱۹ (بهمان خط ش۲) و۳۷ (بخط نستعلیق وپایان درهامش) و۱۳ (بهمان خط ش۲) دفتر است.

[۱۱۰۹] **نورالانوار فی علم الاحجار** (فارسی)

حکیم رافت الدوله اشرفعلی حیدرآبادی سرایندهٔ این کیمیای منظوم است و آن چند فصل وعنوانها بنثر میباشد.

۱۰ **آغاز**: باء بسم الله الرحمن الرحیم ـ هست مفتاح در گنج حکیم (ش۷۳۸ مجلس) علمهای اولین واخرین ـ جمله را قرآن حق آید ضمین.

انجام: گرترا میل است این صنعت سرشت ـ بنگر اندر این رساله چون بهشت.

[۱۲۸۰]

۱۵ ۸۳۱ این نسخه ش۱ دفتر است وبخط شکسته نستعلیق تازه وعنوانها بسرخ میباشد. ص ۱ ـ ۹۸.

گفتار دهم

افزارهای علمی

[۱] # اسطرلاب

این افزار برنجی که بشعاع ٦ س م میباشد دارای عضادهایست که نام برجها و رقمهائی در آن نگارشده و همچنین بر روی عنکبوت آن نام ستارگان و برجها و رقمهائی دیده میشود. دریکسوی بیرونی صفحهٔ حجره وام جدول نسبت دوازده برج ۵ باسیارهها و در درون آن طول و عرض شهرها میباشد و در میانهٔ آن نوشته است «حسب الامر عالیجاه عبدالمؤمن خان افشار. صنعة الاقل العباد محمد امین ابن محمد زمان سنه ١١٤٥».

صفایح آن پنج است:

۱ ـ که دریکسوی آن جایگاه ستارگان و مدارهای آنها و مرکز جهان و در ۱۰ سوی دیگر آن مدارهای سیارهها و فلك الافلاك نشان داده شده است.

۲ ـ که دریکسوی آن مدار حرکت آفتاب و دیگر ستارگان است نسبت بمرکز جهان و درسوی دیگر آن مدار سیارهها است نسبت ببرخی از برجها.

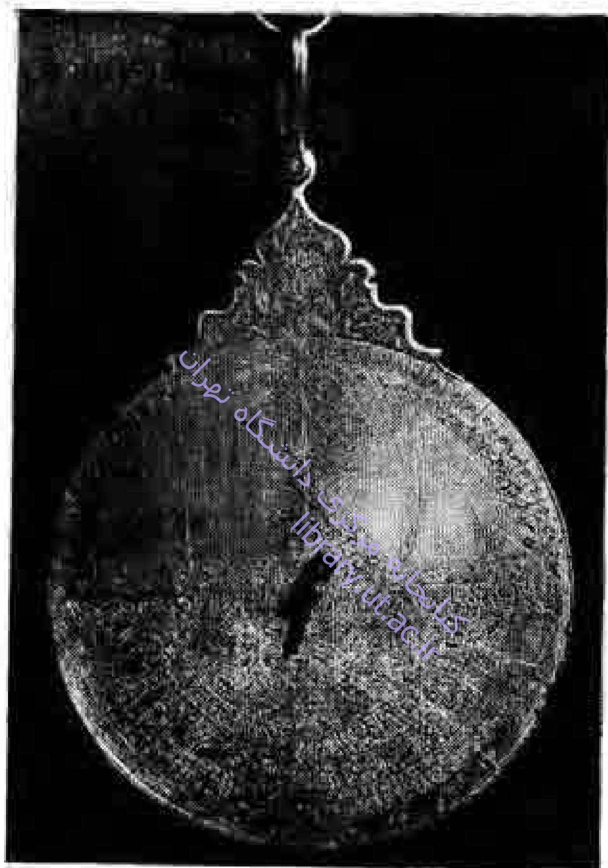
۳ ـ که دریکرویهٔ آن منزلهای ماه و دررویهٔ دیگر دوائر بروج است نسبت بفلك البروج وسیارهها.

۱۵ ٤ ـ که دریکروی دوائر سیارهها است نسبت بیکدیگر درمدار راس السرطان و درروی دیگر همان دائرهها است درمدار راس الحمل.

٥ ـ که در یکسوی دائره های سیاره ها است در فلك البروج و مدار راس السرطان و درسوی دیگر دائره های منزلهای ماهست وبرجها. (۱۰٤۰)



روية اسطرلاب ش ١٠٤٠ تاريخ ١١٤٥



پشت اسطرلاب ش ۱۰٤۰ تاریخ ۱۱٤٥

[٢]

اسطرلاب

این افزار برنجی دارای عضاده‌ایست که نام برجها در روی آن نگار شده ویك
عنکبوت که درروی آنهم نام برجها دیده میشود. درصفحهٔ روی حجره وام که بقطر
٦ س م است دائره‌ها وخطوط ونام برجها نگارشده وتاریخ « فی سنة الخزی »=
٥ (٦١٧) در آن دیده میشود . درصفحهٔ درون آن عرض وطول شهرهای ایران است.
صفایح درونی آن دوتا است که درهردو رویهٔ آنها ساعتها وعرضها بارقمها ودائره‌ها
کنده شده است .

(١٠٧٦)



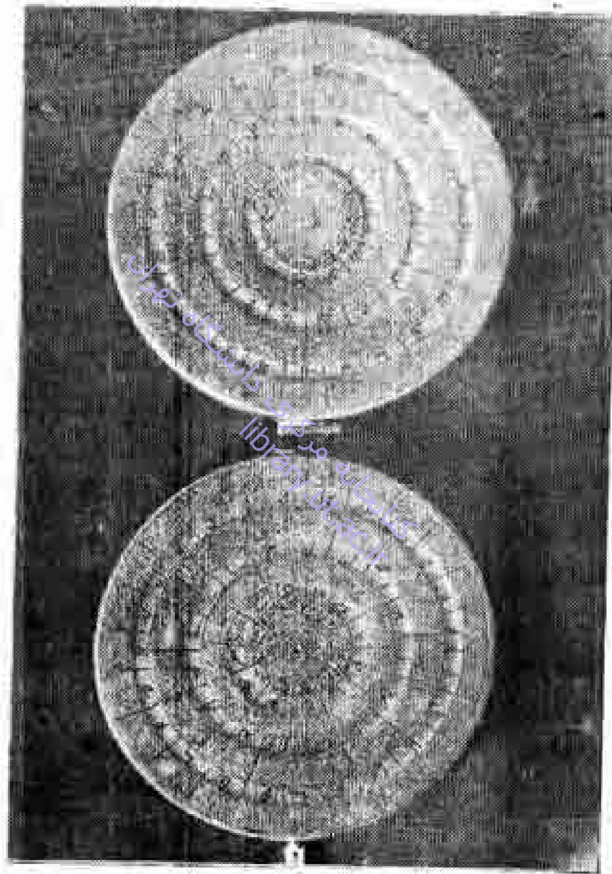
روية اسطرلاب ش١٠٧٦ تاريخ ٦١٧



بشت إسطرلاب ش٢٠٧٦ تاريخ ٦١٧

[۳] تخته رمل

تخته رملی است برنجی بقطر ۱۱ س م ودر روی آن شکل برجها ونام چهار فرشته بارقمها کنده شده است . دومیلهٔ برنجی باآن هست بدرازای ۸ س م ودر هر یکی ازدومیله چهار مکعب کوچك برنجی مانندطاس نرد کشیده شده است(۱۰٤۲)



رویهٔ تخته رمل ~~ش ۱۰۴۲~~ م
ج ۲ ص ۱۰۷۷

[٤]

شاخص

این‌شاخص یا ساعت آفتابی برنجی گرد بقطر ۷ س م باز و بسته میشود. در دو رویهٔ بالا وزیر ویك رویهٔ درونی آن عرض وطول چند شهری بارقمها نوشته شده است. دررویهٔ زیرقطب‌نمائیکه دراین شاخص گذارده‌شده نام‌چند شهردیده‌میشود. ۵ ودر روی حلقه‌ایکه شیشهٔ روی قطب‌نما بدان پیوسته است عدد هائی بحروف و رقم نگار شده است. خودشاخص‌درروی‌شیشهٔ قطب‌نماگذارده شده‌و گردان است وعقربه‌ای‌بدان پیوسته است. (۱۰۷۷)



رویهٔ درونی شاخص ش ۱۰۷۷

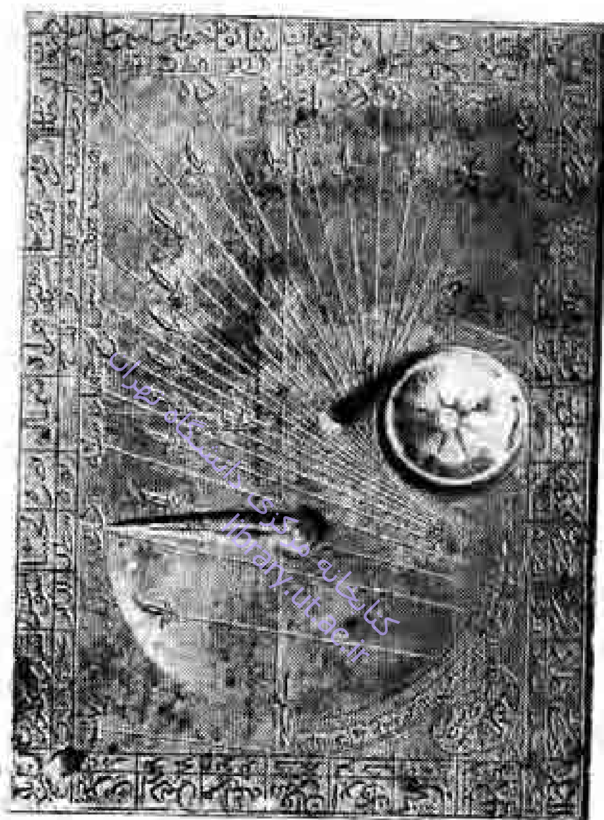
[۵] شطرنج العرفاء

پارچه‌ایست سفید که دریکرویهٔ آن شکلی مربع دارای سد خانهٔ مربع کشیده شده ودرهریکی از خانه‌ها نام خوی نیك یابد و برخی ازواژه‌های عرفانی دیگر نوشته شده است. ودر دوقطر مربع بزرك شکل دومار وشکل چندمارهم دو گوشهٔ آن
۵ وشکل ده گنجشك دردو پهلوی آن دیده میشود. نوشته وشکلها بسیاه وشنگرف است. اندازهٔ آن : ۶۹^۲ س م میباشد درچهار سوی مربع این رباعی دیده میشود:

چون مهره بطاس فلك افتاد بگشت هر کس زپی نقش وخیالی میگشت
ناگاه در آن‌میان قماری افتاد شیمه‌بدوشش آ•دوستی‌سه‌نشست (۱۰۷۸)

[۶] قطب‌نما

۱۰ صفحه‌ایست برنجی باندازهٔ ۵ر۶×۵ر۹ که انحراف شهرهای ایران در آن‌نگار شده ودارای چهار پایه‌میباشد. قطب‌نمای کوچکی درخانهٔ گردی بقطر۲س‌م در آن گذارده شده ودرمحیط مدرج‌صفحهٔ سفید زیر قطب‌نما حرفهای روسی‌دیده‌میشود. دارای شاخص گردان وعقربه هم هست. در گوشهٔ راست‌خود صفحهٔ طول و عرض نوشته است: «صنعه‌عبدالائمه» واین عبدالائمه پیش از ۹۰۰ میزیسته است(گاهنامه
۱۵ ۳۱۱ ص۱۰۲) (۱۰۴۱)



رویهٔ قطب‌نمای ش ۱۰٤۱

[٧] گرهٔ آسمانی

دراین کره برنجی که بشعاع ٥/١٢س.م میباشد خطوط نصف‌النهار ونیمهٔروز و نام برجها ومدارها وقطبهای آسمانی نگارشده است (١٠٤٣)

تااینجا گفتار دهم بخش دوم جلد سوم ازفهرست کتابهای فلسفی وعلمی کتابخانهٔ دانشگاه‌تهران که‌استاد دانشمند ارجمندجناب آقای سیدمحمد مشکوة بیرجندی بخشیده‌اند بپایان رسید وفهرست کتابهای اخبار وفقه واصول درجلد دیگرخواهد بود .

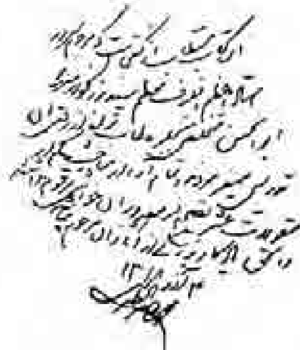
گردآورنده ونگارندهٔ اینفهرست: محمدتقی‌دانش‌پژوه‌ـ‌از آمل‌تبرستان‌ـ تهران ، کوی‌کارمندان یوسف آباد . آغاز شهریور ١٣٣٢ خورشیدی .



پایان عین‌الیقین کاشانی گ۲۸۲ب ش۳۷۳ که در ص۳۱۲ شناسانده شده



ازحاشیهٔ شفای شیخ رئیس که در آن هشت بخش علم‌طبیعی یادمیشود. (گ۳۶۸الف ش۲۴۱ که در ص۲۸۹ شناسانده شده)



خط دانشمند بزرگوارشادروان میرزا طاهر تنکابنی فیلسوف که در آن گواهی میدهد که نسخهٔ ش۲۴۱ ازشفای شیخ رئیس ازآن میرزای جلوه بوده است (گ۳۶۸الف همان شماره که در ص۲۸۹ شناسانده شده)

فهرست نام کتابها و نامه‌ها

و گفتارها

فهرست نامنگارندگان و مؤلفان کتابها و نامه‌ها

و گفتارهائیکه در دربخش ایندفتر شناسانده شده‌است

(برای نامهائیکه شمارهٔ صفحه در برابر آنها نیست بآنچه میان دو کمانه گذارده شده باید نگریست)

نام مؤلف وشماره صفحه

نام مؤلف وشماره صفحه

نام‌مؤلف وشماره‌صفحه

نام‌مؤلف وشماره‌صفحه

نام مؤلف وشماره صفحه

نام مؤلف وشماره صفحه

نام‌مؤلف وشماره‌صفحه

نام‌مؤلف وشماره‌صفحه

نام مؤلف وشماره صفحه

نام مؤلف وشماره صفحه

نام‌مؤلف وشماره صفحه

نام‌مؤلف وشماره‌صفحه

نام‌مؤلف وشماره صفحه

نام‌مؤلف وشماره صفحه

نام مؤلف وشماره صفحه

نام مؤلف وشماره صفحه

نام‌مؤلف وشماره صفحه

نام‌مؤلف وشماره صفحه

نام مؤلف وشماره صفحه

نام مؤلف وشماره صفحه

راهنمای نسخه‌ها

اینجا نخست شمارهٔ نسخه روی نشانه‌گذاری که دراین کتابخانه شده است آمده سپس نام کتاب یا نامه یا گفتاریکه در نسخه نوشته‌شده ودر دو بخش ایندفتر شناسانده یا یادشده‌است میآید آنگاه شماره‌ایکه در همین فهرست بخود نسخه داده‌شده است دیده‌میشود

۲۸۲،۱ تصحیح‌الاعتقاد مفید ۷۷۲
۲، « انوارالملکوت‌حلی ۷۴۸
۳، « ترجمه فصول گرگانی ۷۶۷
۴، « انوارجلالیه سیوری ۷۴۶
۲۸۳،۱ ترجمهٔ گزیدهٔ نزههٔ‌شهرزوری ۹۲۳
۲، « ترجمه پندداذبه طوسی ۸۷۱
۳، « ظفرنامهٔ بزرگمهر ۹۰۱
۴، « تحفةالوزراء ۸۷۸
۵، « سوگندنامه ابقراطس ۹۳۰
۶، « ناموس پزشکی « ۹۳۱
۷، « سفارشنامهٔ « ۹۳۲
۸، « سرگذشت « ۹۲۷
۲۸۴ تسدیدالقواعد سپاهانی ۷۷۰
۲۸۵ اثبات واجب‌حسینی ۷۷
۲۸۶ نورالبصر محمدخلیل ۵۰۹
۲۸۷ رسالهٔ کلامی ۷۸۴
۲۸۸ اشارات ابن‌سینا ۸۵
۲۸۹ افق مبین داماد ۹۵
۲۹۰،۱ معارف‌الهیه پیرزاده ۴۴۳
۲، « تیاسرحلی ۱۰۷۷
۳، « شرح اثبات عقل دوانی ۲۹۲
۲۹۱ شرح شمسیهٔ تفتازانی ۴۴
۲۹۲،۱ تفسیر الف‌صغری ابن‌عدی ۹۸
۲، « ترجمهٔ نهایهٔ‌طوسی
۲۹۳،۱ نامهٔ براتی بهمدانی ۶۸۸
۲، « اشراق‌الحق عاملی ۷۲۵
۳، « قضا وقدر بسطامی ۳۶۰
۲۹۴ حاشیهٔ شرح حکمةالعین شیرازی ۲۲۲

۲۹۵ شرح‌هدایهٔ شیرازی ۳۰۹
۲۹۶ حاشیهٔ مشاعر اردکانی ۲۳۳
۲۹۷،۱ قواعد بحرانی ۸۱۷
۲، « ارشادالطالبین سیوری ۷۲۳
۲۹۸ البراهین‌القاطعه استرابادی ۷۵۳
۲۹۹ کشف‌الفوائد حلی ۸۲۰
۳۰۰ رسالهٔ کلامی ۷۸۳
۳۰۱ حاشیهٔ‌شرح‌تجرید کرهرودی ۲۱۴
۳۰۲،۱ مجمل‌الحکمه ۴۲۸
۲، « شرح سی‌فصل ۱۱۲۴
۳، « مدخل‌منظوم ۱۱۴۹
۴، « مثنوی سعدونحس ۱۱۴۳
۵، « قوام‌الحساب ۱۱۳۱
۶، « رسالهٔ ضرب و قسمت ۱۱۰۰
۷، « « ۱۱۰۱
۸، « سی‌فصل ۱۱۱۰
۹، « احکام قرانات ۱۰۹۵
(همهٔ دفتر ۱۴۸گ ـ کاغذ فرنگی ـ جلدتیماج قهوه ای اندازه ۱۵×۲۰ و ۱۰×۱۵س۱۹)
۳۰۳،۱ شرح فناری ۴۸
۲، « اثبات واجب دوانی ۶۴
۳، « حاشیهٔ‌اثبات‌واجب باغنوی ۲۰۳
۴، « نامهٔ دامادبمیرزا رضی ۹۳۴
۳۰۴،۱ حاشیهٔ شرح تجرید گیلانی ۲۱۵
۲، « علم‌الله گیلانی ۳۴۱
۳۰۵ حاشیهٔ شرح‌تجرید لاهیجی ۲۱۹
۳۰۶ حاشیهٔ حاشیهٔ تهذیب‌المنطق ابو- الفتح گرگانی ۲۱
۳۰۷ مسالک‌الیقین گیلانی ۴۳۶

٤٣٧ شفاء الامراض سبزواری ۱۰۰۱
٤٣٨، ١ تلویح خجندی ٩٦٦
، ٢ « فصول ایلاقی ١٠٠٩
٤٣٩ دستور العلاج گنابادی ٩٨١
٤٤٠ شرح اسباب کرمانی ٩٩٢
٤٤١ شرح قانون آملی ٩٩٥
٤٤٢ اختیارات بدیعی انصاری ٩٤٠
٤٤٣ شرح قانون قرشی ٩٩٧
٤٤٤، ١ شرح موجز کرمانی ١٠٠٠
٢ « داروهای آمیختهٔ حسینی ٩٧٦
، ٣ « عروق مقصوده ١٠٠٤
، ٤ « داروهای آمیخته ٩٧٧
٤٤٥ مالایسع خوئی (یکم) ١٠١٦
٤٤٦ مالایسع « (دوم) ١٠١٧
٤٤٧ اظهار حکمة الله مسیحی ٩٤٥
٤٤٨، ١ تشریح الابدان جالینوس ٩٦١
، ٢ « تذکرة الکحالین علی بن عیسی ٩٥٥
، ٣ « عروق مقصوده ١٠٠٥
، ٤ « حاشیهٔ شرح اسباب رکن الدین ٩٧٠
، ٥ « تشریح شیرازی ٩٦٣
٤٤٩ مائهٔ مسیحی ١٠١٨
٤٥٠، ١ تشریح الابدان منصور ٩٦٢
، ٢ « درمان بیماریها ٩٧٩
٤٥١ شرح قانون رازی ٩٩٦
٤٥٢ کناش منصوری رازی ١٠١٤
٤٥٣ تحفهٔ سعدیهٔ شیرازی ٩٥٢
٤٥٤ « ٩٥٣
٤٥٥ شرح فصول بغدادی ٩٩٤
٤٥٦ « نیشابوری ٩٩٣
٤٥٧ غنی ومنی قمری ١٠٠٦
٤٥٨ ذخیرهٔ ارسطو ١١٧٥
٤٥٩، ١ اغلوقن جالینوس ٩٤٦
، ٢ « الفرق سمرقندی ١٠٠٧
٤٦٠، ١ موجز قرشی ١٠٢١
، ٢ « حقائق اسرار الطب سجزی ٩٧٤
، ٣ « اصلاح الادویة المسهله حبیش ٩٤٤
، ٤ « ابدال الادویهٔ رازی ٩٣٩
، ٥ « من لایحضره الطبیب رازی ١٠٢٠
، ٦ « پیخچینی نور الله ٩٤٩
٤٦١ ذخیرهٔ خوارزمشاهی گرگانی ٩٨٥
٤٦٢ تحقیق جیب وظل قاینی ١٠٦٥
٤٦٣ خلاصهٔ بهائی ١٠٩٣
٤٦٤ عیون الحساب یزدی ١١٢٩
٤٦٥ کفایة الالباب یزدی ١١٣٦
٤٦٦ تفسیر التحریر نیشابوری ١٠٧٢
٤٦٧ توضیح الاشکال نراقی ١٠٧٦
٤٦٨ تحریر مجسطی طوسی ١٠٦٣
٤٦٩ اختیارات مظفری شیرازی ١٠٣٤
٤٧٠ مدخل ابومعشر بلخی ١١٤٨
٤٧١ زیج گورکانی الغبیك ١١٠٥
٤٧٢ جادو وتپایش ستارگان ١١٧٠
٤٧٣ شرح زیج جدید سلطانی ١١٢٣
٤٧٤ تفسیر اربع مقالات ابن رضوان ١٠٧١
٤٧٥ بحر الجواهر هروی ٩٤٨
٤٧٦ نزهة الاحباب اسرائیلی ٩١٩
٤٧٧ شرح ملخص چغمینی رومی ١١٢٥

٤٧٨ مختصری درمعرفت سالهای موالید ١١٤٦
٤٧٩ مجمل کوشیار ١١٤٤
٤٨٠،١ ترجمه و تفسیر ثمرهٔ بطلیموس طوسی ١٠٦٨
،٢ « استخراجات طبری ١٠٤٠
،٣ « اسطرلاب صوفی رازی ١٠٤١
٤٨١ معیار الساعات کاشانی ١١٥١
٤٨٢،١ لطائف الکرام سیدمنجم ١١٤١
،٢ « دلائل سگزی ١٠٩٤
،٣ « شانه‌بینی ١٢٠٩
،٤ « احکام دوازده‌سال ترکی ١٠٣٢
٤٨٣ حل وعقد لاری ١٠٩٢
٤٨٤ جامع شاهی سجزی ١٠٧٨
٤٨٥ لطائف الکرام سیدمنجم ١١٤٢
٤٨٦ شرح تذکرهٔ بیرجندی ١١١٨
٤٨٧ رسالهٔ شعاع طوسی ١٠٩٨
٤٨٨ شرح تذکرهٔ نیشابوری ١١١٦
٤٨٩ جوامع احکام النجوم بیهقی ١٠٨٣
٤٩٠،١ تشریح شیرازی ٩٦٤
،٢ « تفصیل اقسام الحمیات ٩٦٥
٤٩١،١ صنعة الطبیعة بلیناس ١٢١٦
،٢ « تفسیر کتاب العلل « ١١٦٩
٤٩١،٣-٢٨ نگارشهای جابر ١٢٤٦ تا ١٢٧١
٤٩٣ شرح تذکرهٔ شابرانی ١١١٧
٤٩٤ زیج ١١٠٤
٤٩٥،١ زیج دیلمی ١١٠٧
،٢ « جدول سالهای سرجی ١٠٨٢
،٣ « صنعة المناسخة ابن الهائم ١١٣٨
٤٩٦ گزیدهٔ برهان الکفایه ١١٣٩

٤٩٧ زیج ملخص میرزائی رویسانی ١١٠٨
٤٩٨ اشجار و اثمار درغانی ١٠٤٥
٤٩٩،١ « ١٠٤٦
،٢ « زیج گورگانی الغبیك ١١٠٦
٥٠٠ برهان الکفایة موصلی ١٠٥٥
٥٠٣،١ کشف الیقین حلی ٨٢٢
،٢ « نهج الحق « ٨٥٢
،٣ « کفایة الاثر قمی ٨٢٣
،٤ « روضهٔ حلی ٧٨٩
٥١٨ شافی موسوی ٧٩٧
٥١٩ تلخیص شافی طوسی ٧٧٤
٥٢٠ ابواب الجنان قزوینی (دوم) ٨٦٢
٥٢١ « (یکم) ٨٦١
٥٢٤ کاشف الحق اردستانی ٨١٨
٥٧٤ الحق المبین مشعشعی ٨٨٣
٥٧٥،١ انموذج الاداب ٥٤٠
،٢ « الزام الناصب صیمری ٧٤٤
٥٩١،١ غرر الاخبار دیلمی
،٢ « اعتقادات مجلسی ٧٣٧
٥٩٧ شرح توحید قمی (یکم) ٨٠١
٥٩٨،١ « (دوم) ٨٠٢
،٢ « اسرار الصلوة قمی ص ٤٠٧ و ٥٨٩
٥٩٩ شرح توحید قمی (سوم) ٨٠٣
٦٢٢،١ وسیلة النجاة کرمانی ٩٢٠
،٢ « ذکر ودعا «
٦٥١ مصائب النواصب شوشتری ٨٣٨
٦٥٣ سیف المؤمنین جدید الاسلام ٧٩٦
٦٨٩،١ تنزیه الانبیاء موسوی ٧٧٥

۸۸۵،۲ رسالهٔ طول و عرض نائلی ۱۰۹۹
،۳ « شرح آداب بحث شیروانی ۳۹
،۴ « ۴۱
،۵ « اسطرلاب ۱۰۴۲
،۶ « کافیة المشتاق قطب محلی ۱۳۳
۸۸۶،۱ شمائل ترمذی
،۲ « روایع الکلم و بدایع الحکم ۲۷۲
۸۸۷،۱ رسالهٔ کلامی ۷۸۷
،۲ « مباحث فلسفی ۴۲۳
،۳ « چگونگی دانائی خدای علوی ۱۹۹
،۴ « حدوث و قدم و سرمد علوی ۲۳۷
۸۸۸،۱ بیست باب طوسی ۱۰۵۷
،۲ « پنجاه باب آملی ۱۰۵۸
،۳ « فصول اذان محمد سراب تنکابنی
،۴ « توحید تنکابنی ۱۷۹
،۵ « شبهة المیزان تنکابنی ۱۱۱۱
،۶ « حل شبهة جذر اصم خفری ۳۶
،۷ « دیدن ماه رمضان پیش از نیمه روز از تنکابنی
،۸ « حجیت اجماع و اخبار «
،۹ « نماز جمعه «
۸۸۹،۱ آب حیات کبیر استرابادی ۷۱۸
،۲ « منتخب نور العیون قمی ۸۴۷
،۳ « منتخب التماثیل کرمانی
،۴ « جواهر الاخبار « ۹۲۵
۸۹۰،۸ اصطلاحات صوفیان ۵۳۴
،۹ « آغاز و انجام طوسی ۵۲۰
،۱۰ « اسرار الصلوة کرمانی ۵۲۸
،۱۶ « وجود گرگانی ۷۰۷

۸۹۰،۱۷ محبت جامی ۶۷۱
۸۹۱،۱ رضاعیه
،۲ « فناء الموجودات خواجوئی ۸۱۶
۸۹۲،۱ البضاعة المزجیة تنکابنی ۹
،۲ « معیار العقول ابن سینا ۱۱۵۲
،۳ « تحفة البیان نراقی
۸۹۳،۱ جعفریهٔ فقه کرکی
،۲ « باب حاد یعشر حلی ۷۵۰
،۳ « الفیهٔ شهید یکم
،۴ « فقه نگارندهٔ معالم
۸۹۴،۱ اوامع الاشراق دوانی ۹۰۵
،۲ « اخلاق ناصری طوسی ۸۶۹
،۳ « ترجمهٔ مکارم اخلاق ۸۷۹
۸۹۵،۱ حدیقة المراد همدانی ۱۱۷۳
،۲ « رسالهٔ کیمیا ۱۱۸۶
۸۹۷،۱ فوز اصغر مشکویه ۳۵۴
،۲ « اوائل التحریر حسینی
،۳ « فصوص فارابی ۳۵۲
،۴ « اثبات واجب دشتکی ۷۳
،۵ « عرشیهٔ شیرازی ۳۲۵
،۶ « اطباق الذهب شرف الدین عبدالمؤمن سفروی
،۷ « ترجمهٔ اشارات ۱۶۱
،۸ « درهٔ فاخرهٔ جامی ۲۶۰
۸۹۸،۱ مجمع الغرائب
،۲ « درمان جادو گرانه ۹۸۰
۸۹۹،۱ کلام ۸۲۴
،۲ « حسنیهٔ آملی ۷۷۷
،۳ « فقه فارسی
۹۰۲،۱ ازهار الریاض
،۲ « النقایه

۱۰۸۸،۱ نفی الحیز والجهة رازی۸۵۱
۲، « ترجمة فصول گرگانی۷٦۸
۳، « سلسلة موجودات ابن سینا ۲٤۱
٤، « وجیزه ۲٦۹
٥، « نهایة البیان قیصری٦۹۹
٦، « اثبات الواجب شیخ طوسی٦۱
۷، « عروس ابن سینا ۳۳۰
۸، « اثبات وحدة الواجب گیلانی۸۱
۹، « منتخبات انوار الشریعة آملی٦۸٦
۱۰، « وجود مطلق همدانی۷۱۲
۱۱، « اعتقادات بهائی۷۳٦
۱۲، « مقولات عشر طوسی ٥۰
۱۳، « مختصر کتاب نفس٤۹٦
۱٤، « نسبت مؤلفه ۱۱٦۰
۱٥، « رساله درعلم دم و وهم۱۱۸۳
۱٦، « شرح بیتی از گلشن رازدوانی ٦۱۹

۱۰۸۹،۱ فرهنگ منظوم تازی بپارسی
۲، « نفس ابن سینا٥۰٤
۳، « حقایق کرمانی٥٦٤
٤، « مجموعة لطایف کرمانی٦۷۰
٥، « عین الحیوة بهائی
٦، « ذکر اسباب الرعد ابن سینا ۲٦۳
۷، « فیض الهی « ۳٥٦
۸، « قوای انسانی « ۳٦۲
۱۰۸۹،۹-۱۰ تفسیر اخلاص وفلق ابن سینا
۱۱، « اسرار الصلوة ابن سینا٥۲۷
۱۰۹۰ عرش التقدیس داماد۳۲٤
۱۰۹۱ قراضة طبیعیات ابن سینا ۳٥۷
۱۰۹۲ منهاج النجاه کاشانی۹۱٦
۱۰۹۳،۱ قانونچة چغمینی۱۰۱۱
۲، « حدود الامراض کاشانی ۹۷۲
۱۰۹٤ معینیة طوسی۱۱٥٤

بازپسین سخن

دربارهٔ پاره‌ای از کتابها و نسخه‌ها که در دو بخش

ایندفتر شناسانده شده است

ص بیست و چهار س آخر :

دانشمند چهارسوقی محمدهاشم فرزند میرزین‌العابدین موسوی خوانساری سپاهانی (۱۲۳۵-۱۳۱۸) «رسالة فی تحقیق حال الکتاب المعروف بالفقه الرضوی» دارد در سه مقام وروشن ساخت که این «فقه» از امام رضا (ع) نیست و تاریخچهٔ پیداشدن این کتاب و سخنان دانشمندان دربارهٔ آن از این رساله بخوبی بدست میآید (چاپ سنگی ایران در ۳۳ص در مجموعه‌ای دارای چندین رساله اصولی و فقهی و رجالی هم و با مبانی‌الاصول او. سرگذشت چهارسوقی در دیباچهٔ همین چاپ بخامهٔ خود او هست. نیز بنگرید به ج۱ ص۳٤۱ ریحانة‌الادب)

ص۱۸ سطر آخر حاشیه :

برای گفتار فرفوریوس نیز بنگرید بترجمهٔ تازی ارغنون چاپ بدوی ج۳ ص ۱۰۲۱ منطق ارسطو .

ص ۳۱ :

این پرسش و پاسخ میهنی و ابن‌سینا را از روی نسخهٔ این کتابخانه در دفتر دوم فرهنگ ایران‌زمین در ۱۳۳۲خ چاپ نموده و دیباچه‌ای نیز در تاریخ پیدائی شك دور در شکل نخستین و برخورد و گفتگوی آندو دانشمند بر آن افزودم . ملامحمدبن‌سلیمان تنکابنی (م۱۳۰۲) در قصص‌العلما (چاپ ۱۳۱۳ ایران ص۱۹۱ و ۲۲۸) از این نامه و پاسخ و پرسش یاد نمود و در آنجا دارد که ملاخلیل‌بن غازی قزوینی (۱۰۸۹) نیز شکل نخستین را دوری و غیرمنتج می‌پنداشت و سخن او را دانشمندان سپاهان شنیده و از او نکوهش کردند. او بدانجا رهسپار شده تا با آقاحسین‌خوانساری (م۱۰۹۹) که از وی خرده گرفت گفتگو کند. بمدرسهٔ خوانساری رفته و بملا میرزای شیروانی (م۱۰۹۸) محمدبن حسن شاگردش برخورد. شیروانی همینکه دریافت او چنین سخنی دارد از او دلیل خواست. قزوینی گفت چون این شکل دوری است پس باطل و تباه خواهد بود. شیروانی گفت همین خود شکل نخستین است که آنرا تمیز نمی‌بری. قزوینی چون سخن خویش را نادرست بدید درنگی نکرد و پیش از اینکه دانشمند خوانساری را ببیند بر دراز گوش خود سوار شد و روبسوی قزوین نهاد .

ص ۳۴ :

محمداسعدطلس در فهرست خطی‌های اداره اوقاف بغداد چاپ مطبعة العانی هما تجا در $\frac{۱۳۷۲}{۱۹۵۳}$ بنام «الکشاف عن مخطوطات خزائن کتب‌الاوقاف» ش ۱۵۲٤ ص۱۱۰ نسخه‌ای از همین تلخیص ابن‌رشد را در شمار کتابهای کلامی شناسانده و ندانست از کیست و گفت که

مانا ازخواجهٔ طوسی باشد :

ص ۴۱ :

دربارهٔ «حدود» ارسطو با آنچه در ص ۳۳۵ همین فهرست برای «ما بال» گفته شده بنگرید

ص ۵۱ س ۵ :

جامی دررسالهٔ وجودالوجود بود طبیعت کلی را درچند جای و بچند گونه روامیدارد (ص ۵۱۷ اینفهرست) ولی میرزا محمد رستمداری دررسالهٔ اجزاء محموله اینرا نمی پذیرد (ص ۱۳۹). صدرای شیرازی در ص ۵۰ رساله حدوث عالم میگوید که شیخ دررسالهٔ جداگانه ای بود کلی طبیعی را ناروا دانسته پیدا استکه از آن همین رسالهٔ مارا میخواهد (ص ۲٤٦ همین فهرست) چه او درالحکمة المتعالیه فی الاسفارالاربعه میگوید: «وللشیخ الرئیس رسالة مفردة فی هذا الباب شنع فیها کثیرا علی رجل عزیز المحاسن کثیر السن قدصادفه بمدینة همدان...» (ص ٦٧ اسفار) پیدا استکه سبزواری درمنظومه (ص ۲۲) ازاو گرفت. نیز بنگرید به: مباحث مشرقی رازی (۱:۱۰۰) که میگوید اگرمطلق نباشد مقیدهم نخواهدبود آنگاه به شرط لا ولا بشرط پاسخ میدهد (نیز ۱: ٤٤٨ همین مباحث) همچنین بآغاز مرحله ٤ جلد یکم اسفارشیرازی که در آن ازبود کلی گفتگو میکند.

این رساله را دردفتر یکم فرهنگ ایران زمین ازروی دو نسخهٔ سپهسالار و نسخهٔ ش ٤٦٩٤ ملی ملك تهران و نسخهٔ اینکتابخانه (فروردین ۱۳۳۲ خ) بچاپ رسانده ام.

ص ۵۹ س ۹ :

طلس در ش ۲۸۰۱ ص ۲۰۳ میگوید که گزارش کمال الدین مسعودبن حسین مسعودی م ۹۰۵ بچاپ رسیده.

ص ٦۰ س ۱٦ :

طلس از گزارش محمد صادق بن عبدالرحیم ارزنجانی برآداب البحث وبنام حسینیه یاد نمود و آغاز آن جز این یکی است (ش ۲۸۰۵ ص ۲۰۳).

ص ٦۵ س ۱۲ :

بنوشتهٔ طلس (ش ۲۹۰٤ و ۳/۳۵۰۵ ص ۲۰۸ و ۳۲۲) گزارش کاتبی برایساغوجی ابهری بچاپ رسیده.

ص ٦۷ س ۱۸ :

نسخه ای از مقولات عشر خواجه درجنگ ش ۲۹۱۱ ص ۸٤—۸۸ سپهسالار هست

ص ۹۱ س ۱ (نیز ص ۳۲۳ س ٤) :

تلخیص نوامیس افلاطون ازفارابی را F.Gabrieli بنام :

«Compendium Legum Platonis» با ترجمهٔ لاتینی خود او در Carpus Platonicum Medii Aevi :Plato Arabus Vol .III

در XIV+۳۷+٤٦ (متن تازی) صفحه درلندن (Warburg institut) بسال ۱۹۵۲ چاپ کرد.

و.منتگمری‌وات W.Montgomery Watt درص۱٦۰ «Journal of the Royal Asiatic Society» بخش۳و٤ سال۱۹۵۳ دربارهٔ آن چنین مینویسد که این گزیدهٔ فارابی ازآئین پلاتون ازروی تنها نسخهٔ لیدن بچاپ‌رسید و گذشته ازترجمهٔخوبی که‌استادگابریلی بلاتینی ازآن کرده‌است درکنارآن متن یونانی نیز بازگردانده‌شده. فهرست یونانی بتازی وتازی بیونانی هم درآن هست. گابریلی دردیباچهٔآن میگویدکه پلاتون بیشتر رمزمینویسد وگاهی‌هم که روشن‌مینگارد بازگزارش‌سخنان اودشوارخواهد بود. فارابی آنرا دفتربدفتر گزین نموده‌وهمان نه‌دفترنخستین آن درگزیده اودیده‌میشود. مانا سه‌دفترباز‌پسین‌را دردست نداشت ودرآن نه‌دفترهم باید کمی وکاستی‌ها بوده‌باشد. فارابی گرچه ازبسیاری ازاندیشه‌های پلاتون درگذشت وپاره‌ایرا هم دیگر گونه گزارش نمود، بازبسیاری ازسخنان‌اورا بخوبی دریافت که شگفت‌انگیز است. این گزیده گرچه‌در دریافت اندیشه پلاتونی بما کمکی نخواهد بود مگراینکه باآن بدینجا خواهیم رسید که دانشمندان تازی‌نویس تاچه اندازه ازاندیشه وپندار یونانی آگاه بودند وهمین گزیده‌خود دراین‌باره بما آگاهی فراوان خواهد داد.

ص۱۰۰ س۲۱ :

نسخه‌ای از گزارش پارسی استرابادی بر فصوص فارابی در جنگ ش ۲۹۱۲ سپهسالار هست.

ص۱۰۷ س۱ :

این کاشی گویاهمان‌نویسندهٔ‌نسخه‌ایست ازسرگذشت شیخ‌رئیس‌در۱۵ج۲سال۷۵٤ که بچاپ رسید (ص۷۰۸ همین فهرست).

ص ۱۱۳ :

نسخه‌ای از اثبـات‌النبوة دردفترش ۱۰۳۷/۳ همین کتابخانه هست وبخط نستعلیق تاریخ ع۲سال۱۰۷۱ (درنسخه۱۷۱) گ۲۱٤الف–۲۰۸الف.

ص۱۱۳ :

دونسخه ازاثبات واجب شیخ رئیس درجنگ ش۱۲۱٦ سپهسالار هست یکی بنـام سلسلة‌الفلاسفه درص۱۲ واندکی کمتر ازنسخهٔ ما دیگری بنام فردوس درص ۹۷ - ۹۹ و برابر با نسخهٔ ما.

ص ۱۴۳ :

طلس درش۲۸۹۷ص۲۰۷ ازگزارش این کمونه براشارات ودر ش۲۸۱۵ ص۲۰٤ ازگزارش محمدشفیع‌بن عبدالرشید حسنی در۱۰۷۷ برآن بنام بشارات‌الاشارات یاد کرد

درش ۱۰ سال ۸ تاریخ دی ۱۳۳۱ خ ص ۶۱۱ مجلهٔ مهر آقای احمد سهیلی گفتاری دربارهٔ مترجم اشارات چاپ تهران ۱۳۱۶ دارد که در نسخهٔ تاریخ ۱۰۸۲ آن نوشته استکه این ترجمه ازعبدالسلام بن احمد کازرونی فقیه ادیب ه ذیحجهٔ ۶۲۶ میباشد که در شدالازار یاد گردیده.

ص ۱۵۳ س ۱۵:

طلس درش ٤ ۱۵۰ ص ۱۰۸ نسخه‌ای از افق مبین را بنام «الحکمة» از محمد بن محمد باقر داماد شناسانده و ندانست که نام آن چیست و آغاز نسخه او مانند نسخهٔ بوهار میباشد

ص ۱۵۵ س ۱۷ :

نام درست اسطاث Eustathios است .

ص ۱۶۱ س ۲۰:

رساله نفس طوسی را میرزا سیدفرج الله بن هاشم حسینی نگارندهٔ تاریخ الوزرا (چنانکه در دیباچه دارد) بسال ۱۲۹۶ برای ناصرالدین شاه باافزودن مقدمه‌ای بپارسی کرد و آن با گزارش پارسی عهد علی بمالك اشتر بنام تحفهٔ سلیمانیه که ماجد بن محمد حسینی بحرانی درشصت مقاله برای شاه سلیمان نوشته وپند ارسطو باسکندر را درپایان آن آورد بچاپ رسید .

(چاپ سنگی ص ۳۰٤ بغلی خط نستعلیق میرزاآقا کمره‌ئی بفرمایش حاج میرمحمد صادق درایران بسال ۱۳۰۱ تحفه ص ۲ـ۲٦٤ ترجمه نفس ص ۲٦٥ـ۳۰٤) .

ص ۱٦۲ س ۱۵ :

اسعد میهنی شاگرد لوکری که یکی ازچهار بزرگ خاوران (ابوعلی ، ابوسعید، انوری ابیوردی، اسعد میهنی) میباشد باابوحامد غزالی نزد محمد بن ملکشاه گفتگو کرده است ودانشمندان خراسان بمیهنی کمك مینمودند .

لوکری قصیدهٔ اسرارالحکمه و گزارشی برآن هردو بپارسی دارد که خود آنرا چنین نامیده‌ودرآن به «بیان‌الحق» بازگشت داده‌است. این‌قصیده درپنج بخش‌است(منطق طبیعی ـ ریاضی ـ الهی ـ اخلاق) وبساخت پرسش وپاسخ ودر پایان آن میسپارد کـه بناشایستگانش ندهند .

اینست پاره‌ای ازآن :

ایا شنیده قیاس وشناخته برهان	گرفته یادمقالات منطق یونان
سئوال دارم چندین جواب بایه کرد	اگرغوامض‌منطق‌تراشده‌است آسان
قیاس راز‌چه‌معنی نهاده‌اند اشکال	بشکل‌وصورت‌اوراچه نسبت‌است‌ونشان

لوکری در موسیقی آن میگوید که خنیاگری درهمه‌جا وهمه‌گاه یکنواخت خوش نخواهد ساخت سپس میگوید که فارابی در «موسیقی» نوشته :

«شاهرود را ابوحفص حکیم بن احوص سمرقندی سغدی وراورودی درسال۳۰٦ساخته وهمه آنرا پسندیدند و کسی پس ازاو نمی توانست آن افزاررا بکار برد.»
(بنگرید به: المعجم فی معاییراشعار العجم شمس قیس رازی آغاز سدهٔ هفتم چاپ تهران در۱۳۱٤خ ص۱۵۰ـ گفتار آقای عبدالعظیم قریب دربارهٔ همین قصیدهٔ او کری در آموزش وپرورش ش۸و۹ سال۱۰ تاریخ آبان و آذر۱۳۱۹خ ص۲٤ـ۳۱ـ نیز ص۲۰٦ همین فهرست)

ص۱٦۲س۲۳:

طوسی دررسالهٔ «ربط الحادث بالقدیم» ازاستاد خود امام سعید فریدالدین محمد نیشابوری یاد نمود (ص۲٦٤ همین فهرست).

ص۱۷۱س۱۵:

نسخه‌ای از پاسخ دوم شیخ بمیهنی در نسخهٔ ش $\frac{۱۲۱٦}{۲۳-۲۷}$ سپهسالار هست.

ص۱۷۲س۹:

نسخه‌ای از پاسخ ٤ شیخ بمیهنی درهمان شمارهٔ سپهسالار ص۱۲۳ـ۱۲۵ و در ش ۲۹۱۲ آنجا هست.

ص۱۷۳س آخر:

نسخه‌ای از پاسخ٦ بمیهنی در نسخهٔ ش۸۷٦ اینکتابخانهٔ ما در گ۵۲ بخط شکسته نستعلیق دردنبال ش٦ آن هست.

ص۱۷۵س۲۱:

قنواتی در ش۲۲۵ نیز نسخه‌ای ازپاسخ دهم شیخ بمیهنی را شناسانده.

ص۱۸۰س۱۰:

برای همین پاسخ بنگرید بصفحه ٦۳٤.

ص۱۸٤س۱:

برای همین پرسش و پاسخ بنگرید به ش۵۹۰ طوس

ص۱۹۰س۱۰:

برای آغاز وانجام این پاسخ غزالی بنگرید به ص٤۹٤

ص۲۱٦: (ثئولوجیا)

ابن ربن طبری در فردوس الحکمة ص٦ پس ازاینکه بندی از آغاز برهان ارسطو را آورده بندی دیگر « اول الفکرة آخر العمل وآخر العمل اول الفکرة » که در آغاز «ثئولوجیا» دیده میشود آورده واز «فیلسوف» دانسته ماناً ازآن ارسطو را میخواهد پس میتوان گفت که طبری نیز ثئولوجیا را ازارسطو میدانسته.

ص ۲۳۰:

بابا افضل کاشانی چنانکه از گفتارش در جنگ شماره ۲۹۱۲ سپهسالار (ص ۳۳٤ همین فهرست) واز نامه او بصاحب مجدالدین محمد (ص ۳۸۵ ش ٥) برمیآید دست کم شصت سال در اینجهان بزیست و از پاسخ او بهراسکانی برمیآید که پس از نگارش آن در مرق در گذشت (ص ۱۹۲).

سید حیدر آملی درجامع الاسرار وقطب الدین تبریزی درحکمة علویه ازاو یاد نموده وستوده اند (ص ٤۲٥ و ۳٤۲ و ٤۳۱ و ۲۲۰).

ص ۲۳٦:

نسخه‌ای ازچهار عنوان بهمین نام درموزهٔ بریتانیاست (۱: ۸۲۹ ب ش Ad16/832XII)

ص ۲۳۷:

الرسالة الحاتمیه فیماوافق المتنبی فی شعره کلام ارسطو فی الحکمة ازابوعلی محمدبن الحسن بن المظفر البغدادی الحاتمی م ۳۸۸ دوباردر ۱۹۳۱ در بیروت بچاپ رسید یکی درج ۲۹ مجلة المشرق (ص ۱۰۳ فهرست دانشگاه قدیس یوسف بیروت بفرانسه چاپ ۱۹٥۱ - برو کلمن ۱: ۸۸).

ص ۲٤۲:

طلس درش ۱٤۹۰ ص ۱۰۷ نسخه‌ای را میشناساند که آغازش « الحمدلله الذی انزل من القرآن ماهوشفاء ورحمة للمومنین » میباشدوازروی نوشتهٔ خوانساری نوشته شده است پیداست که آن همین حاشیه شفای خوانساری است که یاد کردیم مگر اینکه اومحشی را حسین بن محمدجمال الدین خوانساری م ۱۱۲۸ یاد نمود مانا پدررا ازپسر باز نشناخت. نیز گفت که این حاشیه‌ایست برجزء سوم شفا.

ص ۲٥۰:

رساله حقیقت و کیفیت سلسلهٔ موجودات بیاد هزارهٔ ابن سینا بادیباچهٔ آقای دکتر عمید در ۱۳۳۱ خ بچاپ رسید.

ص ۲٥٦ س ۲۰:

نسخه‌ای از گزارش پارسی حی بن یقظان که بدستورعلاءالدوله و گویامیان ٤۲۸ و ٤۳۳ بنگارش درآمده درجنگ ش ۱۲۱٦ ص ۱۳٦ - ۱٦٦ سپهسالارهست وپیداستکه ازکاشانی نخواهد بود وهمین راآقای هنری کربین بیادگار هزاره ابن سینا باترجمهٔ فرانسوی در ۱۳۳۱ خ بچاپ رساند. قرشی پزشك در برابر حی بن یقظان ناصل بن ناطق نگاشته است (ص ۷۸۲ همین فهرست) دررسالهٔ قضا وقدر ابن سینا که درآن ازبرگشت اوازشلنبه ورفتن بسوی سپاهان ورسیدن بیکی ازدژها یاد میشود از حی بن یقظان (« ازسلامان وابسال) نام برده شد (ش ۳۱۷ تنکابنی درمجلس در ۲ صفحه آخر - ش ٦۸٤ طوس - ش ۱۸۳ قنواتی)

بنگرید به‌ص۲٦۰ .

ص۳۵۸ :

طلس درش۳/۲۳۸٦ص۳٦۳ از خلق اعمال دوانی یاد نمود .

ص۳٦۴ :

برای این فریدالدین نیشابوری بنگرید به‌ص۱٦۲س۲۳ .

ص۳٦۵س۵ :

بنگرید به ص٤۳۸ .

ص۳٦٦س۱۷ :

نسخه‌ای از پاسخ گرگانی باسکندر درش۲۹۱۱ ص۹۵-۹۸ سپهسالار هست .

ص۳٦۹ :

درفهرست نگارشهای سهروردی شهید از بستان‌القلوب یاد کرده‌اند و درنسخه ش ۲۹۱۱س۹۸ـ۱۰٤ سپهسالار بستان‌القلوب‌هست که‌ازشریف گرگانی‌دانسته‌شد ودر آنجا دارد «آنرا بستان‌القلوب نام کردم» .

ص۳۷۱س۴۰ :

رسالۀزوراء دوانی درسفینةالراغب ودفینةالمطالب که امام محمدراغب‌پاشای‌افندی وزیر م ۱۱۷٦ دررها نزدیك ۱۱٦۸ نگاشته است (چاپ دوم دربولاق بسال۱۲۸۲) در ص۵۹٦ـ٦۰۱ آمده ودرپایان‌آن عبارتی دارد که درنسخۀ مانیست و دوانی درآن عبارت میرساند که رساله درشب پنجشنبه۱۸ج۲ سال۸۷۲ درتبریز درزاویۀ مظفریه بانجام رسید ومیگوید که درروز چهارشنبه۱۳ع۲ همین سال جنگی میان لشکریان آمد ودیار بکر و سپاهیان آذربایگان وعراق درگرفت وآنسان برایشان شوریدند وآشوبها بدید گشت . گزارش یکم همین‌دوانی برزوراءهم درص۱٦۰ـ٦۱۳ همین سفینه آمده است پس ازاین تاص٦۲٤ گزیده‌ایست از گزارشهای قوشچی وجامی وعصام بررسالۀ وضعیه .

ص۳۷۴ :

ازسیب‌نامه نسخه‌ای درجنگ ش۱۲۱٦ ص۲۸۸ـ۳۰۰ سپهسالار هست .

ص۳۷۷ :

محمدبن موسی طالشی م ۸۸٤ برحکمةالعین گزارش نوشت (ش ۱۵۰٦ ص۱۰۸ فهرست طلس) نسخه‌ای از گزارش میرك‌بخاری درش۱۵۰۷ ص۱۰۸ طلس یادشد.

ص۳۸۱ :

درش۳۷/۳۳۸۹ص۲۹۵ فهرست طلس از گزارش شنبی برفصوص فارابی ودر ش ۱۵۱۲س۱۰۹ آن از گزارش دانشمندی بغدادی برای داود پاشای ولی برهمان فصوص

یاد گردید. در ش۲۳۳ فتواتی از «الفردوس فی ماهیة الانسان» نگارش ابن سینا یاد شده و باید همان فصوص فارابی باشد.

ص۲۹۸:

در ش٦٦٤ طوس ازرسالهٔ طیری بتازی یاد و ازسهروردی دانسته شد و باید ازغزالی باشد که بچاپ رسید.

ص۳۱۳:

خلیل جرس ربانی Kha!il Ceore درمجلهٔ بررسیهای اسلامی ٦ـ۱۹٤۱ ص۹ـ۳۱ گفتاری دارد دراینکه فصوص ازفارابی است یانه (فهرست دانشگاه قدیس یوسف بیروت ص۱۰۷)

ص۳۱٤:

دکتر عبدالعزیز عزت در «ابن مسکویه» چاپ مصر ۱۹٤٦ درص ۱۳٤ بگواهی گفتاری ازخود ابن مسکویه درطهارة الاعراق یاتهذیب الاخلاق میگوید که فوزاکبر باید همان طهارة الاعراق باشد چه اودر کتاب السعادة یاترتیب السعادات ازسعادت که فوزاکبر است گفتگو کرد سپس درفوزاصغر ودرآن بفوزاکبر بازگشت داد چه دید که آندو کتاب برای بحث درآن بسنده نیستند.

ص۳۱٦:

درتتمهٔ بیهقی ص۱۰٤ دارد که ابوسعد محمدبن محمدغاتمی قراضة الطبیعیات نگاشته است. شیرازی درتحفهٔ سعدیه میگوید که من ازقراضة الطبیعیات بهره بردم و نمی نویسد از کیست (ص۷۳۰ همین فهرست).

ص۳۱٦:

شهرستانی درآغاز ملل و نحل درگفتار واصلیان درقاعدهٔ۲ (ج۱ ص۵۹ چاپ کنار فصل ابن حزم در۱۳۱۷) گوید نامه‌ای دیدم که ازحسن بصری میپنداشتند که آنرا در پاسخ پرسش عبدالملك مروان از قدر وجبر نوشته وروش قدریان گرفته و آیتهائی ازقرآن و دلیلهائی عقلی گواه آورده بود گویا این نامه ساختهٔ واصل بن عطاء شاگردش باشد چه خود بصری مانند گذشتگان نیك وبدهمه را ازخدای باید دانسته باشد. شگفت اینجا استکه او قدررا که درخیر آمده و نیك و بد آن ازخدای پنداشته شده برآسیب وآسایش و سختی و آسانی و بیماری وبهبودی ومرگ وزندگی که کردههای خدای است حمل کرده نه نیك و بد وستوده ونکوهیده که کردار بندگان است ـ مانا شهرستانی همین رسالهٔ قضا وقدررا که شناسانده‌ایم میخواهد.

ص۳۱۹س۳۵:

فارسی چهارانجیل را G.Messina با دیباچه وترجمهٔ ایتالیائی دررم بسال ۱۹۵۱

بچاپ رساند واین پارسی ازسریانی درروزگار مغول ترجمه شده است .

آقای ایرج افشار درمجله یغما ش۱۱سال٤ تاریخ۱۳۳۰ گفتاری دربارهٔ آن دارد .

ص۳۷۳س۱۹ :

نسخه‌ای از «مقالة فی الهیولی» درکتابخانه مروی تهران ش٦۲۹ هست .

ص۳۸۹ :

ابن‌ربن طبری درفردوس‌الحکمه ص٦۰دراثبات تجردنفس دلیلی ازارسطومیآورد که درفصل دوم «مختصر کتاب‌النفس» بهردو روایت دیده میشودگویا اوآنرا دردست داشت وهمین خود میرساند که آن ازابن‌سینا نیست. نامه‌ایکه آقای داناسرشت بنام «صیغة من‌المقاییس‌المنطقیه علی‌الادلة‌المحققة لبقاءالنفس الناطقة » نگارش ابن‌سینا در چاپخانهٔ کاوهٔ کرمانشاه دردیماه ۱۳۳۲ در۸ص‌ربعی بچاپ رسانده هم جزاینها است .

ص۳۹۳ :

قنواتی درش۸۷ این‌پارسی را ازابن‌سینا پنداشت پیروی اوآقای دکترصفا نیزدر ص۲۳۳ تاریخ علوم عقلی‌خود آنرا پارسی گزارش اوبرنفس ارسطو دانست .

ص۳۹۴س۷ :

رسالهٔ نفس‌پارسی بارهٔدوم بیادگارهزارهٔ ابن‌سینا در ۱۳۳۱خ درتهران‌بچاپ‌رسید وهمین استکه گویا شیخ آنرا بدستور علاءالدوله دیلمی درسپاهان بپارسی کرد. قنواتی‌در ش۱۰۲ چنانکه درص۳۹۳ یادشده است گویا همین راترجمهٔ شمس‌الدین علاءالدوله از «قوای نفسانی» پنداشت بااینکه درش۷۷هم ازپارسی کتاب‌المعادیاد کرد. بنگریدبدیباچهٔ آقای دکترعمید برچاپ ۱۳۳۱خ

ص٤۰٦س۱۰ :

اسرارالصلوةشیخ درجنگ۲۰ رساله(ص۱۷۸ـ۱۸۵) باسعدیهٔ‌حلی در۱۳۱٦ بچاپ سنگی رسید .

ص٤٤۸ :

درمجلهٔOriens (ش۱جلد٦تاریخ ۱۹۵۳/٦/۳۰ص۸۸) نسخه‌ای ازرشف‌النصایح شناسانده شده که خط سهروردی برآن هست و گواهی میدهد که درپنجشنبه۱٦شوال٦۲۱ دررباطشریف‌مامونیهٔ‌بغدادنزداوخوانده‌شده استو کلیشه‌خطاودرآنجا(PlateXXII) دیده میشود .

ص٤۵۸س۱۷ :

درفهرست‌طلس ش۱/۳۳۳۸ص۲۷۷ ازگزارش‌دوانی برحکمةالاشراق یادگردید.

ص۴٦۰س۱۳ :

دوانی درخلق اعمال (ش۸۸۱/۱۱) از خبر کلیات خمس علی (ع) یاد میکند (ص ۲٥۹ اینفهرست) .

ص۴٦۱س۱۲:

گزارش حلی برخبر کمیل درجنك ۲۰رساله (ص۱٦۱ــ۱٦٤) باسعدیهٔ همودرایران بسال۱۳۱٥ بچاپ سنگی رسید وباسخهٔ ما اندکی جدائی دارد. درریاض‌السیاحه شیروانی هم گزارشی ازاین خبرهست .

ص۴٦۹س۷:

گزارش اندلسی درجنك ۲۰ رساله باسعدیهٔ حلی (ص۱۸٥ــ۱۸٦) در۱۳۱٥ بچاپ سنگی رسید .

ص۴۷۷س۴ :

ابن‌طاوس درسعدالسعود ص۲۱۷ ازتفسیرسلمی نیشابوری بنام کتاب زیادات حقائق التفسیر یاد کرد وپاره‌ای از تأویل اودربارهٔ «الم»را آورد .

ص۴۷۷س۴۰ :

طلس درش ۳۳۰٦/٦ و۳۳۲۷/۱ ص۲٦٦ و۲۷٤ از غوثیهٔ شیخ عبدالقادر جیلانی یاد کرد .

ص۴۸٦س آخر:

گفتاری‌دربارهٔعراقی ازدکترآربری‌درروزگارنوهست (ش۳جلد۱ زمستان۱۹٤۱ ص۲۱) که دراین فهرست ازآن نیزبهره برده شد .

ص۴۸۷س۱۸ :

بهترین کتابی که درسرگذشت ابن‌فارض نوشته شده همان سرگذشتنامه‌ایست از نواده او که درآغاز دیوان اوبارها بچاپ رسید و«ابن‌الفارض والحب‌الالهی» ازدکتور محمد مصطفی حلمی چاپ مصر در $\frac{۱۳٦٤}{۱۹٤٥}$ که دربارهٔ زندگی و اندیشهٔ عرفانی او بخوبی کاوش نمود .

ص۵۰۷:

این نامهٔ پارسی که ازغزالی دانسته شده ترجمهٔ «ایهاالولد» اواست که درالجواهر الغوالی من‌رسائل‌الامام‌الغزالی‌درمصر بسال۱۳٤۳ ص۲۷ـ٤۸ بچاپ رسید واندکی باآن جدائی دارد ودرپایان تازی‌آن از«طریق اهل بیت» یاد نگردید .

ص۵۱۴س۲۰ :

این چندبیت درخروجی نیز ازابن‌سینا دانسته شد(۱۶:۲) مصرع یکم بیت سوم در آنجا چنین است: « ووقتی المحذور والشر کله» .

ص۵۱۴ :

رساله وجودگرگانی درجنگ بیست رساله ص۱۷۲ـ۱۷۸ باسعدیهٔ حلی و «مفهوم وجود» داماد (ص۱۸۷ـ۱۹۰) در۱۳۱۵ بچاپ‌سنگی رسید ودرمیان سطرها نوشته‌شده که آندو دانشمند که گفتگوی آنهـا درپایان رساله آمده علاءالدوله سمنانی وعبدالرزاق کاشانی هستند وآنکه میان آندو سازگاری‌داد باید خودگرگانی باشد چه میان دوسطر نوشته شده ، «جدی الشریف الشریفی» .

ص۵۱۷ :

نسخه‌ای از«وجودالوجود» جامی درفهرست طلس ش۲/۳۵٤۷ ص۳۳۲ شناسانده‌شده .

ص۵۱۸ :

نسخه‌ای ازنامهٔ هربش درش۹۱ تاریخ فهرست طوس شناسانده شده .

ص۵۳۸ :

درجنگی چاپ سنگی نسخ‌کارخانه علیقیخان قاجار باندازهٔ بغلی سه رساله است نخست قواعدالعقائد طوسی ص۲ـ۵۲ بسال۱۳۰۲ سوم منهاج‌السالکین و معراج‌الطالبین نجم‌الدین کبری درتصوف درهشت منهج ص۱۳٦ ـ ۱٦۱ بسال ۱۳۰۳ ودوم آنها الزام النواصب‌است که همین کتاب‌ما میباشدوچاپ کننده‌آنرا چنانکه‌دردیباچه آمده‌ازمردی کتابی دانسته است (ص٥٤ ـ ۱۳۵) آغاز نسخهٔ ما درگ ٦ الف درس۸ ص۵۷ دیده میشود و پایان آن نزدیك است بپایان‌چاپی درص۱۳۵ـعبارت«واحدة تدل‌علی نقص‌فی انسابهم. اجید یعبوب» درس‌آخر ص۹٦ـس۸ص۱۰٦ باب مثالب صحابه چاپی دیده میشود وپیداست که پنج برگ آغاز نسخهٔما ازمیانهٔ کتاب‌میباشد. آغاز نسخهٔ کتابخانهٔ ملی هم‌نزدیك است‌بآغاز چاپی وانجام‌آن اندکی کم‌دارد .

ص۵۴۱س۱۰ :

روزبهان میان۸۵۰ و۸٦۰ زاده‌شده ودردربار شیبانیان تا۹۱۸ درورازوده‌میزیست او نگارندهٔ عالم‌آرای امینی درتاریخ آق‌قویونلوها ومهمان نامهٔ بخارا در تاریخ جنك سوم محمد شیبانی خان باقزاقها (ازبکها) هردو بپارسی وسلوك‌الملوك پارسی (ریو۲: ٤٤٨) میباشد. سرگذشت اودرضوء لامع سخاوی(٦: ۱۷۱) دیده‌میشود(یادداشتهای قزوینی‌چاپ دانشگاه ص۱٦) .

ص۵۴۸س۱۰ :

درفهرست تازی موزه بریتانیا ازشارل ریوص۱۰٤ ش۱۷۲ چنین آمده که لمع اشعری (۲٦۰–۳۲٤) بروش پرسش وپاسخ است ودررد معتزلیان واز «قرآن واراده - اراده وشمول آن همه محدثات را – رؤیت – استطاعت – تعدیل وتجویر – ایمان خاص وعام، وعدوعید – امامت) درآن بحث میشود (گ٤الف – ۷۳الف) .

آغاز: الحمدلله ذی الجود والثناء والمجد والسناء والعز والکبریاء احمده علی سوابغ النعماء وجزیل العطاء ... امابعد فانك سالتنی ان اصنف لك کتابا مختصرا ابین فیه جملا توضح الحق وتدمغ الباطل .

ص۵۵۳س۷ :

نسخه‌ای از تلخیص الادلة لقواعدالتوحید همین بخاری درش۱۵٤۹ ص۱۱۲ فهرست طلس یاد گردید .

ص۵۵۵س۱٤ :

سیدرضی درالمجازات‌النبویه (چاپ دوم درمصر $\frac{۱۳۵٦}{۲۹۳۷}$) از «قاضی القضاة ابی الحسن عبدالجبار بن احمد» دراینکه دومبحث رؤیت وشرط عدالت درراوی خبر واحدرا نزداودرس خوانده (ص٤٦) وازخواندن «العمد فی اصول الفقه» اونزد همو (ص۱۳۹) وازخواندن آغاز «شرح الاصول الخمسة» اونزد همو (ص۲٦٦) یادنمود .

نخبة کتاب قاضی عبدالجبار همدانی درجنگ کیمیائی ش۷۳۳/۲ مجلس هست.

ص۵٦٤س۳۱ :

ازگفتهٔ شیخ مفید پیداست که اودر۳۷۳ بدین گفتگوها می‌پرداخت (ص۹۹ج۲ چاپ حیدری) .

ص۵۸۱س۳۰ :

سعدیهٔ حلی درجنگ بیست‌رساله بسال۱۳۱۵ بچاپ‌سنگی رسید .

ص۵۸۱س۱۳ :

شوارق الالهام لاهیجی جلد یکم آن بسال ۱۲۹۹ ودوم بسال۱۳۰۳ بچاپ سنگی رسید وم۰هرتن M.Horten اندیشه‌های فلسفی و کلامی لاهیجی درجلد یکم شوارق را تحلیل کرده ودرمجلهٔ Der Islam دربارهٔ آن کاوش نمود (ج۳ص۹۱-۱۳۱ چاپ اشتر-اسبورك در۱۹۱۲ – دیباچهٔ فرانسوی بویژ برتهافت ابن‌رشدص XX چاپ بیروت۱۹۳۰)

ص۵۸۳س۱۷ :

هنری مارتن Henry Martyn انجیل‌را بپارسی کرد وآن درلندن بچاپ رسید.

ص۵۸۴س۲۱:

علی بن عبدالله بن علی بحرانی شیعی در لسان الصدق میزان الحق را رد نمود و آنرا در نیمهٔ روز آدینهٔ ۱۰ ذی‌قعدهٔ ۱۳۰۶ بپایان رسانید (چاپ بمبئی در ۱۳۰۷).

ص۶۱۰س۲۰:

حافظ ابی محمد علی بن حزم قرطبی اندلسی (٣٨٤ـ٤٥٦) در فصل (١:١٠٦ چاپ ١٣١٧ مصر) مینویسد که گروهی پنداشتند که چون قرآن شیواترین سخنان است تازیان و دیگران مانند آن نتوانستند بیاورند. مگر اینکه چنین نیست و اگر نه میبایست هرچیز برتری معجزه باشد آنهم شاید در آینده مانند آن یا برتر از آن پیدا شود. بلکه اعجاز قرآن برای آنستکه خدای نگذاشت که بندگان مانند آن بیاورند و چنین نیرو و توانائی را از آنها گرفته است. پیدا استکه او هم در اینجا بصرفه گرائیده است و باید همچنین بگویدچه او در الاحکام فی اصول الاحکام که پس از فصل و تقریب نگاشته است (ص ٣٣ ج١ چاپ ٧ـ١٣٤٥ مصر) میگوید که هیچ زبانی را بر دیگر زبانها برتری نیست و قرآن هم بزبان تازی تنها برای این آمده که تازیان آنرا دریابند و جالینوس در اینکه زبان یونانی را برترین زبانها دانسته چه اینکه آنها را مانند آواز سگان و غوکان پنداشت سخن نادرست بگفت. زبان تازی هم برتری بر دیگر زبانها ندارد ـ پس ابن حزم که باعجاز بلاغت نمیگوید و برای تازی هم برتری نمی بیند ناگزیر است آنرا از رهگذر صرفه حل نماید.

ابوبکر باقلانی (م٤٠٣) در اعجاز القرآن (چاپ سلفیهٔ قاهره در ١٣٤٩ ص٣٢ـ٣٥ و ٦٧ـ٦٨) از صرفه خرده میگیرد و از کسانیکه چنین رای داشته‌اند نظام و عباد بن سلیمان و هشام فوطی را نام میبرد و او زبان تازی را برتر از دیگر زبانها میداند. امیر ابی محمد عبدالله خفاجی حلبی م٤٦٦ شاگرد ابی العلاء معری در سر الفصاحه ص٤٥ـ٥٤ چاپ رحمانیهٔ مصر در $\frac{١٣٥٠}{١٩٣٢}$ میگوید که تازیان و زبان تازی برتر از همه میباشند. او در ص٤ از صرفه یاد میکند. راغب سپاهانی نیز در پایان مقدمة التفسیر چاپ مکتبهٔ ازهریه مصر با تنزیه القرآن عن المطاعن عبدالجبار همدانی در ١٣٢٩ اعجاز قران را هم از روی نظم بیمانند و هم از روی صارف الهی می داند.

استاد ابی منصور عبدالقاهر بغدادی م٤٢٩ در اصول الدین چاپ استانبول مطبعة الدوله $\frac{١٣٤٦}{١٩٢٨}$ ص ١٨٤ میگوید که اعجاز قران از روی نظم است و گزارشیکه از گذشته و آینده داده است و بیشتر قدریان می پندارند که مانند قرآن و بهتر از آن میتوان آورد ـ امام الحرمین جوینی در الارشاد الی قواطع للادلة فی اصول الاعتقاد چاپ مکتبهٔ خانجی مصر $\frac{١٣٦٩}{١٩٥٠}$

ص۳٤٥ـ۳٥۲ میگوید که اعجاز قرآن بجزالت و نظم هردو است .

ص۵۹۳س۲و۱۷و۲۳

درش۱٦٧۱ص۱۱۹ فهرست طلس از گزارش برهان‌الدین عبیدالله عبدلی عبری یاد گردید ودرش۱٦٧۲ ص۱۱۹ آن از گزارش شمس‌الدین محمود سپاهانی یاد شد همچنین درش۱٦٧۰ص۱۱۹ آن از گزارش همام‌الدین همامی گلناری نام برده شد .

ص۵۹۳س۱۵ :

گـزارش تفتازانی را ارل‌ادگارالدر **Earl Edgar Elder** بانگلیسی ترجمه کرده و با دیباچه‌ای درنیویورك بسال۱۹۵۰ بچاپ‌رسانده . درش۱٦۸۹ص۱۲۰ طلس از گزارش کمال محمدبن ابی شریف مقدسی م۹۰۵ بر آن بنام فوائد یادشد .

ص٦۱٦س۳۰ :

برای سرگذشت میرمخدوم‌نیز بنگرید بفرهنك ایران‌زمین دفتریکم تاریخ‌فروردین ۱۳۳۲خ گفتار شادروان قزوینی .

درش ٦ـ۱۷۷۵ص ۱۳۱طلس از النواقض فی‌ردالروافض معین‌الدین اشرف میرزا مخدوم یاد شد .

ص٦۳۲ :

محیی‌الدین اندلسی درفتوحات‌مکیه میگوید که کوتاه‌بینان نباید ملل و نحل‌بخوانند وخداوندان کشف میتوانند بخوانندآن بپردازند چه آنان ایمنند و برای اینکه بدانندریشهٔ اختلاف از کجا است (دیباچه ملل ونحل شهرستانی ص‌ط ـ ی جلدیکم چاپ ۱۳٦۸) .

نسخه‌ای ازترجمهٔ ترکی نوح افندی‌مصطفی رومی م۱۰۷۰ ازچاپ بولاق۱۲٦۳در دارالکتب هست (همان دیباچه ص‌ی)

نام درست ترجمهٔ آلمانی هاربروکرچنین است : **Theodor Haarbrücker** ۱ **asch - Schahrastani's Religionspartheien und Philosop es - Schulen** ۱۸۵۰ ـ ۱**Halle** دوجلد

نسخه‌ای‌ازترجمهٔ فارسی شهرستانی‌نزد دانشمند گرامی آقای حکمت آل‌آقادیدم که آغازش‌چنین‌بود: «بسمله. هوالله‌الذی‌لااله‌الاهو.وهو‌بیدی و‌یعید.اللهم‌صل‌علی ناسخ‌الملل‌و ناسخ‌النحل‌اعنی محمدالمصطفا وآله‌الطیبین‌الطاهرین الاعزالاجل. امابعد، این‌نسخه‌ایست مشتمل برملل و نحل ازمذاهب‌وطرق‌وفرقهای‌مختلف‌وطوائف منحرف مذاهب اهل‌عالم... اززمان آدم ... تاآخر زمان در کتاب نقل میشود» وانجام‌آن چنین : « آنچه از مقالات اهل عالم یافته شد درین نسخه نوشته‌شد هرکس برخللی عـاثر شود آنرا بشرف اصلاح مشرف دارد . چون مقاولات هرملت ومقالات هرامت وعقاید هرصاحب رای واصول فرق

ومذاهب طوایف آنچه بود درین تعلیق هویدا شده صاحب نظر نظر برخلل آن گمارد ودر دفع آن توجه نماید. این مسوده درسفرممالك دکن بطریق مسوده برسرسواری مسوده شد .قاری و کاتب را اگر درعبارت یاخط سهوی ملاحظه شود معذور دارند ودر تدارك آن توجه نمایند فی شهور ۱۰۱۳» خط نسخه نستعلیق وعنوانهـا درشتتر و عنوان مطلبها در کنار صفحهها بشنگرف بود. دربرگ پایان گفتاری نوشته شده که در آن ازروزدوشنبه ۲٦ذی حجه ۱۰۲٦وسال ۱۰۲۷ وازنواب سپهسالارهند یادگردیده . درکنار گ ۱۳الف دارد «لمحمد علی بن محمد باقرالاصفهانی» نیز ۳ شعبان ۱۰۲۸ وصفر ۱۰۲٤ ونام ملل و نحل درگ ۲ الف. دردوجای متن دارد «مصنف اصل کتاب گوید» ازسنجیدن آن بامتن بدست میآید که دانشمندی آنرا میخوانده وبپارسی برمیگردانده وبرای خود مینوشت .

این هم گفته شود که شهرستانی درقاعدۂ یکم نهایةالاقدام ص٥چاپ اکسفورد در ۱۹۳٤ ازملل ونحل یاد نمود. نمونهای از گفتگوی صابئیان باحنفیان درقاعدۂ بیستم آن در ص۷ـ٤٦۱ ورد برمجوس وثنویان وطبایعیان وفیلسوفان درقاعدۂ دوم وسوم همین نهایة الاقدام دیده میشود .

ص٦۳٤س۳ :

درش ۱۷۷٤ص۱۳۱طلس از «نهج السلامة الی مباحث الامامة» ابوالثناء محمود آلوسی نگارش ۱۲۷۰ که بانجامش نرسانده یادشده گویا درآنهم بمنهاج الکرامه حلی نگریسته شد.

ص٦۷٦س۱۳ :

محمدصادق نویسنده گاتی محاسبةالنفس ابن طاوس را در۵۷ص باتثبیه الراقدین محمد طاهر بن محمدحسین درچاپخانۂ آقا علی اصغر در۱۳۱۸ بخط نسخ بچاپ سنگی رساند با اندازۂ بغلی کوچك در۱۱۹ص .

ص٦۹۳ ترجمۂ تاریخ حکماء قفطی :

نسخهای از آن درسپهسالار ش۱۵۵۹ بتاریخ شب یکشنبه ٤ج۱سال ۱۰۹۹ هست و سرگذشت کوتاهی از سید اسمعیل گرگانی در پایان آن از روی بیهقی یا شهرزوری نوشته است .

ص۷۱۱ :

نسخهای بشماره ۱٤ درطوس هست که بگواهی آغاز آن باید نزهۂ شهرزوری باشد وفهرست نگار آنرا ازقفطی پنداشت.

ص۷۲۳ :

نسخهای ازبحرالجواهر هروی درفهرست اسعدطلس ش۲۹۸۳ص۲۱۵ یادشد .

ص۷۵۵ :

دربارۂ پدران گرگانی درفهرست بلوشه ج۲ درش ۸۲۰ اسماعیل بن الحسن بن احمد

بن محمد ودرش۸۲۸ اسماعیل بن حسن بن محمدبن احمدآمده است .

ص۷۵۷تا۷۶۴ :

درفهرست بلوشه ش۸۲۸ ازخفی علائی ودرش۳و۸۸۰/۱ ازاغراض ودرش۸۳۰ از زبدة فی الطب ودر۸۲۰تا۸۲۷ از ذخیرهٔ پارسی یاد گردید .

ص۷۸۵ :

میرزا محمد رئیس اطباء نظام بر کافوریهٔ شیرازی گزارشی دارد (ش۷٦٤مجلس)

: ۷۹۴

اسعدطلس (ش۲۹۹٦ص۲۱۹) از «الفرق» سمرقندی بنام «الفروق بین الاشتباهات فی العلل» یادنمود وندانست از کیست

ص۸۰۵ :

اسعدطلس دربارهٔ نگارنده «مالایسع» جوینی وابن الکتبی نیز گفته است . او از فهرست موصل ص۳٤٦ وتاریخ بروکلمن۲: ۲۱۹ وپیوست آن ۲: ۲۱۹ و۱۰۳۰ یاد کرد (ش۳۰۰۲ ص۲۱۷) .

ص۸۱۰ :

فیلغریوس Philigarius «من لا یحضره طبیب» دارد (تاریخ علوم عقلی دکتر صفا ص ۱۱۹) .

ص۸۳۱ :

اشجار واثمار درلکهنو (نولکشور) بسال۱۳۲۰ ازروی نسخهٔ تاریخ ۸۸۰ نوشتهٔ نعیمی بنام «ثمرهٔ شجرهٔ نجوم» در۲۰٤ ص نخستین بار بچاپ رسید واندکی با نسخه‌های ما جدائی دارد وسرگذشت درغانی هم درص۲۰۰ آن که باید باشد دیده نشد و نام مخدوم زادگان نیز دردیباچه آن نیست .

ص۸۳٦ :

درفهرست طلس ش۳۵٤۷/۱ص۳۳۱ از «انگشت شماری» یمنی یادشده که مانا با نسخهٔ ما یکی است .

ص۸۵۰ :

طلس درش۲۹۲۷ ص۲۱۰ نسخه‌ای ازتحریر مجسطی‌را شناساند که ازروی نوشتهٔ طوسی نوشته شد .

ص۸۵۸ :

محمدبن باقربن محمود و عبدالله‌بن فخرالدین حسینی فخری زاده برتشریح الافلاك گزارش دارند (ش۲۹٦۹ و۲۹۷۰ ص۲۱۳ فهرست طلس) .

ص۸۷۸س۱۴ :

جوامع احکام‌النجوم بیهقی ش۶٤۰ سپهسالار بخط نسخ خوش پاکیزه باعنوانهای شنگرف تاریخ۱۸ج۲سال۱۲۷۳ ازعباسقلی پسرحاجی ولی میباشد که درسپاهان ازروی نسخهٔ استادالمنجمین میرزا محمد حسن منجم برای پدرنوشته وبانسخهٔ اصل که غلط داشت وبا نسخه دیگرمقابلهٔ دقیق کرد وروز پنجشنبه۱۲ رمضان۱۲۷۳ از مقابله بیاسود و پدر مینویسد که درچهارشنبه۱۰شوال نسخه بمن رسید .

ص۹۰۱ :

طلس درفهرست‌خود ش۱/۳۵۲۷س۳۲۵ از«احکام نجوم» علی‌بن احمد بلخی‌یاد نمود وآغازآن چنین است : « الحمدلله‌الذی زین‌السماء بمصابیح نهتدی بها فی‌ظلمات » (بیوست برو کلمن ۳:۵۵۸) .

ص۹۰۳ :

طلس درش۲۹٤۱س۲۱۰ وش۱/۳۵۳٦س۳۲۹ ازشرح اشکال‌التاسیس یاد کرد.

ص۹۰۴س۱ :

آغازحاشیهٔ ابی‌الفتح محمدالهادی‌بن ابی‌نصرحسینی عراقی تاج سعیدی چنین است: «الحمدلله مقدرمقادیرالاشیاء» (ش۲/۳۵۳٦س۳۲۹ فهرست طلس) .

ص۹۰۷ :

طلس در ش ۲۹٦۸ ص ۲۱۳ ازشرح تذکره نیشابوری یاد نمود و نام او را درست ننوشت .

ص۹۰۹ :

درش۲۹۷۲س۲۱٤ فهرست‌طلس از گزارش بیرجندی یادشد .

ص۹۱۲ :

درفهرست طلس ص۲۱۱ از گزارشهای خلاصه الحساب محمد اشرف شیرازی ش ۲۹٤٤ ورمضان‌بن ابی هریره جزیری قادری م ۱۰۹۲ ش۲۹٤۵ وعمربن احمدخلی‌ماتی ش۲۹٤۷ وعبدالرحیم‌بن ابی‌بکر مرعشی ش۲۹۵۰ یادشد .

ص۹۱۴س۳۴ :

برای ماردینی بنگرید بفهرست طلس ش٤/۳۵۳۸ ص۳۳۰ وش٤/۳۵۲۷س۳۲۹ وش٤/۳٤٦۸س۳۱٤ وش۱۳/۳٤۰۲ ص۲۹۹ وش ۲/۳۵۳۳س۳۲۸ .

ص۹۱۸س۸ :

درفهرست طلس‌ش۲۹٦۱س۲۱۲ازگزارش بیرجندی برشرح ملخص یاد شد .

ص۹۲۰ :

طلس درفهرست خودش۲۷۹۳س۲۱٤ از«الصفیحة فی‌الاعمال‌الاسطرلابیة» بهائی

یاد کرد و آغاز آن هم جز نسخه ماست درش۳۴۰۲/۳ ص ۲۹۹ آنجا از شرح الصفیحة فی الاسطرلاب بهائی ودرش ۲۹۶۷ص۲۱۳ ازسوانح القریحه فی شرح الصفیحه گزارش عبدالله بن فخرالدین حسینی فخری‌زاده م ۱۱۸۵ یاد گردید .

ص۹۳۳ :

کفایة القنوع فی العمل بالربع الشمالی المقطوع از بدرالدین محمد بن محمد سبط ماردینی است ش۳۵۲۷/۱ص۳۲۹طلس (چلبی۲: ۱۵۰۰) .

ص۹۳۴ :

کیفیة المناسخة فی الفرائض بالجداول از شیخ شهاب الدین ابوالعباس احمدبن محمد الهائم م ۸۱۵ میباشد (ش۳۲۵۷/۱ ص۲۵۸طلس) او نگارندهٔ النزهة فی اختصار مرشدة الطالب الی اسنی المطالب درحساب(ش۳۲۳۴/۳ ص۲۵۱طلس)وفتح المبدع فی شرح المقنع درجبر ومقابله‌میباشد (ش۳۵۳۴/۲ص۳۲۸طلس) .

ص۹۳۸ :

درفهرست قاهره‌ج۵ص۳۶۹چنین آمده: «المدخل فی علم النجوم لابی الحسن کوشیار بن لبان الجیلی رتبه علی اربع مقالات الاولی فی الاصول الثانیة فی الحکم علی امور العالم الثالثة فی الحکم علی المواليد وتحویل سنیها الرابعة فی الاختیارات ـ وهو ناقصة الاول» این ماناهمین مجمل کوشیار است .

ص۹۴۴ :

مدخل منظوم چنانکه درآغاز آمده در۳۱۶ سروده شده مگراینکه بسبک شعرهای آغاز سدهٔ چهارم نیست واگرهم بگوئیم که از۱۳۱۶ باشد باتاریخ نوشتن نسخه(۱۱۱۱) نمی سازد .

ص۹۴۵ :

درفهرست قاهره ۵: ۳۷۱ چنین آمده : « مسائل القیصرانی فی احکام النجوم تاریخ ۱۱۰۵ بخط علی بن احمد ـ ناقصة الاول» .

ص۹۹۶س۱۵ :

درباره افسانهٔ‌دلس بنگرید بمحبوب القلوب لاهیجی ص۱۷ وشهرزوری نیز گویا از آن یاد نمود .

غلطنامه

صفحه	سطر	غلط	صحیح
دو	۱۰	Constaut	Constant
سه	۲۳	Papar	Paper
هشت	٤	خزر	خرز
ده	۳	میچیدند	میپیچیدند
پانزده	۲	دربار	درباره
شانزده	٤	گذارد	گذار
بیست‌ودو	۱۲	دانشمند	دانشمندان
٤	۱۳	۳۱	۳۸
۸	۲٤	۲۱	۲۰
۹	۲۲	جلدمنطق	جلد۱ منطق
۲۰	۵	سبر برو تقسیم	سبر و تقسیم
۲۳	۱۹	۲۸	۳۸
۲۵	۲۰	مطالعه	مطالع
۳٤	۵	لوهب	لواهب
۳٤	۸	تیلوه	یتلوه
۳۵	۲۳	همین	همین‌حاشیهٔ
۳۷	۱۳	تحذیب	تهذیب
۳۸	۲	زاد	زاده
۳۹	۲۱	فنادی	فناری
٤٤	۲۹	۱۰۵۳	۱۰۳۵
٤۷	۱۵	یدی	(زائداست)
۵٦	۱۲	مشهوده	مشهورة
٦۱	٦	تفازانی	تفتازانی
۷۰	۲	شماره«۱»دراینجازایداست	
۷۰	۱۱	ستاره شناسی	ستاره شناس
۷۱	۱	جهانی	جهان
۷۲	۱٦	برآن	برای آن

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۷۲	۲٦	۸۵	۸۵٦
۷۳	۵	خارة	خارة
۷۳	۲۸	۱۹٤۸	۱۹٤۵
۷٦	۱۵	رساله	رساله‌ای
۷۸	۱۲	بخش	جلد
۷۹	۱۲	۱۱	۱۰
۷۹	۱۸	جدل وارغنون	جدل ارغنون
۸۰	۱۰	قلعها	قلعلها
۸۰	۱۳	۱۹ـ۳۱	۲٦ـ۳۸
۸۳	۹	۱۹۳۱	۱۹۲۱
۸۳	۱۲	دانشکده	دانشگاه
۸۳	۳	Cromona	Cremona
۸۵	۲۱	٦٤٤	٦۳٤
۹۰	۹	هاش	هامش
۹۱	۹	۱۳٤۵	۱۳٤۹
۹۲	۱۳	واز	ونه از
۹۲	آخر	21728	21128
۹۵	۵	۲۱	۱۲
۱۰۱	۹	۱۰۹۸	۱۹۰۸
۱۰۲	۱۱	۹۰	۲۹۰
۱۰٤	۱۷	۱۳۵	۲۳۵
۱۰٤	آخر	۹۰۱=۱۹۰	۹۰۲=۲۹۰
۱۰۸	۲۱	۸۸۱	۸۲۱
۱۱۲	این شماره [۵۸] بایدمیان دوسطر ۱۸ و ۱۹ گذارده شود		
۱۱٤	۱۰	اقرائی	اقسرائی
۱۱۵	۲٤	۵٤	٤٤
۱۱۸	٦	«س» ودر	«س» در
۱۲۵	۲۱	۹۲۷	۹۳۷
۱۲٦	۲۵	بحر العلم اعمیقا	بحر اعمیقا

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۳۱	۲۲	الصنیف	التصنیف
۱۳۵	۱۷	المفرد(و)ش	المفر(و)ش
۱۴۰	۲۹	مرکز	مرکب
۱۴۰	۳۵	۱۲۰۹	۱۰۲۹
۱۴۱	۱	اسهاب	اسباب
۱۴۲	۲۱	اشاوا	اشارات
۱۵۵	۲۴	Pasielès	Pasiclès
۱۶۳	آخر	دربخش	دری بخش
۱۶۷	۱۶	۱۰۳۸	۱۰۳۷
۱۷۲	۹ـ۱۰	ازبکشت» دین	ازدین برگشت»
۱۷۳	۱۶	پیش از «۶۴الف» افزوده شود: «۶۳بـ»	
۱۷۳	۲۲	«امر» باید «امیز» باشد	
۱۸۴	۲۱	نسخ	منتج
۱۸۴	۲۲	ینسخ	ینتج
۲۰۵	۹	۳۶	۳۸
۲۰۷	این شمارهٔ [۱۷۰] سطر ۶ را میان دو سطر ۳ و ۴ بگذارید		
۲۱۵	۱۰	بردباراست	بردبار،
۲۲۳	۲۶	۷۸۰	۸۷۰
۲۲۴	۱۵	( )	(عربی)
۲۲۸	۱۷	المنصف	المصنف
۲۲۹	۱۴	حاشیه شرح تجرید	حاشیه حاشیه شرح تجرید
۲۲۹	۱۸	الخیر	الحیز
۲۳۴	۱۰	المنصف	المصنف
۲۴۷	۱۳	۹۲۹	۹۲۶
۲۴۸	۴	وبکار میرود	بکارمیرود
۲۴۸	آخر	اخبار	الاخبار
۲۵۵	۱	حجج...ذمانیا	حجج...زمانیا
۲۵۷	۲۴	بت وشاه دخترش	بت وشاه و دخترش
۲۶۵	۱	۳۷۳	۳۷۴

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۲۷۵	۵	تلامذته. فاخذ	تلامذته ـ فاخذ
۲۷۵	۱۸	۵۵۷ـ۵٦۳	پیش از ٦۵۳
۲۷۵	۲٤	۵	۱۵
۲۹٤	۲	۳۵	٤۷
۲۹۵	۲۵	ارامکارش	آرامگاهش
۲۹۵	۲٦	تخته فولاد	تخت فولاد
۲۹٦	۲۵	حسنعلی	حسینعلی
۳۰۰	۱۷	این کمونه ورد	این کمونه‌وارد
۳۰۰	۱۸	درحدت	دروحدت
۳۰٦	۲۵	۱۹۷۵	۱۷٤۱
۳۱۵	۱	این شماره (۱) باید درآخرسطرافزوده شود	
۳۲۰	۲٤	٤۹ ۵۰	٤۹و۵۰
۳۳٤	۱۲	۱۰۵۹	۱۰٦۰
۳۳۷	٤	۱۵	۱٤
۳٤۵	۲۵	جامی ابن‌حجر	جامی وابن‌حجر
۳٦۵	۲	بثلث	« بثلث
۳٦۵	۳	الشهید از	الشهید» از
۳٦٦	٦	مباحث	مباحثات
۳۷۲	۱٦	مکه‌مدینه	مکه ومدینه
۳۹٦	۱۱	اخبای	اخباری
٤۱۱	۱۲	۱۳ ۱۰	۱۳س۱۰
٤۱۳	۱	متکف	معتکف
٤۱۸	۱٦	شمارهٔ۵	شمارهٔ٦
٤۳۲	۲٤	محمد	محمد
٤۳٤	۲۱	۳٤	۲٤
٤۳۹	۱۳	الانسانیة لم	الانسانیة ـ لم
٤۵۰	۱٦	وصیته	وصیة
٤۵۹	۲۲	علیها	علیهما
٤٦۹	۱۷	والشر	والستر
٤۷٤	۱۳	۱ج‌سال	۱ج۱سال

صفحه	سطر	غلط	صحیح
٤٧٤	١٨	در گذشت	درسر گذشت
٤٨٨	١٦و٢٠	٧٦٧	٨٦٧
٤٩٣	١٥	گفتا	گفتار
٥٠٧	١٨	٧٩	٩٧
٥٥٤	١٢	عقل مبدع	عقل ومبدع
٥٥٨	٩	منکران(معرفت	منکران معرفت (
٥٦٠	٢٠	و×	و٤×
٥٦٦	١٢	الشین	الدین
٥٧٢	٢	دشوارشها	دشواریها
٥٨٠	١٢	پیش	بیش
٥٨٢	١٢	کلمه علی دوبار نوشته شده ویکی زائد است	
٥٨٣	١٧	Martin	Martyn
٥٩٧	١٥	مساة	مسماة
٦٠٤	آخر		گ٢الف
٦٠٨	١٦	الله	اله
٦٢١	١٤	عبارت٥/٦×دوبار نوشته شده	
٦٤٥	٢١	السلوك	الشکوك
٦٥٠	١٩	کاررازی	کارزاری
٦٥٦	٢	شماره دفتر	شماره٣٠دفتر
٦٦١	٢٠	٨٦٢	٨٦٣
٦٦١	٢٦	١٣٠٨	١٠٣٨
٦٦٦	١٦	١٩٧٥	١٠٧٥
٦٧٠	٤	شماره ١	شماره٥
٦٧٢	٢٤	١٣٠٨	١٠٣٨
٧٠٤	٩	عیون الحکمه	عیون الحکمة
٧٠٤	٢٥	نفاز	باید«نفاذ» باشد
٧٠٦	٨	بایدچنین باشد: «البحروان لم نره»	
٧٢١	٩	باید«تظهر ـ تنبه» باشد	
٧٢١	٢٢	Crithe	Crinthe

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۷۲۳	۲	ـ	باید «الی اغلوقن» باشد
۷۵۰	۱٤	وککی که	وکسی که
۷۵٦	۱۹	ودره	ودره
«	۲٤	persia	Persia
۷۵۷	۷	ب ـ ۱ / ۸۹ ـ ۸۷	ب ـ ۱ / ۹ـ۸ـ۸۷
۷٦۱	۹	هذاالنقل	هذاالنقل
۷۸٦	٦	دونیة	درنیة
۷۹۷	۹	ش۲	ش۱
۸۱۱	۷	٦۷۷	٦۱۷
۸۱۲	۲۳	ش۱۱	۱۲
۸۲۱	۱۸	صنر	صو
۸۲۱	:	میان دوسطر ۲۱و۲۲ افزوده شود: «مرغ ـ تغاقوی ـ دجاج ـ یوو» دراینجا ازفهرست بلوشه ۲ . ۵۳ بهره بردم	
۸٤٤	۱۲	داماسکیوس	داماسکیوس
۸٤٦	۲۵	و۵۲ ٦۷	و۵۲و٦۷
۸۵۰	۲	بطلیوس	بطلیوس (برابریایونانی)
۸۵٦	۲۱	syrm	Syrum
۸۵۷	٦	ثمره را	ثمره پارسی را
۸۷۰	٦	۱۰۹	۱۹۹
۸۷٤	۱۸و۱۹	دوواژهٔ «اولی» و «المرجع» تکرارشده‌است	
۸۸٤	٦	دورا از	دوراز
۸۸٤	۱۲	شوندسازدـالقصه	شوندـ سازدالقصه
۸۹۳	۵	درآپیش	درآن پیش
۸۹۷	۳	۹٤۷	٤۹۷
۹۰۲	۱۸	۵۹۵	۵۹۳
۹۰۸	۱۲	بازپسین	بازپسین
۹۰۹	۱۹	۷۱۳	۹۱۳

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۹۳۱	۱۷	۱۰و٥	۱۰/٥
۹۳۲	۱۸	معاله	معادله
۹۳۷	۱۸	۱۱/٥۲٥	٥×۱۱/٥
۹٥۳	۱۰	ش۱۸۰	س۱۷۸
۹٦٦	۱۷	افسون نیایش	افسون و نیایش
۹۸۱	۲	حکم	حکیم
۹۹٤	۱۲	بر کامسی	بر کامسی
۱۰۰٦	۱٥	جاماست	جاماسب
۱۰۱٤	۲۰	Norimhergae	Norimbergae
۱۰۲۰	۲۳	بر	بیر
۱۰۲۸	۹	کتابنات	کتابان
۱۰۳۰	۱۹	القضیته	القضیة

خاتمة الطبع

جلد سوم

بقلم

العبد

سید محمد مشکوة

بسمه تعالی

امتیاز نوع مردم از جانوران دیگر بنطق وسخنوری ودریافت کلیات است.

نطق آنستکه: بوسیلهٔ آن خواسته‌های خویش‌را بهمدیگرمیفهمانیم.

نتیجهٔ‌دریافت کلیات همانا‌علوم- ودانشهائیست که‌جان دانشمندان‌بدان‌آراسته، واین همه مظاهر تمدن از آن پیدا شده، وبدان‌ایستاده- وپیش میرود.

نطق- وتکلم وسیله‌ایست که دانشمندان بدینوسیله میتوانند تولید‌مثل کنند- ودانشهای خویش، وآنچه برمیراث پیشینیان خود افزوده‌اند، بمردم لایق ونفوس با استعداد بسپارند- وبطبقهٔ بعد انتقال دهند، ولی تکلم چیزی پایدار نیست، وتنها کسانی ازمشافههٔ دانشمندان بهره‌مند میشوند- که حاضر- ومعاصرند، - آیندگانرا از آن بهرهٔ نیست، پس بخواست خداوند دانای توانا، مردم بهنر- وپیشهٔ نوشتن و نگاشتن- رهنمون‌شدند، - تامطالب- وخواسته‌ها- ودانشها- وهنرهای‌خویش‌را بی کم- وکاست، وآنچنانکه هست، بپایان- وآیندگان برسانند.

نخستین‌سوره- واولین‌آیاتی ازقرآن مجید، که‌برپیغمبر اکرم ص نازل‌شده- اورا بخواندن- وقراءت کتب امرفرموده، وپس‌ازآنکه خودرا بآفرینش مطلق- و آفرینش مردم- وکرم بی‌انتها ستوده، گوید: علم‌بالقلم. بوسیلهٔ قلم علم‌آموخت، علم‌الانسان مالم‌یعلم. انسان‌را ازورطهٔ- نادانی نجات بخشید، وبوی‌آموخت، آنچه نمی دانست.

علم‌بالقلم: در کلام الهی مقدم آمده، زیرا که انسان در آغاز کار، درهر رشته که هست- نخست علوم مدونرا می‌خواند، وبردانشهای پیشینیان- و مواریث گذشتگان واقف می‌شود- سپس گامی فراترمی‌نهد، و بهمین ترتیب علوم-وصناعات پیشرفت میکند.

پس اگرقلم- وتعلیم بقلم- نمی‌بود، افکار- وعلوم سلف بما نمی‌رسید، - و ببرکت صنعت کتابت، آفریدگار توانا- انسان را براه پیشرفت دادن دانش- و تمدن هدایت کرد.

که گویند : **القلم سفیر العقل و رسوله ، ـ و لسانه الاطول و ترجمانه الافضل**

درهر رشته از دانش وهنر آن اندازه از حقیقت که اکنون براهل آن رشته پیدا است ـ اگر کسی بخواهد، خود بیمراجعه بنوشته‌ها ـ ومواریث پیشینیان پی ببرد، محال است ، ـ چه مثل اومثل کسی است ، که بخواهد بدون نردبان ببام رسد ـ اما کسیکه دارای فکر ـ وذوق ـ وذهنی متصرف باشد، اگر بر گفتار ـ وافکار اسلاف واقف شود ؛ آنگاه می‌تواند، خود نیز گامی فراتر نهد ـ واندکی بحقیقت نزدیکتر شود. پس مقداری که فردی ازبشر درراه کشف حقیقت پیش رفته ـ وبدانش ـ وتمدن پیشرفت داده ، بسیاراندك است . ولی هنگامی که همهٔ این اندك اندکهارا دریابیم ـ وفرا گیریم ، ـ بخش بزرگی ازحقیقت برما روشن خواهدشد .

درهر رشته ازدانش ـ وهنر که فرض کنید ما وسیلهٔ برای دریافتن ـ وآگهی یافتن ازآن ـ وچگونگی آن ـ در ادوار ـ وقرون پیشین ، جز کتاب بدست نداریم؛ شیخ بهائی ره گوید :

انیس کنج تنهائی کتاب است	فروغ صبح دانائی کتاب است

وشاعر عرب گوید :

لنا ندماء ما نمل حدیثهم	أمینون مامونون غیبا ومشهدا
یفیدوننامن علمهم علم مامضی	ورأیا و تأدیبا وأمرا مسددا
بلاعلة تخشی ولاخوف ریبة	ولا نتقی منهم بنانا ولا یدا
فان قلت هم أحیاء لست بکاذب	وأن قلت هم موتی فلست مفندا

چنانکه هم اکنون اگر بخواهیم ازپیشرفت علم یاهنری درعصر حاضر آگاه شویم ، می‌باید بمطبوعات ـ و کتب مربوط بدان مراجعه کنیم، که گویند:

لولاماعقدته الکتب من تجارب الاولین لانحل مع النسیان عقود الاخرین .

پس درهر رشته ازعلم، اگر کتابهائی که تألیف شده ـ وپیشرفتهائی که حاصل شده ، ازما بگیرند ـ وبخواهیم ابتداء ـ و مستقلا ، بدون هر گونه استفاده ازافکار دیگران، خود بتنهائی چیزی بیابیم، دانش ما بسیاراندك، وناچیز خواهد بود.

پس ترقیاتی که درعلوم ـ وصنایع ملاحظه میشود ، ودرهرعصری بتناسب آن عصر موجود بوده ، وهست ، ـ همه مربوط بکتاب ـ و کتابخانه است ؛ وبهمین سبب است، که درهر دوره ـ وزمانی ، وهرملتی که پا بعرصهٔ تمدن میگذارد ، بصددفراهم

کردن کتاب ـ و کتابخانه ، ـ وترجمهٔ آن اززبانهای مختلف بزبان ملی خویش می پردازد ، ومدارس بنیاد میگذارد ـ تاهممیهنان خویشرا بدانش ـ وتمدن گذشتگان، آشنا کند ـ واز پیشرفت‌علم ـ وهنرآگاه سازد ـ تاآماده‌شوند که‌درراه کسب‌تمدن گامی فرا پیش نهند .

لهذا است ـ که‌حجم کتابخانه‌ها ـ وشمارهٔمدارس ـ ودانش‌پژوهان ـ ودانشمندان هرملتی ، مقیاس ـ ومعیار تمدن اوست . وتعداد کتب ـ ومکاتب ـ ومدارس ـ وعلماء هرملت باتمدن اودر دوخط متوازی روبافزایش میرود . وچون ملتی بخواب‌غفلت فرورفت ملتهای بیدار ـ که با بعرصهٔ تمدن گذارده‌اند ، نخست ازهرسو بانتقال ـو نقل کتب ـ و کتابخانه‌های آن‌ملت دست می‌یازند ، چنانکه ملت ایران ازخاوردور وباختر کتابهائی باین کشور آوردند ـ که اهم آنهـا مانند **کلیله‌ودمنه** را بپارسی ترجمه کردند ، وملت اسلام ـ در نخستین قرن پیدایش تمدن اسلامی، کتب ایران ـو هند ـ ویونان‌را ازخاور ـ وباختر گردآوردند، وبزبانهای تازی‌وسریانی نقل کردند. نمونهٔ ازاین ترجمه‌ها درهمین کتابخانه موجوداست(۱) وازدو قرن پیش که مردم مغرب زمین از تمـدن کافی بهره‌مند شدند ، نخـت بگردآوردن کتب مشرق زمین پرداختند، وبهروسیله که‌دراختیارداشتند کوشیدندتا اکثرآن کتابهارامتصرف‌شدند، و کتابخانه ها بنیاد نهادند .

۱ـ وبرای اطلاع ازآنچه در کتابخانه‌های دیگرموجود است رجوع کنید بفهرست آن کتابخانه‌ها مانند کتابخانهٔ بریتیش موزیم لندن ـ و کتابخانهٔ سلطنتی برلن‌و کتابخانهٔ ملی پـاریس ـ و کتابخانهٔ اسکوریال درمادرید اسپانی ـ و کتابخانهٔ خدیوی مصر ـ و کتابخانهٔ آصفیهٔ هند ـ و کتابخانهٔ بشیرآقا دراسلامبول ـ ودرایران بکتابخانهٔ رضوی ٤ درمشهد و کتابخانهٔملك درطهران وغیرها . ولی اغلب این کتابها دراثرحوادث مختلف‌از میان‌رفته است. چنانکه تنها ابن‌الندیم که بکنفروراق است درکتاب‌الفهرست که در۳۷۷ تألیف‌شده‌بیش ازهشت‌هزار کتاب‌معرفی‌میکند درحالتی که ازاین کتابها آنچه‌در کتابخانه های دنیا موجود است بهزارمجلد نمی‌رسد . برای اطلاع ازاین کتب و اینکه پیشینیان ما چگونه بدانش و تمدن خدمت کرده اند مراجعه کنید بکتب رجال و فهارس قدمـاء مانند فهرست ورجال شیخ‌طوسی ـ و کشی‌ونجاشی وجامع‌الرواة اردبیلی ولسان‌المیزان ابن‌حجر ـ وتهذیب‌الکمال‌وتهذیب‌التهذیب وطبقات‌حنفیه وشافعیه و کشف‌الحجب والاستار و کشف‌الظنون ـ و عیون‌الانباء ابن ابی اصیبعه ـ وتتمهٔ صوان‌الحکمه و نزهة‌الارواح شهرزوری وسایر کتبی که درتألیف همین فهرست ازآنها استفاده شده است .

جای بسی تأسف است. که مدارك و اسناد ملیت و بزرگی وسیادت خویش را بآسانی ازدست داده ومی‌دهیم . سپس برای وقوف برچگونگی همین اسناد گاهی فهرست کتب‌فارسی‌وعربی‌آن کتابخانه‌هارا ببهای گران‌خریداری میکنیم.وهنگامی چاپ عکسی آنهارا بقیمتی که‌شاید باقیمت‌خرید اصل‌نسخه‌برابری میکندمیخریم(۱) وگاهی برای بدست‌آوردن عکسی ازنسخهٔ خطی کتابی که ازمیراث پدران ما بوده دست نیاز بسوی کتابخانه‌های کشورهای بیگانه درازمیکنیم، وپس ازصرف مبالغ هنگفتی آن عکس‌را بدست می‌آوریم .

یاللعجب- که این کتب خطی که دارای مزیت است درزمانی - که اینکشور مشعلدار تمدن جهان بوده ونزد دانشمندان بدرجه‌ای اهمیت داشت- که آنهارا بقول **ابن‌الندیم** درآستین خود حمل میکردند ، و برای دست یافتن بریك نسخهٔ خطی سالیان دراز انتظار میکشیدند - تا آنرا بقیمت گزاف بدست می‌آوردند ؛ چنانکه ابن‌الندیم(۲) وغیر او قصص وحکایاتی عجیب دراینباب نقل میکنند .

سلاطین صفوی برای یك نسخه ازآثار **صدوق ابن‌بابویه** که در کتابخانهٔ پادشاه **هند** سراغ گرفته‌بودند، مبالغ هنگفتی طلا- وجواهرات - وهدایا فرستادند تاآن نسخه را گرفتند .

درشرح حال‌سید مرتضی (متوفی ۳۵۵) آمده ، که وی یك نسخه از کتاب **جمهرةابن‌درید** از**علی‌بن‌احمدالفالی** (متوفی۴۴۸) بپنج دینار طلاخریداری کرد وپس ازچندی که بمطالعهٔ آن کتاب مشغول بود درآن‌رقعه‌ای یافت - **بخطفالی** که

۱- مانند تاریخ گزیدهٔ حمدالله مستوفی ، وانساب سمعانی .

۲- ابوزکریا یحیی‌بن‌عدی(بن‌حمیدبن‌زکریا) الطیفوری (النصرانی شاگرد مبرز ابوبشر متی بن یونس قنائی و همدرس - وممتازترین شاگرد فارابی ، فیلسوفی معروف وبرادر ابراهیم‌بن عدی‌است که اونیز ازفلاسفهٔ‌معروف‌است) گوید: شرح‌اسکندر برسماع طبیعی - و کتاب برهان ارسطورا بیك صدوبیست دینارطلا برمن عرضه کردند- که‌بخریم رفتم که پول فراهم کنم ، ولی چون برگشتم - مردی خراسانی‌آنها را باچند کتاب دیگر بسه هزار دینارخریده بود .

ونیز گوید: سه‌باب ازشرح اسکندر برمنطق ارسطورا به‌پنجاه دینار طلاخریداری کردم ، وصاحب‌آن نفروخت (نگاه کنیدبباب فلسفه‌وفلاسفه از کتاب‌الفهرست ابن‌الندیم)

در آن چنین نوشته بود:

آنست بها عشرین حولا و بعتها	فقد طال شوقی بعدها و حنینی
و ما کان ظنّی اننی سأ بیعها	ولو خلّد تنی فی السجون دیونی
ولکن لضعف وافتقار وصبیة	صغار علیهم یستهل شؤونی
فقلت ولم املك سوابق عبرة	مقالة مشوی الفؤاد حزین
وقد تخرج الحاجات یاام مالك	کرائم من رب بهن ضنین

چون سید مرتضی رقعه را قرائت کرد اندوهناك شد، وبی درنگ کتاب را بعلاوهٔ مبلغی پول بفالی اعاده داد(۱).

مرحوم سید حامد حسین صاحب کتاب عبقات برای یك نسخهٔ خطی نفیس که در کتابخانهٔ شریف مکه بود بمکه رفت، ودر آنجا اقامت گزید، ومدتی دراز کوشید تا بشریف مکه نزدیك شد، واعتماد اورا بخود جلب کرد، وبکتابخانهٔ شریف راه یافت آنگاه نسخهٔ را که سراغ داشت محرمانه نویسانید واز آنجا بهندوستان گریخت.

مرحوم حاج میرزا حسین نوری جامهٔ تن خود را فروخت و بـا پول آن کتابی خرید.

ازمرحوم شیخ صادق کتبی کتابفروش نامی نجف شنیدم، که مرحوم آیة‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، نسخهٔ اصل یکی از مؤلفات ابن تیمیه را بمبلغ چهار صد دینار عراقی خریداری کرد.

از دانشمندان باخترزمین هم نظائر این قصص وحکایات نقل شده است، بالجمله: ژان ژاك روسو دانشمند نامی، نسخهٔ خطی دیده و خواهان آن شد، ودر حدود سه ماه شهر بشهر ودیار بدیار بدنبال نسخه سفر کرده تا پس از تحمل مشقت بسیار بمطلوب رسیده وسپس در این باب مقالهٔ نوشت که از آثار معروف وی است(۲)

۱ـ نگاه کنید بکتاب الکنی والالقاب تألیف مرحوم حاج شیخ عباس قمی چاپ نجف ذیل شرح حال سید مرتضی، و بکتاب روضات الجنات وسایر کتب شیعه در شرح حال سید مرتضی. این حکایت را یاقوت درمعجم الادباء (در شرح حال فالی «ابوعلی» بقاضی ابو بکر بن بدیل تبریزی نسبت داده وروایت او اندکی با آنچه مانگاشتیم اختلاف دارد.

۲ـ ژان ژاك روسو در کودکی یتیم شده بود وی درمقالهٔ مذکور گوید: دائی من سرهنگی باز نشسته بود که مرا دوست می‌داشت. عید نوئل نزدیك شده ودکان دارسر کوچهٔ ما

بقیهٔ حاشیه درصفحه بعد

امیدواریم - که دولت وقوهٔ مقننه مملکت باهمیت مواریث اسلاف ما توجه کنند، و با تعیین بودجهٔ مخصوصی برای خریداری نسخ خطی نفیس - و با وضع مقرراتی - ازنقل وانتقال آثارسلف صالحما بکشورهای بیگانه جلوگیری کنند.

ازخداوند مسألت میکنیم که: ازچشم ثروتمندانی که این گونه نسخ نفیس را نزد خود گردآورده وحبس کرده‌اند، پردهٔ غفلت بردارد، - تامتوجه شوند که‌اینها آثارپدران این‌ملت - واز مفاخر ملی اوست : سزاوار است اسناد ملیت قومی که اساس تمدن جهان‌را بنیاد نهاده‌اند، ازدستبرد حوادث بر کنارماند، وآیندگان هم بتوانند ازآنها متمتع شوند، - وبدانها افتخار کنند؛ شاید این جماعت متنبه شوند و آن نفائس‌را بمؤسسهٔ که صلاحیت حفظ - ونگاهداری آنرا دارد بسپارند.

خدایا ثروتمندان‌غافل‌را هدایت کن که ازخریدن - و وقف کردن- وسپردن این قبیل نفائس بمؤسساتی که شایستگی دارند دریغ نکنند. چه خیرات ومبراتی برتر ازین نیست که‌شخص ازتضییع - واتلاف - وازاینکه اسنادقومیت ملتی‌بدست بیگانگان بیفتد جلوگیری کند؛ وبرای متتبعان- ودانشمندان هممیهن خویش‌وسیلهٔ کار وپیشرفت درراه دانش- وهنر فراهم سازد. وآنانرا یاری کند - که موجبات افتخار آیندگانرا بهترفراهم سازند.

درمقدمهٔ جلد اول این‌فهرست (فهرست کتب راجع بقرآن ودعا) که درسال

بقیه حاشیه ازصفحه قبل

اسباب بازی بچه‌آورده بود دراین میان‌من‌عاشق عروسك لته‌ای شده بودم، ولی‌چکنم که عروسك اسباب‌بازی دختربچه‌هاست ومن پسرم پولی نداشتم که خودآنرا خریداری کنم‌و ازمادرم هم‌شرم داشتم که چنین مطلبی باوبگویم؛ پس‌بسراغ دائی خودرفتم، دائی‌دستم‌را گرفت وبسوی خانهٔ مابراه افتاد که ازمادرم دیدن کند، چون بدکان‌سر کوچهٔ ما رسیدیم ناگهان عروسك‌را بدائی خود نمودم وازوی خواهش کردم که آنرا برای‌من‌بخرد، ولی دائی برآشفته گفت پسربچه رابا عروسك‌چه کار؛من ازاین سخن‌شرمنده شدم وازعروسك دل بر کندم وی‌درپایان مقاله بیاد عروسك‌افتاده میگوید دائی کجائی؛ که‌همچنانکه‌آنروز مرا ازعشق‌عروسك لته‌ای منصرف کردی، امروز هم‌ازعشق عروسك کاغذی (این کتاب خطی) باز میداشتی تابرای بدست‌آوردن آن اینهمه رنج وزحمت نمی کشیدم.

ولی پوشیده نباشد که تمام این‌مقدمه فقط از آنچه در خزانهٔ حافظه محفوظ بود نگاشته‌شد، وهیچگونه کتاب‌ومأخذی که‌بدان‌مراجعه کنم‌جز مجمع‌البحرین‌دردسترس نداشتم.

۱۳۳۰-۳۱ ازطرف دانشگاه‌تهران منتشرشد ، صورت‌جلسهٔ‌شورای محترم‌دانشگاه مورخ۲۶بهمن‌ماه۳۲۸ نیزدرج شده بود .

در آن جلسه برحسب تقاضای این بنده مقررشد ـ که فهرست این کتابخانه زیرنظرمستقیم این ضعیف بزودی تألیف ـ وطبع و نشرشود . برای این کار دو نفر ازشاگردان سابق این حقیر که اکنون ازدوستان فاضلم بشمارمی‌آیند ، یعنی آقای محمد تقی دانش‌پژوه ـ و آقای علینقی منزوی را برگزیدم .

جلد اول فهرست تألیف‌آقای منزوی‌قبلا منتشرشده ، وازجلددوم که‌فهرست کتب ادب وآنهم‌تألیف ایشانست ـتاکنون چهارصدوهشت‌صفحه بچاپ رسیده ـ و درحدود یکصدصفحهٔ دیگرباقی است ـ که امیدواریم کوشش فرمایند که انتشارآن بیش ازین بتعویق نیفتد. جلد سوم نیز که مشتمل بر کتب فلسفه ـ و عرفان ـ و کلام وحساب وهندسه وهیأت ـ واحکام نجوم ـ واقسام ریاضی ـ وعلوم غـریبه است . اینك دراثر مساعی‌جمیله و کوشش ـ وزحمتی ـ که شایستهٔ کمال تحسین است بقلم آقای دانش‌پژوه‌دام افضاله باهمین مقدمه در دوبخش که جمعاً یکهزارویکصدونود صفحه است منتشرمی‌شود .

وفهرست بقیهٔ کتابها که کتب‌حدیث ـ وفقه ـ واصول‌است نیزآقای دانش‌پژوه قبول‌فرموده‌اند ـ که پس ازانتشارهمین‌جلد بلافاصله‌شروع میکنند،بنابراین‌فهرست کتب‌این کتابخانه انشاءالله بزودی (باحتمال‌قوی تاآغازسال۳۳) بانجام‌خواهدرسید.

درمقدمهٔ جلد اول‌فهرست پیش‌بینی شده بود که فهرست این کتابخانه درپنج مجلد تألیف ونشرشود ، ـ واکنون نیز چنین است ؛ جزاینکه ترتیب مجلدات سوم ببعد تغییر میکند . ـ چـه قبلا تصور میشد که رشته‌های علوم عقلیه همه دریك جلد تألیف ونشرخواهد شد، ولی در عمل معلوم‌شد ـ که میباید این‌جلد دردو بخش (یا این بخش دردو جلد) منتشرشود ؛ بخش نخستین (یاجلد اول) علوم فلسفه ـ وعرفان و کلام ـ واخلاق .بخش دوم (یاجلد دوم) علوم طب ـ وحساب ـ وهندسه ـ وهیأت‌و نجوم ـ واقسام ریاضی ـ وعلوم غریبه . ولی درمقابل کتب اخبار ورجال ـ وفقه ـ و اصول ـ که قرار بود در دومجلد منتشر شود ، ـ حالا معلوم شده ـ که ازیك مجلد تجاوز نخواهد کرد .

بنابراین سه‌جلد فهرست تااین‌تاریخ منتشرشده، ویك‌جلد هم که نزدیك باتمام است بایدتمام‌شده‌دانست. سپس فقط یك‌جلدازفهرست کتابخانهٔ دانشگاه باقی‌مانده- که آنهم بزودی طبع و نشرخواهد شد.

اکنون ملاحظه‌میشود باوجود موانع‌واشکالاتی که دراینگونه امور همواره پیش میآید، دانشگاه تهران از بذل کمال مساعدت دریغ نفرموده‌اند، هم وسیلهٔ نگهداری و حفاظت اصل نسخ خطی نفیس‌را با حسن وجه (چنانکه درمقدمهٔ جلد اول تذکرداده‌ایم) فراهم ساختند، و هم دربارهٔ تألیف وطبع ونشرفهرست کتابخانهٔ دانشگاه اقدام فرمودند که عنقریب بانجام میرسد.

واینهمه رهین توجه‌خاصی است که ازطرف دانشمند جلیل جناب‌آقای‌دکتر علی‌اکبرسیاسی رئیس معظم‌دانشگاه درطول مدت ابرازمیشده، چه بمجرداینکه کتابخانهٔ دانشگاه تأسیس شد مورد توجه‌آنجناب‌قرارگرفت، واهمیت این‌موضوع درنظرایشان‌هویدا شد. ولهذا پیوسته ابرازعلاقه میفرمودند، ودرنتیجه کلیهٔ ادارات دبیرخانه که همه ازآن مقام عالی الهام میگیرند علی الخصوص ادارهٔ انتشارات — و بالاخص چاپخانهٔ دانشگاه ازمساعدت مقدورمضایقه نکردند وفقهم‌الله جمیعاللخیر

پس‌بموجب‌خبرمعروف **لایشکرالله‌من لایشکرالناس**(۱) لازم‌دانست‌بدینوسیله مراتب تشکرات قلبی خودرا حضورمعظم‌له تقدیم دارد.

ازخداوند مسألت میکند که درراه بسط دانش — وفرهنگ و تقویت علماء حقیقی- وخدمت باین کشور باستانی، موفق- و کامیاب باشند. **فجزاهالله عن‌خدمة العلم‌واهله خیرالجزاء** طهران۲۸ آذرماه۳۳۲ مطابق۱۲ ربیع‌الثانی۱۳۷۳و کتب ذلك، بیمناه‌الداثرة

العبد سید محمد مشکوة.

۱- یعنی لایقبل‌الله شکرالعبد علی احسانه اذا کان لایشکر احسان‌الناس ویکفر معروفهم لاتصال احدالامرین بالاخر (مجمع البحرین).

فهرست مخطوطات تاريخ الفلسفة والمخطوطات الطبية والرياضية
والكيماوية والصناعية والروحانية
في خزانة السيد المشكاة
المهداة الى مكتبة جامعة طهران
تأليف: محمد تقي دانش‌پژوه
مطبعة جامعة طهران
۱۳۷۳ - ۱۹۵۳

Catalogue
méthodique, descriptif et raisonné
des
manuscrits scientifiques (médecine,
mathématique, sciences occultes et histoire
de philosophie)
de la
Bibliothèque de l'Université de Téhéran
(Don de M. le Professeur Meshkât)
Par
M. T. Dânech - Pajouh

Imprimerie de l' Université
1953-1332